

سخن نو

در تفسیر قرآن

(به ترتیب نزول)

جلد هفتم

از : جمال گنجه ای

الحمد لله رب العالمين

شناسنامه کتاب

نام کتاب : سخن نو در تفسیر قرآن – جلد هفتم

نام مولف: جمال گنجه ای

تاریخ انتشار ویرایش جدید در فضای مجازی:

تابستان ۱۴۰۰

<https://tafsir.ganjei.com>

jamalganjei@gmail.com

فهرست

صفحه	موضوع
۵	مقدمه
۶	فهرست الفبائی همه سوره ها
۱۶	فهرست مندرجات هر جلد کتاب تفسیری
۱۹	تفسیر سوره قصص
۶۸	تفسیر سوره نمل
۱۲۱	تفسیر سوره مریم
۱۵۸	تفسیر سوره یوسف
۱۹۴	تفسیر سوره حجر
۲۴۳	تفسیر سوره طه
۳۰۰	تفسیر سوره انعام
۴۰۵	تفسیر سوره اعراف
۵۱۷	تفسیر سوره کهف

مقدمه

تفسیر قرآن، کوششی است مستمر برای فهمیدن، و بهتر فهمیدن پیام وحی.

همانطور که در هر تلاش و کوشش بشری، مجهز بودن به ابزار مناسب و درخور، یاریگر و بلکه لازمه رسیدن به هدف و مقصود است، مفسر قرآن هم در تفسیر کلام خداوند بی نیاز از ابزارهای لازم و مناسب نیست.

با مطالعه تفاسیر کلاسیک قرآن می‌توان دید که مفسران سرشناس، هر چند در بالاترین درجات عالی علم و فضل هم بوده‌اند، ولی چون ابزار مناسب برای چنین تلاش مهمی نداشته‌اند، بعضاً به خطا رفته‌اند و از مشهورترین و معتبرترین تفاسیر کلاسیک هم می‌توان اشکال‌های زیادی گرفت.

رویکرد نو ما در «تفسیر تحلیلی قرآن»، ابزاری به مفسر قرآن پیشنهاد می‌کند که امیدواریم مورد توجه اهل فن قرار گیرد و دوره‌ای نو در ادراک پیام خداوند آغاز شود.

برای آشنایی با مبانی این روش توصیه می‌کنم :

۱۶۰ صفحه ابتدایی کتاب «علوم قرآنی» ما مطالعه شود. (در سایتی که در اول این کتاب نشانیش داده شده) برای دانشمندانی که تنگی وقت‌شان در این حد هم مجال نمی‌دهد توصیه می‌کنم ۹۰ صفحه ابتدایی را از دست ندهند.

چندین کلیپ ویدئویی کوتاه در معرفی این روش تهیه شده است که به علاقمندان توصیه می‌کنم در سرویس‌های رایج اشتراک ویدئو با جستجوی «تفسیر تحلیلی قرآن مجید» مشاهده کنند.

فهرست الفبائی همه سوره ها

ردیف	نام سوره	جلد
۱	ابراهیم	۶
۲	احزاب	۱۰
۳	احقاف	۵
۴	اسراء	۶
۵	اعراف	۷
۶	اعلی	۲
۷	آل عمران	۹
۸	انبیاء	۶
۹	انشراح	۹

۳	انشقاق	۱۰
۷	انعام	۱۱
۹	انفال	۱۲
۳	انفطار	۱۳
۴	بروج	۱۴
۹	بقره	۱۵
۲	بلد	۱۶
۹	بینہ	۱۷
۴	تبت	۱۸
۱۰	تحریم	۱۹
۱۰	تغابن	۲۰
۲	تکاثیر	۲۱

٣	تکوير	٢٢
١٠	توبه	٢٣
١	توحيد	٢٤
١	تين	٢٥
٥	جاثيه	٢٦
٩	جمعه	٢٧
٤	جن	٢٨
٣	حاقه	٢٩
٩	حج	٣٠
٧	حجر	٣١
١٠	حجرات	٣٢
١٠	حديد	٣٣

۹	حشر	۳۴
۱	حمد	۳۵
۵	دخان	۳۶
۳	دھر	۳۷
۴	ذاریات	۳۸
۳	رحمان	۳۹
۸	رعد	۴۰
۸	روم	۴۱
۵	زخرف	۴۲
۱	زلزال	۴۳
۸	زُمر	۴۴
۵	سباء	۴۵

۸	سجده	۴۶
۶	شعراء	۴۷
۱	شمس	۴۸
۵	شوری	۴۹
۶	ص	۵۰
۶	صافات	۵۱
۹	صف	۵۲
۱	ضحی	۵۳
۱	طارق	۵۴
۱۰	طلاق	۵۵
۳	طور	۵۶
۷	طه	۵۷

۹	عادیات	۵۸
۲	عبس	۵۹
۱	عصر	۶۰
۲	علق	۶۱
۸	عنكبوت	۶۲
۳	غاشیه	۶۳
۸	فاطر	۶۴
۱۰	فتح	۶۵
۲	فجر	۶۶
۸	فرقان	۶۷
۵	فصلت	۶۸
۱	فلق	۶۹

۴	فیل	۷۰
۳	ق	۷۱
۱	قارعه	۷۲
۱	قدر	۷۳
۲	قریش	۷۴
۷	قصص	۷۵
۳	قلم	۷۶
۴	قمر	۷۷
۳	قیامت	۷۸
۲	کافرون	۷۹
۴	کوثر	۸۰
۷	کهف	۸۱

٨	لقمان	٨٢
١	ليل	٨٣
١٠	مائده	٨٤
٩	ماعون	٨٥
١٠	مجادله	٨٦
٩	محمد	٨٧
٤	مدثر	٨٨
٣	مرسلات	٨٩
٧	مريم	٩٠
٢	مزمل	٩١
٣	مطففين	٩٢
٤	معارج	٩٣

٨	ملك	٩٤
١٠	ممتحنه	٩٥
٩	منافقون	٩٦
٥	مومن	٩٧
٦	مومنون	٩٨
٤	نازعات	٩٩
١	ناس	١٠٠
٣	نباء	١٠١
٢	نجم	١٠٢
٨	نحل	١٠٣
١٠	نساء	١٠٤
١٠	نصر	١٠٥

۷	نمل	۱۰۶
۴	نوح	۱۰۷
۱۰	نور	۱۰۸
۳	واقعه	۱۰۹
۲	همزه	۱۱۰
۶	هود	۱۱۱
۵	یاسین	۱۱۲
۷	یوسف	۱۱۳
۶	یونس	۱۱۴

برای یافتن سوره ها ئی که به بیش از یک نام معروف میباشند نام های دیگرشان نیز ذیلا ذکر شده که توصیه میشود به نامی که در فهرست الفبائی فوق ذکر شده مراجعه شود :

اخلاص : توحید - انسان : دهر - الم سجده : سجده - برائت : توبه - حم سجده : فصلت - شرح : انشراح - فاتحه الکتاب : حمد - قتال : محمد - غافر : مومن - ملائکه: فاطر - مسد : تبت -

فهرست مندرجات هر جلد کتاب تفسیری (بدون ذکر صفحه)

جلد ۱

۱ عصر - ۲ توحید - ۳ حمد - ۴ زلزال - ۵ قارعه - ۶ ضحی - ۷ فلق
۸ ناس - ۹ تین - ۱۰ لیل - ۱۱ شمس - ۱۲ طارق - ۱۳ قدر

جلد ۲

۱۴ علق - ۱۵ قریش - ۱۶ تکاثر - ۱۷ بلد - ۱۸ همزه - ۱۹ فجر - ۲۰
نجم - ۲۱ عبس - ۲۲ کافرون - ۲۳ اعلی - ۲۴ مزمل

جلد ۳

۲۵ انفطار - ۲۶ تکویر - ۲۷ حاقه - ۲۸ مرسلات - ۲۹ قلم - ۳۰ غاشیه
۳۱ نباء - ۳۲ طور - ۳۳ واقعه - ۳۴ رحمان - ۳۵ دهر - ۳۶ مطففین
۳۷ قیامه - ۳۸ انشقاق - ۳۹ ق

جلد ۴

۴۰ مدثر - ۴۱ نازعات - ۴۲ نوح - ۴۳ قمر - ۴۴ فیل - ۴۵ بروج - ۴۶
مسد - ۴۷ معارج - ۴۸ ذاریات - ۴۹ جن - ۵۰ کوثر

جلد ۵

۵۱ دخان - ۵۲ زخرف - ۵۳ فصلت - ۵۴ جاثیه - ۵۵ احقاف - ۵۶
مومن - ۵۷ یس - ۵۸ شوری - ۵۹ سباء

جلد ۶

۶۰ مومنون - ۶۱ ابراهيم - ۶۲ اسراء - ۶۳ هود - ۶۴ شعراء - ۶۵
يونس - ۶۶ انبياء - ۶۷ صافات - ۶۸ ص

جلد ۷

۶۹ قصص - ۷۰ نمل - ۷۱ مريم - ۷۲ يوسف - ۷۳ حجر - ۷۴ طه -
۷۵ انعام - ۷۶ اعراف - ۷۷ كهف

جلد ۸

۷۸ فرقان - ۷۹ سجده - ۸۰ زمر - ۸۱ لقمان - ۸۲ عنكبوت - ۸۳ نحل
- ۸۴ فاطر - ۸۵ روم - ۸۶ رعد - ۸۷ ملك

جلد ۹

۸۸ انشراح - ۸۹ حج - ۹۰ بقره - ۹۱ بينه - ۹۲ ماعون - ۹۳ عاديات -
۹۴ صف - ۹۵ محمد - ۹۶ انفال - ۹۷ حشر - ۹۸ منافقون - ۹۹ جمعه
- ۱۰۰ آل عمران

جلد ۱۰

۱۰۱ تغابن - ۱۰۲ حديد - ۱۰۳ احزاب - ۱۰۴ نساء - ۱۰۵ نور - ۱۰۶
طلاق - ۱۰۷ فتح - ۱۰۸ ممتحنه - ۱۰۹ نصر - ۱۱۰ توبه - ۱۱۱
حجرات - ۱۱۲ مجادله - ۱۱۳ تحريم - ۱۱۴ مائده

مرحله هفتم

افزایش فشارها

به پیامبر و مومنان

و

نزول آیات امید بخش

سوره قصص

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

طسم ﴿۱﴾ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ﴿۲﴾ نَلُّوا عَلَيْكَ مِنْ نَبِيٍّ مُوسَىٰ وَفِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿۳﴾ إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيْعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يَدْخُلُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ ﴿۴﴾ وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ ﴿۵﴾ وَتُمْكِنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ ﴿۶﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره)، برای کل ۱۱۴ سوره قرآن، در کتاب «خودآموز تفسیر قرآن» (از همین قلم) وجود دارد، و خود کتاب مذکور را میتوانید در سایت (<https://tafsir.ganjei.com>) بیابید، و البته مبانی این موضوع نیز در ۱۶۰ صفحه اول کتاب «علوم قرآنی» (موجود در همان سایت) شرح داده شده است. و در مورد این سوره، عصاره محتوا، همان است که ذیلا دیده میشود.

درس: چگونه خداوند مخالفان پیامبران را نابود، و خود آنان را موفق می نماید.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: گردنکشی فرعون، و تجاوزش از حدود، موجب نابودی او گردید.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

طسم ﴿۱﴾ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ﴿۲﴾

ریزدرب: فرایند شکست مخالفات به قدرت آیات و حیانی صورت میگیرد.

۲

نَتْلُو عَلَيْكَ مِنْ نَبَأِ مُوسَى وَفِرْعَوْنَ بِحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿۳﴾ إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيْعًا يَسْتَضَعِفُ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يُذَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ ﴿۴﴾

ریزدرب: ای پیامبر! دل خوش دار، که مخالفان قدرتمندت شکست خواهند خورد.

۳

وَتُرِيدُ أَنْ تَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَتَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَتَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ ﴿۵﴾ وَتُمْكِنُ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَتُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ ﴿۶﴾

ریزدرب: این قانون الهی است که کسانی که بطور ناعادلانه از جایگاه حقیقی شان به زیر کشیده شدند به آن برگردانده شوند.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقا با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبَّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقا می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳ - سوالات

- ۱ - «طسم» از حروف مقطعه است درباره حروف مذکور چه میدانید؟
- ۲ - «حق» (آیه ۳) به چه مفهوم به کار رفته؟
- ۳ - «امام» (آیه ۵) به معنی لغوی به کار رفته یا اصطلاحی؟
- ۴ - با توجه به آیه ۵، آنها «وارث» چه شدند؟
- ۵ - در این پاراگراف چه چیزی هست که قابل شبیه سازی با اوضاع و احوال مکه آن روزها باشد؟ [حتما توجه دارید که مکه آن روزها را میتوان «شهربدون شهردار» یا «جامعه بدون نهادهای حکومتی» نامید و از این لحاظ هیچ شباهتی به مصر زمان فراعنه نداشت]
- ۶ - کدام آیه این پاراگراف ظرفیت استفاده برای «حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها» دارد؟
- ۷ - «نرید» (آیه ۵) چه تفاوت هائی با «نشاء» دارد؟
- ۸ - چرا در آیه ۶ به جای «جنودهما» نفرموده «جنوده»؟
- ۹ - با توجه به آیه ۶، آنها از چه چیزی «حذر» داشتند؟
- ۱۰ - چرا بجای «تتلوا» (آیه ۳) نفرموده «نقص»؟
- ۱۱ - منظور از «مِن» (آیه ۳) چیست؟
- ۱۲ - با توجه به آیه ۳، چرا مخاطب این داستان فقط مومنان هستند؟
- ۱۳ - بین مفاهیم مندرج در آیه های ۳ و ۲ چه رابطه ای وجود دارد؟

۴ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

موسی در برابر فرعون بهترین مثال برای یک نبرد نابرابر است، و مثال زدن داستان موسی در این سوره، آنهم با این شرح و تفصیل زیاد، گویای این است که در روزهای نزول این سوره، آنحضرت و پیروانش در یک نبرد نابرابر با مخالفانِ تکذیبگر قرار داشتند.

۵ - پیشگویی‌های تحقق یافته

در آیه ۵ پیشگویی نموده که امروز تحقق آن را واضح تر می بینیم تا ۱۴۰۰ سال قبل.

۶ - آیات برجسته این پاراگراف

آیه ۵ از برجسته ترین آیات قرآنی است، هم به دلیل اقبال گسترده هنرمندان، و هم اقبال زیاد خطبا و نویسندگان و اهل فکر به آن، و متنش فوق العاده امید بخش، و نگاهی به تاریخ بشر محرک و سازنده و پر از خوش بینی است.

۷ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه ۱ که جزء حروف مقطعه است، در این ۱۴۰۰ سال کسی نتوانست توضیح مقبولِ عام در باره شان عرضه کند، چه رسد به مخاطبان اولیه! از آنجا که حتی امروز نیز علماء فلسفه تاریخ در باره پایان تاریخ بشر نظر واحدی ندارند، و ضمناً نظراتشان متناقض و متباین و متضاد است، این نکته فهمیده میشود که محتوای آیه ۵ تا امروز نیز بخوبی فهمیده نشده و ذهنی بشر نگشته، چه رسد به ذهن بسیط و خالی از علم مخاطبان اولیه.

۸- کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریباً تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

قرآن قصه بافی نکرده

«بالحق» در آیه ۳ یعنی چه؟

آیا این معنی را میدهد که برسبیل شبیه سازی برای ادای موعظه (مثلاً کاری که در کلیله و دمنه صورت گرفته) داستانی ساخته و پرداخته شده؟
در قرآن بارها و بارها بر «بالحق» بودن قصص قرآنی تاکیدشده، چرا؟ زیرا شائبه ممکن فوق شکل نگیرد.

آیه «فلسفه تاریخ»ی

آیه ۵ و ثلث اول آیه ۶، از لحاظ بیان یکی از قوانین تاریخ بشر بسیار قابل توجه است.

به این معنی که کسانی هستند که استعدادها و حقوقی دارند و کسان دیگری جلوی بالفعل شدن استعدادهای آنان را می گیرند و حقوقشان را از آنها باز می دارند. و خداوند چنین اراده نموده که آن گروهی را که مظلوم واقع شده اند مورد حمایت قرار داده و آنها را بالا آورده و نعمتهائی را به راحتی به آنان عطا فرماید.

این مطلب اگر مورد دقت قرار گیرد یک «قانون فلسفه تاریخ»ی است و می تواند در بسیاری از موارد در مناقشات بشری مورد دقت واقع شده و صحت آن دریافته شود.
صحت این مطلب را می توان در سقوط رم، در فروپاشی شوروی، در استیلای عجم بر اعراب از قرن سوم هجری به بعد، در نهضت های استقلال طلبی قرن بیستم، و خلاصه در موارد بسیار زیادی به رأی العین دید.

و خلاصه اینکه این «قانون» یکی از قوانین تخلف ناپذیری است که برحسب آن می-

توان آینده را پیشگوئی نمود.

مثلاً می‌توان در مناقشات بین ملت‌ها بررسی کرد و تعیین نمود که کدام طرف «ضعیف شمرده شده و حقوقش قطع گردیده» است و پیش‌بینی نمود که بطور حتم، همان طرف، در آینده پیروز خواهد گردید.

مثلاً در همین زمان، «مسئله فلسطین» یکی از آن موارد است و ما در ابتدای سوره اسراء در این خصوص شرحی عرض کرده‌ایم.

در «آن روزها» هم میتوان اوضاع و احوال پیامبر (ص) و پیروانش را در چارچوب همین قانون به وضوح دید و درک کرد و چون موضوع تقریباً برای همگان آشنا است شرح بیشتری لازم نمیباشد.

اهل آن را گروه گروه کرد

موضوع فوق که در آیه ۴ ذکر شده (جعل اهلها شیعاً) معادل جمله معروف «تفرقه بیانداز و حکومت کن» است که به این ترتیب معلوم می‌شود سابقه‌ای لااقل پنج هزار ساله دارد.

پسرانشان را می‌گشت...

در خصوص موضوع تیترا فوق که در آیه ۴ ذکر شده، در تفسیر سوره ابراهیم شرحی عرض کرده‌ایم.

ترجمه تفسیری آزاد

بسم الله الرحمن الرحيم

ط.س.م. (۱)

این آیات آن کتاب آسمانی آشکار است (۲)

ای پیامبر! قسمتی از داستان موسی و فرعون را، بدرستی، برای استفاده مردمی مومن، برایت میخوانیم: (۳) فرعون در آن سرزمین گردنکشی کرد و اهل آنرا گروه

هائی نمود. گروهی از آنها را ضعیف میداشت بطوریکه پسرانشان را میکشت و زنانشان را زنده نگه میداشت که او البته از مفسدان بود (۴)

و ما چنین می‌خواهیم که بر آنانکه در زمین ضعیف داشته میشوند منت گذارده و آنها را پیشوایان قرار داده و آنها را وارثان زمین نمائیم (۵) و در آن زمین به آنها مکانت دهیم و به امثال فرعون و هامان و نیروهایشان آنچه را که از آن می‌هراسند بنمایانیم (۶)

قصص ٢ آيات ٤٢٧ تا

وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خَفَتْ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ
إِلَيْكَ وَجَاعَلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٧﴾ فَالْتَقَطَهُ آلُ فِرْعَوْنَ لِيَكُونَ لَهُمْ عَدُوًّا وَحَزَنًا إِنَّ فِرْعَوْنَ
وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا كَانُوا خَاطِلِينَ ﴿٨﴾ وَقَالَتِ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قُرْتُ عَيْنِي لِي وَلَكَ لَا تَقْتُلُوهُ عَسَىٰ
أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٩﴾ وَأَصْبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَىٰ فَارِعًا إِنْ كَادَتْ لَتُبْدِي
بِهِ لَوْلَا أَنْ رَّبَطْنَاهُ عَلَىٰ قَلْبِهَا لِتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٠﴾ وَقَالَتْ لِأُخْتِهِ قُصِّيهِ فَبَصُرَتْ بِهِ عَنْ
جُنُبٍ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿١١﴾ وَحَرَّمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلٍ فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ أَهْلِ
بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَهُمْ لَهُ نَاصِحُونَ ﴿١٢﴾ فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَلَنَعْلَمَنَّ أَنَّ
وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٣﴾ وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَىٰ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا
وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿١٤﴾ وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَىٰ حِينٍ غَفْلَةٍ مِنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ
يَقْتُلَانِ هَذَا مِنْ شِيعَتِهِ وَهَذَا مِنْ عَدُوِّهِ فَاسْتَغَاثَهُ الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ فَوَكَرَهُ
مُوسَىٰ فَقَصَىٰ عَلَيْهِ قَالِ هَذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ عَدُوٌّ مُضِلٌّ مُبِينٌ ﴿١٥﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي
ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَغَفَرَ لَهُ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿١٦﴾ قَالَ رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ
أَكُونَ ظَهِيرًا لِلْمُجْرِمِينَ ﴿١٧﴾ فَأَصْبَحَ فِي الْمَدِينَةِ خَائِفًا يَتَرَقَّبُ فَإِذَا الَّذِي اسْتَنْصَرَهُ بِالْأَمْسِ
يَسْتَصْرِخُهُ قَالَ لَهُ مُوسَىٰ إِنَّكَ لَغَوِيٌّ مُبِينٌ ﴿١٨﴾ فَلَمَّا أَنْ أَرَادَ أَنْ يَبْطِشَ بِالَّذِي هُوَ عَدُوٌّ لَهُمَا
قَالَ يَا مُوسَىٰ أَتُرِيدُ أَنْ تَقْتُلَنِي كَمَا قَتَلْتَ نَفْسًا بِالْأَمْسِ إِنْ تُرِيدُ إِلَّا أَنْ تَكُونَ جَبَّارًا فِي الْأَرْضِ
وَمَا تُرِيدُ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْمُصْلِحِينَ ﴿١٩﴾ وَجَاءَ رَجُلٌ مِنَ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْمَعُ قَالَ يَا مُوسَىٰ
إِنَّ الْأَمْلَأَ يَأْتَمُرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ ﴿٢٠﴾ فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ
قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٢١﴾ وَلَمَّا تَوَجَّهَ تَلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَىٰ رَبِّي أَنْ يَهْدِيَنِي
سَوَاءَ السَّبِيلِ ﴿٢٢﴾ وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةٌ مِنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِم
امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّىٰ يُصْدِرَ الرِّعَاءُ وَأُبُونَا شَيْخَ كَبِيرٌ ﴿٢٣﴾
فَسَقَىٰ لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّىٰ إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ ﴿٢٤﴾ فَجَاءَهُ إِحْدَاهُمَا

تَمَشَّى عَلَى اسْتِخْيَاءَ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتُ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٢٥﴾ قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ ﴿٢٦﴾ قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنَكِّحَكَ بِحَدِي هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِي حَجَاجَ فَإِنْ أَتَمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿٢٧﴾ قَالَ ذَلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ أَيَّمَا الْأَجَلَيْنِ قَضَيْتَ فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ وَاللَّهُ عَلَى مَا نَقُولُ وَكِيلٌ ﴿٢٨﴾ فَلَمَّا قَضَى مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ ﴿٢٩﴾ فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ مِنْ شَاطِئِ الْوَادِي الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَنْ يَا مُوسَى إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿٣٠﴾ وَأَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَآهَا هَئِثْرًا كَأَنَّهُ جَانٌّ وَلِي مُدِيرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ يَا مُوسَى أَقْبِلْ وَلَا تَخَفْ إِنَّكَ مِنَ الْآمِنِينَ ﴿٣١﴾ اسْلُكْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخَرُّجَ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ وَاضْمُمْ إِلَيْكَ جَنَاحَكَ مِنَ الرَّهْبِ فَذَابَكَ بُرْهَانَانِ مِنْ رَبِّكَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَلِمَلِيهِمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ ﴿٣٢﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ ﴿٣٣﴾ وَأَخِي هَارُونُ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا فَأَرْسَلْهُ مَعِيَ رِدْءًا يُصَدِّقُنِي إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ ﴿٣٤﴾ قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَجُعَلْ لَكُمَا سُلْطَانًا فَلَا يَصِلُونَ إِلَيْكُمَا بِآيَاتِنَا أَنْتُمْ وَمَنِ اتَّبَعَكُمَا الْغَالِبُونَ ﴿٣٥﴾ فَلَمَّا جَاءَهُمْ مُوسَى بِآيَاتِنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُفْتَرًى وَمَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ ﴿٣٦﴾ وَقَالَ مُوسَى رَبِّي أَعْلَمُ بِمَنْ جَاءَ بِالْهُدَى مِنْ عِنْدِهِ وَمَنْ تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ﴿٣٧﴾ وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِي فَأَوْقَدْ لِي يَا هَامَانَ عَلَى الطَّيْنِ فَاجْعَلْ لِي صَرْحًا لَعَلِّي أُطْلِعُ إِلَى إِلَهٍ مُوسَى وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ مِنَ الْكَاذِبِينَ ﴿٣٨﴾ وَاسْتَكَبَرَ هُوَ وَجُنُودُهُ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ إِلَيْنَا لَا يُرْجَعُونَ ﴿٣٩﴾ فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ ﴿٤٠﴾ وَجَعَلْنَاهُمْ أَيْمَةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ ﴿٤١﴾ وَاتَّبَعْنَاهُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ هُمْ مِنَ الْمَقْبُوحِينَ ﴿٤٢﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِ مَا أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ الْأُولَى بَصَائِرَ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٤٣﴾ وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الْغَرْبِيِّ إِذْ قَضَيْنَا إِلَى مُوسَى الْأَمْرَ وَمَا كُنْتَ مِنَ الشَّاهِدِينَ

﴿٤٤﴾ وَلَكِنَّا أَنْشَأْنَا قُرُونًا فَتَطَاوَلَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ وَمَا كُنْتَ ثَاوِيًا فِي أَهْلِ مَدْيَنَ تَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا وَلَكِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ ﴿٤٥﴾ وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا وَلَكِنْ رَحِمَهُ مِنَ رَبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مِمَّا أَتَاهُمْ مِنْ نَذِيرٍ مِّنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٤٦﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: چگونه خداوند مخالفان پیامبران را نابود، و خود آنان را موفق می نماید.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:
درب: داستان موسی و فرعون یکی از مصادیق بارز این امر است.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خَفَتْ عَلَيْهِ فَأَلْقَيْهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ وَجَاعَلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٧﴾ فَالْتَقَطَهُ آلُ فِرْعَوْنَ لِيَكُونَ لَهُمْ عَدُوًّا وَحَزَنًا إِنَّ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا كَانُوا خَاطِلِينَ ﴿٨﴾ وَقَالَتْ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قُرْتُ عَيْنِي لِي وَلَكَ لَا تَقْتُلُوهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٩﴾ وَأَصْبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَىٰ فَارِعًا إِنْ كَادَتْ لَتُبْدِي بِهِ لَوْلَا أَن رَّبَطْنَا عَلَىٰ قَلْبِهَا لِتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٠﴾ وَقَالَتْ لِأُخْتِهِ قُصِّيهِ فَبَصُرَتْ بِهِ عَنْ جُنْبٍ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿١١﴾ وَحَرَّمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلُ فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ أَهْلِ

بَيِّتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَهُمْ لَهُ نَاصِحُونَ ﴿١٢﴾ فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَلِتَعْلَمَ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٣﴾

ریزدرب: خداوند موسی را از کودکی برای پیامبری در نظر داشت و او را در زندگی خاص تربیت میکرد.

۲

وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَىٰ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿١٤﴾ وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَىٰ حِينِ غَفْلَةٍ مِّنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ هَٰذَا مِنْ شِيعَتِهِ وَهَٰذَا مِنْ عَدُوِّهِ فَاسْتَغَاثَهُ الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ فَوَكَرَهُ مُوسَىٰ فَقَضَىٰ عَلَيْهِ قَالَ هَٰذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ عَدُوٌّ مُّضِلٌّ مُّبِينٌ ﴿١٥﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَغَفَرَ لَهُ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿١٦﴾ قَالَ رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيرًا لِّلْمُجْرِمِينَ ﴿١٧﴾ فَأَصْبَحَ فِي الْمَدِينَةِ خَائِفًا يَتَرَقَّبُ فَإِذَا الَّذِي اسْتَنْصَرَهُ بِالْأَمْسِ يَسْتَصْرِخُهُ قَالَ لَهُ مُوسَىٰ إِنَّكَ لَغَوِيٌّ مُّبِينٌ ﴿١٨﴾ فَلَمَّا أَنِ ارَادَ أَن يَبْطِشَ بِالَّذِي هُوَ عَدُوٌّ لَّهُمَا قَالَ يَا مُوسَىٰ أَتُرِيدُ أَن تَقْتُلَنِي كَمَا قَتَلْتَ نَفْسًا بِالْأَمْسِ إِنْ تُرِيدُ إِلَّا أَن تَكُونَ جَبَّارًا فِي الْأَرْضِ وَمَا تُرِيدُ أَن تَكُونَ مِنَ الْمُصْلِحِينَ ﴿١٩﴾ وَجَاءَ رَجُلٌ مِّنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعَىٰ قَالَ يَا مُوسَىٰ إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ ﴿٢٠﴾ فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٢١﴾

ریزدرب: رفتار عادی موسی که نمیدانست قرار است پیامبری بزرگ باشد، شایسته زندگی پیامبرانه او بود.

۳

وَلَمَّا تَوَجَّهَ تَلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَىٰ رَبِّي أَن يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ ﴿٢٢﴾ وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةٌ مِّنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِم امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّىٰ يُصْدِرَ الرِّعَاءَ وَأُبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ ﴿٢٣﴾ فَسَقَىٰ لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّىٰ إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ ﴿٢٤﴾ فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ

لِيُخْرِجَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقِصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ
الظَّالِمِينَ ﴿٢٥﴾ قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ ﴿٢٦﴾
قَالَ إِنِّي أَُرِيدُ أَنْ أُنَكِّحَكَ بِحَدِي ابْنَتِي هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِي حِجَجَ فَإِنْ أَتَمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ
عِنْدِكَ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَمْلِكَ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّاحِينَ ﴿٢٧﴾ قَالَ ذَلِكَ بَيْنِي
وَبَيْنَكَ أَيُّمَا الْأَجْلَيْنِ قَضَيْتَ فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ وَاللَّهُ عَلَى مَا نَقُولُ وَكِيلٌ ﴿٢٨﴾

ریزدرب: موسی نیاز به آموزش های بیشتر مستقیم تر داشت تا قابل
ماموریت شود.

٤

فَلَمَّا قَضَى مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ
نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ ﴿٢٩﴾ فَلَمَّا أَنَاهَا نُودِيَ مِنْ
شَاطِئِ الْوَادِي الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَنْ يَا مُوسَى إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ
﴿٣٠﴾ وَأَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَآهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ يَا مُوسَى أَقْبِلْ وَلَا تَخَفْ
إِنَّكَ مِنَ الْآمِنِينَ ﴿٣١﴾ اسْلُكْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجْ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ وَاضْمُمْ إِلَيْكَ جَنَاحَكَ
مِنَ الرَّهْبِ فَذَانِكَ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ ﴿٣٢﴾ قَالَ رَبِّ
إِنِّي قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ ﴿٣٣﴾ وَأَخِي هَارُونُ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا فَأَرْسَلْهُ
مَعِيَ رِدْءًا يُصَدِّقُنِي إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ ﴿٣٤﴾ قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَنَجْعَلُ لَكُمَا
سُلْطَانًا فَلَا يَصِلُونَ إِلَيْكُمَا بِآيَاتِنَا أَنْتُمْ وَمَنِ اتَّبَعَكُمَا الْغَالِبُونَ ﴿٣٥﴾

ریزدرب: موسی مستقیماً آموزش نهائی را یافت و ابلاغ ماموریت گرفت.

٥

فَلَمَّا جَاءَهُمْ مُوسَى بِآيَاتِنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُفْتَرًى وَمَا سَعَيْنَا بِهَذَا فِي آيَاتِنَا الْأُولَى
﴿٣٦﴾ وَقَالَ مُوسَى رَبِّي أَعْلَمُ بِمَا جَاءَ بِالْهَدَى مِنْ عِنْدِهِ وَمَنْ تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ
الظَّالِمُونَ ﴿٣٧﴾ وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِي فَأَوْقَدْ لِي يَا هَامَانَ

عَلَى الطِّينِ فَاجْعَلْ لِي صِرْحًا لَعَلِّي أَطْلُعَ إِلَى إِلَهِ مُوسَى وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ مِنَ الْكَاذِبِينَ ﴿٣٨﴾
ریزدرب: موسی ماموریت خویش را انجام میدهد.

٦

وَاسْتَكْبَرَ هُوَ وَجُنُودُهُ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَظَنُّوا أَنَّهُم إِلَيْنَا لَا يُرْجَعُونَ ﴿٣٩﴾ فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ
 فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ فَانَظَرُ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ ﴿٤٠﴾ وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ
 الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ ﴿٤١﴾ وَاتَّبَعْنَاهُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعَنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ هُمْ مِنَ الْمَقْبُوحِينَ
 ﴿٤٢﴾

ریزدرب: خداوند پس از انجام ماموریت موسی، او را موفق و با مخالفان
 سرکش او به عدالت رفتار کرد.

٧

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِ مَا أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ الْأُولَى بَصَائِرَ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَعَلَّهُمْ
 يَتَذَكَّرُونَ ﴿٤٣﴾ وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الْغُرِيِّ إِذْ قَضَيْنَا إِلَى مُوسَى الْأَمْرَ وَمَا كُنْتَ مِنَ الشَّاهِدِينَ
 ﴿٤٤﴾ وَلَكِنَّا أَنْشَأْنَا قُرُونًا فَتَطَاوَلَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ وَمَا كُنْتَ ثَاوِيًا فِي أَهْلِ مَدْيَنَ تَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا
 وَلَكِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ ﴿٤٥﴾ وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا وَلَكِنْ رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا
 أَتَاهُمْ مِنْ نَذِيرٍ مِنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٤٦﴾

ریزدرب: ای پیامبر! برای تو از آن نوع مراحل «پیش نبوت» که برای موسی
 قرار دادیم، تمهید نکرده ایم، لیکن از رحمت پروردگارت برگزیده شده ای تا
 به کسانی که با موضوع وحی بیگانه اند هشدار دهی.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقا با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لُبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقا می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

پاراگراف ۱ مطلقا امیدوارکننده است و بطور واضح خبر از تغییر اوضاع در جهت حصول رضایت پیامبر(ص) و پیروانش، و فائق شدن آنها بر مخالفان و دشمنانشان میدهد. در این پاراگراف می فرماید: ای پیامبر! بطور قطع شما پیروز خواهید شد، پس، براین اوضاع و احوال فعلی تان صبر کنید تا وقت مناسب برسد و اینکه ای پیامبر! قوم تو جای هیچ بهانه ای رانباید داشته باشند زیرا این قرآنی که به تو داده ایم از معجزات هر پیامبری بالاتر است.

۴- سوالات

- ۱- از مجموع مطالب آیه های ۴۴ تا ۴۶ چه فهمیده میشود؟ (اطلاع بر مطالبی که در رابطه با موسی و فرعون برای قومت خواندی، وحی خالص است و قوم تو میفهمند که تو هیچ راه دیگری برای اطلاع برآن نداشتی؟ یا.....؟)
- ۲- منظور از «ثاوی» (آیه ۴۵) چیست؟
- ۳- حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ (ارشاد که چنین بگو؟ یا.....؟)

۵- حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

در رابطه با آیه ۴۶ با توجه به اینکه می دانیم رسول اکرم(ص) از فرزندان اسمعیل(ع)

است و آنحضرت نیز پیامبر بوده، جمله «قومی که قبل از تو هشدار دهنده‌ای نداشتند» یعنی «مدتی طولانی قبل از تو هشدار دهنده‌ای نداشتند» بطور کلی از آیات ۴۴ تا ۴۶ این مفهوم حاصل میشود که آنحضرت غیر از طریق وحی هیچ راه دیگری برای درک این معارفی که بیان میکرد نداشته است.

۶ - پیشگونی‌های تحقق یافته

در آیات ۷ تا ۴۲ در داستان حضرت موسی و ضعف مطلق او و پیروانش و قوت مطلق فرعون و پیروانش و پیروزی او بر فرعون، تلویحا این پیشگونی نهفته است که: وضع شما هم به این منوال نمی‌ماند و هنگام پیروزی شما هم میرسد.

۷ - آیات مشکل

آیات ۴۴ تا ۴۶، از آنجا که مورد تفاسیر متفاوت از سوی مفسران مختلف واقع شده، ذیل این تیتیر قرار میگیرد. اما اگر به «درب» فوق توجه کنید معنی آنها همان میشود که در بخش انتهائی تفسیر این پاراگراف (یعنی ترجمه آزاد تفسیری) آمده است. یعنی منظور از «کناره غربی» کناره غربی رود نیل و یعنی سر زمین مصر و منظور از «الامر» امرِ هلاکت نیروی نظامی فرعون، و منظور از کناره آن کوه هم مهبط وحی اولیه بر حضرت موسی است. اما آنجا که فرموده «همچنین تو در میان اهل مدین هم نبودی که آیاتمان را بر آنها بخوانی» شاید منظور قرآن این باشد که مدتی که موسی در مدین گذراند، در معرض آموزه‌های وحیانی قرار داشت (که یا از سوی پدر زنش که بنا برقول مشهور همان حضرت شعیب نبی بوده باشد - والبتة این قول با قرآن مخالفتی ندارد - بر او خوانده میشد، یا به طرق دیگری که بر ما روشن نیست آموزشی برای آمادگی نبوت میدید)

۸ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیات ۳۰ تا ۳۵ فوق ذهنیات بشر امروزی هستند، (زیرا در آنها مکانیزم وحی رسانی مطرح است) چه رسد به بشر ۱۴۰۰ سال قبل!

۹ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

پیام امید و موفقیت رهروان حق، و اینکه چشم ظاهر بین را بسته و چشم حقیقت بین را باز کنیم و به وعده های الهی خوش بین و امیدوار باشیم.

۱۰ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها، تقریباً تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

فهمیدن منظور داستان های قرآنی آسانتر است

موضوع تیترا فوق واضح است و شرحی نمیطلبند و لذا ما در پاراگراف های داستانی شرح زیادی لازم نمی بینیم، مگر در برخی موارد استثنائی که وقتی به آن استثنائات رسیدیم اگر عرایض توضیحی لازم بود عرض میکنیم.

«موسی» و «سینوحه»

با توجه به آیه ۹ فهمیده می شود بچه را که از آب گرفتند فوراً فرعون فهمید و ظاهراً دستوری نداد. بلکه مشورت کرد. همسرش نیز یکی از طرفهای جلسه مشورت بود. از همینجا فهمیده می شود که برخلاف آنچه در کتاب «سینوحه» آمده، «به دریا انداختن کودکان» یک رسم دیرینه نبوده بلکه کاملاً نوظهور و برای اولین بار بوده

که چنان اثر قوی بر روی آنها گذاشته بوده و اگر مطلب آنطور بود که «میکا والتاری» گفته، می‌باید فرعونیان به این نوزاد اهمیت ندهند و دستور کشته شدن نوزادان بنی‌اسرائیل را بی‌درنگ اجرا کنند. نه اینکه در کار او حیران شوند و نتوانند تصمیم بگیرند تا اینکه پای عالی‌رتبه‌ترین مقام حکومتی را نیز به میان بکشند و «حالت خاص» بودن این مورد سبب نجات موسی از قتل بگردد.

«میکا والتاری» و «سینوحه»: نمی‌توان گفت «سینوحه» یک موجود خیالی است زیرا ویل دورانت در «تاریخ تمدن» به او اشاره کرده و ویل دورانت آدمی نیست که حرف بی‌مدرک بزند.

اما کتاب میکا والتاری (بنام «سینوحه») سراسر داستان‌پردازی و خیال‌بافی است و آنقدر مطالب دروغ و تحریف تاریخ تمدن در آن هست که هر خواننده ساده‌ای هم می‌تواند متوجه آنها باشد که ما واقعاً در اینجا برای رعایت اختصار نمی‌توانیم به آن بپردازیم اما نمی‌توانیم این نکته را خاطرنشان نسازیم که چرا کسی متوجه عمق توطئه ضددینی او نشد و واکنشی که در برابر سلمان رشدی شد، چرا یک هزارم آن درباره او نشد؟ او در کتاب مذکور این مطالب را به صراحت آورده است:

۱- موضوع توحید یک موضوع جدیدی نیست بلکه یکی از فراعنه قبل از رامسس دوم (که فرعون معاصر موسی باشد) مبدع و منادی آن بود.

۲- به آب انداختن کودکان ناخواسته (کودکان خانواده‌های فقیر و کودکان محصول زنا) در رود نیل یک امر عادی و رایج بود.

۳- موسی اسم هر کودکی است که از آب گرفته می‌شد و نه اینکه اسم خاصی باشد برای آن شخص خاص.

۴- فرعونی که دین توحید را ابداع کرده بود، دیوانه بود و در اثر دیوانگی او دشمنان از اطراف به مصر طمع کردند و قصد تسخیر آن را داشتند.

۵- یکنفر عاقل از سرداران او که خطر را در می‌یابد، برای نجات مصر کودتا می‌کند و با همدستی سینوحه فرعون مبلغ توحید را از بین می‌برد و معبد و شهر و پیروانش

را نابود می‌کند و خودش فرعون می‌شود و دوباره دین شرک سابق را برقرار می‌کند و مصر حفظ می‌شود.

۶- آن فرعون پدر رامسس دوم است (که موسی معاصر اوست)

۷- نتیجه‌ای که خواننده می‌گیرد چیست؟ بدون اینکه میکا والتاری خودش نتیجه‌ای بگیرد، به سادگی خواننده این نتیجه را می‌گیرد که کل داستان موسی و فرعون، از ریشه دروغ است.

و ضمناً من هر چه جستجو کردم هیچ مورد ابراز حساسیت و ناراحتی و اعتراض و واکنش منفی راجع به این کتاب ندیدم. کتابی که از «آیات شیطانی» سلمان رشدی شاید ۴۰ سال جلوتر نیست. در حالیکه کتاب مذکور اصل نبوت و اصل توحید و اصل داستان موسی و اصالت وحی را به تمسخر گرفته و ریشه‌زنی کرده اما ضمناً هیچ واکنش منفی هم ندیده است.

چرا چنین است؟ عبارت دیگر چرا اهل اروپا و امریکا نسبت به کسانی که علناً و بطور ریشه‌ای مطالب «کتاب مقدس» را انکار می‌کنند حساسیتی به خرج نمی‌دهند و اعتراضی نمی‌کنند؟ موضوع فوق، یعنی بی‌خیالی و بی‌تعصبی آنان راجع به «کتاب مقدس» دلایلی دارد:

۱- اولاً یادشان هست که «جوردانو برونو» عقایدی ابراز کرد که مخالف کتاب مقدس بود و توبه هم نکرد و کشته هم شد ولی بعداً معلوم شد عقاید او درست است و آن قسمت از مندرجات کتاب مقدس غلط است.

۲- همچنین موضوع گالیله هم که واضح است و اگر او هم کوتاه نیامده بود، نفر دوم پس از جوردانو برونو بود.

۳- امروز ضعیف بودن و سست بودن و نامعقول بودن بسیاری از مطالب «کتاب مقدس» آنها برای خودشان هم واضح است اما چون دین «فطری» است و نمی‌توانند آن را رها کنند می‌گویند کار عقل و ایمان دوتااست. هرچه را که عقل بگوید قبول می‌کنیم و آنچه را کتاب مقدس هم بگوید قبول می‌کنیم و فرض را بر این می‌-

گذاریم که اگر فعلاً مغایرتی بین آنها باشد در آینده رفع خواهد شد. این است دلیل عدم ابراز حساسیت نسبت به مندرجات «سینوحه» اثر «میکا والتاری» اما علت بروز حساسیت در شرق مسلمان نسبت به سلمان رشدی این است که مسلمانان به حقانیت مطلق کتاب خویش (قرآن) ایمان دارند و تاکنون نیز مورد خلاف عقلی از آن ندیده‌اند.

اما چیز عجیب این است که به سلمان رشدی حساسیتی ابراز شود اما به «میکا والتاری» که ضربه‌اش ریشه‌ای‌تر بوده هیچگونه حساسیتی ابراز نشود و این نگارنده تصور می‌کند که این اولین ابراز حساسیت یک نویسنده مسلمان در جهان اسلام نسبت به مورد «میکا والتاری» و «سینوحه» بوده باشد که دارید می‌خوانید.

علت آن هم شاید این باشد که مسلمانان نسبت به جهان اطراف خویش توجه جدی نداشته‌اند و امور مربوط به ادیان دیگر را جدی نمی‌گرفته‌اند و حمله به اساس دیانت را حمله به دین خویش تلقی نمی‌نمودند و گرنه سینوحه کتابی نیست که به تازگی چاپ شده باشد. ذبیح‌الله، منصوری، حدود ۴۰ سال قبل آنرا به فارسی ترجمه کرد و فیلمش هم همان حدود ۴۰ سال قبل در هالیوود ساخته شد.

فروریختن یک افسانه

افسانه‌ای در میان یهودیان هست که نمیدانم در خود تورات هم وجود دارد یا نه، و آن این است که «پیشگویان» به فرعون خبر داده بودند که در میان بنی اسرائیل پسری زاده خواهد شد که فروپاشی سیستم فرعونیت بدست او خواهد بود، و او دستور داده بود که نوزادان ذکور بنی اسرائیل کشته شوند که چنان پسری بدنیا نیاید.

چون قرآن حق مطلق است و اگر چیزی با آن مغایر باشد باطل است، افسانه مذکور نیز باطل می‌گردد، زیرا چطور میتوان وقوع چنان دستوری را با آیه‌های ۸ و ۹ جمع کرد؟

اگر فرعون چنان دستوری داده، چگونه ممکن است زنش نوزادی را از آب بگیرد و کسی نگوید شکل و قیافه و پارچه ای که این بچه در آن پیچیده شده داد میزند که او بنی اسرائیلی است، بعدش او را از آب بگیرند و از آن تابلوتر یک دختر بچه بنی اسرائیلی به آنها پیشنهاد دهد که گوش به حرف من دهید و او را به یک زن بنی اسرائیلی بسپارید که شیرش دهد و آنها هم بره وار بپذیرند!!

بچه در رودخانه با شکل و شمایل بنی اسرائیلی و با قنداقِ بنی اسرائیلی و با راهنمایی دختر بچه بنی اسرائیلی با شیرِ زن بنی اسرائیلی بزرگ شود و همه اینها در حالی باشد که همان فرعون چندی پیش فرمان قتل نوزادان ذکور بنی اسرائیلی را صادر کرده باشد؟!!

بله! آن افسانه بکلی باطل است!

موضوع آیات ۸ و ۹ مذکور را بجای آنکه مطابق روایات اسرائیلی به فرعون مربوط کنیم می باید به مشکلات داخل- قبیله ای بنی اسرائیل مربوط کرد، که قبیله بزرگی بودند در بردگی، و انگیزه تقرب به مرکز قدرت، طایفه های مختلف آنها را به رقابت با یکدیگر وامیداشت، و این، اسباب دشمنی ها و چشم-همچشمی های زیاد میگشت و از این میان مادر موسی بو کشیده و فهمیده بود گمان این هست که چشم زخمی به جگر گوشه اش برسد و آنطور او را (به وحی) از کانون خطر دور کرد.

شعیب نبی (ع)؟

آیا اقامت موسی در مدین در خانه حضرت شعیب بود؟

پاراگراف فوق که در این باره ساکت است، اما، در داستانهای قرآنی ترتیبی ذکر میشود که نوح و عاد و ثمود و لوط وشعیب و پس از ذکر آنها نام موسی می آید. گرچه در برخی سوره ها تقدم و تاخری هم هست، اما این ترتیب در ذکر داستانهای پیامبران غالب است.

اگر این ترتیب را بپذیریم میتوان قبول کرد که آن «شیخ کبیر» آیه ۲۳ همان حضرت شعیب بوده که پدر زوجه حضرت موسی (ع) نیز بوده است.

چند دریافت مستقیم از داستان حضرت موسی (ع)

آیه ۱۲: یعنی موسی پستان هیچ شیردهنده‌ای را نمی‌گرفت.
آیه ۱۹: حکایت از قدرت خبرگیری قوی قوای پلیس فرعونیان آن روزها دارد. چیزی که در بعدازظهر دیروز اتفاق افتاده، برای قبطیان چنان روشن شده و چنان به اطلاع همگان رسیده که اول صبح فردا هر قبطی می‌دانست قتل دیروز کار موسی بوده و درباره آن «تحلیلی» هم داشته است.

آیه ۲۰: نشان می‌دهد در درون دستگاه فرعونى نیز کسانی بودند که با رویه فرعونى موافق نبودند و به جریاناتِ مخالفِ آن کمک می‌کردند. البته در سوره مؤمن نیز دیدیم که در داخل سیستم حکومتی فرعون اشخاص پرقدرتی وجود داشته‌اند که علناً مخالف فکر و عمل فرعون بودند اما هرچه باشد آن‌ها در اقلیت بودند و از آیه فهمیده می‌شود آن‌ها نسبتاً قوی هم بودند بطوریکه می‌توانستند از اخبار سطوح بالا مطلع شده و برای خنثی کردن بعضی تصمیمات عمل مؤثر هم انجام دهند.

آیه ۲۹: بزودی شرحی در سوره طه خواهد آمد. همچنین درباره آیات ۳۵-۳۰.
آیه ۳۸: تکنولوژی ساختمان‌سازی در آن ایام ابتدایی بوده و حداکثر ارتفاعی که از یک برج آجری می‌توان انتظار داشت مگر چقدر است که فرعون می‌خواسته از بالای آن به خدای موسی «اطلاع» (= بالاتر قرار گرفتن) پیدا کند!

مشهور است که رهبران شوروی سالهای ۱۹۶۰ که اولین انسان را به جوّ خارج از زمین فرستاده بودند، خیلی پز می‌دادند و از آنها نقل می‌شود که می‌گفته‌اند «از یوری گاگارین پرسیدیم آن بالاها خدا را دیدی و او گفت نه»

تکنولوژی خروج از جو زمین در سالهای ۱۹۶۰ همانقدر پیشرفته و برای مردم عادی دست نیافتنی بود که ساختن برج آجری در زمان مصر باستان. لذا خود بزرگ‌بینی فرعون را در این چارچوب باید نگرست.

هلاکت دسته جمعی مربوط به جوامع ماقبل تاریخ است

تعبیری که از «مردم قرون گذشته» در آیه ۴۳ نموده شبیه به همان است که ما به آن «قبل از تاریخ» می‌گوییم.

ظاهراً چنین بنظر می‌رسد که «هلاکت دسته‌جمعی» که پس از تکذیب عامدانه اقوام صورت می‌گرفت، از زمان حضرت موسی به بعد، دیگر صورت نگرفت و چنانکه در سایر سوره‌ها نیز دیدیم، در مورد آن قوم فقط «فرعون و لشکریانش» نابود شدند نه کل مخالفان آنحضرت.

همچنین است در مورد پیامبران پس از آن حضرت که قرآن در هیچ موردی گزارش «هلاکت دسته‌جمعی مخالفان و مکذبان آنان» را نداده است.

ترجمه تفسیری آزاد

به مادر موسی وحی کردیم که او را شیر ده. و هنگامی که بر او ترسیدی که توسط ماموران حکومت کشته شود در نیل بیندازش و نترس و اندوهگین هم مباش که ما خودمان مواظبش هستیم و حتما بسویت برش میگردانیم و از پیامبران قرارش می‌دهیم (۷)

چیزی نگذشت که نزدیکان فرعون یافتندش تا برایشان هم دشمن و هم مایه اندوه باشد. البته فرعون و هامان و سپاهیانسان خطا کار بودند (۸) و زن فرعون گفت این بچه روشنی چشمی برای من و تو است، نکشیدش چه بسا برایمان فایده ای داشته باشد یا به فرزندی بگیریمش و آنها متوجه نبودند (۹) و گویی که دل مادر موسی خالی شده باشد و اگر قلبش را مطمئن نکرده بودیم تا از مومنان باشد نزدیک بود آن راز را آشکار کند (۱۰) مادر موسی به خواهر او گفت پی او را بگیر و او در

حالی که آنها متوجه نبودند از جایی او را میدید و تعقیبش میکرد (۱۱) و قبلا قبول پستان شیر دهندگان را بر او حرام کرده بودیم، و خواهر موسی به کسانی که موسی را از آب گرفته بودند گفت آیا شما را به خانواده ای که او را نگهدارند و خیرخواهش باشند راهنمایی بنمایم؟ (۱۲) به این ترتیب بود که او را به مادرش برگرداندیم تا چشمش روشن شود و اندوهگین نباشد و بداند که وعده خداوند حق است ولیکن اکثرشان نمیدانند (۱۳)

و هنگامیکه به رشد و قوت خویش رسید و استوار شد، به او حکم و علم و نبوت دادیم و نیکوکاران را چنین پاداش میدهیم (۱۴) و هنگامیکه اهل شهر متوجه نبودند داخل آن شد و دو نفر را یافت که میجنگیدند. این از پیروانش و او از دشمنانش بود. و آنکه از پیروانش بود از او بر ضد آنکه از دشمنانش بود کمک خواست. پس موسی به او مشتی زد و کارش را تمام کرد. با خود گفت این از کارهای شیطان است که او دشمنی گمراه کننده آشکار است (۱۵) و گفت پروردگارا بر خویش ظلم کرده ام پس مرا ببخش و او بخشیدش که او بسیار مهربان است (۱۶) گفت پروردگارا بسبب نعمتی که بمن دادی هرگز پشتیبان مجرمان نخواهم بود (۱۷) آنگاه در آن شهر به صبح رساند درحالی که ترسان و نگران بود. پس همانکه دیروز از او کمک خواسته بود باز هم از او کمک خواهی کرد و موسی به او گفت تو البته یک گمراه کننده آشکاری (۱۸) پس چون خواست آن کسی را که دشمن هر دوشان بود با قوت بگیرد گفت ای موسی آیا میخواهی مرا نیز بکشی همانطور که دیروز یک نفر را کشتی؟ جز این نیست که تو میخواهی در زمین زورگو گردی و نمیخواهی از اصلاحگران باشی (۱۹) و مردی از دورترین نقطه شهر دوان دوان آمد و گفت ای موسی بزرگان شهر تصمیم به قتل تو گرفته اند پس از این شهر خارج شو

که من خیر خواه تو میباشم (۲۰) و او در حالیکه ترسان و مراقب بود از آن خارج شد و گفت پروردگارا مرا از مردم ظلم پیشه نجات ده (۲۱)

و هنگامیکه بطرف مدین روی نمود گفت چه بسا که پروردگارم مرا به راه صحیح هدایت کند (۲۲) و هنگامی که بر آب مدین وارد شد عده ای را بر آن یافت که آب میدادند و دنبال آنها دو زن را دید که مواظب بودند که گوسفندانشان با مال دیگران مخلوط نشود، موسی به آنها گفت کارتان چیست؟ گفتند ما آب نمیدهیم مگر آنکه چوپانان گوسفندانشان را آب داده و بروند و پدرمان پیرمردی فرتوت است (۲۳) پس موسی گوسفندانشان را آب داد و سپس بسوی سایه رفت و گفت پروردگارا به هر خیری که بسویم بفرستی نیازمندم (۲۴) پس یکی از آن دو زن با حیا بسوی او آمد و گفت پدرم تو را فراخوانده تا پاداش آب دادنت را بدهد. و چون بسوی او رفت و داستانها را برای او گفت، گفت مترس که از مردم ظلم پیشه نجات یافته ای (۲۵) یکی از آن دو گفت پدر جان استخدامش کن. البته بهترین کسی که استخدام کنی کسی است که قوی و امین باشد (۲۶) گفت میخواهم یکی از این دخترانم را در مقابل هشت سال کار به ازدواجت درآورم اگر هم خواستی ده سال را تمام کنی بر عهده خودت است و من نمیخواهم بر تو سخت بگیرم و انشاءالله بزودی مرا از صالحان خواهی یافت (۲۷) گفت این بین من و تو باشد هر کدام از دو مدت را که تمام کردم فشاری بر من نباشد و خداوند بر آن چیزی که میگویم وکیل است (۲۸)

پس چون موسی آن مدت را گذراند و خانواده اش را حرکت داد از جانب کوه طور متوجه آتشی شد. به خانواده اش گفت مکث کنید، متوجه آتشی شده ام شاید از آن برایتان خبری بیاورم یا پاره ای از آتش را، شاید گرم شوید (۲۹) پس چون به

نزدیک آن آتش در آمد از کرانه راست آن دره از درختی که در قطعه زمین پربرکتی بود، ندائی شنید که ای موسی من البته خودم «الله» هستم که پروردگار جهانیانم (۳۰) و اینکه عصایت را بیانداز. پس چون دید مانند ماری می جنبد پشت کرد و دوید و بر نمی گشت. به او خطاب شد ای موسی! پیش آی و نترس، تو ایمن هستی (۳۱) و دستت را در گریبان داخل کن. سفید، بدون اینکه بدیی داشته باشد خارج خواهی کرد و دو بازویت را به هم بچسبان تا از ترس آرام گیری و اینها دو دلیل از پروردگار است برای فرعون و بزرگانش، که البته آنها مردمی گناه پیشه اند (۳۲) گفت پروردگارا من کسی از آنها را کشته ام میترسم بکشندم (۳۳) و برادرم هارون زبانش از من روانتر است پس او را نیز با من بعنوان کمک بفرست که تصدیقم کند که میترسم تکذیبم کنند (۳۴) گفت بزودی بازویت را بوسیله برادرت قوی میکنیم و برایتان دلیلی قرار میدهیم و بواسطه آیاتمان به شما دست نخواهند یافت. شما دو نفر و هر کس که پیرویتان کند غالب خواهید شد (۳۵)

هنگامیکه موسی با آیات روشنگرمان بسویشان آمد گفتند این چیزی جز جادوئی از روی افترا نیست و ما درباره اش چیزی از نیاکانمان نشنیده ایم (۳۶) و موسی گفت پروردگرم بهتر میداند چه کسی هدایت را از جانب او آورده و چه کسی سرانجام خوب خواهد داشت. که او البته ظالمان را رستگار نمی کند (۳۷) و فرعون گفت ای بزرگان! من برای شما هیچ معبودی جز خودم نشناخته ام و ای هامان! بر گل برایم آتش بیفروز و اجر بساز و برجی برایم برآور شاید به معبود موسی اشراف پیدا کنم زیرا که موسی را از دروغگویان میدانم (۳۸) و او و سپاهیان در زمین بدون اینکه حقی داشته باشند بزرگی می طلبیدند و گمان نمیکردند که بسویمان بازگشتی خواهند داشت (۳۹) پس او و سپاهیان را بگرفتیم و در آن دریا انداختیم. بنگر

عاقبت ظالمان چگونه است (۴۰) و آنها را رهبرانی قرار دادیم که بسوی آتش جهنم دعوت میکنند و روز قیامت یاری نمیشوند (۴۱) و در این جهان نیز در پی آنها لعنت قرار دادیم و روز قیامت نیز از زشت رویان خواهند بود (۴۲)

ای پیامبر! البته پس از اینکه مردم قرون گذشته را هلاک کردیم، آن کتاب را به موسی دادیم که مایه بصیرت ها برای مردم و نیز هدایت و رحمت بود شاید پند گیرند (۴۳) و آن هنگام که برای موسی آن امر را میگذراندیم، تو نه در کناره غربی و نه از شاهدان بودی (۴۴) ولیکن ما مردم قرن های زیادی را بوجود آوردیم و عمرهایشان هم طولانی شد و همچنین تو در میان اهل مدین هم نبودی که آیاتمان را بر آنها بخوانی ولیکن خودمان فرستنده پیامبران بوده ایم (۴۵) و تو در آن کناره کوه طور هم نبودی آن هنگام که موسی را صدا کردیم ولیکن رحمتی از جانب پروردگارت هستی تا قومی را که قبل از تو هشدار دهنده ای نداشتند هشدار دهی شاید پند گیرند (۴۶)

قصص ٣ آيات ٧٥ تا ٤٧

وَلَوْلَا أَنْ تُصِيبَهُمْ مُصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَيَقُولُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٤٧﴾ فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا لَوْلَا أُوتِيَ مِثْلَ مَا أُوتِيَ مُوسَىٰ أَوْ لَمْ يَكْفُرُوا بِمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ مِنْ قَبْلُ قَالُوا سِحْرَانِ تَظَاهَرَا وَقَالُوا إِنَّا بِكُلِّ كَافِرٍ زُونَ ﴿٤٨﴾ قُلْ فَأْتُوا بِكِتَابٍ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَا أَتَّبِعُهُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٤٩﴾ فَإِنْ لَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ اتَّبَعَ هَوَاهُ بَعْدَ هُدًى مِّنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿٥٠﴾ وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٥١﴾ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِهِ هُمْ بِهِ يُؤْمِنُونَ ﴿٥٢﴾ وَإِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ قَالُوا آمَنَّا بِهِ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلِهِ مُسْلِمِينَ ﴿٥٣﴾ أَوَلَيْكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرُهُمْ مَّرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا وَيَدْرَءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ ﴿٥٤﴾ وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ ﴿٥٥﴾ إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ﴿٥٦﴾ وَقَالُوا إِن تَتَّبِعِ الْهُدَىٰ مَعَكُمْ نَتَخَطَّفُ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَمْ يَمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجْئِي إِلَيْهِ مَرَاثٌ كُلُّ شَيْءٍ رِّزْقًا مِنْ لَدُنَّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٥٧﴾ وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قُرْيَةٍ بِطَرَفِ مِعْيَشَتِهَا فَبَلَكَ مَسَاكِينُهُمْ لَمْ تَسْكُنْ مِنْ بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيلًا وَكُنَّا نَحْنُ الْوَارِثِينَ ﴿٥٨﴾ وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَىٰ حَتَّىٰ يَبْعَثَ فِي أُمِّهَا رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا وَمَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرَىٰ إِلَّا وَأَهْلُهَا ظَالِمُونَ ﴿٥٩﴾ وَمَا أُوتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَزِينَتُهَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٦٠﴾ أَفَمَنْ وَعَدْنَاهُ وَعْدًا حَسَنًا فَهُوَ لَاقِيهِ كَمَنْ مَتَّعْنَاهُ مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ هُوَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ الْمُحْضَرِينَ ﴿٦١﴾ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ ﴿٦٢﴾ قَالَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَغْوَيْنَا أَغْوَيْنَاهُمْ كَمَا غَوَيْنَا تَبَرَّأْنَا إِلَيْكَ مَا كَانُوا إِيَّانَا يَعْبُدُونَ ﴿٦٣﴾ وَقِيلَ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ فَدَعَوْهُمُ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَرَأَوُا الْعَذَابَ لَوْ أَنَّهُمْ كَانُوا يَهْتَدُونَ ﴿٦٤﴾ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمُ الْمُرْسَلِينَ ﴿٦٥﴾ فَعَمِيتَ عَلَيْهِمُ الْآبَاءُ يَوْمَئِذٍ فَهُمْ لَا يَتَسَاءَلُونَ ﴿٦٦﴾ فَأَمَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَعَسَىٰ أَنْ يَكُونَ مِنَ

الْمُفْلِحِينَ ﴿٦٧﴾ وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٦٨﴾ وَرَبُّكَ يَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ ﴿٦٩﴾ وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَى وَالْآخِرَةِ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٧٠﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ اللَّيْلَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُم بِضِيَاءٍ أَفَلَا تَسْمَعُونَ ﴿٧١﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُم بِلَيْلٍ تَسْكُنُونَ فِيهِ أَفَلَا تُبْصِرُونَ ﴿٧٢﴾ وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٧٣﴾ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ ﴿٧٤﴾ وَنَزَعْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا فَقُلْنَا هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ فَعَلِمُوا أَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٧٥﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: چگونه خداوند مخالفان پیامبران را نابود، و خود آنان را موفق می نماید.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: نمونه‌هایی از بهانه‌گیری‌های مخالفان پیامبر -ص- برای فرار از ایمان و توصیه به پیامبر (ص) که در جهت باطل کردن بهانه‌های شان چنین بگوید.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

وَلَوْلَا أَنْ تُصِيبَهُمْ مُصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَيَقُولُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٤٧﴾ فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا لَوْلَا أُوتِيَ مِثْلَ مَا أُوتِيَ مُوسَىٰ أَوْ لَمْ يَكْفُرُوا بِمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ مِنْ قَبْلُ قَالُوا سِحْرَانِ تَظَاهَرَا وَقَالُوا إِنَّا بِكُلِّ كَافِرُونَ ﴿٤٨﴾ قُلْ فَأْتُوا بِكِتَابٍ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَا أَتَّبِعُهُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٤٩﴾ فَإِنْ لَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِّنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿٥٠﴾

ریزدرب : نمونه‌هایی از بهانه‌گیری‌های مخالفان پیامبر-ص- برای فرار از ایمان.

۲

وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٥١﴾ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِهِ هُمْ بِهِ يُؤْمِنُونَ ﴿٥٢﴾ وَإِذَا يُثْلَىٰ عَلَيْهِمْ قَالُوا آمَنَّا بِهِ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلِهِ مُسْلِمِينَ ﴿٥٣﴾ أُولَٰئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُم مَّرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا وَيَدْرَءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ ﴿٥٤﴾ وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ ﴿٥٥﴾ إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ﴿٥٦﴾ وَقَالُوا إِنْ تَتَّبِعِ الْهْدَىٰ مَعَكَ نُتَخَطَّفُ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَمْ تَمُكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجِئُ إِلَيْهِ تَرَاثُ كُلِّ شَيْءٍ رَّزَقًا مِنْ لَدُنَّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٥٧﴾

ریزدرب : ای پیامبر! به بهانه گیران بگو: اقوام قبلی به کتابشان احترام و عمل میکردند.

۳

وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْنٍ بَطِرَتْ مَعِيشَتُهَا فَفِيكَ مَسَکِنُهُمْ لَمْ تُسْكَنْ مِنْ بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيلًا وَكُنَّا نَحْنُ

الْوَارِثِينَ ﴿٥٨﴾ وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَى حَتَّى يَبْعَثَ فِي أُمِّهَا رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا وَمَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرَى إِلَّا وَأَهْلُهَا ظَالِمُونَ ﴿٥٩﴾ وَمَا أُوتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَزِينَتُهَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٦٠﴾ أَفَمَنْ وَعَدْنَاهُ وَعْدًا حَسَنًا فَهُوَ لَا فِيهِ كَمَنْ مَتَّعْنَاهُ مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ هُوَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ الْمُحْضَرِينَ ﴿٦١﴾ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِي الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ ﴿٦٢﴾ قَالَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَغْوَيْنَا أَغْوَيْنَاهُمْ كَمَا أَغْوَيْنَا تَرَى أَنَّ إِلَيْكَ مَا كَانُوا يُعْبُدُونَ ﴿٦٣﴾ وَقِيلَ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَرَأَوُا الْعَذَابَ لَوْ أَنَّهُمْ كَانُوا يَهْتَدُونَ ﴿٦٤﴾ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمُ الْمُرْسَلِينَ ﴿٦٥﴾ فَعِمِيتَ عَلَيْهِمُ الْآلَاءُ يَوْمَئِذٍ فَهُمْ لَا يَتَسَاءَلُونَ ﴿٦٦﴾ فَأَمَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَعَسَىٰ أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ ﴿٦٧﴾

ریزدرب : ای بهانه گیران! مبدا خود را به چنین عاقبتی دچار کنید.

٤

وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٦٨﴾ وَرَبُّكَ يَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ ﴿٦٩﴾ وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْخَمْدُ فِي الْأُولَىٰ وَالْآخِرَةِ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٧٠﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ اللَّيْلَ سَرْمَدًا إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بَضِيَاءَ أَفَلَا تَسْمَعُونَ ﴿٧١﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَدًا إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بَلِيلٌ تَسْكُنُونَ فِيهِ أَفَلَا تُبْصِرُونَ ﴿٧٢﴾ وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٧٣﴾

ریزدرب : ای بهانه جویان! چنین خداوندی دارید، بسوی او بیایند.

٥

وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِي الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ ﴿٧٤﴾ وَنَزَعْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا فَقُلْنَا هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ فَعَلِمُوا أَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٧٥﴾

ریزدرب : ای بهانه گیران! از چنین عاقبتی احتراز کنید.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

پاراگراف ۱ مطلقاً امیدوارکننده است و بطور واضح خبر از تغییر اوضاع در جهت حصول رضایت پیامبر(ص) و پیروانش، و فائق شدن آنها بر مخالفان و دشمنانشان میدهد. در پاراگراف ۲ می فرماید: ای پیامبر! بطور قطع شما پیروز خواهید شد پس، براین اوضاع و احوال فعلی تان صبر کنید تا وقت مناسب برسد و اینکه ای پیامبر! قوم تو جای هیچ بهانه ای را نباید داشته باشند زیرا این قرآنی که به تو داده ایم از معجزات هر پیامبری بالاتر است.

در این پاراگراف از سمپات ها در میان کافران انتقاد و نکوهش میشود که چرا تعلل و امروز- فردا و دست-دست می کنید و یکباره ایمان نمی آورید و اگر منظورتان از تعلل درایمان آوری نگرانی راجع به «زندگی دنیا» تان است، از کجا معلوم که بعداً موفق به ایمان شوید و از کجا معلوم که پذیرفته شود.

۴- سوالات

۱- فاعل «میگویند»های آیه ۴۷ چه کسی (کسانی) است؟

۲- آیه ۴۹، چه نوعی از سخن است؟ (طنز؟ یا....)

۳- منظور از «قول» (آیه ۵۱) چیست؟

۴ - با توجه به آیه ۵۶، فعالیت رسولانه پیامبر(ص) مطابق کدام گزینه است؟ (شرط لازم؟ شرط کافی؟ یا....؟)

۵- منظور از «ثمرات» (آیه ۵۷) چیست؟

۶ - منظور از «بطرت معیشتها» (آیه ۵۸) چیست؟

۷ - در آیه ۵۹ سکون و ثبات زندگی را بین دو حدّ تعریف فرموده، آن دو حدّ را بیان کنید .

۸ - مخاطب این پاراگراف کیست؟ (کافران عادی؟ سران کفار؟ یا....؟)

۹ - از آیه های ۵۴ و ۵۵ و ۵۶ چه «حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها» میتوان زد؟

۱۰- چه سابقه ای از موضوع آیه ۶۳ در سوره های قبل دارید؟

۱۱-منظور از « الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ » (آیه ۶۳) چیست؟

۱۲-«هم» در کلمه «ینادیهم» (آیه ۶۵) خطاب به کیست؟

۱۳-چرا در آیه ۶۷، قول قطعی رستگاری نداده است؟

۱۴-منظور از « مَا كَانَ لَهُمُ الْحَيَوةُ » (آیه ۶۸) چیست؟

۱۵-منظور از « الْأَوَّلَى وَالْآخِرَةَ » (آیه ۷۰) چیست؟

۱۶- موضوع آیه ۷۵ در چه زمانی اتفاق می افتد؟

۱۷ -خطاب این پاراگراف به چه کسانی است؟ (کافران معمولی؟ سران کفار؟ یا....؟)

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیه های ۴۷ و ۴۸ فهمیده میشود قبل از ظهور آنحضرت مردم مکه آرزوی ظهور یک پیامبر را داشته اند، اما، پس از اینکه آرزویشان برآورده شد آن حضرت را تکذیب نمودند و از آیه ۵۰ فهمیده میشود علت تکذیب «اتباع اهواء» شان بوده است.

از آیه ۵۷ این مطلب هم فهمیده می شود که کفار که پیشرفت اسلام و فتح قلوب

مردم نگران‌شان کرده بود دست به توطئه‌های وسیع زده بودند و از جمله آدم‌ربائی را نیز بعنوان یک عمل تروریستی بازدارنده در برنامه‌های خویش گنجانده بودند.

از آیه ۵۱ این مطلب بسیار مهم فهمیده میشود که علیرغم اینکه مردم مکه مدتی طولانی بی پیامبر بوده اند اما از معارف وحیانی آنقدر که مورد نیازشان بود در بین آنها رایج بوده که نتوانند در قیامت ادعا کنند «ما که از حقایق بی خبر بودیم»

از آیات ۵۲ تا ۵۵ هم این نکته مهم فهمیده میشود که یهودیان و مسیحیانی که در مکه و دور و بر آن بوده اند پیشاپیش کاملاً به آنحضرت ایمان داشتند و حتی به ایمانشان عمل هم میکردند.

از آیه ۶۱ (و با توجه به آن، از آیه ۶۰ نیز) فهمیده میشود که مخالفان فعال آنحضرت (نسبت به پیروان آنحضرت) مالدار و قبیله دار، و اکثر پیروان آنحضرت از رده‌های فرودست جامعه بوده اند و خطاب دو آیه مذکور هم به دسته اول است.

از آیه ۶۹ فهمیده میشود مخالفان آنحضرت در باره تعالیم او نظری داشته اند ولی آنچه که در باره تعالیم او ابراز میکرده اند مطابق و منطبق با چیزی که در نهانی‌های ضمیر خویش داشته اند نبوده است.

۶ - در این پاراگراف، کدام فقرات، فوق ذهنیات معاصران نزول است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه ۵۴ «قیامتی» است، و هیچ بنی بشری تجربه اش را ندارد، و قبل از قیامت نخواهد داشت، لذا، چه در آن روزهای نزول وحی و چه الی یوم القیامه بالاتر از ذهنیات بشر خواهد بود. همچنین است آیات ۶۰ تا ۶۷ و ۷۴ و ۷۵.

آیه های ۵۸ و ۵۹ از این لحاظ که مربوط به اقوامی است که در قبل از تاریخ بوده اند، و علم باستان شناسی آنقدر رشد نکرده که ما از اوضاع و احوال آنها مطلع باشیم، برای ما نیز روشن نیست، چه رسد به مخاطبان اولیه این آیات.

۷ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیات ۶۰ تا ۶۴، و آیه های ۷۳ و ۷۴، بقیه آیات «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

فعل خداوند قانونمند است

با توجه به تیتیر فوق و متن آیه ۵۶ معلوم می شود ایمان آوری مکانیزم های پیچیده- ای در ذهن و روان انسان دارد که تا همه مقدمات و شرایط آن آماده نشود به وجود نمی آید.

اگر ایمان بیاوریم دچار مشکل می شویم

موضوع آیه ۵۷ را قبلاً در سوره های قریش و فجر دیده ایم. در سوره قریش مختصراً این مطالب را دیده ایم که کل زندگی شما براساس مجاورت با این حرم امن الهی (یعنی مکه) شکل گرفته است پس کفر چه معنی دارد و در سوره فجر بطور کامل این مطلب را دیده ایم که ارزش زندگی اقتصادی این جهانی ملاک و مناط اعتبار نیست و در مقابل حق و آخرت و ارزشهای واقعی چیزی نیست.

غفلت زدایی

آیات ۷۱ تا ۷۳ چشم ما را به این نکته باز می کند که چه نعمت های عظیمی وجود دارد که ما به آنها عادت کرده ایم، و حتی یک دفعه هم این عادت نقض نشده، و هر کدام از آن نعمت های عادی که اصلاً وجود آنها را هم احساس نمی کنیم چه تأثیر عظیمی در زندگی ما به عنوان انسان دارد، و اگر اینطور که هست نبود، اصلاً انسانیت و تمدن انسانی ما حتی به آن قدم های اولیه نیز نمی رسید. و اگر متوجه این نکته بودیم کمی شاکر می شدیم.

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر! اگر اینطور نبود که وقتی بسبب اعمالشان مصیبتی به آنان میرسید میگفتند پروردگارا چرا رسولی بسویمان نفرستادی تا آیات را پیروی کنیم و از مومنان باشیم به فریادشان نمی رسیدیم (۴۷) اما تا این حق، از جانب ما بسویشان آمد گفتند چرا چیزی مانند آنچه به موسی داده شد به او داده نشد؟ آیا به آنچه قبلا به موسی داده شد کفر نورزیدند و نگفتند که قرآن و تورات دو جادوست که از یکدیگر پشتیبانی می کنند و نیز نگفتند نسبت به همه آنها کافریم؟ (۴۸) بطور طعنه وار به آنان بگو پس کتابی از جانب خداوند بیاورید که از آن دو هدایت کننده تر باشد که من هم پیرویش کنم اگر راست میگویید (۴۹) پس اگر اجابت نکردند بدان که هوا و هوس خویش را پیروی می کنند و چه کسی گمراه تر است از کسی که هوا و هوس خویش را که خالی از هدایت خدا باشد پیروی کند؟ البته خداوند ظالمان را هدایت نمی کند (۵۰) و البته آن قول وحی را پیوسته نمودیم شاید پند گیرند (۵۱)

آنانکه قبلا کتابشان داده ایم به آن قرآن ایمان می آورند (۵۲) و وقتی که بر آنان تلاوت شود میگویند به آن ایمان آورده ایم. آن حق است و ماقبل از آن تسلیم حق بوده ایم (۵۳) آنها پاداششان دوبار داده میشود، بسبب پایداری که میکنند و بدی را با نیکی دور میکنند و از آنچه به آنان روزی نمودیم انفاق می نمایند (۵۴) و وقتی که بیهوده ای میشوند از آن روی میگردانند و میگویند اعمالمان برای ما و اعمالتان برای شما باشد، سلام بر شما، ما بدنبال جاهلان نیستیم (۵۵)

البته اینطور نیست که تو هر که را که دلت خواهد هدایت کنی ولیکن خداست که هر کس را خواهد هدایت میکند و همو به حال هدایت یافتگان داناتر است (۵۶)

و میگویند اگر آن هدایتی را که همراه توست پیروی کنیم از سرزمین خویش ربوده می‌شویم. آیا ما آنها را در حرمی امن جای نداده ایم که فرآورده های همه چیز بسوی آن گسیل می‌شود؟ که روزی است از نزد ما؟ ولیکن اکثرشان علم ندارند (۵۷) و چه بسا شهرهایی را که در معیشت خویش طغیان کردند و این مسکن های آنهاست که جز کمی پس از آنها مسکون نبود و ما وارثانیم (۵۸) و پروردگارت اینطور نیست که شهرها را هلاک کند مگر اینکه در مرکز آنها رسولی برانگیزد که آیاتمان را بر آنان بخواند و ما اینطور نیستیم که شهرها را هلاک کنیم مگر اینکه اهلش ظالم باشند (۵۹) و آنچه به شما داده شده متاع زندگی دنیا و زینت آن است و آنچه نزد خداست بهتر و باقی تر است آیا تعقل نمی کنید؟ (۶۰) آیا کسی که به او وعده نیکوئی دادیم و او به آن رسید مانند کسی است که او را به متاع زندگی دنیا برخوردار کردیم و آنگاه در قیامت از احضار شدگان است؟ (۶۱)

و به روزی فکر کنید که در قیامت صدایشان زنند و گفته شود آن شریکانی که برای من می پنداشتید کجا هستند؟ (۶۲) کسانی که آن قول بر آنان فرود آمده میگویند پروردگارا اینها کسانی هستند که ما همراهشان کرده بودیم. همانطور که خودمان هم همراه بودیم. در پیشگاه تو از این کار بی‌زاری می‌جوئیم. البته آنها فقط ما را عبادت نمی‌کردند (۶۳) به آن کافران گفته می‌شود شریکان خویش که برای خداوند فرض کرده بودید صدا بزنید، و آنها صدایشان می کنند اما آنها جوابشان نمی‌دهند و در این حال عذاب را می بینند و آرزو میکنند که کاش هدایت یافته بودند (۶۴) و هنگامی که ماموران قیامت صدایشان می‌زنند و می پرسند چه جوابی به رسولان داده اید؟ (۶۵) در آن وضع واقعیات بر آنها مشتبه می‌شود و چنان سر در گم می‌شوند که از یکدیگر احوال پرسى هم نمی‌کنند (۶۶)

اما کسی که توبه کند و ایمان بیاورد و عمل صالح در پیش گیرد چه بسا که از رستگاران باشد (۶۷) و پروردگارت آنچه خواهد می آفریند و برمیگزیند. آنها اختیاری ندارند. خداوند پاک و منزّه است از آنچه با او شریک میگیرند (۶۸) و پروردگارت آنچه را که دلپاشان مخفی میکند و آنچه را که آشکار میکنند میداند (۶۹) و همو خداوند است که خدائی جز او نیست. ستایش در این جهان و در آخرت مخصوص اوست و قضاوت نیز همچنین. و بسوی او بازمیگردید (۷۰)

بگو بیندیشید اگر خداوند شب را تا قیامت همیشگی کند، غیر از خداوند چه خدائست که روشنایی را برایتان بیاورد آیا نمی شنوید؟ (۷۱) بگو بیندیشید اگر خداوند تا قیامت روز را همیشگی کند، چه خدائست که شب را برایتان بیاورد که در آن استراحت کنید؟ آیا نمی بینید؟ (۷۲) و از رحمتش برایتان شب و روز را قرار داد که در آنها استراحت کنید و از فضل او روزی خویش بجوئید شاید شکر گزارید (۷۳) و روزی که آنها را ندا دهد و بگوید کجا هستند شریکانی که به خیال خویش برای من در نظر گرفتید (۷۴) و در آن روز از هر مردمی شهادت دهنده ای جدا خواهیم کرد و به آنها خواهیم گفت دلیل خویش بیاورید، آنگاه خواهند دانست که حق مخصوص خداست و آنچه که افترا میزدند از نزدشان گم و نابود میشود (۷۵)

قصص ۴ آیات ۷۶ تا ۸۸

إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءَ بِالْعُصْبَةِ أُولِي الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ ﴿٧٦﴾ وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ ﴿٧٧﴾ قَالَ إِنَّمَا أُوتِيْتُهُ عَلَى عِلْمٍ عِنْدِي أَوَلَمْ يَعْلَم أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِنْ قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَأَكْثَرُ جَمْعًا وَلَا يُسْأَلُ عَنْ ذُنُوبِهِ الْمُجْرِمُونَ ﴿٧٨﴾ فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ ﴿٧٩﴾ وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيْلَكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِمَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَا يُلْقَاهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ ﴿٨٠﴾ فَخَسَفْنَا بِهِ وَبَدَارِهِ الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِنْ فِئَةٍ يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُنتَصِرِينَ ﴿٨١﴾ وَأَصْبَحَ الَّذِينَ تَمَتَّوْا مَكَانَهُ بِالْأَمْسِ يَقُولُونَ وَيَكَآثُ اللَّهُ بِبَسْطِ الرِّزْقِ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَوْلَا أَنْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا لَخَسَفَ بِنَا وَيَكَآثُ لِمَنْ يَفْلَحُ الْكَافِرُونَ ﴿٨٢﴾ تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ﴿٨٣﴾ مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى الَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٨٤﴾ إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَأْدُكَ إِلَى مَعَادٍ قُل رَّبِّي أَعْلَمُ مَنْ جَاءَ بِالْهُدَى وَمَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿٨٥﴾ وَمَا كُنْتَ تَرْجُو أَنْ يُلْقَى إِلَيْكَ الْكِتَابُ إِلَّا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ ظَهِيرًا لِلْكَافِرِينَ ﴿٨٦﴾ وَلَا يَصُدَّنَّكَ عَنْ آيَاتِ اللَّهِ بَعْدَ إِذْ أُنْزِلَتْ إِلَيْكَ وَادْعُ إِلَى رَبِّكَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿٨٧﴾ وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٨٨﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:

طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: درس: چگونه خداوند مخالفان پیامبران را نابود، و خود آنان را موفق می نماید.

برآیند درسی فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: یکی از راه های مهم غفلت از خداوند، توجه بیش از حد به مال و ثروت و تکیه بر آن است، ای پیامبر! تحت تاثیر مخالفت ها قرار نگیر، و کار رسالت را با جدیت بیشتر پیگیری باش که مورد لطف مائی.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءَ بِالْعُصْبَةِ أُولِي الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ ﴿٧٦﴾ وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ ﴿٧٧﴾ قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَى عِلْمٍ عِنْدِي أَوَلَمْ يَعْلَم أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِنْ قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَأَكْثَرُ جَمْعًا وَلَا يُسْأَلُ عَنْ دُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ ﴿٧٨﴾ فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَكُنُوزٌ حَظٌّ عَظِيمٌ ﴿٧٩﴾ وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيُؤْتَاكَ اللَّهُ خَيْرٌ لِمَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَا يُلْقَاهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ ﴿٨٠﴾ فَحَسَنَّا بِهِ وَبَدَّارِهِ الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِنْ فِتْنَةٍ يَتَصَوَّرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُتَصَرِّينَ ﴿٨١﴾ وَأَصْبَحَ الَّذِينَ تَمَنَّوْا مَكَانَهُ بِالْأَمْسِ يَقُولُونَ وَيَكَآئُ اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَوْلَا أَنْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا لَخَسَفَ بَنَّا وَيَكَآئُهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ ﴿٨٢﴾

ریزدرب : یکی از راه های مهم غفلت از خداوند، توجه بیش از حد به مال و ثروت و تکیه بر آن است.

۲

تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ﴿٨٣﴾
ریزدرب : نعمت های آخرت برای کسانی ممکن میشود که خواسته شان برتری طلبی و فساد نباشد.

۳

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى الَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٨٤﴾
ریزدرب : داوری آخرتی بهترین داوری است.

۴

إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَى مَعَادٍ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ مَنْ جَاءَ بِالْهُدَى وَمَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿٨٥﴾ وَمَا كُنْتَ تَرْجُو أَنْ يُلْقَى إِلَيْكَ الْكِتَابُ إِلَّا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ ظَهِيرًا لِلْكَافِرِينَ ﴿٨٦﴾ وَلَا يَصُدُّكَ عَنْ آيَاتِ اللَّهِ بَعْدَ إِذْ أَنْزَلْتُ إِلَيْكَ وَادْعُ إِلَى رَبِّكَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿٨٧﴾ وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٨٨﴾

ریزدرب : ای پیامبر! فضل خداوندی بر تو عظیم بوده، زنهار که مبادا ناشایسته عمل کنی!

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقا با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبَّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقا می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

پاراگراف ۱ مطلقا امیدوارکننده است و بطور واضح خبر از تغییر اوضاع در جهت حصول رضایت پیامبر(ص) و پیروانش، و فائق شدن آنها بر مخالفان و دشمنانشان میدهد.

در پاراگراف ۲ می فرماید: ای پیامبر! بطور قطع شما پیروز خواهید شد، پس، براین اوضاع و احوال فعلی تان صبر کنید تا وقت مناسب برسد و اینکه ای پیامبر! قوم تو جای هیچ بهانه ای را نباید داشته باشند زیرا این قرآنی که به تو داده ایم از معجزات بزرگ است.

در پاراگراف ۳ از کافران انتقاد و نکوهش میشود که چرا تعلل و امروز- فردا و دست-دست می کنید و یکباره ایمان نمی آورید و اگر منظورتان از تعلل درایمان آوری نگرانی راجع به «زندگی دنیا» تان است، از کجا معلوم که بعدا موفق به ایمان شوید و از کجا معلوم که پذیرفته شود.

در این پاراگراف می فرماید: اینقدر به اموالتان غره نشوید، اولاکه چیزی نیست، ثانیا شاید وفا نکنند، و ای پیامبر! لطف و نعمت ما بر تو عظیم بوده، البته آن خواسته ات را هم برآورده می کنیم.

۴- سوالات

۱- منظور از «قومه» (آیه ۷۶) چه کسانی است؟

۲- ظرف زمانی اتفاقات آیات ۷۶ تا ۸۰ چه وقت است؟

۳- کلمه «معاد» (آیه ۸۵) به چه معنی بکار رفته؟ لغوی یا اصطلاحی؟

۴- منظور از «آیات الله» (آیه ۸۷) چیست؟

۵- چرا خداوند از بین صفات ممکن، خود را به صفات مندرج در انتهای آیه ۸۸ معرفی فرموده؟

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

چون شرح این قسمت نسبتاً طولانی است، در ذیل عرضه میشود.

۶ - پیشگویی های تحقق یافته

در آیات ۷۶ تا ۸۴ نظیره سازی مطرح نموده که طی آن این پیشگویی تلویحی را دارد که وضع شما بهبود خواهد یافت و دشمن شما از صحنه خارج خواهد گردید. در آیه ۸۶ با ذکر یک نعمت عظیم که به آنحضرت انعام شده، تلویحا این وعده را دارد که ما همان صاحب نعمتیم و نعمت های دیگری نیز در راه است. در آیه های ۸۷ و ۸۸ با نهی شدید از کوچکترین سعی برای نزدیک شدن به فعالان مخالف با آموزه های وحی، تلویحا این پیشگویی را دارد که دست تو بالاتر است و لزومی ندارد به آنان کوچکترین امتیازی بدهی.

۷ - آیات مشکل

آیه ۸۵ به علت اختلاف نظری که مفسران در تفسیرش دچارش شده اند، از آیات مشکل تلقی میشود، گرچه ملاحظه کنید که برای ما مشکل نیست.

۸ - در این پاراگراف، کدام فقرات، فوق ذهنیات معاصران نزول است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه های ۸۳ و ۸۴ «قیامتی» است، و هیچ بنی بشری تجربه اش را ندارد، و قبل از قیامت نخواهد داشت، لذا، چه در آن روزهای نزول وحی و چه الی یوم القیامه بالاتر از ذهنیات بشر خواهد بود.

آیه های ۷۶ تا ۸۲ از این لحاظ که مربوط به اقوامی است که در قبل از تاریخ بوده اند، و علم باستان شناسی آنقدر رشد نکرده که ما از اوضاع و احوال آنها مطلع باشیم، برای ما نیز روشن نیست، چه رسد به مخاطبان اولیه این آیات.

۹- کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها، تقریباً تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

گفتگویی که در خلال آیات ۷۶ تا ۸۰ بین بنی اسرائیل صورت گرفته، بی جهت در قرآن در اینجا نقل نشده، قابل فهم است که می باید چنین تلقیی از خویش در هریک از گروه های موجود ثروتی در دوره معاصر نزول این آیات در اذهان وجود داشته باشد، شکاف طبقاتی عمیق (آیه ۷۶)، اعتراض به سوء رفتار سوپر متمکن ها (از ثلث آیه ۷۶ تا آیه ۷۷)، توجیه آنان در دفاع از رفتار خویش (ثلث اول آیه ۷۸)، آرزوی موقعیتی شبیه آنها در بین طبقات نابرخوردار (نیمه آخر آیه ۷۹)، و دیالوگ داخلی تقابلی عده ای دیگر از همانها (آیه ۸۰)

از مجموع اینها فهمیده میشود در زمان نزول این آیات، عده ای از طبقات فرودست چشم تحسین و تقلید به سوی مخالفان آنحضرت داشتند، و عده ای دیگر به وضوح منتقد آنان بوده و با آنها وارد دیالوگ انتقادی می بوده اند.

مطلب انتهای آیه ۸۵ به چه معنی است؟

قابل فهم است که آنحضرت مورد دعوت‌های مکرری از سوی کفار بوده که «بیا یک جوری با هم کنار بیائیم. هیچ چیزی نیست که قابل حل نباشد. این قدر راجع به خدایان ما سخت‌گیری نکن. بالاخره پرستش آنها هم به نوعی پرستش خدای تو است و ... و ...»

در انتهای آیه ۸۵ یادآوری می‌نماید که اصلاً اینطور نیست. تو هدایت آورده‌ای و آنها از گمراهی آشکار دفاع می‌کنند و لذا مبادا هیچگونه سازشی کنی. در صدر آیه نیز ابتدا نعمت بزرگی را که آن حضرت از آن برخوردار شده بود (ظرفیت پذیرش این رسالت) یادآوری نموده و سپس وعده‌ای به او داده که به دلخواهت میرسی و در آخر او را نهی نموده از اینکه کوچکترین سازشی نماید. از جمله دوم آیه ۸۵ فهمیده می‌شود دلخواه آن حضرت این بوده که به «بازگشتگاه» برگردد.

خداوند به او می‌فرماید لازم نیست برای اینکه به بازگشتگاه برگردی، کوچکترین سازشی کنی. ما که تو را الزام کرده‌ایم این بار را بر شانه‌ات حمل کنی، خودمان تو را به آرزویت می‌رسانیم. چه بسا «بازگشتگاه» در اینجا «روزهایی که اینهمه مشکلات نباشد» بوده باشد، یعنی همان روزهایی که آنحضرت فقط یک «محمد امین» بود و عزیز و محترم بود و بار اینهمه مشکلات (تکذیب و تحقیر و استهزاء و آزار و اذیت پیروان و ...) را نداشت، بوده باشد، که در اینجا تلویحا وعده موفقیت و پیروزی به آنحضرت میدهد.

در آیات ۸۵ تا ۸۸ مطالب عجیبی خطاب به پیامبر اکرم(ص) عنوان شده است و شبیه به مطالبی است که در سوره اسراء مبنی بر «بر حذر داشتن آنحضرت از اینکه حتی به مقدار کمی هم که باشد بسوی مشرکان رغبت فرماید» نازل شده است.

آیا پیامبر اکرم(ص) پس از اینهمه سوره‌ها و آیاتی که بر او نازل شده، و پس از اینهمه رنج و تعبیه که دیده، و پس از اینهمه موفقیتی که به آن نائل شده، در موقعیتی بود که بقول آیه ۸۷، «از مشرکان» باشد و «همراه با خدا»، «خدای دیگری

را بخواند؟» البته که نه. پس سبب نزول آن مطالب چیست؟
 «درس» و «درب» بما کمک می‌کند که موضوع فوق را بهتر بفهمیم.
 پیامبر(ص) بار رسالتی را به دوش داشت که آنرا تا اینجای کار رسانده بود و مؤمنانی را تربیت کرده بود و مخالفان عجیبی هم ایجاد شده بودند که نه تنها هیچ طوری هیچ قدمی بطرف هدایت برنمی‌داشتند بلکه از تمام ظرفیت خویش برای از بین بردن آن استفاده می‌کردند و بزرگترین توطئه‌ها را و بدترین اعمال را مرتکب می‌شدند و حتی چنانکه در محل خویش دیده شد، حتی از آدم دزدی هم رویگردان نبودند.

پیامبر بود و بار رسالت و بقیه راه و این مؤمنان و آن موانع سخت.
 هر کس دیگر که بود چه آرزویی داشت؟

هر کس دیگر هم که بود آرزویی جز برداشتن موانع نداشت.
 یکی از بهترین راه‌های برداشتن این نوع موانع «معامله» است.
 مثلاً پیامبر(ص) امتیاز کوچکی به آنان بدهد و امتیاز بزرگی از آنان بگیرد.
 آنان چه نوع امتیازی را ممکن بود بخواهند؟

مشرکان و کفار آن روزها ظاهراً چیز زیادی نمی‌خواستند.
 از آیه ۸۶ فهمیده می‌شود که بعضی از کفار از پیامبر انتظار داشتند در جاهائی یک پشتیبانی‌هایی از آنان بکنند و از آیه ۸۷ فهمیده می‌شود از او می‌خواستند در جاهائی از مواضع (بنظر آنها) بسیار سفت و سخت خویش اندکی کوتاه بیاید و از آیه ۸۸ فهمیده می‌شود از او می‌خواستند کمی هم که شده با آنان همراهی نشان دهد.
 خلاصه اینکه آنها چیزی را می‌خواستند که در سوره کافرون به آن اشاره شده منتها اینک که نهضت اسلام اینهمه پیشرفت کرده بود، همان چیزها را منتها به بسیار رقیق‌تر و به کمتر از آن هم راضی بودند که خداوند با این شدت (در سوره اسراء و در این سوره) آنحضرت را از کوچکترین معامله‌ای با آنان در این حوزه‌ها بر حذر داشته است.

ضمناً در اواخر سوره یونس نیز بحثی عرض کرده‌ایم که مناسب اینجا نیز هست.

«رانت» یا لیاقت؟

در رابطه با آیه ۷۸ جمله «جز این نیست که آن ثروت به علت علمی که نزد من است به من داده شده» سخن همه کسانی است که به نوعی سرمایه‌های خدادادی، یا رانتی را به «لیاقت» خویش منسوب می‌کنند و با این سخن خود را از انجام وظایف مربوط به آن سرمایه (اعم از علمی و اعتباری و نسبی و سببی و اقتصادی و غیره) معاف می‌کنند. در حالیکه هر کس هر نعمتی که دارد آن را از خداوند دارد و مطابق آیه آخر سوره تکاثر باید پاسخگوی چگونگی استفاده از آن باشد.

در آیه ۸۵ «معاد» یعنی چه؟

با توجه به آیه ۸۵ کلمه «فرض» از نوعی الزام و اجبار حکایت می‌کند (و «واجبات» را «فرضه» نام نهاده‌اند) و لذا «فرض کردن قرآن» بر پیامبر (ص) به این معنی است که چاره‌ای نبود جز اینکه نزول قرآن می‌یابد الزاماً بر او - ص - واقع باشد. حتماً به این علت که آنحضرت شایسته‌ترین کسی بود که قدرت و ظرفیت و امکان حمل این بار را داشت و حتماً شخص دیگری نبود که بتواند به خوبی او از پس انجام این رسالت برآید. اما خود آنحضرت به دلیل محتوای آیه ۸۶ گمان نمیبرد که به پیامبری برسد و حالا که رسیده همواره این امکان را داشته که با موضوع رسالتش بیش از مقدار لزوم درگیر شود و اصطلاحاً به زبان امروز آن را «شخصی» تلقی کند و همواره برای او این وضعیت پیش می‌آمد که مانند محتوای ابتدای سوره قلم در معرض «پیشنهاد معامله» قرار گیرد (که مثلاً سران کفار به آنحضرت بگویند یک امتیاز کوچکی بما بده و در عوض ده امتیاز بزرگ به تو می‌دهیم) که هم در سوره قلم و هم پس از آن بارها تکرار از آن نهی شده (لقد کدت ترکن الیهم... ولا ترکنوا الی الذین ظلموا...) و اینجا هم یکی از آن موارد است که بشدت نهی میشود که فلا تکونن

ظهِيرا للکافرين.

خلاصه اینکه آیات ۸۵ تا ۸۸ از طرفی همتراز آن آیات سوره قلم است که از «فلا تطع المکذبین» شروع و تا «اساطیر الاولین» ادامه می یابد، و از طرف دیگر همتراز آیه «ولقد کدت ترکن الیههم . . .» سوره اسراء است که قبلاً دیدیم. حالا مسئله ما این است که در این چارچوب « . لرادک الی معاد» را معنی کنیم. در این چارچوبی که عرض کردیم، کلمه «معاد» جز به قیامت نمیخورد.

«وجه» خدا

در رابطه با آیه ۸۸ و کلمه «وجهه»، در سوره رحمان درباره «وجه خدا» بحثی تقدیم کردیم، لطفاً مراجعه کنید.

ترجمه تفسیری آزاد

قارون از بنی اسرائیل بود که بر آنها طغیان کرد و به او آنقدر از ثروت داده بودیم که فقط حمل کلیدهایش جوانانی نیرومند را خسته میکرد. هنگامیکه برخی از قومش به او میگفتند خوشحالی مکن که خداوند این قبیل خوشحالان را دوست ندارد (۷۶) و در آنچه خداوند بتو داده سرای آخرت را جستجو کن و در عین حال نصیب خویش را نیز از دنیا فراموش مکن و نیکی کن چنانکه خداوند بتو نیکی نموده و در روی زمین در پی فساد مباش که خداوند مفسدان را دوست نمیدارد (۷۷) گفت جز این نیست که این ثروت را بعلت لیاقتم یافته‌ام. آیا نمی دانست که خداوند قبل از او کسانی را هلاک کرده که از او قوی تر و از لحاظ جمعیت از او فزون تر بودند؟ و مجرمان درباره گناهانشان سؤال نمیشوند (۷۸) و هنگامی که با زینت هایش بر مردم درآمد کسانی که زندگی دنیا را میخواستند گفتند ای

کاش آنچه به قارون داده شد برای ما هم میبود که او صاحب بهره عظیمی است (۷۹) و کسانی که علم به آنها داده شده بود میگفتند وای بر شما ثواب خداوند برای کسی که ایمان آورده و عمل صالح کند بهتر است و جز کسانی که اهل پایداری باشند به آن نمیرسند (۸۰) پس او و خانه اش را در زمین فرو بردیم و هیچ نیروئی نبود که علیه خداوند یاریش کند و خودش هم از کسانی نبود که داد خویش بستاند (۸۱) و آنهایی که دیروز موقعیت او را آرزو میکردند چنان شدند که میگفتند وای! گویی که خداوند است که برای هر یک از بندگان که بخواهد روزی را فراخ میکند یا تنگ میگیرد. اگر خدا بر ما منت نگذاشته بود حتماً زمین ما را نیز فرو میبرد. و ای! گویی که او کافران را رستگار نمی کند (۸۲)

ای مردم! این خانه آخرت را برای کسانی قرار داده ایم که در زمین اراده سرکشی و فساد ندارند و عاقبت از آن متقیان است (۸۳) کسی که نیکی بیافزاید برای او بهتر از آن خواهد بود و کسی که بدی بیافزاید بداند کسانی که کارهای زشت می کنند جز سزای آنچه را که انجام میدهند نمی بینند (۸۴)

ای پیامبر! البته کسی که قرآن را بر تو فرض کرده، حتماً تو را به آن بازگشتگاه برمیگرداند. بگو پروردگارم بهتر میداند چه کسی هدایت آورده و چه کسی در گمراهی آشکار است (۸۵)

و تو امید نداشتی که قرآن بر تو القاء شود، این نبود مگر رحمتی از جانب پروردگارت، لذا به نفع کافران همپشتی مکن (۸۶) و مبادا تو را از آیات خداوند، پس از اینکه بسویت نازل شده بازدارند. و بسوی پروردگارت دعوت کن و مبادا که

از مشرکان باشی (۸۷) و مبدا که همراه خداوند خدائی دیگر را بخوانی. خدائی جز او نیست. همه چیز هلاک شدنی است مگر وجه او. حکومت مخصوص اوست و بسوی او بر میگرددید (۸۸)

سوره نمل

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

طس تِلْكَ آيَاتُ الْقُرْآنِ وَكِتَابٍ مُبِينٍ ﴿١﴾ هُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٢﴾ الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ﴿٣﴾ إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زَيْنًا هُمْ أَغْمَاهُمْ فَهُمْ يَغْمَهُونَ ﴿٤﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ هُمْ سُوءُ الْعَذَابِ وَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمْ الْآخَسُونَ ﴿٥﴾ وَإِنَّكَ لَتَلْقَى الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ ﴿٦﴾

پیش تفهیر

١ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره)، برای کل ۱۱۴ سوره قرآن، در کتاب «خودآموز تفسیر قرآن» (از همین قلم) وجود دارد، و خود کتاب مذکور را میتوانید در سایت (<https://tafsir.ganjei.com>) بیابید، و البته مبانی این موضوع نیز در ۱۶۰ صفحه اول کتاب «علوم قرآنی» (موجود در همان سایت) شرح داده شده است. و در مورد این سوره، عصاره محتوا، همان است که ذیلا دیده میشود.

درس: خداوند چگونه پیامبران خویش را تایید و مخالفانشان را مغلوب می‌کند.
برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:
درب: ای پیامبر! قرآنی که بتو وحی شده، یکی از مهمترین تاییدات الهی است.

٢ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

طس تِلْكَ آيَاتُ الْقُرْآنِ وَكِتَابٍ مُبِينٍ ﴿١﴾ هُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٢﴾ الَّذِينَ يُتِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ﴿٣﴾
ریزدرب: ای پیامبر! قرآنی که بتو وحی شده، یکی از مهمترین تاییدات الهی است.

۲

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زَيَّنَّا لَهُمْ أَعْمَاهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُونَ ﴿٤﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ هُمْ سُوءُ الْعَذَابِ وَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمْ الْأَخْسَرُونَ ﴿٥﴾
ریزدرب: ای پیامبر! مهمترین رکن ایمان، ایمان به آخرت است.

۳

وَإِنَّكَ لَتَلْقَى الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ ﴿٦﴾
ریزدرب: ای پیامبر! قرآنی که بتو وحی شده، مطلقا حجت است.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقا با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقا می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳ - سوالات

- ۱ - چرا قلمرو هدایتی قرآن را چنان فرموده؟ (که محدود به کسانی است که در آیه ۲ ذکر شده؟)
- ۲ - تلک در آیه ۱، اشاره به چیست؟ (همین آیاتی که مربوط به سوره نمل است؟ کل قرآن؟ یا ...؟)
- ۳ - در همان آیه، آیا کتاب مبین صفتی است برای قرآن؟ یا اینکه کتاب مبین چیزی دیگر است؟ (پاسخ با ذکر دلیل)
- ۴ - آیه ۳ چه نسبتی با آیه ۲ دارد؟
- ۵ - «عذاب»ی که در آیه ۵ ذکر شده، در کجاست؟ (دنیا؟ آخرت؟ یا ...؟)
- ۶ - در آیه ۶، در موضوع نزول قرآن، چرا کلمه «تلقى» را بکار برده؟

۴ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیه های ۱ تا ۴ فهمیده میشود مخاطب این سوره خصوص مومنان است، که برای آنها دو مشخصه عملی و یک مشخصه فکری معرفی نموده، و در مقابل آنها فقط یک گروه را معرفی نموده که مشخصه آنها فقدان آن مشخصه فکری است (ظاهرا هرچه ایراد هست در همین یک مشخصه است)

از آیه ۶ فهمیده میشود که تا این لحظه از نزول قرآن، پیامبر (ص) دائما نیاز به روحیه گیری و تایید الهی میداشته است.

۵ - پیشگویی های تحقق یافته

در آیه ۱ مجموع آنچه که تا زمان نزول این سوره نازل شده را قرآن نامیده و چنانکه قبلا دلیلش را گفته ایم در این یک پیشگویی تحقق یافته هست.

۶ - در این پاراگراف، کدام فقرات، فوق ذهنیات معاصران نزول است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

شروع سوره با «طس» است که از حروف مقطعه است، که این عنصر قرآنی هنوز معنی مقنعی نیافته، یعنی معهود بشر امروز نیز نیست، چه رسد به مخاطبان ۱۴۰۰ سال پیش!

آیه ۵ «قیامتی» است، و هیچ بنی بشری تجربه اش را ندارد، و قبل از قیامت نخواهد داشت، لذا، چه در آن روزهای نزول وحی و چه الی یوم القیامه بالاتر از ذهنیات بشر خواهد بود.

مکانیزم اجرائی آیه ۴ برای ما ساکنان قرن ۲۱ نیز روشن نیست، چه رسد مخاطب های اولیه!

۷ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریباً تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث متنی

اصلی-فرعی: آیه ۲ در جهت توضیح «کتاب مبین» آیه ۱ و لذا فرع بر آن است.
آیه ۳ در جهت توضیح کلمه «مؤمنین» آیه ۲ و لذا فرع بر آن، و آیه ۵ فرع بر آیه ۴ است و این واضح است .
لذا آیات اصلی این پاراگراف آیه های ۱ و ۴ و ۶ است.

چرا در اینجا؟

وَإِنَّكَ لَتَلْقَى الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ ﴿٦﴾

تاکنون در قرآن بسیار دیده ایم که هر جا که مطلبی گفته میشود که تاحدودی دور از اذهان بشر معمولی باشد آیه ای یا جمله ای یا گزاره ای می آید که خواننده را تنبه میدهد که از این مطلبی که به نظرش دور از ذهن می آید چندان تعجیبی نکند. در اینجا نیز در آیه ۶ همین تنبه داده شده که ای مخاطب راجع به مندرجات این سوره شک و انکار مکن زیرا این مطالب از اقوال افراد بشری نیست، بلکه از جایی والا مرتبه و توسط شخصی والا مرتبه (جبریل امین) به شما رسیده است. از آنجا که در این سوره در داستانهای سلیمان نبی (ع) غرایب زیادی موجود است، سیستم وحی رسانی باز هم به چنین تذکری روی آورده است.

ترجمه تفسیری آزاد

بسم الله الرحمن الرحيم

طس.

این، آیات قرآن و کتابی آشکار است (۱) که هدایت و مؤده ای برای مومنان است (۲)

برای همان کسانی که نماز بها میدارند و زکوة میدهند و به آخرت یقین دارند (۳)

کسانی که به آخرت باور ندارند اعمالشان را برایشان زینت داده ایم و کوردل و سرگردان میمانند (۴) آنها کسانی هستند که عذاب بد خواهند داشت و در آخرت هم زیانکار تر خواهند بود (۵) و مردم بدانند که تو قرآن را از نزد خداوند که حکیمی دانا است دریافت میکنی (۶)

نمل ۲ آیات ۷ تا ۱۴

إِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِأَهْلِهِ إِنِّي آنَسْتُ نَارًا سَآتِيكُمْ مِنْهَا بَخْرٌ أَوْ آتِيكُمْ بِشِهَابٍ قَبَسٍ لَّعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ ﴿٧﴾ فَلَمَّا جَاءَهَا نُودِيَ أَنْ بُورِكَ مَنْ فِي النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا وَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٨﴾ يَا مُوسَىٰ إِنَّهُ أَنَا اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٩﴾ وَأَلْقَىٰ عَصَاكَ فَلَمَّا رَآهَا هَتَرًا كَآفًا جَانًّا وَلَّىٰ مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ يَا مُوسَىٰ لَا تَخَفْ إِنِّي لَا يَخَافُ لَدَيَّ الْمُرْسَلُونَ ﴿١٠﴾ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلَ حُسْنًا بَعْدَ سُوءٍ فَإِنِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١١﴾ وَأَدْخِلْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجْ بَيْضًا مِنْ غَيْرِ سُوءٍ فِي تِسْعِ آيَاتٍ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ ﴿١٢﴾ فَلَمَّا جَاءَهُمْ آيَاتُنَا مُبْصِرَةً قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ ﴿١٣﴾ وَحَدِّثُوا بِنَا وَاسْتَيْقِنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ ظَلَمًا وَعُلُوًّا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ ﴿١٤﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:
درس: خداوند چگونه پیامبران خویش را تایید و مخالفانشان را مغلوب میکند.
برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:
درب: نمونه تاییداتی که حضرت موسی دریافت کرد.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

چنانکه تاکنون دیده اید، در هر پاراگراف تفسیری، عصاره محتوای پاراگراف را از یک «راه دوم» نیز استخراج میکردیم، که معمولاً دیده میشد مطابقت معنا داری با استخراج از راه اول داشت.

اما، در پاراگراف هائی که کاملاً «داستانی» است، ضرورتی در این کار احساس نمیشود، زیرا فهم پاراگراف های داستانی بسیار آسانتر است، و چون ما اهل صفحه زیاد کردن نیستیم، و با توجه به کیفیت خوانندگان مان رعایت اختصار را ترجیح میدهیم، در این نوع پاراگراف ها از آن صرفنظر میکنیم.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ می فرماید: ای پیامبر! قرآنی که به تو وحی شده چیزی بسیار بلند مرتبه است و کسانی که به آن کفر می‌ورزند مشکلی دارند که نمی‌توانند این رادرك کنند .
در این پاراگراف می فرماید: ای پیامبر! تو نیز مانند موسی از جانب ما تایید خواهی شد و موفق خواهی گردید.

۴- سوالات

- ۱- حالت کلی پاراگراف چگونه است؟ (امیدبخش و محرک؟ یا.....؟)
- ۲- منظور از «شهاب» (آیه ۷) چیست؟
- ۳- منظور از «حوله‌ها» (آیه ۸) چیست؟
- ۴- چرا خداوند در آیه ۹ برای معرفی خویش از دو صفت عزیز و حکیم استفاده فرموده؟
- ۵- و چرا در آیه ۱۱ خویش را غفور و رحیم معرفی فرموده؟

۵- پیشگویی‌های تحقق یافته

در آیات ۷ تا ۱۴ اشاره به قولی که به یکی از پیامبران سابق داده شده و آن تحقق یافته، میکنند، و در این، این وعده تلویحی نهفته هست که در مورد تو نیز همینطور خواهد بود.

۶ - در این پاراگراف، کدام فقرات، فوق ذهنیات معاصران نزول است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه های ۷ تا ۱۴ از این لحاظ که مربوط به اقوامی است که در قبل از تاریخ بوده اند، و علم باستان شناسی آنقدر رشد نکرده که ما از اوضاع و احوال آنها مطلع باشیم، برای ما نیز روشن نیست، چه رسد به مخاطبان اولیه این آیات.

۷ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه ۱۴، تقریباً تمام مطالب فوق در سوره قصص آمده است.

شرح مختصر

موسی (ع) در سه قالب شخصیتی متمایز

و برخورد کامل با وظایف هر قالب

در این پاراگراف حضرت موسی را در سه حالت مختلف می بینیم که در هر سه حالت متوجه انجام وظایف خویش است:

۱- موسی بعنوان کاروانسالار که حفظ جان کاروانیان و دفع ناراحتی ها و خطرات راه از آنان با اوست. و از آیه ۷ فهمیده می شود که او داشت خانواده اش را از نقطه ای به نقطه دیگر حرکت می داد و به شب خوردند و سرما به آنان فشار آورد و او در پی برافروختن آتشی بود تا بتوانند رنج سفر را اندکی تخفیف دهد و او نه تنها به این وظیفه اش اقدام نمود بلکه شخصاً به آن پرداخت.

۲- موسی بعنوان شخص مستعد رسالت که هنوز نه آشنائی با آن دارد و نه راجع به خویش گمانی می برد و چنانکه در آیات ۸ تا ۱۲ می بینیم، ناگهان با آن مأموریت آشنا می شود و از آن شانه خالی نمی کند بلکه بار رسالت را می پذیرد و بسوی انجام آن روان می شود.

۳- موسی بعنوان رسول، چنانکه از آیه های ۱۳ و ۱۴ فهمیده می شود، با موضوع

رسالت خویش بطور کامل برخورد می‌کند، و بسوی قومی متعصب کافر که علیرغم تشخیص حق با آن مخالفت می‌کنند می‌رود و علیرغم مشکلاتی که در راه انجام رسالت خویش دارد (و در سوره‌های قبل بطور مفصل با آنها آشنا شده‌ایم) مأموریت خویش را به انجام می‌رساند.

در این ۸ آیه، این سه مقطع زندگی و این سه وضعیت شخصی او در عین خلاصگی بخوبی بیان می‌شود و اینکه او در هر وضعیت، با وظایف و مشکلات خویش بطور کامل برخورد می‌کند و در نمی‌رود و غرغر نمی‌کند و منت نمی‌گذارد و استعفا نمی‌دهد بلکه وظیفه‌اش را پس از شناخت، انجام می‌دهد.

غرض از ذکر چنین الگوهایی، در درجه اول تربیت روحی مخاطب‌های اولیه معاصر نزول این آیات و در درجه دوم تربیت ما مخاطب‌های بعدی است.

حضرت موسی(ع) علیرغم آن ظرفیت‌ها یک شخص معمولی بود

از آیه ۷ فهمیده می‌شود حضرت موسی(ع) داشت خانواده‌اش را از نقطه‌ای به نقطه دیگر می‌برد که به شب خوردند و در بیابان گم شدند و اوضاع و شرایط هم ناگوار شده بود.

از جمله «آتشی می‌بینم» معلوم می‌شود آنها به شب خورده بودند و از جمله «خبری از آن بسویتان بیاورم» معلوم می‌شود گمان کرده بود که خواهد توانست از کسانی که احتمالاً دور و بر آتش هستند اطلاعاتی دریافت کند که بدرشان بخورد و از جمله «شاید گرم شوید» معلوم می‌شود سرما به آنها فشار آورده بود.

از همین آیه فهمیده می‌شود که حضرت موسی، از جهت‌یابی اطلاعاتی نداشت زیرا همینکه در بیابان گم شده بود ما را به این نکته می‌رساند که او اطلاعات معمولی که یک «کاروانسالار» و یک «راه بلد» باید داشته باشد را نداشت.

نیز از همین آیه فهمیده می‌شود که او طرز ساختن آتش را نیز بلد نبود (مالیدن شدید دو چوب خشک به یکدیگر بطوریکه در اثر اصطکاک گرم شوند و سپس

علفهای خشک مجاور خود را بگیرانند)

جذب عالی‌ترین معارف در مدتی ناچیز

با توجه به آیات ۸ تا ۱۴ از شدت و غلظت معارفی که در مدتی کوتاه به آن حضرت تلقین می‌شود تعجب میکنیم.

در آیه ۸ آنحضرت ضمن اینکه با مبدأ هستی و مبدأ هرگونه خیر و برکت آشنا می‌شود اما فوراً ذهن او روشن می‌گردد که خداوند منزّه و بالاتر است از اینکه در ذهن تو بگنجد و این آتشی که می‌بینی، یک «نماد» است که از طریق ارائه نور و گرما، رفع نیازهای آنی فعلی تو و خانواده‌ات را به تو نوید می‌دهد اما فوراً در همان مقام نیز آموزش او تکمیل می‌شود که همه مطلب همین نیست بلکه اینها «نشانه» اوست، و او بالاتر است از آنچه ممکن است به ذهنت بیاید.

اگر بخواهیم قدرت تخیل خود را تحریک کرده و سعی کنیم آن صحنه را در ذهن خویش زنده کنیم، به چه چیزی منتقل می‌شویم؟

در همین هنگام که چشمش متوجه آتش است و دارد به آن نزدیک هم می‌شود صدائی هم می‌شنود. هر کس که در آن موقعیت باشد دنبال صاحب صدا می‌گردد و ذهنش اول متوجه مرکز آن آتش می‌شود اما فوراً عقلش سر جایش می‌آید که صاحب صدا نمی‌تواند وسط آن آتش باشد و عقل به او می‌گوید که صاحب صدا باید در یک جایی دور و بر آن آتش باشد. در ندائی که می‌شنود این تصورات عقلی او تأیید می‌شود اما تکمیل هم می‌شود که این صدا را از جانب پروردگار جهانیان است که بالاتر است از آنچه که ممکن است تصور کنی.

باین ترتیب حضرت موسی(ع) ناگهان در عمق عمیق‌ترین معارف قرار می‌گیرد.

(ندایی که نمی‌تواند از تخیلات خود او باشد زیرا محتوی مطالبی است که بالاتر از تخیلات هر کسی است که می‌تواند در آن موقعیت قرار گیرد)

آیه ۹ بما می‌فهماند که آنحضرت استعداد درک آن معانی را داشته و فوراً مطلب را دریافت کرده بطوریکه خداوند خودش را معرفی می‌کند.

آنحضرت آنقدر دارای قدرت فهم بود که تصور نکند این «من»، همان آن آتش است، یا کسی که در آن آتش مخفی شده باشد، زیرا هر دو این تصورات با جمله «منزه است...» همخوانی ندارد.

البته در اینجا باید به آن لاقال هشت سال معاشرتی که آن حضرت با حضرت شعیب داشته، و معارفی که طبعاً از او آموخته، توجه شود.

انگیزه‌های غریزی بسیار مهم است

و چه بسا بر آموزه‌های بسیار سنگین معرفتی نیز غالب باشد

با توجه به آیات ۱۰ تا ۱۲، «فرار»ی که در آیه ۱۰ به آن اشاره دارد، واکنش عادی طبیعی بشری در مقابل محسوسات بیرونی است. در حالیکه همین چند دقیقه پیش آنهمه معارف دریافت کرده است با یک انگیزه محسوس خارجی، ناگهان آنهمه معارف کنار می‌رود و غریزه «حفظ جان از خطرات»، وارد صحنه شده و او را به واکنش (که در این مقطع فرار است) وا می‌دارد. انتهای آیه ۱۰ و تمام آیه ۱۱ آموزش عقلی است که او را در مقابل انگیزه‌های غریزی حاصل از محسوسات تقویت می‌کند.

۹ نشانه

قبلاً نیز در سوره اسراء، به عدد نه اشاره شده اما شرحی داده نشده و در این سوره نیز مجدداً تکرار و تأکید شده اما شرحی ندارد. گرچه لاقال می‌دانیم که دو تا از نه تا، یکی همان عصاست که «مانند مار» شده بود و دیگری همان سفید شدن دست پس از بیرون آوردن از گریبان بوده است. و قاعداً باید هفت مورد بقیه در سوره‌های آینده تشریح شده باشد البته امروز برای ما که سوره اعراف را خوانده‌ایم آسان است که بگوییم هفت تای بقیه چه بوده، اما اگر خود را جای مخاطبان اولیه این آیات بگذارید، شدت تشنگی آنها برای اینکه بدانند داستان رسالت آنحضرت چگونه جریان یافته منجر به درک بهتر آن داستان شیرین خواهد شد و چه بسا که همین نیز راز بیان نکردن آن در اینجا باشد. بقیه مطالب را هم قبلاً دیده‌ایم، آنحضرت بسوی قوم

فرعون که یکی از بزرگترین و مقتدرترین امپراطوری‌های تاریخ بشر بود رفت و چنانکه قبلاً در سوره‌های شمس، نازعات، بروج، حاقه، قمر، مزمل، مؤمنون، دخان، زخرف، صافات، و غیره دیدیم، رسالت خویش را بطور کامل به انجام رساند که در اینجا نیاز به شرح مجدد آن نیست.

ترجمه تفسیری آزاد

هنگامی که موسی خانواده اش را از مدین کوچ میداد شب در بیابانی مجبور به اطراق شدند و او به خانواده اش گفت آتشی میبینم. بزودی خبری از آن بسویتان میاورم یا شعله ای شاید گرم شوید (۷) پس هنگامیکه نزد آن آمد به او ندا شد پربرکت است کسی که در این آتش است و هر کس که دور و بر آن است، و منزّه است خداوند پروردگار جهانیان (۸) ای موسی من همان الله پیروزمند فرزانه هستم (۹) عصایت را بیانداز. و وقتی که آن را انداخت، آن را چنان دید که گوئی که ماری باشد، برگشت و فرار کرد، چنانکه حتی به پشت سر نگاه هم نکرد، خطاب شد ای موسی نترس، پیامبران در پیشگاه من نمی ترسند (۱۰) مگر کسی که ظلم کرده باشد و حتی او هم اگر از پی بدی نیکی آورده باشد باز هم لطف خویش از او دریغ نمیکنم، که آمرزگار مهربانم (۱۱) اینک دستت را در گریبانت کن و بیرون آر، خواهی دید که بدون اینکه بیماری داشته باشد سفید است. با اینها در نه آیه و علامت بسوی فرعون و قومش برو، زیرا که آنها قومی گناهکارند (۱۲) پس هنگامی که با آیات روشنگرانه ما بسویشان رفت گفتند این جادوئی آشکار است (۱۳) و انکارش کردند در حالیکه دلهاشان به آن یقین داشت. علت آن هم ظلمی و تکبری بود که آلوده اش بودند. ای پیامبر! بنگر عاقبت مفسدان چگونه شد (۱۴)

نمل ٣ آيات ١٥ تا ٤٤

وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٥﴾ وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُودَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عَلِمْنَا مَنَاقِبَ الطَّيْرِ وَأَوْتَيْنَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ ﴿١٦﴾ وَخَشِيَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ ﴿١٧﴾ حَتَّى إِذَا أَتَوْا عَلَى وَادِي النَّمْلِ قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿١٨﴾ فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِّن قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ ﴿١٩﴾ وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهُدْهُدَ أَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ ﴿٢٠﴾ لِأَعَذَّبْتُهُ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ أَوْ لَيَأْتِيَنِي بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ﴿٢١﴾ فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطْتُ بِمَا لَمْ حِطُ بِهِ وَجِئْتُكَ مِنْ سَبَإٍ بِنَبَأٍ يَقِينٍ ﴿٢٢﴾ إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ ﴿٢٣﴾ وَجَدْتُهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ ﴿٢٤﴾ أَلَا يَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي يُخْرِجُ الْخَبَاءَ فِي السَّمَاءَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ ﴿٢٥﴾ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ﴿٢٦﴾ قَالَ سَنَنْظُرُ أَصَدَقْتَ أَمْ كُنتَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ﴿٢٧﴾ أَذْهَبَ بِكِتَابِي هَذَا فَأَلْفَقَهُ إِلَيْهِمْ ثُمَّ تَوَلَّى عَنْهُمْ فَانْظُرْ مَاذَا يَرْجِعُونَ ﴿٢٨﴾ قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ إِنِّي أُلْقِيَ كِتَابٌ كَرِيمٌ ﴿٢٩﴾ إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿٣٠﴾ أَلَا تَعْلَمُونَ عَلَيَّ وَأُتُوْنِي مُسْلِمِينَ ﴿٣١﴾ قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّى تَشْهَدُونِ ﴿٣٢﴾ قَالُوا نَحْنُ أَوْلُوا قُوَّةً وَأُولُوا بَأْسٍ شَدِيدٍ وَالْأَمْرُ إِلَيْكِ فَانْظُرِي مَاذَا تَأْمُرِينَ ﴿٣٣﴾ قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعِزَّةً أَهْلِهَا أَذِلَّةً وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ ﴿٣٤﴾ وَإِنِّي مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ فَنَاظِرَةٌ بِمَ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ ﴿٣٥﴾ فَلَمَّا جَاءَ سُلَيْمَانَ قَالَ أَتُمِدُّونَنِ بِمَالٍ فَمَا آتَانِي اللَّهُ خَيْرٌ مِّمَّا آتَاكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بِهَدْيِكُمْ تَفْرَحُونَ ﴿٣٦﴾ ارْجِعْ إِلَيْهِمْ فَلَنَأْتِيَنَّهُمْ بِجُنُودٍ لَا قِبَلَ لَهُمْ بِهَا وَلَنُخْرِجَنَّهُمْ مِنْهَا أَذِلَّةً وَهُمْ صَاغِرُونَ ﴿٣٧﴾ قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَتَيْنِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ ﴿٣٨﴾ قَالَ عَفِرتُ مِنَ الْجِنِّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَّقَامِكَ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيَّ أَمِينٌ ﴿٣٩﴾ قَالَ الَّذِي

عِنْدَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَن يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رَآهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَن شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ ﴿٤٠﴾ قَالَ نَكَرُوا لَهَا عَرْشَهَا نَنظُرُ أَتَهْتَدِي أَمْ تَكُونُ مِنَ الَّذِينَ لَا يَهْتَدُونَ ﴿٤١﴾ فَلَمَّا جَاءَتْ قِيلَ أَهَكَذَا عَرْشُكَ قَالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ وَأُوتِينَا الْعِلْمَ مِن قَبْلِهَا وَكُنَّا مُسْلِمِينَ ﴿٤٢﴾ وَصَدَّهَا مَا كَانَتْ تَعْبُدُ مِن دُونِ اللَّهِ إِنَّهَا كَانَتْ مِن قَوْمٍ كَافِرِينَ ﴿٤٣﴾ قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَكَشَفَتْ عَن سَاقِهَا قَالَ إِنَّهُ صَرْحٌ مَُّرْدٌ مِّن قَوَارِيرَ قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٤٤﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: خداوند چگونه پیامبران خویش را تایید و مخالفان را مغلوب میکند.

برآیند درسی فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: نمونه تاییداتی که داود و سلیمان (ع) دریافت کردند.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

چنانکه تاکنون دیده اید، در هر پاراگراف تفسیری، عصاره محتوای پاراگراف را از یک «راه دوم» نیز استخراج میکردیم، که معمولاً دیده میشد مطابقت معنا داری با استخراج از راه اول داشت.

اما، در پاراگراف هائی که کاملاً «داستانی» است، ضرورتی در این کار احساس نمیشود، زیرا فهم پاراگراف های داستانی بسیار آسانتر است، و چون ما اهل صفحه

زیاد کردن نیستیم، و با توجه به کیفیت خوانندگان مان رعایت اختصار را ترجیح می‌دهیم، در این نوع پاراگراف‌ها از آن صرف‌نظر می‌کنیم.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ می‌فرماید: ای پیامبر! قرآنی که به تو وحی شده چیزی بسیار بلند مرتبه است و کسانی که به آن کفر می‌ورزند مشکلی دارند که نمی‌توانند این را درک کنند. در پاراگراف ۲ ضمن شرحی از چگونگی برگزیدگی موسی می‌فرماید: ای پیامبر! تو نیز مانند موسی از جانب ما تایید خواهی شد و موفق خواهی گردید. در این پاراگراف می‌فرماید: ای پیامبر! تو نیز مورد تاییدات ماهستی لذا به کاررسالت محکم و مطمئن ادامه ده.

۴- حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از مطالب این پاراگراف و داستانهای سلیمان که هم شاه و هم پیامبر بود این نکته فهمیده میشود که مسلمانان نسبت به مخالفان خویش فرودست بودند و دائما این آرزو را میکردند که کاش خداوند (که بیشتر خدای ما است تا خدای آنها) قدری از نیروهای ماورائی بما میداد تا این رابطه فرودست - فرادست موجود بین ما و مخالفان ما تغییر کند.

چه بسا ذکر این نمونه، نوعی وعده به مسلمانان باشد که شما نیز نعمتهای الهی را بیاد بیاورید و شکر وحی و علم مربوط به آن را بجا آورید و چه بسا که در اثر این کار، به قدرت و پیروزی نیز برسید و آنگاه شکر وضعیت جدید را نیز بجای آورید.

۵- پیشگویی‌های تحقق یافته

در آیات ۱۵ تا ۴۴ داستان دو پیامبر- شاه را نقل و تلویحا میگوید تو را هم میتوانیم موفق کنیم.

۶ - آیات برجسته این پاراگراف

کثرت استفاده از جمله «هذا من فضل ربي» در تابلوهای خوشنویسی و کاشیکاری سردر برخی از منازل و عمارات سبب برجستگی آیه ۴۰ شده است. همچنین است آیه ۳۰ که حاوی جمله «بسم الله الرحمن الرحيم» است، که برخی آن را رفع کسری «بسم الله . .» نداشتن سوره برائت دانسته اند! همچنین است آیه ۳۴: قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعِزَّةَ أَهْلِهَا أَذِلَّةً وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ که برخی آن را یک «قانون» محسوب کرده و دو کلمه آخر آیه را تایید الهی راجع به آن «قانون» دانسته اند.

۷ - در این پاراگراف، کدام فقرات، فوق ذهنیات معاصران نزول است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه های ۱۵ تا ۴۴ از این لحاظ که مربوط به اقوامی است که در قبل از تاریخ بوده اند، و علم باستان شناسی آنقدر رشد نکرده که ما از اوضاع و احوال آنها مطلع باشیم، برای ما نیز روشن نیست، چه رسد به مخاطبان اولیه این آیات. کل داستان سلیمان نبی (ع) پر است از غوامضی که حتی بشر امروز قرن بیست و یک نیز به گرد راه آنها نیز نرسیده، چه رسد به عرب ۱۴۰۰ سال قبل! مکانیزم اجرائی برخی از امور «سلیمانی» برای ما ساکنان قرن ۲۱ نیز روشن نیست چه رسد مخاطب های اولیه! در آیه ۳۹ به موجوداتی اشاره شده که معهود ما بشر قرن حاضر هم نیست، چه رسد به مشافهین ۱۴۰۰ سال قبل!

۹ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها، تقریباً تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

معنی برخی کلمات

دو کلمه «مسلمین» در آیه های ۳۱ و ۳۸ و یک کلمه «اسلمتُ» در آیه ۴۴ داریم. از تم متن داستان فهمیده میشود که دو کلمه اول به معنی لغوی است، و کلمه سوم به معنی به اسلام داخل شدم (یعنی به دین اسلام که در زمان سلیمان نبی -ع- همان دین یهودیت بود داخل شدم)

شرح مختصر مطلب این است که یمن همسایه فلسطین بود و حکمرانی سلیمان خیلی قوی و مقتدرانه بود و طبیعی است که حکومت یمن می باید خیلی از حکومت فلسطین حساب میبرد و شاید هم تحت الحمايه یا مستعمره اش بود و لذا اینکه سلیمان حاکمش را احضار کند و شرایطی را به او دیکته کند در ۳۰۰۰ پیش امری عادی بود و دو کلمه «مسلمین» در این چارچوب مفهوم است.

در جریان این احضار، ملکه سباء اموری رویت کرد که درک کرد که پادشاهی سلیمان از نوع پادشاهی عادی نیست، و این درک سبب شد دین سلیمان را بپذیرد و لذا کلمه «اسلمت» با این توضیح مفهوم میشود.

چند دریافت کوتاه مستقیم

آیه ۲۲ به تفاوت دو نوع علم اشاره می کند: یکنوع علمی که آن پرنده در اثر رویت (احطت) بدست آورده، و دیگری «اطلاعات عمومی»

آیه ۲۳: معلوم می شود چند هزار سال قبل نیز مانند امروز که سلطنت زنان عجیب نیست و پذیرفته می شود، در آن زمانها نیز چنین بوده و زنی می توانسته حتی تا حد سلطنت هم بالا برود.

بنابراین، این سخن فمینیستها درست نیست که «زن همیشه مظلوم بوده» و البته از این نوع نظایر زیاد است اما محل طرح آنها در اینجا نیست.

آیه ۱۶: سلیمان راجع به خویش گفته «از هر چیزی بما داده شده» در آیه ۲۳ درباره آن زن نیز گفته شده «از هر چیزی به او داده شده». مقایسه دو آیه بما می‌گوید که منظور از «هر چیز» رشته‌های مختلف مادی و معنوی مانند قدرتها و ثروتها و فنون و غیره‌ای است که بدرد حکومت می‌خورد. از آیات ۳۲ تا ۴۰ فهمیده می‌شود که نوع حکومت آن زن، سلطنت مشروطه و مجلس مورد مشورت او نوعی مجلس سنا بوده است. از آیات ۳۸ تا ۴۰ فهمیده می‌شود که جابجائی ماده ممکن است. تا امروز، و با این تکنولوژی روز فعلاً بشر موفق شده امواج را جابجا کند و رادیو تلویزیون و رادار و تلفن همراه بر این اساس است. اما انتقال ماده فعلاً بصورت تخیل و آرزوست. از آیات فوق معلوم می‌شود آنها هم ممکن است.

معرفی جامع سلیمان(ع)

- در این پاراگراف سلیمان(ع) را معرفی می‌نماید:
- حالات مختلفی از زندگی سلیمان که در این پاراگراف ذکر شده عبارت است از:
- ۱- شکر در مقابل علم (آیه ۱۵)،
 - ۲- شکر از طریق به یاد داشتن منبع نعمت خویش (که خداوند باشد) بازاء نعمت علم خاص و قدرت و سلطنتش (آیه ۱۶)،
 - ۳- دعا برای درخواست توفیق شکر و عمل صالح در مقابل نعمت سلطنت (آیه ۱۹)،
 - ۴- شکر عملی نعمت خاصی که یافته بود از طریق دعوت قوم سبأ به دین صحیح، پس از اشراف بر وضع آنها (آیه‌های ۲۷ و ۲۸)،
 - ۵- ذکر نعمت و شکر در مقابل آن پس از خودآگاهی در خصوص قدرت خاص و سلطنتی که یافته بود (آیه ۴۰).
- خلاصه اینکه حضرت سلیمان(ع) یکی از مواردیست که نعمتهای خاصی یافت که

درباره سایر پیامبران نخوانده و نشنیده‌ایم، و در مقابل آن نعمتها از یاد خداوند غافل نشد و شکر نعمت را فراموش نکرد.

ریشه قدرت‌های عجیب سلیمانی

با توجه به آیه‌های ۱۸ و ۳۹ معلوم می‌شود «علم به زبان پرندگان» بعنوان نمونه ذکر شده و گرنه آنحضرت به زبان مورچگان و زبان جنیان نیز آشنا بوده است. باز هم اگر کمی ذهن خویش را آزاد بگذاریم و قدری روی کلمه «زبان» متمرکز شویم متوجه می‌گردیم که زبان در نزد ما وسیله انتقال منویات ما به طرف مقابل است.

از مجموع این مطلب و آیات این پاراگراف فهمیده می‌شود که حضرت سلیمان می‌توانست منویات ذهنی پرندگان و حیوانات و جن را درک کند و همچنین می‌توانست منویات خویش را به آنان منتقل نماید. و این برای او «قدرت» خاصی ایجاد می‌کرده که بی‌نظیر بوده است.

چنانکه می‌دانیم محور اصلی تمدن بشری و تفوق انسان بر حیوانات و تسلط بشر بر جهان طبیعت در درجه اول مرهون «امکان ارتباط‌گیری» افراد بشر با یکدیگر است و اگر بشر چنین استعدادی را نداشت، چیزی از حیوانات بالاتر نبود و تاکنون کاملاً منقرض شده بود.

قدرتی که از راه ارتباط‌گیری با سایر موجودات زنده برای آدمی حاصل می‌شود برای ما قابل تصور نیست فقط همین مقدار را می‌توانیم حدس بزنیم که چنین قدرتی بسیار مهم و بسیار بزرگ و بسیار قوی است. و می‌تواند صاحب خویش را به جاهائی برساند که قابل تصورمان نیست و این، فقط یکی از قدرتهای حضرت سلیمان بوده و جمله «از هر چیزی بما داده شده» بما می‌گوید که سلیمان علاوه بر امکان ارتباط-گیری با همه انواع موجودات زنده، قدرتهای متنوع دیگری نیز داشته است که تنوع آنها بسیار زیاد بوده و از انواع همه قدرتها، چیزی به او داده شده بوده است.

از عبارت «بر عده زیادی» در آیه ۱۵ و نیز آیه‌های ۳۸ و ۳۹ فهمیده می‌شود علم آنحضرت انحصاری نبوده و کسان دیگری نیز امکان اینکه چنین علومی را داشته باشند دارند.

از آیه ۳۹ فهمیده می‌شود که این نوع علوم منبع و مأخذ خاصی دارد که بعضی‌ها می‌توانند به آن منبع و مأخذ دسترسی بیابند و صاحب این نوع علوم باشند.

سلیمان مورچگان

چگونه ممکن است مورچه‌ای سلیمان را بشناسد و به سایر مورچگان هشدار بدهد؟ چگونه ممکن است پرنده‌ای به چنان مفاهیم انتزاعی سختی که در آیات ۲۴ تا ۲۶ اشاره شده مُشْرِف باشد؟

آیا همه مورچگان و همه پرندگان چنان توانایی را دارند یا از میان آنها فقط آن موارد خاص چنان بوده‌اند؟

آنچه در مورد حیوانات می‌دانیم بما می‌گوید آنها در درک مفاهیم انتزاعی از قبیل اعداد و علائم و روابط بین پدیده‌ها بسیار ناتوانند و اساساً تفوق انسان بر حیوانات به سبب توانایی انسان به درک مفاهیم انتزاعی و ناتوانی حیوانات به درک همان مفاهیم است.

ممکن است چنین باشد که در عالم مورچه‌ها، آن مورچه خاص دارای موقعیت ویژه-ای بوده باشد، چنانکه در عالم انسانیت، سلیمان موقعیت ویژه‌ای داشت. (و نیز آن پرنده در عالم پرندگان)

و همچنین آن «عفریت من الجن» در میان جتیان.

ملکه سباء بالاتر از یک «ملکه» بود

اوپا توجه به آیه ۴۴ زنی است فهمیده، قدرتمند، ثروتمند، حکومتمند و برای امتحان سلیمان از سرزمین خویش به سرزمین سلیمان آمد و تخت خود را در نزد او دید و

گفت قبلاً ایمان آورده بودیم و آنگاه که وارد حیاط قصر شد و دید آگیر است و ساقهایش را برهنه کرد تا از آن عبور کند، و بعدا که فهمید که آگیر نبوده و بنظر او چنین آمده، ایمان آورد.

چه رابطه‌ایست بین ایمان آوردن و دیدن چنین چیزهایی؟ بنظر می‌آید در این دو نکته (یعنی موضوع تخت و آگیر) نشانه‌هایی بود که آن زن حکومتمند، درک کرد که قدرتهای سلطنتی سلیمان، از نوع قدرتهای سلطنتی معمولی نیست، بلکه به «ماوراء» وصل است.

علم برتر آن دو نفر «پیغمبر - شاه»

با توجه به آیه ۱۵ برتری که مورد اشاره قرار گرفته، با توجه به پاراگراف فوق، جنبه فوقی قدرتی آن دو پیامبر بوده و به وجه ایمانی آنها ناظر نمی‌باشد. مؤمنان نیز چیزی دارند که آنها از نوع «علم» است مثلاً اینکه قیامت برپا خواهد شد و حساب و کتاب و بهشت و جهنم خواهد بود، همه اینها «علم» است و مؤمنان به این نوع علم آراسته‌اند و این نوع علم است که مردم را به عمل صالح دعوت می‌کند و سبب رستگاری آنها می‌شود.

البته داوود و سلیمان که دو پیامبر بودند نه تنها این نوع علم را داشتند بلکه کیفیت این نوع علم آنها قاعداً باید بسیار بالاتر از کیفیت این نوع علم در نزد «بسیاری از بندگان مؤمن» بوده باشد.

از جمله «برتری داد» آیه ۱۵ فهمیده می‌شود که علم مورد اشاره آنها، علاوه بر علمی بوده که مؤمنان، از جمله آن «عفریت من الجن» و نیز آن «من عنده علم من الكتاب» دارند.

یک اصل مهم مدیریتی

در رابطه با آیه ۲۸ فهمیده می‌شود یکی از اصول مدیریت، بررسی درجه صحت اطلاعات وارده است.

برای اینکه معلوم شود خبر آن پرنده درست بوده باید مدتهای مدیدی صرف وقت می‌شد تا مکانیزم مطرح شده در آیات ۲۸ تا ۳۶ جواب بدهد.

اگر آن پرنده دروغ گفته بود و در این مدت فرار می‌کرد چه؟

از آیات مذکور فهمیده می‌شود که سلیمان مطمئن بود چنین اتفاقاتی نمی‌افتد و این یعنی که سلیمان چنان قدرتی داشت که پرنده را در آسمان نیز تحت کنترل داشت و این قدرتی است که حتی مقتدرترین فرماندهان فعلی نیز که متکی بر پیشرفته‌ترین تکنولوژی روز هستند ندارند.

«علم» تصرف در قوای جهان

در رابطه با آیه‌های ۱۶ و ۴۰ می‌توان چنین گفت که «علم» مورد اشاره در آیه ۱۵، از نوع علمی بوده که سبب ایجاد قدرت می‌شده است.

بعبارت دیگر آن دسته از علوم در اینجا مطرح است که به چگونگی تصرف در قوای جهان و نیز نفوذ در حیطه زندگی انسان و جن و پرنده‌گان و حیوانات و به کار گرفتن آنها در جهت دلخواه مربوط می‌شد.

علم به «زبان پرنده‌گان»، و «داده شدن از هر چیزی»، موردی بوده که سلیمان از داوود به ارث برده است.

یک سوال که حیفم می‌آید در این متن جوابش ندهم

یکی از دوستان در جلسه قرآن خوانی شان با سوالی مواجه شد که آن را به من منتقل کرد:

در داستان سلیمان و ملکه سباء، ملکه، یک خانم با تدبیر و فهمیده تلقی میشود در حالیکه حضرت سلیمان مردی خشن و تبلیغ کننده دینش با زور به نظر می‌آید (شواهدش هم اعلام تنبیه شدید هدهد و حتی ذبح او و دستور دادن به ملکه که «مسلمان» نزد من بیایید و گرنه چنان لشکری برسرستان فرود آورم که ...»

جواب این سوال دو قسمت دارد:

۱ - متنی (تکست)ی

۲ - اوضاع و احوالی (کانتکست)ی

از لحاظ متنی، توضیحی که در بالاتر (در قسمت معنی برخی کلمات) عرض کردیم، کافی است.

از لحاظ دوم، بهتر است بدانیم که اخلاقیات جدیدی که (خوشبختانه) در دنیا شروع به رواج کرده و دارد بسرعت فراگیر و ریشه دارد میشود، چندان تاریخی ندارد، و خود تاریخ تاسیس سازمان ملل، (که اعلامیه حقوق بشر و کنوانسیون های حقوق کودک و و حقوق زنان و منع خشونت علیه زنان و و منشعب از آن است) کمتر از ۸۵ سال است، و هر چه در تاریخ به عقب میرویم درجه خشونت اعمال شونده از سوی قوی نسبت به ضعیف را، پررنگ تر و غلیظ تر می یابیم،

غلظت و حدّت در کلام سلیمان نبی (ع) را می باید به سه عامل نسبت داد:

۱ - اینکه او حدود سه هزار سال از امروز دور است و شدّت و خشونت عادی بود.

۲ - سلطنت عجیب و عظیمی که داشت، و به «نه شنیدن» عادت نکرده بود.

۳ - خشونت خاص ذات بنی اسرائیلی (نگاه کنید که ساره با هاجر و یوسف با برادرانش چه کرد، که تا وقتی آنها را به نهایت ذلت نرساند، نگفت لاتثریب علیکم الیوم و و و)

لذا رفتار سلیمان نبی (ع) با توجه به این کانتکست، چندان قابلیت ایرادی هم ندارد.

ترجمه تفسیری آزاد

و البته به داوود و سلیمان علوم مهمی دادیم و آنها گفتند سپاس خدای را که بر عده زیادی از بندگان مومنش برتریمان داد (۱۵)

و سلیمان وارث داوود شد و گفت ای مردم زبان پرندگان به ما آموخته شده و از هر چیزی بما داده شده، البته این همان فضل آشکار است (۱۶) لشکریان سلیمان اعم از جن و انس و پرندگان بر او گرد آمدند، آنگاه بهم پیوستند (۱۷) تا اینکه به بیابان مورچگان رسیدند، مورچه ای گفت ای مورچگان داخل مسکن های خود شوید تا سلیمان و لشکریانش در حالیکه متوجه نیستند له تان نکنند (۱۸) پس او از گفته اش به تبسمی خندیده و گفت پروردگارا روزیم کن که شکر نعمتی را که بمن و پدرم داده ای بجا آورده و عمل صالحی که بپسندی بعمل آورم و از روی رحمت مرا در زمره بندگان صالحت درآور (۱۹) و جویای پرندگان شد و گفت چه ام شده که هدهد را نمی بینم یا اینکه از غایبان است؟ (۲۰) او را به شدت عذاب خواهیم کرد یا ذبحش خواهیم نمود، مگر اینکه برایم دلیلی آشکار بیاورد (۲۱) چیزی نگذشت که هدهد آمد و گفت چیزی فهمیدم که تو متوجه نشدی و از سبب خبری یقینی برایت آورده ام (۲۲) دیدم زنی پادشاهشان است و از همه چیز به او داده شده و تخت بزرگی داشت (۲۳) دیدم او و قومش آفتاب را بجای خدا سجده می کنند و شیطان اعمالشان را برایشان آراست و آنها را از راه راست بازداشت و آنها هدایت یافته نیستند (۲۴) مگر اینکه برای خداوندی سجده کنند که هر نهانی را در آسمانها و زمین بیرون می آورد و آنچه را که پنهان میکنید یا آشکار میکنید میداند (۲۵) همان خداوندی که خدائی جز او نیست، که پروردگار آن عرش عظیم است (۲۶)

گفت بزودی می فهمیم که راست میگویید یا از دروغگویانی (۲۷) با این نامه ام برو و آنرا بسویشان بیاور تا سبب از آنها دور شو و بنگر چه میکنند (۲۸) آن زن گفت ای بزرگان! نامه ای گرامی بسویم افتاده است (۲۹) که از سلیمان و بنام خداوند بخشنده مهربان است (۳۰) که بر من بزرگی مکنید و تسلیم شوید (۳۱) آنگاه گفت ای بزرگان نظرتان را درباره این موضوع بگوئید، که من هیچ کاری را به

تصمیم نرسانده ام مگر اینکه شما شاهد بوده اید (۳۲) گفتند ما نیرومندیم و نیرویمان هم سخت است و فرمان دادن کار تو است. ببین چه فرمان می دهی (۳۳) گفت پادشاهان وقتی که داخل شهری میشوند آن را خراب و بزرگانش را ذلیل میکنند و روش شان چنین است (۳۴) و من هدیه ای بسوی شان میفرستم و بررسی می کنم که فرستادگان با چه پاسخی برمیگردند (۳۵) پس هنگامیکه هدیه نزد سلیمان آمد گفت آیا بمن کمک مالی می دهید؟ آنچه خداوند بمن داده از آنچه به شما داده بهتر است. بلکه شما از هدیه خودتان دلخوشید (۳۶) و به آن فرستاده گفت برگرد بسوی شان. پس البته با سپاهیان بسوی شان خواهیم آمد که خارج از تحملشان باشد و حتماً آنها را ذلیلانه از آن شهر اخراج خواهیم کرد در حالیکه سرافکنده باشند (۳۷) آنگاه سلیمان رو به درباریان خویش گفت ای بزرگان! کدامتان تخت او را برایم می آورید قبل از اینکه بحالت تسلیم نزد من آیند؟ (۳۸) عفرتی از جن گفت قبل از اینکه از جایگاهت بلند شوی آن را برایم می آورم و من بر این کار قوی و امین هستم (۳۹) کسی که علمی از آن کتاب نزدش بود گفت آن را قبل از اینکه پلک بر هم بزنی نزدت می آورم. پس چون آن را نزد خویش مستقر یافت گفت این از فضل پروردگارم است تا امتحانم کند که آیا شکر میگذارم یا کفران میکنم و کسی که شکر کند بنفع خویش کرده و کسی که کفران کند البته پروردگارم بی نیاز از جمند است (۴۰) گفت تختش را برای او ناشناس کنید ببینیم آیا پی میبرد یا اینکه از کسانی خواهد بود که هدایت نمیشوند (۴۱) و قتیکه آن زن آمد به او گفته شد آیا تخت تو اینطور است؟ گفت چنین بنظر میاید که خودش است و قبل از این هم علم یافته و تسلیم بودیم (۴۲) و آنچه که بجای خدا پرستش میکردند مانعش شده بود، زیرا او از قومی از کافران بود (۴۳) به او گفته شد به حیاط قصر داخل شو. پس چون آن را دید پنداشت آبیگر است و ساقهای خویش را برهنه کرد. سلیمان گفت این قصری است از بلور صاف. آن زن که دید پادشاهی سلیمان از نوع پادشاهی پادشاهان

نیست گفت پروردگارا من به خویش ظلم کرده ام و اینک همراه سلیمان تسلیم
دینِ خداوندِ پروردگار جهانیان میباشم (۴۴)

نمل ۴ آیات ۴۵ تا ۵۸

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ فَإِذَا هُمْ فَرِيقَانِ يَخْتَصِمُونَ ﴿٤٥﴾ قَالَ يَا قَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ لَوْلَا تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٤٦﴾ قَالُوا اطَّيَّرْنَا بِكَ وَبِمَن مَّعَكَ قَالَ طَائِرُكُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تُفْتِنُونَ ﴿٤٧﴾ وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ ﴿٤٨﴾ قَالُوا تَقَاسَمُوا بِاللَّهِ لَنُبَيِّتَنَّهُ وَأَهْلَهُ ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لِوَلِيِّهِ مَا شَهِدْنَا مَهْلِكَ أَهْلِهِ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ ﴿٤٩﴾ وَمَكَرُوا مَكْرًا وَمَكَرْنَا مَكْرًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٥٠﴾ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مُكْرِهِمْ أَنَّا دَمَرْنَاهُمْ وَقَوْمَهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٥١﴾ فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةً بِمَا ظَلَمُوا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٥٢﴾ وَأَخْبَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَنَفَّسُونَ ﴿٥٣﴾ وَلَوْ طَآ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ وَأَنْتُمْ تُبْصِرُونَ ﴿٥٤﴾ أَأَنْتُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِّنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ يَّجْهَلُونَ ﴿٥٥﴾ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوا آلَ لُوطٍ مِّنْ قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أَنَاسٌ يَّتَطَهَّرُونَ ﴿٥٦﴾ فَأَخْبَيْنَاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ قَدَرْنَاهَا مِنَ الْغَابِرِينَ ﴿٥٧﴾ وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنْذَرِينَ ﴿٥٨﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: خداوند چگونه پیامبران خویش را تایید و مخالفانشان را مغلوب میکند.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: نمونه عاقبت دو قوم که پیامبرشان را تکذیب کردند و مغلوب گشتند.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

چنانکه تاکنون دیده اید، در هر پاراگراف تفسیری، عصاره محتوای پاراگراف را از یک «راه دوم» نیز استخراج میکردیم، که معمولاً دیده میشد مطابقت معنا داری با استخراج از راه اول داشت.

اما، در پاراگراف هائی که کاملاً «داستانی» است، ضرورتی در این کار احساس نمیشود، زیرا فهم پاراگراف های داستانی بسیار آسانتر است، و چون ما اهل صفحه زیاد کردن نیستیم، و با توجه به کیفیت خوانندگان مان رعایت اختصار را ترجیح میدهیم، در این نوع پاراگراف ها از آن صرفنظر میکنیم.

۳ - از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ می فرماید: ای پیامبر! قرآنی که به تو وحی شده چیزی بسیار بلند مرتبه است و کسانی که به آن کفر می ورزند مشکلی دارند که نمی توانند این را درک کنند.

در پاراگراف ۲ ضمن شرحی از چگونگی برگزیدگی موسی می فرماید: ای پیامبر! تو نیز مانند موسی از جانب ما تایید خواهی شد و موفق خواهی گردید.

در پاراگراف ۳ می فرماید: ای پیامبر! تو نیز مورد تاییدات ماهستی لذا به کاررسالت محکم ومطمئن ادامه ده.

در این پاراگراف می فرماید: ای پیامبر! تو و پیروانت موفق خواهید شد، لذا بدون کوچکترین نگرانی با قوت به پیگیری رسالت مشغول باش.

۴ - سوالات

۱-حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ (اطمینان بخش؟یا....؟)

۲-منظور از «تلك بیوتهم خاویه» (آیه ۵۲) چیست؟

۳-جواب سوال فوق به علم باستان شناسی چه کمک مهمی میکند؟

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

چنانکه تاکنون دیدیم، در این سوره دو نمونه از پیامبرانی که «فوق موفق» بوده‌اند را ذکر نموده و نشان داده که چگونه در همه حال به یاد خداوند بوده و در مقابل موفقیت‌های خویش خداوند را یاد و به نام او شکر می‌کردند.

در آیات ۴۵ تا ۵۸ نیز دو قوم از بدترین اقوام گذشته را بعنوان نمونه یاد نموده که چگونه ناسپاسی پیشه کرده و به بدترین کارها پرداخته و رسولان را نافرمانی نموده و قصد قتل و نفی بلد پیامبران خویش را نموده‌اند.

می‌توان این نوع ذکر مطلب را به این علت دانست که خداوند خواسته به پیامبر(ص) و مؤمنان امید بدهد که شما موفق خواهید شد و خصم نیز مغلوب خواهد گردید.

۶ - پیشگویی‌های تحقق یافته

در آیات ۴۵ تا ۵۸ داستان دو قوم از اقوام پیشین را نقل میکند که خیلی بد رفتار بودند و مضمحل شدند و در آن این وعده تلویحی هست که رفتار قوم تو نیز تغییر خواهد کرد.

۷ - در این پاراگراف، کدام فقرات، فوق ذهنیات معاصران نزول است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه های ۴۵ تا ۵۸ از این لحاظ که مربوط به اقوامی است که در قبل از تاریخ بوده اند، و علم باستان شناسی آنقدر رشد نکرده که ما از اوضاع و احوال آنها مطلع باشیم، برای ما نیز روشن نیست، چه رسد به مخاطبان اولیه این آیات.

مکانیزم اجرائی آیه های ۵۱ و ۵۸ برای ما ساکنان قرن ۲۱ نیز روشن نیست چه رسد مخاطب های اولیه!

۸ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیات ۵۴ تا ۵۸ ، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

دو پیامبر فوق موفق، و دو قوم بسیار بد

تاکنون، در سوره‌های قبل راجع به قوم ثمود چندین بار مطالبی خوانده‌ایم. چیزی که در این سوره راجع به آن قوم جدید است این است که پس از اعلام نبوت حضرت صالح، آنها به دو دسته تقسیم شدند: عده‌ای پیرو آنحضرت و بقیه مخالف آنحضرت بودند.

مخالفان، خودشان، نه قبیله بودند که با یکدیگر همدست بودند. هلاکت آنها نیز هنگامی بوقوع پیوست که تصمیم به «عمل» نهائی گرفته بودند (راجع به بقیه اقوام پیشین نیز همواره چنین بوده) بقیه مطالب پاراگراف را در سوره‌های قبلی دیده‌ایم. مثلاً اینکه گفتند «ما شما را به فال بد» گرفتیم را قبلاً در سوره یس دیدیم که ایرادی است خالی از استدلال و بی‌ارزش و کودکانه. و نیز اینکه «با عجله، بدی را قبل از خوبی» می‌خواستند نیز چندین بار و با عبارات مختلف در سوره‌های قبل تکرار شده و یعنی اینکه می‌گفتند (ای پیامبر) اگر راست می‌گویی آن عذابی را که می‌گویی بر ما بیاور.

چیزی که در آیه ۴۹ مطرح شده شبیه همان چیز است که کفار و مشرکان مکه می‌خواستند راجع به پیامبر عزیزمان انجام دهند که خداوند آنحضرت را حفظ کرد اما عذاب هلاکت را بر آنها فرود نیاورد بلکه چند سال بعد، شکست در جنگ‌ها و فتح بی‌خون‌ریزی مکه بدست یاران پیامبر اتفاق افتاد و رحمتی که خداوند به اهل

مکه روا داشت، کم نظیر است و چه بسا که بسبب وجود مقدس پیامبر اکرم(ص) و دعا‌های همیشگی آنحضرت بوده است.

ولی در مورد پیشینیان، هر وقت که کفار قصد جان پیامبر خویش و پیروانشان را می‌کردند، عذابشان نازل می‌شد و به هلاکت دسته‌جمعی دچار می‌شدند.

ترجمه تفسیری آزاد

و البته بسوی قوم ثمود برادرشان صالح را فرستادیم که خداوند را عبادت کنید و آنوقت آنها دو گروه شدند که با یکدیگر در جدال بودند (۴۵) صالح میگفت گفت ای قوم چرا با عجله بدی را قبل از خوبی می‌خواهید؟ چرا از خداوند آمرزش نمی‌خواهید شاید مورد لطف واقع شوید؟ (۴۶) گفتند تو و همراهانت را به فال بد گرفته ایم. گفت فال بد شما که در حقیقت عملی است خرافی و بی اساس و باطل، نزد خدا ثبت و ضبط میشود، بلکه شما به فتنه افتاده اید (۴۷) در آن شهر نه قبیله بودند که به فساد می پرداختند و اهل اصلاح نبودند (۴۸) و چنین به تصمیم رسیدند که گفتند به نام خدا هم قسم شویم که شبانه بر او و اهل او شیخون ببریم سپس به خونخواهانش بگوئیم ما در کشتار خانواده اش حاضر و ناظر نبودیم و باور کنید که راست می گوئیم (۴۹) و مکرری زدند و ما هم ضد مکرری کردیم و متوجه نبودند (۵۰) بنگر عاقبت مکر آنها چه بود که ما آنها و قومشان را یکجا نابود کردیم (۵۱) این است خانه هایشان که بسبب ظلمی که کردند خالی مانده. که البته در این نشانه ای برای مردمی دانا است (۵۲) و اهل ایمان و تقوا را نیز نجات دادیم (۵۳)

و در داستان لوط نیز تفکر کنید که هنگامی به قوم خویش گفت آیا آگاهانه به کار زشت رو می کنید؟ (۵۴) آیا به مردان بجای زنان به شهوت روی می آورید؟ بلکه مردمی جهالت پیشه اید (۵۵) جواب قوم او جز این نبود که پیروان لوط را که اهل پاکیزه جوئی هستند از شهرتان بیرون کنید (۵۶) پس او و اهلیش را نجات دادیم مگر

زنش را که جزء بازماندگان رقم خورده بود (۵۷) و باران خاصی بر آنها بارانندیم و
باران هشدار یافتگان چه بد بود (۵۸)

نمل ٥ آيات ٥٩ تا ٨١

قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى اللَّهُ خَيْرٌ أَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٥٩﴾ أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مَّا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُنبِتُوا شَجَرَهَا أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِقَوْمٍ يَعْدِلُونَ ﴿٦٠﴾ أَمَّنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَجَعَلَ خِلَافَهَا أَثَرًا وَجَعَلَ لَهَا رَوَاسِي وَجَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا أَكْثَرُكُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٦١﴾ أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا تَدْكُرُونَ ﴿٦٢﴾ أَمَّنْ يَهْدِيكُمْ فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَنْ يُرْسِلِ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿٦٣﴾ أَمَّنْ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَمَنْ يَرْفُكُكُمْ مِنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿٦٤﴾ قُلِ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ وَمَا يَشْعُرُونَ أَتَى بِهَذَا الْآيَةِ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِنْهَا بَلْ هُمْ مِنْهَا عَمُونَ ﴿٦٥﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَذَا كُنَّا تَرَابًا وَأَبَاؤُنَا أَنَا لَمُخْرَجُونَ ﴿٦٦﴾ لَقَدْ وَعَدْنَا هَذَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ إِنَّ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿٦٧﴾ قُلِ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ ﴿٦٨﴾ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُنْ فِي ضَيْقٍ مِمَّا يَمْكُرُونَ ﴿٦٩﴾ وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٧٠﴾ قُلِ عَسَى أَنْ يَكُونَ رَدِفٌ لَكُمْ بَعْضُ الَّذِي تَسْتَعْجِلُونَ ﴿٧١﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ ﴿٧٢﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَعْلَمُ مَا تُكْتُمُ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ ﴿٧٣﴾ كِتَابٌ مُبِينٌ ﴿٧٤﴾ إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَفْصِلُ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَكْثَرَ الَّذِي هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿٧٥﴾ وَإِنَّهُ هُدًى وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٧٦﴾ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ بِحُكْمِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ ﴿٧٧﴾ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ ﴿٧٨﴾ إِنَّكَ لَا تَسْمِعُ الْمَوْتَى وَلَا تَسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلُّوْا مُدْبِرِينَ ﴿٧٩﴾ وَمَا أَنْتَ بِمُحَادِي الْعُغْمِ عَنْ ضَلَالَتِهِمْ إِنْ تَسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ ﴿٨٠﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم: طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: خداوند چگونه پیامبران خویش را تایید و مخالفانشان را مغلوب میکند.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل: درب: نمونه هائی از الطاف و نعمت های الهی که اگر به آنها توجه شود، رفتارهای بشر از کفر و تکذیب دور خواهد شد، و ای پیامبر! با کافران و مخالفانت چنین بگو و یهودیان را اینطور ارشاد کن و اگر واکنش بعضی از مردم نسبت به رسالتت مطلوب نیست، اندوهگین مباش، زیرا که تقصیر تو نیست.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ اللَّهُ خَيْرٌ أَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٥٩﴾

ریز درب: ای پیامبر! خدا را حمد، و تفاوت خدای واقعی و موهوم را به اینان یاد آوری کن.

۲

أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُنْبِتُوا شَجَرَهَا أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿٦٠﴾ أَمَّنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَجَعَلَ خِلَالَهَا أَنْهَارًا وَجَعَلَ لَهَا رَوَاسِي وَجَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿٦١﴾ أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَثِيرًا قَلِيلًا ﴿٦٢﴾ أَمَّنْ يَهْدِيكُمْ فِي ظُلُمَاتِ اللَّيْلِ وَالْبَحْرِ وَمَنْ يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٦٣﴾ أَمَّنْ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَمَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَى اللَّهُ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٦٤﴾

ریزدرب : کافران از چنین خداوندی رویگردان اند.

۳

قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُنْعَمُونَ ﴿٦٥﴾ بَلِ ادَّارَكَ عِلْمُهُمْ فِي الْآخِرَةِ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِنْهَا بَلْ هُمْ عَنْهَا غَمُونَ ﴿٦٦﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْبَأْ كُنَّا تَرَابًا وَآبَاؤُنَا أَنْبَأْ لَمْخْرَجُونَ ﴿٦٧﴾ لَقَدْ وَعَدْنَا هَذَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿٦٨﴾ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ ﴿٦٩﴾ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُنْ فِي ضَيْقٍ مِمَّا يَمْكُرُونَ ﴿٧٠﴾ وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٧١﴾ قُلْ عَسَى أَنْ يَكُونَ رَدِفٌ لَكُمْ بَعْضُ الَّذِي تَسْتَعْجِلُونَ ﴿٧٢﴾

ریزدرب : ای پیامبر! بگو ای کافران که از چنین خداوندی رویگردانید، بدانید که آینده حتمی شما قیامت و آخرت است و برای مواجهه با آن آماده شوید.

۴

وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ ﴿٧٣﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ

وَمَا يُغْلَبُونَ ﴿٧٤﴾ وَمَا مِنْ غَائِبَةٍ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ﴿٧٥﴾ إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَفْصُلُ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَكْثَرَ الَّذِي هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿٧٦﴾ وَإِنَّهُ هُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ ﴿٧٧﴾ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُم بِحُكْمِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ ﴿٧٨﴾ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ ﴿٧٩﴾ إِنَّكَ لَا تَسْمِعُ الْمَوْتَى وَلَا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ ﴿٨٠﴾ وَمَا أَنْتَ بِهَادِي الْعُغْمَىٰ عَنْ صَلَاتِهِمْ إِنَّ تُسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ ﴿٨١﴾

ریزدرب : ای پیامبر! خداوندت به کار خویش داناست و به مردم هم مرحمت دارد، تو نیز بوسیله قرآن موفق خواهی شد، کار خویش را پیگیر باش و توقعت را نیز پائین بیاور.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبَّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ می فرماید: ای پیامبر! قرآنی که به تو وحی شده چیزی بسیار بلند مرتبه است و کسانی که به آن کفر می ورزند مشکلی دارند که نمی توانند این را درک کنند.

در پاراگراف ۲ ضمن شرحی از چگونگی برگزیدگی موسی می فرماید: ای پیامبر! تو نیز مانند موسی از جانب ما تایید خواهی شد و موفق خواهی گردید.

در پاراگراف ۳ می فرماید: ای پیامبر! تو نیز مورد تاییدات ماهستی لذا به کاررسالت محکم ومطمئن ادامه ده.

در پاراگراف ۴ می فرماید: ای پیامبر! تو و پیروانت موفق خواهید شد، لذا بدون کوچکترین نگرانی با

قوت به پیگیری رسالت مشغول باش.

در این پاراگراف می فرماید: ای پیامبر! توجه مردم را به این افعال و صفات الهی و در عین حال توجه آنان را به معنی و نتیجه عقاید مشرکانه شان جلب کن، و مشکل فکری یهودیان توسط قرآن قابل حل است، اما اگر گرایش نشان ندادند مهم نیست.

۴ - سوالات

۱ - حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ (نکوهش کافران؟ نکوهش سران کافران؟ یا...؟)

۲ - اگر گزینه دوم را انتخاب کرده اید دلیلش را در کدام آیه و در کدام نقطه اش میتوانید مشخص کنید؟

۳- از مطالب این پاراگراف چه «حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها» میتوان زد؟

۴ - منظور از «کتاب مبین» (آیه ۷۵) چیست؟

۵ - منظور از «بَلْ اِذَا رُكَّ عَلٰی سَاقٍ» (آیه ۶۶) چیست؟

۶- چه سابقه ای از موضوع آیه ۶۷ در سوره های قبل دارید؟

۷ - آیا آیه ۶۹ مشوق توریسم است؟ (بله؟ نه؟ چرا؟)

۸- منظور از «وَلَا تُكُنْ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ» (آیه ۷۰) چیست؟

۹ - در خصوص خود آیه ۷۴ چه «حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها» میتوان زد؟

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

در تعلیل موضوع شریک قائل شدن برای خداوند میفرماید اساسا شرک به خدا نمی چسبد (آیه ۶۳) پس چرا آنها به شرک گرایش یافته اند، و در توضیح فرموده که علتش این است که عقیده آنها بر اساس جهت گیری قبلی شکل گرفته (آیه ۶۰) و در آن علم ندارند (آیه ۶۱) و دلیلی هم بر آن ندارند (آیه ۶۴) و البته کسانی که اساسا پند پذیر باشند در میان آنها کم است (آیه ۶۲)

از آیه ۶۰ فهمیده میشود دارندگان «باغهایی پربهجت» کم نبوده اند، و این موضوع تصور رایج را در باره معاصران نزول این آیات که اهل مکه باشند تصحیح میکند.

در آیه ۶۶ کل بگومگویی را که در باره قیامت ابراز میکنند تعلیل میکند و همه آنها را ناشی از بی علمی مطلق و یا حداکثر شک قلمداد میکند.

از آیه ۷۸ معلوم می شود یهودیان نه تنها چندان گرایشی به اسلام نشان نمی دادند، بلکه به قرینه آیه ۷۶ در آتش اختلافات فکری خویش مشغول بودند.

آیات ۷۵ تا ۸۱ نوعی «خسته نباشید» به پیامبر اکرم (ص) است.

در خصوص مخالفت های دو گروه، یکی مشرکان عرب که چنانکه می دانیم در مخالفتشان بسیار عامد و عنود و لجوج بودند، و دیگری یهودیان که تازه به جرگه مخالفان آن حضرت پیوسته بودند.

البته چنانکه خواهیم دید، مخالفت گروه اول با فتح مکه ریشه کن شد.

۶- زاویه با تفاسیر رایج

(آیه ۶۲): (المیزان): "أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ "

مراد از اجابت مضطر وقتی که او را بخواند " این است که خدا دعای دعا کنندگان را مستجاب و حوائجشان را بر می آورد، و اگر قید اضطرار را در بین آورد برای این است که در حال اضطرار، دعای داعی از حقیقت برخوردار است و دیگر گزاف و بیهوده نیست، چون تا آدمی بیچاره و درمانده نشود، دعاهايش آن واقعیت و حقیقت را که در حال اضطرار واجد است ندارد، و این خیلی روشن است.

قید دیگری برای دعا آورده و آن این است که فرموده: "اذا دعا- وقتی او را بخواند"، و این برای آن است که بفهماند خدا وقتی دعا را مستجاب می کند که داعی، به راستی او را بخواند، نه اینکه در دعا رو به خدا کند و دل به اسباب ظاهری داشته باشد و این وقتی صورت می گیرد که امید داعی از همه اسباب ظاهری قطع شده باشد، یعنی بداند که دیگر هیچ کس و هیچ چیز نمی تواند گره از کارش بگشاید، آن وقت است که دست و دلش با هم متوجه خدا می شود و در غیر این صورت همانطور که

گفتیم غیر خدا را می‌خواند. پس، اگر دعا صادق بود، یعنی خوانده شده فقط خدا بود و بس، در چنین صورتی خدا اجابتش می‌کند و گرفتارش را که او را مضطر کرده بر طرف می‌سازد،

خطا واضح است. زیرا مواردی که نتیجه‌گیری المیزان درست در نیامده بسیار زیاد است، بطوریکه هر کسی مواردی از آن را سراغ دارد، از جمله در همین ایام (که اینک اواخر آذر ماه ۹۳ است) در خبرها دیدیم که چند کشتی در دریا غرق شدند و همگی سر نشینان مردند. حتما در بین آنهمه آدم در آن کشتی‌های مغروق لا اقل یک نفر وجود داشت که مطابق فرضیات المیزان خداوند را خوانده، اما دیدیم که اجابت نشد و سوء برطرف نگردید، دلیلش هم این است که المیزان در تفسیر موضوع خطا نموده و موضوع مطلق نیست، بلکه مقید است به زمینه مطلب که مبارزات اجتماعی حق طلبانه است. زیرا درست بعد از آن فرموده و يجعلکم خلفاء الارض که جمله اخیر به مبارزات اجتماعی حق طلبانه می‌خورد.

۷ - پیشگوئی‌های تحقق یافته

در آیه ۷۲ وعده ای مبنی بر تغییر اوضاع فعالان مخالفانش وجود دارد. در آیه ۷۶ مجدداً کلمه قرآن را بکار برده که گفتیم این یک وعده محقق شده است. در آیه ۷۹ به زبانی تلویحی نزدیک به صریح به آنحضرت وعده موفقیت داده است.

۸ - در این پاراگراف، کدام فقرات، فوق ذهنیات معاصران نزول است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه های ۶۶ تا ۶۸ «قیامتی» است، و هیچ بنی بشری تجربه اش را ندارد، و قبل از قیامت نخواهد داشت، لذا، چه در آن روزهای نزول وحی و چه الی یوم القیامه بالاتر از ذهنیات بشر خواهد بود.

آیه ۶۹ از این لحاظ که مربوط به اقوامی است که در قبل از تاریخ بوده اند، و علم باستان شناسی آنقدر رشد نکرده که ما از اوضاع و احوال آنها مطلع باشیم، برای ما نیز روشن نیست، چه رسد به مخاطبان اولیه این آیات. مکانیزم اجرائی آیه های ۶۰ تا ۶۴ برای ما ساکنان قرن ۲۱ نیز روشن نیست چه رسد مخاطب های اولیه! در آیه های ۶۵ و ۷۵ به موجوداتی اشاره شده که معهود ما بشر قرن حاضر هم نیست، چه رسد به مشافهین ۱۴۰۰ سال قبل!

۹- کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیات ۵۹ تا ۶۱ و ۶۴ تا ۷۱ و ۷۴ و ۷۷ و ۷۸، بقیه «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلید های تفسیری

بحث متنی

آیه ۷۰ بدون اینکه فرع بر آیه ای باشد پرانتزی است.
دو آیه ۷۳ و ۷۴ بدون اینکه فرع بر آیه ای باشند پرانتزی می باشند.

ختم های «ام من یجیب»

کسی را که به نظر او همه راه ها به روی او بسته شده، «بی چاره» می خوانیم که معادل کلمه «مضطر» است که در متن آیه ۶۲ آمده است. در این آیه تلویحاً وعده داده شده که خداوند فریاد بیچاره را می شنود و اضطارش را رفع می کند. هر کسی مواردی از این نوع را که برایش اتفاق افتاده، بیاد می آورد. هر کس بیاد می آورد که هنگام بیچارگی، فقط خداوند را یاد می کند و حل مشکلش را فقط از او می خواهد و اغلب «جواب» هم می گیرند.

اما نکته ای در اینجا هست که نمیتوان ناگفته اش گذاشت، این آیه که مستند اینهمه «ختم های اَمَن یجیب» است مطلق نیست، و همیشه به اجابت نمیرسد، و به قرینه «یجعلکم خلفاء الارض» که درست پس از آن آمده، اطلاقش در باره مبارزات اجتماعی حق طلبانه است، و فقط در آن زمینه است که - به شهادت تاریخ بشر - همیشه درست در می آید، ولو اینکه ظاهرا چنین به نظر آید که درست در نیامده است، مثلا مورد امام حسین علیه السلام ظاهرا به نظر میآید که آنحضرت مغلوب شده، اما واقعا آنحضرت پیروز شده است، زیرا اولاً در مدتی کوتاه گفتمان غالب تغییر کرد، ثانيا دودمان بنی امیه بربادرفت، ثالثا پس از گذشت ازمنه و دهور و اعصار و قرون روز بروز بر احترام آنحضرت و نفرت از مخالفانش افزوده میشود. در همان آیه ۶۲ منظور از «شما» در درجه اول همان مخاطبهای آنروزی معاصر نزول این آیات، و درامروز، ما ها هستیم.

شروع و اعاده

در موضوع «شروع و اعاده»، (آیه ۶۴) را در سوره بروج عرضی کرده ایم.

ترجیع بند «أله مع الله» و جواب متفاوت آن در هر زمینه ای

در آیه ۶۰ که زمینه سخن آفرینش آسمانها وزمین و فروفرستان باران و رویش گیاهان است جواب ترجیع بند را «بد اختیاری» دانسته، و این مفهوم است، زیرا موارد ذکر شده از لحاظ انحصار در خداوند چنان در نزد همگان عیان بوده که شریک تراشی فریاد آشکار از لج و سوء اختیار را در خویش دارد.

در آیه ۶۱ مواردی مطرح شده که به وضوح موارد آیه ۶۰ نیست و درک آنها «علمی» می خواهد.

در آیه ۶۲ مواردی مطرح شده که درک آنها نیاز به «تجربه شخصی» دارد و کسی که در گرفتاری گیر کرده و رفع آن را از خداوند می خواهد با «زبان خواهش» ش

فقط او را مخاطب قرار میدهد، و هرکسی تجربه هائی از این نوع دارد، و لذا اغلب که پس از رفع گرفتاری رفتاری مغایر آنچه که در حال گرفتاری داشتند بروز میدهند، در مورد آنان فراموش کردن تذکری را که یافته بودند مطرح میفرماید. همچنین است ظرائفی که در انتهای آیه های ۶۳ و ۶۴ اشاره فرموده که خودتان با روشی که ما در باره آیات ۶۰ و ۶۱ و ۶۲ عرض کرده ایم ادامه دهید.

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر! بگو سپاس خدای را و سلام بر آن بندگان که برگزیده. و به مردم بگو آیا خداوند بهتر است یا آنچه با او شریک میگیرند؟ (۵۹)

یا کیست که آسمانها و زمین را آفریده و از آسمان برایتان آبی فرستاده که بوسیله آن باغهای خرم می روید؟ که رویش درختهایش کار شما نیست، آیا خدائی با اوست؟ بلکه آنها که چنین میگویند مردمی منحرفند (۶۰)

یا کیست که زمین را قرارگاه نموده و در خلال آن نهرها قرار داده و برای آن لنگرها گذاشته و بین آن دو دریا حائلی قرار داده؟ آیا خدائی با اوست؟ بلکه اکثر کسانی که چنین میگویند علمی ندارند (۶۱)

یا کیست که به فریاد بیچاره میرسد و بدی را برطرف میکند؟ و شما را جانشینان زمین میکند؟ آیا خدائی با اوست؟ چه کم پند می پذیرند (۶۲)

یا کیست که شما را در تاریکی های زمین و دریا هدایت می کند؟ یا چه کسی بادها را پیشاپیش مژده باران رحمتش می فرستد؟ آیا خدائی با اوست؟ خداوند بالاتر است از آنچه با او شریک میگیرند (۶۳)

یا کیست که آفرینش را شروع و سپس اعاده میکند؟ و چه کسی شما را از آسمان و زمین روزی میدهد؟ آیا خدائی با اوست؟ بگو دلیل خویش بیاورید اگر راست میگوئید (۶۴)

بگو در آسمانها و زمین هیچکس جز خدا غیب نمیداند. و نمیدانند چه هنگام برانگیخته خواهند شد (۶۵)

بلکه علمشان به آخرت تا اینجا رسیده که درباره آن در شک هستند، بلکه اصلاً درباره آن نابینايند (۶۶) و کافران میگویند آیا هنگامی که ما و پدرانمان خاک شدیم آیا بیرون می آئیم؟ (۶۷) و میگویند قبلاً هم این وعده ها به ما و پدرانمان داده شده. این چیزی جز افسانه های پیشینیان نیست (۶۸) بگو در زمین بگردید و ببینید عاقبت مجرمان چگونه بوده است (۶۹)

ای پیامبر! بر آنها اندوهگین مشو و از آنچه نقشه می کشند تنگدل مباش (۷۰)

و میگویند این وعده ای که میدهید کی خواهد بود اگر راست میگویند؟ (۷۱) بگو چه بسا که بعضی از آنچه که به عجله میخواهیدش هم اکنون ردیف شده باشد (۷۲) و البته پروردگارت نسبت به مردم صاحب فضل و کرم است ولیکن اکثرشان سپاس نمی گزارند (۷۳) و البته پروردگارت آنچه را که در دلهاشان پنهان میکنند و آنچه را که آشکار می کنند میداند (۷۴) و هیچ نهفته ای در آسمانها و زمین نیست مگر اینکه در کتابی آشکار هست (۷۵) و این قرآن برای بنی اسرائیل اکثر چیزهائی را که درباره اش اختلاف دارند بیان میکند (۷۶) و نیز هدایت و رحمتی برای مومنان هم هست (۷۷) و البته پروردگارت بین آنها به حق حکم میکند و همو پیروزمند داناست (۷۸)

پس ای پیامبر! بر خدا توکل کن زیرا که بر حق آشکار هستی (۷۹) و تو به مردگان نتوانی چیزی بشنوانی، و نیز به کران، وقتی که روی برگردانده و پشت می کنند (۸۰)

و نیز تو هدایت کننده کور از گمراهیش نیستی، جز این نیست که تو فقط به کسی که به آیاتمان ایمان دارد و تسلیم حق است می شنوایی (۸۱)

نمل ۶ آیات ۸۲ تا ۹۳

وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ ﴿٨٢﴾ وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِن كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِّمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ ﴿٨٣﴾ حَتَّىٰ إِذَا جَاؤُوا قَالَ أَكَذَّبْتُم بِآيَاتِي وَلَمْ تُحِطُوا بِهَا عَلِمْنَا أَنَّاذَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٨٤﴾ وَوَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ بِمَا ظَلَمُوا فَهُمْ لَا يَبْطِقُونَ ﴿٨٥﴾ أَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا اللَّيْلَ لَيْسَكُنَا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنِّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٨٦﴾ وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَفَزِعَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ وَكُلُّ أَتَوْهُ دَاخِرِينَ ﴿٨٧﴾ وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسِبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ صُنْعَ اللَّهِ الَّذِي أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ ﴿٨٨﴾ مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِّنْهَا وَهُمْ مِّنْ فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ ﴿٨٩﴾ وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُتِبَتْ لَهُ جُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٩٠﴾ إِنَّمَا أُمِرتُ أَنْ أَعْبُدَ رَبَّ هَذِهِ الْبَلَدَةِ الَّذِي خَرَّمَهَا وَلَهُ كُلُّ شَيْءٍ وَأُمِرتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿٩١﴾ وَأَنْ أَتْلُو الْقُرْآنَ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَقُلْ إِنَّمَا أَنَا مِنَ الْمُنذِرِينَ ﴿٩٢﴾ وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ سَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَتَعْرِفُونَهَا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٩٣﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: خداوند چگونه پیامبران خویش را تایید و مخالفانشان را مغلوب میکند.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: ای مردم! قیامت آینده حتمی همگان است. هولناک هم هست. بفکر خودتان باشید، و ای پیامبر! تو با قوت به رسالتت بپرداز که موفق خواهی شد.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ ﴿٨٢﴾ وَيَوْمَ نُخْشِرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِّمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ ﴿٨٣﴾ حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوا قَالَ أَكَذَّبْتُم بِآيَاتِي وَلَمْ تُحِطُوا بِمَا عَلَّمَاكُمْ أَفَمَاذَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٨٤﴾ وَوَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ بِمَا ظَلَمُوا فَهُمْ لَا يَنْطِقُونَ ﴿٨٥﴾ أَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا اللَّيْلَ لَيْسَكُنَا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٨٦﴾ وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَفَرَعَ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَمَن فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَن شَاءَ اللَّهُ وَكُلٌّ أَتَوْهُ دَاخِرِينَ ﴿٨٧﴾ وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ صُنْعَ اللَّهِ الَّذِي أَتَقَنَ كُلُّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ ﴿٨٨﴾ مَن جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِّنْهَا وَهُمْ مِّنْ فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ ﴿٨٩﴾ وَمَن جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وَجُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٩٠﴾

ریزدرب : ای مردم! قیامت آبنده حتمی همگان است. هولناک هم هست. بفکر خودتان باشید.

۲

إِنَّمَا أَمِرتُ أَنْ أَعْبُدَ رَبَّ هَذِهِ الْبَلَدَةِ الَّذِي حَرَّمَهَا وَلَهُ كُلُّ شَيْءٍ وَأُمِرتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿٩١﴾ وَأَنْ أَتْلُو الْقُرْآنَ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَقُلْ إِنَّمَا أَنَا مِنَ الْمُنذِرِينَ ﴿٩٢﴾

ریزدرب : ای پیامبر! این مواضع خویش را به روشنی اعلام کن.

۳

وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ سَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَتَعْرِفُونَهَا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٩٣﴾

ریزدرب: ای پیامبر! به کافران چنین بگو که هشدار هم هست.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقا با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقا می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ می فرماید: ای پیامبر! قرآنی که به تو وحی شده چیزی بسیار بلند مرتبه است و کسانی که به آن کفر می ورزند مشکلی دارند که نمی توانند این رادرک کنند.

در پاراگراف ۲ ضمن شرحی از چگونگی برگزیدگی موسی می فرماید: ای پیامبر! تو نیز مانند موسی از جانب ما تایید خواهی شد و موفق خواهی گردید.

در پاراگراف ۳ می فرماید: ای پیامبر! تو نیز مورد تاییدات ماهستی لذا به کاررسالت محکم و مطمئن ادامه ده.

در پاراگراف ۴ می فرماید: ای پیامبر! تو و پیروانت موفق خواهید شد، لذا بدون کوچکترین نگرانی با قوت به پیگیری رسالت مشغول باش.

در پاراگراف ۵ می فرماید: ای پیامبر! توجه مردم را به این افعال و صفات الهی و در عین حال توجه آنان رابه معنی و نتیجه عقاید مشرکانه شان جلب کن ، و مشکل فکری یهودیان توسط قرآن قابل حل است، اما اگر گرایش نشان ندادند مهم نیست.

در این پاراگراف هشدار شدید به کافران میدهد (که عاقبتتان - در صورتیکه بر همین حال کفر بنمایند - این است) و ای پیامبر! این حقیقت رابرای آنان بیشتر مطرح کن که اهمیت «حرمت» مکه (که به سبب وجود کعبه در آن است) فرع است بر حرمت دینی که «پروردگار این شهر» شما را به آن می خواند، و اینکه توفرساده کسی هستی که اساسا مبنای این «حرمت»ها از ناحیه او است، و وظایفی داری که

می باید به آنها پایبند باشی.

۴ - سوالات

- ۱- منظور از «أَخْرَجْنَا هُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تَكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ» (آیه ۸۲) چیست؟
- ۲- در بعضی از روایات آمده منظور از مطلب فوق امیرالمومنین (ع) است. این موضوع را بطور مستدل ارزیابی کنید.
- ۳- اساساً موضوع فوق در چه کتگوری قرار میگیرد؟ (قیامتی؟ اِهلاک امم؟ یا ...؟)
- ۶- چه سابقه ای از موضوع آیه ۸۸ در سوره های قبل دارید؟
- ۷- منظور از «آیاته» (آیه ۹۳) چیست؟ (نشانه های قدرت الهی که به پیروزی آنحضرت - مانند هجرت و فتوحات و فتح مکه و پیشرفت چشمگیر دعوتش - انجامید؟ یا ...؟)

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیه ۸۲ فهمیده میشود عقل مردم بشدت به چشمشان بوده و برای ایمان آوری کمتر به عقل و استدلال روی میکردند.

از نیمه اول آیه ۹۱ معلوم میشود مکه به چشم همگان و حتی مخالفان آنحضرت محترم بوده، و همچنین معلوم میشود آنها ریشه این حرمت را بتان اعلام میکردند، و از «فتعرفونها» در آیه ۹۳ فهمیده میشود که این موضوع را علیرغم علم به غلط بودن آن اظهار میکردند.

۶ - زاویه با تفاسیر رایج

(آیه ۸۲): المیزان کلمه «آیه» را به آیه ای از نوعی که در «سنریم آیاتنا فی الافاق و فی انفسهم حتی یتبین لهم انه الحق» است، مربوط دانسته،

که البته قبلا دیدیم که موضوع آن به موضوع قیامت نمیخورد و موضوعش را در جای خودش توضیح دادیم، در حالیکه آیه ۸۲ اصطلاحاً «قیامتی» است.

۷ - پیشگوئی های تحقق یافته

در آیه ۹۳ به صراحت وعده ای داده که در هجرت و در روز فتح مکه همگان دیدند.

۸ - آیات مشکل

آیه ۸۲ از این لحاظ که در باره اش حرف های متشتت و عجیب و غریب و کلام معقول و نپذیرفتنی زده اند، جزء آیات مشکل است، و البته ما نیز تفسیر خویش را عرض کرده ایم و ادعا داریم پذیرفتنی هم هست.

۹ - در این پاراگراف، کدام فقرات، فوق ذهنیات معاصران نزول است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه های ۸۲ تا ۸۵ «قیامتی» است، و هیچ بنی بشری تجربه اش را ندارد، و قبل از قیامت نخواهد داشت، لذا، چه در آن روزهای نزول وحی و چه الی یوم القیامه بالاتر از ذهنیات بشر خواهد بود. همچنین است آیات ۸۷ تا ۹۰.

۱۰ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه های ۸۶ و ۸۷ و ۸۹، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث متنی

پرانترها:

آیه‌های ۸۶ و ۸۸ بدون اینکه فرع بر آیه‌ای باشند پرانتری هستند، دلیلش هم اینکه اگر چشم بر آنها ببندیم و قبل و بعد آنها را وصل کنیم می‌بینیم روال سخن صاف و یکدست و بی‌دست‌انداز خواهد شد.

«بگو»ی در تقدیر:

هر شخص مبتدی هم می‌فهمد که یک کلمه «قُل» در ابتدای آیه ۹۱ در تقدیر است و چون آیه ۹۲ ادامه آیه ۹۱ است و آیه ۹۳ نیز همان کلمه «قُل» را دارد.

پراکنده گوئی؟

آیه ۸۲ ناظر به وقایع نزدیک به وقوع قیامت است، و آیه‌های ۸۳ تا ۸۵ ناظر به جریانات پس از وقوع قیامت، و آیه ۸۶ گرچه پرانتری است اما از این لحاظ که در سوره‌های قبلی (البته به ترتیب نزول) زندگی پس از قیامت را قسمت جدی زندگی و این زندگی دنیا را قسمت نیمه جان آن معرفی کرده بود، به موضوع قیامت مربوط بوده و حالت بشارت دارد که از قیامت مترسید که زندگی بهتر و کاملتری به شما رو خواهد کرد، و آیه ۸۷ بازهم به حوادث کاملاً نزدیک به قیامت مربوط است، و آیه ۸۸ بازهم به حوادث قبل از وقوع، و آیه‌های ۸۹ و ۹۰ به چگونگی رسیدگی و ارزیابی اعمال مردم پرداخته که مربوط به پس از وقوع و استقرار آن است. در اینجا خداوند سر راست و به ترتیب سکانس‌ها صحبت فرموده است، چرا؟

به نظر این قلم، موضوع منحصر به اینجا نیست و در جاهای دیگری نیز چنین طرز سخن گفتنی در قرآن دیده میشود و این نوع سخن گفتن همان چیزی است که

سروش آن را «پریشان گوئی شخص خواب زده» نام نهاده و گفته این هم یک دلیل است بر اینکه قرآن «خواب نامه» پیامبر ص است، و به نظر این قلم سروش بی ربط گفته و کلام حق را نفهمیده و صورت مسئله را پاک کرده، و جواب او وامثال او که من آنان را «قرآن ندان» ارزیابی کرده ام (و به عده ای برخورده!) این است که خداوند عمدا در جاهائی از چنین روشی در سخن گوئی استفاده کرده که فرق کسانی که قرآن را حجت مطلق و سخن خداوند میدانند و کسانی که قرآن را سخن مشترک خدا و پیغمبر میدانند (شبستری به نقل از یکی از شاگردانش که در اینجا اسم نمی برم) و نیز کسانی که قرآن را پریشان گوئی و خوابنامه میدانند معلوم شود، و این «عمدی بودن این نوع از سخن الهی» در دو آیه ذیل عیان است (کذلک یضل الله من یشاء و یهدی من یشاء و ما یعلم جنود ربک الا هو <مدثر ۳۱> و یضل به کثیرا و یهدی به کثیرا <بقره ۲۶>)

اما حل مطلب: تمام فقرات مذکور در سوره های قبلی به نحوی که کوچکترین ابهامی نداشته باشد ذکر شده است و اگر کسی ترتیب نزول بداند میداند چه میگوییم و لذا در پاراگراف مذکور (آیات ۸۲ تا ۹۲ نمل) ضرورتی نداشته که ترتیب سکانس را رعایت کرده باشد.

دابه الارض (آیه ۸۲)

موضوع آیه ۸۲ یکی از حوادثی است که نزدیک به وقوع قیامت رخ میدهد، و دلیل ما متن خود قرآن است. زیرا از آیه ۶۶ تا ۷۲ که صراحتا قیامتی است و این واضح است. آیات بعد هم به نوعی به همان موضوع مرتبط است، مثلا آنجا که به علم خداوند اشاره میکند و اینکه هیچ چیزی نیست مگر اینکه در «کتاب مبین» هست، و اینکه ای پیامبر! نگران تکذیب اینها مباش، . . همگی به موضوع قیامت مرتبط است، تا اینکه در آیه ۸۲ دوباره برمیگردد به صراحت قبلی در موضوع قیامت. با این توضیح، آیه ۸۲ همسطح آیه «واذا الوحوش حشرت» در سوره تکویر است، و چیزی که در اینجا خاص است «تکلمهم ان الناس کانوا بآیاتنا لایوقنون» است، که

چندان مایه تعجب نیست، زیرا در زمان نزدیک به وقوع قیامت (چنانکه تاکنون در سوره های پیشین دیده ایم) چنان اتفاقات عجیب و خارق العاده رخ میدهد که این موضوع در پیش آنها عجیب نیست، اما چیزی که اصلاً مفهوم نیست روایت هایی است که «دابه الارض» مذکور را به امیرالمومنین (ع) تطبیق میدهند، و البته از این نوع روایاتی که چیزهایی را به آیه هایی ربط میدهند که واقعا هیچ ربطی ندارد، کم نیست، متأسفانه.

«خیر منها» نسبت به چه؟ (آیه ۸۹)

میفرماید کسی که با خودش «حسنه» آورده باشد «قله خیر منها» یعنی در ازاء آن حسنه چیز بهتر گیرش می آید، لذا، ذکر کلمه معادل پاداش (مثلاً کلمه ای مانند جزاء) محذوف به قرینه شده است.

ترجمه تفسیری آزاد

و هنگامی که آن قولی که راجع به قیامت داده ایم بر آنها فرود آید جنبنده ای از زمین برایشان بیرون می آوریم که با آنان گفتگو کند که مردم به آیاتمان یقین نمیدارند (۸۲)

و روزی که فوجی از هرامتی که آیاتمان را تکذیب میکردند گرد بیاوریم که بهم بپیوندند (۸۳) تا اینکه همگی گرد آیند. در آن هنگام خطاب خواهند شد که آیا آیات الهی را تکذیب میکردید؟ در حالیکه علمی به آن نداشتید؟ چه کاری بود که میکردید؟ (۸۴) و آن قول بر آنها بسبب ظلمی که میکردند فرود آید و سخنی نگویند (۸۵)

آیا نمی بینند که شب را برای آرامش و روز را برای دیدن قرار داده ایم؟ البته دراین برای مردم صاحب ایمان آیت هاست (۸۶)

و روزی که در آن شیپور دمیده شود، پس تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند به فریاد می افتند. مگر آنهایی که خداوند بخواهد و همگی با افتادگی بسوی او می آیند (۸۷) و کوه ها را می بینی و می پنداری جامدند درحالیکه مانند ابرها درحرکت خواهند بود. آفرینش خداوند است که هر چیز را به کمال آورده که او به آنچه میکنید آگاه است (۸۸) هر کس کار نیکی بیاورد پاداشی بهتر از آن خواهد داشت، و آنها از ناراحتی آنروز ایمن اند (۸۹) و کسی که کار زشتی بیاورد بر صورتش به آتش افکنده میشود و به آنها گفته میشود آیا این جز کیفر عملی است که انجام میدادید؟ (۹۰)

ای پیامبر! بگو جز این نیست که مأمورم پروردگار این شهر مکه را که آنرا حرمت داده عبادت کنم و همه چیز از آن اوست و مأمورم از مسلمین باشم (۹۱) و نیز اینکه قرآن را تلاوت کنم، پس هر کس که هدایت خواست بنفع خودش است و کسی که گمراه شد جز این نیست که من از هشدار دهندگانم (۹۲) بگو ستایش از آن خداوند است. بزودی آیاتش را به شما نشان میدهد و می شناسیدش و پروردگارت از رفتارتان غافل نیست (۹۳)

سوره مريم

﴿ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾

كهيعص ﴿١﴾ ذِكْرُ رَحْمَةِ رَبِّكَ عَبْدَهُ زَكَرِيَّا ﴿٢﴾ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ نِدَاءً خَفِيًّا ﴿٣﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا ﴿٤﴾ وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا ﴿٥﴾ يَرِثُنِي وَيَرِثْ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا ﴿٦﴾ يَا زَكَرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَىٰ لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا ﴿٧﴾ قَالَ رَبِّ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا وَقَدْ بَلَغْتُ مِنَ الْكِبَرِ عِتِيًّا ﴿٨﴾ قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَقَدْ خَلَقْتُكَ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ تَكْ شَيْئًا ﴿٩﴾ قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَ لَيَالٍ سَوِيًّا ﴿١٠﴾ فَخَرَجَ عَلَىٰ قَوْمِهِ مِنَ الْمِحْرَابِ فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ أَنْ سَبِّحُوا بُكْرَةً وَعَشِيًّا ﴿١١﴾ يَا يَحْيَىٰ خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا ﴿١٢﴾ وَحَنَانًا مِّنْ لَّدُنَّا وَزَكَاةً وَكَانَ تَقِيًّا ﴿١٣﴾ وَبَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا ﴿١٤﴾ وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا ﴿١٥﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره)، برای کل ۱۱۴ سوره قرآن، در کتاب «خودآموز تفسیر قرآن» (از همین قلم) وجود دارد، و خود کتاب مذکور را میتوانید در سایت (<https://tafsir.ganjei.com>) بیابید، و البته مبانی این موضوع نیز در ۱۶۰ صفحه اول کتاب «علوم قرآنی» (موجود در همان سایت) شرح داده شده است. و در مورد این سوره، عصاره محتوا، همان است که ذیلا دیده میشود.

درس: پیامبران و صالحان مسیر صحیح را می‌رفتند و خداوند نیز در همین جهان به آنها لطف و برکت عطا فرمود.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: نمونه هائی از لطف و برکتی که در همین جهان به زکریا و یحیی داده شد.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

چنانکه تاکنون دیده اید، در هر پاراگراف تفسیری، عصاره محتوای پاراگراف را از یک «راه دوم» نیز استخراج می‌کردیم، که معمولاً دیده میشد مطابقت معنا داری با استخراج از راه اول داشت.

اما، در پاراگراف هائی که کاملاً «داستانی» است، ضرورتی در این کار احساس نمیشود، زیرا فهم پاراگراف های داستانی بسیار آسانتر است، و چون ما اهل صفحه زیاد کردن نیستیم، و با توجه به کیفیت خوانندگان مان رعایت اختصار را ترجیح میدهیم، در این نوع پاراگراف ها از آن صرف نظر میکنیم.

۳ - سوالات

۱ - «اوحی» (آیه ۱۱) به معنی لغوی بکار رفته یا اصطلاحی؟

۲ - سوال فوق را در باره «سمیّا» (آیه ۷) جواب دهید.

۳ - چرا در باره یحیی (ع) بجای «یموت» نفرموده «مات»؟

۴ - با توجه به آیه ۷، «نام» چه اهمیتی دارد؟

۴ - زاویه با تفاسیر رایج

(المیزان): غرض این سوره به طوری که در آخرش بدان اشاره نموده می‌فرماید: "فَإِنَّمَا يَسْرُنَا يِلْسَانُكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَ تُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لَّدَا ... " بشارت و انذار است

گرچه میزان روش خویش را برای استخراج چیزی که آن را «غرض» سوره مینامد ذکر نمی نماید، اما همانطور که گفتیم این کار را بطور سلیقه ای و شانسی انجام میدهد و در اینجا یک آیه را نماینده کل سوره گرفته (که تازه خطا هم هست) اما، ما برای استخراج درس و درب روشی روشن و شفاف داریم و در این سوره این است:

درس: پیامبران و صالحان مسیر صحیح را میرفتند و خداوند نیز حتی در همین جهان هم به آنها لطف و برکت عطا فرمود.

۵ - پیشگویی های تحقق یافته

در آیات ۲ تا ۱۵ الطاف الهی که به یک پیامبر فرعی از شریعت حضرت موسی شده را ذکر نموده و از آن تلویحا این پیشگویی درک میشود که ای پیامبر تو در نزد ما از آن بزرگوار کمتر نیستی و در مورد تو نیز الطاف ما پی در پی بسویت نازل خواهد شد.

۶ - در این پاراگراف، کدام فقرات، فوق ذهنیات معاصران نزول است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

کههیصص که از حروف مقطعه است، هنوز در این ۱۴۰۰ سال رمزگشائی نشده، یعنی حروف مذکور فوق ذهنیات این ۱۴۰۰ سال بوده، چه رسد به عرب ۱۴۰۰ سال قبل. مکانیزم اجرائی آیه های ۷ و ۸ و ۹ برای ما ساکنان قرن ۲۱ نیز روشن نیست چه رسد مخاطب های اولیه!

۷ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریبا تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

چند دریافت کوتاه مستقیم

آیه ۲: در بسیاری از جاهائیکه کلمه «رحمت» را دیده‌ایم، بمعنی وحی و نبوت و معجزه بوده است.

آیه ۴: سفید شدن یکدست موی سر را به «شعله» تشبیه نموده که ظرافتی از لحاظ بیانی در خویش دارد.

آیه ۵: بنظر می‌رسد خواسته زکریا(ع) این بوده که خداوند کسی را برای او معین کند که پس از مرگ او «وصی» اش باشد و در آنچه از او باقی می‌ماند، مطابق قوانین الهی و حکم تقوا رفتار کند و دعای او این نبوده که خداوند به او فرزندی عطا کند و فرزند دار شدن را از خویش بعید می‌دانسته است. ضمناً خواسته زکریا (ع) این بوده که آن «سرپرست» مورد تقاضای آیه، از او و از آل یعقوب ارث ببرد.

«از آل یعقوب ارث ببرد» یعنی چه؟

مفهوم میشود که خواسته اولیه زکریا (ع) این بود که خداوند پیامبر پس از او را مشخص نموده و به او معرفی کند تا او نیز آن پیامبر را به مردم معرفی نماید و ضمناً سرپرستی اموال و خانواده خویش را نیز به او بسپارد.

«دعای زکریا(ع) و تولد یحیی(ع)»

در رابطه با آیه ۹ از کلمه «گفت» دوم معلوم می‌شود لااقل مکالمه انجام شده در آیه ۹، مکالمه زکریا(ع) با یکی از فرشتگان (مثلاً جبرئیل) بوده، نه مکالمه‌ای از نوع مکالمه حضرت موسی با خداوند و از همینجا می‌توان فهمید که مژده ذکر شده در آیه ۷ نیز از سوی همان فرشته به او داده شده و نیز فهمیده می‌شود که قاعدتاً باید بین مژده آیه ۷ و مناجات آیه ۸ مدتی فاصله بوده باشد زیرا تصور اینکه پیامبر

عظیم الشانی مانند حضرت زکریا(ع) فرق مکالمه مستقیم با خداوند و فرشته‌اش را متوجه نشود، بعید است. لذا می‌توان موضوع را اینطور درک کرد که:

۱- زکریا(ع) در مناجاتی مشکل خود را مطرح می‌کند. (آیات ۳ تا ۶)

۲- یا در همان مناجات یا بعداً به او وحی می‌شود و مژده بهم رسیدن یحیی(ع) به او داده می‌شود. (آیه ۷)

۳- مدتی طول می‌کشد تا زکریا(ع) این مژده را «هضم» کند و دوباره به مناجات برمی‌خیزد. (آیه ۸)

۴- در همین مناجات برایش توضیح داده می‌شود که قرار است لطف خاص در حق او بشود (مانند فرزندان شدن حضرت ابراهیم در کهولت)

۵- حالا دیگر او مژده را «جذب» کرده و باز هم به مناجات می‌ایستد و تقاضای جزئیات بیشتر می‌کند. (آیه ۱۰ و قسمت آخر آن) یعنی اینکه سه شب (و دو روز؟) به امر خدا زبان او بسته مانده و نتوانست سخن بگوید.

۶- و بالاخره حضرت یحیی(ع) متولد می‌شود. (آیات ۱۲ تا ۱۵) و در کودکی به پیامبری می‌رسد و بعضی از ائمه ما نیز که در کودکی به امامت رسیدند در مقابل شکاکان به این آیه استشهاد می‌نمودند.

ترجمه تفسیری آزاد

بسم الله الرحمن الرحيم

کهیعص (۱)

ای پیامبر! این یاد آوری رحمت پروردگارت به بنده اش زکریا است (۲)

هنگامی که با صدائی آهسته پروردگارش را ندا داد (۳) و گفت پروردگارا استخوانهایم سستی گرفته و سرم از پیری گویی شعله دار شده و من، ای پروردگار

از دعا بدرگاهت بی بهره نبوده ام (۴) و از بابت بازماندگانم بیم دارم و زخم نازا است. پس، از جانب خویش وارثی عطايم کن (۵) که از من و از آل یعقوب ارث ببرد و پروردگارا او را پسندیده گردان (۶) به او ندا شد ای زکریا! به پسری مژده ات میدهم که اسمش یحیی است و قبلاً همانمی برایش قرار نداده ایم (۷) گفت پروردگارا چگونه ممکن است پسری داشته باشم در حالیکه زخم نازا است و خودم از سالمندی به فرتوتی رسیده ام (۸) جواب شنید: که گرچه همینطور است اما چنین گفت پروردگارت که آن برایم آسان است و خودت را نیز قبلاً آفریده ام و چیزی نبوده ای (۹) گفت پروردگارا برایم نشانه ای قرار ده. گفت نشانه ات این است که سه شب و دو روز با مردم سخن نتوانی گفت (۱۰) پس، از محراب بسوی قوم خویش بیرون شد و به آنها اشاره کرد که صبح و شام تسبیح گویند (۱۱) یحیی متولد شد و پس از چندی به او ندا دادیم ای یحیی! مفاهیم آن کتاب آسمانی را به قوت بگیر! و آن حکم پیامبری را در کودکی به او دادیم (۱۲) و از جانب خویش به او رحمت آوردیم و رشدش دادیم و تقوادر بود (۱۳) و نسبت به والدین خویش نیز نیکوکار بود و زورگوی نافرمان نبود (۱۴) و سلام بر او باد در روزی که متولد شد و روزی که میمیرد و روزی که زنده برانگیخته خواهد شد (۱۵)

مریم ۲ آیات ۴۰ تا ۴۰

وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ اتَّيَدَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا ﴿١٦﴾ فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا ﴿١٧﴾ قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا ﴿١٨﴾ قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكَ غُلَامًا زَكِيًّا ﴿١٩﴾ قَالَتْ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا ﴿٢٠﴾ قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّئْ وَلْنَجْعَلَهُ آيَةً لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِنَّا وَكَانَ أَمْرًا مَقْصُوبًا ﴿٢١﴾ فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَدَتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا ﴿٢٢﴾ فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا مَنْسِيًّا ﴿٢٣﴾ فَنَادَاهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا ﴿٢٤﴾ وَهَرَيَّ إِلَيْكَ وَجْهَكَ وَخَسِرْتُكَ فَاسْتَقِطْ عَلَيْكَ رُطْبًا خَبِيثًا ﴿٢٥﴾ فَكُلِي وَاشْرَبِي وَقَرِّي عَيْنًا فَإِمَّا تَرَيِنَّ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِي إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا ﴿٢٦﴾ فَاتَتْ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا ﴿٢٧﴾ يَا أُخْتَ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكَ امْرَأَ سَوْءٍ وَمَا كَانَتْ أُمُّكَ بَغِيًّا ﴿٢٨﴾ فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نَكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا ﴿٢٩﴾ قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِي الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا ﴿٣٠﴾ وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا ﴿٣١﴾ وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا ﴿٣٢﴾ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا ﴿٣٣﴾ ذَلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ ﴿٣٤﴾ مَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ وَلَدٍ سُبْحَانَهُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿٣٥﴾ وَإِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ﴿٣٦﴾ فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَّشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿٣٧﴾ أَسْمِعْ يَمِمْ وَأَنْصِرْ يَوْمَ يَأْتُونَنَا لَكِنِ الظَّالِمُونَ الْيَوْمَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿٣٨﴾ وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٣٩﴾ إِنَّا نَحْنُ نَرِثُ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا وَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ ﴿٤٠﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
 طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: پیامبران و صالحان مسیر صحیح را میرفتند و خداوند نیز در همین جهان به آنها لطف و برکت عطا فرمود.

برآیند درسی فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: نمونه هایی از لطف و برکتی که به مریم داده شد و معرفی مسیرهایی که به لطف و برکت نمی انجامد.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ اتَّيَدَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا ﴿١٦﴾ فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا ﴿١٧﴾ قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا ﴿١٨﴾ قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا ﴿١٩﴾ قَالَتْ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكْ بَغِيًّا ﴿٢٠﴾ قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّئْ وَلْنَجْعَلَهُ آيَةً لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِنَّا وَكَانَ أَمْرًا مَقْضِيًّا ﴿٢١﴾ فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَذَتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا ﴿٢٢﴾ فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا مَنْسِيًّا ﴿٢٣﴾ فَنَادَاهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا ﴿٢٤﴾ وَهَرِي إِلَيْكَ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رَطْبًا حَنِيًّا ﴿٢٥﴾ فَكُلِي وَاشْرَبِي وَقَرِّي عَيْنًا فَإِمَّا تَرَيِنَّ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِي إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا ﴿٢٦﴾ فَأَتَتْ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا ﴿٢٧﴾ يَا أُخْتُ هَازُونِ مَا كَانَ أَبُوكَ امْرَأَ سَوْءٍ وَمَا كَانَتْ أُمُّكَ بَغِيًّا ﴿٢٨﴾ فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا ﴿٢٩﴾ قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا ﴿٣٠﴾ وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا

أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا ﴿٣١﴾ وَبِرَأْيِ الْوَالِدَيْنِ وَرَأْيِي جِبَارًا شَقِيًّا ﴿٣٢﴾ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا ﴿٣٣﴾
ریزدرب: نمونه هائی از لطف و برکتی که به مریم (ع) داده شد.

۲

ذَلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ ﴿٣٤﴾ مَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ وَلَدٍ سُبْحَانَهُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿٣٥﴾ وَإِنَّ اللَّهَ رَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ﴿٣٦﴾ فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَّشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿٣٧﴾ أَسْمِعْ بِهِمْ وَأَبْصِرْ يَوْمَ يَأْتُوكُنَا لَكِنِ الظَّالِمُونَ الْيَوْمَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿٣٨﴾ وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٣٩﴾ إِنَّا نَحْنُ نَرِثُ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا وَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ ﴿٤٠﴾

ریزدرب: معرفی مسیر هائی که به لطف و برکت نمی انجامد.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبَّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ که ابتدای سوره است می فرماید: ای پیامبر! تو نیز مورد لطف و حمایت ما میباشی و

شاید در همین جهان نیز برخی از آثار آن راببینی.
در این پاراگراف می فرماید: حضرت عیسی فقط بنده خداست، و بجای خدا قابل عبادت نیست. و نیز میفرماید ای پیامبر! تو نیز (به گونه ای دیگر) همواره مورد لطف و تاییدات ما بوده ای و از این پس هم خواهی بود.

۴ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیه های ۳۴ و ۳۵ معلوم میشود در محیط آن روزی حجاز، قول مسیحیان شناخته و جا افتاده بوده است.

۵ - پیشگویی های تحقق یافته

در آیات ۱۶ تا ۳۳ لطف اعجازی الهی در مورد یک دختر عابده ذکر شده و از آن بوی این وعده تلویحی الهی استشمام میشود که ای پیامبر تو در نزد ما از او کمتر نیستی و در مورد تو نیز الطاف ما پی در پی بسویت نازل خواهد شد.

۶ - در این پاراگراف، کدام فقرات، فوق ذهنیات معاصران نزول است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه های ۳۸ و ۳۹ «قیامتی» است، و هیچ بنی بشری تجربه اش را ندارد، و قبل از قیامت نخواهد داشت، لذا، چه در آن روزهای نزول وحی و چه الی یوم القیامه بالاتر از ذهنیات بشر خواهد بود.

مکانیزم اجرائی آیه های ۱۹ تا ۲۶ برای ما ساکنان قرن ۲۱ نیز روشن نیست چه رسد مخاطب های اولیه!

در آیه ۱۷ به موجوداتی اشاره شده که معهود ما بشر قرن حاضر هم نیست، چه رسد به مشافهین ۱۴۰۰ سال قبل!

بخصوص آیات ۱۷ تا ۲۱ از این لحاظ که مکانیزم ظاهر شدن جبرئیل بر انسان و تاثیر گذاری فیزیکی یا فیزولوژیک براو هنوز در این ۱۴۰۰ سال روشن نشده، نه تنها فوق ذهنیات عرب ۱۴۰۰ سال پیش بلکه حتی فوق ذهنیات مخاطبان امروز نیز هست.

۷ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیات ۳۴ تا ۴۰، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلید های تفسیری

چند دریافت مستقیم کوتاه

آیه ۱۸: به این معنی است که اگر شخص باتقوایی هستی، قاعدتاً نباید نظر سوئی بمن داشته باشی. در هر حال بدون اجازه به حریم خلوت من در آمدی و نگرانم کرده‌ای و هر چه باشد از تو به خدا پناه می‌برم.

آیات ۲۴-۲۶: نوزاد جدیدالولاده او یعنی حضرت عیسی(ع) است که مادرش را دلداری داده و راهنمایی می‌کند و این امر خارق‌العاده‌ای است اما آن نوع تولد خارق‌العاده، ذهن ما را برای پذیرش این امر خارق‌العاده نیز آماده می‌کند.

آیات ۲۹-۳۳: چنان پر از مطالب خارق‌العاده و معجزه‌ای است که دیگر جای شرحی نمی‌گذارد فقط باید گفت آن مادر و آن نوزاد محل نظر و توجه الهی بودند که یکی پس از دیگری نشانه‌هایی از نعمت‌ها و برکات الهی را در مقابل چشمانمان آورده‌اند. و «خواهر هارون» در آیه ۲۸ لزوماً به این معنی نیست که مریم یک برادری هم داشته باشد که اسم او هارون باشد زیرا چنانکه می‌دانیم مریم تک فرزنده بوده و برادر نداشته. «خواهر هارون» در آن روزها و از نظر بنی‌اسرائیل چیزی شبیه به

«زاده» و «پور» و «نیا» در ترکیب «حسن زاده» و «حسن پور» و «حسن نیا» بوده. و می‌خواهد بگوید ای مریم! تو که از تیره و طائفه هارون هستی چرا این کار را کردی؟ و در مجموع از نوع «فضایل کسی را به رخ کشیدن و او را در عین حال سرزنش کردن» است.

آیه ۳۴: منظور این است که راجع به حضرت عیسی(ع) داستانی که بیان شده، «قول حق» است.

آیه ۳۵: در خصوص «کن فیکون» در انتهای سوره یس در ذیل آیه ۸۲ شرح مختصری عرض شده است.

آیه ۴۰: در موضوع «ارث» که در این آیه مطرح شده، خداوند به زبان مخاطب صحبت فرموده است.

فهمیدن منظور داستان های قرآنی آسانتر است

موضوع تیترا فوق واضح است و شرحی نمی‌طلبد و لذا ما در پاراگراف های داستانی شرح زیادی لازم نمی بینیم ، مگر در برخی موارد استثنائی که وقتی به آن استثنائات رسیدیم اگر عرایض توضیحی لازم بود عرض میکنیم.

مکان شرقی

با توجه به آیه ۱۶، حتماً باید انتخاب این «مکان شرقی» حکمتی داشته باشد و گرنه در قرآن مطرح نمی‌شد.

می‌دانیم «کسان» حضرت مریم(س)، شوهر خاله‌اش حضرت زکریا(ع) و خاله‌اش همسر آن حضرت بود که مادر حضرت یحیی(ع) باشد و مریم(س) فقط می‌توانست از آنها کناره بگیرد و آنها هم که در مسجدالاقصی نبودند و لذا آن «طرف شرقی»، مسجدالاقصی نبوده بلکه باید نقطه‌ای باشد بیرون مسجدالاقصی.

از آیه ۱۷ معلوم می‌شود آن «مکان شرقی» نباید از منزل حضرت زکریا(ع) دور بوده

باشد چه بسا در همان خانه باشد. لذا چون در اینجا شرق و غرب جغرافیائی اهمیتی ندارد، باید معنی لغوی شرقی را بگیریم یعنی در خانه زکریا مکان روشن نورانی را برگزید. (که آنجا راحت باشد و عبادت کند)

«روح»

تا کنون به اندازه کافی این کلمه را دیده‌ایم. در سوره قدر (تنزل الملائکه و الروح) در سوره اسراء (یسئلونک عن الروح) در سوره شعراء (نزل به الروح الامین). استعمال این کلمه به جای «روان» (که موضوع علم روانشناسی است) کاملاً غلط است و معادل کلمه «روان» در قرآن کلمه «نفس» است (و نفس و ماسویها). در قرآن «روح» به عالی‌ترین مخلوقات خداوند که از ملائکه هم بالاترند گفته می‌شود و ملائکه در کار رتق و فتق امور فیزیک جهانند و روح در کار هدایت و معنویات و وحی و امثال آن هستند.

لذا «روح»ی که با توجه به آیه ۱۷ بر آنحضرت ظاهر شد باید یکی از مخلوقات با عظمت خداوندی بوده باشد که آنرا به خود نسبت داده و فرموده «روحنا». مثلاً چنانکه به مسجد می‌گوئیم «خانه خدا» بهمین ترتیب این «روح» که در اینجا «روح خدا» نامیده شده از باب جلالت مقام اوست، و چنانکه در سوره‌های قدر و نباء دیده‌ایم، می‌باید نوعی از مخلوقات بسیار شریف بوده باشد مهم‌تر و بالاتر از ملائکه (و مثلاً مانند جبرئیل امین - یا خود او-)

حاملگی از طریقی خارق‌العاده

در رابطه با آیات ۲۲-۱۹ حضرت مریم(س) از طریقی غیرعادی حامله شد. باین معنی که ابتدا از طریق مطالبی که در آیات ۱۹ تا ۲۲ ذکر شد، از لحاظ روحی آمادگی لازم را پیدا کرد و سپس از لحاظ جسمی، در فیزیولوژی آن حضرت اتفاقی افتاد که توجیه علمی آن را باید در کتاب‌هایی نظیر «خلقت انسان» مرحوم دکتر

یدالله سبحانی و کتب مشابه همطراز دیگر خواند.

هرچه باشد با آمادگی ذهنی که قبلاً پیدا کرده‌ایم که چگونه حضرت زکریا و همسرش در پیری صاحب اولاد شدند در حالیکه این اتفاق بسیار نادر و بلکه نایاب است، از لحاظ ذهنی آماده شده‌ایم که این خارق عادت را به قدرت الهی نسبت دهیم و آنچه راجع به حضرت مریم اتفاق افتاد، یک قدم از آن هم بالاتر است اما در کتابهایی مانند «خلقت انسان» و امثال آن، می‌توانیم به توجیه علمی آن نیز نزدیک شویم.

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر! در آن کتاب آسمانی که نزد هست، مریم را یاد کن، وقتی که از کسان خود در گوشه ای روشن کناره گرفت (۱۶) و بین خود و آنان پرده ای آویخت تا به عبادت مشغول باشد. پس روح خویش را بسویش فرستادیم که بصورت انسانی معتدل بر او ظاهر گشت (۱۷) مریم به او گفت از تو به خدای رحمان پناه میبرم با وجود اینکه شخص با تقوائی به نظر میرسی (۱۸) گفت جز این نیست که فرستاده پروردگارت هستم تا پسری پاک به تو ببخشم (۱۹) گفت چگونه ممکن است پسری داشته باشم در حالیکه بشری مرا لمس نکرده و بدکاره هم نبوده ام؟ (۲۰) گفت پروردگارت گفته که این کار برایم آسان است و اینکه میخوام او را آیتی برای مردم و رحمتی از جانب خویش قرار دهم و این امریست که مقرر شده (۲۱) پس مریم بر او حامله شد و با او در مکانی دوردست جای گرفت (۲۲) و درد زایمان او را بسوی تنه یک نخل برد و گفت کاش پیش از این مرده و از یاد رفته و کاملاً فراموش شده بودم (۲۳) در این حال فرزندش او را از طرف پائین دستش صدا کرد که ناراحت نباش که پروردگارت در زیر پایت نهی قرار داده (۲۴) و آن تنه نخل را بسوی خویش تکان ده تا خرماي تازه برایت فرو افتد (۲۵) و بخور و بیاشام و چشمت

روشن باشد و اگر کسی را دیدی به اشاره به او بگو برای خداوندِ رحمان روزه ای نذر کرده ام و امروز با هیچکس سخن نمیگویم (۲۶) پس او را با خود بسوی قوم خویش برد. گفتند ای مریم البته که چیزی عجیب آورده ای (۲۷) ای خواهر هارون نه پدرت آدم بدی بود و نه مادرت بدکاره بود (۲۸) پس مریم به فرزندش اشاره کرد. گفتند چگونه با کودکی که در گهواره است سخن بگوئیم؟ (۲۹) آن کودک به سخن در آمد و گفت من بنده خدا هستم. بمن کتاب داده و مرا پیغمبر قرار داده است (۳۰) و مرا در هر جا که باشم پربرکت قرار داده و مادام که زنده باشم به نماز و زکوة فرمانم داده است (۳۱) و نسبت به مادرم نیکوکار قرارم داده نه اینکه زورگوئی سنگدل باشم (۳۲) و سلام بر من روزی که زاده شدم و روزی که بمیرم و روزی که به زندگی مجدد برانگیخته شوم (۳۳)

ای پیامبر! حقیقتِ عیسی پسر مریم این است. قول حقی است که در باره آن بگویم می کنند (۳۴) خدا را نمیرسد که فرزندی بگیرد. منزّه است از آن. وقتی که امری را اراده کند جز این نیست که به آن میگوید باش پس میشود (۳۵)

و عیسی میگفت البته خداوند پروردگار من و شماست، پس او را عبادت کنید که راه مستقیم همین است (۳۶) آنگاه گروه ها بین خویش اختلاف کردند، پس وای بر کافران از حضور در روزی بزرگ (۳۷)

ای پیامبر! به آنها بشنوان و بنما روزی را که بسوی ما می آیند لیکن ظالمان در آن روز در گمراهی آشکارند (۳۸) و آنها را راجع به روز حسرت هشدار ده. تا مبادا وقتی که کار از کار بگذرد و آنها هنوز در غفلتی بوده و ایمان هم نداشته باشند (۳۹) ما خودمان زمین و تمام کسانی را که روی آن هستند به ارث میبریم و آنها بسوی ما باز میگردند (۴۰)

مریم ۳ آیات ۴۱ تا ۵۸

وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا ﴿٤١﴾ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا ﴿٤٢﴾ يَا أَبَتِ إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا ﴿٤٣﴾ يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا ﴿٤٤﴾ يَا أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا ﴿٤٥﴾ قَالَ أَرَأَيْتَ أَنْتَ عَنْ آلِهَتِي يَا إِبْرَاهِيمَ لَئِنْ لَمْ تَنْتَهِ لَأَرْجُمَنَّكَ وَاهْجُرْنِي مَلِيًّا ﴿٤٦﴾ قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا ﴿٤٧﴾ وَأَعْتَزِّلُكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَأَدْعُو رَبِّي عَسَىٰ أَلَا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا ﴿٤٨﴾ فَلَمَّا اعْتَزَلْتُمْ وَمَا يُعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَكُلًّا جَعَلْنَا نَبِيًّا ﴿٤٩﴾ وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا ﴿٥٠﴾ وَادْكُرْ فِي الْكِتَابِ مُوسَىٰ إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا ﴿٥١﴾ وَنَادَيْنَاهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا ﴿٥٢﴾ وَوَهَبْنَا لَهُ مِنْ رَحْمَتِنَا أَخَاهُ هَارُونَ نَبِيًّا ﴿٥٣﴾ وَادْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا ﴿٥٤﴾ وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا ﴿٥٥﴾ وَادْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِدْرِيسَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا ﴿٥٦﴾ وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا ﴿٥٧﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِنْ ذُرِّيَةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَائِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا ﴿٥٨﴾

پیش تفسیر

۱- استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج می‌کنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: پیامبران و صالحان مسیر صحیح را می‌رفتند و خداوند نیز در همین

جهان به آنها لطف و برکت عطا فرمود.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: نمونه هائی از لطف و رحمتی که به ابراهیم و موسی و اسمعیل و
ادریس داده شد.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

چنانکه تاکنون دیده اید، در هر پاراگراف تفسیری، عصاره محتوای پاراگراف را از یک «راه دوم» نیز استخراج می‌کردیم، که معمولاً دیده میشد مطابقت معنا داری با استخراج از راه اول داشت. اما، در پاراگراف هائی که کاملاً «داستانی» است، ضرورتی در این کار احساس نمیشود، زیرا فهم پاراگراف های داستانی بسیار آسانتر است، و چون ما اهل صفحه زیاد کردن نیستیم، و با توجه به کیفیت خوانندگان مان رعایت اختصار را ترجیح میدهیم، در این نوع پاراگراف ها از آن صرفنظر میکنیم.

۳ - از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ که ابتدای سوره است می‌فرماید: ای پیامبر! تو نیز مورد لطف و حمایت ما میباشی و شاید در همین جهان نیز برخی از آثار آن را ببینی. در پاراگراف ۲ می‌فرماید: ای پیامبر! تونیز (به گونه ای دیگر) همواره مورد لطف و تاییدات ما بوده ای و از این پس هم خواهی بود و اینکه حضرت عیسی فقط بنده خداست، و بجای خدا قابل عبادت نیست. در این پاراگراف می‌فرماید: ای پیامبر! تو نیز مانند این پیامبران مورد لطف و حمایت ما بوده ای. از این پس نیز به مشکلات ماموریت کماکان صبر کن و تاییدات ما نیز با تو خواهد بود.

۴ - پیشگویی های تحقق یافته

در آیات ۴۱ تا ۵۸ الطاف الهی که در مورد ۴ پیامبر ذکر شده، و از آن تلویحا این وعده درک میشود که که ای پیامبر تو در نزد ما از آنان کمتر نیستی و در پیامبریت موفق خواهی شد.

۵ - در این پاراگراف، کدام فقرات، فوق ذهنیات معاصران نزول است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

در آیه های ۴۴ و ۴۵ به موجوداتی اشاره شده که معهود ما بشر قرن حاضر هم نیست، چه رسد به مشافهین ۱۴۰۰ سال قبل! آیه های ۴۲ تا ۴۸ از این لحاظ که مربوط به اقوامی است که در قبل از تاریخ بوده اند، و علم باستان شناسی آنقدر رشد نکرده که ما از اوضاع و احوال آنها مطلع باشیم، برای ما نیز روشن نیست، چه رسد به مخاطبان اولیه این آیات.

۶ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها، با کمی اغماض میتوان گفت که تقریباً تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

چند دریافت کوتاه مستقیم

آیه ۴۵: تاکنون چنین می فهمیدیم که عذاب یعنی ناراحتی و گرفتاری و فشار و دوری از نعمتها، اما در آیه ۴۵، «دوستدار شیطان بودن» عذاب شمرده شده و در این نکته های بسیار لطیفی هست که چون بنای ما بر اختصار است فقط اشاره های کمی می کنیم اما از خواننده ارجمند دعوت می کنیم از تعمق و پیگیری خویش جلوگیری ننموده و مطلب را بپرورد:

۱- دوستی شیطان به کفر و شرک و گناهان می انجامد که آنها نیز در دنیا به هلاکت و در آخرت به عذاب جهنم می رساند و لذا ورود به دوستی شیطان ورود به وادی عذاب است.

۲- دوستی شیطان، خروج از دوستی رحمان است که آن، سرچشمه همه لطف و

رحمت و نعمتهاست و خروج از آن، بمعنی ورود در وادی عذابهاست.

۳- و موارد دیگر که تدبیر و تعمق و در نتیجه کشف و ذکر آنها را به خواننده ارجمند و می‌گذاریم.

آیه ۴۶: «پدر جان» مذکور، در برابر آنهمه استدلال (آیات ۴۲ تا ۴۴) می‌گوید از این حرفها دست بکش که یا می‌کشمت یا خیلی که به تو لطف کنم تبعیدت می‌کنم.

آیات ۴۷ تا ۵۰: ابراهیم که در اثر ایمان استدلالی قوی، (توجه کنید به آیات ۴۲ تا ۴۵) به چنان رشد شخصیتی رسیده بود، نعمتهای جدیدتری نیز از خداوند دریافت کرد. هم قبیله‌ای ساخت و سروری یافت، و هم به پیامبری رسید، و هم در رأس سلسله‌ای از مهمترین پیامبران که از اولاد و نوادگان او بودند قرار گرفت.

لطف‌هایی که خداوند در همین جهان به حضرت ابراهیم(ع) کرد

ما به «درس» و «درب» می‌نگریم و این نکته را در می‌یابیم که حضرت ابراهیم(ع) که مسیر صحیح را اتخاذ نمود، مورد لطف‌هایی قرار گرفت که بطور خلاصه عرض می‌شود:

- ۱ - خداوند او را لایق پیامبری نمود که بزرگترین درجه رشد انسانی است (آیه ۴۱)
- ۲ - در عالم پیامبری هم او را از پیامبران بسیار برجسته نمود (آیه ۴۱)
- ۳ - پیامبری در بعضی از اولاد او یکی پس از دیگری توالی یافت (آیه ۴۹)
- ۴ - نام نیک بلند آوازه‌ای پس از او برایش قرار داد (آیه ۵۰)
- ۵ - قبل از پیامبری نیز فهم دقیق مطالب را یافت (آیه ۴۲)
- ۶ - و نیز قدرت روحی بالا و شجاعتی که بتواند بندها و موانع قوی موجود سنتی آن روزها را بشکند و آنها را در مقابل حق مهم نشمرد (آیه های ۴۲ و ۴۸)

و پیام این پاراگراف نیز این است که ای انسان مسیر صحیح را اتخاذ کن که علاوه بر جهان آخرت در همین جهان نیز لطف و برکت و هدایت و عزت و احترام و ... و ... و همه چیزهای خوب را خواهی یافت.

آشنایی با این «پدر جان» آیه ۴۲

این «پدر جان»، علاوه بر موضوع فوق یک آدم معمولی نبود، بلکه نوعی رهبری فکری در آن جامعه داشت (توجه کنید به عبارت «خدایان من» در آیه ۴۶) بعلاوه از نوعی قدرت حکومتی نیز بهره‌مند بود (که می‌توانست ابراهیم را تبعید و حتی اعدام کند - آیه ۴۶) یعنی «پدر جان» مذکور سه مزیت داشت:

- ۱- مزیت «بزرگی» از نظر سن و سال و رئیس خانواده بودن،
 - ۲- مزیت رهبری فکری در جامعه خویش،
 - ۳- مزیت قدرت سیاسی و حکومتی.
- هر یک از این مزیت‌ها، حتی امروز، (چه رسد به زمان‌های گذشته) آنقدر قوی هست که می‌تواند هزاران نفر را مطیع و منقاد کند.
- ایمان چیست که چنان شخصیتی در آدمی ایجاد می‌کند که این مزیت‌های عظیم را در چشم آدمی کوچک می‌کند و او را به جایی می‌رساند که بر صاحبان آن مزیت‌ها، در صورتی که بر باطل باشند، می‌شورد و آن مزیت‌ها چشمش را پر نمی‌کند؟

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر! در آن کتاب آسمانی که در دسترس هست، ابراهیم را یاد کن که پیامبری صدیق بود (۴۱) هنگامی که به پدرش گفت پدر جان چرا چیزی را می‌پرستی که نه می‌شنود و نه می‌بیند و نه می‌تواند هیچ کاری را برایت چاره کند (۴۲) پدر جان البته چیزی از آن علم حق بسوی من آمده که بسوی تو نیامده پس

مرا پیروی کن که به راهی کاملاً صحیح هدایتت کنم (۴۳) پدر جان شیطان را پیروی مکن که شیطان نسبت به خداوند رحمان سرکش است (۴۴) پدر جان میترسم عذابی از جانب خدای رحمان بتو برسد که در نتیجه آن دوستدار شیطان شوی (۴۵) گفت ای ابراهیم آیا از خدایان من رومیگردانی؟ اگر بس نکنی حتماً سنگسارت میکنم و مدتی طولانی از من دور شو (۴۶) گفت سلام بر تو. بزودی از پروردگرم برایت آمرزش خواهم خواست زیرا که او بمن مهربان است (۴۷) و از شما و آنچه غیر از خداوند میخوانید دوری میگزینم و پروردگار خودم را میخوانم و امیدوارم در خواندن پروردگرم بی بهره نباشم (۴۸)

و چون از آنها و آنچه که غیر خداوند میخواندند کناره گرفت به او اسحق و یعقوب را عطا کردیم و همگی را پیامبر نمودیم (۴۹) و از رحمت خویش به آنها دادیم و برای آن ها ذکر خیر بلند آوازه ای قرار دادیم (۵۰)

و در آن کتاب موسی را یاد کن که او خالص شده، و فرستاده ای پیامبر بود (۵۱) و او را از جانب راست کوه طور صدا زدیم و به رازگویی با خودمان تقربش دادیم (۵۲) و از رحمت خویش برادرش هارون را به او به معاونت دادیم که او نیز پیامبری بود (۵۳)

و در آن کتاب اسمعیل را یاد کن که او درست وعده و پیامبری فرستاده بود (۵۴) و کسان خود را به نماز و زکوٰه امر میکرد و نزد پروردگارش پسندیده بود (۵۵)

و در آن کتاب ادریس را یاد کن که صدیقی پیامبر بود (۵۶) و او را بلند مرتبه گردانیدیم (۵۷)

آنها کسانی بودند که خداوند از میان پیامبران، از فرزندان آدم، و از کسانی که همراه نوح حمل کردیم، و از فرزندان ابراهیم، و یعقوب، و از کسانی که هدایت کردیم و برگزیدیم، نعمتشان داده بود و وقتی که آیات خداوند رحمان بر آنها خوانده میشد گریه کنان به سجده می افتادند (۵۸)

مريم ٤ آيات ٥٩ تا ٩٨

فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا ﴿٥٩﴾ إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ شَيْئًا ﴿٦٠﴾ جَنَّاتٍ عَذْنٌ الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمَنُ عِبَادَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًّا ﴿٦١﴾ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا إِلَّا سَلَامًا وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا ﴿٦٢﴾ تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَنْ كَانَ تَقِيًّا ﴿٦٣﴾ وَمَا نَنْزِلُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ لَهُ مَا يَنْ أَيْدِينَا وَمَا خَلَقْنَا وَمَا بَيْنَ ذَلِكَ وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا ﴿٦٤﴾ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا ﴿٦٥﴾ وَيَقُولُ الْإِنْسَانُ أُنِدَا مَا مِثْلُ لَسُوفَ أَخْرَجُ حَيًّا ﴿٦٦﴾ أَوْ لَا يَذْكُرُ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ يَكْ شَيْئًا ﴿٦٧﴾ فَوَرَّكَ لِنَخْشُرْهُمْ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ لِنُخْضِرْهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا ﴿٦٨﴾ ثُمَّ لَنَنْزِعَنَّ مِنْ كُلِّ شِيعَةٍ أَئِهُمْ أَشَدُّ عَلَى الرَّحْمَنِ عِتِيًّا ﴿٦٩﴾ ثُمَّ لَنُخَنِّ أَغْلَمَ بِالَّذِينَ هُمْ أُولَى بِهَا صِلِيًّا ﴿٧٠﴾ وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا ﴿٧١﴾ ثُمَّ نُنْجِي الَّذِينَ آمَنُوا وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا ﴿٧٢﴾ وَإِذَا تُنْزِلُ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًّا ﴿٧٣﴾ وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ أَحْسَنُ أَثَانًا وَرِئِيًّا ﴿٧٤﴾ قُلْ مَنْ كَانَ فِي الصَّلَاةِ فَلْيَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمَنُ مَدًّا حَتَّى إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ وَإِمَّا السَّاعَةَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ شَرٌّ مَكَانًا وَأَضْعَفُ جَنْدًا ﴿٧٥﴾ وَيَرِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى وَالْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ مَرَدًّا ﴿٧٦﴾ أَفَرَأَيْتَ الَّذِي كَفَرَ بِآيَاتِنَا وَقَالَ لَأُوتِيَنَّ مَالًا وَوَلَدًا ﴿٧٧﴾ أَأَطَّلَعَ الْغَيْبَ أَمْ آتَاكَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا ﴿٧٨﴾ كَلَّا سَنَكْتُبُ مَا يَقُولُ وَنَمُدُّ لَهُ مِنَ الْعَذَابِ مَدًّا ﴿٧٩﴾ وَنَرِيَّهُ مَا يَقُولُ وَيَأْتِينَا فَرْدًا ﴿٨٠﴾ وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لِيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا ﴿٨١﴾ كَلَّا سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا ﴿٨٢﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَا أَرْسَلْنَا الشَّيَاطِينَ عَلَى الْكَافِرِينَ تَؤُوهُمْ أَزًّا ﴿٨٣﴾ فَلَا تَعْمَلْ عَلَيْهِمْ إِمَّا نَعُدُّ لَهُمْ عَذًّا ﴿٨٤﴾ يَوْمَ نُخْشِرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا ﴿٨٥﴾ وَنُسَوِّقُ الْمُجْرِمِينَ إِلَى جَهَنَّمَ وَرْدًا ﴿٨٦﴾ لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ اتَّخَذَ عِنْدَ

الرَّحْمَنِ عَهْدًا ﴿٨٧﴾ وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا ﴿٨٨﴾ لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِدًّا ﴿٨٩﴾ تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَتَنْشَقُّ الْأَرْضُ وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا ﴿٩٠﴾ أَنْ دَعَوْا لِلرَّحْمَنِ وَلَدًا ﴿٩١﴾ وَمَا يَنْبَغِي لِلرَّحْمَنِ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا ﴿٩٢﴾ إِنْ كُلُّ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتَى الرَّحْمَنِ عَبْدًا ﴿٩٣﴾ لَقَدْ أَحْصَاهُمْ وَعَدَّهُمْ عَدًّا ﴿٩٤﴾ وَكُلُّهُمْ آتِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَرْدًا ﴿٩٥﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا ﴿٩٦﴾ فَإِنَّمَا يَسْتَرْاهُ بِلسَانِكَ لِلْمُنْتَقِبِينَ وَنُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لَّدَا ﴿٩٧﴾ وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّن قَرْنٍ هَلْ تُحِسُّ مِنْهُمْ مِّنْ أَحَدٍ أَوْ تَسْمَعُ لَهُمْ رِكْزًا ﴿٩٨﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:
درس: پیامبران و صالحان مسیر صحیح را میرفتند و خداوند نیز در همین جهان به آنها لطف و برکت عطا فرمود.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: مسیر صحیح، عبادت پروردگار و دوری از عبادت غیر اوست و نکوهش و هشدار به کسانی که مسیر غلط را برگزیدند و تحلیل مشکل بیشتر کسانی که مسیر ناصحیح را برگزیدند این است که درموضوع آخرت شک دارند و وضع مادی خوب را ملاک حقانیت میدانند و ای پیامبر! به کسانی که به مسیر غلط را رفتند بگو میتوانند مسیر خود را اصلاح کنند و ذکر نمونه ای ازعاقبت اخروی هر دو گروه که مسیر صحیح یا غلط را پیمودند و ای پیامبر به گروه اول مزده، و به گروه دوم هشدار ده.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا ﴿٥٩﴾ إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ شَيْئًا ﴿٦٠﴾ جَنَّاتٍ عَذْنٍ الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمَنُ عِبَادَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًّا ﴿٦١﴾ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا إِلَّا سَلَامًا وَهُمْ فِيهَا رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةٌ وَعِشْيَا ﴿٦٢﴾ تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَنْ كَانَ تَقِيًّا ﴿٦٣﴾

ریزدرب : ضایع کردن نماز و پیروی شهوات در جهت مخالف جذب الطاف الهی است.

۲

وَمَا نَنْزِلُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ لَهُ مَا بَيْنَ أَيْدِينَا وَمَا خَلْفَنَا وَمَا بَيْنَ ذَلِكَ وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا ﴿٦٤﴾ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا ﴿٦٥﴾

ریزدرب : ای پیامبر! گوش به سخن ملائکه بدار و به عبادت خدایت بپرداز و بر آن صبر کن.

۳

وَيَقُولُ الْإِنْسَانُ أَيْدَا مَا مِثْلُ لَسُوفٍ أَخْرَجَ حَيًّا ﴿٦٦﴾ أَوْ لَا يَذْكُرُ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ يَكْ شَيْئًا ﴿٦٧﴾ فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّكَ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ لَنُخْصِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثًّا ﴿٦٨﴾ ثُمَّ لَنَنْزِعَنَّ مِنْ كُلِّ شِيعَةٍ أَنتَ حَشَدٌ عَلَى الرَّحْمَنِ عَنِيَّا ﴿٦٩﴾ ثُمَّ لَنَحْنُ أَعْلَمُ بِالَّذِينَ هُمْ أُولَىٰ بِهَا صَبِيلًا ﴿٧٠﴾ وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا ﴿٧١﴾ ثُمَّ لَنُنَجِّيَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنُذِرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثًّا ﴿٧٢﴾

ریزدرب : ای پیامبر! فعالان کفر را به حتمیت قیامت و سختی کار آنان

۴

وَإِذَا تَنَالَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَّقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًّا ﴿٧٣﴾ وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ أَحْسَنُ أَثَانًا وَرُبِّيَّا ﴿٧٤﴾ قُلْ مَنْ كَانَ فِي الضَّلَالَةِ فَلْيَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمَنُ مَدًّا حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ وَإِمَّا السَّاعَةَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ شَرٌّ مَكَانًا وَأَضْعَفُ جُنْدًا ﴿٧٥﴾ وَيُرِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ مَرَدًّا ﴿٧٦﴾ أَفَرَأَيْتَ الَّذِي كَفَرَ بِآيَاتِنَا وَقَالَ لَأُوتِيَنَّ مَالًا وَوَلَدًا ﴿٧٧﴾ أَأَطَّلَعَ الْغَيْبَ أَمْ ائْتَمَدَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا ﴿٧٨﴾ كَلَّا سَنَكْتُبُ مَا يَقُولُ وَنَمُدُّ لَهُ مِنَ الْعَذَابِ مَدًّا ﴿٧٩﴾ وَنَرِيئُهُ مَا يَقُولُ وَيَأْتِينَا فَرْدًا ﴿٨٠﴾ وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لِيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا ﴿٨١﴾ كَلَّا سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادِهِمْ وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا ﴿٨٢﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَا أَرْسَلْنَا الشَّيَاطِينَ عَلَى الْكَافِرِينَ تَؤْزُهُمْ أَزًّا ﴿٨٣﴾ فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا نَعُدُّهُمْ عِدًّا ﴿٨٤﴾ يَوْمَ نَخْشِرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا ﴿٨٥﴾ وَنُسَوِّقُ الْمُجْرِمِينَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وَرْدًا ﴿٨٦﴾ لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا ﴿٨٧﴾

ریزدرب : ای پیامبر! وضع بهتر مالی و اجتماعی فعالان کفر مهم نیست، حوصله کن، این وضعشان پایدار نیست.

۵

وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا ﴿٨٨﴾ لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِدًّا ﴿٨٩﴾ تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَتَنْشَقُّ الْأَرْضُ وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا ﴿٩٠﴾ أَنْ دَعَوْا لِلرَّحْمَنِ وَلَدًا ﴿٩١﴾ وَمَا يَنْبَغِي لِلرَّحْمَنِ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا ﴿٩٢﴾ إِنْ كُلُّ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتِي الرَّحْمَنِ عَبْدًا ﴿٩٣﴾ لَقَدْ أَحْصَاهُمْ وَعَدَّهُمْ عِدًّا ﴿٩٤﴾ وَكُلُّهُمْ آتِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَرْدًا ﴿٩٥﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا ﴿٩٦﴾

ریزدرب : ای پیامبر! تکیه فعالان کفر بر فرزند داشتن خداوند، اصلی ترین

خطای فکری آنها است.

۶

فَإِنَّمَا يَسْتَرْزَاهُ بِلِسَانِكَ لِئَلَّا يُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَتُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لَّدَا ﴿٩٧﴾ وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّن قَرْنٍ هَلْ يُحِسُّ مِنْهُمْ مِّنْ أَحَدٍ أَوْ تَسْمَعُ لَهُمْ رِكْزًا ﴿٩٨﴾
ریزدرب : ای پیامبر! سرمایه اصلی تو این قرآن است، و فعالان مخالفان به همانندان سلف خویش خواهند پیوست.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لُبِّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ که ابتدای سوره است می فرماید : ای پیامبر! تو نیز مورد لطف و حمایت ما میباشی و شاید در همین جهان نیز برخی از آثار آن را ببینی.

در پاراگراف ۲ می فرماید: ای پیامبر! تونیز (به گونه ای دیگر) همواره موردلطف و تاییدات ما بوده ای و از این پس هم خواهی بود.

در پاراگراف ۳ می فرماید: حضرت عیسی فقط بنده خداست، و بجای خدا قابل عبادت نیست.
در این پاراگراف می فرماید: پس از صالحان، تدریجاً ناصالحان جایگزین شان شدند

ورفتارهای ناپسند از خود بروز دادند، که نتیجه اش - در دو جهان - دامنگیرشان خواهد شد. اما کسانی که به رفتار صالحان پایبند ماندند سرانجام مطلوب دارند و این حق شان است. و اغلب انسان‌ها در موضوع زنده شدن پس از مرگ و حق و باطل در اعتقادات مشکل دارند، و چگونگی وضع مادی و موقعیت این جهانی را ملاک حقانیت میدانند. و اینکه ای پیامبر! دقت کن که این کافران هم که کار خلاف می‌کنند، آن کار را با نیروئی که مال خداوند است انجام می‌دهند، و ما به آنها هم مهلت و مدد می‌دهیم که در این جهان - که محل امتحان است - خود رانشان دهند لذا تو نیز با آنان حوصله کن، البته یاری ما نسبت به تو به وقتش خواهد رسید. و راجع به سرانجام این کافران عجله مکن (شکست یا نابودی آنها را به تعجیل مخواه) و یکی از راه‌های پیروزی شما این است که تدریجاً دوستی تو و پیروانت دردل عده ای از مخالفان می‌افتد (و آنها تبدیل به علاقمندان میشوند) و ای پیامبر! اسلحه ات این قرآن، و استراتژیست هشدار و مژده، است و موفق هم خواهی شد.

۴ - سوالات

- ۱- فاعل فعل «تنزل» (آیه ۶۴) کیست ؟
- ۲ - «إِنَّمَا الْعَذَابُ وَإِنَّمَا السَّاعَةُ» (آیه ۷۵) با کدام کلید تفسیر مطابق است؟
- ۳ - زمان وقوع موضوع نیمه اول آیه ۷۶، چه هنگامی است؟
- ۴ - آیه ۸۱، با توجه به علوم انسانی فعلی، بار علمی کدام علم را دارد؟
- ۵ - «شیاطین» (آیه ۸۳) به کدام معنی بکار رفته؟ (لغوی؟ اصطلاحی؟ یا ...؟)
- ۶ - منظور از آیه ۸۴ چیست؟ («هم» اشاره به چه کسانی است؟)
- ۷ - با توجه به آیه ۸۷، از موضوع «شفاعت» چه سابقه ای در سوره های قبلی دارید؟
- ۸ - با توجه به آیه ۸۷، منظور از «عهد» چیست؟
- ۹ - در باره آیه ۹۴، شرحی بامحوریت «احصاء» و «عدد» بنویسید.
- ۱۰ - با توجه به آیه ۹۶ یکی از رموز موفقیت - حتی در همین جهان - را ذکر

کنید

۱۱ - منظور از «لدّ» (آیه ۹۷) چیست؟

۱۲ - تنوین انتهای کلمه فوق از باب تعظیم است یا تصغیر؟

۱۳ - اشخاص فوق درمیان «سران جامعه» بیشترند یا اشخاص معمولی؟

۱۴ - منظور از «قرن» (آیه ۹۸) چیست؟

۱۵ - تنوین «رکزا» (آیه ۹۸) از باب تعظیم است یا تصغیر؟

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

چون مطلب موضوع فوق نسبتاً طولانی است به بخش «شرح مختصر» منتقل شد.

۶ - زاویه با تفاسیر رایج

(آیه ۹۷-المیزان): غرض این سوره به طوری که در آخرش بدان اشاره نموده می‌فرماید: "فَإِنَّمَا يَسِرُنَاهُ بِلِسَانِكَ لِنُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَنُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لَّدَا..." "بشارت و انذار است،

«ه» در «یسرناه» - چنانکه در سوره قمر و دخان و جاهای دیگر به وضوح نشان داده شده - به کل قرآن اشاره دارد و نه به این سوره خاص.

۷ - پیشگویی‌های تحقق یافته

۱ - در آیه ۶۶ با بکار بردن کلمه انسان این وعده را میدهد که مخاطب‌های آنحضرت محصور و منحصر در اهالی مکه نیست بلکه مخاطب‌های او از مکیان تجاوز نموده و کل جهان انسانیت را پوشش خواهد داد، که البته امروز نسبت به روز نزول این آیات، تحقق قسمت بزرگی از این پیشگویی را می‌بینیم.

۲ - کلمه «عذاب» در آیه ۷۵ به چه معنی است؟

واضح است که «عذاب آخرت» نمی‌تواند باشد زیرا آخرت پس از قیامت است و معنی

ندارد اول دومی را بگوید.

با توجه به داستان‌های هلاکت اقوام پیشین که در سوره‌های این مرحله و مرحله قبل دائماً دارد متعرض آن می‌شود کلمه «عذاب» در آیه ۷۵ به معنی «عذاب هلاکت» یا سایر انواع عذاب‌هایی است که قبل از قیامت و در همین جهان اتفاق می‌افتد.

چون چند سال پس از نزول این آیه کفار در جنگ‌های بدر و خندق شکست سختی خوردند و در جنگ احد هم پیروزی به دست نیاوردند، لذا شکست در جنگ‌ها و بالاخره تسلیم شدن در روز فتح مکه، مصداق کلمه عذاب فوق‌الذکر است و آیه ۷۵ جزء آیات حاوی معجزه قرآنی است.

۸ - در این پاراگراف، کدام فقرات، فوق ذهنیات معاصران نزول است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه های ۶۰ تا ۶۳ «قیامتی» است، و هیچ بنی بشری تجربه اش را ندارد، و قبل از قیامت نخواهد داشت، لذا، چه در آن روزهای نزول وحی و چه الی یوم القیامه بالاتر از ذهنیات بشر خواهد بود. همچنین است آیات ۶۸ تا ۷۲ و ۸۵ تا ۸۷ و ۹۵. آیه ۷۴ از این لحاظ که مربوط به اقوامی است که در قبل از تاریخ بوده اند، و علم باستان شناسی آنقدر رشد نکرده که ما از اوضاع و احوال آنها مطلع باشیم، برای ما نیز روشن نیست، چه رسد به مخاطبان اولیه این آیات. همچنین است آیه ۹۸. مکانیزم اجرائی آیه ۹۰ برای ما ساکنان قرن ۲۱ نیز روشن نیست چه رسد مخاطب های اولیه!

در آیه ۶۴ به موجوداتی اشاره شده که معهود ما بشر قرن حاضر هم نیست، چه رسد به مشافهین ۱۴۰۰ سال قبل! همچنین است آیه های ۸۳ و ۹۳.

۹- کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیات ۶۰ تا ۶۸ و ۷۹ و ۸۲ و ۸۷، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلید های تفسیری

بحث متنی

آیه های ۶۴ و ۶۵ پرانتزی است، زیرا اگر چشم خویش را بر آنها ببندیم و قبل و بعدشان را وصل کنیم خواهیم دید روال سخن صاف و یکدست می شود.

آیه ۸۹ جمله «قل لهم» را محذوف به قرینه دارد، زیرا در ابتدا وانتهای آیه مذکور التفات صورت گرفته است.

فعل خداوند قانونمند است

توجه به تیتیر فوق به فهم بهتر آیه ۸۳ کمک می کند و شرح بیشتر لازم نیست.

چند دریافت کوتاه مستقیم

آیه ۶۷: در این خصوص در ابتدای سوره دهر، بحثی عرض کردیم.
آیه های ۶۹ و ۷۰: ملاحظه می فرمائید که در اینجا نیز نکوهش های قرآنی متوجه «سران» جوامع است.

آیه ۷۳: وضع فعلی خود را به رخ مؤمنان می کشند و می گویند اگر چیزی که نزد شما هست، یعنی همان «آیات روشنگر» چیز بدرد بخوری بود لااقل می باید این فایده را داشته باشد که وضع مالی و معیشتی شما را بهبود ببخشد و از سطح ما بالاتر ببرد.

آیه ۷۴: جواب آنها را می دهد که پیشینیان که هلاک شدند، ساز و برگشان، مانع هلاکت آنها نشد.

آیه ۷۱: «وارد» به معنی «داخل» نیست، بلکه معنی «نزدیک به محدوده» را داشته و «ها» به جهنم اشاره میکند.

گزارش وحی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیه ۵۹ فهمیده میشود کلا مردمی که معاصر نزول این آیات بودند اولاد کسانی بودند که نسبت به حفظ میراث معنوی نیاکانشان نه تنها کوشا نبودند بلکه لاقید هم بودند و همین نیز سبب گمراهی شد که خودشان آن را رقم زده بودند و از آیه ۶۰ فهمیده میشود در بین آنها کسانی که قابلیت اصلاح و هدایت داشتند کم بود. از آیه ۶۴ فهمیده میشود پیامبر (ص) علاوه بر فرشته وحی گاهی فرشتگان دیگری را نیز ملاقات میکرد و آنها نیز توصیه هایی به او میکردند.

از آیه ۶۶ این موضوع فهمیده میشود که قبول زنده شدن پس از مرگ، برای همگان (نه تنها مخالفان فعال، بلکه حتی کفار معمولی و بلکه حتی مومنین) سخت بوده، و این موضوع نشان میدهد کار آنحضرت اساسا کار سختی بوده و مردم نمی توانستند مستقیما با تعالیم آنحضرت رابطه برقرار کنند بلکه می باید با واسطه یک چیز دیگر (مثلا صداقت آنحضرت یا معجزه بودن قرآن یا - چنانکه در آیه بعدی آمده - قدرت مطلق خداوند یا ...) با تعالیمش رابطه برقرار کنند. و از همینجا است که تعلیل این نکته بدست می آید که چرا مخالفان فعال همه پیامبران دائما این نکته را مطرح میکردند که «اگه راست میگی، این عذابی رو که مطرح میکنی، رو سرمون فرود بیار»

آیه ۷۷ بما میگوید آنانکه به ایمان دعوت می شوند اما آنها نمی پذیرند، استدلالشان این است که می ترسیم به شما پیوندیم و مورد تحریم واقع شویم و یا مال و اولادمان را از دست دهیم و یا اینکه نتوانیم به مال و اولاد برسیم (باتوجه به مطالب این آیه چه «حسبیت از اوضاع و احوال آن روزها» میتوان زد؟)

آیه ۷۸ جواب آنها را به اینصورت می دهد که از کجا می دانید این وضعیت دائمی

خواهد بود و مؤمنان فقیر و فرودست و کافران غنی و فرادست خواهند ماند؟
آیه‌های ۷۹ و ۸۰ آن طرز تفکر را گناه قلمداد نموده و آن را موجب عذاب اخروی
قلمداد می‌فرماید.

آیه ۸۱ بما میگوید که چون مؤمنان از افراد فقیر و فرودست جامعه بودند اعتقادات
آنها مترادف با سرشکستگی و خفت و خواری و قبول اعتقادات مشرکانه موجب
سرافرازی و عزت تلقی میشد.

از آیه ۸۴ فهمیده میشود به آنحضرت توصیه میشود حوصله کند و انتظار نداشته
باشد آنان را به عذاب هلاکت برسانیم (وضعشان مانند اقوام سلف نیست)

با توجه به آیه های ۸۵ و ۸۶ معلوم میشود که منظور از مجرمین که در مقابل
متقین آورده شده فعالان کفر است و از آیه ۸۷ فهمیده میشود آنها خود را بی نیاز از
ایمان آوری میدانسته و فکر میکرده اند تازه اگر آخرتی هم در کار باشد «شفاعت
کنندگان» به کمکشان خواهند آمد. و در آیه ۹۶ مومنان را دلگرمی میدهد که
بزودی معادلات به نفع آنها تغییر خواهد کرد.

از آیه ۹۷ و مقابله ای که بین «لذّ» و متقی برقرار نموده معلوم میشود که منظور از
آن فعالان کفر است که در بطن معنی لغوی خویش مفاهیمی مانند لج و اصرار بیجا
و عناد را نیز در خویش دارد.

انسان

چنانکه قبلا هم بار ها عرض کرده ایم، کلمه «انسان» در اینجا (آیه ۶۶) به معنی
«همه انسانها» نیست، بلکه به معنی بیشترِ انسانها است.

همراهی و بردن با احترام

در آیه ۸۵ در دل کلمه «وفد» مفهوم «عزیز داشتن» و احترام نهفته است.

تحقیر

در آیه ۸۶ دو کلمه «تشنگی» و «رانده شدن» علاوه بر عذاب، تحقیر را هم می‌رساند.

مردم دوستشان دارند

معنی آیه ۹۶ این است که خداوند دوستی آنان را در دل مردم قرار می‌دهد، اما چون «فعل خداوند قانونمند است»، آیه فوق اینطور مفهوم می‌شود که: ایمان و اعمال پسندیده از نظر بسیاری از مردم خوشایند می‌باشد، و لذا مردم صاحب این پدیده‌ها را دوست خواهند داشت.

آسان نمودن قرآن

در رابطه با آیه ۹۷ موضوع «آسان نمودن قرآن به زبان پیامبر(ص)» را در چندین جای قرآن دیده‌ایم و مطلب قابل توجهی است لذا توصیه می‌شود بند ۱ سوره نجم بطور کامل مجدداً ملاحظه شود و نیز شرح همین موضوع «ساده» کردن قرآن در سوره‌های بلد و قمر و دخان و قیامه مجدداً ملاحظه شود.

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر! پس از آن پیامبران کسانی جایگزین آنها شدند که نماز را ضایع کردند و از شهوات پیروی نمودند و بزودی دچار گمراهی خود ساخته میشوند (۵۹) مگر آنانکه توبه نمود و ایمان آورده و عمل صالح کنند که آنان داخل بهشت شده و هیچ ظلمی نمی‌بینند (۶۰)

بهشت‌های جاودان که خدای رحمان از غیب به بندگانش وعده داده، و البته وعده‌اش حتماً عمل خواهد شد (۶۱) بهشت‌هایی که در آن سخن بیهوده ای نمی‌شنوند مگر سلامی و در آن رزقشان را صبحگاهان و شبانگاهان خواهند داشت (۶۲) این بهشتی است که به بندگانمان به ارث می‌دهیم، به کسانی که تقوا دار باشند (۶۳)

سخن فرشتگان هم که مشرکان مدعی الوهیت برخی از آنها هستند این است که ما فرشتگان جز به امر پروردگار نازل نمیشویم. آینده و گذشته ما و هر چه بین آنهاست از اوست و پروردگار فراموشکار نیست (۶۴) همان پروردگار آسمانها و زمین و آنچه که بین آنها است،

پس، ای پیامبر! همو را عبادت کن و بر عبادتش پایداری ورز. آیا برای او همتائی میشناسی؟ (۶۵)

انسان میگوید آیا وقتی که مردم بزودی به حالت زنده بیرون خواهیم شد؟ (۶۶) آیا انسان توجه ندارد که ما او را قبلاً آفریدیم و چیزی نبود؟ (۶۷) پس قسم به پروردگارت که آنها و شیاطین را حتماً گرد آورده و پیرامون جهنم به زانو در خواهیم آورد (۶۸) آنگاه از هر گروهی کسانی را که نسبت به خداوند بیشترین جسارت را داشته اند جدا خواهیم کرد (۶۹) آنگاه خودمان بهتر میدانیم چه کسی به افتادن در آن سزاوارتر است (۷۰)

هیچیک از شما نیست مگر آنکه نزدیک آن خواهد شد که این امر بر پروردگارت قضای حتمی است (۷۱)

سپس تقوادران را نجات میدهیم و ظالمان را به زانو درآورده و در آن وامیگذاریم (۷۲)

هنگامی که آیات روشنگر ما را بر آنان بخوانند، کافران به مومنان میگویند کدام یک از دو گروه جایگاهی بهتر و محفل نیکوتر دارد؟ (۷۳) و چه فراوان از پیشینیان آنها که هلاک کردیم که خوش ساز و برگ تر و با شکوهتر از این مشرکانِ مخالف تو بودند (۷۴)

بگو هر که در گمراهی باشد خداوند رحمان به او مهلتی میدهد تا اینکه آنچه را به او هشدار میدهد، خواه عذاب دنیوی یا قیامت باشد، ببیند. در آنصورت خواهد دانست کدامشان بد مکان تر و کم نیروترند (۷۵)

و خداوند هدایتِ هدایت یافتگان را زیاد می کند و اعمال صالح ماندگار، نزد پروردگارت بهتر، و نتیجه اش هم نیکوتر است (۷۶)

ای پیامبر! نظرت چیست راجع به کسی که به آیاتمان کفر میورزد و میگوید البته مال و اولاد خواهم یافت؟ (۷۷) آیا برغیب مطلع شده یا از خداوند رحمان تعهدی گرفته است؟ (۷۸) نه! بزودی آنچه را که میگوید مینویسیم و برعذاب او سخت می افزائیم (۷۹) و آنچه را میگوید به ما میرسد و به تنهایی نزد ما میآید (۸۰)

و بجز خدا، خدایانی برگرفتند که مثلاً مایه عزتشان شود (۸۱) نه. بزودی همان معبودان نسبت به عبادت آنها منکر خواهند شد و ضد آنها خواهند بود (۸۲)

آیا ندیدی که شیاطین را بر کافران فرستادیم تا از راه بدرشان کنند؟ (۸۳)

پس، ای پیامبر! درباره آنان عجله مکن که حساب کارشان را داریم (۸۴)

روزی که تقواداران را با احترام بسوی خداوند محشور کنیم (۸۵) و مجرمان را بسوی جهنم با تشنگی برانیم (۸۶) شفاعتی هم نخواهند داشت مگر اینکه آن شفیع از خدای رحمان اجازه ای داشته باشد (۸۷)

گفتند خداوند رحمان فرزندی برگرفته (۸۸) حقا چیز بدی پیش آورده اند (۸۹)

نزدیک است آسمانها از بدی آن قولِ باطل بپاشد و زمین بشکافد و کوهها خرد شده و فرو ریزند (۹۰) از آن رو که برای خداوند رحمان فرزندی ادعا کرده اند (۹۱) و خداوند را سزا نیست که فرزندی برگیرد (۹۲) جز این نیست تمام کسانی که در

آسمانها و زمین هستند به بندگی به درگاه خداوند می آیند (۹۳) و البته بر آنها احاطه داشته و حساب همگی شان را دارد (۹۴) و همه آنها روز قیامت به تنهایی بسوی او خواهند آمد (۹۵) آنانکه ایمان آورده و عمل صالح کنند بزودی خداوند مَهرشان را در دلها جای خواهد داد (۹۶)

ای پیامبر! جز این نیست که ما قرآن را به زبانت آسان کرده ایم که بوسیله آن مومنان را مژده و خیره سران را هشدار دهی (۹۷) و چه بسیار اقوامی را که قبل از آنان هلاک کرده ایم. آیا هیچیک از آنان را می یابی و یا صدائی از آنان میشنوی؟ (۹۸)

سوره یوسف

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

الر تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ﴿١﴾ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٢﴾ نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ وَإِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الْغَافِلِينَ ﴿٣﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره)، برای کل ۱۱۴ سوره قرآن، در کتاب «خودآموز تفسیر قرآن» (از همین قلم) وجود دارد، و خود کتاب مذکور را میتوانید در سایت (<https://tafsir.ganjei.com>) بیابید، و البته مبانی این موضوع نیز در ۱۶۰ صفحه اول کتاب «علوم قرآنی» (موجود در همان سایت) شرح داده شده است. و در مورد این سوره، عصاره محتوا، همان است که ذیلا دیده میشود.

درس: لطف و توجه خاص خداوند با مومنان با تقوا همراه است و سبب نجاتشان از مشکلات و مایه موفقیتشان می شود.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: این قصه ای که مرور میکنید کاملا حقیقت دارد.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

چنانکه تاکنون دیده اید، در هر پاراگراف تفسیری، عصاره محتوای پاراگراف را از یک «راه دوم» نیز استخراج میکردیم، که معمولا دیده میشد مطابقت معنا داری با استخراج از راه اول داشت.

اما، در پاراگراف هائی که کاملا «داستانی» است، ضرورتی در این کار احساس نمیشود، زیرا فهم پاراگراف های داستانی بسیار آسانتر است، و چون ما اهل صفحه زیاد کردن نیستیم، و با توجه به کیفیت خوانندگان مان رعایت اختصار را ترجیح میدهیم، در این نوع پاراگراف ها از آن صرفنظر میکنیم.

۳ - سوالات

۱ - «عربی» (آیه ۲) به معنی لغوی (= واضح، روشن، گویا، مفهوم) آمده، یا به معنی اصطلاحی؟

۲ - منظور از لعکم تعقلون در همان آیه چیست؟ (یعنی چون مفهوم و روشن و واضح است و طبعا قابل تعقل است تعقل کنید؟ یا . . ؟)

۳ - «بما» در آیه ۳، چه نقش گرامری دارد؟

۴ - «إن» (همان آیه) چگونه؟

۵ - منظور از کتاب المبین چیست؟

۶ - آیا قرآن از کتاب المبین مشتق است؟ یا اینکه قرآن خودش کتاب المبین است؟

۷ - قصه یوسف در قرآن چه مشخصات و مختصاتی دارد که آن را به درجه «احسن القصص»ی ارتقاء داده؟

۴ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

ذیلا در قسمت «شرح مختصر» در این خصوص عرضی کرده ایم، که نه فقط به قصه حضرت یوسف (ع) بلکه به همه قصه های قرآنی مربوط می باشد. همچنین از انتهای آیه ۳ فهمیده میشود ندانستن بسیاری از چیزها، برای آنحضرت، مانعی برای رسالتش نبوده، و همچنین، موضوع اخیر، رد کننده آن خرافه است که میگوید پیامبران «بما کان و ما یکون و ما هو کائن» علم دارند.

۵ - پیشگوئی های تحقق یافته

در آیه ۲ کلمه «قرآن» را بکار برده، در حالیکه هنوز نیمی از قرآن فعلی نیز نازل نشده بود، و این یک پیشگوئی است که تلویحا میگوید ای پیامبر! تو موفق خواهی شد رسالت را به خوبی به اتمام برسانی.

۶ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

«الر» در آیه ۱ جزء حروف مقطعه است، و چنانکه قبلا گفته ایم هنوز کاملا رمز گشائی نشده و لذا حتی بشر قرن بیست و یکمی نیز تصور روشنی از مفهوم آن ندارد چه رسد به مخاطب های اولیه.

اینکه در آیه ۳ فرموده «... کنت من قبله لمن الغافلین» یعنی اینکه ای پیامبر! قضیه یوسف برای خودت هم معهود نبود، چه رسد به این اطرافیان، یا این مخالفان.

۷ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

فقط آیه ۳ «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

قصه های قرآنی

این تنها قصه ای است در قرآن که شکل «قصه ای کامل» دارد، هم از کودکی کسی شروع میشود، و هم مراحل مهم زندگی او را دارد، و هم «پایان خوش» داستانی را. شاید به همین خاطر باشد که مفسران و مفسر نمایان از آن خیلی خوششان آمده و قرآن را پیش روی خویش روی رحل میگذارند، یا برپله آخر منبر می نشینند، و تحت عنوان «تفسیر سوره یوسف» به داستان سرایی و خیالبافی و بافتن راست و دروغ (البته یک بیل راست در یک کامیون دروغ) و مطالب مهوع و پرداختن به جزئیات بی ربط (و البته آنها هم تقریباً همه دروغ) و حرکت در مسابقه ای که جایزه اش «خوش خوشانی عوام الناس» است و چیزی که در این میان ضرر نهائی را میکند خود قرآن است که می بیند آنچه آنها آن را «تفسیر سوره یوسف» می نامند هیچ ربطی به «سوره یوسف» ندارد، و طرف دیگر، مطلب خدای قرآن است که به قول روضه خوان ها «زبان حال»ش این است که «ما چه فرستاده ایم و اینها که زبده هایشان اند از آن چه می فهمند و چه می فهمانند!»

بر عکس قصه یوسف (ع) قصه های موسی (ع) است که از - تقریباً - اول وحی (به ترتیب نزول از سوره اعلی) تا آخر آن (سوره مائده) - تقریباً - همیشه یک قسمت از داستان های موسی هست.

چرا خداوند داستان موسی را نیز مانند قصه یوسف عرضه نکرد؟ مثلاً از تولدش تا وفاتش! (آنهم پیوسته!) و اسمش هم میتواندست باشد سوره موسی! (خیلی هم به نظر همانها قشنگ میشد!)

قصه یوسف چیست؟

برادرانی که بر برادرشان حسد میورزند و تا آنجا پیش می روند که او را بکشند، تا اینکه یکی شان (که خون پیغمبرزادگی اش به جوش می آید میگوید «نه بابا گناه دارد! چرا بکشیدش؟ توی یک چاهی بیاندازید شاید بعضی ها پیدایش کردند!») و خلاصه اینکه برادرشان را تا حد مرگ می آزارند و او سر از جای دیگر در می آورد و – تقریباً – شاه میشود و برادران سابق سر تعظیم و تسلیم خم میکنند که بله حق با تو بود و ما خطاکار بودیم.

آیا داستان پیامبر ما غیر از این بود؟

کسانی که همه جور او را به خوبی می شناختند بارها کمر به قتل او بستند؟ به انواع راه ها سعی در خاموشی صدایش نکردند؟ تا نهایت امکاناتشان عرصه را بر او و دوستدارانش تنگ نکردند؟

تا اینکه زد و یک طوری شد و او از جایی دیگر سر در آورد و شاه شد و به دار و دیارش برگشت و برادران سابق سر تعظیم و تسلیم فرو آوردند که تو راست میگفتی و ما خطاکاریم.

بله، داستان های قرآنی (وبطور کلی هر متن قرآنی) آن روزها که داشت نازل میشد به منظور ایجاد سرگرمی نبود، و، و امروز هم که قرن ها از نزولش میگذرد، و فردا هم که قرن های بیشتری از نزولش گذشته خواهد بود، مفسر را باید به این فکر بیاندازد که چرا خداوند این را فرموده؟

منظور خداوند در آن روز های نزول سوره یوسف این بود که به پیامبر – ص – و مسلمانان بگوید کمی دیگر صبر کنید، شما هم یوسف وار پیروزمندانه به آنها باز خواهید گشت ولی مانند آنان رفتار نخواهید کرد، و امروز، و فردا، مفسران باید این نکته را بفهمند که منظوری که خداوند در آن روزهای نزول مطالب قرآنی داشت، را، کشف کنند و از آن برای «درد»های زمان خودشان «تسخه» ای بپيچند.

و ما، خوشحالیم که میتوانیم بگوئیم، سالهای سال است که با تیتراژ ثابتِ پر تکرارِ «حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها»، در ویرایش های قبلی این تفسیر، ضمن درک این نکته سعی کرده باشیم این نقش را تا حدّ استعداد ها و امکانات و ظرفیت های خویش ایفا کرده باشیم.

ترجمه تفسیری آزاد

بسم الله الرحمن الرحيم

الف. ل. ر.

این آیات آن کتاب آشکار است (۱)

آنها خواندنیی به زبان روشن نازل کردیم شاید تعقل کنید (۲)

با این قرآن که به تو وحی کردیم بهترین قصه ها را برایت میگوئیم و گرچه قبل از آن، از آنها بی خبر بودی (۳)

یوسف ۲ آیات ۴ تا ۱۰۴

چون این پاراگراف صد درصد داستانی است، و حجمش هم زیاد است، و چون متن تقطیع شده اش هم هست، متن اصلی و ترجمه مقید به متن را برای اختصار حذف میکنیم، و مقداری از توضیحات را نیز همچنین، تا از تطویل اجتناب کرده باشیم:

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم: طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: لطف و توجه خاص خداوند با مومنان با تقوا همراه است و سبب نجاتشان از مشکلات و مایه موفقیتشان می شود.

برآیند درسی فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: لطف و توجه خاص خداوند با مومنان با تقوا همراه است و سبب نجاتشان از مشکلات و مایه موفقیتشان می شود.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ ﴿٤﴾ قَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَى إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿٥﴾ وَكَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ وَيُعَلِّمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَيُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَعَلَى آلِ

يَعْقُوبُ كَمَا أَتَمَّهَا عَلَى أَبَوَيْكَ مِنْ قَبْلُ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٦﴾
ریزدرب : نشانه های مومن با تقوا بودن آتی یوسف، در کودکی او نیز کم کم ظاهر میشد.

۲

لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتٍ لِّلْمُتَنَبِّئِينَ ﴿٧﴾ إِذْ قَالُوا لِيُوسُفُ وَأَخُوهُ أَحَبُّ إِلَى أَبِينَا مِنَّا وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّ أَبَانَا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٨﴾ افْتُلُوا يُوسُفُ أَوْ اطْرَحُوهُ أَرْضًا يَخْلُ لَكُمْ وَجْهُ أَبِيكُمْ وَتَكُونُوا مِن بَعْدِهِ قَوْمًا صَالِحِينَ ﴿٩﴾ قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ لَا تَقْتُلُوا يُوسُفَ وَأَلْقُوهُ فِي غَيَابَةِ الْجُبِّ يَلْتَقِطَ بَعْضُ السَّيَّارَةِ إِن كُنتُمْ فَاعِلِينَ ﴿١٠﴾ قَالُوا يَا أَبَانَا مَا لَكَ لَا تَأْمَنَّا عَلَى يُوسُفَ وَإِنَّا لَهُ لَنَاصِحُونَ ﴿١١﴾ أَرْسَلْهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعْ وَيَلْعَبْ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ﴿١٢﴾ قَالَ إِنِّي لَيَحْزُنُنِي أَنَّ تَذْهَبُوا بِهِ وَأَخَافُ أَن يَأْكُلَهُ الذِّئْبُ وَأَنْتُمْ عَنْهُ غَافِلُونَ ﴿١٣﴾ قَالُوا لَئِن أَكَلَهُ الذِّئْبُ وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّا إِذًا لَّخَاسِرُونَ ﴿١٤﴾ فَلَمَّا ذَهَبُوا بِهِ وَاجْمَعُوا أَن يَجْعَلُوهُ فِي غَيَابَةِ الْجُبِّ وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ لَتُنَبِّئَنَّهُمْ بِأَمْرِهِمْ هَذَا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿١٥﴾ وَجَاءُوا أَبَاهُمْ عِشَاءً يَبْكُونَ ﴿١٦﴾ قَالُوا يَا أَبَانَا إِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ وَتَرَكْنَا يُوسُفَ عِنْدَ مَتَاعِنَا فَأَكَلَهُ الذِّئْبُ وَمَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَّنَا وَلَوْ كُنَّا صَادِقِينَ ﴿١٧﴾ وَجَاءُوا عَلَى قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ ﴿١٨﴾

ریزدرب : یکی از مشکلات مهم مومنان با تقوا نزدیکیان حسودشان است که توطئه های سهمگین میکنند.

۳

وَجَاءَتْ سَيَّارَةٌ فَأَرْسَلُوا وَارِدَهُمْ فَأَدْلَى دَلْوَهُ قَالَ يَا بُشْرَى هَذَا غُلَامٌ وَأَسَرُّهُ بِضَاعَةً وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَعْمَلُونَ ﴿١٩﴾ وَشَرَّوهُ بِبَنِي بَيْتٍ ذَرَاهِمَ مَعْدُودَةٍ وَكَانُوا فِيهِ مِنَ الزَّاهِدِينَ ﴿٢٠﴾ وَقَالَ الَّذِي اشْتَرَاهُ مِن مِّصْرَ لِامْرَأَتِهِ أَكْرِمِي مَثْوَاهُ عَسَىٰ أَن يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ وَلِنُعَلِّمَهُ مِن تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

﴿٢١﴾ وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿٢٢﴾ وَرَاوَدَتْهُ الْآتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَغَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ﴿٢٣﴾ وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ ﴿٢٤﴾ وَاسْتَبَقَا الْبَابَ وَقَدَّتْ قَمِيصَهُ مِنْ دُبُرٍ وَأَلْفَيَا سَيِّدَهَا لَدَى الْبَابِ قَالَتْ مَا جَزَاءُ مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوءًا إِلَّا أَنْ يُسْجَنَ أَوْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٢٥﴾ قَالَ هِيَ رَاوَدْتَنِي عَنْ نَفْسِي وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِّنْ أَهْلِهَا إِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ قُبُلٍ فَصَدَقَتْ وَهُوَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ﴿٢٦﴾ وَإِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ فَكَذَبَتْ وَهُوَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٢٧﴾ فَلَمَّا رَأَى قَمِيصَهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ قَالَ إِنَّهُ مِنْ كَيْدِكُنَّ إِنَّ كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ ﴿٢٨﴾ يُوسُفُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا وَاسْتَغْفِرِي لِذَنْبِكِ إِنَّكَ كُنتِ مِنَ الْخَاطِئِينَ ﴿٢٩﴾ وَقَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ تُرَاوِدُ فَتَاهَا عَنْ نَفْسِهِ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا إِنَّا لَنَرَاهَا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٣٠﴾ فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَّكًا وَآتَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِّنْهُنَّ سَكِينًا وَقَالَتْ أُخْرِجْ عَلَيْهِنَّ فَلَئِنْ رَأَيْتُهُنَّ أَكْثَرَتَهُ وَقَطَعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا إِنْ هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ ﴿٣١﴾ قَالَتْ فَذَلِكُنَّ الَّذِي لُمْتُنَّنِي فِيهِ وَلَقَدْ رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ فَاسْتَعْصَمَ وَلَئِنْ لَّمْ يَفْعَلْ مَا آمُرُهُ لَيُسْجَنَنَّ وَلَيَكُونَا مِنَ الصَّاغِرِينَ ﴿٣٢﴾ قَالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُن مِّنَ الْجَاهِلِينَ ﴿٣٣﴾ فَاسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٣٤﴾ ثُمَّ بَدَأَ لَهُمْ مِّنْ بَعْدِ مَا رَأَوُا الْآيَاتِ لَيَسْجُنُنَّهُ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿٣٥﴾

ریزدرب : خداوند توطئه های سهمگین حسودانِ نزدیک را به شرایطی که متضمن موفقیت باشد تبدیل نمود.

٤

وَدَخَلَ مَعَهُ السِّجْنَ فَتَيَانٍ قَالَ أَحَدُهُمَا إِنِّي أَرَانِي أَعْصِرُ خَمْرًا وَقَالَ الْآخَرُ إِنِّي أَرَانِي أُحْمَلُ فَوْقَ رَأْسِي خُبْرًا تَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْهُ نَبْنَأُ بِتَأْوِيلِهِ إِنَّا نَنَّاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٣٦﴾ قَالَ لَا يَأْتِيكُمَا طَعَامٌ تُرْزَقَانِهِ إِلَّا نَبَأَكُمَا بِتَأْوِيلِهِ قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَكُمَا ذَلِكَمَا مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّي إِنِّي تَرَكْتُ مِلَّةَ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ

وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ ﴿٣٧﴾ وَاتَّبَعْتُ مِلَّةَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ مَا كَانَ لَنَا أَنْ نُشْرِكَ بِاللَّهِ مِنْ شَيْءٍ ذَلِكَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْنَا وَعَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ ﴿٣٨﴾ يَا صَاحِبِي السِّجْنِ أَأَرَبْتَ مُتَّفِرِّقُونَ خَيْرٌ أَمِ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ﴿٣٩﴾ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءَ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٤٠﴾ يَا صَاحِبِي السِّجْنِ أَمَا أَحَدُكُمَا فَيَسْقِي رَبُّهُ خَمْرًا وَأَمَّا الْآخَرُ فَيُصْلَبُ فَتَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْ رَأْسِهِ قُضِيَ الْأَمْرُ الَّذِي فِيهِ تَسْتَفْتِيَانِ ﴿٤١﴾ وَقَالَ لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُ نَاجٍ مِنْهُمَا ادْكُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ فَأَنَسَاهُ الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ فَلَبِثَ فِي السِّجْنِ بِضْعَ سِنِينَ ﴿٤٢﴾

ریزدرب : مومنان با تقوا در هر حالتی، چه رفاه و چه سختی، کاری را که به نظرشان درست است میکنند.

۵

وَقَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَسَبْعَ سُنبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَاتٍ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي رُؤْيَايَ إِنْ كُنْتُمْ لِلرُّؤْيَا تَعْبُرُونَ ﴿٤٣﴾ قَالُوا أَضْغَاثُ أَخْلَامٍ وَمَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأَخْلَامِ بِعَالَمِينَ ﴿٤٤﴾ وَقَالَ الَّذِي نَجَا مِنْهُمَا وَادَّكَرَ بَعْدَ أُمَّةٍ أَنَا أُنَبِّئُكُمْ بِتَأْوِيلِهِ فَأَرْسِلُونِ ﴿٤٥﴾ يُوسُفُ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ أَفْتِنَا فِي سَبْعِ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَسَبْعِ سُنبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَاتٍ لَعَلِّي أَرْجِعُ إِلَى النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٤٦﴾ قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأَبًا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَأْكُلُونَ ﴿٤٧﴾ ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تُحْصِنُونَ ﴿٤٨﴾ ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَامٌ فِيهِ يَغَابُ النَّاسُ وَفِيهِ يَعْصِرُونَ ﴿٤٩﴾ وَقَالَ الْمَلِكُ انْتَبِهِي بِهِ فَلَمَّا جَاءَهُ الرَّسُولُ قَالَ ارْجِعْ إِلَى رَبِّكَ فَاسْأَلْهُ مَا بَالُ النِّسْوَةِ اللَّاتِي قَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ إِنَّ رَبِّي بِكَيْدِهِنَّ عَلِيمٌ ﴿٥٠﴾ قَالَ مَا خَطْبُكُمْ إِذْ رَاودَتْكُمْ يَوْسُفُ عَنْ نَفْسِهِ قُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا عَلِمْنَا عَلَيْهِ مِنْ سُوءٍ قَالَتِ امْرَأَةُ الْعَزِيزِ الْآنَ حَصْحَصَ الْحَقُّ أَنَا رَاودَتْهُ عَنْ نَفْسِهِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٥١﴾ ذَلِكَ لِيَعْلَمَ أَنِّي لَمْ أَخُنْهُ بِالْغَيْبِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ ﴿٥٢﴾ وَمَا أُبْرِئُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٥٣﴾

وَقَالَ الْمَلِكُ انْتَبِهِي بِهِ اسْتَخْلَصْنِي لِنَفْسِي فَلَمَّا كَلَّمَهُ قَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ

لَدَيْنَا مِكِينٌ أَمِينٌ ﴿٥٤﴾ قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي خَفِيفٌ عَلَيْهِمْ ﴿٥٥﴾ وَكَذَلِكَ
مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُوا مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَنْ نَشَاءُ وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ
الْمُحْسِنِينَ ﴿٥٦﴾ وَلَا جُزْءَ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ﴿٥٧﴾

ریزدرب : کم کم صبر و استقامت مومنان با تقوا نتیجه میدهد و دیگران
متوجه حقیقتِ مربوط به آنان میشوند.

٦

وَجَاءَ إِخْوَةُ يُوسُفَ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَعَرَفَهُمْ وَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ ﴿٥٨﴾ وَلَمَّا جَهَّزَهُمْ بِجَهَّازِهِمْ قَالَ
اِئْتُونِي بِأَخٍ لَكُمْ مِنَ أَبِيكُمْ أَلَا تَرَوْنَ أَنِّي أُوفِي الْكَيْلَ وَأَنَا خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ ﴿٥٩﴾ فَإِن لَّمْ تَأْتُونِي بِهِ
فَلَآ كَيْلَ لَكُمْ عِنْدِي وَلَا تَقْرَبُونِ ﴿٦٠﴾ قَالُوا سَنُرَاوِدُ عَنْهُ أَبَاهُ وَإِنَّا لَفَاعِلُونَ ﴿٦١﴾ وَقَالَ
لِفَتْيَانِهِ اجْعَلُوا بِضَاعَتَهُمْ فِي رِحَالِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَعْرِفُوهُمْ إِذَا انْقَلَبُوا إِلَى أَهْلِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٦٢﴾
فَلَمَّا رَجَعُوا إِلَى أَبِيهِمْ قَالُوا يَا أَبَانَا مُنِعَ مِنَّا الْكَيْلُ فَأَرْسِلْ مَعَنَا آخَنًا نَّكَتُلَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ
﴿٦٣﴾ قَالَ هَلْ آمَنُكُمْ عَلَيْهِ إِلَّا كَمَا أَمِنْتُكُمْ عَلَى أَخِيهِ مِنْ قَبْلُ فَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ
الرَّاحِمِينَ ﴿٦٤﴾ وَلَمَّا فَتَحُوا مَتَاعَهُمْ وَجَدُوا بِضَاعَتَهُمْ رُدَّتْ إِلَيْهِمْ قَالُوا يَا أَبَانَا مَا نَبْغِي هَذِهِ
بِضَاعَتُنَا رُدَّتْ إِلَيْنَا وَنَبِغِي وَأَهْلَنَا وَنَحْفَظُ أَخَنًا وَنَزِدَادُ كَيْلَ بَعِيرٍ ذَلِكَ كَيْلٌ يَسِيرٌ ﴿٦٥﴾ قَالَ لَنْ
أُرْسِلَهُ مَعَكُمْ حَتَّى تُؤْتُونِ مَوْثِقًا مِنَ اللَّهِ لَتَأْتُنَّنِي بِهِ إِلَّا أَن يُحَاطَ بِكُمْ فَلَمَّا آتَوْهُ مَوْثِقَهُمْ قَالَ اللَّهُ
عَلَى مَا نَقُولُ وَكِيلٌ ﴿٦٦﴾ وَقَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَدْخُلُوا مِن بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُّتَفَرِّقَةٍ
وَمَا أَغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِنِ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ
﴿٦٧﴾ وَلَمَّا دَخَلُوا مِنْ حَيْثُ أَمَرَهُمْ أَبُوهُمْ مَا كَانَ يُغْنِي عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا حَاجَةٌ فِي
نَفْسِ يَعْقُوبَ قَضَاهَا وَإِنَّهُ لَدُوْ عَلِيمٌ لِّمَا عَلَّمْنَاهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٦٨﴾ وَلَمَّا
دَخَلُوا عَلَى يُوسُفَ آوَى إِلَيْهِ أَخَاهُ قَالَ إِنِّي أَنَا أَخُوكَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٦٩﴾ فَلَمَّا
جَهَّزَهُمْ بِجَهَّازِهِمْ جَعَلَ السَّقَايَةَ فِي رَحْلِ أَخِيهِ ثُمَّ أَذَّنَ مُؤَذِّنٌ أَيُّهَا الْعُيُوبُ إِنَّكُمْ لَسَارِقُونَ ﴿٧٠﴾
قَالُوا وَأَقْبَلُوا عَلَيْهِمْ مَاذَا تَفْقِدُونَ ﴿٧١﴾ قَالُوا نَفَقْدُ صَوَاعَ الْمَلِكِ وَلِمَنْ جَاءَ بِهِ حِمْلُ بَعِيرٍ وَأَنَا

بِهِ زَعِيمٌ ﴿٧٢﴾ قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كُنَّا سَارِقِينَ ﴿٧٣﴾ قَالُوا فَمَا جَزَاؤُهُ إِنْ كُنْتُمْ كَاذِبِينَ ﴿٧٤﴾ قَالُوا جَزَاؤُهُ مَنْ وَجَدَ فِي رَحْلِهِ فَهُوَ جَزَاؤُهُ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ ﴿٧٥﴾ فَبَدَأَ بِأَوْعِيَّتِهِمْ قَبْلَ وِعَاءِ أَخِيهِ ثُمَّ اسْتَخْرَجَهَا مِنْ وِعَاءِ أَخِيهِ كَذَلِكَ كِدْنَا لِيُوسُفَ مَا كَانَ لِيَأْخُذَ أَخَاهُ فِي دِينِ الْمَلِكِ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مِمَّنْ نَشَاءُ وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ ﴿٧٦﴾ قَالُوا إِنْ يَسْرِقْ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَّهُ مِنْ قَبْلُ فَأَسْرَهَا يُوسُفُ فِي نَفْسِهِ وَمَنْ يُبْدِهَا لَهُمْ قَالَ أَنْتُمْ شَرٌّ مَكَانًا وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَصِفُونَ ﴿٧٧﴾ قَالُوا يَا أَبَتِهَا الْعَزِيزُ إِنَّ لَكَ أَبَا شَيْخًا كَبِيرًا فَخُذْ أَحَدَنَا مَكَانَهُ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٧٨﴾ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ أَنْ نَأْخُذَ إِلَّا مَنْ وَجَدْنَا مَتَاعَنَا عِنْدَهُ إِنَّا إِذًا لَطَّالِمُونَ ﴿٧٩﴾ فَلَمَّا اسْتِئْذِنُوا مِنْهُ خَلَصُوا نَجِيًّا قَالَ كَبِيرُهُمْ أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَّ أَتَابَكُمْ قَدْ أَخَذَ عَلَيْكُمْ مَوْثِقًا مِنَ اللَّهِ وَمِنْ قَبْلُ مَا فَرَّطْتُمْ فِي يُوسُفَ فَلَنْ أَبْرَحَ الْأَرْضَ حَتَّى يَأْذَنَ لِي أَبِي أَوْ يَحْكُمَ اللَّهُ لِي وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ ﴿٨٠﴾ ارْجِعُوا إِلَى آبَائِكُمْ فَقُولُوا يَا أَبَاتَانَا إِنَّ ابْنَكَ سَرَقَ وَمَا شَهِدْنَا إِلَّا بِمَا عَلَّمَنَا وَمَا كُنَّا لِلْغَيْبِ حَافِظِينَ ﴿٨١﴾ وَاسْأَلِ الْقَرْيَةَ الَّتِي كُنَّا فِيهَا وَالْعِمْرَ الَّتِي أَقْبَلْنَا فِيهَا وَإِنَّا لَصَادِقُونَ ﴿٨٢﴾ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَنِي بِهِمْ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ﴿٨٣﴾

ریزدرب : کم کم وضع زمانه برای آنان بهتر شده و ثروت و قدرت هم مبادید و آنها موفق میشوند در سطح وسیع تری کارهای نیک خویش را پیگیر باشند.

٧

وَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا أَسْفَى عَلَى يُوسُفَ وَأَبِیضَتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزَنِ فَهُوَ كَظِيمٌ ﴿٨٤﴾ قَالُوا تَاللَّهِ تَفْتَأُ تَذْكُرُ يُوسُفَ حَتَّى تَكُونَ حَرَضًا أَوْ تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ ﴿٨٥﴾ قَالَ إِنَّمَا أَشْكُو بَثِّي وَحُزْنِي إِلَى اللَّهِ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٨٦﴾ يَا بَنِي إِدْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَيَسَّسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَنبَأُ سُنْ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ ﴿٨٧﴾ فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَيْهِ قَالُوا يَا أَبَتِهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَانَا الضَّرُّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَةِ مُزَجَّاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ

يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ ﴿٨٨﴾ قَالَ هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِيُوسُفَ وَأَخِيهِ إِذْ أَنْتُمْ جَاهِلُونَ ﴿٨٩﴾ قَالُوا إِنَّكَ لَأَنْتَ يُوسُفُ قَالَ أَنَا يُوسُفُ وَهَذَا أَخِي قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا إِنَّهُ مِنْ يَتَّى وَبَصِيرٌ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٩٠﴾ قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ آتَرَكَ اللَّهُ عَلَيْنَا وَإِنْ كُنَّا لَخَاطِئِينَ ﴿٩١﴾ قَالَ لَا تَقْرِبْ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ﴿٩٢﴾ أَذْهَبُوا بِمِصْصِي هَذَا فَأَلْقُوهُ عَلَى وَجْهِ أَبِي يَأْتِ بَصِيرًا وَأُنْثِي بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٩٣﴾

ریزدرب : لطف و توجه خاص خداوند باز هم ادامه می یابد.

۸

وَلَمَّا فَصَلَتِ الْعِيرُ قَالَ أَبُوهُمْ إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ لَوْلَا أَنْ تُفْقِدُونِ ﴿٩٤﴾ قَالُوا تَاللَّهِ إِنَّكَ لَفِي ضَلَالِكَ الْقَدِيمِ ﴿٩٥﴾ فَلَمَّا آتَا بَنُو إِسْرَءِيلَ أَنْقَاةَ عَلَى وَجْهِهِ فَأَرْتَدَّ بِصِيرًا قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٩٦﴾ قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ ﴿٩٧﴾ قَالَ سَوْفَ اسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿٩٨﴾ فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَى يُوسُفَ آوَى إِلَيْهِ أَبَوَيْهِ وَقَالَ ادْخُلُوا مِصْرَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ ﴿٩٩﴾ وَرَفَعَ أَبَوَيْهِ عَلَى الْعَرْشِ وَخَرُّوا لَهُ سُجَّدًا وَقَالَ يَا أَبَتِ هَذَا تَأْوِيلُ رُؤْيَايَ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا وَقَدْ أَحْسَنَ بِي إِذْ أَخْرَجَنِي مِنَ السِّجْنِ وَجَاءَ بِكُم مِّنَ الْبَدْوِ مِنْ بَعْدِ أَنْ نَرَعَ الشَّيْطَانَ بَيْنِي وَبَيْنَ إِخْوَتِي إِنَّ رَبِّي لَطِيفٌ لِّمَا يَشَاءُ إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ﴿١٠٠﴾ رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَعَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْتَ وَلِيِّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ ﴿١٠١﴾

ریزدرب : لطف و توجه حضرت حق کامل میشود.

۹

ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ أَجْمَعُوا أَمْرَهُمْ وَهُمْ يَمْكُرُونَ ﴿١٠٢﴾ وَمَا أَكْثَرَ النَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ ﴿١٠٣﴾ وَمَا تَسْأَلُهُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ﴿١٠٤﴾

ریزدرب : ای پیامبر! دور نیست که چنین لطف و توجهی برای تو نیز کامل

شود.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقا با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقا می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ که ابتدای سوره است می فرماید: ای پیامبر! قصه ای را که برایت می گوئیم، صرفا یک قصه صرف نیست، بلکه از وحی است و لذا عین حقیقت است. در این پاراگراف می فرماید: ای پیامبر! درمقایسه داستان یوسف با داستان توشباهت عجیبی هست، که اگر پیروانت شبیه سازی کنند و متوجه آن شوند دلگرم تر خواهند شد.

۴- سوالات

خلاصه داستان یوسف این است که او مورد کینه برادرانش بود بطوریکه حتی میخواستند بکشندش و او را از دار و دیارش راندند اما خداوند او را - چون بنده صالحی بود- بزرگ، و بر همان برادرانش سرور کرد و آنها هم به سروری او معترف شدند.

بعدا پیامبر- ص- هم همینطور شد و نسبت به قریش که قصد جانش را داشتند به سروری رسید. اینک سوال این است که:

۱- حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ (دلداری به پیامبر- ص-؟ نکوهش

کافران؟ تشویق مومنان؟ یا.....؟)

۳- اگر میخواستیم از تیتراژ «خواست خداوند قانونمند است» استفاده کنیم، می باید زیرکدام کلمات را خط بکشیم؟

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

به نظر میرسد در اوان نزول این سوره، آنحضرت و پیروانش، تلخ ترین ایام را میگذرانده اند و از همه طرف تیرهای بلایا و ناخوشایندی ها به طرفشان می باریده و از اعماق قلوبشان این سوال بطرف آسمان میرفته که: ای خدا! پس کی میشود که یک کمی اوضاع مان مطلوب تر شود؟ که به عنوان آبی بر آتش دل های سوخته شان، این سوره نازل شده است.

۶ - زاویه با تفاسیر رایج

۱: (آیه ۵۱) - (المیزان): " وَ أَوْحَيْنَا إِلَيْهِ لَتُنَبِّئَنَّهُمْ بِأَمْرِهُمْ هَذَا وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ " ضمیر " الیه " به یوسف برمی گردد و ظاهر کلمه " وحی " این است که وحی نبوت است،

خطای واضح! این وحی از نوع «واوحینا الی ام موسی ان ارضیه . . » است و این تلقی المیزان با آیه ۲۲ نیز تعارض دارد که گویای این است که وحی نبوت به او پس از رسیدن یوسف به بلوغ و رشد جسمانی و عقلانی واقع شد.

۷ - پیشگوئی های تحقق یافته

در این پاراگراف و با ذکر این داستان عجیب تلویحا به آنحضرت و یارانش وعده میدهد که اوضاع و احوال شما چنان در جهت مطلوب تان دگرگون خواهد شد که مانند یوسف بر آنها غالب خواهید شد و آنها عذرخواه تان خواهند شد. و البته چنانکه همگان میدانند، این پیشگوئی نیز به تحقق پیوست.

۸ - آیات برجسته این پاراگراف

آیه ۶۴ به علت وجود جمله فوق العاده مشهور «فأله خیر حافظا و هو ارحم الراحمین» در آن، جزء آیات برجسته این پاراگراف است.

۹ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها، تقریباً تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث متنی

آیات ۳۷ تا ۴۰ پرانتری هستند، دلیلش هم اینکه اگر چشم خویش را به آنها ببندیم و قبل و بعدش را وصل کنیم خواهیم دید روال سخن صاف و بی سکت می‌شود. در ابتدای آیه ۴۳ «اگذاری به مخاطب» صورت گرفته، آیه های ۵۲ و ۵۳ پرانتری است، به همان دلیلی که کمی بالاتر گفته ایم. دو سوم آخر آیه ۷۶ پرانتری است، به همان دلیلی که گفتیم.

چند دریافت مستقیم و کوتاه

آیه ۳۵: «نشانه‌ها»ی مورد بحث، باید چیزهائی بوده باشد از قبیل اعتقاد به توحید و تبلیغ آن و مخالفت با دین شرک آنها و عدالتخواهی و اعتراض به مظالم جاری، و اینها باید سبب زندانی شدن او شده باشد نه توطئه آن زنان که در آیه‌های ۳۳ و ۳۴ اشاره شده.

آیه ۴۲: ساده‌ترین توضیح مطلب این است که او هر که بوده یکنوع «مجرم سیاسی» بوده. و شفاعت یکنفر «برده» (که پائین‌ترین موقعیت اجتماعی را دارد) برای یک «مجرم سیاسی» کار آسانی نیست و متضمن خطراتی برای شفیع است لذا آن

شخص خود را «خودسانسوری» کرد و بالاخره هم کاملاً فراموش شد. نقش شیطان آن بود که او را به از دست دادن موقعیتش و زحماتی که در آنصورت به آن دچار میشد ترساند تا اینکه موفق شد او را بطور کامل بفراموشاند. آیه ۴۵: این «یادآوری» آن شخص در اینجا کاملاً موجه است، زیرا یادآوری قبل از این مطلب، «شفاعت از یک مجرم سیاسی» تلقی می‌شد و برای او نوعاً ناخوشایند بود اما حالا یک «خوش خدمتی» است و برای او کاملاً مطلوب است. آیه ۴۹: کلمه‌ای که در آیه آمده «بُغَاثُ» است که هم به معنی «فریادری می‌شوند» و هم به معنی «بارانده می‌شوند» است و چون باران از آسمان می‌آید، گویی که خداوند فریاد ناراحتی مردم هفت سال خشکسالی کشیده را شنیده، و برایشان باران فرستاده باشد، که فی‌نفسه، هم معنی لغوی رایجی است و هم لطیف است، در ترجمه ترجیح داده شد. گرچه دومی هم صحیح است و هر دو هم بالاخره به یک معنی می‌رساند.

آیه‌های ۵۲ و ۵۳: اینها گفتار یوسف است نه آن زن. آیه ۶۶: وثیقه موردنظر باید قاعداً «قسم» یا «تعهد اخلاقی» بوده باشد. آیه‌های ۶۷ و ۶۸: یعنی «به چشم نیائید» (و به اصطلاح امروز «چراغ خاموش» بروید) آیات ۷۰ تا ۷۶: روش یوسف از آنجا که یک «حق انتقام» به گردن آنها داشت موجه است.

دروغ خیلی آبکی و واکنش ضعیف در مقابلش

از آیه ۱۷ فهمیده میشود که خودشان هم میفهمیدند داستانی که سر هم کرده اند قابل پذیرش نیست. واکنش یعقوب نبی (ع) راجع به موضوع خیلی ضعیف بود، بجای اینکه بگوید سرصحنه برویم و رد پای گرگ ادعائی و کشمکش کودک و امثال این نوع شواهد را جستجو کند اکتفا کرد به اینکه بگوید صبر زیباست و شماها کاری کرده اید ها و . . . ظاهراً از طرق خاص انبیاء خبری داشته.

در آیه ۸۳ نیز همین رفتار بی اهمیت انگارانه و لاقیدانه را مجدداً (مجدداً و تقریباً پس از ۳۰ سال) می بینیم همان فصر جمیل و همان سولت لکم انفسکم امرا و بیانش نیز طوری است که گوئی مطمئن است که یوسف زنده است، زیرا بعداً میگوید بروید دنبال یوسف و برادرش بگردید.

در آیه ۲۰ فاعل چه کسی (کسانی) است؟

در جواب باید گفت فاعل نمیتواند اهل کاروان باشد، زیرا آنها آن کودک را «ثروت»ی تلقی کرده بودند.

لذا توضیح مطلب این میشود که برادران یوسف دوردور کشیک میکشیدند که عاقبت کار او چه میشود و وقتیکه دیدند اهل کاروان او را پیدایش کرده اند برای اینکه مانع کارهای احتمالی آنها برای رساندن کودک به خانواده اش شوند او را به پیشیزی به آنها فروختند.

خواب و تعبیر خواب

در رابطه با آیه ۴۳ در این سوره سه نوع «خواب» معرفی شده است:

۱- رویا (خواب)،

۲- احلام (چیزهای خوشایند)،

۳- اضغاث (پراکنده)

«رویا» خوابهای دارای معنی و تعبیر است که مثلاً یکی از آنها همین خواب حضرت یوسف است که دیده بود یازده ستاره و خورشید و ماه بر او سجده می کردند. یا خواب حضرت مشهور ابراهیم (ع) یا خواب پیامبر(ص) که دیده بود حج بجا می-آورد.

از مشخصات این نوع خوابها این است که جزئیات صحنه و سکانس معلوم نیست، و صحنه و سکانس یک حالت سوررئالیستی دارد، و در این نوع خوابها فقط موضوع موردنظر مطرح است و جزئیات دیگر وجود ندارد. و از این نوع خوابها که دارای معنی

است بسیاری از اشخاص صالح دیده‌اند و چیز نادری نیست.

«احلام» خوابهایی است که آدمی در جهت رسیدن به رفع نیازهای جسمی و روحی خویش می‌بیند، مثلاً آدم گرسنه، سفره رنگین و جوان و نوجوان، صحنه‌های جنسی می‌بینند، و گاهی هم محتلم می‌شوند، همین کلمه «محتلم» با کلمه «احلام» هم ریشه است، و اینکه گفته شده «شتر در خواب بیند پنبه دانه» در همین جهت و به همین معنی است.

از مشخصات چنین خوابهایی این است که صحنه و سکانس مطلب با تمام جزئیاتش واضح است.

«اضغاث» خوابهای پراکنده، بکلی بی‌معنی است، مثلاً از نوع خوابهایی که آدمی پس از پرخوری می‌بیند.

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر! آن هنگام را به یاد آر که یوسف به پدرش گفت پدر جان در خواب دیدم یازده ستاره و خورشید و ماه مرا سجده میکردند (۴) گفت پسرکم خوابت را برای برادرانت تعریف مکن که حيله بزرگی برایت خواهند کرد زیرا که شیطان دشمن آشکار انسان است (۵) چنین است که پروردگارت تو را برمیگزیند و از علم معنی کردن خوابها به تو خواهد آموخت و نعمتش را بر تو و بر خاندان یعقوب تمام خواهد کرد چنانکه آنها قبلاً بر پدرانت ابراهیم و اسحق نیز تمام کرده، که پروردگارت دانای فرزانه است (۶) البته درباره یوسف و برادرانش برای پرسشگران آیاتی است (۷) هنگامی که برادران یوسف در بین خویش میگفتند یوسف و برادرش نزد پدرمان محبوب ترند در حالیکه ما جوانانی نیرومند و همدست هستیم، البته پدرمان در گمراهی آشکار است (۸) تا اینکه بالاخره به اجماع رسیدند که: یوسف را بکشید یا در زمینی دور دست ببندازید تا توجه پدرتان مخصوص شما باشد و پس از آن

اشخاصی شایسته شوید (۹) از آن میان یکی گفت یوسف را نکشید بلکه او را در قعر چاهی بیفکنید تا بعضی از کاروانیان او را بیابند، اگر حتماً کننده آن کار هستید (۱۰) با چنین تصمیمی نزد پدرشان آمدند و گفتند پدرجان چه ات هست که ما را در مورد یوسف امین نمیشماری در حالیکه خیر خواهش هستیم؟ (۱۱) فردا با ما بفرستش بگردد و بازی کند و ما بخوبی حفظش خواهیم کرد (۱۲) گفت اگر ببریدش غمگین میشوم و میترسم گرگ بخوردش و شما هم غافل باشید (۱۳) گفتند با وجودیکه جوانانی نیرومند هستیم، اگر گرگ بخوردش که ما زیانکار خواهیم بود (۱۴) بالاخره پدرشان تسلیم شد و یوسف را به آنان وا گذاشت و آنگاه که بردندش و نظرشان را یکی کرده بودند که در قعر چاهی قرارش دهند به یوسف وحی کردیم که نگران مباش و حتماً روزی خبر این کارشان را به آنان خواهی داد و البته آنها اینک که دارند چنین میکنند شعورشان به جا نیست (۱۵) آنها بالاخره کارشان را کردند و شب هنگام نزد پدرشان آمدند و گریه میکردند (۱۶) گفتند پدر جان رفتیم و مشغول مسابقه شدیم و یوسف را نزد چیزهایمان گذاشته بودیم که گرگ خوردش و البته تو که باور نمی کنی حتی اگر هم راست بگوییم (۱۷) و پیراهنش را با خونی دروغین آوردند. گفت نه بلکه نفس تان کاری را برایتان آراست، و صبر زیباست، و از خداوند باید در مورد آنچه که وصف می کنید یاری خواست (۱۸) و کاروانی آمد و آبیاریشان را فرستادند و او دلوش را انداخت گفت مؤدگانی ام دهید که این پسرکی است و کاروانیان او را بطور پنهانی مایه منفعتی قرار دادند و خداوند به کارشان دانا بود (۱۹) و او را به بهائی ناچیز فروختند و درباره اش بی رغبت بودند (۲۰) و کسی که در مصر او را خرید به زنش گفت جایگاهش را گرامی دار، چه بسا فایده ای برایمان داشته باشد یا اینکه او را به فرزندی بگیریم، و چنین بود که یوسف را در آن سرزمین جای دادیم و از علم معنی کردن خوابها به او آموختیم و خداوند به کارش مسلط است ولی اکثر مردم نمیدانند (۲۱) و هنگامی که به رشد خویش رسید به او حکم و علم دادیم و نیکوکاران را چنین پاداش میدهیم (۲۲) و آن زن که

او در خانه اش بود به نزدش رفت و آمد میکرد و او را میخواست تا اینکه درب ها را قفل کرد و گفت معطل چه هستی؟ یوسف گفت پناه بر خدا که پروردگار من است. اوست که جایگاهم را نیکو کرده، البته او کار ظالمان را درست در نمی آورد (۲۳) و آن زن آهنگ او کرد و او هم اگر دلایل پروردگارش رانداخته بود آهنگ او میکرد. چنین بود که بدی و اعمال زشت را از او دور کردیم که او از بندگان خالص ما بود (۲۴) و هر دو به طرف درب دویدند و آن زن پیراهنش را از پشت درید و شوهر آن زن را دم دریافتند. زن گفت سزای کسی که به اهل خانه ات خیال بد داشته باشد چیست مگر اینکه زندانی شود یا اینکه عذابی دردناک داشته باشد؟ (۲۵) یوسف گفت او دوروبر من رفت و آمد میکرد و مرا میخواست. و شاهی از نزدیکان آن زن گواهی داد که اگر پیراهنش از جلو پاره شده باشد زن راست میگوید و او دروغگوست (۲۶) و اگر پیراهنش از پشت پاره شده باشد زن دروغ میگوید و او از راستگویان است (۲۷) و چون شوهر آن زن دید که پیراهنش از پشت پاره شده، گفت این از حيله شما زنهاست که حيله تان بزرگ است (۲۸) ای یوسف از این موضوع در گذر. و ای زن تو نیز آمرزش بخواه زیرا که خودت از خطا کاران بودی (۲۹) و زنانی در آن شهر که این موضوع را شنیده بودند گفتند زن آن مقام عالیمرتبه نزد جوان برده خویش رفت و آمد میکند و او را میخواهد حتما دوستی او فریفته اش کرده و ما او را در گمراهی آشکار می بینیم (۳۰) هنگامیکه آن زن توطئه شان را شنید بسوی آنها فرستاد و برای آنها بالش و پستی فراهم کرد و بدست هر یک از آنها کاردی داد و به یوسف گفت بر آنان بیرون درآی. اما هنگامیکه آنها او را دیدند بزرگش داشتند و از میوه ها دست کشیدند و گفتند: خداوند! این بشر نیست. این چیزی جز فرشته ای بزرگوار نیست! (۳۱) آن زن گفت این همان است که مرا برایش ملامت میکردید و من او را خواستم اما او خودداری کرد و اگر آنچه را فرمان میدهم نکند حتما زندانی خواهد شد و از سرافکندگان خواهد گردید (۳۲) یوسف گفت پروردگارا! زندان نزد من خوشتر است از آنچه مرا به آن میخوانند و اگر توطئه شان را از من

نگردانی به آنان متمایل میشوم و از جاهلان میگردم (۳۳) و پروردگارش اجابتش کرد و توطئه آنها را از او دور نمود که همو شنوای داناست (۳۴) سپس؛ پس از اینکه نشانه هائی از رفتارهای او که مغایر عادات آن شهر بود از او دیدند، نظرشان عوض شد و تصمیم گرفتند تا مدتی زندانش کنند (۳۵) و همراه با او دو جوان هم در زندان داخل شدند. یکی از آنان گفت خود را به خواب می بینم که شراب میسازم و دیگری گفت خود را در خواب می بینم که بر سر خویش نان حمل میکنم که پرندگان از آن میخورند معنی آن را بما بگو که ما تو را از نیکوکاران می بینیم (۳۶) گفت غذایی که روزیتان است برایتان نمی آید مگر آنکه قبل از آن معنی آنرا به شما گفته باشم. این از چیزهائی است که پروردگارم به من آموخته زیرا که من دین قومی را که به خداوند ایمان ندارند و به آخرت نیز کافرند ترک کرده ام (۳۷) و پیرو دین پدرانم ابراهیم و اسحق و یعقوب شده ام. ما را نمیرسد که با خداوند چیزی را شریک کنیم. این از فضل خداوند بر ما و بر مردم است ولیکن اکثر مردم شکر نمی گزارند (۳۸) ای دو یار زندانیم، آیا پروردگاران متفرق بهتر است یا خداوند تک قدرتمند؟ (۳۹) شما در دین خویش چیزی را عبادت نمی کنید مگر نامهائی را که خودتان و پدرانتان نامگذاری کرده اید که خداوند دلیلی برای آن نامگذاریهای شما نفرستاده. هیچ حکمی درست نیست مگر اینکه از جانب خداوند باشد. فرمان داده که جز او را نپرستیم. این آن دین پایدار است ولیکن اکثر مردم نمیدانند (۴۰) ای دو یار زندانیم، یکی از شما ساقی شراب اربابش خواهد شد و دیگری به دار کشیده میشود و پرندگان از سرش خواهند خورد. قضای چیزی که راجع به آن از من نظر خواستید رانده شده و حتمی است (۴۱) و به آنکه گمان میکرد نجات خواهد یافت گفت مرا نزد اربابت یاد کن اما شیطان او را به فراموشی انداخت که نزد اربابش یادش کند پس چند سالی در زندان ماند (۴۲) پس از آن سالها، روزی پادشاه گفت من در خواب می بینم که هفت گاو چاق را هفت گاو لاغر میخورند و نیز هفت خوشه سبز و هفت خوشه خشک می بینم. ای بزرگان! خوابم را معنی کنید اگر

تعبیر خواب بلید (۴۳) گفتند خواب تو مخلوطی از چیزهای پراکنده و چیزهای خوشایند است و علم تعبیر چیزهای خوشایند را نداریم (۴۴) و یکی از آن دو نفر که نجات یافته بود ناگهان پس از آن مدت یوسف به یادش آمد و گفت من خبر معنی آنرا به شما میدهم، مرا نزد یوسف بفرستید (۴۵) ای یوسف! ای بسیار راستگو! برایمان هفت گاو چاقی را که هفت گاو لاغر میخورندشان و هفت خوشه سبز و خوشه های خشک دیگر را معنی کن. تا بسوی آن مردم برگردم و تا آنان بدانند (۴۶) گفت هفت سال پشت سر هم بکارید و آنچه را که درو کرده اید در همان خوشه اش واگذارید مگر اندکی را که میخورید (۴۷) آنگاه پس از آن، هفت سال سخت می آید که آنچه را که برای آن سال ها از پیش قرار داده اید میخورید مگر اندکی را که محفوظ میدارید (۴۸) آنگاه پس از آن، سالی می آید که مردم فریادری می شوند و فراوانی میشود و در آن زمان مردم در حال رفاه شیره میوه ها و روغن میگیرند (۴۹) و پادشاه گفت او را نزد من بیاورید. و هنگامی که آن فرستاده نزدش آمد گفت بسوی ارباب برگرد و از او بپرس قضیه زنانی که دستهایشان را پس از دیدن من از کاری که به آن مشغول بودند بازداشته بودند چه بوده که پروردگارم نسبت به توطئه آنها داناست (۵۰) پادشاه زنان را احضار کرد و گفت موضوع شما هنگامی که دور و بر یوسف میگشتید و او را می خواستید چه بوده؟ گفتند: خدا منزله است. ما هیچ چیز بدی علیه او سراغ نداریم. زن آن مقام عالیمرتبه گفت اینک حق جلوه گر شد. من بودم که دُور و بُر او می گشتم و او را می خواستم و او از راستگویان است (۵۱) یوسف پس از معلوم شدن حقیقت گفت این برای آن است که شوهر آن زن بداند که مخفیانه خیانتی نکردم و خداوند توطئه خائنان را پیش نمی برد (۵۲) و البته خویش را تبرئه نمی کنم، زیرا که نفس به بدی فرمان میدهد، مگر که خداوند رحم کند و از بدی باز دارد که پروردگارم آمرزگار مهربان است (۵۳) و پادشاه گفت او را نزد من بیاورید تا او را مخصوص خویش کنم، پس هنگامیکه با او گفتگو کرد، گفت تو امروز نزد ما صاحب اختیار و امینی (۵۴) گفت مرا مسئول

انبارهای زمین قرارده که نگهبانی دانا هستم (۵۵) و چنین بود که یوسف را در زمین اختیار دادیم که هر جا که میخواست قرارمیگرفت. رحمت خویش را به هر کس بخواهیم میرسانیم و پاداش نیکوکاران را از بین نمی بریم (۵۶) و پاداش آخرت برای کسانی که ایمان آورده و تقوا پیشه کرده باشند بهتر است (۵۷) پس از مدتی آن خشکسالی طولانی سر رسید و برادران یوسف آمدند و بر او وارد شدند و او آنها را شناخت و آنها او را نشناختند (۵۸) و وقتی که آنها را با بارهایشان تجهیز کرد گفت آن برادران را از نزد پدرتان به نزد من بیاورید. آیا نمی بینید که پیمانه را کامل میدهم و بهترین میزنیم؟ (۵۹) اگر او را برایم بیاورید پیمانه ای نزد من نخواهید داشت و نزدیکم نخواهید شد (۶۰) گفتند بزودی او را از پدرمان خواهیم ستاند و ما کننده این کاریم (۶۱) یوسف به جوانان زیر دست خویش گفت کالاهایی را که برای خرید آذوقه با خویش آورده بودند در بارهایشان بگذارید شاید وقتی به سوی خانواده شان برگردند بشناسندش و شاید بازگردند (۶۲) و هنگامیکه بسوی پدرشان بازگشتند گفتند پدر جان پیمانه را از ما دریغ داشتند پس برادرمان را با ما بفرست تا پیمانه بگیریم و ما نگهدارش خواهیم بود (۶۳) گفت آیا درباره او به شما اعتماد کنم؟ همانطور که نسبت به برادرش اعتماد کردم؟ البته خداوند بهترین نگهدارست و همو مهربان ترین مهربانان است (۶۴) و هنگامیکه کالایشان را گشودند و دیدند سرمایه شان بسویشان برگشته، گفتند پدر جان چه میخواهیم؟ این سرمایه مان است که بسوی ما برگشته و خانواده مان را غذا میدهیم و برادرمان را هم حفظ می کنیم و پیمانه بزرگتری هم دریافت خواهیم کرد. این پیمانه کوچک است (۶۵) گفت هرگز او را با شما نخواهم فرستاد مگر اینکه وثیقه ای خدائی به من بدهید که او را باز خواهید گرداند مگر اینکه مطلب از احاطه شما خارج باشد. پس وقتی که وثیقه شان را دادند گفت خداوند بر آنچه میگوییم نگهبان است (۶۶) و گفت ای پسرانم از یک درب وارد نشوید بلکه از درهای مختلف وارد شوید و من نمیتوانم درباره خدا مشکلی از شما چاره کنم. جز این نیست که حکم جز از ناحیه خداوند نیست. بر او توکل

میکنم و هر توکل کننده ای نیز باید بر او توکل کند (۶۷) و هنگامیکه آنطور که پدرشان گفته بود داخل شدند، که البته مشکلی را از آنها در مقابل خداوند چاره نمیکرد مگر اینکه حاجتی را در دل یعقوب برمی آورد، و البته یعقوب با علمی آشنا بود و بر مبنای آن، آن توصیه را به فرزندان خویش کرده بود، زیرا که او از برخی از علمی که ما تعلیمش داده بودیم برخوردار بود، ولیکن اکثر مردم نمیدانند (۶۸) و هنگامیکه بر یوسف داخل شدند، برادرش را نزد خویش جای داد و گفت من برادرت هستم پس درباره آنچه می بینی ناراحت نشو (۶۹) و هنگامیکه یوسف دستور داد آنها را با کالاهایشان تجهیز کنند جام شاه را در بار برادرش قرار داد سپس اعلام کننده ای فریاد زد که ای کاروانیان شما دزد هستید (۷۰) آنها برگشتند و به ماموران گفتند دنبال چه میگردید (۷۱) گفتند جام پادشاه را جستجو می کنیم و هر کس که آنرا بیاورد بار شتری خواهد داشت و ما ضامن آنیم (۷۲) گفتند بخدا میدانید که ما برای فساد در زمین نیامده ایم و ما سارق نیستیم (۷۳) گفتند اگر دروغ گفته باشید سزایش چیست (۷۴) گفتند سزایش این است که هر کس که آن دربارش پیدا شد خودش سزایش است. ما ظالمان را چنین مجازات میکنیم (۷۵) پس در ابتدا بار آنها را گشتند سپس بارهای برادر یوسف را و آن را از بار او بیرون کشیدند. چنین به یوسف راه نشان دادیم. او را نمیرسید که برادرش را طبق قانون پادشاه بگیرد مگر اینکه خدا بخواهد. درجه هر کس را که بخواهیم بالا میبریم و بالاتر از هر دانائی داناتری هست (۷۶) سایر برادران یوسف که خیلی ناراحت بودند گفتند اگر اودزدیده، تعجبی ندارد زیرا برادری داشته که اوهم میدزدیده. پس یوسف این را در دل خویش پنهان داشت و به رویشان نیاورد و گفت بلکه شما بدترید و خداوند نسبت به آنچه میگوئید داناتر است (۷۷) گفتند ای بزرگوار! او پدر پیری دارد. یکی از ما را جای او بگیر که ما تو را از نیکوکاران می بینیم (۷۸) گفت پناه بر خدا که ما کسی را غیر از آنکه متاع خویش را نزدش یافته ایم بازداشت کنیم که در آنصورت از ظالمان خواهیم بود (۷۹) پس هنگامیکه مأیوس شدند با هم خلوت

کردند و راز میگفتند و بزرگترینشان گفت آیا نمیدانید که پدرتان از شما وثیقه ای خدائی گرفته و قبلا هم درباره یوسف چه تفریطی کردید؟ من از این سرزمین خارج نخواهم شد مگر اینکه پدرم اجازه ام دهد یا خدا درباره ام حکم کند و همو بهترین حاکمان است (۸۰) سوی پدرتان باز گردید و بگویند پدرجان! پسر ت سرت سرقت کرده و ما جز به آنچه میدانستیم گواهی ندادیم و از غیب نیز آگاه نیستیم (۸۱) از آن شهری که در آن بودیم تحقیق کن و نیز از کاروانی که با آنان آمدیم و ما راست میگوئیم (۸۲) گفت بله، نفس تان برایتان چیزی را آراسته. و صبر زیباست. چه بسا که خداوند همگی آنها را بسویم بیاورد که او خودش دانای پر حکمت است (۸۳) و از آنها روی گرداند و گفت ای افسوس بر یوسف و از شدت اندوه چشمهایش نابینا شد و خشم خود را فرو میخورد (۸۴) گفتند بخدا آنقدر یاد یوسف می کنی که سخت بیمار شوی یا به هلاکت بیفتی (۸۵) گفت جز این نیست که شکایت غم و اندوه خویش را فقط به خدا می برم و از خدا چیزی میدانم که شما نمیدانید (۸۶) ای فرزندانم بروید و یوسف و برادرش را جستجو کنید و از لطف خدا مأیوس نباشید که جز کافران از لطف او مأیوس نمیشوند (۸۷) پس هنگامیکه آنان دگرباره بر یوسف داخل شدند، گفتند ای بزرگوار به ما و خانواده مان ناراحتی رسیده و با سرمایه ای ناچیز آمده ایم پس پیمان کامل به ما بده و بر ما تصدق کن که خداوند تصدق کنان را پاداش میدهد (۸۸) گفت آیا دانستید با یوسف و برادرش چه کردید آن هنگام که جاهل بودید؟ (۸۹) گفتند آیا تو خودت حتما همان یوسفی؟! گفت من یوسفم و این هم برادرم است. البته که خداوند بر ما منت گذاشت زیرا که هر کس که تقوا و صبر پیشه کند خداوند نیز پاداش نیکوکاران را ضایع نخواهد گذاشت (۹۰) گفتند به خدا که خودش تو را از بین ما برگزیده و ما البته خطا کار بوده ایم (۹۱) گفت امروز هنگام رسیدگی به کارتان نیست خداوند می بخشدتان و همو مهربانترین است (۹۲) با این پیراهنم بروید و آنرا بر صورت پدرم بیندازید بینا خواهد شد و آنگاه تمام خانواده تان را دسته جمعی بسویم بیاورید (۹۳) و هنگامیکه آن کاروان راه افتاد

پدرشان گفت من بوی یوسف را احساس می کنم اگر مرا کم خرد نشمارید (۹۴) گفتند به خدا که در همان گمراهی سابق هستی (۹۵) اما هنگامیکه مژده دهنده آمد و آنرا بر صورتش انداخت بینا گشت و گفت آیا به شما نگفتم که از خدا چیزهائی میدانم که شما نمیدانید (۹۶) گفتند ای پدر برای گناهمان استغفار کن که ما خطاکار بودیم (۹۷) گفت بزودی از پروردگارم برایتان استغفار خواهم کرد که او آمرزگار مهربان است (۹۸) پس هنگامیکه بر یوسف وارد شدند والدینش را به نزد خویش جای داد و گفت داخل مصر شوید و به خواست خدا در ایمنی باشید (۹۹) و والدین خویش را بر تخت نشاند و آنها به سجده افتادند و او گفت پدرم، این معنی آن خواب قبلی من است که پروردگارم آنرا راست درآورد و البته به من وقتی از زندان نجاتم داد و شما را از بیابان نزدم آورد، پس از آنکه شیطان بین من و برادرانم را بهم زده بود احسان کرد، البته پروردگارم درباره آنچه بخواهد دقیق است که او دانای پر حکمت است (۱۰۰) پروردگارا! چیزی از پادشاهی بمن دادی و چیزی از معنی کردن خوابها بمن آموختی. ای خالق آسمانها و زمین! تو در دنیا و آخرت سرپرستم هستی مرا تسلیم حق بمیران و با صالحان همراه کن (۱۰۱) این از خبرهای غیبی است که بسویت وحی کردیم. تو درآن هنگام که درباره کارشان همراهی شده بودند و حيله میکردند نزدشان نبودى (۱۰۲) و اکثر مردم ایمان نمى آورند حتى اگر خیلی هم دلت بخواهد (۱۰۳) تو درباره آن رسالت مزدی از آنها نمیخواهی. آن جز پندی برای جهانیان نیست (۱۰۴)

یوسف ۳ آیات ۱۰۵ تا ۱۱۱

وَكَايْنِ مِّنْ آيَةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ ﴿١٠٥﴾ وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُّشْرِكُونَ ﴿١٠٦﴾ أَفَأَمِنُوا أَن تَأْتِيَهُمْ غَاشِيَةٌ مِّنْ عَذَابِ اللَّهِ أَوْ تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿١٠٧﴾ قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٠٨﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِي إِلَيْهِمْ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَكُنَّا الْأَخِرَةَ خَيْرَ لِّلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿١٠٩﴾ حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْسَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّيَ مَنْ نَّشَاءُ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ ﴿١١٠﴾ لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِأُولِي الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿١١١﴾

پیش تفسیر

۱- استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: لطف و توجه خاص خداوند با مومنان با تقوا همراه است و سبب نجاتشان از مشکلات می‌شود.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: ای پیامبر! لطف و حکمت‌های الهی را چنین برای پیروانت بیان کن و به اشخاص بی‌توجه و غافل و بی‌ایمان بگو از عذاب خداوند (دنایی یا فرا رسیدن ناگهانی قیامت) دور نیستند.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

وَكَايْنِ مِّنْ آيَةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمُوتُونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ ﴿١٠٥﴾ وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُّشْرِكُونَ ﴿١٠٦﴾

ریزدرب: مایه عبرت زیاد است، اما آدم بینا و فهیم کم است

۲

أَفَأَمِنُوا أَنْ تَأْتِيَهُمْ غَاشِيَةٌ مِّنْ عَذَابِ اللَّهِ أَوْ تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿١٠٧﴾

ریزدرب: اینها دلشان به چه قرص است؟

۳

قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٠٨﴾

ریزدرب: ای پیامبر! به اینها بگو روش من دعوت به عبرت گیری و فهم است

۴

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ مِّنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَكُنَّ الْأَخْزَىٰ خَيْرٌ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿١٠٩﴾ حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْسَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّيَ مَنْ نَّشَاءُ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ ﴿١١٠﴾

ریزدرب: ای پیامبر! خودت و پیروانت کمی بیشتر صبری کنید

لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِأُولِي الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَى وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿١١١﴾

ریزدرب: ای مسلمانان! این مطالب داستانی قرآنی، واقعی است، نه اینکه چنانکه امروز برخی از این روشنفکر نماها میگویند از باب تمثیل باشد.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقا با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقا می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ که ابتدای سوره است می فرماید: ای پیامبر! قصه ای را که برایت می گوئیم، صرفا یک قصه صرف نیست، بلکه از وحی است و لذا عین حقیقت است.

در پاراگراف ۲ می فرماید: ای پیامبر! درمقایسه داستان یوسف با داستان توشباهت عجیبی هست، که اگر پیروان شبیه سازی کنند و متوجه آن شوند دلگرم تر خواهند شد.

در این پاراگراف می فرماید: ای پیامبر! مخالفانت به سختی دچار محسوسات خویش بوده و از آیات و صفات و قدرت های الهی غفلت دارند و گرنه رفتارشان غیر از این می بود، ولی تو دلگیر مباش و کاملا دلگرم باش و با قوت پیگیر کار رسالت خویش باش و موفق خواهی شد.

۴ - سوالات

- ۱ - با توجه به مطلبی که ذیلا در بخش پُرانتزها درباره جمله «وَوَظَّنُوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا» (آیه ۱۱۰) می بینید ، فاعل فعل «ظَنُّوا» کیست؟
- ۲ - امید بخش ترین آیه این پاراگراف (باتوجه به سوال قبل) کدام است؟
- ۳ - حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟
- ۴ - با توجه به اینکه از اخلاق پیامبران نیست که از لطف الهی مایوس شوند، «اَسْتَيْسَأَسُ الرُّسُلُ» (آیه ۱۱۰) چه نوع از سخن گفتن است؟ (به زبان مخاطب؟ یا....؟)
- ۵ - منظور از «تفصیل کل شی» (آیه ۱۱۱) چیست؟

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیه ۱۱۰ فهمیده میشود در ایام معاصر نزول این سوره، نامطلوبیت و ناگواری شرایط عمومی برای مسلمانان خیلی زیاد بود و آنها که تا اینجا خیلی از داستانهای پیامبران مطلع شده و از آنطریق به یاری خدا امید بسته بودند در این روزها خیلی «چشم به آسمان» بودند که یاری الهی کی برسد.

۶ - زاویه با تفاسیر رایج

- ۱ (آیه ۱۰۵): (المیزان): " وَكَانَ مِنْ آيَةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ".

واوی که در اول این آیه است حالیه است، و احتمال هم دارد استینافیه باشد و جمله را جمله‌ای ابتدایی بسازد، و "مرور بر هر چیز" به معنای رسیدن به آن و گذشتن از آن و رسیدن به موجود بعدی آن است، بنا بر این مرور به آیات آسمانی و زمینی به معنای مشاهده یکی پس از دیگری آنها است.

و معنای آیه این است که بر سر راه زندگی بشر آیات بسیاری آسمانی و زمینی وجود دارد که با وجود خود و نظام بدیعی که در آنها جاری است دلالت بر توحید پروردگارشان می‌کند، و این مردم این آیات

را یکی پس از دیگری می‌بینند، و دیدن آنها برایشان مکرر است، و در عین حال از آنها اعراض نموده متنبه نمی‌شوند.

و اگر جمله "يَمُرُّونَ عَلَيْهَا" را حمل بر تصریح (و مرور معمولی) کنیم، نه کنایه از دیدن و اعراض کردن، در آن صورت جمله مذکور از ادله فرضیه هیئت جدید خواهد شد، که می‌گوید: زمین دارای حرکت وضعی و انتقالی است، زیرا از آن استفاده می‌شود که بشر بوسیله حرکت انتقالی و وضعی زمین از اجرام آسمانی عبور می‌کند و می‌گذرد، نه آن طور که حس ما می‌پندارد که زمین ما ایستاده و اجرام بر ما می‌گذرند.

خیلی جالب است المیزان که دائما به «سیاق» توجه میدهد آیه مذکور را به قبل و بعدش ربط نداد و از آن هشدار و امکان هلاکت مخالفان در صورت گذراندن از حد را ندید و سر از هیئت و نجوم و افلاک شناسی در آورد!!

۲ (آیه ۱۰۶): (المیزان): "وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ".

ضمیر در "اکثرهم" به "ناس" برمی‌گردد، به اعتبار ایمانشان، به این معنا که اکثر مردم ایمان آور نیستند هر چند تو از ایشان مزدی نخواهی، و هر چند بر آیات آسمانی و زمینی با همه زیادیش مرور کنند، و آنهایی که از ایشان ایمان آوردند (که همان اقلیت باشند) اکثر ایشان ایمانشان آمیخته به شرک است.

و اگر بررسی چگونه ممکن است آدمی در آن واحد، هم متلبس به ایمان باشد و هم به شرک، با اینکه ایمان و شرک دو معنای مقابل همدیگر که در محل واحد جمع نمی‌شوند؟ جواب می‌گوییم: این اجتماع نظیر اجتماع اعتقادات متناقض و اخلاقیات متضاد است، و از این نظر ممکن است که اینگونه امور از معنایی باشند که فی نفسه قابل شدت و ضعفند، و مانند دوری و نزدیکی، به اضافه و نسبت مختلف می‌شوند، مثلاً "قرب" و "بعد" اگر مطلق و بدون اضافه لحاظ شود هرگز در محل واحد جمع نمی‌شوند، ولی اگر نسبی و اضافی لحاظ شوند، ممکن است در محل واحد جمع شوند، و با هم مطابقت داشته باشند، مثلاً در باره مکه، هم دوری صادق است و هم نزدیکی، دوری از شام، و نزدیکی به مدینه،

همچنین اگر مکه با مدینه مقایسه شود از شام دور هست، ولی اگر با بغداد مقایسه شود به شام نزدیک خواهد بود.

واقعا چه ربطی دارد؟ سیاق - که المیزان اینهمه تکرارش میکند - حاکی از انتقاد از کفار مکه معاصر آنحضرت است و این آیه همخط است با آیاتی مانند «فما کانوا لیومنوا بما کذبوا من قبل» (و امثال آن که خیلی هم زیاد است) و از کجای این سیاق نسبیت ایمانی در می آید، خدا میداند!

اتفاقا آنجا که المیزان فوقا فرموده «و آنهاپی که از ایشان ایمان آوردند» (که همان اقلیت باشند) اکثر ایشان ایمانشان آمیخته به شرک است» خطای آشکار است زیرا این سوره مدتها قبل از هجرت نازل شده و مومنان آن روز ها مومن واقعی بوده اند.

۳ (آیه ۱۰۷): حاکم کردن روایت و نتیجتا ندیدن بلاغت ادبی

موضوع روایات عصمت انبیاء که مورد بدفهمی تفاسیر شده، در جاهای زیادی موجب درک نکردن ظرافت های ادبی و بلاغتی قرآن شده که مثالهای زیاد است، از جمله ده آیه اول سوره عبس و نیز این آیه از بهترین مثالهایش است.

چه کسی است که اندک آشنائی با قرآن داشته باشد و در عین حال این تصور به ذهنش بیاید که ممکن است یک پیامبر از خدا مایوس شده باشد! و فکر کند که خدا به او دروغ گفته باشد؟

این یک مبالغه گوئی ساده است که بار بلاغتی قوی دارد، لازم نیست آن را به ظاهرش بگیریم و لطافت ادبی اش را نابود کنیم و بعد برای راست و ریس کردنش دست به دامن روایات عصمت انبیاء شویم؟

سوره یوسف چه میگوید؟ یک بچه در ضعیف ترین و مظلومانه ترین موقعیت توسط نزدیکترین نزدیکانش به نامردمی ترین وضع مورد ظلم قرار گرفت، اما خداوند برای اینکه به او کمک کند چه صحنه هایی آراست و بالاخره او با قدرت و ثروت فوق العاده به همانها که به او بدی روا داشته بودند احسان کرد، این سوره میخواهد بگوید ای پیامبر! برای تو هم شبیه همین سناریو اجرا خواهد شد، اندکی صبر کن، مایوش نشو، بالاخره درست خواهد شد، و برای رساندن مطلب، سخن را در آیه فوق در قالب مبالغه عرضه کرده،

همین! نه آن بی سلیقگی هایی که تفاسیر در ذیل این آیه در اینجا و آنجا گفته اند.

۷ - در این پاراگراف، کدام فقرات، فوق ذهنیات معاصران نزول است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه ۱۰۷ «قیامتی» است، و هیچ بنی بشری تجربه اش را ندارد، و قبل از قیامت نخواهد داشت، لذا، چه در آن روزهای نزول وحی و چه الی یوم القیامه بالاتر از ذهنیات بشر خواهد بود.

آیه های ۱۰۹ و ۱۱۰ از این لحاظ که مربوط به اقوامی است که در قبل از تاریخ بوده اند، و علم باستان شناسی آنقدر رشد نکرده که ما از اوضاع و احوال آنها مطلع باشیم، برای ما نیز روشن نیست، چه رسد به مخاطبان اولیه این آیات.

۸ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها، تقریباً تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است .

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

مبالغه

حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ وَظَنُوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا

بطور کلی مبالغه یکی از ابزارهای بلاغت است که در بسیاری از سوره ها بکار گرفته شده است، و اگر بخواهیم نمونه بیاوریم بسیار طولانی خواهد شد، و ممکن است ان شاءالله پس از فراغت از این تفسیر یک جمع آوری کامل از آن انجام دهیم، ولی در اثر دقت در جمله فوق و توجه داشتن به کل محتوای قرآن، اولین چیزی به ذهن میرسد این است که چگونه ممکن است رسولان الهی در اثر شدت فشارها و ناراحتی ها که از سوی کافران به آنها تحمیل میشده، از درگاه خداوندی مایوس شوند و از آن بسیار بدتر چگونه ممکن است حتی کوچکترین تصویری کنند که معاذالله به آنان دروغ گفته شده باشد؟ چنین اتفاقی اگر برای یکی از رسل الهی افتاده باشد، اولین واکنش سیستم وحی رسانی، سلب مقام والای رسالت از او، و اعمال تنبیهی شدیدتر از مورد حضرت یونس (ع) در باره اش خواهد بود، و او دیگر نبی و رسول نیست که «جاءهم نصرنا» را درک کند، بلکه موضوع در مقام دلداری به مومنان همراه رسول اکرم (ص) گفته شده که ممکن است فشارها و ناراحتی ها به نظرشان زیاد بیاید اما کمی دیگر پایدار بمانید که «یاری» خواهد رسید، چنانکه خود تاریخ اسلام گواه صدق این حقیقت است.

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر! چه بسا نشانه هایی در آسمانها و زمین هست که اینان بر آن میگذرند و از آن روگردانند (۱۰۵) و اکثرشان به خدا ایمان نمی آورند و مشرکند (۱۰۶)
آیا ایمن هستند که فراگیرنده ای از عذاب خدا بسویشان بیاید یا قیامت ناگهان بر

آنها درآید؟ (۱۰۷)

به اینان بگو این راه من است: از روی بصیرت خودم و پیروانم را بسوی خداوند دعوت

می کنم و خداوند منزّه است و من از مشرکان نیستم (۱۰۸)

و قبل از تو نیز پیامبرانی را که فرستادیم، که مردانی از اهالی شهرها بودند که به

آنها وحی مینمودیم، آیا در زمین نمیگردند تا ببینند عاقبت پیشینیان چگونه بود؟ و

اینکه خانه آخرت برای کسانی که باتقوا باشند بهتر است، آیا در این دو موضوع تعقل

نمی کنند؟ (۱۰۹)

ای پیامبر! پیامبران سابق هم همین مشکلات تو را داشتند، تا اینکه از ایمان آوری

مردم مأیوس میشدند و آن مردم هم گمان میکردند که به آنها دروغ گفته شده، تا

اینکه یاری ما ناگهان میرسید، و هر کس که لیاقت داشت نجات می یافت و عذاب ما

از گنهکاران برطرف نمی گردید (۱۱۰)

البته در قصه های آنها عبرتی برای خردمندان است. سخنی که افترا باشد نیست.

لیکن این قرآن تصدیق چیزی است که قبل از خودش بوده و تشریح و تفصیل همه

چیز لازم برای هدایت است، و هدایت و رحمتی است برای قومی که ایمان می آورند

(۱۱۱)

سوره حجر

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

الرَّ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَقُرْآنٍ مُبِينٍ ﴿١﴾ زُيْمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ ﴿٢﴾ ذَرَهُمْ
يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِيهِمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٣﴾ وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا وَلَهَا كِتَابٌ مَّعْلُومٌ
﴿٤﴾ مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَأْجِرُونَ ﴿٥﴾ وَقَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ إِنَّكَ
لَمَجْنُونٌ ﴿٦﴾ لَوْ مَا تَأْتِينَا بِالْمَلَكَةِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٧﴾ مَا نُزِّلَ الْمَلَكَةُ إِلَّا بِالْحَقِّ
وَمَا كَانُوا إِذَا مُنْطَرِفِينَ ﴿٨﴾ إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ﴿٩﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي
شَيْعِ الْأَوَّلِينَ ﴿١٠﴾ وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿١١﴾ كَذَلِكَ نَسْلُكُهُ فِي
قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ ﴿١٢﴾ لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ وَقَدْ خَلَتْ سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ ﴿١٣﴾ وَلَوْ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَابًا
مِنَ السَّمَاءِ فَظَلُّوا فِيهِ يَعْرُجُونَ ﴿١٤﴾ لَقَالُوا إِنَّمَا سَكِرَاتُ أَبْصَارِنَا بَلْ نَحْنُ قَوْمٌ مَسْحُورُونَ
﴿١٥﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره)، برای کل ۱۱۴ سوره قرآن، در کتاب «خودآموز تفسیر قرآن» (از همین قلم) وجود دارد، و خود کتاب مذکور را میتوانید در سایت (<https://tafsir.ganjei.com>) بیابید، و البته مبانی این موضوع نیز در ۱۶۰ صفحه اول کتاب «علوم قرآنی» (موجود در همان سایت) شرح داده شده است. و در مورد این سوره، عصاره محتوا، همان است که ذیلا دیده میشود.

درس: ای پیامبر! لطف خداوندی درد دنیا و آخرت شامل تو و پیامبران میشود و قبول القائنات شیطانی آدمی را از دایره این لطف خارج می کند.

برآیند درسی فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:
درب: کافران، با رفتار غیر مسئولانه خویش، خود را از دایره لطف الهی خارج می کنند.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

الرَّ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَقُرْآنٍ مُبِينٍ ﴿١﴾

ریزدرب: توجه به مفاد قرآن سبب جذب لطف الهی است.

۲

رُبَّمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ ﴿٢﴾ ذَرْهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِهِمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٣﴾

ریزدرب: چه بسیار از کافران آرزو میکنند کاش در دایره لطف الهی قرار می گرفتند.

۳

وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْنَةٍ إِلَّا وَلَهَا كِتَابٌ مَعْلُومٌ ﴿٤﴾ مَا نَسِيقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ ﴿٥﴾

ریزدرب: فرصت ها نامحدود نیست، از دست ندهید.

۴

وَقَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ ﴿٦﴾ لَوْ مَا تَأْتِينَا بِالْمَلَائِكَةِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٧﴾ مَا نُنْزِلُ الْمَلَائِكَةَ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَا كَانُوا إِذَا مُنْظَرِينَ ﴿٨﴾

ریزدرب: کافران بجای قرارگرفتن در محدوده لطف الهی بهانه گیری

میکنند.

۵

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ﴿٩﴾

ریزدرب: فارغ از نحوه رویکرد مردم، قرآن که مایه لطف الهی است، محفوظ خواهد ماند.

۶

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي شَيْعِ الْأَوَّلِينَ ﴿١٠﴾ وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِؤُونَ ﴿١١﴾ كَذَلِكَ نَسْلُكُهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ ﴿١٢﴾ لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ وَقَدْ خَلَتْ سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ ﴿١٣﴾ وَلَوْ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَابًا مِنَ السَّمَاءِ فَظَلُّوا فِيهِ يَعْرُجُونَ ﴿١٤﴾ لَقَالُوا إِنَّمَا سُكَّرَتْ أَنْصَارُنَا بَلْ نَحْنُ قَوْمٌ مَسْحُورُونَ ﴿١٥﴾

ریزدرب: ای پیامبر! این کافران حتی اگر قویترین آیات را هم ببینند باز هم کفر میورزند.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳ - سوالات

- ۱- از مطالب این پاراگراف چه «حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها» میتوان زد؟
- ۲- از آیه ۲ چه «حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها» میتوان زد؟
- ۳- از آیه های ۶ و ۷ چه «حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها» میتوان زد؟
- ۴- آیه های ۴ و ۵ در چه «جهت»ی میباشند؟ (دلدارای پیامبر ص-؟ یا...؟)
- ۵- حالت کلی پاراگراف چگونه است؟ (دلدارای پیامبر ص-؟ یا...؟)

۴ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیه ۲ فهمیده میشود درستی تعلیم پیامبر (ص) و جذابیت قرآن تمام سنگرها را در نوردیده بود ولی اظهار و اعلام گرایش انجام نمیشد و از آیه ۳ فهمیده میشود تعلقات زندگی و عادات و آمال و آرزوهایشان مانع آنها بوده که سخن عقل و دل خویش را پی بگیرند و با قامت راست و قدم محکم جلو بیایند و اظهار ایمان کنند و از آیه های ۶ و ۷ فهمیده میشود آنها علیرغم آنچه در ذهن شان بود رفتاری مخالف آن بروز میدادند، مثلاً آنحضرت را دیوانه خطاب میکردند و معجزه طلبی میکردند ولی واقعا معجزه نمیخواستند و مطابق آیه های ۱۴ و ۱۵ آن را بهانه ای قرار داده بودند که فعلا به وسیله آن از ایمان آوری فرار کنند تا بعدا چه پیش آید اگر هم معجزه ای به آنها ارائه میشد بهانه دیگری می آوردند.

۵ - زاویه با تفاسیر رایج

۱: (المیزان): این سوره پیرامون استهزاء کفار به رسول خدا (ص) سخن می گوید که نسبت جنون به آن جناب داده و قرآن کریم را هذیان دیوانگان خوانده بودند

درس: ای پیامبر! لطف خداوندی در دنیا و آخرت شامل تو و پیروانت میشود و قبول القائات شیطانی آدمی را از دایره این لطف خارج میکند.

۲: ترتیب نزول + خطای عادی تفسیری

المیزان ظرف زمانی «ربما» را آخرت قرار داده، در حالیکه اگر به موقعیت زمانی آیه مذکور دقت کنیم معلوممان میشود که اینک مدت طولانی است که سوره های زیادی بر آنحضرت نازل شده و در قلوب مردم تاثیر گذاشته و خوششان آمده ولی از ترس روسای قبایل جرات نمی کنند ابراز ایمان کنند، لذا موضوع آیه ۲ مردم معمولی است و با موضوع آیه ۶ و پس از آن که روسای قبایل باشند فرق دارد.

۶ - پیشگوئی های تحقق یافته

۱- در آیه ۱ از قرآن نام برده که چنانکه قبلاً دیده ایم یک وعده تحقق یافته است.
۲- در آیه ۲ مطلبی را پیشگوئی کرده که چیزی نگذشت که درستی آن معلوم شد.
۳- این سوره که در سال پنجم قبل از هجرت نازل شده (ر.ک. ترتیب و تاریخ نزول سوره ها - از این قلم - درسایت) در آیه مذکور گفته که عده زیادی از کافران آرزو داشتند که کاش میتوانستند مسلمان شوند. درستی این سخن در فتح مکه معلوم شد که مردم فوج فوج مسلمانان شدند و بدیهی است که حرکت جمعی بدون مقدمه انجام نمی پذیرد و مقدمه اش از نزول این سوره شکل گرفته بوده و ظرف چند سال آنقدر عمیق و وسیع شده که به فوج فوج مسلمان شدن جمعی (پس از رفع مانع) منجر شده است.

۴ - در آیه ۹ میفرماید: البته ما خودمان آن پند را فرستادیم و خودمان هم نگهدارش خواهیم بود.

تا وقتی که قرآن وجود دارد، هر روزی که بگذرد و قرآن وجود و اعتبار خویش را همچنان داشته باشد، و به آن ادامه دهد، درست در آمدن پیشگوئی موجود در آیه فوق نیز، دائماً تازه تر و تازه تر می گردد.

این پیشگوئی از نوع پیشگوئی‌های کِشدار است و تحقق یافتن آن هنوز هم ادامه دارد.

معنی آیه ۹ این است که قرآن محفوظ است و تحریف نخواهد شد و البته می‌دانیم که نشده و این نیز یکی از پیشگوئی‌های تحقق یافته قرآنی و در عداد معجزات است. از این پس نیز امکان تحریف ندارد زیرا میلیون‌ها نسخه از آن در زبانهای مختلف در کتابخانه‌ها و موزه‌ها وجود دارد و قرآن‌شناسان در سراسر جهان هستند. بعلاوه قرآن خود را نور، و وسیله هدایت، و فرق‌گذار بین حق و باطل، و کتابی که باطل هیچگونه راهی به آن ندارد، و موعظه، و پند، و ... نامیده و قرآن موجود نیز همه این مشخصات را دارد (یعنی تاکنون «محفوظ» بوده) البته این دلیلی است بسیار صحیح و کاملاً معقول، اما فقط قرآن‌شناسان هستند که با توجه به این دلیل می‌توانند گواهی عدم تحریف بدهند. اما از لحاظ «سند»ی، چون قرآن همیشه (در تمام این حدود پانزده قمری) نوشته و نگهداری شده و در موزه‌ها موجود است، اشخاص معمولی هم می‌توانند گواهی فوق را بدهند.

۷ - آیات برجسته این پاراگراف

آیه ۹ نه تنها از آیات برجسته این سوره بلکه کل قرآن است که هر دو مولفه برجستگی را بطور کامل دارا می‌باشد، یعنی هم مورد استقبال شدید هنرمندان شده و تابلوهای خوشنویسی زیادی از آن در همه جا دیده میشود و هم بصورت کاشی و معرق کاری در مساجد و زیارتگاه‌ها به وفور ملاحظه میگردد.

۸ - در این پاراگراف، کدام فقرات، فوق ذهنیات معاصران نزول است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

شروع سوره با «الر» است که از حروف مقطعه است، که این عنصر قرآنی هنوز معنی مقنعی نیافته، یعنی معهود بشر امروز نیز نیست، چه رسد به مخاطبان ۱۴۰۰ سال پیش!

آیه های ۴ و ۵ از این لحاظ که مربوط به اقوامی است که در قبل از تاریخ بوده اند، و علم باستان شناسی آنقدر رشد نکرده که ما از اوضاع و احوال آنها مطلع باشیم، برای ما نیز روشن نیست، چه رسد به مخاطبان اولیه این آیات.

همچنین است آیات ۱۰ تا ۱۵.

در آیه های ۷ و ۸ به موجوداتی اشاره شده که معهود ما بشر قرن حاضر هم نیست، چه رسد به مشافهین ۱۴۰۰ سال قبل!

۹- کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها، تقریباً تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث متنی

آیه های ۳ و ۴ پرانتری است، دلیلش هم اینکه اگر چشم خویش را بر آنها بسته و قبل و بعدش را وصل کنیم خواهیم دید روال سخن صاف و یکدست و بی سکنه خواهد شد.

همچنین است موقعیت آیه های ۸ و ۹ که پس از نقل قول مواضع کافرانہ کفارِ معاصرِ نزول، راجع به قسمتی از سخنان آنان که ممکن است شبهه ای بپراکند روشنگری میفرماید.

سررسید مقدر شده

«کتاب معلوم» در آیه ۴ به معنی «سررسید معین» میباشد.

حکمت معجزه نفرستادن علیرغم اصرار کفار

تا کنون بسیار آیاتی را دیده‌ایم که کفار با اصرار از پیامبر(ص) معجزه می‌طلبیدند اما از سوی خداوند با خواسته‌شان موافقت نمی‌شد. در آیه های ۷ و ۸ به بهترین وجه حکمت این عدم موافقت را بازگو می‌کند که اگر معجزه می‌آمد و آنها کماکان اصرار بر کفر خویش می‌کردند در آن صورت دیگر مهلتشان سر می‌رسید و هلاک می‌شدند.

ترجمه تفسیری آزاد

بسم الله الرحمن الرحيم

الف. لام. ر.

این آیات، آیاتی از آن کتابِ آسمانی است، و خواندنیی روشن‌گر است (۱)

ای پیامبر! چه بسا سرانِ کافران دوست میدارند که کاش مسلمان میبودند (۲)
بگذار بخورند و کامروائی کنند و آرزوها سرگرمشان کند و زود باشد که بدانند (۳)

و ما هیچ شهری را هلاک نکردیم مگر اینکه کتابی معلوم داشت (۴) و سرآمد هیچ مردمی نه جلو و نه به تأخیر می افتد (۵)

ای پیامبر! اینان به تو میگویند ای کسی که مدعی هستی که آن پند بر او فرستاده میشود تو حتما دیوانه ای (۶) اگر راست میگویی پس چرا ملائکه را برایمان نیاوردی؟ (۷) در جوابشان بگو ملائکه را جز به حق نازل نمی کنیم و در آنصورت

مهلتی نمی یابید (۸)

البته ما خودمان آن قرآن را فرستادیم و خودمان هم نگهدارش خواهیم بود (۹) و البته قبل از تو نیز در میان مردم گذشته رسولانی فرستادیم (۱۰) و هیچ رسولی بسویشان نیامد مگر اینکه مسخره اش میکردند (۱۱) در دلهای مجرمان چنین راه یافته (۱۲) که به آن حقایق ایمان نیاورند و البته روش اقوام پیشین نیز چنین بوده است (۱۳) و اگر دری از آسمان هم برایشان باز میکردیم و از آن دائما بالا میرفتند (۱۴) باز هم میگفتند جز این نیست که چشمهایمان خطا می بیند و بلکه جادو شده ایم (۱۵)

حجر ۲ آیات ۱۶ تا ۲۵

وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَزَيَّنَّاهَا لِلنَّاظِرِينَ ﴿١٦﴾ وَحَفِظْنَاهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ ﴿١٧﴾ إِلَّا مَنْ اسْتَرَقَ السَّمْعَ فَاتَّبَعَهُ شَهَابٌ مُبِينٌ ﴿١٨﴾ وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْزُونٍ ﴿١٩﴾ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ وَمَنْ لَسْتُمْ لَهُ بِرَازِقِينَ ﴿٢٠﴾ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنْزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ ﴿٢١﴾ وَأَرْسَلْنَا الرِّيَّاحَ لَوَاقِحَ فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَسْقَيْنَاكُمُوهُ وَمَا أَنْتُمْ لَهُ بِخَازِنِينَ ﴿٢٢﴾ وَإِنَّا لَنَحْنُ خُبْرِيٌّ وَنُحْيِي وَنُمِيتُ وَنَحْنُ الْوَارِثُونَ ﴿٢٣﴾ وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنْكُمْ وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَأْخِرِينَ ﴿٢٤﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَحْشُرُهُمْ إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ﴿٢٥﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: ای پیامبر! لطف خداوندی در دنیا و آخرت شامل تو و پیامبران میشود و قبول القائنات شیطانی آدمی را از دایره این لطف خارج می کند.
برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:
درب: نمونه هائی از الطاف الهی که شامل همگان میشود.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَزَيَّنَّاهَا لِلنَّاظِرِينَ ﴿١٦﴾ وَحَفِظْنَاهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ ﴿١٧﴾
إِلَّا مَنْ اسْتَرَقَ السَّمْعَ فَاتَّبَعَهُ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ مُبِينٌ ﴿١٨﴾
ریزدرب: خداوند قادر و عالم آسمان را هم موجد زیبایی، و هم سپر محافظ
از موجودات شرور قرار داده است

۲

وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْزُونٍ ﴿١٩﴾ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا
مَعَايِشَ وَمَنْ لَسْتُمْ لَهُ بِرَازِقِينَ ﴿٢٠﴾
ریزدرب: خداوند قادر و عالم زمین را مناسب برای زندگی قرار داده است

۳

وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنْزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ ﴿٢١﴾
ریزدرب: خداوند قادر و عالم برای زندگی همگان برنامه ریزی دقیق دارد

۴

وَأَرْسَلْنَا الرِّيحَ لَوَاحِجٍ فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَسْقَيْنَاكُمُوهُ وَمَا أَنْتُمْ لَهُ بِخَازِنِينَ ﴿٢٢﴾
ریزدرب: خداوند قادر و عالم بوسیله بادهای هم نباتات را بارور، و هم باران
نازل میکند

۵

وَإِنَّا لَنَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَنَحْنُ الْوَارِثُونَ ﴿٢٣﴾ وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنْكُمْ وَلَقَدْ عَلِمْنَا
الْمُسْتَأْخِرِينَ ﴿٢٤﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَحْشُرُهُمْ إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ﴿٢٥﴾

ریزدرب: خداوند قادر و عالم زندگی و مرگ و پس از مرگ را اداره میفرماید

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبَّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ می فرماید: ای پیامبر! معجزه بزرگ را به تو داده ایم، اما این کافران قابلیت درک آن را ندارند. پس، دلگرم باش، وبه آنها اهمیتی مده، و کار رسالتت را کما کان پیگیری باش. در این پاراگراف می فرماید: ای پیامبر! توجه همگان وبخصوص کافران را به اینهمه آیات صنع، و آیات لطف ورحمت، و آیات نعمت الهی جلب کن.

۴- حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیه های ۱۷ و ۱۸ معلوم میشود که مخالفان فعال آنحضرت منشاء تعالیم او را شیطانی و حاصل استراق سمع شیاطین معرفی میکرده اند.

۵- زاویه با تفاسیر رایج

(آیه ۲۱): ترتیب نزول + خطای عادی تفسیری

المیزان برای تفسیر آیه ۲۱ (وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنْزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ) نزدیک به ۹ صفحه مطلب فرموده، و از انبار و محافظت و رزق و شیء و قدر گفته و فلسفه هائی مطرح کرده و چه و چه که همگی حاکی از قرار نگرفتن در مسیر درک مطلب است و همه اش هم زائد.

واقعیت مطلب این است که محتوای سوره حجر با توجه به ترتیب نزول و با توجه به «الر»ی اول آن در جهت دلداری به آنحضرت است و آیه مذکور هم در پاراگرافی واقع است که به قدرت های الهی اشاره میکند و فحوایش این است که «ای فرستاده ما، ما چنین قدرتی داریم و نگران مباش»

در آن زمانها هم یکی از مولفه های قدرت ثروت بود و یکی از مولفه های ثروت هم وجود «انبارهائی که سرشار از همه چیز است» بود و پس از آیه مذکور نیز به سایر عناصر قدرتی اشاره فرموده است.

چیزی که با توجه به ترتیب نزول و درس و درب و ریزدرب به این سهولت فهمیده میشود، چرا خود را به چنان زحمتی بیفکنیم و تازه موفق هم نشویم!

۶ - پیشگوئی های تحقق یافته

در رابطه با آیه ۱۶ در مفهوم «برج»، «بازگشت به نقطه ابتدائی، پس از انجام یک دور گردش» نهفته است، و با توجه به بنیة علمی زمان نزول این آیه، یک معجزه علمی است.

با توجه به «درب»، «بینندگان» آخر آیه ۱۶ ما انسانها هستیم. و موضوع زیبایی آسمان امر واضحی است و همواره در شعر شاعران و نوشته های ادیبان مطرح بوده است.

۷ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه های ۲۳ تا ۲۵ «قیامتی» است، و هیچ بنی بشری تجربه اش را ندارد، و قبل از قیامت نخواهد داشت، لذا، چه در آن روزهای نزول وحی و چه الی یوم القیامه بالاتر از ذهنیات بشر خواهد بود.

مکانیزم اجرائی آیه های ۱۶ تا ۱۸ برای ما ساکنان قرن ۲۱ نیز روشن نیست چه رسد مخاطب های اولیه! همچنین است آیات ۱۹ تا ۲۱.

۸ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها، تقریباً تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث متنی

آیه ۲۱ بدون اینکه فرع بر آیه ای باشد پُرانتزی است و دلیلش هم اینکه اگر چشم خویش را بر آن بندیدیم و قبل وبعد آن را به یکدیگر وصل کنیم خواهیم دید روال سخن صاف و یکدست تر می شود.

«حفاظ» بودن آسمان

در مورد «حفاظ» بودن آسمان تاکنون بسیار آشنا شده ایم. در سوره های رحمان و

جن، صافات، ص، و چندین جای دیگر ذکر شده و ما هم شرحی عرض کرده‌ایم.

«فضائی‌ها» یک خرافه پولساز است

با توجه به آیه‌های ۱۶ تا ۱۸، معلوم میشود این همه فیلم و سریالی که در باره «خطر فضائی‌ها» و این که به زمین و منابعش طمع دارند و از تکنولوژی بالاتر برخوردارند و هر لحظه ممکن است به زمین حمله کنند و مردم زمین را برده، و منابع زمین را غارت کنند، و در این باره بیشمار فیلم و سریال و بازی کامپیوتری ساخته شده و میلیاردها دلار را روانه جیب‌های گشاد کمپانی‌های سازنده این نوع اباطیل نموده‌اند و همچنان دارند ادامه می‌دهند.

این جریان تا کی ادامه خواهد داشت؟

تا وقتی که آیات فوق‌الذکر به چشم و گوش اکثر مردم جهان برسد.

لذا از همین یک نمونه (که در قرآن کم هم نیست) می‌فهمیم که جریان‌ات حاکم بر کل جهان، نان نادانی و قرآن ندانی اکثریت مردم جهان را می‌خورند!!!

ترجمه تفسیری آزاد

و البته در آسمان برج‌هائی قرار دادیم و آنرا برای بینندگان تزئین کردیم (۱۶) و از هر شیطان رانده شده‌ای حفظ نمودیم (۱۷) و اگر موجودی خیال استراق سمعی کند شهابی فروزان در پی او می‌افتد (۱۸) و زمین را گسترانیدیم و در آن لنگرهای قرار دادیم و از هر چیزی موزون در آن رویاندیم (۱۹) و در آن برایتان روزی‌هائی قرار دادیم و نیز برای موجودات دیگری که روزی‌شان بر عهده ما است (۲۰) و هیچ چیزی نیست مگر اینکه نزد ما گنجینه‌هائی از آن است و ما البته جز به اندازه‌ای معلوم نازل نمی‌کنیم (۲۱) و باده‌ها را بارور کننده می‌فرستیم و از آسمان آبی نازل و شما را با آن سیراب می‌نمائیم در حالیکه شما نسبت به خزانه آنها اختیاری ندارید (۲۲) و ما البته خودمان زنده می‌کنیم و می‌میرانیم و خودمان وارثانیم (۲۳) و البته هم پیشینیان شما را می‌شناسیم و هم پسینیان تان را (۲۴) و پروردگارت آنها را

گَرْد می آورد که او دانا و حکیم است (۲۵)

حجر ۳ آیات ۲۶ تا ۵۰

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ ﴿٢٦﴾ وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَارِ السُّمُومِ ﴿٢٧﴾ وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ ﴿٢٨﴾ فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ ﴿٢٩﴾ فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ ﴿٣٠﴾ إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى أَنْ يَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ ﴿٣١﴾ قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا لَكَ أَلَّا تَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ ﴿٣٢﴾ قَالَ لَمْ أَكُنْ لَأَسْجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ ﴿٣٣﴾ قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ ﴿٣٤﴾ وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ ﴿٣٥﴾ قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ ﴿٣٦﴾ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ ﴿٣٧﴾ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ﴿٣٨﴾ قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٣٩﴾ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ ﴿٤٠﴾ قَالَ هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ ﴿٤١﴾ إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ ﴿٤٢﴾ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٤٣﴾ هَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَقْسُومٌ ﴿٤٤﴾ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿٤٥﴾ ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِينَ ﴿٤٦﴾ وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ إِخْوَانًا عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ ﴿٤٧﴾ لَا يَمَسُّهُمْ فِيهَا نَصَبٌ وَمَا هُمْ مِنْهَا بِمُخْرَجِينَ ﴿٤٨﴾ نَجِئْ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿٤٩﴾ وَ أَنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ ﴿٥٠﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:

طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: ای پیامبر! لطف خداوندی در دنیا و آخرت شامل تو و پیامبران میشود و قبول

القائات شیطانی آدمی را از دایره این لطف خارج می کند.
 برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:
درب: شیطان و تشریح فرایند گول زدن انسان و ذکر برخی از نمونه ها از الطاف الهی که در آخرت شامل پیروان پیامبر- ص- می شود .

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ ﴿٢٦﴾ وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَارِ السَّمُومِ ﴿٢٧﴾

ریز درب: ای پیامبر! لاجرم ماده اولیه انسان، نسبتی با «پائین» دارد.

۲

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ ﴿٢٨﴾ فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ ﴿٢٩﴾ فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ ﴿٣٠﴾ إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى أَنْ يَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ ﴿٣١﴾ قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا لَكَ أَلَّا تَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ ﴿٣٢﴾ قَالَ لَمْ أَكُنْ لَأَسْجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ ﴿٣٣﴾ قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ ﴿٣٤﴾ وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ ﴿٣٥﴾ قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿٣٦﴾ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ ﴿٣٧﴾ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ﴿٣٨﴾ قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٣٩﴾ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُتَخَلِّصِينَ ﴿٤٠﴾ قَالَ هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ ﴿٤١﴾ إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنْ اتَّبَعَكَ مِنْ الْغَاوِينَ ﴿٤٢﴾ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٤٣﴾ هَا سَبْعَةُ أَنْبَاءٍ لِكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَقْسُومٌ ﴿٤٤﴾

ریزدرب : اکثر انسانها طوری هستند که شیطان در آنها طمع میکند و برایشان برنامه ریزی دارد، و تقوادرها در عالم انسانیت جزء اقلیت میباشند.

۳

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿٤٥﴾ ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِينَ ﴿٤٦﴾ وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ إِخْوَانًا عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ ﴿٤٧﴾ لَا يَسْهَمُ فِيهَا نَصَبٌ وَمَا هُمْ مِنْهَا بِمُخْرِجِينَ ﴿٤٨﴾
ریزدرب : در زندگی بعدی، تقوادرها زندگی مطلوب خواهند داشت.

۴

نَبِيُّ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿٤٩﴾ وَأَنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ ﴿٥٠﴾
ریزدرب : ای پیامبر! به مردم یاد بده که هم به خداوند امیدوار، و هم از او ترس به دل داشته باشند.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبَّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ می فرماید: ای پیامبر! معجزه بزرگ را به تو داده ایم، اما این کافران قابلیت درک آن را

ندارند. پس، دلگرم باش، وبه آنها اهمیتی مده، وکار رسالت را کما کان پیگیر باش. در پاراگراف ۲ می فرماید: ای پیامبر! توجه همگان وبخصوص کافران به اینهمه آیات صنع، وآیات لطف ورحمت، وآیات نعمت الهی جلب کن. در این پاراگراف می فرماید: ای پیامبر! علت مخالفت این کفار همان علتی است که ابلیس از فرمان خداوندت سرپیچید، لذا به آنها اهمیتی مده و کار رسالت را کما کان پیگیر باش و پیروانت را که خود را از وسوسه های شیطانی دور نگه میدارند به موقعیت عالی آخرتی شان مژده ده.

۴ - سوالات

- ۱- «اغوا»ئی که ابلیس در باره خویش به خداوند نسبت داد چه توضیحی دارد؟ (نهایت بی ادبی؟ نهایت بی علمی؟ یا....؟)
- ۲ - قلمرو نفوذ شیطان نسبت به انسان کجاست؟ (فقط ذهن علاقمندان؟ یا....؟)
- ۳ - منظور از «لعنت» (آیه ۳۵) چیست؟
- ۴ - «معلوم» (آیه ۳۸) از نظر چه کسی معلوم است؟
- ۵ - طرز سخن گفتن آیه ۴۱، از چه نوع است؟ (به زبان مخاطب؟ یا....؟)

۵ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه های ۲۶ و ۲۷ از این لحاظ که به زبانی سمبولیک برهه ای از تکوین نوع انسان را مطرح میکند، و زبان راسته و سره را بکار نمیگیرد، خودش نشانه ای از این دارد که موضوع مربوطه دارای پیچیدگی هایی است که برای توضیح آن نمیتوان زبان راسته و سره را بکار گرفت.

بعدا چه دانشمندان مسلمان و چه چند قرن بعد دانشمندان اروپائی روی موضوع پیدایش انسان در روی زمین تحقیقات مفصل انجام دادند، تا اینکه در قرن ۱۹ میلادی نظریه «اصل انواع» ظهور یافت و این آیه ها مفهوم شد.

لذا آیه های مذکور فوق ذهنیات مخاطبان اولیه بوده است. آیات ۲۸ تا ۴۲ هنوز هم فهمیده نشده، یعنی تا حالا هم معهود بشر قرن بیست و یکم نیست چه رسد به مشافهین ۱۴۰۰ سال قبل. آیه های ۴۳ تا ۴۸ «قیامتی» است، و هیچ بنی بشری تجربه اش را ندارد، و قبل از قیامت نخواهد داشت، لذا، چه در آن روزهای نزول وحی و چه الی یوم القیامه بالاتر از ذهنیات بشر خواهد بود.

۶- کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها، آیه های ۲۷ و ۲۸ و ۳۶ تا ۴۳ و ۴۴ و ۴۷ «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

باز هم داستان آفرینش

در پاراگراف قبل چیزهائی راجع به زمین و پیدایش آن و آماده شدن برای زندگی بشر دیدیم.

در اینجا مطالبی راجع به پیدایش انسان در روی زمین می بینیم. اینکه آفرینش انسان را «از گلی خشکیده از گلی سیاه متعفن» قلمداد نموده، با توجه به مطالب پاراگراف قبل که «مقدماتی» را برای پیدایش برشمرده و گویی که آسمان و زمین را چنان ساخته و چنان آماده نموده تا به حالتی برسد که بتواند انسان را در خود بوجود آورده و پرورش دهد، نشان دهنده این حقیقت است که پیدایش انسان طی فرآیندی طولانی صورت پذیرفته و تصور سنتی پیدایش آدم که بر طبق آن خداوند، مانند مجسمه سازان، مشتی از خاک برگرفت و آن را نرم کرد و سپس شکل داد و آنرا مانند مجسمه ای ساخت و سپس پرداخت، و آنگاه در آن فوت کرد و اولین انسان بدینسان پیدایش یافت، با این طرز بیان، و بخصوص مقدماتی که

در پاراگراف قبل آمده مطابقت ندارد.

البته در همینجا باید بگوییم که قسمتهایی از داستان پیدایش انسان، در سوره‌های اسراء، طه، همین سوره و سپس اعراف، کهف و بقره، مورد اشاره قرار گرفته است که مجموعاً درک نسبتاً خوبی بما می‌دهد.

اما آنچه تاکنون، در سوره‌های اسراء و این سوره دیده‌ایم، تصور «خداوند مجسمه- ساز» را کمرنگ می‌کند و بجای آن تصویری از خداوند می‌نشانند که حکیم است و دارای برنامه‌ریزی بلند مدت است که پیدایش آدمی را در روی زمین متأخر بر مقدمات طولانی چندین میلیون ساله قرار داده که از روی علم و براساس قواعد و قوانین علمی معقول و منطقی و قابل فهم عمل می‌کند و هدف و منظور حکیمانه‌ای از این آفرینش دارد که رشد و ساخته شدن شخصیت آدمی نیز جزئی از آن منظور است و یکی از وسایل آن نیز وجود شیطان و ایادی اوست که آدمی را گول بزند و آدمی پس از گول خوردن تنبه پیدا کند و در اثر این تنبه در نردبان پیشرفت شخصیتی بشریتی، یک پله بالاتر برود.

اینک پس از این مقدمه بهتر است به داخل پاراگراف برگشته و روی بعضی کلمات و آیات توقف و تمرکزی بنمائیم:

«گلی خشکیده از گلی سیاه متعفن» نزدیک‌ترین بیان است به مفهوم رسوبات کف دریاها که منشاء پیدایش اولیه‌ترین تک یاخته‌ای‌ها است که همه انواع حیات زمین از آنها بوجود آمده است.

سجده ملائکه: بین مطالب آیه ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ چقدر فاصله زمانی بود؟

طرز بیان مطلب (به خصوص با توجه به آیه ۲۹) طوری است که به وضوح این نکته را القاء می‌کند که موضوع این هر سه آیه، در یک جلسه واقع شده و هنوز آدم آفریده نشده بود.

در حالیکه هنوز آدم آفریده نشده، ملائکه به چه چیزی سجده کردند؟

یادآوری آیه ۱ سوره دهر بما کمک می‌کند.

مطابق آیه ۲۹ این سوره، آدم هنوز آفریده نشده، اما مطابق آیه ۱ سوره دهر در علم خدا (و به زبان امروزی در نرم افزار پرونده آفرینش انسان) هست و ملائکه به آنچه که در آن نرم افزار بود سجده کردند و بعبارت دیگر ملائکه به «انسان بالقوه» سجده کردند نه به «انسان بالفعل»

ملائکه: در زبان قرآن، بخصوص اگر به بعضی قسم‌های اوایل سوره‌ها توجه کنیم «ملائکه»، نماد «عوامل کارگزاری» امور مختلف این جهان هستند.

سجده ملائکه بر آدم: بطور نمادین، به معنی «هماهنگ شدن کلیه عوامل هوشمند کارگزاری کل جهان با برنامه آفرینش انسان» است بطوریکه زندگی انسان در این جهان، با حداکثر هماهنگی عوامل کارگزاری و کمترین مشکل مواجه باشد.

یعنی اینکه همه عوامل (و به تفسیر سعدی ابر و باد و مه و خورشید و فلک و همه بی‌نهایت عوامل دیگر) دست به دست هم بدهند تا «پروژه ساخته شدن شخصیت بشریت در این زمین با حداکثر راندمان و کمترین ضایعات» پیش برود.

من از او بالاترم: با توجه به آیه ۳۳ به فرض صحت تصور ابلیس مبنی بر کم ارج‌تر بودن گل بر آتش، اینکه خداوند از چیزی که از ماده اولیه کم ارج‌تری ساخته شده، چیزی بوجود بیاورد که بالاتر از چیزی شود که ماده اولیه‌اش ارجمندتر بوده، درجه عالی قدرت خالقیت و هنرمندی خداوند متعال را می‌رساند و جای ایرادی نیست و از همینجا معلوم می‌شود منطق ابلیسی، منطقی ظاهربینانه و غیرعمیق است.

چنین و چنان خواهیم کرد: توجه در آیه ۳۹ نیز این نکته را برایمان روشن می‌کند که منطق ابلیسی منطقی بسیار خودبین و کوتاه‌فکرانه است.

(تو که وجودت از خداست، در ملک خداست، با نیرو و قوت خدا کار میکنی، آیا می‌توانی علیرغم خواست خدا کاری کنی؟ آنچه را که تو فکر می‌کنی برای تشفی غیظ و غضب انجام می‌دهی، خودش چیزی است که قبلاً برنامه‌ریزی شده و تو فقط فکر می‌کنی که «بطور مستقل» انجام دهنده‌اش هستی)

گمراه‌شدگان عمدی: (مطابق شرحی که در سوره نجم راجع به واژه «غی» عرض

کردیم)، شخصی کاری می‌کند و در اثر آن کار گمراه می‌شود، این شخص «گمراه عمدی» است، مانند کسی که مواد مخدر مصرف می‌کند و در اثر آن از جاده عقل و فضیلت خارج می‌شود و بعبارت دیگر گمراه می‌شود. چنین شخصی این گمراهی را خودش برای خودش ایجاد کرده و معنی «غاوین» که در متن آیه ۴۲ آمده، نزدیک به همین مفهوم است.

هفت درب

در آیه ۴۴ درباره جهنم توصیفی ندارد فقط به ذکر این نکته کفایت نموده که جهنم هفت درب دارد که هر کدام برای قسمتی از آنان است. اینکه جهنم هفت درب داشته باشد چه اهمیتی دارد؟ مثلاً اگر شش یا هشت درب می‌داشت چه فرقی می‌کرد؟ باید توجه داشته باشیم که مفاهیمی مانند قیامت و جهنم و بهشت و امثال آنها، چیزهایی است که ما هیچ راهی برای درک آنها نداریم. همانطور که چنین داخل رحم هیچ راهی برای درک این جهان ندارد. همینطور است درباره جهنم و اینکه «درب» هایش هفت تاست. باید بدانیم قرآن به زبان مخاطب صحبت کرده و باید بفهمیم که «هفت درب» یعنی «راه‌های ورودی متعدد». و چنین بنظر می‌رسد که علت متعدد بودن راه‌های ورودی طبقه‌بندی آنها برحسب نوع گناهان باشد. اما در هر حال، هرچه باشد، فرقهایی با هم دارند و ورودی‌هایشان جداست و شاید هم «هفت درب» کنایه‌ای از این باشد که «در اول» ورودی اصلی است و آنچه بین «در اول» و «در دوم» هست جایگاه کسانی است «جرائم سبک‌تر» دارند تا آنکه به در هفتم برسد که آنها «جهنمی در جهنمی در جهنمی...» بوده، و صاحب بدترین و سنگین‌ترین و غیرقابل بخشش‌ترین گناهان باشند که جایشان در آنجا است.

خوف و رجا

در قرآن آیاتی از قبیل «ادعوا ربکم تضرعا و خفیه» و همطراز با آن زیاد است و آیه های ۴۹ و ۵۰ نیز یکی از آن آیات همطراز است.

ترجمه تفسیری آزاد

و انسان را از گلی خشکیده از گلی سیاه متعفن آفریدیم (۲۶) و جن را هم قبلا از آتشباد آفریده بودیم (۲۷) و هنگامیکه پروردگارت به ملائکه گفت که من آفریدگار بشری از گلی خشکیده از گلی سیاه میباشم (۲۸) و هنگامیکه او را ساخته و پرداخته کردم و از روح خویش در او دمیدم برایش به سجده افتید (۲۹) و ملائکه همگی سجده کردند (۳۰) مگر ابلیس که سرپیچید که از ساجدان باشد (۳۱) خداوند او را گفت ای ابلیس چه ات شده که از ساجدان نیستی؟ (۳۲) گفت من سجده کننده کسی نیستم که او را از گلی خشک از گلی سیاه آفریده ای (۳۳) گفت پس، از آن موقعیت خارج شو که تو رانده شده ای (۳۴) و البته تا روز قیامت بر تو لعنت خواهد بود (۳۵) گفت پروردگارا مرا تا روزی که برانگیخته می شوند مهلت ده (۳۶) گفت تو از مهلت یافتگانی (۳۷) تا روزی که وقت آن معلوم است (۳۸) گفت پروردگارا به سبب آن گمراهی که برایم روا داشته ای در روی زمین برای آنان چیزهایی را زینت خواهم داد و همگیشان را گمراه خواهم کرد (۳۹) مگر بندگان خالص شده ات را (۴۰) گفت همین راهی است مستقیم که بر عهده من است (۴۱) البته درباره بندگانم بدان که بر آنان تسلطی نداری، مگر کسانی از گمراه شدگان که پیرویت کنند (۴۲)

والبته جهنم وعده گاه همگی شان است (۴۳) هفت درب دارد و هر دری برای قسمتی از آنان است (۴۴)

و تقواداران البته در بهشت ها و چشمه سارهایی میباشند (۴۵) به آنان خطاب می شود با امنیت و سلامت داخل شوید (۴۶) و هر کینه ای را از دلهاشان میزدائیم. برادروار بر تختهایی روبروی یکدیگر تکیه خواهند زد (۴۷) و در آن نه رنجی به آنان میرسد و نه از آن اخراج میشوند (۴۸) ای پیامبر! به بندگانم خبر ده که من البته خودم آن آمرزگار مهربان هستم (۴۹) و عذابم نیز البته عذابی دردناک است (۵۰)

حجر ۴ آیات ۵۱ تا ۸۴

وَنَبِّئُهُمْ عَنْ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ ﴿٥١﴾ إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ إِنَّا مِنْكُمْ وَجَلُونَ ﴿٥٢﴾ قَالُوا لَا تَوْجَلْ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ ﴿٥٣﴾ قَالَ أَبَشْرُتُمُونِي عَلَى أَنْ مَسَّنِيَ الْكِبَرُ فِيمَ تَبَشِّرُونَ ﴿٥٤﴾ قَالُوا بَشْرْنَاكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُنْ مِنَ الْقَانِطِينَ ﴿٥٥﴾ قَالَ وَمَنْ يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ ﴿٥٦﴾ قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ ﴿٥٧﴾ قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَى قَوْمٍ مُجْرِمِينَ ﴿٥٨﴾ إِلَّا آلَ لُوطٍ إِنَّا لَمُنَجِّيهِمْ أَجْمَعِينَ ﴿٥٩﴾ إِلَّا امْرَأَتَهُ قَدَرْنَا إِنَّمَا لِمَنِ الْغَابِرِينَ ﴿٦٠﴾ فَلَمَّا جَاءَ آلَ لُوطٍ الْمُرْسَلُونَ ﴿٦١﴾ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ ﴿٦٢﴾ قَالُوا بَلْ جِنَّاتِكَ بِمَا كَانُوا فِيهِ يَمْتَرُونَ ﴿٦٣﴾ وَآتَيْنَاكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ ﴿٦٤﴾ فَأَسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ اللَّيْلِ وَاتَّبِعْ أَدْبَارَهُمْ وَلَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ أَحَدٌ وَامْضُوا حَيْثُ تُؤْمَرُونَ ﴿٦٥﴾ وَقَصَصْنَاهُ إِلَيْهِ ذَلِكَ الْأَمْرَ أَنَّ دَابِرَ هَؤُلَاءِ مَقْطُوعٌ مُصْبِحِينَ ﴿٦٦﴾ وَجَاءَ أَهْلَ الْمَدِينَةِ يَسْتَبْشِرُونَ ﴿٦٧﴾ قَالَ إِنَّ هَؤُلَاءِ ضَيْفِي فَلَا تَفْضَحُونِ ﴿٦٨﴾ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْزَوْنَ ﴿٦٩﴾ قَالُوا أَوْلَمْ نَنْهَكَ عَنِ الْعَالَمِينَ ﴿٧٠﴾ قَالَ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ ﴿٧١﴾ لَعَنَكَ إِهْمٌ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿٧٢﴾ فَأَخَذَتْهُمُ الصَّبْحَةُ مُشْرِقِينَ ﴿٧٣﴾ فَجَعَلْنَا عَلَيْهِمَا سَافِلِيهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِنْ سِجِّيلٍ ﴿٧٤﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ ﴿٧٥﴾ وَإِنَّمَا لِبَسِيلٍ مُّقِيمٍ ﴿٧٦﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ ﴿٧٧﴾ وَإِنْ كَانَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ لَطَالِمِينَ ﴿٧٨﴾ فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ وَإِنَّمَا لِيَاثِمٍ مُّبِينٍ ﴿٧٩﴾ وَلَقَدْ كَذَّبَ أَصْحَابُ الْحِجْرِ الْمُرْسَلِينَ ﴿٨٠﴾ وَآتَيْنَاهُمْ آيَاتِنَا فَكَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ ﴿٨١﴾ وَكَانُوا يُنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا آمِنِينَ ﴿٨٢﴾ فَأَخَذَتْهُمُ الصَّبْحَةُ مُضْجِعِينَ ﴿٨٣﴾ فَمَا أَغْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٨٤﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:

طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: ای پیامبر! لطف خداوندی در دنیا و آخرت شامل تو و پیامبران میشود و قبول القائات شیطانی آدمی را از دایره این لطف خارج می کند.
برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:
درب: نمونه ای از الطاف الهی که در همین جهان شامل یکی از صالحان شد و نمونه ای از اقوام تکذیبگر گناه پیشه که خود را از دایره الطاف الهی خارج کردند.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

وَنَبِّئُهُمْ عَنْ صَيفِ إِبْرَاهِيمَ ﴿٥١﴾ إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ إِنَّا مِنْكُمْ وَجَلُونَ ﴿٥٢﴾
قَالُوا لَا تَوْجَلْ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ ﴿٥٣﴾ قَالَ أَبَشْرْتُمُونِي عَلَى أَنْ مَسَّنِيَ الْكِبَرُ فِيمَ تَبْشِرُونَ
﴿٥٤﴾ قَالُوا بَشْرْنَاكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُن مِنَ الْقَانِطِينَ ﴿٥٥﴾ قَالَ وَمَنْ يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا
الصَّالُونَ ﴿٥٦﴾

ریز درب: نمونه ای از الطاف الهی که در همین جهان شامل یکی از صالحان شد.

۲

قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ ﴿٥٧﴾ قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَى قَوْمٍ مُجْرِمِينَ ﴿٥٨﴾ إِلَّا آلَ لُوطٍ
إِنَّا لَمُنَجُّوهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٥٩﴾ إِلَّا امْرَأَتَهُ قَدَرْنَا إِنَّمَا لِمَنِ الْغَابِرِينَ ﴿٦٠﴾ فَلَمَّا جَاءَ آلَ لُوطٍ
الْمُرْسَلُونَ ﴿٦١﴾ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ ﴿٦٢﴾ قَالُوا بَلْ جُنُنَاكَ إِنَّمَا كَانُوا فِيهِ يَمْتَرُونَ ﴿٦٣﴾
وَأَتَيْنَاكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ ﴿٦٤﴾ فَأَسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ اللَّيْلِ وَاتَّبِعْ أذْيَارَهُمْ وَلَا يَلْتَفِتْ

مِنْكُمْ أَحَدٌ وَامْضُوا حَيْثُ تُؤْمَرُونَ ﴿٦٥﴾ وَقَضَيْنَا إِلَيْهِ ذَلِكَ الْأَمْرَ أَنَّ دَابِرَ هَؤُلَاءِ مَقْطُوعٌ مُصْبِحِينَ ﴿٦٦﴾ وَجَاءَ أَهْلَ الْمَدِينَةِ يَسْتَبْشِرُونَ ﴿٦٧﴾ قَالَ إِنَّ هَؤُلَاءِ ضَيْفِي فَلَا تَفْضَحُونِ ﴿٦٨﴾ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْزُونِ ﴿٦٩﴾ قَالُوا أَوَلَمْ نُنْهَكَ عَنِ الْعَالَمِينَ ﴿٧٠﴾ قَالَ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ ﴿٧١﴾ لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿٧٢﴾ فَأَخَذَهُمُ الصَّيْحَةُ مُشْرِقِينَ ﴿٧٣﴾ فَجَعَلْنَا عَلَيْهِمَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِنْ سِجِّيلٍ ﴿٧٤﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّعِينَ ﴿٧٥﴾ وَإِنَّا لَبَسِيلٌ مُّقِيمٌ ﴿٧٦﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ ﴿٧٧﴾

ریزدرب : نمونه‌ای از یک قوم تکذیبگر گناه پیشه که خود را از دایره الطاف الهی خارج کرد.

۳

وَإِنْ كَانَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ لظَالِمِينَ ﴿٧٨﴾ فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ وَإِنَّهُمْ لِبِأَمَامٍ مُّبِينٍ ﴿٧٩﴾

ریزدرب : نمونه‌ای از یک قوم تکذیبگر گناه پیشه که خود را از دایره الطاف الهی خارج کرد.

۴

وَلَقَدْ كَذَّبَ أَصْحَابُ الْحِجْرِ الْمُرْسِلِينَ ﴿٨٠﴾ وَآتَيْنَاهُمْ آيَاتِنَا فَكَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ ﴿٨١﴾ وَكَانُوا يُنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا آمِنِينَ ﴿٨٢﴾ فَأَخَذَهُمُ الصَّيْحَةُ مُصْبِحِينَ ﴿٨٣﴾ فَمَا أَغْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٨٤﴾

ریزدرب : نمونه‌ای از یک قوم تکذیبگر گناه پیشه که خود را از دایره الطاف الهی خارج کرد.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبَّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ می فرماید: ای پیامبر! معجزه بزرگ را به تو داده ایم، اما این کافران قابلیت درک آن را ندارند. پس، دلگرم باش، وبه آنها اهمیتی مده، وکار رسالت را کما کان پیگیر باش.

در پاراگراف ۲ می فرماید: ای پیامبر! توجه همگان وبخصوص کافران را به اینهمه آیات صنع، وآیات لطف ورحمت، وآیات نعمت الهی جلب کن.

در پاراگراف ۳ می فرماید: ای پیامبر! علت مخالفت این کفار همان علتی است که ابلیس از فرمان خداوندت سرپیچید، لذا به آنها اهمیتی مده و کار رسالت را کما کان پیگیر باش و پیروانت را که خود را از وسوسه های شیطانی دور نگه میدارند به موقعیت عالی آخرتی شان مژده ده.

در این پاراگراف می فرماید: ای پیامبر! به پیروانت دلداری ده که اگر بر این آموزه ها پای بفشارند بعید نیست که خداوند با آنان چنان رفتاری کند، وچنان نعمت هائی به آنان روا دارد که نسبت به پیامبران برجسته اش روا داشته است. و ای پیامبر! به این قوم هشدار ده که خیره سری را از حدودی نگذرانند زیرا ممکن است به عذاب هلاکت دستجمعی گرفتار شوند .

۴- سوالات

۱ - منظور از «خطب» (آیه ۵۷) چیست؟

۲ - منظور از «غابرین» (آیه ۶۰) چیست؟

۳ - فاعل فعل «قضینا» (آیه ۶۶) کیست؟

- ۴ - قوم لوط دنبال لواط بودند، لذا آیه ۷۱ چه توجیهی دارد؟
- ۵ - در آیه ۷۱ «بنات»، به چه معنی بکار رفته؟ (لغوی یا اصطلاحی؟)
- ۶ - معنی اصطلاحی «بنات» مذکور چیست؟ (جنس مونث از امت من؟ جنس مونث از قوم من؟ یا.....؟)
- ۷ - سکانس عملیاتی آیه ۷۴ را پیشنهاد کنید (اول زیر و رو کردن و سپس سنگباران سجّیل؟ یا اول سنگباران سجّیل و در نتیجه آن، زیر و رو شدن؟ یا.....؟)
- ۸ - چه سابقه ای از مطالب این پاراگراف در سوره های قبل دارید؟
- ۹ - منظور از سوره های قبل چیست؟ (به ترتیب نزول؟ به ترتیب رایج؟ یا.....؟)
- ۱۰ - منظور از «امام» (آیه ۷۹) چیست؟
- ۱۱ - منظور از «امام مبین» (همان آیه) چیست؟
- ۱۲ - منظور از «آیات» (آیه ۸۱) چیست؟
- ۱۳ - چرا در آیه ۷۹ فرموده «آنهما» (= آن هردو)؟ واضح است یکی از آنها «اصحاب الایکه» (آیه ۸۷) است، منظور از دومی کیست؟
- ۱۴ - با توجه به آیه ۸۰، اصحاب حجر چند پیامبر داشتند؟
- ۱۵ - بطور کلی منظور از آیه ۸۲ چیست؟ (آیا «آمنین» صفت «بیوتا» است یا صفت فاعلین فعل «ینحتون»؟ یا.....؟)

۵ - زاویه با تفاسیر رایج

(آیه ۷۸) : (المیزان) : «انهما لبامام مبین» (یعنی - آثار - آنها در شاهراهی قرار دارند)، المیزان، «شاهراه» را راه بازرگانی «مدینه-شام» گرفته، در حالیکه از لحاظ ترتیب نزول، این سوره چند سال قبل از هجرت نازل شده و شاهراه مربوط به «مکه-شام» است.

۶- پیشگوئی های تحقق یافته

در آیات ۵۱ تا ۵۶ الطافی را که به حضرت ابراهیم شده به یاد می آورد با این پیشگوئی تلویحی که ای پیامبر برای تو نیز الطاف خودمان را منظور کرده ایم که به وقتش ارائه میکنیم.

در آیات ۵۷ تا ۸۴ سرگذشت دو قوم از اقوام پیشین را ذکر کرده که اصرار در تکذیب و نافرمانی پیامبرشان سبب اضمحلالشان شد، و در این یک پیشگوئی تلویحی نهفته است که ای پیامبر فعالان مخالفان تو نیز بزودی تغییر رویه خواهند داد یا مضمحل خواهند گردید.

۷- در این پاراگراف، کدام فقرات، فوق ذهنیات معاصران نزول است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه های ۵۱ تا ۸۴ از این لحاظ که مربوط به اقوامی است که در قبل از تاریخ بوده اند، و علم باستان شناسی آنقدر رشد نکرده که ما از اوضاع و احوال آنها مطلع باشیم، برای ما نیز روشن نیست، چه رسد به مخاطبان اولیه این آیات.

مکانیزم اجرائی آیه های ۷۳ و ۷۴ و ۸۳ برای ما ساکنان قرن ۲۱ نیز روشن نیست چه رسد مخاطب های اولیه!

در آیه های ۵۱ تا ۶۰ به موجوداتی اشاره شده که معهود ما بشر قرن حاضر هم نیست، چه رسد به مشافهین ۱۴۰۰ سال قبل!

۸ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها، تقریباً تمام عناصر مربوط به داستان حضرت لوط در این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

چند برداشت کوتاه و مستقیم

آیه ۷۳: فرضیه ما را راجع به «انفجار» و «انفجار مهیب» و بلکه «انفجار عظیم» تأیید می‌کند.

آیه ۷۴: «سجّیل» چنانکه مرحوم آیت‌الله طالقانی در تفسیر «پرتوی از قرآن» خویش در باره تفسیر سوره فیل اشاره نموده، آنرا معرّب «سنگ - گِل» قلمداد نموده، در این مورد کاملاً مفهوم است. تصور کنید در اثر انفجار مهیب، تمام شهر از جا کنده شده، و به آسمان پرتاب شده، و در آنجا چرخ خورده، و به زمین برگردد. پس از «افتادن» چنین چیز عظیمی، مقدار بسیار زیادی خاک و خاکستر و سنگ-ریزه و سنگ درشت خواهد بارید که قسمتی از آن می‌تواند مربوط به خود شهر بوده باشد و قسمتی دیگر مربوط به آن مواد انفجاری،

بعبارت دیگر پس از تشکیل «قارچ انفجار» و پس از گذشت مدتی از تشکیل آن، آنها نیز لاجرم به زمین فرود آمده و «بارانی از سنگ و گِل مخلوط» به وجود آورده باشد.

آیه ۷۵: اگر آدمهای فهمیده و با فراست اندکی تعمق و تفرس کنند نشانه‌های آن را درخواهند یافت.

این پیامی است برای باستانشناسان که این سرنخ را تعقیب کنند و اگر چنین کنند، چیزهای باارزشی خواهند یافت و برگهائی بر کتاب قطور افتخارات اعجازی قرآن افزوده خواهد شد.

آیه ۷۶: می باید برای باستان‌شناسان جالب باشد.
 معنی آن این است که جایی که شهر لوط بود، اینک «جاده» و «محل رفت و آمد» است.
 عبارت دیگر، وقتی که این آیه نازل شده بود، یعنی وقتی که هنوز مسلمانان به مدینه مهاجرت نکرده بودند، یکی از جاده‌های معلوم رفت و آمد اعراب در آن زمان، محل موردنظر این آیه است.

انفجار بزرگ، یا انفجار هسته‌ای

برای توضیح آیه ۶۵ باید شرحی عرض کنیم:
 از آیه ۷۴ فهمیده می‌شود عذاب هلاکت قوم لوط می باید عذاب ویژه‌ای بوده باشد.
 تاکنون در داستانهای پیامبران با بعضی از انواع عذاب‌ها آشنا شده‌ایم.
 (طوفان نوح، باد سخت مداوم ۱۸۰ ساعته، صدای مهیب نابودکننده، و غیره، اما آنچه در آیه ۷۴ آمده کاملاً متفاوت است)
 «بالایشان را پائین» قرار دادن یعنی اینکه شهر از جایش کنده شده، به ارتفاعی بالا برده شده، و سپس واژگون شده، و آنگاه در همان حالت واژگونی به پائین برگشته باشد .
 در آیه ۶۵ به لوط سفارش شده که نه خودش و نه هیچیک از پیروانش به پشت سر خویش برنگردند و موضوع آنقدر اهمیت داشته که به لوط تأکید شده که تو پشت سر همه آنها قرار گیر (تا آنها از این توصیه تخلف نکنند)
 اگر لوط یا یکی از پیروانش از این دستور تخلف می‌کردند و به پشت سر خویش نگاه می‌کرد چه می‌دید؟
 حتماً اتفاقاتی را که آیه ۷۴ به آن اشاره دارد می‌دید.
 و چرا نباید آن را می‌دید؟
 عقل معمولی بما می‌گوید آنها برای دیدن آن صحنه انگیزه قوی داشتند، پس منع

نشدند مگر بخاطر اینکه دیدن آن صحنه برایشان ضرر داشته است. انگیزه آنها برای دیدن آن صحنه این بود که آنها یکی از صحنه‌های ظهور قدرت خداوندی را می‌دیدند، و این، برایشان هم مایه لذت و هم مزید ایمان بود و لذا دیدن آن منع عقلی نداشت بلکه توجیه عقلی هم داشت پس منع آن هیچ دلیلی ندارد مگر اینکه حاوی ضرری برای آنها بوده باشد.

در این موضوع چه ضرری بوده است؟

به احتمال قوی این موضوع بالا پریدن آن شهر و واژگون شدن و افتادن آن، در نتیجه یکنوع انفجار بسیار قوی بوده که دیدن آن با چشم غیر مسلح احتمال خطر و بلکه کوری داشته و شاید علت منع آنها نیز همین بوده است.

اینکه از آن دور باشند و به آن نگاه نکنند نیز مؤید همین احتمال است.

حتماً پس از اینکه لوط از حقیقت ماجرا خبردار شد فوراً دست بکار شد و پیروان خود را جمع و جور کرد. هرچه چیزهای دم دستی که بنظرشان مهم می‌آمد جمع کردند و جان به در بردند و حتماً با شتاب راه می‌سپردند.

و چون مطابق آیه ۶۶، آن اتفاق هنگام صبح افتاد، معلوم می‌شود لوط و پیروانش از آن نقطه خیلی دور شده بودند.

و چون هنوز توصیه «مبادا به پشت سر خویش برگردید» برقرار بود، معلوم می‌شود شدت انفجار و شدت شعاع تابش و شدت نور آن آنقدر زیاد بوده که حتی برای فاصله طولانی هم ایجاد ضرر می‌نموده است.

همه این علائم ما را به یک حادثه انفجار هسته‌ای می‌رساند که آن ملائکه مأمور نیز متخصصان ایجاد و کنترل آن بودند.

«مستی» و «لواط»

آیات ۶۷ تا ۷۲ مطالبی را برایمان روشن می‌کند:

۱- قوم لوط از وجود مهمانان او مطلع گشته و شاد شدند،

- ۲- آنها برای دست یافتن بر مهمانان لوط به طرف منزل او هجوم بردند،
- ۳- آنها نسبت به مهمان لوط قصد سوء و گناه داشتند،
- ۴- آنها قوی و لوط و پیروانش در مقابل آنها کاملاً ضعیف بودند بطوریکه لوط به نحوی در محاصره آنان بود،
- ۵- قصد سوء و گناهی که آنان نسبت به مهمان‌های لوط داشتند، سوء استفاده جنسی از آنان بود و کارشان هم لواط بود.
- زیرا پیشنهاد «دختران من» به آنان برای نجات مهمانان خویش، خواننده را به همین معنی می‌رساند،
- ۶- نمی‌توان گفت آنها از شوق آن عمل زشت که فکر می‌کردند قریب‌الوقوع باشد آنقدر به هیجان آمده باشند که مست شده باشند بلکه از آیه ۷۲ باید به این نکته منتقل شویم که آنها یا در اثر مشروب الکلی اصطلاحاً «مست» بودند یا نوعی مواد مخدر را شناخته بودند و از آن استفاده می‌کردند.

قوم «ایکه» همان قوم شعیب و «اصحاب حجر» همان قوم ثمود است

در این سوره فقط اسمی از اهل شهر «ایکه» برده، ولی در سوره شعراء سابقه‌ای از آنان دیدیم که از آن معلوم می‌شود آنها همان قوم شعیب هستند. اما در این سوره این را اضافه می‌کند که آنها نیز مانند شهر لوط در سر راه و در جاده‌ای هستند و هر دو در همان جاده هستند و معنی آن برای باستان‌شناسان این است که پیدا کردن یکی به معنای پیدا کردن دیگری نیز هست.

پیگیری این سرنخ نیز به کشف یک معجزه قرآنی منجر خواهد شد.

ضمناً تشابهاتی بین اصحاب حجر که در این سوره آمده و قوم ثمود هست. هم در توصیف آنان، و هم در نحوه عذاب هلاکتشان. لذا «اصحاب حجر» نیز قاعدتاً باید همان قوم ثمود باشند (و حجر نیز باید حَجَر باشد)

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر! آنها را از داستان مهمانان ابراهیم آگاه کن (۵۱) هنگامیکه بر او داخل شدند و سلامی گفتند، گفت از شما بیمناکیم (۵۲) گفتند بیم مدار که تو را به پسری دانا بشارت میدهیم (۵۳) گفت آیا در حالیکه به بزرگسالی رسیده ام بشارتم میدهید؟ دیگر چه مژده ای میدهید؟ (۵۴) گفتند از نومیدان مباش که به حق مژده ات میدهیم (۵۵) گفت چه کسی غیر از گمراهان از رحمت پروردگارش نومید می شود؟ (۵۶) سپس گفت کارتان چیست ای فرستادگان؟ (۵۷)

گفتند بسوی قومی مجرم فرستاده شده ایم (۵۸) قوم لوط! البته غیر از پیروان لوط که همگی آنها را نجات خواهیم داد (۵۹) مگر زنش که چنین تقدیر نموده ایم که از ماندگان باشد (۶۰) پس هنگامیکه آن فرستادگان بسوی لوط آمدند (۶۱) گفت شما مردمی ناشناسید (۶۲) گفتند بلکه برای آنچه که درباره اش به شک هستند بسویت آمده ایم (۶۳) و حق را بسویت آورده ایم و راست میگوئیم (۶۴)

اهل خویش و پیروان را در پاره ای از شب ببر و خودت هم پشت سر آنها برو و هیچکدامتان به پشت سر خویش برنگردد و همانطور که گفته شد بروید (۶۵) و آن امر را با او در میان گذاشتیم که صبحگاهان دنباله آنها بریده خواهد شد (۶۶) و اهل آن شهر که خبر از آنچه قرار است دچارش شوند نداشتند شادی کنان آمدند (۶۷) لوط به آنان گفت اینها مهمان من اند، آبرویم مرزید (۶۸) و از خدا پروا کنید و خوارم نکنید (۶۹) گفتند مگر تو را از ارتباط با مردم عالم نهی نکرده ایم؟ (۷۰) گفت اینها دختران من اند اگر فاعلید (۷۱) ای پیامبر! نمیدانی که آنها چقدر در مستی شان سرگشته بودند (۷۲) و هنگام برآمدن خورشید آن صدای بلند آنها را بگرفت (۷۳) و بالایشان را پائین شان قرار دادیم و از سنگهایی از سجیل بر آنها بارانیدیم (۷۴) البته در این برای نشانه شناسان نشانه هائی است (۷۵) و البته بقایایشان بر سر راهی که آن راه پابرجا است، قرار دارد (۷۶) که البته در این نشانه هائی برای مومنان است (۷۷)

و یاران ایکه نیز ظالم بودند (۷۸) واز آنها نیز انتقام گرفتیم و البته بقایای هر دو شان بر شاهراهی آشکار قرار دارد (۷۹) و البته یاران حِجر نیز فرستادگان الهی را تکذیب کردند (۸۰) و آیاتمان را به آنها عرضه کردیم اما از آن روگردان شدند (۸۱) و آنان از کوه ها اطاق هائی می کنند و در امان بودند (۸۲) پس صبحگاهان آن فریاد بلند بگرفتشان (۸۳) و آنچه بدست می آوردند دردی از آنها دوا نکرد (۸۴)

حجر ۵ آیات ۸۵ تا ۹۹

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَإِنَّ السَّاعَةَ لَآتِيَةٌ فَاصْصَبْ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ ﴿٨٥﴾ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَالِقُ الْعَلِيمُ ﴿٨٦﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِ وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ ﴿٨٧﴾ لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَى مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَخَفَضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٨٨﴾ وَقُلْ إِنِّي أَنَا النَّذِيرُ الْمُبِينُ ﴿٨٩﴾ كَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى الْمُقْتَسِمِينَ ﴿٩٠﴾ الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ ﴿٩١﴾ فَوَرِّكَ لِنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٩٢﴾ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٩٣﴾ فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ ﴿٩٤﴾ إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ ﴿٩٥﴾ الَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٩٦﴾ وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ ﴿٩٧﴾ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ ﴿٩٨﴾ وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّى يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ ﴿٩٩﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: ای پیامبر! لطف خداوندی درد دنیا و آخرت شامل تو و پیامبران میشود و قبول القائنات شیطانی آدمی را از دایره این لطف خارج می کند.
برآیند درسی فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:
درب: ای پیامبر! چنین الطافی بتو شده است چنین کن و چنین بگو.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَإِنَّ السَّاعَةَ لَآتِيَةٌ فَاصْصَبِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ ﴿٨٥﴾ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ ﴿٨٦﴾

ریزدرب : ای پیامبر! خداوندت این آسمانها و زمین را به مقصودی حکیمانه آفریده، پس دل خوش دار و با این قومت حوصله کن.

۲

وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ ﴿٨٧﴾ لَا تَدْنُ عَيْنُكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَخَفِصْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٨٨﴾ وَقُلْ إِنِّي أَنَا النَّذِيرُ الْمُبِينُ ﴿٨٩﴾ كَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى الْمُقْتَسِمِينَ ﴿٩٠﴾ الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ ﴿٩١﴾ فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٩٢﴾ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٩٣﴾

ریزدرب : ای پیامبر! چنین الطاف عظیمی به تو شده، قدردان باش و به رسالتت بچسب.

۳

فَاصْنَعِ الْإِنشَاءَ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ ﴿٩٤﴾ إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ ﴿٩٥﴾ الَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٩٦﴾ وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ ﴿٩٧﴾ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ ﴿٩٨﴾ وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ ﴿٩٩﴾

ریزدرب : ای پیامبر! ضامن موفقیتت هستیم و موانعت را برطرف میکنیم، پس با یقین ماموریتت را پیگیری باش.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبَّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ می فرماید: ای پیامبر! معجزه بزرگ را به تو داده ایم، اما این کافران قابلیت درک آن را ندارند. پس، دلگرم باش، وبه آنها اهمیتی مده، وکار رسالت را کما کان پیگیر باش.
در پاراگراف ۲ می فرماید: ای پیامبر! توجه همگان وبخصوص کافران را به اینهمه آیات صنع، وآیات لطف ورحمت، وآیات نعمت الهی جلب کن.

در پاراگراف ۳ می فرماید: ای پیامبر! علت مخالفت این کفار همان علتی است که ابلیس از فرمان خداوندت سرپیچید، لذا به آنها اهمیتی مده و کار رسالت را کما کان پیگیر باش و پیروانت را که خود را از وسوسه های شیطانی دور نگه میدارند به موقعیت عالی آخرتی شان مؤده ده.

در پاراگراف ۴ می فرماید: ای پیامبر! به پیروانت دلداری ده که اگر بر این آموزه ها پای بفشارند بعید نیست که خداوند با آنان چنان رفتاری کند، وچنان نعمت هائی به آنان روا دارد که نسبت به پیامبران برجسته اش روا داشته است. و ای پیامبر! به این قوم هشدار ده که خیره سری را از حدودی نگذرانند زیرا ممکن است به عذاب هلاکت دستجمعی گرفتار شوند.

در این پاراگراف می فرماید: ای پیامبر! به نعمت های بزرگی که به تو داده ایم بنگر وآنرا رادائما درنظر داشته باش وآرزوی چیز دیگر مکن وبرای این منظور ازاین پس به ایسن عبادات بپرداز.

۴ - سوالات

- ۱- حالت کلی پاراگراف چگونه است؟ (دلدار ی پیامبر- ص- و ارشاد او ؟ یا....؟)
- ۲- منظور از «حق» (آیه ۸۵) چیست؟
- ۳- منظور از «یقین» (آیه ۹۹) چیست؟
- ۴- الف لام روی کلمه یقین الف لام جنس است یا عهد؟
- ۵- (در صورت جواب صحیح سوال فوق) منظور از آیه ۹۹ چیست؟

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیه های ۸۷ و ۸۸ فهمیده میشود که گاهی آنحضرت دلگیر و افسرده میشدند که چرا خداوند اینهمه ثروت و ناز و نعمت را هدر و به این نوع اشخاص . . داده که خداوند به او یادآوری میکند که نعمت درست و حسابی را به تو داده ایم، و در آیه ۹۷ نیز همان حرفهای دائمی را برای آنحضرت تکرار کرده که از آنچه میگویند بیش از حد دلگیر مشو. و در آیه ۹۵ برای ترفیع روحیه آنحضرت مؤده ای به او داده و در آیه های ۹۸ و ۹۹ بازهم راه رشد و تکامل بیشترش را با چند توصیه عبادتی به او نشان داده است.

۶ - پیشگوئی های تحقق یافته

- ۱- با توجه به آیه ۸۷ البته تقریباً می دانیم این سوره هنگامی نازل شده که پیامبر اکرم(ص) به نیمه راه رسالتش رسیده بودند و هنوز نزول قرآن تکمیل نشده بود و در این آیه ادامه حیات آنحضرت و توفیق الهی که ایشان بتواند بار رسالت را به سرمنزل نهائی برساند و نزول قرآن تکمیل شود پیشگوئی شده، و چون این پیشگویی محقق هم شده لذا در زمره معجزات می باشد.
- ۲- با توجه به اینکه آیه های ۹۴ و ۹۵ بطور کامل محقق شد و آنها نتوانستند چشم زخمی به آن حضرت بزنند و نیز انتهای آیه ۹۶ نیز که تحقق یافت، دو پیشگوئی است که محقق شده و آنها نیز در عداد معجزات قرآنی قرار دارند.

۷- زاویه با تفاسیر رایج

۱ (آیه های ۹۰ و ۹۱) : (المیزان) : مقصود از مقتسمین همانهاییند که خدای تعالی در جمله "الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ" توصیفشان کرده، و به طوری که در روایات آمده طائفه‌ای از قریش بودند که قرآن را پاره پاره کرده عده‌ای گفتند سحر است، عده‌ای دیگر گفتند افسانه‌های گذشتگان است، جمعی گفتند ساختگی است، و نیز راه ورودی به مکه را قسمت قسمت کردند، در موسم حج هر چند نفری سر راهی را گرفتند تا نگذارند مردم نزد رسول خدا (ص) بروند، و به زودی روایات مذکور در بحث روایتی خواهد آمد

در اینجا روایت را بر متن حاکم کرده، در حالیکه معقول نیست زیرا آن روزها که هنوز نصف حجم قرآن هم نازل نشده بود، قرآن در سینه مسلمانان بود و گرچه آنحضرت راجع به نوشته شدن قرآن اهتمام داشت و عده‌ای را مامور نوشتن وحی نموده بود اما نسخه های این نوشته ها معدود و دور از دسترس اغیار بود و آنها نمیتوانستند چنان کارهایی کنند و هیچ مورخی هم چنین چیزی نگفته و اگر گفته بود بما میرسید.

اما معنی صحیح این است که «بخش کنندگان قرآن» به آن معنی است که چندین بار در قرآن آمده، و یعنی اینکه قسمتی از مفاهیم قرآن را تصدیق و قسمتی را تکذیب میکنند و موضوع فوق همخط است با «افتومنون ببعض الكتاب و تكفرون ببعض»

۲ (آیه ۹۹) : «یقین» را به معنی مرگ گرفته و آیه را از معنی صحیحش انداخته

طبعاً آنحضرت در روز اول دریافت وحی با روز آخر آن مساوی نبود. عالم پیامبری هم مانند عالم انسانی رشد و تکامل دارد و اینهمه آیات حاوی صبرکن و حرص نخور و منتظر باش - که از بس زیاد است نیازی به استشهدا نیست - دلیل آن است، اما

اکثر مفسران سلف این مطلب را قبول ندارند و روایت «انا نبی» و آدم بین الماء و الطین» را - که البته مورد بدفهمی قرار گرفته - فیلتری قرار داده اند که مانع میشود چیزهای عادی را درک کنند، بنا به نظر عادی و معقول، پیامبر (ص) نیز در استعدادش «یقین»ی نهفته بود که هنگام نزول این آیات هنوز به آن اندازه حداکثری خویش نرسیده بود و آیه میگوید برای اینکه به آن یقین حداکثری ظرفیت هایت برسی عبادت پیشه کن (نه اینکه مانند مدلول آیه های ۸۸ و ۹۵ و ۹۷ همین پاراگراف و آیات بسیار زیاد قبلی و بعدی) افسرده شوی که چرا مسخره ات میکنند و چرا دست و بالت تنگ است و چرا اطرافیان فقیرند و ...) و برای اینکه رفع دلتنگیت بشود باید به چنان یقینی برسی که اینها در نظرت مهم نیاید و برای رسیدن به آن، به عبادت (بیشتر و بهتر) پرداز. (نه اینکه آنقدر عبادت کن که مرگت فرا رسد - چنانکه المیزان گفته)

۸ - آیات برجسته این پاراگراف

آیه ۸۷ از لحاظ اقبال هنرمندان به آن در ایجاد آثار هنری اعم از تابلوهای خوشنویسی یا کاشیکاری در مساجد و سایر اماکن مذهبی، از یک سو، و بحث کشدار مفسران مختلف در باره کلمه «مثنی» از سوی دیگر، از جمله آیات برجسته نه تنها این پاراگراف، بلکه کل قرآن کریم است. همچنین است موقعیت آیه ۸۸.

۹ - آیات مشکل

آیه ۸۷ از آن لحاظ که مفسران مختلف در باره معنای آن سخنان مختلف و متفاوت و بلکه متضاد گفته اند از جمله آیات مشکل قلمداد شده است. البته این تفسیر در سوره زمر که مشابه همین آیه را دارد عرضی در این باره کرده است. همچنین است موقعیت آیه ۹۱.

۱۰ - در این پاراگراف، کدام فقرات، فوق ذهنیات معاصران نزول است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

مکانیزم اجرائی آیه ۸۵ برای ما ساکنان قرن ۲۱ نیز روشن نیست چه رسد مخاطب های اولیه!

مفسران در این ۱۴۰۰ سال بشدت در باره آیه ۸۷ اختلاف داشته اند، یعنی اینکه مدلول آیه مذکور معهود این همه عالم در این زمان طولانی نبوده، حالا چطور شده که اینان میگویند معهود مشافهین بی علم بوده؟!

۱۱ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها، تقریباً تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است .

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث متنی

آیات ۹۰ تا ۹۳ بدون اینکه فرع بر آیه باشند پرانتزی هستند، دلیلش هم اینکه اگر چشم خویش را بر آنها ببندیم و انتهای آیه ۸۹ را به ابتدای آیه ۹۴ وصل کنیم می- بینیم روال سخن صاف و یکدست می شود.

هفت تا از سخنانی که یکدیگر را تصدیق می کنند

با توجه به آیه ۸۷ صرفنظر از اینکه «هفت تا از آن سخنانی که یکدیگر را تصدیق می کنند» چه بوده، با توجه به «درس» و «درب» آنقدر نعمت بزرگی بوده که پیغمبر(ص) می باید دائماً اهمیت آنها را در نظر می آورده تا سایر نعمتهایی که بقیه

دارند در مقابل چشمش کوچک شود و همواره بیدار داشته باشد که خداوند نعمت بزرگتر را به او داده تا شاکر باشد و به پیگیری رسالتش بچسبد.

نعمت فوق هرچه باشد از جنس «سخن» بوده و از خود آیه این مطلب فهمیده می- شود که آن سخنان، قسمتی از قرآن، و از قسمت‌های برگزیده آن است.

البته مفسران محترم می‌فرمایند براساس روایات وارده آن «هفت تا سخن» سوره حمد است.

البته این موضوع چون جالب است بهتر است موضوع تحقیق مفصلی قرار گیرد و بهتر است اساتید محترم آن را موضوع پایان‌نامه‌های فوق لیسانس و دکترا قرار دهند.

البته علت اینکه در خود قرآن، آن «هفت سخن» را توصیف و تشریح نکرده، اما ذکر کرده، شاید این باشد که فکر مخاطب را تحریک کرده باشد که در قرآن کریم بدنبال «هفت سخن چکیده قرآنی» بگردند و به این ترتیب نوعی جستجو در قرآن را تشویق فرموده باشد.

این را هم عرض کنیم که این نوع تفسیر قرآن (۱- بترتیب نزول ، ۲- تحلیلی)، جواب این سوال راه راحتی می‌دهد، مثلاً در همین مورد، مشابه این آیه در سوره زمر که چند سوره پس از این سوره می‌باشد وجود دارد که در آنجا در این مورد بحثی عرض خواهیم کرد.

چشم‌ت دنبال «اموال» نباشد

با توجه به آیه ۸۸ طبعاً کسی باید مانند رسول اکرم(ص) باشد تا معنی این سخنان را به خوبی بفهمد زیرا ما مردم عادی که اسیر محسوسات هستیم دائماً آنچه را که در دست مردم است از قبیل اموال و اعتبارات اجتماعی و نعمتهائی مانند سلامت و زیبایی و فرزندان خوب و موقعیت‌های مناسب را می‌بینیم و چیزی را که نمی‌بینیم، همان چیزهائی است که از نوع «سخن» است.

در این آیه به پیغمبر می‌فرماید تو با دیگران فرق داری و نعمتی که به تو داده‌ایم

بسیار بسیار بالاتر است از آنچه به مردم داده‌ایم و لذا متوجه همان باش و چشم‌ت را روی جزئیات نعمت‌هائی که به دیگران داده‌ایم متمرکز نکن.

آیا پیامبر به دنبال مال و جاه بوده و از اهمیت قرآن غافل بوده؟ قطعاً اینطور نیست و دلایل زیادی می‌توان آورد که نشان دهد پیامبر دنبال فضایل اخلاقی و انسانی و کمال و تعالی روح بوده است.

با توجه به «درس» و «درب»، چنین می‌فهمیم که پیامبر برای پیشبرد رسالتش ممکن است گاهی چنین آرزو می‌کرده که اگر مثلاً مال فراوانی می‌داشته که بوسیله آن اسلام را پیش می‌برده چه خوب می‌شده که در این آیه به آنحضرت توجه می‌دهد که برای پیشبرد رسالت قرآن، آن هفت سخن تصدیق‌کننده یکدیگر مؤثرتر است تا آنچه در دست «گروه‌هائی از مردم» می‌بینی.

با توجه به آنچه عرض کردیم این کلمه «آنان» که در نیمه دوم آیه آمده (یعنی لا تحزن علیهم) به مسلمانان منطبق می‌شود که اکثراً فقیر بودند و اینطور معنی می‌دهد که ای پیامبر عزیزمان برای پیگیری رسالت بیشتر به نفوذ قرآن و «آن هفت سخن مصدق یکدیگر» اهمیت بده نه مال و جاه که به گروه‌هایی از غیر مسلمانان داده‌ایم و ضمناً برای مسلمانانی که از آن مال و جاه بی‌بهره‌اند اندوهگین مباش زیرا آنها هم این نعمت بزرگ را دارند که پیرو تو اند و اسلام را دارند و از نعمت بزرگ قرآن و آن هفت سخن مصدق یکدیگر بهره می‌برند.

با قرآن «گزینشی» برخورد نکنید

آیات ۸۹ تا ۹۴ بطور واضح انتقاد از کسانی است که به قرآن بعنوان یک «کلیت» نگاه نمی‌کردند بلکه اجزاء و عناصری از آن را بطور گزینشی در نظر گرفته و از آن برای پیشبرد مقصود خویش سوء استفاده می‌کردند.

از این آیات چنین فهمیده می‌شود که حتی از همان روزها نیز عده‌ای از مخالفان پیامبر(ص) در روی مطالب قرآن، دقت و کارشناسی می‌نمودند تا بتوانند اولاً ضعفی

در آنها یافته و آن را با آب و تاب برای سایر مخالفان آن حضرت مطرح کنند و ثانیاً در آن مطالبی پیدا کنند که دلالت بر عقاید بت پرستانه خود آنان کند و آنرا با آب و تاب بزرگ کرده و چنین وانمود کنند که پیامبر چیز جدیدی نگفته بلکه همان مطالب آنان را به صورتی متفاوت بیان کرده است و شیوه آنها برای این کار، این بوده که قسمتی از قرآن را بطور گزینشی انتخاب می کرده اند (مثلاً از «ید الله فوق ایدیهم» چنین نتیجه می گرفتند که خدا هم مانند آدمی «دست» دارد و از این قبیل ...) و صرف نظر از صدر و ذیل آن، روی آن قسمت مانور دلخواه خویش را می کرده اند.

(کاری که همیشه در تاریخ اسلام توسط تقریباً همه فرقه ها انجام می شده و هنوز هم ادامه دارد)

ترجمه تفسیری آزاد

و آسمانها و زمین و آنچه را که بین آنهاست جز به حق نیافریدیم و قیامت حتماً می آید، پس ای پیامبر! نسبت به اینان، با گذشتی نیکو در گذر (۸۵) البته پروردگارت آفریدگاری داناست (۸۶)

ای پیامبر! هفت تا از آن سخنانی که یکدیگر را تصدیق می کنند، و نیز این قرآن بزرگ را، به تو داده ایم (۸۷) چشمانت را با حسرت بر آنچه که به گروههایی از مخالفان داده ایم تا در این دنیا برخوردارشان کنیم مکش، و بر پیروانند و هگین مباحث و با مومنان فروتن باش (۸۸) و بگو من هشدار دهنده ای آشکارم (۸۹) همانطور که قبلاً نیز بر قسمت کنندگان پیامبری فرستاده شده بود (۹۰) که کتاب آسمانی شان را قسمت - قسمت کردند و قسمتی را قبول و قسمتی را رد میکردند (۹۱) پس قسم به پروردگارت که از همگی آنها بازخواست میکنیم (۹۲) از آنچه که انجام میدادند (۹۳)

ای پیامبر! آنچه را که مامور ابلاغش شده ای آشکارا اعلام کن و از مشرکان روی بگردان (۹۴) که ما البته تو را از شر مسخره کنندگان کفایت میکنیم (۹۵) همانهایی که به خیال خویش با خداوند چیزی دیگر شریک قرار میدهند، که البته بزودی نتیجه رفتارشان را خواهند دانست (۹۶) و البته میدانیم از آنچه میگویند دلتنگ میشوی (۹۷) پس به ستایش پروردگارت تسبیح گوی و از ساجدان باش (۹۸) و عبادت پروردگارت کن تا به حداکثر یقینی که در استعدادت هست برسی (۹۹)

سوره طه

﴿ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾

طه ﴿١﴾ مَا أُنزِلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى ﴿٢﴾ إِلَّا تَذَكُّرَةً لِّمَن يَخْشَى ﴿٣﴾ تَنزِيلًا مِّنْ خَلْقِ
الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتِ الْعُلَى ﴿٤﴾ الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى ﴿٥﴾ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي
الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَى ﴿٦﴾ وَإِنْ يُجْهَرُ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَأَخْفَى ﴿٧﴾ اللَّهُ لَا
إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى ﴿٨﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره)، برای کل ۱۱۴ سوره قرآن، در کتاب «خودآموز تفسیر قرآن» (از همین قلم) وجود دارد، و خود کتاب مذکور را میتوانید در سایت (<https://tafsir.ganjei.com>) بیابید، و البته مبانی این موضوع نیز در ۱۶۰ صفحه اول کتاب «علوم قرآنی» (موجود در همان سایت) شرح داده شده است. و در مورد این سوره، عصاره محتوا، همان است که ذیلا دیده میشود.

درس: ای مسلمانان! مانند بنی اسرائیل نباشید که پس از آزادی، بعلت قبول القائنات شیطانی از حق سر پیچیدند.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: توجه به خداوند، آدمی را از قبول القائنات شیطانی حفظ میکند.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

طه ﴿۱﴾ مَا أَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى ﴿۲﴾ إِلَّا تَذْكِرَةً لِّمَن يَخْشَى ﴿۳﴾ تَنزِيلًا مِّنْ خَلْقِ
الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتِ الْعُلَى ﴿۴﴾

ریزدرب: ای پیامبر! وحیی که بر تو نازل میشود حق مطلق اس

۲

الرَّحْمَنِ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى ﴿۵﴾ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ
الْثَّرَى ﴿۶﴾ وَإِنْ تَجَهَّزْ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَأَخْفَى ﴿۷﴾ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى
﴿۸﴾

ریزدرب: ای پیامبر! خداوند بسیار پر قدرت و بسیار دانا است

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف
که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه
محاسبه استخراج شده است.

۳ - سوالات

۱- چرا در آیه ۲ از کلمه «انزال» و در آیه ۴ از کلمه «تنزیل» استفاده شده؟

- ۲- با توجه به جواب سوال فوق، بحث رایج بین مفسران راجع به «دفعی» و «تدریجی» بودن نزول حل میشود؟
- ۳- با توجه به آیه ۸، اساسا «اسم» برای خداوند چه موقعیتی دارد؟
- ۴- و اساسا منشاء «اسم» های الهی چیست؟
- ۵- با توجه به آیه های ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸، ذکر آنهمه موقعیت های الهی (از بین بینهایت شئون ممکن آنها) معلول چیست؟ (توجه دادن به عظمت قرآن؟ توجه دادن به محتوای آن؟ یا...؟)
- ۶- با توجه به آیه ۳، ماموریت اصلی قرآن چیست؟
- ۷- چرا بجای «یخشی» نغموده «یخاف»؟

۴ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

آیه ۲ به صور گوناگون در قرآن آمده، و قابل فهم است که چون آنحضرت بیش از اندازه با موضوع ماموریت و رسالت خویش در گیر میشدند خداوند متعال هر از گاهی آنحضرت را متوجه میکردند که با موضوع آنقدر درگیر نشو که هلاک شوی.

۵ - آیات برجسته این پاراگراف

آیه های ۱ و ۲ از آیه های بسیار برجسته قرآن است، هم به سبب اقبال هنرمندان در آثار هنری شان اعم از تابلوهای خوشنویسی و یا کاشیکاری در مساجد و زیارتگاه ها و معابد، و هم به سبب کثرت استناد به آنها در منابع و کتب و مقالات دینی.

۶ - زاویه با تفاسیر رایج

(المیزان) : غرض این سوره تذکر و یادآوری از راه انداز است، که آیات انداز آن بر آیات تبشیرش غلبه دارد.

چیزی که المیزان آن را «غرض» سوره نامیده همان چیزی است که ما آن را «درس» نامیده ایم که عصاره محتوای سوره است و از طریق محاسبه استخراج کرده ایم و این است: ای مسلمانان! مانند بنی اسرائیل نباشید که پس از آزادی به علت قبول القائنات شیطانی از حق سر پیچیدند.

۷ - پیشگویی های تحقق یافته

در آیه ۲ باز هم از کلمه قرآن برای نامگذاری بر مجموع آنچه تا کنون نازل شده، استفاده نموده که این یک وعده تحقق یافته است.

۸ - در این پاراگراف، کدام فقرات، فوق ذهنیات معاصران نزول است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

شروع سوره با «طه» است که از حروف مقطعه است، که این عنصر قرآنی هنوز معنی مقننی نیافته، یعنی معهود بشر امروز نیز نیست، چه رسد به مخاطبان ۱۴۰۰ سال پیش!

مکانیزم اجرائی آیه های ۴ و ۵ برای ما ساکنان قرن ۲۱ نیز روشن نیست چه رسد به مخاطب های اولیه!

۹ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

توجه به خداوند، آدمی را از قبول القائنات شیطانی حفظ میکند.

۱۰ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

در این پاراگراف آیاتی وجود دارد که برخی از فقرات آنها در سوره های قبلی (قبل و بعد نسبت به این سوره و بر اساس جدول ترتیب نزول ما) آمده، اما با تفاوت در لغت و الفاظ، لذا اگر بگوئیم قبلاً نیامده، ناصحیح است، و اگر بگوئیم آمده، باز هم

ناصحیح است، از جمله این نوع آیات، آیه های ۲ تا ۷ است و بقیه آیات پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث متنی

آیه ۴ توصیف قسمتی از مدلول آیه ۲ است و لذا فرع بر آن است.
آیه ۵ کلمه «مِنْ» موجود در آیه ۴ را تعریف می کند و لذا فرع بر آن است.
آیه ۶ قسمتی از قدرتهای «رحمان» آیه ۵ را تعریف می کند و بنابراین فرع بر آن است.

همین طور آیه های ۷ و ۸ که آنها هم «رحمان» آیه ۵ را تعریف می کنند.
البته اگر خوب دقت کنیم آیه ۳ نیز از آنجا که برای کلمه «لتشقی» در آیه ۲ حد و حدود معین می کند آن هم فرع بر آیه ۲ است.
آیه ۱ جزء حروف مقطعه است و با محتوای کل سوره کار دارد، و اساساً از جنس آیات پاراگراف نیست.

خسته نباشید

مَا أُنْزِلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى ﴿٢﴾

در قرآن بسیار جمله هایی مانند فوق خطاب به آنحضرت گفته شده، که ای پیامبر عزیز ما! نیرویت را «بیش از آنکه لازم است» در باره کاشتن بذر ایمان در زمین بیحاصل قلوب کافران معاند صرف مکن و ...
علتش این بوده که آنحضرت خیلی احساس مسولیت داشته اند و طوری رفتار میکرده اند که گویی خود را مقصر قلمداد میکرده اند که چرا پروژه اسلام بخوبی

پیش نمی‌رود، و خداوند بارها به آنحضرت تذکر میداد که اگر اینها به تکذیب ادامه میدهند تقصیر تو نیست بلکه دارند آیات ما را تکذیب میکنند. این نوع آیات در قرآن بسیار زیاد است و چون مطلب معروف است همین مقدار شرح کافی است.

ترجمه تفسیری آزاد

بسم الله الرحمن الرحيم

طه (۱)

ای پیامبر! قرآن را بر تو نازل نکردیم که به رنج زیاد بیفتی (۲) جز اینکه پندی باشد برای کسی که خشیت دارد (۳)

فرو فرستاده ای است از جانب کسی که زمین و آسمانهای بلند مرتبه را آفرید (۴) همان خداوند رحمان که بر عرش مستولی شد (۵) همانکه آنچه در آسمانها و در زمین و در بین آنها و آنچه زیر زمین است از آن اوست (۶) اگر سخن را آشکار کنی یا نهان کنی فرقی نمیکند زیرا که او سخن سری و از آن مخفی تر را نیز میداند (۷) همان خدایی که خدایی جز او نیست که نامهای نیکو دارد (۸)

طه ٢ آيات ٩ تا ٧٩

وَهَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى ﴿٩﴾ إِذْ رَأَى نَارًا فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِقَبَسٍ أَوْ أَجْدٍ عَلَى النَّارِ هُذًى ﴿١٠﴾ فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ يَا مُوسَى ﴿١١﴾ إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى ﴿١٢﴾ وَأَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَى ﴿١٣﴾ إِنَّنِي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي ﴿١٤﴾ إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أُخْفِيهَا لِتُخْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَى ﴿١٥﴾ فَلَا يَصُدُّكَ عَنْهَا مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَتَرْدَى ﴿١٦﴾ وَمَا تِلْكَ بِيَمِينِكَ يَا مُوسَى ﴿١٧﴾ قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّأُ عَلَيْهَا وَأَهُشُّ بِهَا عَلَى غَنَمِي وَلِيَ فِيهَا مَآرِبُ أُخْرَى ﴿١٨﴾ قَالَ أَلْقَهَا يَا مُوسَى ﴿١٩﴾ فَأَلْقَاهَا فَإِذَا هِيَ حَبِيبَتُنِي ﴿٢٠﴾ قَالَ خُذْهَا وَلَا تَخَفْ سَتُعِيدُهَا سِيرَتَهَا الْأُولَى ﴿٢١﴾ وَاضْمُمْ يَدَكَ إِلَى جَنَاحِكَ تَخْرُجْ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ آيَةً أُخْرَى ﴿٢٢﴾ لِنُرِيكَ مِنْ آيَاتِنَا الْكُبْرَى ﴿٢٣﴾ أَذْهَبَ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى ﴿٢٤﴾ قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ﴿٢٥﴾ وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي ﴿٢٦﴾ وَاخْلُفْ عَقْدَةً مِنْ لِسَانِي ﴿٢٧﴾ يَفْقَهُوا قَوْلِي ﴿٢٨﴾ وَاجْعَل لِي وَزِيرًا مِنْ أَهْلِي ﴿٢٩﴾ هَارُونَ أَخِي ﴿٣٠﴾ اشْدُدْ بِهِ أَزْرِي ﴿٣١﴾ وَأَشْرِكْهُ فِي أَمْرِي ﴿٣٢﴾ كَيْ نُسَبِّحَكَ كَثِيرًا ﴿٣٣﴾ وَنَذْكُرَكَ كَثِيرًا ﴿٣٤﴾ إِنَّكَ كُنْتَ بِنَا بَصِيرًا ﴿٣٥﴾ قَالَ قَدْ أُوتِيتَ سُؤْلَكَ يَا مُوسَى ﴿٣٦﴾ وَلَقَدْ مَنَّا عَلَيْكَ مَرَّةً أُخْرَى ﴿٣٧﴾ إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَى أُمِّكَ مَا يُوحَى ﴿٣٨﴾ أَنْ اقْذِفِيهِ فِي التَّابُوتِ فَاقْذِفِيهِ فِي الْيَمِّ فَلْيُلْقِهِ الْيَمُّ بِالسَّاحِلِ يَأْخُذْهُ عَدُوٌّ لِي وَعَدُوٌّ لَهُ وَأَلْقَيْتُ عَلَيْكَ حَبِيبَةً مَنِي وَلَنُصْنَعَ عَلَى عَنِي ﴿٣٩﴾ إِذْ تَمْشِي أُخْتُكَ فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى مَن يَكْفُلُهُ فَرَجَعْنَاكَ إِلَى أُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَقَتَلْتَ نَفْسًا فَنَجَّيْنَاكَ مِنَ الْغَمِّ وَفَتَنَّاكَ فُتُونًا فَلَبِثْتَ سِنِينَ فِي أَهْلِ مَدْيَنَ ثُمَّ جِئْتَ عَلَى قَدَرٍ يَا مُوسَى ﴿٤٠﴾ وَاصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي ﴿٤١﴾ أَذْهَبَ أَنْتَ وَأَخُوكَ بِآيَاتِي وَلَا تَنِيَا فِي ذِكْرِي ﴿٤٢﴾ أَذْهَبَا إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى ﴿٤٣﴾ فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَنِيَّا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى ﴿٤٤﴾ قَالَا رَبَّنَا إِنَّنَا نَخَافُ أَنْ يُفْرِطَ عَلَيْنَا أَوْ أَنْ يَطْغَى ﴿٤٥﴾ قَالَ لَا تَخَافَا إِنِّي مَعَكُمَا أَسْمِعُ وَأَرَى ﴿٤٦﴾ فَأَتِيَاهُ فَقُولَا إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَا تُعَذِّبْهُمْ قَدْ جِئْنَاكَ بَيِّنَاتٍ مِنْ رَبِّكَ وَالسَّلَامُ عَلَى مَنِ اتَّبَعَ

الْهَدَى ﴿٤٧﴾ إِنَّا قَدْ أُوحِيَ إِلَيْنَا أَنَّ الْعَذَابَ عَلَىٰ مَنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى ﴿٤٨﴾ قَالَ فَمَنْ رُبُّكُمْ يَا مُوسَى ﴿٤٩﴾ قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَىٰ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى ﴿٥٠﴾ قَالَ فَمَا بَالُ الْقُرُونِ الْأُولَىٰ ﴿٥١﴾ قَالَ عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي فِي كِتَابٍ لَا يَضِلُّ رَبِّي وَلَا يَنسَى ﴿٥٢﴾ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَوَسَّلَكَ لَكُم فِيهَا سُبُلًا وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّن ثَبَاتٍ شَقَى ﴿٥٣﴾ كُلُّوَا وَارْعَوْا أَنْعَامَكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي النُّهَى ﴿٥٤﴾ مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى ﴿٥٥﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا بِأَمْرِنَا كُلِّهَا فَكَذَّبَ وَأَتَى ﴿٥٦﴾ قَالَ أَجِئْتَنَا لِنُخْرِجَنَا مِن أَرْضِنَا بِسِحْرِكَ يَا مُوسَى ﴿٥٧﴾ فَلَنَأْتِيَنَّكَ بِسِحْرِ مِثْلِهِ فَأَجْعَلْ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ مَوْعِدًا لَا نُخْلِفُهُ نَحْنُ وَلَا أَنْتَ مَكَانًا سَوَىٰ ﴿٥٨﴾ قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمَ الزَّيْنَةِ وَأَن يُخَشِّرَ النَّاسُ ضَحِيًّا ﴿٥٩﴾ فَتَوَلَّىٰ فِرْعَوْنُ فَجَمَعَ كَيْدَهُ ثُمَّ أَتَى ﴿٦٠﴾ قَالَ لَهُم مُّوسَىٰ وَبَلَّغُوا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَيُسْجَنَتُمْ بِهِدَابٍ وَقَدْ خَابَ مَنِ افْتَرَى ﴿٦١﴾ فَتَنَارَعُوا أَمْرَهُم بَيْنَهُمْ وَأَسْرُوا النَّجْوَى ﴿٦٢﴾ قَالُوا إِنَّ هَٰذَا لَسَاحِرَانِ يُرِيدَانِ أَن يُخْرِجَاكُم مِّنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِمَا وَيَذْهَبَا بِطَرِيقَتِكُمُ الْمُثْلَىٰ ﴿٦٣﴾ فَاجْعُوا كَيْدَكُمْ ثُمَّ اتُّوَا صَفًّا وَقَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَن اسْتَعْلَىٰ ﴿٦٤﴾ قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِنَّمَا أَن تُلْقِيَ وَإِمَّا أَن نَّكُونَ أَوَّلَ مَن أُلْقَىٰ ﴿٦٥﴾ قَالَ بَلْ أَلْقُوا فَإِذَا حِبَالُهُمْ وَعِصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِن سِحْرِهِمْ أَهْمًا تَسْمَعَىٰ ﴿٦٦﴾ فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةُ مُوسَىٰ ﴿٦٧﴾ فَلَمَّا لَا تَخَفُ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَىٰ ﴿٦٨﴾ وَأَلْقَىٰ مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفُ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدٌ سَاحِرٍ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَىٰ ﴿٦٩﴾ فَأَلْقَى السَّحْرَةَ سُجَّدًا قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَمُوسَىٰ ﴿٧٠﴾ قَالَ آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلُ أَنْ أَدْنِ لَكُم إِنَّهُ لَكَبِيرِكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِّنْ خِلَافٍ وَلَا صُلْبَتِكُمْ فِي جُذُوعِ النَّخْلِ وَلَتَعْلَمَنَّ إِنَّمَا أَشَدُّ عَذَابًا وَأُنْقَىٰ ﴿٧١﴾ قَالُوا لَن نُّؤْثِرَكَ عَلَىٰ مَا جَاءَنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالَّذِي فَطَرَنَا فَاقْضِ مَا أَنْتَ قَاضٍ إِنَّمَا تَقْضِي هَٰذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ﴿٧٢﴾ إِنَّا آمَنَّا بِرَبِّنَا لِيَغْفِرَ لَنَا خَطَايَانَا وَمَا أَكْرَهْتَنَا عَلَيْهِ مِنَ السِّحْرِ وَاللَّهُ خَبِيرٌ وَأَبْقَىٰ ﴿٧٣﴾ إِنَّهُ مَن يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَىٰ ﴿٧٤﴾ وَمَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَٰئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَىٰ ﴿٧٥﴾ جَنَّاتٌ عَدْنٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَٰلِكَ جَزَاءُ مَن تَزَكَّىٰ ﴿٧٦﴾ وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَىٰ مُوسَىٰ أَن أَسْرِ بِعِبَادِي فَاصْرَبْ لَهُمْ طَرِيقًا فِي

الْبَحْرِ يَبَسًا لَا تَخَافُ دَرَكًا وَلَا تَخْشَى ﴿٧٧﴾ فَاتَّبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ بِجُنُودِهِ فَغَشِيَهُمْ مِنَ الْيَمِّ مَا غَشِيَهُمْ ﴿٧٨﴾ وَأَصْلَ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُ وَمَا هَدَى ﴿٧٩﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: ای مسلمانان! مانند بنی اسرائیل نباشید که پس از آزادی، بعلت قبول القانات شیطانی از حق سر پیچیدند.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: بنی اسرائیل تحت رهبری حضرت موسی(ع) از بردگی به آزادی رسیدند.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

وَهَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى ﴿٩﴾ إِذْ رَأَى نَارًا فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِقَبَسٍ أَوْ أَجْدَعٍ عَلَى النَّارِ هُدًى ﴿١٠﴾ فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ يَا مُوسَى ﴿١١﴾ إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طَوًى ﴿١٢﴾ وَأَنَا اخْرَجْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَى ﴿١٣﴾ إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي ﴿١٤﴾ إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أُخْفِيهَا لِتُخْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَى ﴿١٥﴾ فَلَا يَصُدُّكَ عَنْهَا مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَتَرْدَى ﴿١٦﴾ وَمَا تِلْكَ بِيَمِينِكَ يَا مُوسَى ﴿١٧﴾ قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّلُ عَلَيْهَا وَأَهْشَى بِهَا عَلَى غَنَمِي وَلِي فِيهَا مَارِبٌ أُخْرَى ﴿١٨﴾ قَالَ أَلْقِهَا يَا مُوسَى ﴿١٩﴾ فَأَلْقَاهَا فَإِذَا هِيَ حَيَّةٌ تَسْعَى ﴿٢٠﴾ قَالَ خُذْهَا وَلَا

تَخَفَ سُنْعِيذَهَا سِيرَتَهَا الْأُولَى ﴿٢١﴾ وَاصْنُمُ يَدَكَ إِلَى جَنَاحِكَ تَخْرُجَ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ آيَةً أُخْرَى ﴿٢٢﴾ لِّتُرِيكَ مِنْ آيَاتِنَا الْكُبْرَى ﴿٢٣﴾ اذْهَبْ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى ﴿٢٤﴾

ریزدرب: موسی (ع) به دریافت وحی مفتخر میشود.

۲

قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ﴿٢٥﴾ وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي ﴿٢٦﴾ وَاخْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي ﴿٢٧﴾ يَفْقَهُوا قَوْلِي ﴿٢٨﴾ وَاجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِنْ أَهْلِي ﴿٢٩﴾ هَازُونَ أَحْيَى ﴿٣٠﴾ اشدُّ بِهِ أَرْزِي ﴿٣١﴾ وَأَشْرِكُهُ فِي أَمْرِي ﴿٣٢﴾ كَيْ نُسَبِّحَكَ كَثِيرًا ﴿٣٣﴾ وَنَذْكُرَكَ كَثِيرًا ﴿٣٤﴾ إِنَّكَ كُنْتَ بِنَا بَصِيرًا ﴿٣٥﴾ قَالَ قَدْ أُوتِيتَ سُؤْلَكَ يَا مُوسَى ﴿٣٦﴾ وَلَقَدْ مَنَّا عَلَيْكَ مَرَّةً أُخْرَى ﴿٣٧﴾ إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَى أُمِّكَ مَا يُوحَى ﴿٣٨﴾ أَنْ اقْذِفِيهِ فِي التَّابُوتِ فَاقْذِفِيهِ فِي الْيَمِّ فَلْيُلْقِهِ الْيَمُّ بِالسَّاحِلِ يَأْخُذْهُ عَدُوٌّ لِي وَعَدُوٌّ لَهُ وَأَلْقَيْتُ عَلَيْكَ حَبَّةَ مَنَى وَلَنُصْنَعَ عَلَى عَيْنِي ﴿٣٩﴾ إِذْ تَمْشِي أُخْتُكَ فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى مَن يَكْفُلُهُ فَرَجَعْنَاكَ إِلَى أُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَفَتَلَّتْ نَفْسًا وَفَجَّيْنَاكَ مِنَ الْغَمِّ وَفَتَنَّاكَ فُتُونًا فَلَبِثْتَ سِنِينَ فِي أَهْلِ مَدْيَنَ ثُمَّ جِئْتَ عَلَى قَدَرٍ يَا مُوسَى ﴿٤٠﴾ وَاصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي ﴿٤١﴾ اذْهَبْ أَنْتَ وَأَخُوكَ بِآيَاتِي وَلَا تَنِيَا فِي ذِكْرِي ﴿٤٢﴾ اذْهَبَا إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى ﴿٤٣﴾ فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيْسًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى ﴿٤٤﴾ قَالَا رَبَّنَا إِنَّنَا نَخَافُ أَنْ يُفْرِطَ عَلَيْنَا أَوْ أَنْ يَطْغَى ﴿٤٥﴾ قَالَ لَا تَخَافَا إِنِّي مَعَكُمَا أَسْمَعُ وَأَرَى ﴿٤٦﴾

ریزدرب: موسی (ع) رسالت را می پذیرد.

۳

فَأْتِيَاهُ فَقُولَا إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَا تَعَذِّبْهُمْ قَدْ جِئْنَاكَ بَيِّنَاتٍ مِنْ رَبِّكَ وَالسَّلَامَ عَلَى مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى ﴿٤٧﴾ إِنَّا قَدْ أُوحِيَ إِلَيْنَا أَنَّ الْعَذَابَ عَلَى مَنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى ﴿٤٨﴾ قَالَ فَمَنْ رَبُّكُمَا يَا مُوسَى ﴿٤٩﴾ قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى ﴿٥٠﴾ قَالَ فَمَا بَالُ الْقُرُونِ الْأُولَى ﴿٥١﴾ قَالَ عَلَّمَهَا عِنْدَ رَبِّي فِي كِتَابٍ لَا يَضِلُّ رَبِّي وَلَا يَنْسَى ﴿٥٢﴾ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَسَلَكَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا

بِهِ أَزْوَاجًا مِّن تَبَاتٍ شَتَّى ﴿٥٢﴾ كُلُوا وَارْزُقُوا أَنْعَامَكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِأُولِي النُّهَى ﴿٥٤﴾ مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى ﴿٥٥﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا آيَاتِنَا كُلَّهَا فَكَذَّبَ وَأَبَى ﴿٥٦﴾ قَالَ أَجِئْتَنَا لِتُخْرِجَنَا مِنْ أَرْضِنَا بِسِحْرِكَ يَا مُوسَى ﴿٥٧﴾ فَلَنَأْتِيَنَّكَ بِسِحْرٍ مِّثْلِهِ فَاجْعَلْ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ مَوْعِدًا لَا نُخْلِفُهُ نَحْنُ وَلَا أَنْتَ مَكَانًا سُوًى ﴿٥٨﴾ قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمَ الزَّيْنَةِ وَأَنْ يُخَشِرَ النَّاسُ ضُحًى ﴿٥٩﴾

ریزدرب : موسی (ع) رسالت را ابلاغ میکند و فرعون او را به امتحان دعوت میکند.

٤

فَتَوَلَّى فِرْعَوْنُ فَجَمَعَ كَيْدَهُ ثُمَّ أَتَى ﴿٦٠﴾ قَالَ لَهُمُ مُوسَى وَيْلَكُمْ لَا تَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَيُسْحِتَكُمْ بِعَذَابٍ وَقَدْ خَابَ مَن افْتَرَى ﴿٦١﴾ فَتَنَّا زُجُرًا مِّنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِمَا وَيَذْهَبَا بِطَرِيقَتِكُمُ الْمُثَلَّى ﴿٦٢﴾ فَأَجْعَلُوا كَيْدَكُمْ ثُمَّ اتُّوْا صَفًّا وَقَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَن اسْتَعْلَى ﴿٦٤﴾ قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّمَا أَنْتَ ثُلْقِي وَإِنَّمَا أَنْ تَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَلْقَى ﴿٦٥﴾ قَالَ بَلْ أَلْقُوا فَإِذَا حِبَالُهُمْ وَعَصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَى ﴿٦٦﴾ فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةُ مُوسَى ﴿٦٧﴾ فَلَمَّا لَا تَخَفُ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى ﴿٦٨﴾ وَأَلْقَ مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفُ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدُ سَاحِرٍ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَى ﴿٦٩﴾ فَأَلْقَى السَّحْرَةَ سَجْدًا قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَمُوسَى ﴿٧٠﴾ قَالَ آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ أَدْنِ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرِكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلْأَقْطِعْ أَيْدِيكُمْ وَأَرْخُلَكُمْ مِّنْ خِلَافٍ وَلَا صَلْبَتِكُمْ فِي جُدُوعِ النَّحْلِ وَلِتَعْلَمَنَّ أَيْنَا أَشَدُّ عَذَابًا وَأَبْقَى ﴿٧١﴾ قَالُوا لَنْ نُؤْثِرَكَ عَلَى مَا جَاءَنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالَّذِي فَطَرَنَا فَاقْضِ مَا أَنْتَ قَاضٍ إِنَّمَا تَقْضِي هَذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ﴿٧٢﴾ إِنَّا آمَنَّا بِرَبِّنَا لِيَغْفِرَ لَنَا خَطَايَانَا وَمَا أَكْرَهْتَنَا عَلَيْهِ مِنَ السِّحْرِ وَاللَّهُ خَبِيرٌ وَأَبْقَى ﴿٧٣﴾ إِنَّهُ مَن يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى ﴿٧٤﴾ وَمَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَى ﴿٧٥﴾ جَنَّاتٌ عَذْنٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ مَن تَزَكَّى ﴿٧٦﴾ وَلَقَدْ أُوحِينَا إِلَى مُوسَى أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي فَاصْرَبْ لَهُمْ طَرِيقًا فِي

الْبَحْرِ يَبَسًا لَا تَخَافُ دَرْكًا وَلَا تُخْشَى ﴿٧٧﴾ فَاتَّبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ بِجُنُودِهِ فَغَشِيَهُمْ مِنَ الْيَمِّ مَا غَشِيَهُمْ ﴿٧٨﴾ وَأَصْلَ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُ وَمَا هَذَى ﴿٧٩﴾

ریزدرب: موسی (ع) در امتحان برنده میشود و فرعون قبول نمیکند و قصد تعرض دارد و شکست میخورد.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبَّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ که ابتدای سوره است می فرماید: ای پیامبر! قرآن را برای این بر تو نازل کرده ایم که بوسیله آن افراد مستعد را پند دهی و برای موضوع رسالت خود را بیش از اندازه به زحمت مینداز. در این پاراگراف می فرماید: ای مردم! آزادی شما در گرو پیروی از این پیامبر(ص) است.

۴- زاویه با تفاسیر رایج

۱ (آیه ۱۴): (المیزان): موسی وقتی ندای "یا مُوسَىٰ إِنِّي أَنَا رَبُّكَ" را شنید از آن به طور یقین فهمید که صاحب ندا پروردگار او، و کلام، کلام او است، چون کلام مذکور وحیی از خدا بود به او، که خود خدای تعالی تصریح کرده بر اینکه خدا با احدی جز به وحی، و یا از ورای حجاب، و یا به ارسال رسول تکلم نمی کند، هر چه بخواهد به اذن خود وحی می کند،

المیزان در همین مورد در سوره قصص به خلاف این میگوید، و این نیست مگر به این علت که این سوره در ترتیب فعلی خیلی جلو تر است از سوره قصص و در ترتیب نزول به عکس است، یعنی اول قصص است و طه خیلی متاخر بر آن است، و اهمیت ندادن به ترتیب نزول سبب شده که المیزان در مورد یک واقعه به دو صورت متباین تفسیر کند. یعنی در سوره طه آن را وحی مستقیم و در سوره قصص همان را از وراء حجاب قلمداد نموده است.

۵ - پیشگوئی های تحقق یافته

در آیات ۹ تا ۷۹ به آن قسمت از داستان موسی و فرعون می پردازد که موسی با دست خالی به مصاف بزرگترین تمدن آنروز جهان رفت و پیروز شد و در این یک پیشگوئی تلویحی نهفته است که تو نیز موفق خواهی شد.

۶ - آیات برجسته این پاراگراف

آیات ۹ تا ۲۴ از لحاظ محتوا و اینکه چطور یک آدم عادی ظرف یک مدت کوتاه اینقدر متحول میشود که از «موسی بن عمران»ی به «موسی رسول الله»ی میرسد، و اینکه اگر دیگری در این شرایط قرار گیرد، آیا پودر میشود؟ آیا مشتعل یا منفجر یا چه میشود؟!!!

خلاصه اینکه «سنگین»ی محتوای این آیات سبب برجسته بودن آنهاست. آیات ۲۵ تا ۲۸ نیز، از آنجا که اکثر اهل منبر در ابتدای سخن شان آن را (البته بیجا) بکار میبرند، نزد مردم معروف شده، و برجستگی اش از معروفیتش است نه از محتوایش، (که خود محتوایش محل ایراد است که چرا مانند آیه ۱۸ آنقدر پرگوئی کرده و ضمنا چرا یک چیز بهتر [مثلا نفوذ کلام، چه در فرعون و چه در بنی اسرائیل] نخواست.

پنج کلمه انتهائی آیه ۴۷ (السام علی من اتبع الهدی) نیز به سبب کثرت استفاده

اهل منبر بسیار مشهور شده و به همین علت برجسته میباشد.

۷ - در این پاراگراف، کدام فقرات، فوق ذهنیات معاصران نزول است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه های ۱۵ و ۴۸ و ۵۵ و ۷۴ تا ۷۶ «قیامتی» است، و هیچ بنی بشری تجربه اش را ندارد، و قبل از قیامت نخواهد داشت، لذا، چه در آن روزهای نزول وحی و چه الی یوم القیامه بالاتر از ذهنیات بشر خواهد بود.

آیه های ۴۳ تا ۷۹ از این لحاظ که مربوط به اقوامی است که در قبل از تاریخ بوده اند، و علم باستان شناسی آنقدر رشد نکرده که ما از اوضاع و احوال آنها مطلع باشیم، برای ما نیز روشن نیست، چه رسد به مخاطبان اولیه این آیات.

مکانیزم اجرایی آیه ۱۱ تا ۲۳ برای ما ساکنان قرن ۲۱ نیز روشن نیست چه رسد مخاطب های اولیه!

۸ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

در این پاراگراف آیاتی وجود دارد که برخی از فقرات آنها در سوره های قبلی (قبل و بعد نسبت به این سوره و بر اساس جدول ترتیب نزول ما) آمده، اما با تفاوت در لغت و الفاظ، لذا اگر بگوئیم قبلاً نیامده، ناصحیح است، و اگر بگوئیم آمده، باز هم ناصحیح است، لذا در باره این نوع پاراگراف ها (که از این پس بازهم خواهیم دید) میتوان چنین گفت که از لحاظ محتوا، اکثر مطالب این پاراگراف مسبوق به سابقه است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

اصلی-فرعی:

آیات ۵۳ تا ۵۵ پرانتزی است، به دلیلی که بارها شرحش را داده ایم. همچنین است وضع آیات ۷۴ تا ۷۶.

چند دریافت کوتاه و مستقیم

آیه ۵۰: حضرت موسی در مقام معرفی پروردگار، به وجه ربوبیت او اشاره نکرد بلکه وجه خالقیت او را مطرح کرد که مورد مخالفت هیچیک از فرقه‌های شرک نیست و این یک اصل مهم در تبلیغ و محاجه و مذاکره و معامله است که در ابتدا بر روی اصولی که بین طرفین مشترکاً پذیرفته است تأکید شود.

آیه ۵۱: فهمیده می‌شود در سیستم اعتقادی فرعونیان، درباره آخرت چیزی به این معنی که ما معتقدیم، نبود.

آیه‌های ۵۳ و ۵۴: ذکر بعضی از نعمتهائی است که چون ما به استفاده از آنها عادت کرده‌ایم معمولاً متوجه آنها نیستیم.

آیه ۵۶: باید گفت چنانکه قبلاً دیدیم معجزات حضرت موسی منحصر به آن دو معجزه عصا و دست نورانی نبود و قبلاً هم دیدیم و هم بعداً با تفصیل خواهیم دید که حضرت موسی حداقل نه معجزه بزرگ به آنها نشان داد.

آیه‌های ۶۲ و ۶۳: فهمیده می‌شود داخل سیستم حکومتی فرعونى نوعی مجلس مشورتی بوده و اینطور نبوده که سیستم حکومت آنها به زبان امروز، «سازمانی» باشد، و ما در سوره مؤمن در این خصوص شرحی عرض کرده‌ایم.

آیات ۶۶ تا ۶۹: موضوع جادوی آنها در حد «چشم‌بندی» بوده و بیننده فقط تصور می‌کرد که چیزی دارد حرکت می‌کند اما مطلب آنقدر با کیفیت و قوی بوده که شخصی دارای شخصیت قوی مانند آن پیامبر بزرگ را نیز تحت تأثیر قرار داده بود. بهترین کسانی که می‌توانستند جادوگری جادوگران را ارزیابی کنند خود آنها بودند. آنها می‌دانستند کارشان واقعی نیست بلکه فقط واقعی بنظر می‌رسد اما در عین حال آنچه را که از سوی موسی و عصای او دیدند، آنقدر واقعی و آنقدر حقیقی و آنقدر

واضح بود که نتوانستند با رفتار دیگری غیر از اعتراف واضح و صریح واکنش دیگری نشان دهند.

بعبارت دیگر، اگر کار همه آنها آنقدر بود که چشم مردم را تحت تأثیر قرار می‌داد و ناظران چیزهائی را می‌دیدند که آنها می‌خواستند دیده شود، کار حضرت موسی چنان بود که چشم و دل و اعضاء و جوارح آنها را تحت تأثیر قرار داد و اختیار از کف دادند و همگی یکدل و یک زبان شده و رفتار واحدی ارائه دادند، در حالیکه میزان هزینه این تصمیم خویش را نیز می‌دانستند.

آیات ۷۴ تا ۷۸: گفته جادوگران نیست،

زیرا اولاً دارای چنان معارف بلند پایه‌ای است که از کسانی که در آن فرهنگ فرعونى نشو و نما یافته‌اند چنین مطالبی نمی‌تواند صادر شود،

ثانیاً مقام و موقعیت آن جادوگران در آن شرایط (که یکطرف آن فرعون است که گوش به حرف موسی هم نمی‌دهد چه رسد به تعدادی تازه ایمان یافته، و طرف دیگر هم موسی است که پیامبر خداست و اظهار چنین مطالبی نزد او زیره به کرمان بردن است) نیز دلیل دیگری است که این نمیتواند سخن آنها بوده باشد.

برخورد نامنتظره با عالی‌ترین حقایق معارفی

از آیه‌های ۱۰ تا ۱۶ فهمیده می‌شود آنحضرت همراه با خانواده خویش بطور شبانه سفر می‌کرد و راه را هم گم کرده بود و شب سردی هم بود، که ناگهان از دور آتشی را دید. اما وقتی که نزدیک آن باصطلاح «آتش» آمد ناگهان چیزی و چیزهائی شنید که برای او مورد انتظار نبود و برای ما بسیار جالب است. هر چه باشد آنحضرت آمادگی‌هائی داشت که ناگهان آنهمه معارف سنگین بطور پی در پی بر او بارش گرفت و او توانست تحمل کند و گیج نشد و غش نکرد و بلکه حتی وفات نیافت و اگر یکی از ماها بودیم در همان دقیقه اول جان می‌باختمیم.

البته ما در موقعیتی نیستیم که بتوانیم موقعیت آنحضرت را در آن هنگام تصور

کنیم اما این را هم می‌دانیم که این مطلبی را که ما در ظرف یک دقیقه می‌خوانیم، در یک دقیقه اتفاق نیفتاد.

هرچه باشد موسی قبل از پیامبری، شبانی بود، خانواده‌ای داشت، در شب سردی در جای ناآشنایی راه می‌سپرد و نوری و آتشی دید و بطرفش رفت و هر یک از ماها هم که بودیم همین کار را می‌کردیم.

اما پس از اینکه به آتش نزدیک شد و صدایی از آن شنید، و این صدا هر چه می‌خواهد باشد، بطور طبیعی اول نگران شد و ترسید.

واضح است که نگرانش فوراً برطرف شده باشد اما بجای نگرانی حیرت کرد.

این کیست که اسم مرا می‌داند و مرا به اسمم می‌خواند؟

وقتی که شنید گوینده می‌گوید «من پروردگارت هستم» چه احساسی به او دست داد؟

حتماً در آن «صدا» چیزی هم بود که مایه آرامش و راحتی او بشود و نگرانش برطرف بگردد.

اما «من پروردگارت هستم» هم ادعای بزرگی است.

اگر این ادعا یک شوخی باشد چه؟ یا القاء کننده یا گمراه کننده؟ از آن مهیوت کننده‌تر «تو را برگزیده‌ام» است.

اما بطور حتم در آن «صدا» باید چیزهایی بوده باشد که موسی، هم خود را فراموش کرده باشد هم خانواده و همراهانش را، و هم موقعیت و نیازهایش را و هم هرچه را که غیر از آن «صدا» است.

در هر حال قاعداً باید مدتی طول کشیده باشد که او مجدداً به خود آمده و موقعیت خویش را بازشناخته باشد و در ذهن و قلبش تصدیق کرده باشد که آنچه می‌شنود، حقیقت دارد و از جنس تصورات و تخیلات شاعرانه نیست و شوخی و القاء شیطانی نیز نیست بلکه حق و حقیقت است.

«موسی» در آن لحظه «حضرت موسی»، و راهنمای قوم بزرگی شد و آنها را از ذلت

- بردگی نجات داد و آغازگر داستانی شد که سخت شنیدنی است.
- معارفی که آن حضرت دریافت کرد همان معارف عمومی دینی است که ما تاکنون مکرراً و به بیان‌های متفاوت تاکنون با آنها آشنا شده‌ایم که عبارت است از:
- ۱- توحید (آیه ۱۴)،
 - ۲- نماز (آیه ۱۴)،
 - ۳- قطعیت وقوع قیامت (آیه ۱۵)،
 - ۴- پنهان بودن اطلاعات مربوط به زمان وقوع و غیره آن (آیه ۱۵)،
 - ۵- علت پنهان بودن فوق (آیه ۱۵)،
 - ۶- لزوم بی‌توجهی پیامبران به رفتار باطل کافران و پیگیری روش حق خویش (آیه ۱۶).
- چنانکه ملاحظه می‌شود این مفاهیم برایمان کاملاً آشناست و خلاصه معارف دینی همه ادیان حق، همینهاست.

چرا آتش؟

آیات ۱۷ تا ۲۴ خلاصه‌ای ست از شرح مأموریت حضرت موسی. آن حضرت می‌باید با آن دو معجزه (موضوع آیات ۱۸ تا ۲۲) و نیز وعده معجزات دیگر (آیه ۲۳) بسوی فرعون (که قبلاً در سوره‌های قبلی با او آشنا شده‌ایم) برود و او را به راه حق دعوت کند.

چرا خداوند در آن موقعیت زمانی و مکانی بصورت آتش بر او تجلی کرد؟ تصور می‌شود در آن هنگام او و خانواده‌اش بیشترین نیاز را به آتش و روشنایی داشتند. هر طور بود موسی باید از همراهانش جدا می‌شد و آن جریان «وحی‌گیری» را طی می‌کرد و اگر شرایط طور دیگری بود، به انگیزه دیگری جدا می‌شد مثلاً اگر روز گرم و بیابانی خشک بود بعنوان دیدن آب و به امید گرفتن جرعه و انگیزه‌های اینگونه بطرف نقطه دریافت وحی می‌رفت.

در هر حال بنظر نمی‌آید خود آن آتش در موضوع مدخلیتی داشته باشد.
جلوهای بود که انگیزه‌ای ایجاد کند که موسی را به آن خلوت بکشاند.

موسی(ع) «پیش‌نیاز»های پیامبری را داشته

در رابطه با آیه ۱۰ از جمله «هدایتی یابم» معلوم می‌شود آنها راه خویش را گم کرده بودند.

از کلمه «آتشی» و جمله «شعله‌ای از آن برایتان بیاورم» معلوم می‌شود مسافرتشان در شب، و شب سردی هم بوده است.

چرا آنحضرت خانواده‌اش را در شب زمستانی در بیابان به همراه می‌برده؟
در قدیم مسافرت‌ها را معمولاً در روز انجام می‌دادند و شب را در محل مناسبی به استراحت می‌پرداختند.

معلوم می‌شود آن حضرت شب را برای مسافرت ترجیح می‌داده بعلمت اینکه شاید می‌خواستند دیده نشود و مسافرتش مخفی باشد.

تصورش را بفرمائید: یکنفر در آن شرایط در بیابان گیر کند و به امید گرما و راهیابی و کمک به خانواده به نقطه‌ای رو کند و در آنجا کسی یا چیزی یا صدائی به او بگوید من پروردگار تو هستم.

چقدر عجیب است، مگر آنکه آن حضرت آمادگی قبلی مفصلی داشته باشد و واقعاً دنبال پروردگارش بوده باشد.

به پروردگار فکر کرده باشد. زمینه داشته باشد. و این آمادگی را داشته باشد که حتی اگر در آن شرایط هم چنین چیزی را بشنود، مطلب را بررسی کند و احتمال درست بودن بدهد.

حتماً آن حضرت استعدادها و لیاقت‌های قابل توجهی داشته که مورد گزینش خداوندی قرار گرفته بود.

صبر و حوصله زیاد، بخشنده‌گی، دلسوزی نسبت به دیگران، تواضع در مقابل حق و

قانون، و امثال آن صفات چیزهائی است که لازمه رهبری است و حتماً آن حضرت قبل از این جریان، از لحاظ واجد چنین صفاتی بودن، موقعیت شایسته را احراز کرده بوده است. قبلاً هم در سوره قصص دیدیم که آن حضرت بسیار عدالتخواه بود.

قبول مأموریت بزرگ، نه گنجی و نه استعفا

در رابطه با آیات ۲۵ تا ۴۷ چنانکه ملاحظه می‌شود، حضرت موسی در اصل قبول یا رد مأموریت، بحثی و یا حتی تردیدی نکرد بلکه امکاناتی را تقاضا نمود که با کمک آنها بتواند مأموریتش را بهتر انجام دهد. امکاناتی که آن حضرت خواست اینها بود:

- ۱- توسعه درونی - شخصیتی و روحی برای خویش. (آیه ۲۵)،
- ۲- توسعه درونی - فیزیولوژیکی برای خویش. (آیه‌های ۲۷ و ۲۸)،
- ۳- کمک بیرونی - نیروی انسانی برای رسالت. (آیه‌های ۲۹ تا ۳۲)،
- ۴- کمک بیرونی - اوضاع و احوال مساعد برای رسالت. (آیه ۲۶).

موضوع خجالت بزرگ یهودیان

تورات و اسطوره‌های یهودی تأکید دارند که موسی بنی‌اسرائیل را از دریای سرخ عبور داد. واقعاً نمی‌دانیم این تصور چگونه به ذهن‌های کاهنان آنها رفت و چگونه در کتبشان نوشته شد و چگونه در فرهنگشان جا افتاد. البته می‌دانیم که قوم یهود یک بار بطور کامل پراکنده شدند و کشتار عظیمی در میان‌شان صورت پذیرفت و معابد و کتبشان از بین رفت و بعداً کورش هخامنشی آنها را از اسارت در آورد و بسوی اطراف بیت‌المقدس فعلی کوچکشان داد و اجازه داد دانایان آنها از آنچه که در خاطره‌های بعضی مانده بود، چیزهائی بنویسند و آنچه امروز دارند، در حقیقت همان بازنوشته هاست که کاملاً ممکن و معقول است که در

ضمن این بازنویسی تحریف‌های عظیمی نسبت به تورات اصلی صورت گرفته باشد. فراری که بنی‌اسرائیل به رهبری حضرت موسی از قوم فرعونیان نمودند از مصر بود که نزدیکترین «آب زیاد» (و در فرهنگ قرآنی «دریا») به آن، رود نیل بود نه دریای سرخ که با آنان ۱۵۰ کیلومتر فاصله داشت و چنان قومی که بچه و زن و پیرمرد و پیرزن و ائاثیه و بارو بنه داشتند کمتر از یکماه نمی‌توانستند به آن برسند در حالیکه رود نیل به موضوع آیه‌های ۷۷ و ۷۸ کاملاً می‌خورد.

چنانکه از اهرام و مجسمه‌های ابوالهول و غیره پیداست، پایتخت فرعون بر ساحل رود نیل بود و بنی‌اسرائیل که شهروندان درجه دو محسوب می‌شدند حاشیه‌نشینان آن پایتخت بوده و طبعاً در جاهای نامرغوب‌تر آنجا داشتند و مثلاً می‌توان گفت پائین دست منازل قبطی‌ها بودند اما هرچه باشد آنها هم ساحل‌نشین بودند زیرا از انداختن موسی در هنگام نوزادی به «دریا» (که لاقل این مورد را خود یهودیان معترفند همان رود نیل بوده) معلوم می‌شود که آنها نیز ساحل‌نشین بوده‌اند.

در هر حال طبیعی‌تر و معقول‌تر این است که آن «دریا»، همان رود نیل باشد زیرا وقتی چنان جمعیتی با مشخصات آن قوم با بار و بنه و مرغ و خروس و سگ و گاو و گوسفند و زن و کودک و پیرمرد و پیرزن می‌خواهد «شبان» فرار کنند، اولین مانع، که بصورت مانع آبی باشد، چیز دیگری جز رود نیل نیست.

مطابق مطلبی که در سوره شعراء قبلاً دیدیم، مطلب اینطور بوده که حضرت موسی بنی‌اسرائیل را تا کنار رود نیل آورد و به وحی الهی عصا را به آن زد و عرض رودخانه شکافته شد و آنها از آن عبور می‌کردند که ظاهراً فرعون و سپاه او هم رسیدند و آنها بین رودخانه و دشمن گیر کرده بودند که پس از عبور کامل موسی و همراهانش رودخانه دوباره به وضع اول خود برگشت و تعقیب‌کنندگان غرق شدند.

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر! آیا داستان موسی به تو رسیده؟ (۹) آن هنگام که آتشی دید و به خانواده

اش گفت درنگ کنید که من متوجه آتشی شده ام. شاید شعله ای از آن برایتان بیاورم یا اینکه از روی آن آتش هدایتی یابم (۱۰) پس چون به آن رسید، ندا شد: ای موسی! (۱۱) من پروردگارت هستم، کفشت را درآر که تو در سرزمین پاک «طوی» هستی (۱۲) و تو را برگزیده ام پس به آنچه وحی میشود گوش ده (۱۳) من خداوند هستم و خدایی جز من نیست پس مرا عبادت کن و نماز را بعنوان ذکر من بپا دار (۱۴) قیامت حتما خواهد آمد. میخواهم زمان آن را پنهان کنم تا هر کس برای آنچه سعی کرده پاداش داده شود (۱۵) و کسی که به آن ایمان ندارد، و هوی و هوس خویش را پیروی میکند، تو را از اعتقاد به آن باز ندارد که هلاک خواهی شد (۱۶) ای موسی، چه چیز بدست داری؟ (۱۷) موسی گفت این عصای من است که بر آن تکیه میکنم و با آن برای گوسفندانم برگ می تکانم و احتیاجات دیگری نیز به آن دارم (۱۸) گفت ای موسی بیاندازش (۱۹) و انداختش. ناگاه آن عصا ماری شد که به تندی حرکت میکرد (۲۰) گفت بگیرش و نترس. بزودی آنرا به حالت اولش برمیگردانیم (۲۱) و دست را به سینه ات بچسبان و اگر بیروی بیآوری بدون ضرر و علتی سفید خواهد بود که آیه ای دیگر است (۲۲) تا آیات بزرگ خویش را بعدا به تو نشان دهیم، (۲۳) فعلا بسوی فرعون برو که او طغیان کرده است (۲۴) گفت پروردگارا سینه ام را گشاده گردان، (۲۵) و کارم را آسان کن، (۲۶) و گره از زبانم باز کن، (۲۷) تا سخنم را بفهمند، (۲۸) و یآوری از میان خانواده ام برایم قرار ده، (۲۹) برادرم هارون را، (۳۰) و بوسیله او پشتیبانیم کن، (۳۱) و او را در کارم شریک فرما، (۳۲) تا تو را به فراوانی تسبیح گویم، (۳۳) و نیز به فراوانی یادت کنیم، (۳۴) البته تو به وضع ما بینی (۳۵)

گفت ای موسی خواسته ات را گرفتی (۳۶) و البته یکبار دیگر نیز به تو لطف کردیم (۳۷) هنگامیکه به مادرت آن وحی را کردیم (۳۸) که او را در صندوق بگذار و آن را به دریا بینداز و دریا او را به ساحل خواهد انداخت و دشمنم و دشمنش او را خواهد

گرفت و محبتی از جانب خویش بر تو انداختم تا در مقابل چشمم ساخته شوی (۳۹) آن هنگام که خواهرت میرفت و میگفت آیا شما را به کسی که کفالتش کند راهنمایی بنمایم؟ سپس تو را بسوی مادرت برگرداندیم تا چشمش روشن شود و ناراحت نباشد، و کسی را گشتی و تو را از اندوه نجات دادیم و به آزمایشهایی تو را آزمودیم و سالهائی را در میان مردم مدین بودی سپس ای موسی بالاخره به اینجا آمدی (۴۰) و تو را برای خویش پرورانده ام (۴۱)

تو و برادرت با آیاتم بروید و از یادم سستی نکنید (۴۲) بسوی فرعون بروید که او طغیان کرده (۴۳) و به او سخنی نرم بگویید شاید پند گیرد یا حرمت روا دارد (۴۴) گفتند پروردگارا میترسیم بر ما دست درازی کند یا اینکه طغیان ورزد (۴۵) گفت ترسید من با شما هستم می شنوم و می بینم (۴۶) و بر او درآید و بگوید فرستادگان پروردگار تو هستیم پس بنی اسرائیل را با ما بفرست و عذابشان مکن و ما با نشانه ای از پروردگارت آمده ایم و سلام بر کسی که هدایت را پیروی کند (۴۷) براستی به ما وحی شده که عذاب برای کسی است که تکذیب کند و روی بگرداند (۴۸)

فرعون گفت ای موسی پروردگارتان کیست؟ (۴۹) گفت پروردگارمان کسی است که هر چیز را می آفریند و آنگاه راهبریش میکند (۵۰) فرعون گفت پس پیشینیان چه؟ (۵۱) موسی گفت علم آن درکتابی نزد پروردگارم است و پروردگارم نه اشتباه و نه فراموش میکند (۵۲)

پروردگارم همان کسی است که زمین را برایتان گهواره ای نمود و در آن برایتان راه هایی قرار داد و از آسمان آبی فرستاد و بوسیله آن از روئیدنی های مختلف درآورد (۵۳) تا بخورید و چارپایانتان را بچرانید که در این البته برای صاحبان هوش و

ذکات نشانۀ هائی است (۵۴) پروردگار میگوید از آن زمین شما را آفریدیم و در آن برتان میگردانیم و بار دیگر از آن بیرونتان می آوریم (۵۵)

بوسیله موسی تمام آیاتمان را به فرعون نمایاندیم اما تکذیب کرد و نپذیرفت (۵۶)

گفت ای موسی آمده ای با جادویت از سرزمینمان بیرونمان کنی (۵۷) البته جادویی مانند آن برایت می آوریم. بین ما و خودتان موعدی قرار ده که نه ما از آن تخلف کنیم و نه تو (۵۸) گفت موعدتان روزی باشد که مردم در آن روز مانند اعیاد زینت میکنند و در روز روشن گرد می آیند (۵۹) پس فرعون برگشت و حیلۀ هایش را جمع کرد و سپس بازآمد (۶۰)

موسی گفت وای بر شما افترای دروغ به خدا نبندید که عذاب شما را میگیرد و البته کسی که افترا بندد نابود میشود (۶۱) پس فرعونیان در کارشان بحث و بررسی میکردند ولی راز آن گفتگوهای پنهانی را حفظ نمودند (۶۲) بالاخره سخنان را چنین جمع بندی کردند که گفتند این دوتا، موسی و هارون، جادوگرانی هستند که میخواهند با جادویشان شما را از سرزمینتان بیرون کنند و طریقه بهترتان را نیز از بین ببرند (۶۳) پس حیلۀ هایتان را یکی کنید و به صف شوید، و در روز موعود که همگی حاضر بودند فرعونیان اعلام کردند که امروز هر کس که برتری یابد همو رستگار است (۶۴)

ساحرانی که فرعون جمع کرده بود گفتند ای موسی یا بیاندازش یا اینکه ما بیاندازیم (۶۵) گفت شما بیاندازید. پس بعلت سحرشان چنین وانمود شد که عصاها و ریسمانهایشان دارد به تندی حرکت می کند (۶۶) و موسی در دلش ترسی احساس کرد (۶۷) گفتیم ای موسی نترس که تو بالاتری (۶۸) و آنچه را که در دست هست

بیانداز که آنچه را ساخته اند ببلعد. جز این نیست که آن حيله ساحرانه است و ساحر از هر موضع که بیايد رستگار نخواهد شد (۶۹)

پس آن ساحران به سجده افتادند و گفتند به پروردگار هارون و موسی ایمان آورده ایم (۷۰) فرعون گفت آیا قبل از اینکه اجازه تان دهم به او ایمان آوردید؟ حتما او بزرگتان است که جادو را به شما آموخته، اینک دست و پایتان را به خلاف یکدیگر قطع و شما را در تنه نخلها به دار خواهیم کشید و خواهید فهمید که کدامان از لحاظ عذاب شدیدتر و باقی تر است (۷۱) گفتند هرگز تو را به آنچه که از دلایل روشن بسویمان آمده ترجیح نخواهیم داد. هر کار که میتوانی بکن. جز این نیست که تو فقط در این دنیا حکم میکنی (۷۲) ما به پروردگارمان ایمان آورده ایم تا خطاهایمان و نیز آنچه که از سحر و جادو به آن مجبورمان نموده ای ببخشد و خداوند بهتر و باقی تر است (۷۳) زیرافهمیده ایم هرکس که با وضعیت مجرم نزد پروردگارش بیايد جهنم را خواهد داشت که در آن نه میمیرد و نه زندگی شایسته ای دارد (۷۴) و کسی که با ایمان و عمل صالح نزدش آید، البته درجات عالی خواهد داشت (۷۵) بهشتهای جاودان که از کف آنها نهرها جاری است که همیشه در آن خواهند بود و این پاداش کسی است که دنبال رشد باشد (۷۶)

و به موسی وحی کردیم که بندگانم را شبانه حرکت ده و راهی خشک در دریا برای آنان بزن و نگران رسیدن آن دشمنان نباش و نیز نگرانی غرق شدن نداشته باش (۷۷) پس فرعون با لشکریانش در تعقیب آنها شد و قسمتی از آن دریا آنچه را که می بایست از فرعونیان بگیرد فراگرفت (۷۸) و فرعون قومش را گمراه کرد و هدایت نکرد (۷۹)

طه ۳ آیات ۸۰ تا ۹۹

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ قَدْ أَنْجَيْنَاكُمْ مِنْ عَدُوِّكُمْ وَوَاعَدْنَاكُمْ جَانِبَ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوَى ﴿٨٠﴾ كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَمَنْ يَحْلِلْ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَى ﴿٨١﴾ وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى ﴿٨٢﴾ وَمَا أَعْجَلَكُ عَنْ قَوْلِكَ يَا مُوسَى ﴿٨٣﴾ قَالَ هُمْ أَوْلَاءُ عَلَى أَثَرِي وَعَجِلْتُ إِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضَى ﴿٨٤﴾ قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ ﴿٨٥﴾ فَرَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ يَا قَوْمِ أَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ وَعَدًّا حَسَنًا أَفَطَالَ عَلَيْكُمُ الْعَهْدُ أَمْ أَرَدْتُمْ أَنْ يَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِّنْ رَبِّكُمْ فَأَخْلَفْتُم مَّوعِدِي ﴿٨٦﴾ قَالُوا مَا أَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلَكِنَا وَلَكِنَّا حَمَلْنَا أُوزَارًا مِّنْ زِينَةِ الْقَوْمِ فَقَذَفْنَاهَا فَكَذَلِكَ أَلْقَى السَّامِرِيُّ ﴿٨٧﴾ فَأَخْرَجَ هُمُ عَجَلًا جَسَدًا لَهُ خُورٌ فَقَالُوا هَذَا إِلَهُكُم وَإِلَهُ مُوسَى فَنَسِيَ ﴿٨٨﴾ أَفَلَا يَرَوْنَ أَلَّا يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ قَوْلًا وَلَا يَمْلِكُ لَهُمْ صَرًّا وَلَا نَفْعًا ﴿٨٩﴾ وَلَقَدْ قَالَ لَهُمْ هَارُونُ مِنْ قَبْلُ يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي ﴿٩٠﴾ قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَى ﴿٩١﴾ قَالَ يَا هَارُونُ مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا ﴿٩٢﴾ أَلَّا تَتَّبِعَنِ أَفَعَصَيْتَ أَمْرِي ﴿٩٣﴾ قَالَ يَا ابْنَ أُمِّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي ﴿٩٤﴾ قَالَ فَمَا خَطْبُكَ يَا سَامِرِيُّ ﴿٩٥﴾ قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِّنْ أَثَرِ الرَّسُولِ فَنَبَذْتُهَا وَكَذَلِكَ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي ﴿٩٦﴾ قَالَ فَادْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ وَإِنَّ لَكَ مَوْعِدًا لَّنْ تُلْقَاهُ وَنَنْظُرَ إِلَى إِلْهِكَ الَّذِي ظَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا لَّنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا ﴿٩٧﴾ إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا ﴿٩٨﴾ كَذَلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاء مَا قَدْ سَبَقَ وَقَدْ آتَيْنَاكَ مِنْ لَدُنَّا ذِكْرًا ﴿٩٩﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
 طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:
درس: ای مسلمانان! مانند بنی اسرائیل نباشید که پس از آزادی، بعلت قبول القاتل شیطانی از حق سر پیچیدند.
 برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:
درب: ای مسلمانان مبدا پس از رهایی، مانند این کارهایی را که آنها کردند مرتکب شوید

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ قَدْ أَنْجَيْنَاكُمْ مِنْ عَذُوبِكُمْ وَوَعَدْنَاكُمْ جَانِبَ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّلَوى ﴿٨٠﴾ كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَمَنْ يَحْلِلْ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَى ﴿٨١﴾ وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى ﴿٨٢﴾
ریزدرب: قسمت عمده ای از بنی اسرائیل پس از نجات به خلافتکاری رو آوردند.

۲

وَمَا أَعْجَلَكَ عَنْ قَوْمِكَ يَا مُوسَى ﴿٨٣﴾ قَالَ هُمْ أُولَاءِ عَلَى أَثَرِي وَعَجِلْتُ إِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضَى ﴿٨٤﴾ قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ ﴿٨٥﴾
ریزدرب: قسمت عمده ای از بنی اسرائیل پس از نجات به خلافتکاری رو آوردند و رهبرشان در این مورد سامری بود.

۳

فَرَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ يَا قَوْمِ أَمْ يُبَدِّلُكُمْ رَبُّكُمْ وَعَدًّا حَسَنًا أَفْتَالُ عَلَىكُمْ الْعَهْدُ أَمْ أَرَدْتُمْ أَنْ يَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَخْلَفْتُم مَّوْعِدِي ﴿٨٦﴾ قَالُوا مَا أَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلَكِنَا وَلَكِنَّا حَمَلْنَا أُوزَارًا مِّن زِينَةِ الْقَوْمِ فَقَذَفْنَاهَا فَكَذَلِكَ أَلْقَى السَّامِرِيُّ ﴿٨٧﴾ فَأَخْرَجَ هُمُ عَجَلًا جَسَدًا لَهُ خُورٌ فَقَالُوا هَذَا إِلَهُكُمْ وَإِلَهُ مُوسَى فَنَسِيَ ﴿٨٨﴾ أَفَلَا يَرَوْنَ إِلَّا يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ قَوْلًا وَلَا يَمْلِكُ لَهُمْ صَرًّا وَلَا نَفْعًا ﴿٨٩﴾ وَلَقَدْ قَالَ لَهُمْ هَارُونُ مِن قَبْلُ يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي ﴿٩٠﴾ قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَى ﴿٩١﴾ قَالَ يَا هَارُونُ مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا ﴿٩٢﴾ أَأَلَّا تَتَّبِعَنِ أَفَعَصَيْتَ أَمْرِي ﴿٩٣﴾ قَالَ يَا ابْنَ أُمِّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي ﴿٩٤﴾

ریزدرب: قسمت عمده ای از بنی اسرائیل پس از نجات به خلافتکاری رو آوردند و رهبرشان در این مورد سامری بود که آنها را به گوساله پرستی برگرداند.

۴

قَالَ فَمَا خَطْبُكَ يَا سَامِرِيُّ ﴿٩٥﴾ قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِّنْ أَثَرِ الرَّسُولِ فَنَبَذْتُهَا وَكَذَلِكَ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي ﴿٩٦﴾ قَالَ فَادْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ وَإِنَّ لَكَ مَوْعِدًا لَّنْ تَخْلَفَنَّهُ وَانْظُرْ إِلَى إِلٰهِكَ الَّذِي ظَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا لَّنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا ﴿٩٧﴾

ریزدرب: قسمت عمده ای از بنی اسرائیل پس از نجات به خلافتکاری رو آوردند و رهبرشان در این مورد سامری بود که آنها را به گوساله پرستی برگرداند و البته هم سامری و هم پیروانش به عقوبت فوری گرفتار شدند.

إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا ﴿٩٨﴾ كَذَلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ مَا قَدْ سَبَقَ وَقَدْ آتَيْنَاكَ مِنْ لَدُنَّا ذِكْرًا ﴿٩٩﴾
ریزدرب: ای پیامبر! حقیقتِ مطلبِ داستان بنی اسرائیل همین است که بر تو وحی کرده ایم.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ که ابتدای سوره است می فرماید: ای پیامبر! قرآن را برای این بر تو نازل کرده ایم که بوسیله آن افراد مستعد را پند دهی و برای موضوع رسالت خود را بیش از اندازه به زحمت میندازی.
 در پاراگراف ۲ می فرماید: ای مردم! آزادی شما در گرو پیروی از این پیامبر(ص) است.
 در این پاراگراف می فرماید: ای مردم! پس از اینکه از این اوضاع نامطلوب رهائی یافتید مبادا همان کار هائی را بکنید که بنی اسرائیل کردند.

۴ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

پاراگراف قبل (تا آیه ۷۹) به «مشکلات رسالت» حضرت موسی و این پاراگراف (از آیه ۸۰ تا ۹۹) به سوء رفتارهای بنی اسرائیل پس از آزادی از اسارت اشاره دارد، و در اولی پیام «صبر و پایداری کنید» و در این پاراگراف پیام «مبادا شما هم چنین کنید» دارد که پیام اخیر تلویحا متضمن این مژده هم هست که چیزی به پایان این نوع مشکلاتتان که فعلا با آن درگیر هستید نمانده است.

۵ - زاویه با تفاسیر رایج

۱) (آیه های ۸۸ تا ۹۷): عادی تفسیری

در داستان مذکور ساختن گوساله و صدا دار کردن آن عادی و مفهوم است، قسمت گیر دار مطلب «بصرت بما لم یبصروا و قبضت قبضه من اثر الرسول» است که اگر آن را جداگانه در نظر بگیریم آنهم عادی است. «اثر رسول» وحی بر موسی است، یا وحیی که خود موسی دریافت میکرده، است، «قبضت قبضه من اثر الرسول» یعنی قسمتی از مطالب وحیانی را انتخاب کردم و آن را القاء کردم، و این قسمت همخط است با تومنون بعض و تکفرون بعض. یعنی اصل موضوع پرستش خدای واحد را از تعالیم جبرئیل یا موسی گرفتم و آن را به گوساله نسبت دادم یعنی گفتم آن «اله»ی که موسی میگوید همین گوساله زرین است.

حالا بروید و به تفاسیر رایج نگاهی کنید و ببینید چه ها گفته اند از روایات یهودی که داخل مجموعه های حدیث ما شده و این از آن نقل و ... همینطور بگیر و بیا تا امروز که مجموعا سبب بدفهمی این آیات گشته است! و ما چون در قسمت «شرح مختصر» توضیحی داده ایم، در اینجا فعلا دیگر به همین اکتفا میکنیم.

۶ - پیشگوئی های تحقق یافته

در آیات ۸۰ تا ۹۹ به آن قسمت از داستان بنی اسرائیل می پردازد که از دست فرعونیان نجات یافتند اما بد رفتاری پیشه کردند و در این تلویحا این پیشگوئی نهفته است که بزودی نجات خواهید یافت، که چنانکه میدانیم تحقق یافته است.

۷ - آیات مشکل

آیات ۹۵ تا ۹۷ از آن لحاظ که مفسران مختلف تفسیر های متخالف و متضاد و اغلب مبتنی بر روایات یهودی و نقل قول از یکدیگر و در مجموع بی ارزش، کرده اند، جزء آیات مشکل قلمداد میشود و البته این تفسیر را که بخوانید، هم متوجه یک تفسیر درست میشوید و هم گوشه ای از فرق این تفسیر را با سایر تفاسیر درک میکنید.

۸ - در این پاراگراف، کدام فقرات، فوق ذهنیات معاصران نزول است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه های ۸۰ تا ۹۹ از این لحاظ که مربوط به اقوامی است که در قبل از تاریخ بوده اند، و علم باستان شناسی آنقدر رشد نکرده که ما از اوضاع و احوال آنها مطلع باشیم، برای ما نیز روشن نیست، چه رسد به مخاطبان اولیه این آیات.

۹ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها، تقریبا تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است .

شرح مختصر

حال و احوال بسیار خوش، رفتار بسیار ناخوش

در رابطه با آیات ۸۸ تا ۹۹ میتوان گفت بسیار محل عبرت است.

اینک بنی اسرائیل به رهبری حضرت موسی(ع) آزادی خویش را باز یافته و دشمن خویش را هلاک شده می‌بینند و بسوئی می‌روند که آینده خویش را بسازند و شهرهای خویش را بنا کنند و زندگی شایسته و در خور داشته باشند. تصور فرماید: قومی رها شده از بند، راهنمای دانای نجات دهنده در میانشان، با روحیه بالای ناشی از امید به آینده، با آب و غذای کافی مرغوب (منّ و سلوا) بعنوان توشه سفر مهیا، بطرف ساختن آینده خویش روانند. واقعاً چه حالی خوشتر از این است؟ تنها کاری که بنی اسرائیل می باید میکردند این بود که تمام هوش و حواس خود را جمع کنند و بطور دقیق گوش به رهنمودهای آنحضرت بسپارند تا این مسیر طی شود و برسند به جایی که باید برسند و شایسته-شان بود.

اما آنچه در واقعیت اتفاق افتاده، درست خلاف آن است. پر است از نافرمانی، خلاف، انحراف، خیانت، سستی در انجام وظیفه، و گناه و ارتجاع و غیره. با توجه به «لیست پیشنهادی ترتیب نزول سوره‌ها»، این اولین بار است که «داستانهای پس از نجات از اسارت فرعونیان» مطرح می‌شود. آنهم با این طول و تفصیل، که بعداً در سوره‌های اعراف و بقره آیات تکمیلی این بخش نازل خواهد شد.

ارتجاع؟ آنهم به این زودی؟

در رابطه با آیه‌های ۸۳ و ۸۴ باید حدس بزنیم که ظاهراً حضرت موسی باید قومش را بسوی (کوه) طور می‌برد اما شیرینی دریافت وحی و طرف سخن خداوند قرار گرفتن او را به تعجیل واداشت، و براساس آیه ۸۵، همین نبودن حضرت موسی سبب گمراهی آن قوم شد.

چرا گمراهی به این زودی؟

صرفنظر از مندرجات تورات کنونی که از توحید خالص موسائی فاصله بسیار دارد، از روی مطالب قرآن کریم فهمیده می‌شود که تعالیم آن حضرت توحید خالص اسلامی

بود، اما مردمی که او برای نجات آنها گسیل شده بود، نسل اندر نسل تحت سلطه سیاسی و نظام سیاسی فرعونى نشو و نما یافته بودند و طبعاً از لحاظ فرهنگى نیز گرچه اسمى از توحید بر رویشان بود اما مانند مسلمانان ساکن در شوروى سابق که فقط اسمى برایشان مانده بود آنها نیز از توحید ابراهیمى چیزى برایشان نمانده بود. طبعاً رنج و ذلت بردگى و تبلیغ مداوم مستمر فرعونیان نتیجه‌ای غیر از این نداشت. ظاهراً فاصله بین مصر و کوه طور را با توجه به نقشه‌های فعلی جغرافیا و نیز کیفیت راهسپران که مردم معمولی دارای بار و بنه و زن و بچه و پیرمردان و پیرزنان بودند، نمی‌توان در کمتر از ۵-۴ ماه طی کرد.

آنان در این مدت طولانی فرصت کافی داشتند که تغییر اخلاق بدهند. آنان قبل از این مهاجرت بزرگ عده‌ای برده ذلیل و تحت سلطه کسانی بودند که مقید به هیچ قید دینی و اخلاقی نبودند اما در این مدت اشخاصی آزاد و دارای حقوق الهی شده بودند و رئیس آنها هم کسی بود که نمی‌توانست هیچ خشونت کوچک ظلم‌آمیزی بر آنها روا دارد و لذا آنها بجای اینکه پاس این نعمت عظیم را بدانند، از موقعیت جدید خویش سوء استفاده نموده سر به نافرمانی و چون و چرای بیجا گذاشتند.

آیات ۸۵ تا ۹۱ نیز باید با توجه به این نکته ملاحظه شود و در آنصورت مفهوم خواهد بود.

گوساله سامری

بالاخره قومى که عمرى را در بساط بت و بت‌پرستى گذرانده بود ولو اینکه اسمى هم از توحید ابراهیمى بر سرشان بود، غیبت موسى سبب میدان‌یابی اغوای اغواگران شد و ممانعت هارون نیز ضعیف بود و نتوانست جلوگیری کند و بت‌پرستى قلبى پنهان بصورت ملموس آشکار خودنمائی کرد.

واقعاً جواب سامرى را در آیه ۹۶ چگونه مى‌توان تفسیر کرد؟

۱- «آن رسول» کیست؟

۲- «مشتی از اثر»ی از آن رسول یعنی چه؟

۳- «چیزی دیدم که آنها ندیدند» مربوط به چیست؟

۴- «انداختم» یعنی چه؟

در اینجا باید عرض کنیم که تقریباً عموم مفسران برای فهم این قسمت به روایات متکی بوده اند و سخنان عجیب و غریبی گفته اند که نه تنها به فهم مطلب چندان کمکی نمیکند بلکه سبب بد فهمی هم میشود، اما، ما، با توجه به ترتیب نزول و عصاره محتوای سوره (یعنی «درس») و عصاره محتوای پاراگراف (یعنی «درب») قاعدتاً نباید دچار مشکلی باشیم.

اگر به ترتیب نزول توجه داشته باشیم اولین بار که کلمه منافق را در قرآن می بینیم در سوره عنکبوت است که به هجرت خیلی نزدیک است.

یعنی اینکه منافقین حس کرده بودند که این نهضت (یعنی اسلام) آینده دارد و کارش اصطلاحاً «میگیرد»، لذا بدون اینکه موضوع حق و باطل برایشان مهم باشد به آنحضرت گرویدند تا در آینده نهضت، از نمد آن کلاهی داشته باشند، و چنانکه تاریخ اسلام گویا است حسابشان هم درست درآمد و به ریاست و آلف و الوف هم رسیدند و ضمناً هنوز سی سال از وفات آنحضرت نگذشته بسیاری از عناصر مهم محتوایی اسلام را نیز کاملاً تغییر دادند.

کار سامری نیز چنین کاری بود، او نیز کل جریان حضرت موسی را تحلیل کرد و متوجه عناصری شد که از آنها برای ریاست احتمالی خویش استفاده کرد و مدتی هم (لا اقل تا برگشتن آنحضرت از میقات) موفق هم بود و ریاست پیدا کرد و هارون را که جانشین آنحضرت بود کنار زد و منزوی نمود.

بنابر این «بصرت بما لم یبصروا» یعنی اینکه در کار موسی مطالعه کردم و متوجه چیزهایی شدم که عموم مردم متوجه نشدند و «قبضت قبضه من اثر الرسول» (اعم از اینکه رسول موسی باشد یا جبرئیل که نتیجه گیری را تغییر نمیدهد) یعنی عنصری از عناصر دین موسی را گرفتم (که در این مورد تبدیل چند خدائی فرعونیان

به تک خدائی دین موسی باشد) و «نَبِذْتَهَا» به قرینه «كَذَلِكَ الْقِيَاسُ» به معنی «القیته‌ها» است، و خلاصه مطلب این است که در کار رسول (اعم از موسی یا جبرئیل) مطالعه کردم و قسمتی از آن را انتخاب کردم و آن را القاء کردم، که در این مورد با توجه به اینکه بنی اسرائیل مدتی طولانی تحت بردگی فرعونیان بودند و فرعونیان تندیس بعضی از حیوانات را به عنوان نماد برخی از قدرت های خدائی پرستش میکردند، سامری نیز به زبان «قوم تا دیروز برده و هنوز تحت تاثیر پسماندهای دین اربابان سابق» سخن گفت و تک خدائی را به عنوان رمز موفقیت موسی گرفت و نیز آن خدا را بصورت گوساله ای که صدائی هم از آن در می آمد معرفی کرد (که بالاخره خارق عادتی هم چاشنی کار خویش کند و بتواند در عوام الناس زمینه پذیرشی ایجاد کند) و پذیرفته هم شد و قسمتی از بنی اسرائیل او را به رهبری خویش پذیرفتند.

و در این پاراگراف دارد به مسلمانان هشدار میدهد مبدا شما این گوهر عظیم را در اثر رفتار عده ای فرصت طلبِ منافقِ عوامِ فریب از دست بدهید که البته واقعیات تاریخی بما میگوید که موضوع این هشدار (که بعدا در سوره اعراف هم تکرار شد) واقع شد و مسلمانان دچار آن شدند که هنوز هم گرفتارش هستند.

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر! پس از آزادی بنی اسرائیل به آنان چنین خطاب کردیم: ای بنی اسرائیل شما را از دشمنانتان نجات دادیم و با شما در طرف راست کوه طور قرار گذاشتیم و منّ و سلوی را بر شما فرو فرستادیم (۸۰) از چیزهای خوبی که برایتان روزی کردیم بخورید و طغیان نکنید که غضبم بر شما فرود خواهد آمد و کسی که غضبم بر او فرود آید حتما سقوط خواهد کرد (۸۱) و البته من نسبت به کسی که توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح نماید و سپس هدایت یابد بسیار بخشنده میباشم (۸۲)

ای موسی چه چیز تو را واداشت که از قومت با عجله جلو بیفتی؟ (۸۳) موسی گفت پروردگارا آنها دنبال من هستند و من بسویت عجله کردم تا به نظر خودم رضایت را کسب کنم (۸۴) گفت قومت را پس از تو آزمودیم و سامری گمراشان کرد (۸۵) پس موسی در حالیکه غضبناک و متاسف بود بسوی قومش برگشت و گفت ای قوم! آیا پروردگارتان وعده نیکو به شما نداد؟ آیا مدتش طولانی شد یا اینکه خواستید غضبی از جانب پروردگارتان شما را فرا گیرد که در وعده ام تخلف کردید؟ (۸۶) گفتند از وعده ات با اختیار خودمان تخلف نکردیم ولیکن بارهائی از زینت آلات آن قوم بما تحمیل شده بود که آنها را انداختیم و سامری نیز این طرح را در انداخت (۸۷) و برای آنها بدنی از گوساله که صدائی هم داشت ساخت و عده ای گفتند این خدای شماسست و خدای موسی نیز هست که شما را فراموش کرد (۸۸) آیا نمی دیدند که آن مجسمه گوساله سخنی را به آنها برنمی گرداند و برای آنها مالک نفع و ضرری نیست؟ (۸۹) و البته هارون قبلا به آنها گفته بود که ای مردم شما بوسیله آن به فتنه افتاده اید و پروردگار شما خدای رحمان است پس مرا پیروی و از امرم اطاعت کنید (۹۰) گفتند ما از عبادتش دست نمی کشیم تا اینکه موسی بسویمان بازگردد (۹۱) موسی به برادرش گفت ای هارون چه چیزی جلویت را گرفت وقتی که دیدی گمراه شده اند (۹۲) که مرا پیروی کنی؟ آیا از فرمانم سرپیچیدی؟ (۹۳) گفت ای پسر مادرم سر و ریشم را ول کن. ترسیدم بگویی بین بنی اسرائیل تفرقه انداختی و به سخنم اعتنا نکنی (۹۴) گفت ای سامری موضوع تو چه بوده؟ (۹۵) گفت چیزی دیدم که آنها ندیدند و قسمتی از تعالیم رسول خدا را اختیار کردم و چنین القاء کردم و نفس من برایم چنین آراست (۹۶) گفت برو که در زندگیت منزوی باشی، چنانکه بگویی به من دست نزنید. و البته موعدی داری که تخلف ندارد

و اینک به این گوساله که به خدائی برگرفته ای نگاه کن که آنرا خواهیم سوزاند
سپس به دریا میریزیم و پراکنده اش می کنیم (۹۷) جز این نیست که خدای شما
خداوند است که خدائی جز او نیست که علم او به همه چیز میرسد (۹۸) ای پیامبر!
از خبرهای گذشتگان چنین برایت حکایت میکنیم و از جانب خویش به تو پندی
داده ایم (۹۹)

طه ۴ آیات ۱۰۰ تا ۱۲۳

مَنْ أَعْرَضَ عَنْهُ فَإِنَّهُ يَحْمِلُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وِزْرًا ﴿١٠٠﴾ خَالِدِينَ فِيهِ وَسَاءَ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حِمْلًا ﴿١٠١﴾ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ وَنَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا ﴿١٠٢﴾ يَخَافَتُونَ بَيْنَهُمْ إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا عَشْرًا ﴿١٠٣﴾ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ إِذْ يَقُولُ أَمْثَلُهُمْ طَرِيقَةً إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا يَوْمًا ﴿١٠٤﴾ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا ﴿١٠٥﴾ فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا ﴿١٠٦﴾ لَا تَبْقَى فِيهَا غِوَاثٌ وَلَا أَمْتًا ﴿١٠٧﴾ يَوْمَئِذٍ يَتَّبِعُونَ الدَّاعِيَ لَا عِوَجَ لَهُ وَخَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا ﴿١٠٨﴾ يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا ﴿١٠٩﴾ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا ﴿١١٠﴾ وَعَنْتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا ﴿١١١﴾ وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا يَخَافُ ظُلْمًا وَلَا هَضْمًا ﴿١١٢﴾ وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا وَصَرَّفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ أَوْ يُحْدِثُ لَهُمْ ذِكْرًا ﴿١١٣﴾ فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَى إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا ﴿١١٤﴾ وَلَقَدْ عَاهَدْنَا إِلَى آدَمَ مِنْ قَبْلِ فَنَسِيَ وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا ﴿١١٥﴾ وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى ﴿١١٦﴾ فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَلِزَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكَمَا مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى ﴿١١٧﴾ إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعْرَى ﴿١١٨﴾ وَأَنَّكَ لَا تَظْمَأُ فِيهَا وَلَا تَصْحَى ﴿١١٩﴾ فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبْلَى ﴿١٢٠﴾ فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى ﴿١٢١﴾ ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَى ﴿١٢٢﴾ قَالَ اهْبِطْ مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَصِلُ وَلَا يَشْقَى ﴿١٢٣﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
 طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: ای مسلمانان! مانند بنی اسرائیل نباشید که پس از آزادی، بعلت قبول القائنات شیطانی از حق سر پیچیدند.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: قبول القائنات شیطانی آدمی را از راه حق منحرف نموده، و سبب زحمت آدمی در همین جهان، و بدبختی جاوید در جهان بعدی می شود و توجه به آخرت و توجه به حقانیت قرآن و تدبر در آن، آدمی را از قبول القائنات شیطانی حفظ میکند.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

مَنْ أَعْرَضَ عَنْهُ فَإِنَّهُ يَحْمِلُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وِزْرًا ﴿١٠٠﴾ خَالِدِينَ فِيهِ وَسَاءَ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حِمْلًا ﴿١٠١﴾

ریزدرب: یک نمونه قبول القائنات شیطانی روگردانی از پندهای قرآنی است.

۲

يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ وَنَحْشُرُ الْمُخْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا ﴿١٠٢﴾ يَتَخَفَتُونَ بَيْنَهُمْ إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا عَشْرًا ﴿١٠٣﴾ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ إِذْ يَقُولُ أَمْثَلُهُمْ طَرِيقَةً إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا يَوْمًا ﴿١٠٤﴾ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا ﴿١٠٥﴾ فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا ﴿١٠٦﴾ لَا تَبْقَى فِيهَا جِوَارًا ﴿١٠٧﴾ يَوْمَئِذٍ يَتَّبِعُونَ الدَّاعِيَ لَا عِوَجَ لَهُ وَخَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا ﴿١٠٨﴾ يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا ﴿١٠٩﴾ يَعْلَمُ

مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا ﴿١١٠﴾ وَعَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا ﴿١١١﴾ وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا يَخَافُ ظُلْمًا وَلَا هَضْمًا ﴿١١٢﴾

ریزدرب : یک نمونه قبول القائنات شیطانی روگردانی از پندهای قرآنی است که در آن بسیار به وقوع قیامت هشدار داده.

۳

وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا وَصَرَّفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ أَوْ يُحْدِثُ لَهُمْ ذِكْرًا ﴿١١٣﴾ فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَى إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا ﴿١١٤﴾

ریزدرب : ای پیامبر! هنگام دریافت این قرآن که چنین عظمت و اهمیتی دارد آرام باش.

۴

وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَى آدَمَ مِنْ قَبْلِ فَنَسِيَ وَنَجَدَ لَهُ عِزًّا ﴿١١٥﴾ وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى ﴿١١٦﴾ فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَلِزَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكَ مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى ﴿١١٧﴾ إِنَّ لَكَ أَلًا يَجُوعُ فِيهَا وَلَا تَعْرِى ﴿١١٨﴾ وَأَنَّكَ لَا تَظْمَأُ فِيهَا وَلَا تَصْحَى ﴿١١٩﴾ فَوْسَوْسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبْلَى ﴿١٢٠﴾ فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى ﴿١٢١﴾ ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَى ﴿١٢٢﴾ قَالَ اهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَإِنَّمَا يَتَّبِعُكُم مِّنِّي هَؤُلَاءِ فَمَنْ اتَّبَعَ هَؤُلَاءِ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى ﴿١٢٣﴾

ریزدرب : شیطان بسیار خطرناک است، از او و سیستمش بسیار دوری کنید

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبَّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ که ابتدای سوره است می فرماید: ای پیامبر! قرآن را برای این بر تو نازل کرده ایم که بوسیله آن افراد مستعد را پند دهی و برای موضوع رسالت خود را بیش از اندازه به زحمت میندازی. در پاراگراف ۲ می فرماید: ای مردم! آزادی شما در گرو پیروی از این پیامبر(ص) است. در پاراگراف ۳ می فرماید: ای مردم! پس از اینکه از این اوضاع نامطلوب رهائی یافتید مبدا همان کار هائی را بکنید که بنی اسرائیل کردند.

در این پاراگراف می فرماید: ای انسانها! گول خوردن پدرتان از ابلیس فقط منحصر به آن زمان نبوده و خودتان نیز هم اکنون در معرض القائنات شیطانی هستید، پس مواظب خویش باشید و ای پیامبر! دل مطمئن دار که این وحی رابرتو کامل میکنیم که با آن دائماً پند بر مومنان و هشدار بر کافران تازه کنی و خود نیز علم بیشتر جستجو میکنی و ای مردم! هولناکی قیامت برای کسانی است که از آن پند روگردان باشند.

۴- سوالات

- ۱- حالت کلی پاراگراف چگونه است؟ (هشدار دهنده شدید؟ یا...؟)
- ۲- این هشدارها بیشتر متوجه چه کسانی است؟ (کفار؟ مسلمانان؟ یا...؟)
- ۳- نسبت به آنچه درباره هولناکی های قیامتی در سوره های قبل دیدیم، چه مطلبی در این پاراگراف جدید است؟

- ۴ - منظور از « أَمْثَلُهُمْ طَرِيقَةً » (آیه ۱۰۴) چیست؟
- ۵ - چرا در آیه ۱۱۲ فرموده « مِنَ الصَّالِحَاتِ » و نفرموده « الصَّالِحَاتِ »؟
- ۶ - منظور از «هضما» (آیه ۱۱۲) چیست؟

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیه ۱۱۳ فهمیده میشود قرآن در طول رسالت آنحضرت دو مأموریت داشته، یکی تذکر دادن و دیگری تازه کردن تذکرات.

از آیه ۱۱۴ فهمیده میشود آنحضرت در هنگام تلقی وحی بی تاب میشده و عجله میکرد (ظاهرا در اثر نگران بودن از اینکه مبدا قسمتی از وحی را از دست بدهد) و از همان آیه این نیز فهمیده میشود که شخصیت آنحضرت در طول پیامبری اش، و به مرور زمان، رشد و تعالی و تکامل می یافته است.

۶ - آیات برجسته این پاراگراف

آیه ۱۱۴ (لا تعجل بالقرآن من قبل ان یقضی الیک وحیه) از هر دو لحاظ برجستگی (اقبال هنرمندان و استناد توسط علماء و خطباء) را دارد، و شواهد در این خصوص زیاد ولی جای آن اینجا نیست.

همچنین است موقعیت آیات ۱۱۵ تا ۱۲۳ (آیات آفرینش انسان)

۷ - آیات مشکل

آیات ۱۱۵ تا ۱۲۳ از آیات مشکل قرآنی است، زیرا مفسران در تفسیر آنها آراء مختلف و بعضا متخالف و متضادی گفته اند که بیا و ببین، اما این تفسیر معقول و مقبول است زیرا از هیچ منبع و مرجع غیر قرآنی استفاده نکرده ایم.

۸- زاویه با تفاسیر رایج

۱ (آیه ۱۱۴) : ۱- حاکم کردن روایات ۲- خطای عادی تفسیری

(المیزان) : " وَ لَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَ قُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا".

سیاق آیات مورد بحث شهادت می‌دهد بر اینکه در این آیه تعرضی نسبت به چگونگی تلقی رسول خدا (ص) بر وحی قرآن شده است، و بنا بر این ضمیر در "وحیه" به قرآن بر می‌گردد، و جمله "وَ لَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ" نهی از عجله در قرائت قرآن است. و معنای جمله "مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ" این است که قبل از تمام شدن وحی از ناحیه فرشته وحی، در خواندن آن عجله مکن.

پس این آیه می‌رساند که وقتی وحی قرآن برای آن جناب می‌آمده، قبل از اینکه وحی تمام شود، شروع به خواندن آن می‌کرده، و در آیه، آن حضرت را نهی فرموده‌اند از اینکه در قرائت قرآن و قبل از تمام شدن وحی آن عجله نکنند، پس آیه مورد بحث در معنای آن آیه دیگر است که می‌فرماید: "لَا تُحْرَكْ بِهِ لِسَانُكَ لَتَعْجَلَ بِهِ إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ"

و مؤید این معنا جمله بعد است که می‌فرماید: "وَ قُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا"، برای اینکه جمله "لَا تَعْجَلْ ... وَ قُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا" می‌رساند که مراد استبدال است، یعنی به جای اینکه در آیه‌ای که هنوز به تو وحی نشده عجله کنی علم بیشتری طلب کن. و برگشت معنا به این می‌شود که اگر تو به قرائت آیه‌ای که هنوز بر تو نازل نشده عجله می‌کنی، برای این است که تا اندازه‌ای بدان علم پیدا کرده‌ای، ولی تو به آن مقدار علم اکتفاء مکن، و از خدا علم جدید بخواه، و بخواه که صبر و حوصله‌ات دهد تا بقیه وحی را بشنوی.

این آیه شریفه از جمله مدارکی است که مضمون روایات را تایید می‌کند، که دارد: قرآن کریم دو بار نازل شده، یکی بار اول که همه‌اش از اول تا به آخر دفعتاً نازل شده است، و یکی هم آیه آیه و چند روز یک بار، و وجه تایید آن این است که اگر رسول خدا (ص) قبل از تمام شدن آیه، و یا چند آیه‌ای که مثلاً الآن جبرئیل آورده، علمی به بقیه آن نمی‌داشت، معنا نداشت بفرماید: قبل از تمام شدن وحیش در خواندنش عجله مکن، پس معلوم می‌شود قبل از تمام شدن وحی هم آن جناب آیه را می‌دانسته.

استدلال اصلی المیزان بر اینکه قرآن یکبار بطور یکپارچه بر آنحضرت نازل شده و یکبار تدریجاً و در ظرف حدود ۲۳ سال، این است که قرآن فرو فرستادن خویش را

هم به «انزال» و هم به «تنزیل» تعبیر کرده، که به قول المیزان، انزال به معنی فروفرستادن یکدفعه ای و تنزیل به معنی تدریجی است، و قبلاً نشان دادیم که این خطاست زیرا راجع به باران و ارزاق هم هردوی این انزال و تنزیل بکار رفته و در مورد باران و ارزاق میدانیم که تدریجی است.

بنا بر این، این استدلال باطل است، اما از نقل قول فوق بر می آید که خود المیزان نیز بر آن استدلال خویش چندان اطمینانی نداشته و لذا به روایات استشهاد کرده، و در نتیجه این استشهاد برای «رب زدنی علما» معنی آورده که نمی چسبد و معنی آیه همان است که در آیات سوره قیامه آمده (همان آیاتی که در نقل قول فوق هم دیده میشود) و معنی «رب زدنی علما» نیز همان است که بطور مستقیم و وضوح از خودش فهمیده میشود و نیاز به آن سخنان نجسب ندارد.

دلیل دگر بر بطلان این بیان این است که اگر قرآن یکبار بطور کامل بر آنحضرت فروفرستاده شده است، این است که اگر چنان بود، چرا اینهمه آیات «فاصبر» نازل شده، و خود زیادی تعداد «فاصبر» ها دالّ است براین که آنحضرت از آینده خبر نداشت، و اگر میدانست که پیروز میشود و مکه را فتح میکند، دیگر آنهمه بی صبری از خویش بروز نمیداد، تا لازم باشد آیات «فاصبر» بر او نازل شود!

۲ (آیه های ۱۱۵ تا ۱۲۲) : (المیزان) : " انبیاء با داشتن عصمت می توانند ترک اولی کنند و ترک اولی با عصمتشان منافات ندارد " و از همین ترک اولی یکی داستان آدم است که بعد از آنکه از خوردن آن درخت منعش کرده بودند خورد.

آنجا نه دنیا بود نه آخرت، و آدم هنوز «نبی» نشده بود، لذا کاربرد عناوینی مانند گناه و ترک اولی و امثالهم برای آن شرایط چه وجهی دارد؟

۹ - پیشگوئی های تحقق یافته

در آیه های ۱۱۳ و ۱۱۴ دو پیشگوئی تحقق یافته هست:

- ۱ - اسم قرآن را آورده و این یک وعده تحقق یافته است، که یعنی تو اینقدر در رسالت میمانی که نزول قرآن تکمیل شود.
- ۲ - در باره ادامه رسالتش به او نوید داده که اضطراب نداشته باش و طمانینه پیشه کن و تقاضای رشد نفسانی کن.

۱۰ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

در آیه های ۱۱۶ و ۱۱۷ و ۱۲۰ به موجوداتی اشاره شده که معهود ما بشر قرن حاضر هم نیست، چه رسد به مشافهین ۱۴۰۰ سال قبل!

آیات ۱۰۲ تا ۱۱۲ که جزئیاتی از پیشاقیامت تا پساقیامت را مطرح میکنند، نه تنها فوق ذهنیات مخاطب اولیه بلکه حتی فوق ذهنیات ما مردم قرن بیست و یکم است. همچنین است آیات ۱۱۵ تا ۱۲۳ که مطالب پر رمز و رازی را به زبانی سمبلیک بیان میکند و چون اصل مطلب در فضائی رخ داده که قابل دسترسی هیچکس نیست، لذا فوق ذهنیات ما که بشر قرن بیست و یکمی هم هستیم نیست، چه رسد به مخاطبان اولیه.

۱۱ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

- ۱ - هشدار به آدمی راجع به شیطان و اینکه او و ایادی اش اساسا کارشان سعی در گمراه کردن انسان است.
- ۲ - توجه دادن به قیامت به عنوان یک آینده محتوم و اینکه آن را در محاسبات تان در نظر بگیرید.

۳ - توجه دادن به قرآن و کارکردِ راهنما بودنِ آن در جهت مواجهه موفق با دو موضوع فوق.

۱۲ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه ۱۱۰ و ۱۱۲ و ۱۱۴ و ۱۱۵ و ۱۱۷، بقیه آیات «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلید های تفسیری

اصلی-فرعی:

آیات ۱۱۳ تا ۱۲۳، کلاً «پرانتهایی» است (امتحان کنید و امتحانش به این است که قبل و بعدش را وصل کنید که در اینصورت خواهید دید که روال سخن صاف و بی سکنه خواهد بود)

«ه» در عنه به چه اشاره دارد؟

«عنه» در آیه ۱۰۰ به انتهای آیه ۹۹ بر میگردد و من اعرض عنه یعنی کسانی که از پند های قرآن روگردان باشند.

داستان زیبای آفرینش انسان و برگزیدگی آدم

داستان برگزیدگی آدم؛ که در سوره های اسراء و حجر قسمت هایی از آن ذکر شد، و در این سوره نیز قسمتی، و آنگاه در سوره اعراف و بالاخره در سوره بقره تکمیل خواهد شد، ما نیز شرح مختصری از کل این داستان دلکش شیرین را در سوره بقره عرض خواهیم کرد.

اما آنچه که بطور خیلی خلاصه می توانیم در اینجا عرض کنیم، این است که داستان آدم در قرآن طوری مطرح شده، اما در نزد مردم عادی و عامی طور متفاوتی مطرح شده است که مخلوطی از خرافات و مطالب نامعقول و افسانه های نفوذ یافته

بنی اسرائیلی است.

اما آنچه از قرآن فهمیده می‌شود این است که این داستان در سه مرحله مطرح است:

۱- مرحله نرم‌افزاری (تقدیر، برنامه‌ریزی، عالم ملائکه، ابلیس، امتحان بین آدم و ملائکه و پیروزی آدم و شکست ملائکه، فراخوان ملائکه برای سجده ...)

۲- مرحله « نه آسمان نه زمین » که مرحله مطرح در همین سوره است و گول خوردن آدم و همسرش در آن موقعیت واقع می‌شود.

۳- مرحله آغاز حیات زمینی (هبوط، زاد و ولد، شیطان‌ها، ... تاکنون) و در این سوره با ذکر این قسمت داستان با توجه به «درس» و «درب» به مسلمانان می‌فرماید صحنه گول خوردن پدرتان از ابلیس فقط منحصر به آن شرایط نبوده و هم اکنون نیز شما در معرض القانات شیطانی هستید، پس مواظب باشید و ...

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر! کسی که از پندهای الهی رو برگرداند روز قیامت باری بر دوش خواهد داشت (۱۰۰) که در آن جاودان خواهند بود و چه بار بدی است (۱۰۱)

روزی که در آن شیپور دمیده شود و مجرمان را در آن روز، بدچشم محشور کنیم (۱۰۲) بین خویش به آهستگی میگویند بیش از ده روز در قبر درنگ نداشته اید (۱۰۳) ما به آنچه میگویند داناتریم. هنگامیکه خوش رفتارترین آنها میگوید جز یک روز درنگ نکرده اید (۱۰۴)

ای پیامبر! از تو درباره کوه‌ها میپرسند بگو پروردگارم آنها را بکلی پراکنده میکند (۱۰۵) و آنها را پهن و صاف وامیگذارد (۱۰۶) که در آن نه کژی و نه برجستگی بینی (۱۰۷) در آن روز همگان آن دعوت کننده را که ایرادی در کارش نیست پیروی میکنند و صداها بخاطر خداوند رحمان پائین می‌آید و جز زمزمه آهسته

ای نمی شنوی (۱۰۸) در آن روز شفاعت فایده ای ندارد مگر از سوی آنکس که خداوند رحمان اجازه اش دهد و سخنش را بپسندد (۱۰۹) همان خداوندی که از آینده و گذشته شان خبر دارد اما آنها نسبت به او علمی ندارند (۱۱۰) و چهره ها برای آن زنده پاینده فرو می افتد

و کسانی که بار ظلمی بر دوش دارند رستگار نمی گردند (۱۱۱) و کسانی که کارهای شایسته نموده و ایمان نیز داشته باشند نه نگران خواهند بود که ظلمی به آنان میشود و نه نگران کاستیی خواهند بود (۱۱۲)

و چنین است که قرانی به زبان روشن واضح نازل کرده ایم و در آن از وعده های مایه نگرانی آورده ایم شاید تقوا پیشه کنند یا پندگیری شان تازه شود (۱۱۳) و خداوند فرمانروای حق بلند مرتبه است و ای پیامبر! قبل از اینکه وحی آن بسویت تمام شود عجله به خواندن آن مکن و بگو پروردگارا علمم را زیادتیر کن (۱۱۴)

ای مردم! قبلا عهدی به آدم سپرده بودیم اما فراموشش کرد و اراده ای در او نیافتیم (۱۱۵) آن هنگام که به ملائکه گفتیم برای آدم سجده کنید که سجده کردند مگر ابلیس که امتناع کرد (۱۱۶) گفتیم ای آدم این دشمن تو و همسرت است پس مبادا شما را از موقعیت تان بیرون کند و بدبخت شوید (۱۱۷) زیرا که تو در آن گرسنگی و برهنگی نداری (۱۱۸) و تشنگی و آفتاب تند نیز نداری (۱۱۹) پس شیطان وسوسه اش کرد. گفت ای آدم آیا تو را به درخت جاودانگی و پادشاهی که کهنه نمیشود راهنمایی بکنم؟ (۱۲۰) پس، از آن خوردند و زشتی هایشان برایشان آشکار شد و شروع به چسباندن برگهای آن باغ به خویش نمودند و آدم نسبت به پروردگارش عصیان کرد و گمراه شد (۱۲۱)

آنگاه بعدا پروردگارش برگزیدش و بالطف و بخشش به او بازگشت، و هدایتش نمود (۱۲۲) گفت شما دوتا و همگی تان از آن فرود آئید بطوریکه بعضی تان دشمن بعضی دیگر باشید. پس اگر هدایتی از جانب من آمد کسی که هدایتم را پیروی کند نه گمراه و نه بدبخت نخواهد شد (۱۲۳)

طه ۵ آیات ۱۲۴ تا ۱۳۵

وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى ﴿١٢٤﴾ قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا ﴿١٢٥﴾ قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيتَهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى ﴿١٢٦﴾ وَكَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِآيَاتِ رَبِّهِ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَى ﴿١٢٧﴾ أَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِينِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِأُولِي النُّهَى ﴿١٢٨﴾ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَكَانَ لِزِمَا وَاجِلٌ مُمْسِي ﴿١٢٩﴾ فَاصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا وَمِنْ آنَاءِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَى ﴿١٣٠﴾ وَلَا تَدْنُ عَيْنُكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَى ﴿١٣١﴾ وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا تَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى ﴿١٣٢﴾ وَقَالُوا لَوْلَا يَأْتِينَا بِآيَةٍ مِنْ رَبِّهِ أَوَلَمْ تَأْهِمْ بَيِّنَةً مَا فِي الصُّحُفِ الْأُولَىٰ ﴿١٣٣﴾ وَلَوْ أَنَّا أَهْلَكْنَاهُمْ بِعَذَابٍ مِنْ قَبْلِهِ لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نُدَلَّ وَنَخْزَى ﴿١٣٤﴾ فَلِكُلِّ مُتَرَبِّصٍ فَتَرَبَّصُوا فَسَتَعْلَمُونَ مِنْ أَصْحَابِ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَى ﴿١٣٥﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج می‌کنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: ای مسلمانان! مانند بنی اسرائیل نباشید که پس از آزادی، بعلت قبول القانات شیطانی از حق سرپیچیدند.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: ای مردم! غفلت از یاد خدا شما را به آن انحراف‌ها می‌کشاند، و ای پیامبر! در جواب بهانه‌های آنان چنین بگو.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى ﴿١٢٤﴾ قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا ﴿١٢٥﴾ قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيتَهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى ﴿١٢٦﴾ وَكَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِآيَاتِ رَبِّهِ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَى ﴿١٢٧﴾
ریزدرب: ای مردم! قبول القانات شیطانی سبب رویگردانی تان از یاد خداست.

۲

أَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاجِدِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي النُّهَى ﴿١٢٨﴾ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَكَانَ لِزَامًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى ﴿١٢٩﴾
ریزدرب: ای مردم! اگر مهلتی که خداوند به شما می‌دهد نبود، شما هم هلاک شده بودید

۳

فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا وَمِنْ آنَاءِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَى ﴿١٣٠﴾ وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زُخْرًا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَى ﴿١٣١﴾ وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى ﴿١٣٢﴾

ریزدرب: ای پیامبر! به رسالت بچسب و به چیز دیگری دل میند

۴

وَقَالُوا لَوْلَا يَأْتِينَا بِآيَةٍ مِنْ رَبِّهِ أَوَلَمْ تَأْتِهِم بَيِّنَةٌ مَا فِي الصُّحُفِ الْأُولَى ﴿١٣٣﴾ وَلَوْ أَنَّا أَهْلَكْنَاهُمْ
بِعَذَابٍ مِنْ قَبْلِهِ لَقَالُوا لَوْلَا رَزَقَنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَتُنَبِّحَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَنُخْزَى
﴿١٣٤﴾ قُلْ كُلُّ مُتَرَبِّصٍ فَتَرَبَّصُوا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَى
﴿١٣٥﴾

ریزدرب: ای پیامبر! به بهانه گیری های آنان چندان اهمیت مده.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لُبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ که ابتدای سوره است می فرماید: ای پیامبر! قرآن را برای این بر تو نازل کرده ایم که بوسیله آن افراد مستعد را پند دهی و برای موضوع رسالت خود را بیش از اندازه به زحمت میندازی.
در پاراگراف ۲ می فرماید: ای مردم! آزادی شما در گرو پیروی از این پیامبر(ص) است.
در پاراگراف ۳ می فرماید: ای مردم! پس از اینکه از این اوضاع نامطلوب رهائی یافتید مبادا همان کار هائی را بکنید که بنی اسرائیل کردند.

در پاراگراف ۴ می فرماید: ای انسانها! گول خوردن پدرتان از ابلیس فقط منحصر به آن زمان نبوده و خودتان نیز هم اکنون در معرض القائنات شیطانی هستید، پس مواظب خویش باشید و ای پیامبر! دل مطمئن دار که این وحی رابرتو کامل میکنیم که با آن دائما پند بر مومنان و هشدار بر کافران تازه کنی و خود نیز علم بیشتر جستجو میکنی و ای مردم! هولناکی قیامت برای کسانی است که از آن پند روگردان باشند.

در این پاراگراف می فرماید: هر کس از پندهای الهی روگردانی کند زندگی سختی خواهد داشت و کافست به اقوام قبلی بنگرند که در اثر این رفتار عاقبتشان چه شد و اگر تا حالا عذاب بر آنها فرود نیامده به علت حکمت خداست که مهلتی داده است. ای پیامبر! بگو بهانه نیاورید و معجزه نخواهید، آنچه باید معلوم شود خواهد شد و برآنچه این کافران میگویند صبر کن و فعلا این رژیم عبادتی رادپیش گیر.

۴ - سوالات

- ۱- حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ (هشدار؟ هشدار به مسلمانان؟ توصیه به مطالعه در قوانین الهی حاکم بر جوامع بشری؟ توصیه به مطالعه در احوال امت های پیشین؟)
- ۲- منظور از «ضنک» (آیه ۱۲۴) چیست؟
- ۳- منظور از «تنسی» (آیه ۱۲۶) چیست؟ (معنی لغوی آن؟ معنی اصطلاحی آن؟ یا....؟)
- ۴- منظور از «اسراف» (آیه ۱۲۷) چیست؟
- ۵- منظور از «قرن» (آیه ۱۲۸) چیست؟
- ۶- منظور از «کلمه» (آیه ۱۲۹) چیست؟
- ۷- منظور از «اعمی» (آیه ۱۲۵) چیست؟ (مراد از آن، معنی لغوی است یا اصطلاحی؟)
- ۸- منظور از «بصیر» (همان آیه) چیست؟
- ۹- منظور از کل مطالب آیه ۱۲۹ چیست؟

- ۱۱- «من» (آیه ۱۲۴) در کدام معنی بکار رفته؟ (کسیکه؟ کسانیکه؟)
۱۲- برای «روی گردانی از پند الهی» (آیه ۱۲۴) یک مثال بزنید.

۵- حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیه ۱۳۱ فهمیده میشود که گاهی آنحضرت دلگیر و افسرده میشدند که چرا خداوند اینهمه ثروت و ناز و نعمت را هدر و به این نوع اشخاص . . داده که خداوند به او یادآوری میکند که نعمت درست و حسابی را به تو داده ایم، و در آیه ۱۳۲ نیز بازهم راه رشد و تکامل بیشترش را با چند توصیه عبادتی به او نشان داده و در انتهای آیه برای ترفیع روحیه آنحضرت مژده ای نیز به او داده است.

۶- آیات برجسته این پاراگراف

آیه ۱۲۴ از هر دو نظر (هم اقبال هنرمندان و هم استفاده زیاد اهل منبر و اهل قلم) جزء آیات برجسته است. همچنین است موقعیت آیه ۱۳۱.

۷- پیشگوئی های تحقق یافته

در آیات ۱۲۹ تا ۱۳۴ وعده ای تلویحی نهفته است که حوصله کن و چنین عبادت کن و . . . که تلویحا پیشگوئی موفقیت آنحضرت را میدهد که تحقق هم یافت. در آیه ۱۳۵ میفرماید: بگو همگی منتظرند، شما هم منتظر باشید پس بزودی خواهید دانست که اهل جاده درست چه کسانی هستند و هدایت یافته کیست. در آیه فوق جمله «پس بزودی خواهید دانست...» از جمله وعده های تحقق یافته می باشد.

۸- در این پاراگراف، کدام فقرات، فوق ذنبیات معاصران نزول است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذنبیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه های ۱۲۴ تا ۱۲۷ «قیامتی» است، و هیچ بنی بشری تجربه اش را ندارد، و قبل از قیامت نخواهد داشت، لذا، چه در آن روزهای نزول وحی و چه الی یوم القیامه بالاتر از ذهنیات بشر خواهد بود.

آیه ۱۲۸ از این لحاظ که مربوط به اقوامی است که در قبل از تاریخ بوده اند، و علم باستان شناسی آنقدر رشد نکرده که ما از اوضاع و احوال آنها مطلع باشیم، برای ما نیز روشن نیست، چه رسد به مخاطبان اولیه این آیات.

۹- کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها، تقریباً تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کافر در قیامت مورد اهمیت نیست

ترجمه ظاهری در آیه ۱۲۶ در مورد «الیوم تنسی» چنین میشود که «تو امروز-یعنی روز قیامت- فراموش میشوی»، اما، از آنجا که آیات دیگری در باره قیامت حامل این معنی است که در آن روز همه امور سیستمی و بی خطا است، لاجرم معنی جمله فوق اینطور خواهد بود: «امروز رفتاری با تو میشود که گوئی تو فراموش شده ای»

کور و بینا

«اعمی» در آیه ۱۲۴ یعنی کور نسبت به آن شرایط، نه اینکه بینائی نداشته باشد و چیزهایی را که قبلاً میدید نبیند بلکه چیزهایی خاص آن شرایط را نبیند (مثلاً نورهای «واشرقت الارض بنور ربها» و امثال آن را نبیند) و خلاصه اینکه چنین کسی نسبت به شرایط عالی آن موقعیت معلول و نارس است.

حالا دیگر بهانه تان چیست؟

در آیه ۱۳۳ کلمه «آیه» به معنی معجزه است، نه به معنی آیه قرآن.

حجت باید کامل شود

منظور آیه ۱۳۴ این است که خداوند قبل از اتمام حجت عذاب هلاکت فرود نمی-آورد.

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر! کسی که از پندم روی بگرداند معیشتی سخت خواهد داشت و روز قیامت نیز کور محشور خواهد شد (۱۲۴) گوید پروردگارا چرا کور محشورم کردی در حالیکه بینا بودم؟ (۱۲۵) جواب خواهد شنید: زیرا آیاتم بسویت آمد و تو فراموششان کردی و امروز خودت فراموش میشوی (۱۲۶)

و چنین است که کسانی را که اسراف نموده و به آیات پروردگارش ایمان نیاورند سزا میدهیم و البته عذاب آخرت شدیدتر و باقی تر است (۱۲۷) ای پیامبر! آیا این نکته هدایتشان نکرد که ما قبل از آنان چقدر از جوامعی را که اینها درمساکنشان رفت و آمد میکنند، راه هلاک کردیم؟ که البته در این برای صاحبان خرد نشانه هائی است (۱۲۸)

ای پیامبر! اگر اینطور نبود که قبلا کلمه ای از جانب پروردگارت صادر شده بود که مردم سرآمدی معین داشته باشند، البته حتما آن عذاب و هلاکت همراهشان میشد (۱۲۹) پس به آنچه میگویند صبر کن و پروردگارت را قبل از طلوع آفتاب و قبل از غروبش و از کناره های شب و اطراف روز به ستایش تسبیح گوی، شاید

راضی شوی (۱۳۰)

ای پیامبر! چشمانت را روی آنچه که مایه رونق زندگی دنیاست و به عده ای از آنان داده ایم تا آزمایششان کنیم مدوز، و روزی پروردگارت بهتر و باقی تراست (۱۳۱) و اهل خویش را به نماز فرمان ده و بر آن پایداری کن، ما از تو روزی نمیخواهیم و خودمان روزیت میدهیم و عاقبت از آن تقواست (۱۳۲)

و میگویند چرا از جانب پروردگارش برایمان معجزه‌ای نمی‌آورد؟ آیا دلایل روشنی که در صحیفه های قبلی بود بسویشان نیامد؟ (۱۳۳) و اگر قبل از آن به عذابی هلاکشان کرده بودیم میگفتند پروردگارا چرا رسولی بسویمان نفرستادی تا آیات را قبل از اینکه ذلیل و رسوا شویم پیروی کنیم (۱۳۴) بگو همگی منتظرند، شما هم منتظر باشید، پس بزودی خواهید دانست که اهل جاده درست چه کسانی هستند و هدایت یافته کیست؟ (۱۳۵)

سوره انعام

﴿ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ ﴿١﴾ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَى أَجَلًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِنْدَهُ ثُمَّ أَنْتُمْ مَمْرُوءٌ ﴿٢﴾ وَهُوَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَفِي الْأَرْضِ يَعْلَمُ سِرَّكُمْ وَجَهْرَكُمْ وَيَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ ﴿٣﴾ وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ ﴿٤﴾ فَقَدْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَسَوْفَ يَأْتِيهِمْ أَنْبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿٥﴾ أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ نُمَكِّنْ لَكُمْ وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَجَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ ﴿٦﴾ وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَابًا فِي قِرْطَاسٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ لَقَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ ﴿٧﴾ وَقَالُوا لَوْلَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ مَلَكٌ وَلَوْ أَنْزَلْنَا مَلَكًا لَقُضِيَ الْأَمْرُ ثُمَّ لَا يُنْظَرُونَ ﴿٨﴾ وَلَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكًا لَجَعَلْنَاهُ رَجُلًا وَلَلَبَسْنَا عَلَيْهِمْ مَا يَلْبَسُونَ ﴿٩﴾ وَلَقَدْ اسْتَهْزِئَ بِرُسُلٍ مِنْ قَبْلِكَ فَخَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿١٠﴾ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ ﴿١١﴾ قُلْ لِمَنْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلْ لِلَّهِ كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ لِيَجْمعَكُمُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٢﴾ وَلَهُ مَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿١٣﴾ قُلْ أَعِزَّ اللَّهُ اتَّخَذَ وَلِيًّا فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ يُطْعِمُ وَلَا يَطْعَمُ قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٤﴾ قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٥﴾ مَنْ يُضْرَفْ عَنْهُ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمَهُ وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ ﴿١٦﴾ وَإِنْ يَمَسَّكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يَمَسَّكَ الْبَاسُ فَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٧﴾ وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ ﴿١٨﴾ قُلْ أَيُّ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنْذِرَكُمْ بِهِ

وَمَنْ بَلَغَ أَتَيْنُكُمْ لَتَشْهَدُوا أَنَّ مَعَ اللَّهِ آلِهَةً أُخْرَى قُلْ لَا أَشْهَدُ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَإِنِّي بَرِيءٌ
بِمَا تُشْرِكُونَ ﴿١٩﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره)، برای کل ۱۱۴ سوره قرآن، در کتاب «خودآموز تفسیر قرآن» (از همین قلم) وجود دارد، و خود کتاب مذکور را میتوانید در سایت (<https://tafsir.ganjei.com>) بیابید، و البته مبانی این موضوع نیز در ۱۶۰ صفحه اول کتاب «علوم قرآنی» (موجود در همان سایت) شرح داده شده است. و در مورد این سوره، عصاره محتوا، همان است که ذیلا دیده میشود.

درس: ای پیامبر! رسالت خویش را با جدیت پیگیر، از الطاف الهی بهرمندها خواهی شد.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:
درب: ذکر گوشه ای اجمالی از صفات الهی، و اینکه رفتار کافران در تقابل با رفتار صحیح نسبت به صفات خداندی است، پس، ای پیامبر با اینها چنین بگوی.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ ﴿١﴾ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِنْدَهُ ثُمَّ أَنْتُمْ مَمْرُؤُونَ ﴿٢﴾ وَهُوَ

اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَفِي الْأَرْضِ يَعْلَمُ سِرُّكُمْ وَجَهْرَكُمْ وَيَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ ﴿٣﴾
ریزدرب : ذکر گوشه ای اجمالی از صفات الهی.

۲

وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ ﴿٤﴾ فَقَدْ كَذَّبُوا بِالحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ
فَسَوْفَ يَأْتِيهِمْ أَنْبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿٥﴾ أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ مَكَّنَّاهُمْ
فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَجَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ
فَأَهْلَكْنَاهُمْ بَدُنِهِمْ وَأَتَّخِذْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ ﴿٦﴾ وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَابًا فِي قِرْطَاسٍ
فَلَمَسُوهُ بَأْيَدِهِمْ لَقَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ ﴿٧﴾ وَقَالُوا لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ مَلَكٌ وَلَوْ
أَنْزَلْنَا مَلَكًا لَقُصِيَ الْأَمْرُ ثُمَّ لَا يُنْظَرُونَ ﴿٨﴾ وَلَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكًا لَجَعَلْنَاهُ رَجُلًا وَلَكِنَّا سَنَا عَلَيْهِمْ مَا
يَلْبِسُونَ ﴿٩﴾ وَلَقَدْ اسْتَهْزِئَ بِرُسُلٍ مِنْ قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ
يَسْتَهْزِئُونَ ﴿١٠﴾

ریزدرب : نکوهش لج و بهانه جویی و تکذیب عامدانه کفار.

۳

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ ﴿١١﴾ قُلْ لِمَنْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضِ قُلْ لِلَّهِ كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ لِيَجْمعَكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ الَّذِينَ خَسِرُوا
أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٢﴾ وَلَهُ مَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿١٣﴾ قُلْ
أَعَزَّ اللَّهُ أَخْذَ وَلِيٍّ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ يُطْعَمُ وَلَا يُطْعَمُ قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ
أَسْلَمَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٤﴾ قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٥﴾
مَنْ يُضَرْفُ عَنْهُ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمَهُ وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ ﴿١٦﴾ وَإِنْ تَمَسَّكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا
كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ تَمَسَّكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٧﴾ وَهُوَ الْفَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَهُوَ
الحَكِيمُ الْحَبِيرُ ﴿١٨﴾ قُلْ أَيُّ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَذَا
الْقُرْآنُ لِأُنْذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ أَتَيْنَكُمْ لَتَشْهَدُونَ أَنَّ مَعَ اللَّهِ آلِهَةً أُخْرَى قُلْ لَا أَشْهَدُ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ

وَاحِدٌ وَإِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ ﴿١٩﴾

ریزدرب: ای پیامبر با اینها چنین بگوی.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقا با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبَّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقا می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیه های ۴ و ۷ و ۸ و ۱۰ فهمیده میشود فعالان کفر در لَجّ و عناد و اصراری گیر بودند و از آیه ۵ فهمیده میشود آنها اجمالا از عاقبت برخی از اقوام منقرض شده مطلع بودند و از همان آیه فهمیده میشود از لحاظ تمکن و برخورداری و بخصوص از لحاظ منابع آب خود را از اقوام منقرض شده پائین تر میدیدند .

از مجموع مطالب آیات ۱۱ تا ۱۹ چنین فهمیده میشود که از تأکیدات و توصیفات و تشریحات در سوره های قبلی، در اینجا فقط به حتمیت وقوع قیامت پرداخته است اما راجع به خداوند به بعضی ابعاد مختلف صفات او پرداخته که ناظر بر ربوبیت اوست.

از همین نکته فهمیده می شود که مشکل اصلی مخاطب های مقارن نزول این آیات ربوبیت خداوند بوده و نیز این فهمیده میشود که در طول این مدت از شروع وحی تا نزول این سوره، کیفیت مخاطب ها، از لحاظ تلقی تعلیم وحی، ارتقاء قابل ملاحظه ای

یافته است.

۴ - آیات برجسته این پاراگراف

آیه ۱۱ و مشابه های آن در سوره های دیگر خیلی بر زبان مردم میچرخند و در این معنی استفاده میشوند که باید مسافرت کرد و خوش بود! که البته منظور آیه دعوت به دیدن عاقبت تکذیبگران و عبرت گرفتن است نه آنچه آژانس های مسافرتی به آن میخوانند.

آیه ۱۲ به علت جمله «کتب علی نفسه الرحمه» در آن که بار فلسفی-عرفانی فوق العاده بالائی دارد.

آیه ۱۷ به علت اقبال زیاد هنرمندان و نیز بار قوی توکلی ای که دارد.
آیه ۱۹ به علت وجود «ومن بلغ» در آن، که مخاطب بودن نسبت به قرآن را از تاریخ و جغرافیای نزول به کل جهان و همه زمانها پس از قرن هفتم میلادی گسترش میدهد.

۵ - زاویه با تفاسیر رایج

(المیزان) : غرضی که این سوره در مقام ایفای آن است همان توحید خدای تعالی است.

درس: ای پیامبر! رسالت خویش را با جدیت پیگیر، از الطاف الهی بهره مند خواهی شد.

۶ - پیشگویی های تحقق یافته

در آیه ۵ به وضوح خبر از پیروزی «قربالوقوع» مسلمانان می دهد. چنانکه می دانیم این پیروزی، «بزودی» بوقوع پیوست زیرا سوره انعام در زمانی نزدیک به هجرت نازل شد و لذا این آیه در عداد پیشگویی های تحقق یافته قرآنی قرار دارد.
در آیه ۱۹ به عنوان مجموع نزولات وحی تا زمان نزول این سوره از کلمه قرآن

استفاده نموده که چنانکه دیدیم این یک پیشگوئی تحقق یافته است.

۷ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه های ۱۲ و ۱۶ «قیامتی» است، و هیچ بنی بشری تجربه اش را ندارد، و قبل از قیامت نخواهد داشت، لذا، چه در آن روزهای نزول وحی و چه الی یوم القیامه بالاتر از ذهنیات بشر خواهد بود.

آیه های ۶ و ۱۰ از این لحاظ که مربوط به اقوامی است که در قبل از تاریخ بوده اند، و علم باستان شناسی آنقدر رشد نکرده که ما از اوضاع و احوال آنها مطلع باشیم، برای ما نیز روشن نیست، چه رسد به مخاطبان اولیه این آیات.

مکانیزم اجرائی آیه ۲ برای ما ساکنان قرن ۲۱ نیز روشن نیست چه رسد مخاطب های اولیه! همچنین است آیه های ۱۱ و ۱۴.

در آیه های ۸ و ۹ به موجوداتی اشاره شده که معهود ما بشر قرن حاضر هم نیست، چه رسد به مشافهین ۱۴۰۰ سال قبل!

همچنین است آیه ۱۲ از لحاظ عظمت گستردگی زیر مجموعه «ما فی السماوات و الارض»

۸ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

در این پاراگراف آیاتی وجود دارد که برخی از فقرات آنها در سوره های قبلی (قبل و بعد نسبت به این سوره و بر اساس جدول ترتیب نزول ما) آمده، اما با تفاوت در لغت و الفاظ، لذا اگر بگوئیم قبلاً نیامده، ناصحیح است، و اگر بگوئیم آمده، باز هم ناصحیح است، لذا در باره این نوع پاراگراف ها (که از این پس بازهم خواهیم دید) میتوان چنین گفت که از لحاظ محتوا، اکثر مطالب این پاراگراف مسبوق به سابقه

است، اما ، آنقدر تفاوت در الفاظ و ظرائف ادبی و نظم و آهنگی دارند که واقعا جدید و تازه می نمایند.

شرح مختصر

کلید های تفسیری

بحث متنی

آیه ۱۳ بدون اینکه فرع بر آیه‌ای باشد پرانتزی است. دلیلش هم این است که اگر چشم خویش بر آن ببندیم و قبل و بعد آن را به یکدیگر وصل کنیم خواهیم دید که روال سخن صاف و یکدست خواهد شد .

دو آیه ۱۷ و ۱۸ بدون اینکه فرع بر آیه‌ای باشند پرانتزی هستند، دلیلش را هم که میدانید (همان دلیل بالا)

ماهیت و نحوه توزیع مطالب در «بگو» ها

«بگو» های مذکور عبارتند از:

- ۱- در زمین بگردید و ببینید عاقبت تکذیبگران چه بود.
- ۲- آنچه در آسمان‌ها و زمین است مال کیست؟
- ۳- همه چیز مال خداست.
- ۴- خداوند مهربانی را بر خویش مقرر کرده است.
- ۵- خداوند حتماً همگی را در روز قیامت جمع خواهد کرد.
- ۶- آنانکه ایمان نمی‌آورند خودشان را به خسارت افکنده‌اند.
- ۷- آیا غیر از خداوند سرپرستی بگیریم؟
- ۸- خداوند آفرینشگر آسمانها و زمین است.
- ۹- خداوند همه را غذا می‌دهد و هیچکس غذادهنده او نیست.
- ۱۰- من (پیامبر) از نافرمانی خداوند می‌ترسم.
- ۱۱- خداوند که از لحاظ گواهی از همه گواهان بالاتر است گواه بین من (پیامبر) و

شماست.

۱۲- این قرآن بمن (پیامبر) وحی شده تا همه را هشدار دهم.

۱۳- من (پیامبر) گواهی نمی‌دهم که بجز او خدایانی هست.

۱۴- من (پیامبر) از آنچه شریک او می‌کنید بیزارم. چنانکه ملاحظه می‌فرمائید توزیع مطالب مورد اشاره به این ترتیب است:

درباره خدا: مالکیت خداوند، مهربانی حتمی خداوند، سرپرستی خداوند، آفرینندگی خداوند، رازقیت خداوند، عدم مرزوقیت خداوند، بالاترین گواه بودن خداوند، و وحدانیت خداوند.

درباره مردم: در زمین بگردید و ببینید عاقبت تکذیبگران چه بود؟ آنانکه ایمان نمی‌آورند خودشان را به خسارت افکنده‌اند.

درباره پیامبر: از نافرمانی خدا می‌ترسم، قرآن به من وحی شده تا همه را هشدار دهم، گواهی نمی‌دهم که جز او خدایانی هست، از آنچه با او شریک می‌کنید بیزارم.

درباره قیامت: قیامت حتمی است.

باز هم نگاهی به مطالب فوق چیزهای جدیدی را برایمان آشکار می‌کند:

۱- درباره خداوند، ۷ مورد تأکید روی صفات اوست و فقط یک مورد تأکید روی ذات اوست.

۲- درباره پیامبر(ص) تأکید بر روی فاصله گرفتن بسیار جدی و آشکار و شفاف از عقاید کافرانہ رایج است.

۳- درباره مردم تأکید روی آزادی و فکر و فهم آنان است.

۴- درباره قیامت تأکید روی حتمیت وقوع آن است.

۵- از لحاظ حجم مطالب، بیشترین حجم مربوط به خداوند، و سپس مربوط به پیامبر و سپس مردم و در آخر مربوط به قیامت است.

نمونه‌ای از صفات الهی

صفاتی از خداوند که در این پاراگراف بطور گذرا و سریع برشمرده شده عبارتند از:

- ۱- آفرینش آسمانها و زمین،
 - ۲- قرار دادن تاریکیها و نور،
 - ۳- آفریدن انسان از گل،
 - ۴- مقرر کردن سرآمدی برای انسان،
 - ۵- در «نزد خویش» داشتن آن سرآمد،
 - ۶- الوهیت در آسمانها و زمین،
 - ۷- علم به پنهان و آشکار،
 - ۸- علم به آنچه بدست می‌آورند.
- برای ردیف‌های ۱ و ۲، انتقاد فرموده که برای خداوند همتا قرار می‌دهند.
- برای ردیف‌های ۳ و ۴ و ۵ انتقاد فرموده که درباره خداوند شک دارند.
- برای ردیف‌های ۶ و ۷ و ۸ انتقادی نفرموده و فقط اعلام و اظهار فرموده که این مطالب واقعیت دارد و به آنها توجه کنید .
- جالب است که طرز سخن گفتن چنان است که گویی ابتدا از مخاطب راجع به صدق قسمتی از اظهارات اعتراف می‌گیرد و سپس آن را برای اعلام و اظهار مطالب بعدی مقدمه قرار می‌دهد.
- مثلاً آفرینش آسمانها و زمین آنقدر مطلب بزرگ و دست نیافتنی هست که هر عقل ساده و معمولی هم آن را درک می‌کند و لذا غلط بودن همتا قرار دادن برای فاعل آن، برای هر مخاطبی واضح می‌گردد.
- همچنین سرآمد داشتن عمر آدمی و عدم توانایی انسان بر کشف سرآمد خویش چیز است که ساده‌ترین مخاطبها هم آنرا درک می‌کنند و لذا غلط بودن شک درباره آن، نیز برای هر مخاطبی واضح می‌گردد.
- اینک که هر مخاطبی به قبیح بودن شک درباره مدیریت او درباره زندگی انسان به

وضوح پی می‌برد، به اعلام نکات مندرج در ردیفهای ۶ و ۷ و ۸ می‌پردازد. توجه به نکات مندرج در ردیفهای فوق مخاطب را متوجه اعمال خویش می‌کند بطوریکه مراقب خویش باشد که امر قبیحی چه فکری و چه عملی از او سر نزنند. بطور خلاصه برای تزریق فکرهای مورد انتظار در ذهن مخاطب و بر کنار داشتن او از گرایش به فکر و عمل نادرست، مطالبی را که قبول دارد و برایش واضح است حجت گرفته است.

در «سرآمد» داشتن عمر آدمی چه نعمتی هست؟

اینکه در آیه ۲ «سرآمد داشتن» را نعمت قلمداد فرموده، در نظر اول نامفهوم به نظر می‌آید اما نعمت بودن آن وقتی معلوم می‌شود که این جهان محدود و کوچک را تصور کنیم که مرگ و میر در آن نباشد، ببینید چه مصیبتی می‌شود. علاوه بر آن، ندانستن وقت این سرآمد را نیز نعمت فرموده و اگر در آن هم دقت کنیم باز هم ممکن است نامفهوم به نظر آید اما تصور کنید اگر هر کسی مهلتی را که می‌داشت می‌دانست، ممکن بود دست به چه جنایت‌هایی بزند!

وجه نعمتی الوهیت خداوند در آسمان‌ها چیست؟

با توجه به آیه ۳ اینکه خداوند در آسمانها نیز مانند زمین «خدا» است، چه «وجه نعمتی» از لحاظ مخاطب دارد؟ کوچکترین وجه نعمتی آن این است که آدمی که معمولاً زمین را «خانه» می‌داند، با این تعبیر «خانه» او بزرگتر شده و علاوه بر زمین، آسمانها را نیز شامل می‌شود. «وجه نعمتی» این تعبیرات نیز که خداوند به پنهان و آشکارمان علم دارد، این است که آدمی نوعی اطمینان و آرامش خیال پیدا می‌کند زیرا وقتی که کسی درباره آدمی قضاوت می‌کند اگر علمش ناقص باشد مصیبت است.

شناخت صفات کافران

- بهتر است قبل از هر چیز به «درب» توجه کرده و صفات کافران را لیست کنیم:
- ۱ - به هیچ نشانه‌ای از نشانه‌های الهی اهمیت نمی‌دهند (آیه ۴)
 - ۲ - حق را تکذیب می‌کنند (آیه ۵)
 - ۳ - از لحاظ درک سطحی هستند و نمی‌بینند که بالاتر و قوی‌تر و برخوردارتر از آنها هم هلاک شدند (آیه ۶)
 - ۴ - بشدت لجباز و بی‌منطق و اهل ایرادگیری بیجا هستند (آیه های ۷ و ۸)
- البته این حالت لجبازی و بی‌منطقی و عناد و اصرار مکذبانان کور را قبلاً در سوره‌های دخان و زخرف و امثال آن قبلاً دیده‌ایم که تا آخر نزول وحی ثابت مانده است .
- اما مطلبی که در آیه‌های ۸ و ۹ آمده، جدید است.
- پیامی که در آیه ۸ هست این است که اگر قرار بود به درخواست آنها عمل شده و فرشته‌ای برای نشان دادن به آنها نازل شود و آنها باز هم به کفرشان ادامه دهند در آنصورت مانند اقوام قبلی عذابِ هلاکتِ جمعی بر آنها مقرر می‌شد و فوراً نابود می‌شدند.
- پیامی هم که در آیه ۹ هست این است که فرستادن فرشته‌ای که با مردم فرق داشته باشد و هیچکس نتواند تکذیبش کند، نقض غرض آفرینش است که یکی از هدفهای آن رشد و تکامل عقلی بشر است.

ترجمه تفسیری آزاد

بسم الله الرحمن الرحيم

ستایش خداوند را سزااست که آسمانها و زمین را آفرید و تاریکیها و نور را قرار داد و با وجود این کافران برای پروردگارشان همتا قرار میدهند (۱)

ای پیامبر! به اینان بگو که هموست که شما را از گِل آفرید و سپس سرآمدی مقرر

کرد و آن سرآمد تعیین شده نزد اوست ولی شما در ایمان آوری دودلی میورزید (۲) و همو در آسمانها و زمین خداست که پنهان و آشکارتان و نیز آنچه را که بدست می آورید میداند (۳)

ای پیامبر! هیچ آیه ای از آیات پروردگارتان بسویشان نیامد مگر آنکه از آن رویگردان شدند (۴) البته چیزی که تکذیب کردند حقی بود که بسویشان آمده بود پس بزودی خبر آنچه را که استهزایش میکردند خواهند شنید (۵) آیا درنیافتند چه اقوامی را قبل از آنها هلاک کرده ایم؟ کسانی که آنقدر در زمین قدرشان داده بودیم که اینان به آن درجه از تمکین نرسیده اند و چنان بوده که آسمانها پی در پی بر آنها می بارید و نهرهائی برایشان قرار داده بودیم که در کف زمینهای آنها جاری بود، اما آنها را بسبب گناهانشان هلاک نمودیم و پس از آنها قومی دیگر پدید آوردیم (۶) ای پیامبر! اگر بر تو نامه ای در کاغذی بفرستیم و آنها آن را با دستهایشان لمس کنند باز هم کافران خواهند گفت این چیزی جز جادویی آشکار نیست (۷) و میگویند چرا فرشته ای همراه او نازل نشده و اگر فرشته ای نازل کنیم کارشان یکسره شده و دیگر هیچ مهلتی نخواهند یافت (۸) و اگر هم فرشته ای بفرستیم، او را نیز مردی قرار میدهیم و باز هم برای آنها همان اشتباهی که میکنند پیش خواهد آمد و به او خواهند گفت از کجا معلوم که تو فرشته باشی (۹) و البته رسولان قبل از تو را نیز ریشخند میکردند اما چیزی که مورد تمسخر قرار میدادند بر مسخره کنندگان فرود آمد (۱۰) بگو در زمین بگردید و ببینید عاقبت تکذیبگران چه بود؟ (۱۱)

ای پیامبر! بگو آنچه در آسمانها و زمین است مال کیست؟ بگو مال خداست که رحمت را بر خویش مقرر کرده و حتما شما را در روز قیامت که شکی در آن نیست جمع خواهد کرد. آنانکه ایمان نمی آورند خود را به خسارت افکنده اند

(۱۲) و هر چه که در شب و روز جای گیرد مال اوست و همو شنوای داناست
 (۱۳) بگو آیا غیر از خداوند سرپرستی بگیرم که آفرینشگر آسمانها و زمین است
 و همو به همگان غذا میدهد و هیچکس غذا دهنده او نیست؟ بگو من مأمورم که
 اولین تسلیم شده به این حقایق باشم و مبادا شما از مشرکان باشید (۱۴) بگو
 میترسم پروردگارم را نافرمانی کنم و از عذاب آن روز عظیم نگرانم (۱۵) هر کس
 که آن عذاب در آن روز از او برگردانده شود، مورد مهربانی او قرار گرفته و آن البته
 پیروزی آشکار است (۱۶) و اگر خداوند بلائی به تو برساند هیچ برطرف کننده ای
 جز او نخواهد بود و اگر خیری بتو برساند البته همو بر هر چیزی تواناست (۱۷) و
 او فوق بندگانش است و بر آنها چیره است و همو پر حکمت و آگاه است (۱۸)
 بگو چه چیزی از لحاظ گواهی مهم تر است؟ بگو گواهی خداوند مهم تر است، و
 همو گواه بین من و شماست و این قرآن بمن وحی شده تا شما را و هر کس را که
 این سخن به او میرسد هشدار دهم. آیا شما گواهی میدهید که همراه خداوند
 خدایانی دیگر است؟ بگو من چنین گواهیی نمیدهم. بگو جز این نیست که او
 خدائی است واحد و من البته از آنچه شما با او شریک می کنید بیزارم (۱۹)

انعام ٢ آيات ٣٠ تا ٣٦

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ آبْنَاءَهُمُ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٢٠﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ﴿٢١﴾ وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا أَيْنَ شُرَكَاؤُكُمْ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ ﴿٢٢﴾ ثُمَّ لَمْ تَكُنْ فَتَنْتَهُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا وَاللَّهِ رَبَّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ ﴿٢٣﴾ انْظُرْ كَيْفَ كَذَبُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَصَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٢٤﴾ وَمِنْهُمْ مَن يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ يَرَوْا كَلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا حَتَّى إِذَا جَاءُوكَ يُجَادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿٢٥﴾ وَهُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ وَيَنْأَوْنَ عَنْهُ وَإِنْ يُهْلِكُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ﴿٢٦﴾ وَلَوْ تَرَى إِذْ وَقَفُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا يَا لَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبَ بِآيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٢٧﴾ بَلْ بَدَأَ هُمْ مَّا كَانُوا يُحْفُونَ مِنْ قَبْلُ وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا هُوَ عَنْهُمْ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿٢٨﴾ وَقَالُوا إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ ﴿٢٩﴾ وَلَوْ تَرَى إِذْ وَقَفُوا عَلَى رَجِيمٍ قَالَ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَى وَرَبِّنَا قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿٣٠﴾ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ حَتَّى إِذَا جَاءَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً قَالُوا يَا خَسِرْتْنَا عَلَى مَا فَرَطْنَا فِيهَا وَهُمْ يَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ عَلَى ظُهُورِهِمْ أَلَا سَاءَ مَا يَزِرُونَ ﴿٣١﴾ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَهُوَ وَلِلْآخِرَةِ خَيْرٌ وَلِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفْلا تَعْقِلُونَ ﴿٣٢﴾ قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لَيَحْزُنُكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لَا يُكَذِّبُونَكَ وَلَكِنَّ الظَّالِمِينَ بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ ﴿٣٣﴾ وَلَقَدْ كَذَّبَتْ رُسُلٌ مِّن قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلَى مَا كُذِّبُوا وَأَوَدُّوا حَتَّى آتَاهُمْ نَصْرُنَا وَلَا مَبْدَلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ وَلَقَدْ جَاءَكَ مِن نَّبِإِ الْمُرْسَلِينَ ﴿٣٤﴾ وَإِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَبْتَغِيَ نَفَقًا فِي الْأَرْضِ أَوْ سُلَّمًا فِي السَّمَاءِ فَتَأْتِيَهُمْ بِآيَةٍ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَى الْهَدْيِ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ ﴿٣٥﴾ إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ وَالْمَوْتَى يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ ثُمَّ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ ﴿٣٦﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: ای پیامبر! رسالت خویش را با جدیت پیگیر، از الطاف الهی بهره مند خواهی شد.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: ای پیامبر! بر ناملایمات راه رسالت صبر کن و با کفار اهل کتاب و مشرکان چنین بگو

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمُ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٢٠﴾

ریز درب: ای پیامبر! بر ناملایمات راه رسالت و بر چنین رفتارهای اهل کتاب صبر کن.

۲

وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا آيِنَ شُرَكَائِكُمُ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ ﴿٢٢﴾ ثُمَّ لَمْ يَكُنْ فِتْنَتُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا وَاللَّهِ رَبَّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ ﴿٢٣﴾ انْظُرْ كَيْفَ كَذَبُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ

مَا كَانُوا يَفْقَهُونَ ﴿٢٤﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ
 الطَّالِمُونَ ﴿٢١﴾ وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا
 وَإِنْ يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا حَتَّى إِذَا جَاءُوكَ يُجَادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ
 الْأَوَّلِينَ ﴿٢٥﴾ وَهُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ وَيَنْأَوْنَ عَنْهُ وَإِنْ يُهْلِكُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ﴿٢٦﴾ وَلَوْ
 تَرَى إِذْ وَقَفُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا يَا لَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبَ بِآيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٢٧﴾
 بَلْ بَدَأَهُمُ مَا كَانُوا يَخْشَوْنَ مِنْ قَبْلُ وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا هُمْ عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿٢٨﴾ وَقَالُوا
 إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ ﴿٢٩﴾ وَلَوْ تَرَى إِذْ وَقَفُوا عَلَى رَجَمٍ قَالَ أَلَيْسَ هَذَا
 بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَى وَرَبِّنَا قَالَ فَذُقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿٣٠﴾ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ
 اللَّهِ حَتَّى إِذَا جَاءَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً قَالُوا يَا حَسْرَتَنَا عَلَى مَا فَرَطْنَا فِيهَا وَهُمْ يَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ عَلَى
 ظُهُورِهِمْ أَلَا سَاءَ مَا يَزُرُونَ ﴿٣١﴾

ریزدرب: ای پیامبر! بر ناملايمات راه رسالتت صبر کن، زیرا آخرت هست.

۳

وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَهُوَ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٣٢﴾

ریزدرب: ای پیامبر! انگیزه اینان در این کارها کسب دنیاست، و شما انگیزه
 برتر دارید و لذا صبر کنید.

۴

قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لَيَحْزُنُكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لَا يُكَذِّبُونَكَ وَلَكِنَّ الظَّالِمِينَ بِآيَاتِ اللَّهِ يَخْذَلُونَ
 ﴿٣٣﴾ وَلَقَدْ كَذَّبَتْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلَى مَا كُذِّبُوا وَأَوْدُوا حَتَّى أَنَاهُمْ نَصْرُنَا وَلَا مُبَدِّلَ
 لِكَلِمَاتِ اللَّهِ وَلَقَدْ جَاءَكَ مِنْ نَبِيِّ الْمُرْسَلِينَ ﴿٣٤﴾ وَإِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ فَإِنْ اسْتَطَعْتَ
 أَنْ تَبْتَغِيَ نَفَقًا فِي الْأَرْضِ أَوْ سُلَّمًا فِي السَّمَاءِ فَتَأْتِيَهُمْ بِآيَةٍ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَى الْهَدْيِ فَلَا
 تَكُونَنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ ﴿٣٥﴾ إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ وَالْمَوْتَى يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ ثُمَّ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ
 ﴿٣٦﴾

ریزدرب : ای پیامبر! بر این تکذیب ها صبر کن، و چاره ای هم غیر از این نداری.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقا با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقا می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ می فرماید: ای پیامبر! توجه مردم را در درجه اول به آفرینش های الهی و در درجه دوم به علم مطلق او جلب کن و رفتارهای لجوجانه مخالفت آمیز سران کفار یکی از موانع اصلی کارت است که همیشه باید آن را در معادلات در نظر داشته باشی.

در این پاراگراف می فرماید: ای پیامبر! برای همه تشریح کن که این کافران با این رفتارهای لجبازانه شان دارند چه ضرر عظیمی به خویش میزنند و خود رابه چه مهلکه ای می اندازند و بر مشکلات رسالت صبوری کن، یاری ما خواهد رسید.

۴- سوالات

۱- در آیات ۳۳ تا ۳۶ چه مواردی هست که به یک مورخ تاریخ اسلام کمک میکند تا بتواند تصور روشنی از اوضاع و احوال حاکم بر روزهای نزول این آیات بدست آورد؟

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

در آیه ۲۰ میگوید « آنان که کتابشان داده ایم آنرا می شناسند، همانطور که فرزندان خویش را می شناسند . آنها کسانی هستند که خودهاشان را به خسارت افکنده اند و لذا ایمان نمی آورند (۲۰) و چه کسی ظالم تر است از کسی که افترای دروغ به خداوند ببندد یا آیاتش را تکذیب کند؟ البته خداوند ظالمان را به سرانجام نیکو نمیرساند»

معنی آن چیست؟

معنی آن این است که در توراتی که در نزد یهودیان بود مشخصات آنحضرت و مشخصات قرآن به دقت وجود داشت، زیرا «آن را می شناسند همانطور که فرزندان خویش را می شناسند» چه معنی دیگری غیر از این میتواند داشته باشد؟ و حالا که می بینیم تورات فعلی خالی از چنین دلالتی است، چه نتیجه ای میتوان گرفت جز اینکه در اوان نزول این آیه، آن دلالت ها از تورات حذف شده است؟ البته آیات دیگری که در سوره های آتی خواهیم دید و دلالت و تاکید بر «کتمان» یهودیان (راجع به حقانیت دعوی آنحضرت) دارد، نیز، موید این استنباط است.

همچنین از همان آیه ۲۰ معلوم میشود که در این مقطع از رسالت آنحضرت یکنوع تماس از سوی فعالان کفر با یهودیان گرفته شده و در باره تعلیم آنحضرت استفساری شده و آنها جواب منفی و تکذیبی داده و دل آنها را شاد کرده و آنها روی این مطلب در مقابل پیامبر (ص) مانور هایی داده اند.

با توجه به آنچه که در ذیل آیه ۲۰ عرض کردیم مطالب آیات ۳۳ تا ۳۶ قابل فهم است و از این آیات فهمیده میشود که آنحضرت خیلی دنبال این موضوع بود که خداوند یک (باصطلاح ما) دلیل محکمه پسندی بفرستد که هیچکس نتواند آن را رد کند که خداوند توضیح میدهد که آنها آنقدر عاقد و مصرّ و لجوج هستند که هیچ دلیلی را قبول نخواهند کرد.

۶ - پیشگوئی های تحقق یافته

در آیات ۳۳ تا ۳۶ به او میگوید آنها تو را تکذیب نمیکنند و در حقیقت آیات الهی را تکذیب میکنند و به نتیجه کار پیامبران سابق بنگر که بر این موضوع صبر کردند و نهایتاً هم پیروز میدان بودند، در این نیز یک وعده تلویحی دایر بر موفقیت آنحضرت وجود دارد.

۷ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه های ۲۲ تا ۲۴ «قیامتی» است، و هیچ بنی بشری تجربه اش را ندارد، و قبل از قیامت نخواهد داشت، لذا، چه در آن روزهای نزول وحی و چه الی یوم القیامه بالاتر از ذهنیات بشر خواهد بود. همچنین است آیه ۲۷. نیز آیه ۳۰ و ۳۱. آیه ۳۴ از این لحاظ که مربوط به اقوامی است که در قبل از تاریخ بوده اند، و علم باستان شناسی آنقدر رشد نکرده که ما از اوضاع و احوال آنها مطلع باشیم، برای ما نیز روشن نیست، چه رسد به مخاطبان اولیه این آیات. مکانیزم اجرائی آیه ۲۵ برای ما ساکنان قرن ۲۱ نیز روشن نیست چه رسد مخاطب های اولیه!

۸ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

نیمه اول این پاراگراف، بی تردید، «برای اولین بار» است، و نیمه دوم آن مخلوطی است از آیتم های اولین بار و آیتم های مسبوق به سابقه ذکر در سوره های قبلی.

شرح مختصر

کلید های تفسیری

بحث متنی

آیه ۳۲ پرانتزی است. زیرا اگر قبل و بعدش را وصل کنیم خواهیم دید روال سخن صاف و بی اعوجاج خواهد بود.

اهل کتاب چه را بخوبی می شناختند؟

به بیان دیگر «ه» در «يعرفونه» (آیه ۲۰) به چه چیزی یا چه کسی اشاره دارد؟ اگر به متن آیه آخر پاراگراف قبل دقت کنیم خواهیم دید «ه» میتواند هم میتواند اشاره به قرآن و هم میتواند اشاره به آنحضرت و هم میتواند اشاره به صدق دعوی آنحضرت به رسالت بوده باشد.

با این وصف «افترا»ئی که در آیه بعد مطرح شده، عمل آنان در کتمان حقایقی که در باره آنحضرت میدانستند بوده، که بطور عملی و تلویحی «ما چیزی در باره این دین و این قرآن و رسالت این شخص نمیدانیم» را به خداوند نسبت داده باشند.

الذین آتیناهم الکتاب يعرفونه کما يعرفون ابنائهم

آدمی فرزندان خود را چگونه می شناسد؟

آدمی دائماً فرزندان خود را می بیند ، اطلاعات بسیار نزدیک و دقیقی از آنها دارد ، و براحتی فرزندان خود را از میان جمع کثیری شناسائی میکند و در شناسائی آنها تردید و درنگ نمیکند .

از آیه ۲۰ اینطور فهمیده میشود که وصف قرآن و وصف نبی اکرم (ص) چنان با دقت و با ذکر جزئیات در تورات آمده بود که علمای یهود پس از داستان بخت النصر (نبوکدرزار) و اسارت و هزیمت و پراکندگی و سپس کورش و آزاد شدن و بهم پیوستن و چه و چه که به تدوین مجدد تورات انجامید ، این موضوع (یعنی ذکر صفات و مختصات قرآن و نبی اکرم - ص -) در باز نویسی تورات نتوانست ذکر نشود ، یعنی در چیزی که تورات نام داشت و بعد از کورش توسط علماء یهود نوشته

شده بود ، هنوز مشخصات و مختصات قرآن و نبی اکرم (ص) موجود بود ، تا اینکه آنحضرت ظهور کرد و علماء یهود دانستند که این محمدبن عبدالله همان موعودی است که با آن دقت و جزئیات برایشان تعریف و معرفی شده ، تا اینکه کار آنحضرت آنقدر بالاگرفت که علماء یهود به این صرافت افتادند که یا باید پیرو آنحضرت شوند که در آنصورت نگران از دست دادن مزایای طبقه خاخام بودن پیش می آمد ، یا باید «یک فکر دیگر» میکردند ، که کردند ،

و آنهم این بود که خود را به کوچه علی چپ زدند و انکار کردند که این اشارات و این تبشیرات و این آدرس ها که فقط و فقط به آنحضرت اشاره میکرد و بشارت به ظهور او میداد و آدرس او را اعلام میکرد و او را منظور داشت را از مدارک خویش حذف کردند.

ترجمه تفسیری آزاد

یهودیان که کتابشان داده ایم این قرآن و این پیامبر را می شناسند، همانطور که فرزندان خویش را می شناسند. آنها کسانی هستند که خودهایشان را به خسارت افکنده اند و لذا ایمان نمی آورند (۲۰)

و چه کسی ظالم تر است از کسی که افترای دروغ به خداوند ببندد یا آیاتش را تکذیب کند؟ البته خداوند ظالمان را به سرانجام نیکو نمیرساند (۲۱) و روزی که همگی شان را در یکجا جمع کنیم و سپس به کسانی که شریک قائل شده اند بگوییم کو آن شریکانی که می پنداشتید؟ (۲۲) آنگاه آنها نیرنگی نخواهند داشت مگر اینکه بگویند قسم به خداوند پروردگارمان که ما مشرک نبودیم (۲۳) بین چگونه به خویش دروغ میگویند و چگونه آن چیزی که افترا میزدند از نزدشان محو میشود (۲۴) و از آن مشرکان کسانی هستند که به تو گوش فرا میدهند اما بر قلب هایشان پرده هایی قرار داده شده که آنرا فهم نمیکند و در گوشهایشان سنگینی هست و هر آیه ای را هم که ببینند به آن ایمان نخواهند آورد حتی وقتی هم که به

نزدت بیایند با تو مجادله می کنند و خواهند گفت این جز افسانه های پیشینیان نیست (۲۵) و دیگران را از ایمان آوری به آن نهی میکنند و از آن دور می دارند و جز خود را هلاک نمی کنند اما آگاهی ندارند (۲۶) و کاش آنها را وقتی که درمقابل آن آتش قرار میگیرند میدیدی که میگویند ای کاش برمیشستم و آیات پروردگارمان را تکذیب نمیکردیم و از مومنان میبودیم (۲۷) بلکه چون حقیقت آنچه را که از قبل پنهان میکردند برایشان آشکار میشود این آرزو را میکنند و اگر بازگردانده هم بشوند، حتما ارتکاب آنچه از آن نهی شده بودند را تکرار میکنند و دروغگو هستند (۲۸) و میگویند چیزی جز این زندگی دنیایمان نیست و برانگیخته هم نخواهیم شد (۲۹) و کاش هنگامی را میدیدی که آنها نزد پروردگارشان توقیف میشوند، که پروردگار به آنان میگوید آیا این حق نیست؟ میگویند قسم به پروردگار که بلی حق است و او میگوید پس آن عذاب را به سبب آن کفری که میکردید بپخشید (۳۰) البته کسانی که ملاقات پروردگار را تکذیب کردند زیانکار شدند تا اینکه قیامت بطور ناگهانی بر آنها در آید و میگویند ای حسرت بر ما درباره آنچه که درباره اش کوتاهی کردیم و بارهای خویش را بر شانه های خویش برمیدارند و چه بار بدی است که حمل میکنند (۳۱)

و زندگی دنیا جز بازی و هوسرانی نیست و سرای آخرت برای تقوا پیشگان بهتر است. آیا نمی اندیشید؟ (۳۲)

ای پیامبر! البته میدانیم آن چیزهایی را که میگویند اندوهگینت میکند اما البته آنها در حقیقت تو را تکذیب نمیکنند بلکه آن ظالمان آیات خداوند را انکار می کنند (۳۳) و قبل از تو هم پیغمبرانی بوده اند که تکذیب شدند اما بر آن تکذیب ها و آزار و اذیت هائی که میشدند صبر کردند تا اینکه باری ما رسید و چیزی نمیتواند کلمات خداوند را تغییر دهد و البته از داستان پیامبران مقداری به تو رسیده است (۳۴) و

اگر رویگردانی آنها برایت خیلی گران است، پس اگر توانستی زمین را سوراخ کنی یا نردبانی بگذاری و به آسمان بروی و معجزه ای برایشان بیاوری چنین کن! اما آنها باز هم ایمان نخواهند آورد و اگر خداوند میخواست همه آنها را بر هدایت جمع میکرد پس مبدا که از جاهلان باشی (۳۵)

جز این نیست که فقط آنهایی که دلشان زنده است و سخن حق را میشنوند اجابت می کنند و مردگان را نیز خداوند برمی انگیزد آنگاه بسوی او باز میگردند (۳۶)

انعام ٣ آيات ٣٧ تا ٥٥

وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَى أَنْ يُنْزِلَ آيَةً وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٧﴾ وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَالُكُمْ مَا فَرَقْنَاهُ فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ ﴿٣٨﴾ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا صُمٌّ وَبُكْمٌ فِي الظُّلُمَاتِ مَنْ يَشِئِ اللَّهُ يَضِلَّهُ وَمَنْ يَشَأْ يُعْطِلْهُ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٣٩﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ أَوْ أَتَتْكُمْ السَّاعَةُ أَغَيْرَ اللَّهِ تَدْعُونَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٤٠﴾ بَلْ إِيَّاهُ تَدْعُونَ فَيَكْثِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِنْ شَاءَ وَتَنْسَوْنَ مَا تُشْرِكُونَ ﴿٤١﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِنْ قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُمْ بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ ﴿٤٢﴾ فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلَكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٤٣﴾ فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ ﴿٤٤﴾ فَقَطَّعَ دَابِرَ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٤٥﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَأَبْصَارَكُمْ وَخَتَمَ عَلَىٰ قُلُوبِكُمْ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيَكُمْ بِهِ انْظُرْ كَيْفَ نَصَرَفَ الْآيَاتِ ثُمَّ هُمْ يَصْذِفُونَ ﴿٤٦﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ بَغْتَةً أَوْ جَهْرَةً هَلْ يُهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمَ الظَّالِمُونَ ﴿٤٧﴾ وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ فَمَنْ آمَنَ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٤٨﴾ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا يَمَسُّهُمُ الْعَذَابُ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴿٤٩﴾ قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبِ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ إِنْ أَنْبِئُ إِلَّا مَا يُوْحَىٰ إِلَيَّ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ ﴿٥٠﴾ وَأَنْذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْ يُحْشَرُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُمْ مِنْ دُونِهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿٥١﴾ وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَمَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِمْ مِنْ شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿٥٢﴾ وَكَذَلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لِيَقُولُوا أَهَؤُلَاءِ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنْ بَيْنِنَا أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ ﴿٥٣﴾ وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ

تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٥٤﴾ وَكَذَلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ الْآيَاتِ وَلِتُزَكِّيَنَ سَبِيلَ الْمُجْرِمِينَ ﴿٥٥﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:
درس: ای پیامبر! رسالت خویش را با جدیت پیگیری، از الطاف الهی بهره مند خواهی شد.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:
درب: کافران علاوه بر ایرادات بیجا، این مشکل های فکری را هم دارند، و ای پیامبر! در رابطه با کفار چنین بگو و پیروانت را امیدوار کن.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَى أَنْ يُنْزِلَ آيَةً وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٧﴾ وَمَا مِنْ دَآبَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَلُكُمْ مَا فَرَقْنَاهُ فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ ﴿٣٨﴾ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا صُمُّ وَبُكْمٌ فِي الظُّلُمَاتِ مَنْ يَشَأِ اللَّهُ يُضِلَّهُ وَمَنْ يَشَأِ يُجْعَلْهُ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٣٩﴾

ریزدرب: کافران برای فرار از ایمان بهانه میسازند.

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ أَوْ أَتَتْكُمُ السَّاعَةُ أَغَيْرَ اللَّهِ تَدْعُونَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٤٠﴾
 بَلْ إِيَّاهُ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِنْ شَاءَ وَتَنْسَوْنَ مَا تُشْرِكُونَ ﴿٤١﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَى أُمَمٍ
 مِنْ قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُمْ بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ ﴿٤٢﴾ فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلَكِنْ
 قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٤٣﴾ فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمُ أَبْوَابَ
 كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ ﴿٤٤﴾ فَفُتِّحَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ
 ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٤٥﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَأَبْصَارَكُمْ وَخَتَمَ عَلَى
 قُلُوبِكُمْ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِهِ انْظُرْ كَيْفَ نَصَرَفُ الْآيَاتِ ثُمَّ هُمْ يَصْذِفُونَ ﴿٤٦﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ
 إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ بَغْتَةً أَوْ جَهْرَةً هَلْ يُهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمَ الظَّالِمُونَ ﴿٤٧﴾ وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ
 إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ فَمَنْ آمَنَ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٤٨﴾ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا
 بَمَسْئَلِهِمُ الْعَذَابَ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴿٤٩﴾ قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ
 وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ إِنْ أَتَيْتُ إِلَّا مَا يُوْحَىٰ إِلَيَّ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ
 ﴿٥٠﴾

ریزدرب : ای پیامبر! گیرهای فکری کافران را با چنین استدلالهایی باز کن.

وَأَنْذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْ يُخْسِرُوا إِلَىٰ رَجْمٍ لَيْسَ لَهُمْ دُونَهُ وَلِيٌّ وَلَا يَنْفَعُهُمْ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ
 ﴿٥١﴾ وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُم بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ
 شَيْءٍ وَمَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِمْ مِنْ شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿٥٢﴾ وَكَذَلِكَ فَتَنَّا
 بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لِيَقُولُوا أَهَؤُلَاءِ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنْ بَيْنِنَا أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ ﴿٥٣﴾ وَإِذَا
 جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ
 سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٥٤﴾ وَكَذَلِكَ نَقُصُّلُ الْآيَاتِ وَلِنُتَبِّينَ
 سَبِيلَ الْمُجْرِمِينَ ﴿٥٥﴾

ریزدرب: ای پیامبر! تمرکز فعالیتت را بیشتر روی پیروانت قرار ده.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقا با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقا می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ می فرماید: ای پیامبر! توجه مردم را در درجه اول به آفرینش های الهی و در درجه دوم به علم مطلق او جلب کن و رفتارهای لجوجانه مخالفت آمیز سران کفار یکی از موانع اصلی کارت است که همیشه باید آن را در معادلات در نظر داشته باشی.

در پاراگراف ۲ می فرماید: ای پیامبر! برای همه تشریح کن که این کافران با این رفتارهای لجبازانه شان دارند چه ضرر عظیمی به خویش میزنند و خود را به چه مهلکه ای می اندازند و بر مشکلات رسالت صبری کن، یاری ما خواهد رسید.

در این پاراگراف می فرماید: ای پیامبر! توجه این کفار را به خطری که خود را در معرض آن قرار داده اند جلب کن، مبدا اینطور باشد که غافل باشند و ناگهان به عذاب دستجمعی گرفتار شوند و فعلا باب گفتگو با این کفار را باز نگهدار و ضمنا موقعیت خودت را نیز برای آنان بازهم یادآوری کن (تا این ایام بگذرد) و ضمنا قدرشناسی ات را نسبت به پیروانت عیان کن.

۴ - سوالات

- ۱ - وجه «کم» در «ارایتکم» (آیه ۴۷) را مشخص کنید.
- ۲ - در این پاراگراف دو نوع هشدار دیده میشود: به کفار و به مومنین. از هشدار نوع اخیر چه «حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها» میتوان زد؟
- ۳ - هشدار آیه ۵۱ چه توجیهی دارد؟
- ۴ - حالت کلی دو آیه ۴۸ و ۴۹ چگونه است؟
- ۵ - در آیات ۵۲ تا ۵۵ چه مواردی هست که به یک مورخ تاریخ اسلام کمک میکند تا بتواند تصور روشنی از اوضاع و احوال حاکم بر روزهای نزول این آیات بدست آورد؟

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

- از آیه ۳۷ فهمیده میشود فعالان کفر باز هم تقاضای معجزه دارند ولی خداوند توجه آنها را به قدرت خویش جلب میکند.
- از آیه ۳۸ فهمیده میشود که منظور کافران فعال از تقاضای معجزه راجع به صحت ادعای وحی دائر بر وقوع قیامت است که خداوند توجه آنها را به این جلب میکند که موضوع قیامت منحصر به آدمیزاده نیست بلکه همه مخلوقات زنده را نیز شامل میشود.
- از آیه ۵۳ فهمیده میشود فعالان کفر خود را خیلی برتر از پیروان آنحضرت میدیدند و عارشان می آمد که با وجود آنها به پیروی او درآیند، و از آیه ۵۲ و بخصوص از جمله «ما علیک من حسابهم من شیء» و نیز از نیمه دوم آیه ۵۴ فهمیده میشود که آنحضرت از برخی از رفتارهای بعضی از پیروان خویش ناراضی بود.

۶- زاویه با تفاسیر رایج

۱- (آیه ۵۱): المیزان موضوع «انذر» را عام گرفته، یعنی همه را انذار کن، در حالیکه موضوع خاص است، یعنی اینکه از کفار مطرح در آیات منتهی به آیه ۵۰ روی برگردان و پیروانت را هشدار ده.

۲- (آیه ۵۲): المیزان در اینجا بحثی بسیار طولانی را جمع به «حساب» و «وجه» آخرت نموده و به آیات زیادی استشهاد کرده و در سخنی طولانی نتایجی گرفته که چندان به موضوع نمیخورد زیرا آیه در جهت دلداری به آنحضرت است و خیلی روشن است که میخواهد خیال آنحضرت را راحت کند که اگر کفار ایمان نمی آورند به این علت نیست که آنحضرت در انجام وظایف رسولانه خویش چیزی کم گذاشته و تقصیری روا داشته است.

۷- در این پاراگراف، کدام فقرات، فوق ذهنیات معاصران نزول است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه های ۴۰ و ۴۱ «قیامتی» است، و هیچ بنی بشری تجربه اش را ندارد، و قبل از قیامت نخواهد داشت، لذا، چه در آن روزهای نزول وحی و چه الی یوم القیامه بالاتر از ذهنیات بشر خواهد بود. همچنین است آیه ۴۹. نیز آیه ۵۱. آیه های ۴۲ تا ۴۵ از این لحاظ که مربوط به اقوامی است که در قبل از تاریخ بوده اند، و علم باستان شناسی آنقدر رشد نکرده که ما از اوضاع و احوال آنها مطلع باشیم، برای ما نیز روشن نیست، چه رسد به مخاطبان اولیه این آیات. مکانیزم اجرائی آیه های ۳۸ و ۳۹ برای ما ساکنان قرن ۲۱ نیز روشن نیست چه رسد مخاطب های اولیه!

۸ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه های ۳۷ و ۳۹ و ۴۰ و ۴۱ و ۵۰ و ۵۱، بقیه «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلید های تفسیری

بحث متنی

آیه ۳۸ بدون اینکه فرع بر آیه ای باشد پرانتزی است. همچنین است موقعیت آیات ۴۲ تا ۴۵. همچنین است آیه ۴۸، دلیل آن هم این است که اگر چشم خویش را بر آنها بندیدیم و قبل و بعد آنها را به هم وصل کنیم خواهیم دید روال سخن صاف و یکدست می شود.

معجزه خواهی دائمی

در آیه ۳۷ منظور از «آیه» معجزه است که کفار همیشه بهانه آن را می گرفتند و (چنانکه قرآن گویا است) خداوند هرگز به این بهانه گیری ها پاسخ مثبت نداده، و این در حالی است که در مورد حضرت موسی همه کارهای ریز و درشتش با معجزه پیش رفته است، و البته چرائی این موضوع بسیار قابل بررسی و مطالعه است که اینجا جایش نیست.

مشخصات کافرانهای که در این پاراگراف ذکر شده

- ۱- فکر می کنند چون پیامبر معجزه ای از جانب خدا نمی آورد، پس ایرادی در کار یا ادعای او هست (آیه ۳۷)،
- ۲- خود را شنوا و بینا و هدایت یافته می دانند (آیه ۳۹)،
- ۳- علیرغم اینکه وقتی به سختی می افتند خداوند را از ته قلب می خوانند، باز هم کفر می ورزند (آیه ۴۳)،

- ۴- وقتی که مشکلشان رفع می‌شود خداوند را که با آنهمه خلوص دعا می‌کردند فراموش نموده و باز هم به شرک شان بر می‌گردند (آیه‌های ۴۳ و ۴۴)،
- ۵- غیر از بشر را ذی‌شعور نمی‌دانند (آیه ۳۸)،
- ۶- تصور می‌کنند خداوند از این جهان اطلاعات ناقصی دارد (آیه ۳۸)

جنبندگان و پرندگان «امت»‌هایی «مانند شما»

آیه ۳۸ از لحاظ معرفتی و غنی‌سازی جهان‌بینی ما بسیار قابل توجه است. تصریح عبارت «مانند شما» در جمله «مانند شما اقوام و امت‌هایی هستند» بسیار فکر برانگیز است.

«ما» چطور هستیم؟

ما دارای نژادهای مختلف؛ عقاید مختلف، ادیان مختلف، شاخه‌ها و قبیله‌های مختلف، سطوح قدرتی و ثروتی مختلف، سطوح مختلف هوشی و فهمی مختلف، و سطوح ایمانی مختلف هستیم.

ترجمه تفسیری آزاد

و میگویند چرا آیتی از جانب خداوند بر او نازل نمیشود؟ بگو خداوند تواناست که آیتی نازل کند ولیکن اکثر آنها نمیدانند (۳۷) و هیچ جنبنده‌ای در روی زمین و هیچ پرنده‌ای که با بال هایش پرواز میکند نیست مگر اینکه آنها هم مانند شما امت‌هایی هستند. ما در آن کتاب آسمانی چیزی را فرو گذار ننمودیم آنگاه بسوی پروردگارشان محشور میشوند (۳۸) و آنانکه آیاتمان را تکذیب کردند کر و لال و در تاریکی‌هایی هستند. خداوند هر که را که لایق گمراهی باشد گمراهش میکند و هر که را که لایق هدایت باشد بر صراط مستقیم قرار میدهد (۳۹)

ای پیامبر! بگو آگاهم کنید، اگر عذاب خداوند یا قیامت بسویتان بیاید اگر راست

میگوئید آیا غیر از خداوند را به دعا میخوانید؟ (۴۰) نه! بلکه فقط او را به دعا خواهید خواند. پس اگر بخواهد، آنچه را که راجع به آن دعا کرده اید، برطرف می کند و شما آنچه را که با او شریک قرار میدهید فراموش خواهید کرد (۴۱) و البته رسولانی نیز بسوی اقوام قبل از تو فرستادیم و آنها را به سختی و ناراحتی بگرفتیم شاید تضرعی کنند (۴۲) پس چرا هنگامیکه سختی ما بسویشان آمد تضرعی نکردند بلکه دلهایشان سخت شد و شیطان نیز اعمالشان را برایشان جلوه داد؟ (۴۳) و هنگامیکه آنچه را که به آن پند داده میشدند فراموش کردند درهای همه چیز را بر آنها گشودیم تا اینکه به آنچه داشتند خوشحالی میکردند و ناگهان آنها را بگرفتیم و یکباره ناامید شدند (۴۴) پس دنباله آنانکه ظلم میکردند قطع شد و ستایش مخصوص خداوند پروردگار جهانیان است (۴۵)

بگو بمن بگوئید اگر خداوند گوش و چشمتان را بگیرد و بر قلبهایتان مهر بزند غیر از خداوند چه خدائی هست که آنها را به شما برگرداند؟ ببین چگونه آیات را گوناگون می آوریم آنگاه باز هم روی میگردانند (۴۶) بگو بمن بگوئید اگر عذاب خداوند ناگهانی و یا آشکارا بسویتان بیاید آیا غیر از ظالمان هلاک میشوند؟ (۴۷)

و پیامبران را جز مژده دهنده و هشدار دهنده نفرستادیم، پس آنکس که ایمان آورد و رفتارش را اصلاح نمود نه ترسی داشته و نه اندوهگین باشد (۴۸) و آنانکه آیاتمان را تکذیب کردند، عذاب، بواسطه نافرمانی که کردند به آنان خواهد رسید (۴۹) بگو نمیگویم که انبای خداوند نزد من است و نمیگویم علم غیب دارم و نمیگویم جزء فرشتگان هستم. جز از وحیی که بمن میشود پیروی نمی کنم بگو آیا کور و بینا مساویند؟ آیا فکر نمی کنید؟ (۵۰)

و با قرآن آنهایی را که از محشور شدن بسوی پروردگارشان خوف دارند هشدار ده،

که جز او سرپرستی و شفیعی ندارند، شاید تقوا پیشه کنند (۵۱) و کسانی را که پروردگارشان را صبحگاهان و شامگاهان به دعا میخوانند و خود او را منظور دارند، آنها را مران. هیچ حسابی از اعمالشان بر عهده تو نیست، و هیچ حسابی از اعمال تو نیز بر عهده آنان نیست، که اگر طردشان کنی از ظالمان خواهی بود (۵۲)

و بعضی از آنها را چنین با بعضی دیگر آزمودیم تا گویند آیا این مومنان کسانی هستند که خداوند از بین ما بر آنها منت گذاشته؟ آیا خداوند شاکران را بهتر نمی شناسد؟ (۵۳) و کسانی که به آیاتمان ایمان دارند و قتیکه نزدت می آیند بگو سلام بر شما. پروردگارتان رحمت را بر خویش مقرر نموده. البته اگر بعضی از شما بعلت جهالتی عمل بدی کند سپس توبه نموده و رفتارش را اصلاح نماید خداوند آمرزشگر مهربان است (۵۴) و آیات را چنین تشریح می کنیم تا راه مجرمان مشخص گردد (۵۵)

انعام ٤ آيات ٥٦ تا ٧٣

قُلْ إِنِّي مُهْتَدٍ أَن أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قُلْ لَا أَتَّبِعُ أَهْوَاءَكُمْ قَدْ ضَلَلْتُ إِذَا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُهْتَدِينَ ﴿٥٦﴾ قُلْ إِنِّي عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَكَذَّبْتُمْ بِهِ مَا عِنْدِي مَا تَسْتَعِجِلُونَ بِهِ إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ يَقْضُ الْحَقُّ وَهُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ ﴿٥٧﴾ قُلْ لَوْ أَنَّ عِنْدِي مَا تَسْتَعِجِلُونَ بِهِ لَقَضَيْتُ الْأَمْرَ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِالظَّالِمِينَ ﴿٥٨﴾ وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ فِي ظِلْمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ﴿٥٩﴾ وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُم بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُمْ بِالنَّهَارِ ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِيُقْضَى أَجَلٌ مُسَمًّى ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ يُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٦٠﴾ وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً حَتَّى إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفْرِطُونَ ﴿٦١﴾ ثُمَّ رُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمْ الْحَقَّ أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ ﴿٦٢﴾ قُلْ مَنْ يُنْجِيكُمْ مِنْ ظِلْمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً لَأَنْ تُجَانَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ ﴿٦٣﴾ قُلْ اللَّهُ يُنْجِيكُمْ مِنْهَا وَمَنْ كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ أَنْتُمْ مُشْرِكُونَ ﴿٦٤﴾ قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَى أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيْعًا وَيُدْخِلَكُمْ فِيهِمْ أَفْئِدَةً كَيْفَ تُصْرِفُونَ ﴿٦٥﴾ قُلْ اللَّهُ يُنْجِيكُمْ مِنْهَا وَمَنْ كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ أَنْتُمْ مُشْرِكُونَ ﴿٦٦﴾ قُلْ لَكُمْ نَبَا مُسْتَقَرٌّ وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿٦٧﴾ وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَإِمَّا يُبْسِئُكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَفْعَدْ بَعْدَ الذِّكْرِ مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٦٨﴾ وَمَا عَلَى الَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَلَكِنْ ذَكَرُوا لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿٦٩﴾ وَذَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِبًا وَلَهْوًا وَعَرَّتْهُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَذَكِّرْ بِهِ أَنْ تُبْسَلَ نَفْسٌ بِمَا كَسَبَتْ لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ وَإِنْ تَعَدَّلَ كُلٌّ عَدَلٍ لَا يُؤْخَذُ مِنْهَا أُولَئِكَ الَّذِينَ أُبْسِلُوا بِمَا كَسَبُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ ﴿٧٠﴾ قُلْ أُنَادِعُكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُنَا وَلَا يَضُرُّنَا وَنُؤَدُّ عَلَى أَعْقَابِنَا بَعْدَ إِذْ هَدَانَا اللَّهُ كَالَّذِي اسْتَهْوَتْهُ الشَّيَاطِينُ فِي الْأَرْضِ حَيْرَانٌ لَهُ أَصْحَابٌ يَدْعُونَهُ إِلَى الْهُدَى انْتَظِرْ قُلْ إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَى وَأْمُرْنَا لِنُسَلِّمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٧١﴾ وَأَنْ أَقِيمُوا

الصَّلَاةَ وَاتَّقُوهُ وَهُوَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿٧٢﴾ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَيَوْمَ يَقُولُ كُنْ فَيَكُونُ قَوْلُهُ الْحَقُّ وَلَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْحَبِيرُ ﴿٧٣﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
 طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:
درس: ای پیامبر! رسالت خویش را با جدیت پیگیری، از الطاف الهی بهره مند خواهی شد.

برآیند درسی فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:
درب: ای پیامبر! آیات و صفات الهی را برای کفار چنین تشریح کن و با کافران قومت چنین بگو و خودت چنین باش.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

قُلْ إِنِّي نُهَيْتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قُلْ لَأَتَّبِعُ أَهْوَاءَكُمْ قَدْ ضَلَلْتُ إِذًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُهْتَدِينَ ﴿٥٦﴾ قُلْ إِنِّي عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّنْ رَبِّي وَكَذَّبْتُمْ بِهِ مَا عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ يَقْضُ الْحَقُّ وَهُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ ﴿٥٧﴾ قُلْ لَوْ أَنَّ عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ لَقُضِيَ الْأَمْرُ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِالظَّالِمِينَ ﴿٥٨﴾

ریزدرب : ای پیامبر! فعالان کفر را از اینکه بتوانند در موضوع رسالت معامله ای با تو کنند مایوس کن.

۲

وَعِنْدَهُ مَفَاتِيحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ﴿٥٩﴾ وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُم بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُم بِالنَّهَارِ ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِيُقْضَىٰ أَجَلٌ مُّسَمًّى ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ يُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٦٠﴾ وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفَرِّطُونَ ﴿٦١﴾ ثُمَّ رُدُّوْا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقُّ أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ ﴿٦٢﴾ قُلْ مَنْ يُنْجِيكُمْ مِنَ ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً لَّئِنْ أَنجَانَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ ﴿٦٣﴾ قُلِ اللَّهُ يُنْجِيكُم مِّنْهَا وَمِنْ كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ أَنْتُمْ مُّشْرِكُونَ ﴿٦٤﴾ قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيْعًا وَيُدْخِلَكُمْ فِي غُفْلَةٍ مِّنْ أَعْيُنِكُمْ قُلْ بَعْضُ أَنْظُرْ كَيْفَ نَصَرَفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ ﴿٦٥﴾ وَكَذَّبَ بِهِ قَوْمُكَ وَهُوَ الْحَقُّ قُل لَّسْتُ عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ ﴿٦٦﴾ لَّكُلِّ نَبِيٍّ مُّسْتَقَرٌّ وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿٦٧﴾

ریزدرب : ای پیامبر! خداوند را بازهم به آنان بشناسان.

۳

وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَإِمَّا يُنسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرَىٰ مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٦٨﴾ وَمَا عَلَى الَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَلَكِنْ ذِكْرَىٰ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿٦٩﴾ وَذَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِبًا وَلَهُمْ غَرَضُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَذَكَرَ بِهِ أَنْ تَبْسُلَ نَفْسٌ بِمَا كَسَبَتْ لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ وَإِنْ تَعْدِلْ كُلُّ عَدْلٍ لَا يُؤْخَذُ مِنْهَا أُولَئِكَ الَّذِينَ أُبْسِلُوا بِمَا كَسَبُوا هُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ ﴿٧٠﴾

ریزدرب: ای پیامبر! نیرویت را برای فعلان کفر هدر مده، بلکه بیشترین نیرو را روی پیروانت متمرکز کن.

۴

قُلْ أَدْعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُنَا وَلَا يَضُرُّنَا وَنُرَدُّ عَلَى أَعْقَابِنَا بَعْدَ إِذْ هَدَانَا اللَّهُ كَالَّذِي اسْتَهْوَتْهُ الشَّيَاطِينُ فِي الْأَرْضِ خِزَانٌ لَهُ أَصْحَابٌ يَدْعُونَهُ إِلَى الْهُدَى انْتَبِهْ قُلْ إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَى وَأَمْرُنَا لِنُسْلِمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٧١﴾ وَأَنْ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَهُوَ الَّذِي إِلَيْهِ تُخْشَرُونَ ﴿٧٢﴾ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَيَوْمَ يَقُولُ كُنْ فَيَكُونُ قَوْلُهُ الْحَقُّ وَلَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْحَبِيرُ ﴿٧٣﴾

ریزدرب: ای پیامبر! آنان را از معامله با خودت مایوس کن و خداوند را به آنان بشناسان.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبَّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ می فرماید: ای پیامبر! توجه مردم را در درجه اول به آفرینش های الهی و در درجه دوم به علم مطلق او جلب کن و رفتارهای لجوجانه مخالفت آمیز سران کفار یکی از موانع اصلی کارت است

که همیشه باید آن را در معادلات در نظر داشته باشی.

در پاراگراف ۲ می فرماید: ای پیامبر! برای همه تشریح کن که این کافران با این رفتارهای لجبازانه شان دارند چه ضرر عظیمی به خویش میزنند و خود رابه چه مهلکه ای می اندازند و بر مشکلات رسالت صبوری کن، یاری ما خواهد رسید.

در پاراگراف ۳ می فرماید: ای پیامبر! توجه این کفار را به خطری که خود را در معرض آن قرار داده اند جلب کن، مبدا اینطور باشد که غافل باشند و ناگهان به عذاب دستجمعی گرفتار شوند و فعلا باب گفتگو با این کفار را باز نگهدار و ضمنا موقعیت خودت را نیز برای آنان بازهم یادآوری کن (تا این ایام بگذرد) و ضمنا قدرشناسی ات را نسبت به پیروانت عیان کن.

در این پاراگراف می فرماید: ای پیامبر! کماکان باب گفتگو را با این کفار باز نگهدار و بر مواضع اعتقادی خودت نیز کماکان پا فشاری کن.

۴ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

آیه ۵۶ بما میگوید هنوز هم فعالان کفر در پی دعوت آنحضرت بودند که بیا یک جوری با هم کنار بیاییم و آیه های ۵۷ و ۵۸ میگوید آنها هنوز هم این چماق را بالا نگه داشته بودند که اگر راست میگوئی آن عذاب آخرت را زود روی سرمان فرود بیاور.

از آیه ۶۸ فهمیده میشود آنحضرت نوعی جلسه های قرآن خوانی باب کرده بوده، و برخی از این جلسات سوء استفاده کرده و با هدف تخریب مطالب خلاف القاء میکردند، و از آیه ۶۹ و ۷۰ فهمیده میشود آنحضرت خیلی مایل بود حتی مخالفان فعال نیز به او بپیوندند و در این راه خیلی انرژی خرج میکرد تا اینکه خداوند با جملاتی از قبیل «ذر الذین . . .» (آیه ۷۰) او را منع میکرد.

۵ - آیات برجسته این پاراگراف

آیه ۵۹ (و عنده مفاتیح الغیب . . .) از لحاظ اینکه به کتابهای ادعیه راه یافته شهرت

خاصی دارد که از این لحاظ جزء آیات برجسته قرآنی قرار گرفته است.

۶- زاویه با تفاسیر رایج

۱) (آیه های ۵۸ تا ۶۲) : (المیزان) : " وَ عِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ ... "

مفسرین در باره وجه اتصال این آیه به ما قبل آن گفته‌اند: از آنجایی که در آخر آیه قبلی داشت: " وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِالْظَّالِمِينَ "، از این جهت برای مزید بیان فرمود: خزینه‌های غیب یا کلیدهای آن، نزد خدای سبحان است، و کسی را جز او از آن آگهی و علم نیست، و او است که هر کوچک و بزرگی را می‌داند. لیکن این وجه، وجهی نیست که معنای حصری را که جمله " لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ " آن را افاده می‌کند، روشن سازد.

بهتر این است که در این باره گفته شود: ارتباط آیه مورد بحث تنها با جمله آخر آیه قبلیش نیست، بلکه با مفاد مجموع دو آیه قبل خود مرتبط است، زیرا مجموع آن دو آیه دلالت می‌کند بر اینکه: معجزه‌ای که کفار آن را پیشنهاد کرده بودند و همچنین نتیجه آن که مساله یکسره شدن کار آنان با رسول خدا است، امری است که تنها خدای تعالی، عالم و حاکم بر آن می‌باشد و او است که در حکمش و در عذاب کردن ستمکاران، دچار غلط و اشتباه نمی‌شود، برای اینکه داناتر از هر کس به ستمکاران و عالم به غیب و نهان و دانای به هر خرد و کلان خود او است که نه در حکمش گمراه می‌شود و نه چیزی را فراموش می‌کند، و در این جهات کسی با وی شرکت نداشته و همپایه او نیست.

این معنا را دو آیه قبل افاده کرده و اینک آیه مورد بحث این معنا را اضافه می‌کند که:

تنها خدای سبحان است که عالم به غیب و عملش شامل هر چیز است، سپس در سه آیه بعد، همین معنا را تکمیل می‌کند،

در نظر نگرفتن پُرانتزی بودن آیه های مذکور سبب اطاله خیلی زیاد و بی ربط کلام شده و خط بحث و محور سخن را گم کرده – که تقریراتی به آنحضرت است – (و علاوه بر آنچه از المیزان نقل قول مستقیم کرده ایم بیش از ده صفحه دیگر مطلب آورده که واقعا نیازی نبود)

در حالیکه اگر انتهای آیه ۵۷ را به ابتدای آیه ۶۳ وصل کنیم کل مطلب ناگهان و یکجا مفهوم میشود، و ضمناً، مفهوم سه آیه پرانتزی مورد نظر نیز در شعاع مفهوم روشن شده قبلی ناگهان (آنها) روشن میشود و نیازی به آنهمه زحمت و تکلف و... نیست.

۲ (آیه ۶۸) : ۱ - حاکم کردن روایات ۲ - خطای عادی عادی تفسیری

(المیزان) : "وَإِمَّا يَنْسِفِ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرِى مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ"

این خطایی که در آیه شریفه است، خطاب به نبی اکرم (ص) است، و لیکن در حقیقت مقصود، دیگرانند، زیرا انبیا (ع) نه تنها از گناهان بلکه حتی از فراموشی احکام خداوندی هم میرا هستند.

و ما سابقاً در بحثی که راجع به عصمت انبیا (ع) کردیم ثابت نمودیم که فراموش کردن احکام الهی از آن حضرت عیناً مانند مخالفت عملی باعث گمراهی سایرین می‌شود و دیگران به عمل آنان احتجاج و از آن اتخاذ سند می‌کنند، پس همانطوری که گفتیم، غرض اصلی از این خطاب و مخاطبین واقعی آن امت اسلام است.

روایات عصمت انبیاء مورد بدفهمی واقع شده و در تفسیر خویش در سوره عبس به آن پرداخته ایم و در اینجا تکرارش نمیکنیم، و ضمناً، نمیتوان به استناد آنها - و هر روایات دیگری - معنی ظاهر قرآن را از ریخت انداخت، مگر خداوند مانعی داشته که مستقیماً مسلمانان را نهی بفرماید؟ ضمناً اینکه المیزان گفته از فراموشی احکام میرایند، نیز، محل تامل است، زیرا به نظر می‌آید این موضوع با آیه «... انا بشر مثلكم...» مخالف باشد.

۷ - در این پاراگراف، کدام فقرات، فوق ذهنیات معاصران نزول است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه های ۷۰ و ۷۳ «قیامتی» است، و هیچ بنی بشری تجربه اش را ندارد، و قبل از قیامت نخواهد داشت، لذا، چه در آن روزهای نزول وحی و چه الی یوم القیامه بالاتر از ذهنیات بشر خواهد بود.

مکانیزم اجرائی آیه های ۵۹ تا ۶۲ چنان سنگین و چنان دور از ذهن و چنان دست نیافتنی است که سخن سروش و شبستری که گفته اند در قرآن چیزی که فوق ذهنیات مخاطبان اولیه باشد وجود ندارد، بسیار مضحک ارزیابی میشود.

همچنین است آیه ۶۷. نیز همچنین است آیه ۷۱.

و نیز آیه ۷۳ (مکانیزم کن و یکون و مکانیزم نفخه صور و مکانیزم اختبار الهی و ..) برای ما ساکنان قرن ۲۱ نیز روشن نیست چه رسد مخاطب های اولیه!

در آیه های ۶۸ و ۷۱ به موجوداتی اشاره شده که معهود ما بشر قرن حاضر هم نیست، چه رسد به مشافهین ۱۴۰۰ سال قبل!

۸ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیات ۵۶ تا ۵۸، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلید های تفسیری

بحث متنی

آیات ۵۹ تا ۶۲ بدون اینکه فرع بر آیه ای باشند پراتزی هستند.

کتاب مبین

۷ کلمه آخر آیه ۵۹ به «کتاب مبین» اشاره دارد که هیچ تر و خشکی نیست مگر اینکه در آن کتاب هست.

تقریباً از ۵۰ سال قبل بطرف قبل تر، گفتمان غالب این بود که کتاب مبین قرآن است، ولی اینک این گفتمان رنگ باخته و بجای آن این گفتمان نشسته که کتاب مبین «لوح محفوظ»ی است که در سوره بروج از آن یاد شده، یا «ام الکتاب»ی که در ابتدای سوره زخرف به آن اشاره شده، امروز میتوان آن را به یک ابرکامپیوتر مثال زد که کل امور ریز و درشت عالم هستی از آنجا اداره میشود.

شباهت زیاد خواب و مرگ از لحاظ خروج «جان»

آیه ۶۰ دلالت دارد که آن قسمت از وجود ما که حقیقت ما است، در هنگام خواب از ما جدا می‌شود. همین مطلب طور دیگری در آیه ۶۱ نیز آمده و معلوم می‌شود این «دریافت کامل» که از سوی «فرستادگان خداوند» (یا فرشتگان) انجام می‌شود نوعی تفسیر عبارت آیه ۶۰ است. به این معنی که خداوند اینطور مقرر نموده که این موضوع «دریافت کامل جانها» متولیان و مسئولان خاص خویش را داشته باشد.

«چنین بگو»ها و «چنین کن»ها

این پاراگراف ها، توصیه تعدادی «چنین بگو» به پیامبر(ص) دارد و تعدادی «چنین کن».

«چنین بگو»ها نیز دو بخش متمایز دارد: یکی راجع به نعمتهائی است که همگان در هر لحظه دارند از آن استفاده می‌کنند و چون به آنها عادت کرده‌اند از وجود آن نعمتها و سپس از صاحب آن نعمتها هم غافلند. دیگری تبیین موقعیت پیامبری است که خلاصه آن این است که من فقط بشری هستم که ضمناً پیامبر نیز هست. «چنین کن»ها نیز بطور خلاصه مربوط به احترام به مؤمنان و پیروی و همراهی نکردن با کافران است. و ما در اینجا برای حصول نظم و ترتیب بیشتر این سه نکته را در سه جدول ذیل خلاصه می‌کنیم:

ردیف	قسمت اول «چنین بگو»ها	آیه مأخذ
۱	اگر خداوند گوش و چشمتان را بگیرد و بر قلبهایتان مهر بزند. آنگاه چه کسی آنها را بر خواهد گرداند؟	۴۶
۲	اگر عذاب بسویتان بیاید؟ آیا غیر از ظالمان هلاک می‌شوند؟	۴۷
۳	بگو او این قدرت را دارد که از بالا سرتان یا از زیر پاتان، عذابی بر شما بیاندازد یا شما را گروه گروه کند و سختی بعضی از شما را بر بعضی دیگر بچشاند.	۶۵
۴	بگو چه کسی از تاریکی‌های زمین و دریا آن هنگام که او را به تضرع و در خفا دعا می‌کنید نجاتان می‌دهد؟	۶۳

ردیف	قسمت دوم «چنین بگو»ها	آیه مأخذ
۱	بگو من ننگه‌بان بر شما نیستم.	۶۶
۲	بگو آیا غیر از خداوند را بخوانم؟ چیزی را که نه نفعی دارد و نه ضرری؟	۷۱
۳	بگو اگر چیزی را که با عجله می‌خواهید نزد من بود، آن امر بین من و شما می‌گذشت و خداوند حال ظالمان را بهتر می‌داند.	۵۸
۴	بگو نهی شده‌ام شرک ورزم.	۵۶
۵	بگو از هوای نفس شما پیروی نمی‌کنم.	۵۶
۶	بگو بر دلیلی از پروردگارم استوار هستم و شما آنچه را که نزد من هست تکذیب کردید. آنچه را که به عجله می‌خواهید نزد من نیست. حکم جز مخصوص خداوند نیست. او حق را قدم به قدم می‌گوید.	۵۷
۷	نمی‌گویم انبیا را خدا نزد من است و نمی‌گویم علم غیب دارم و نمی‌گویم جزء فرشتگان هستم جز از وحی پیروی نمی‌کنم.	۵۰

ردیف	«چنین کن»ها	آیه مأخذ
۱	وقتیکه کسانیکه به آیاتمان ایمان دارند نزدت می آیند بگو سلام بر شما. پروردگارتان رحمت را بر خویش مقرر نموده ...	۵۴
۲	کسانی را که پروردگارشان را صبحگاهان و شامگاهان به دعا می خوانند و خود او را منظور دارند مران.	۵۲
۳	آنهائی را که از محشور شدن بسوی پروردگارشان خوف دارند هشدار ده که جز او شفیع و سرپرستی ندارند.	۵۱
۴	و هنگامی که آنان را که در آیاتمان فرو می روند ببینی، از آنها روی گردان تا اینکه در سخنی دیگر فرو روند.	۶۸
۵	و آنهائی را که دینشان را به بازیچه و هوسرانی گرفته اند و زندگی دنیا آنها را فریفته، بحال خویش واگذار و تذکر ده.	۷۰

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر! بگو من نهی شده ام که آنچه را که شما غیر از خداوند به عبادت میخوانید عبادت کنم. بگو از هوای نفس شما پیروی نمی کنم که در آنصورت از گمراهان خواهم شد و از هدایت شدگان نخواهم بود (۵۶)

بگو من بر دلیلی از پروردگارم استوار هستم و شما آنچه را که نزد من است تکذیب کرده اید. آنچه را که به عجله میخواهید، که عذاب قیامت را همین حالا بر شما نازل کنم، در اختیار من نیست. فرمانروائی جز با خداوند نیست. او حق را پیگیری میکند و همو بهترین مشخص کنندگان است (۵۷) بگو اگر آنچه را که به عجله میخواهید نزد من بود میان من و شما کار به پایان میرسید و خداوند به حال ظالمان داناتر است

و بگو خداوند کسی است که کلیدهای غیب نزد است. کسی غیر از او علم آنرا ندارد و آنچه را که در زمین و دریا هست میداند. و هیچ برگی نمی افتد مگر اینکه آنرا میداند و هیچ دانه ای در تاریکیهای زمین و هیچ تر و خشکی نیست مگر اینکه در کتابی آشکار هست (۵۹) و هموست که شبها جان شما را دریافت میکند و میداند در روز چه کرده اید، سپس شما را در روز بعد برمی انگیزد تا سررسید تعیین شده عمرتان به سر آید، آنگاه بازگشت شما بسوی اوست و شما را از آنچه میکرده اید آگاه می کند (۶۰) و او بر مخلوقاتش غالب است. و بر شما نگهبانانی میفرستد، تا قبل از اینکه مرگ تان در رسد محفوظ باشید، که پس از سررسید موعد مرگ تان فرستادگانش جان تان را دریافت می کنند و در این امر هیچ کوتاهی نمی کنند (۶۱) سپس بسوی خداوند که سرور حقتان است بازگردانده میشود. آیا جز این است که فرمانروائی از آن اوست و همو سریعترین حسابگران است؟ (۶۲) ای پیامبر! بگو چه کسی از تاریکیهای زمین و دریا آن هنگام که او را با تضرع و در خفا به دعا میخوانید نجاتتان میدهد؟ همان وقتی که میگوئید خدایا اگر از این گرفتاری نجاتمان دهی حتما از شکرگزاران خواهیم بود؟ (۶۳) بگو خداوند است که از آن و همچنین از ناراحتی های دیگر نجاتتان میدهد، آنگاه شما با او شریک قرار میدهید (۶۴) بگو او این قدرت را دارد که از بالاسرتان و زیرپایتان عذابی بر شما برانگیزد، یا شما را گروه گروه کند، و سختی بعضی از شما را به بعضی دیگر بچشاند. ای پیامبر! ببین چگونه آیات را گونه گون ارائه می کنیم شاید فهم کنند (۶۵)

ای پیامبر! قوم تو آنرا تکذیب کرد در حالیکه آن حق است. بگو من نگهبان شما نیستم (۶۶) برای هر چیزی قرار گاهی است و بزودی خواهید دانست (۶۷) و هنگامیکه کسانی را که در آیاتمان فرو میروند ببینی از آنان رویگردان شو، تا اینکه

در سخنی دیگر فرو روند و اگر شیطان تو را به فراموشی انداخت، پس از توجه، دیگر با مردمی ظلم پیشه منشین (۶۸) و چیزی از حسابشان بر عهده اهل تقوا نیست، بلکه این تذکری است شاید تقوا در پیش گیرند (۶۹) و کسانی را که دینشان را بازیچه و هوسرانی گرفته اند و زندگی دنیا آنها را فریفته، بحال خودشان واگذار و آنان را به آن قرآن و قیامت تذکر ده. مبدا کسی بواسطه آنچه کسب کرده از رحمت خدا محروم شود. زیرا هیچکس غیر از خداوند سرپرست و شفיעی ندارند و اگر فرضا بخواهند بعنوان غرامت عوض بدهند هیچ چیزی از آنان قبول نخواهد شد. آنها کسانی هستند که بواسطه آنچه از بدی هاکسب کرده اند از لطف حق محروم میشوند. نوشیدنی آنها از حمیم خواهد بود و بسبب کفری که می ورزیدند عذابی دردناک خواهند داشت (۷۰)

ای پیامبر! به اینان بگو آیا غیر از خداوند را بخوانیم؟ چیزی را که نه نفعی به حال ما دارد و نه ضرری؟ و پس از اینکه خداوند هدایتان کرده بر پاشنه های خویش به عقب برگردیم؟ و مانند کسانی که شیطانها در روی زمین آنها را به هوا و هوس گرفته اند شویم؟ که آن شیطانها دوستانی دارند که اینها را چنین دعوت میکنند که اگر هدایت می خواهید بسوی ما بیایید. بگو هدایت فقط هدایت خداست و ما مأموریم برای پروردگار جهانیان تسلیم باشیم (۷۱) و اینکه نماز بپا داریم و از او پروا کنیم و او همان کسی است که بسویش جمع آوری میگردید (۷۲) و هموست که آسمانها وزمین را به حق آفرید و هنگامی که درباره چیزی بگوید «باش»، خواهد شد. قول او حق است و در روزی که در آن شیپور بیدار باش قیامت دمیده شود فرمانروائی از آن اوست. دانای پنهان و آشکار و حکیم آگاه است (۷۳)

انعام ۵ آیات ۷۴ تا ۹۰

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ أَرَزَرْتَنِي أَصْنَاةً أَهْتَهُ إِنِّي أَرَاكَ وَقَوْمَكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٧٤﴾ وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ ﴿٧٥﴾ فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْإِفْلِينَ ﴿٧٦﴾ فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِعًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَيْنَ لَمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ ﴿٧٧﴾ فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسَ بَازِعَةً قَالَ هَذَا رَبِّي هَذَا أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَتْ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ ﴿٧٨﴾ إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿٧٩﴾ وَحَاجَّهُ قَوْمُهُ قَالَ أَتُحَاجُّونِي فِي اللَّهِ وَقَدْ هَدَانِ وَلَا أَخَافُ مَا تُشْرِكُونَ بِهِ إِلَّا أَن يَشَاءَ رَبِّي شَيْئًا وَسِعَ رَبِّي كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ ﴿٨٠﴾ وَكَيْفَ أَخَافُ مَا أَشْرَكْتُمْ وَلَا تَخَافُونَ أَنَّكُمْ أَشْرَكْتُمْ بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٨١﴾ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ ﴿٨٢﴾ وَتِلْكَ حُجَّتُنَا آتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَى قَوْمِهِ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَن نَشَاءُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ﴿٨٣﴾ وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ كُلًّا هَدَيْنَا وَنُوحًا هَدَيْنَا مِن قَبْلُ وَمِن ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَى وَهَارُونَ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿٨٤﴾ وَذَكَرْنَا وَيْحَ عِيسَى وَإِلْيَاسَ كُلِّ مِّنَ الصَّالِحِينَ ﴿٨٥﴾ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيُونُسَ وَلُوطًا وَكُلًّا فَضَّلْنَا عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿٨٦﴾ وَمِن آبَائِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَإِخْوَانِهِمْ وَاجْتَبَيْنَاهُمْ وَهَدَيْنَاهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٨٧﴾ ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَن يَشَاءُ مَن عِبَادِهِ وَلَوْ أَشْرَكُوا لَحَبَطَ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٨٨﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ فَإِن يَكْفُرْ بِهَا هَؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا لَّيْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ ﴿٨٩﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبْهَتَاهُمْ أَفْتَدْرَهُ قُلْ لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِن هُوَ إِلَّا ذِكْرِي لِلْعَالَمِينَ ﴿٩٠﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:
درس: ای پیامبر! رسالت خویش را با جدیت پیگیر، از الطاف الهی بهره مند خواهی شد.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:
درب: ای پیامبر! و ای مردم! به ابراهیم بنگرید که چگونه در اثر اتخاذ موضع صحیح از الطاف الهی بهره مند شد.

۲- استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

چنانکه تاکنون دیده اید، در هر پاراگراف تفسیری، عصاره محتوای پاراگراف را از یک «راه دوم» نیز استخراج میکردیم، که معمولاً دیده میشد مطابقت معنا داری با استخراج از راه اول داشت.
اما، در پاراگراف هائی که کاملاً «داستانی» است، ضرورتی در این کار احساس نمیشود، زیرا فهم پاراگراف های داستانی بسیار آسانتر است، و چون ما اهل صفحه زیاد کردن نیستیم، و با توجه به کیفیت خوانندگان مان رعایت اختصار را ترجیح میدهیم، در این نوع پاراگراف ها از آن صرفنظر میکنیم.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ می فرماید: ای پیامبر! توجه مردم را در درجه اول به آفرینش های الهی و در درجه دوم به علم مطلق او جلب کن و رفتارهای لجوجانه مخالفت آمیز سران کفار یکی از موانع اصلی کارت است که همیشه باید آن را در معادلات در نظر داشته باشی.
در پاراگراف ۲ می فرماید: ای پیامبر! برای همه تشریح کن که این کافران با این رفتارهای لجبازانه شان دارند چه ضرر عظیمی به خویش میزنند و خود رابه چه مهلکه ای می اندازند و بر مشکلات رسالت صبری کن، یاری ما خواهد رسید.

در پاراگراف ۳ می فرماید: ای پیامبر! توجه این کفار را به خطری که خود را در معرض آن قرار داده اند جلب کن، مبدا اینطور باشد که غافل باشند و ناگهان به عذاب دستجمعی گرفتار شوند و فعلا باب گفتگو با این کفار را باز نگهدار و ضمنا موقعیت خودت را نیز برای آنان بازهم یادآوری کن (تا این ایام بگذرد) و ضمنا قدرشناسی ات را نسبت به پیروانت عیان کن.

در پاراگراف ۴ می فرماید: ای پیامبر! کماکان باب گفتگو را با این کفار باز نگهدار و بر مواضع اعتقادی خودت نیز کماکان پا فشاری کن.

در این پاراگراف می فرماید: ای پیامبر! قبل از تو نیز پیامبرانی بوده اند و آنها نیز مشکلاتی داشته اند اما حوصله کردند و پایداری ورزیدند و لذا سزاواری کمک ما را یافتند و درهمین دنیا نیز علاوه بر پیروزی و موفقیت به نعمتهای مهمی نیز رسیدند.

۴ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیات ۷۴ تا ۹۰ مجموعاً فهمیده میشود موضع آنحضرت اندکی به حالت «شورش» نزدیک شده و از مردم میخواهد موضع مستقل از اوضاع حاکم و روسای قبایل در پیش بگیرند و عقلانیت بیشتری بخرج دهند و ابراهیم وار خودشان مستقلاً فکر خویش را بکار گیرند و در تئولوژی حاکم بیندیشند و عیوب آن را ببینند و در اینصورت خود بخود به راه صحیح منتقل خواهند شد و در آنصورت در همین زندگی دنیوی نیز موفق و بهره مند و دارای اولاد صالح خواهند شد .

۵ - زاویه با تفاسیر رایج

۱ (آیه ۶۸) : (المیزان) : " وَإِمَّا يُنْسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرِى مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ "

این خطایی که در آیه شریفه است، خطاب به نبی اکرم (ص) است، و لیکن در حقیقت مقصود، دیگرانند، زیرا انبیا (ع) نه تنها از گناهان بلکه حتی از فراموشی احکام خداوندی هم میرا هستند.

و ما سابقا در بحثی که راجع به عصمت انبیا (ع) کردیم ثابت نمودیم که فراموش کردن احکام الهی از آن حضرت عینا مانند مخالفت عملی باعث گمراهی سایرین می‌شود و دیگران به عمل آنان احتجاج و از آن اتخاذ سند می‌کنند، پس همانطوری که گفتیم، غرض اصلی از این خطاب و مخاطبین واقعی آن امت اسلام است.

روایات عصمت انبیاء مورد بدفهمی واقع شده و در تفسیر خویش در سوره عبس به آن پرداخته ایم و در اینجا تکرارش نمی‌کنیم، و ضمنا، نمیتوان به استناد آنها – و هر روایات دیگری – معنی ظاهر قرآن را از ریخت انداخت، مگر خداوند مانعی داشته که مستقیما مسلمانان را نهی بفرماید؟ ضمنا اینکه المیزان گفته از فراموشی احکام مبرایند، نیز، محل تامل است، زیرا به نظر می‌آید این موضوع با آیه «... انا بشر مثلكم...» مخالف باشد.

۲ (آیه ۷۵) : در نظر نگرفتن پرائزتی بودن مذکور سبب اطاله خیلی زیاد و بی ربط کلام شده و چندین صفحه مطلب آورده که واقعا نیازی نبود

۳ (آیه ۸۹) : المیزان در بحثی خیلی طولانی در باره «فقد وكلنا بها قوما ليسوا بها بكافرين» اقوالی را نقل و یکی یکی ایراد گرفته و آنها را رد نموده و بالاخره نظر خویش را اینطور بیان کرده [به نظر ما مراد از این قوم انبیاء و معصومین و اتقیاء و صلحاند که همواره پاسدار دین حق می‌باشند] و بالاخره نتیجه گرفته که [از این روی، آیه شریفه مخصوص به معصومین (ع) خواهد بود، خیلی هم که بتوانیم آن را توسعه دهیم ممکن است مؤمنین صالح و آن پارسایانی را که به عصمت تقوا و صلاح و ایمان خالص از شوائب شرک و ظلم معتمدند... ملحق به اوصیای انبیا (ع) نموده و بگوییم آیه شریفه شامل اینگونه از مردان صالح نیز می‌شود.]

کل این زحمتی که المیزان در مورد فوق کشیده ناضرور بوده زیرا اساسا جمله مورد بحث پرائزتی است، زیرا اگر قبل و بعدش را وصل کنیم می‌بینیم روال سخن صاف و یکدست خواهد بود و اگر این کار را کنیم در چشم به هم زدنی معنی قبل و بعد

پرانتهز مذکور واضح میشود، و به تبع وضوح حاصل، معنی خود جمله پرانتهزی نیز وضوح می یابد.

۶ - پیشگوئی های تحقق یافته

در آیات ۷۴ تا ۹۰ دو پیشگوئی تلویحی وجود دارد:

۱ - داستان ابراهیم که سرانجام پیروز میدان همو بود، با این وعده تلویحی که سرانجام تو نیز چنین خواهد بود.

۲ - الطاف غلیظی که ابراهیم از سوی خداوند دریافت کرد، با این وعده تلویحی که ذریه تو نیز مانند ابراهیم ذریه طیبه خواهد بود.

۷ - در این پاراگراف، کدام فقرات، فوق ذهنیات معاصران نزول است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه های ۷۴ تا ۹۰ از این لحاظ که مربوط به اقوامی است که در قبل از تاریخ بوده اند، و علم باستان شناسی آنقدر رشد نکرده که ما از اوضاع و احوال آنها مطلع باشیم، برای ما نیز روشن نیست، چه رسد به مخاطبان اولیه این آیات.

۸ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

توصیه به مردم که ابراهیم را الگو قرار دهند که هنگامی که به موضع حق رسیدند آن را اعلام کنند و در مورد وابستگی خویش به موضع حق مذکور نترسند و نگران ضررهای مادی و محرومیت های احتمالی مرتبط نباشند و روی حمایت الهی اعم از این جهانی و آن جهانی حساب کنند.

۹- کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریباً تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

شخصیت عظیم حاصل از ایمان قوی

تصورش را بکنید پنج هزار سال پیش جوانی به پدرش و قومش اعلام می‌کند که شما در گمراهی آشکار هستید (آیه ۷۴) و تازه از آن هم بالاتر، قومش با او «گفتگوی انتقادی» کنند و او اعلام کند که از قدرت خدایان شما نمی‌ترسم (آیه ۸۱) یعنی اینکه عملاً به قوم خویش اعلام کند «هیچ کاری نمی‌توانید با من بکنید» واقعاً این همه ثبات و قوام شخصیت برای ما قابل تصور نیست.

البته بعضی از مفسران محترم چنین فرموده‌اند که سه مرحله رشد شخصیتی او یعنی آیه ۷۴ و آیه ۷۵ و آیات ۷۶ تا ۷۹ پس و پیش نقل شده یعنی ابتدا واقعه مربوط به آیات ۷۶ تا ۷۹ در وجود ابراهیم نوجوان اتفاق افتاد، و آنگاه اتفاق آیه ۷۵، و پس از آنها موضوع آیه ۷۴ اتفاق افتاد.

بعضی هم می‌فرمایند اول آیه ۷۴ اتفاق افتاد، بعد آیه ۷۵، و آنگاه حضرت ابراهیم برای هدایت قومش و اینکه در ذهن آنها سؤال ایجاد کند و آنها را مسئله‌دار کند نمایشی بازی کرد که جریان آن در آیات ۷۶ تا ۷۹ آمده است. اما صرف‌نظر از این فرضیه‌ها، اینهمه قوام شخصیت، و اینهمه ثبات رأی نتیجه چیست؟

در آیه ۷۵ می‌فرماید نتیجه یقین چنان رفتاری (آیه ۷۴) چنین موهبتی (آیه ۷۵) است و آیه ۷۴ می‌فرماید نتیجه چنان یقینی انجام چنان عملی است و در آیه‌های ۸۴ تا ۹۰ می‌فرماید نتیجه چنان یقین و چنان عملی، چنین نعمات بزرگی است. و مجموع اینها این پیام را به پیامبر دارد که رفتارت را مانند ابراهیم حفظ کن تا به

چنان نعمتهایی برسی.

ضمناً این را باید گفت که کلمه «کذلک» در آیه ۷۵ قرینه‌ای است که نظر دوم را قبول کنیم.

ملکوت آسمان‌ها و زمین

از آیه ۷۵ فهمیده می‌شود که درک ملکوت آسمانها و زمین سبب یقین‌دار شدن می‌گردد.

البته کسی نگوید «اگر خدا ملکوت آسمانها و زمین را بما هم ارائه کند ما هم ...» ما در این تفسیر تحلیلی بسیار این نکته را گفته‌ایم که خداوند کارهایی را که ما آنها را «عادی» و «طبیعی» می‌نامیم به خویش نسبت می‌دهد. حتماً ابراهیم(ع) کاری کرده بود که این لیاقت را بدست آورده بود که ملکوت آسمانها و زمین به او ارائه شود و پس از اینکه شد، او از یقین‌داران گردید.

این «ملکوت آسمانها و زمین» چیست؟

چنانکه از کتاب لغت قرآنی مفردات راغب فهمیده می‌شود، «مَلِك» جنس «مُلْك» است و «ملکوت»، «مَلِك» مخصوص خداست و لذا مبالغه در قدرت فرماندهی و مالکیت را می‌رساند و این موضوع برای ابراهیم جوان احراز شده بود که فرمان و سر رشته همه چیز بدست خداست و این نکته بود که سبب شد او به بی‌خاصیتی «خدایان» پی ببرد و لذا عبادت «نمادهای» آنها (یعنی بتان) را بی‌معنی و لغو بباید. یعنی آنچه سبب پیدایش آن شخصیت قوی در ابراهیم جوان شد فهمیدن حقایقی از چگونگی اداره جهان توسط خداوند بود.

خواست خداوند قانونمند است

با توجه به تیتز فوق آیه‌های ۸۳ و ۸۴ مفهوم است و لذا از جمله «هر کس را بخواهیم» باید جمله «هر کس که لایق باشد» را بفهمیم.

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر! آن هنگام را یاد آر که ابراهیم به پدرش آزر گفت آیا بتهائی را به خدائی گرفته ای؟ من تو و قومت را در گمراهی آشکار می بینم (۷۴) و چنین بود که ملکوت آسمانها و زمین را به ابراهیم نمایانندیم تا از یقین داران گردد (۷۵) پس هنگامیکه شب او را پوشاند و ستاره ای را دید، گفت پروردگارم این است، پس چون ناپدید شد گفت من ناپدید شوندهگان را دوست نمی دارم (۷۶) پس چون ماه را تابان دید گفت پروردگار من این است اما چون افول کرد گفت اگر پروردگارم هدایتم نکند حتما از گمراهان خواهم بود (۷۷) پس چون خورشید را در طلوع دید گفت پروردگار من این است. این بزرگتر است. پس وقتی که افول کرد گفت ای مردم! من از آنچه شما به آن شرک میورزید بیزارم (۷۸) من البته رویم را بسوی کسی میگردانم که آسمانها و زمین را آفریده و معتدل و از مشرکان نیستم (۷۹) و قومش با او مجادله میکردند. گفت آیا درباره خداوند با من گفتگو میکنید در حالیکه مرا هدایت کرده؟ و من از آنچه با او شریک میکنید نمی ترسم مگر چیزی که پروردگارم بخواهد. علم پروردگارم همه چیز را فرا گرفته. آیا توجه نمی کنید؟ (۸۰) و چگونه از آنچه با او شریک گرفته اید بترسم در حالیکه شما در خصوص چیزهائی که با خدا شریک کرده اید نمیترسید؟ آنهم در حالیکه برای رفتار شما دلیلی هم نفرستاده؟ پس کدام گروه برای احساس امنیت شایسته تر است اگر علمی دارید (۸۱) آنهائی که ایمان آورده و به ایمانشان لباس ظلم نپوشانده اند امنیت خواهند داشت و همانها هدایت یافتگانند (۸۲) و این دلیلی بود که به ابراهیم در مقابل قومش دادیم. هر کسی را که لیاقت داشته باشد درجاتش را بالا میبریم که پروردگارت صاحب حکمت و داناست (۸۳) و به او اسحق و یعقوب را دادیم که همگیشان را هدایت کردیم و نوح را هم که قبلا هدایت کرده بودیم و از فرزندان او داوود و سلیمان و ایوب و موسی و هارون بود و نیکوکاران را چنین پاداش میدهیم (۸۴) و نیز زکریا و یحیی و عیسی و

الیاس که همگی از صالحان بودند (۸۵) و نیز اسمعیل و یسع و یونس و لوط که همگی را بر معاصران شان برتری دادیم (۸۶) و از بین پدرانیشان و فرزندانیشان و برادرانشان، برگزیدیم شان و بسوی صراطی مستقیم هدایتشان کردیم (۸۷) این هدایت خداوند است. هر کس از بندگانش را که لایق باشد به آن هدایت میکند. و اگر شرک ورزیده بودند آنچه میکردند تباه میشد (۸۸) آنها کسانی هستند که کتاب و حکم و نبوت به آنها دادیم و اگر این کافران معاصر تو به این قرآن که بر تو نازل شده کفر ورزند قومی را بر آن برمیگماریم که به آن کافر نباشند (۸۹) آنها کسانی هستند که خداوند هدایتشان کرده بود. پس، ای پیامبر! به هدایتشان اقتدا کن. بگو برای این رسالتم دستمزدی از شما نمیخواهم. این قرآن چیزی جز پندی برای جهانیان نیست (۹۰)

انعام ۶ آیات ۹۱ تا ۹۴

وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى بَشَرٍ مِّن شَيْءٍ قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاء بِهِ مُوسَى نُورًا وَهُدًى لِّلنَّاسِ تَجْعَلُونَهُ قَرَاطِيسَ تُبْدُونَهَا وَتُخْفُونَ كَثِيرًا وَعُلِّمْتُمْ مَا لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَلَا آبَاؤُكُمْ قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ ﴿٩١﴾ وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُّصَدِّقُ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَهُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ﴿٩٢﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ قَالَ أُوحِيَ إِلَيَّ وَلَمْ يُوحَ إِلَيْهِ شَيْءٌ وَمَنْ قَالَ سَأُنْزِلُ مِثْلَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَوْ تَرَى إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُوا أَيْدِيهِمْ أَخْرِجُوا أَنفُسَكُمُ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَكُنْتُمْ عَنْ آيَاتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ ﴿٩٣﴾ وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا فِرَادَى كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَتَرْجِعُنَّ بِمَا خَوَّلْنَاكُمْ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ وَمَا نَرَى مَعَكُمْ شُفَعَاءَكُمُ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِيكُمْ شُرَكَاءَ لَقَدْ تَقَطَّعَ بَيْنَكُمْ وَضَلَّ عَنْكُمْ مَا كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ ﴿٩٤﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:
درس: ای پیامبر! رسالت خویش را با جدیت پیگیری، از الطاف الهی بهره مند خواهی شد.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: ای پیامبر! در پاسخ به اهل کتاب چنین روشنگری کن!

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا مَا أَنزَلَ اللَّهُ عَلَىٰ بَشَرٍ مِّن شَيْءٍ قُلْ مَن أَنزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَىٰ نُورًا وَهُدًى لِّلنَّاسِ تَجْعَلُونَهُ قِرَاطِينَ تُبْدُونَهَا وَتُخْفُونَ كَثِيرًا وَعُلِمْتُمْ مَا لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَلَا آبَاؤُكُمْ قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ ﴿٩١﴾

ریزدرب: ای یهودیان! چرا حرفی که نزد خودتان هم نامعقول است میگویید؟

۲

وَهَذَا كِتَابٌ أَنزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُّصَدِّقُ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَهُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ﴿٩٢﴾

ریزدرب: ای مردم! این قرآن چنین است

۳

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ قَالَ أُوحِيَ إِلَيَّ وَلَمْ يُوحَ إِلَيْهِ شَيْءٌ وَمَن قَالَ سَأُنزِلُ مِثْلَ مَا أَنزَلَ اللَّهُ وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُوا أَيْدِيهِمْ أَخْرِجُوا أَنفُسَكُمُ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَكُنْتُمْ عَنْ آيَاتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ ﴿٩٣﴾ وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا فِرَادَىٰ كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَتَرَكْتُمْ مَا خَوَّلْنَاكُمْ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ وَمَا نَرَىٰ مَعَكُمْ شُفَعَاءَكُمُ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِيكُمْ شُرَكَاءَ لَقَدْ تَقَطَّعَ بَيْنَكُمْ وَضَلَّ عَنْكُمْ مَا كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ ﴿٩٤﴾

ریزدرب: ای یهودیان! معاصر نزول این سوره! هیچ نگرانی از آخرت و مسئولیت این حرف های باطلتان ندارید؟

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبَّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ می فرماید: ای پیامبر! توجه مردم را در درجه اول به آفرینش های الهی و در درجه دوم به علم مطلق او جلب کن و رفتارهای لجوجانه مخالفت آمیز سران کفار یکی از موانع اصلی کارت است که همیشه باید آن را در معادلات در نظر داشته باشی.

در پاراگراف ۲ می فرماید: ای پیامبر! برای همه تشریح کن که این کافران با این رفتارهای لجبازانه شان دارند چه ضرر عظیمی به خویش میزنند و خود را به چه مهلکه ای می اندازند و بر مشکلات رسالت صبوری کن، یاری ما خواهد رسید.

در پاراگراف ۳ می فرماید: ای پیامبر! توجه این کفار را به خطری که خود را در معرض آن قرار داده اند جلب کن، مبدا اینطور باشد که غافل باشند و ناگهان به عذاب دستجمعی گرفتار شوند و فعلاً باب گفتگو با این کفار را باز نگهدار و ضمناً موقعیت خودت را نیز برای آنان بازهم یادآوری کن (تا این ایام بگذرد) و ضمناً قدرشناسی ات را نسبت به پیروانت عیان کن.

در پاراگراف ۴ می فرماید: ای پیامبر! کماکان باب گفتگو را با این کفار باز نگهدار و بر مواضع اعتقادی خودت نیز کماکان با فشاری کن.

در پاراگراف ۵ می فرماید: ای پیامبر! قبل از تو نیز پیامبرانی بوده اند و آنها نیز مشکلاتی داشته اند اما حوصله کردند و پایداری ورزیدند و لذا سزاواری کمک ما را یافتند و در همین دنیا نیز علاوه بر پیروزی و موفقیت به نعمتهای مهمی نیز رسیدند.

در این پاراگراف می فرماید: ای پیامبر! غیر از مشرکان که مشکل فعلی تو بنظر میرسند یکی دیگر از مشکلاتت یهودیان خواهند بود (که در وقتش با آنها نیز باید بطورپسندیده ای درگیر شوی) همان کسانی که برای کفرشان و افترا به خداوند و گناهان بزرگ نکوهش شده اند.

۴ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)
آیه های ۹۳ و ۹۴ «قیامتی» است، و هیچ بنی بشری تجربه اش را ندارد، و قبل از قیامت نخواهد داشت، لذا، چه در آن روزهای نزول وحی و چه الی یوم القیامه بالاتر از ذهنیات بشر خواهد بود.
آیه های ۹۱ و ۹۳ از این لحاظ که مربوط به اقوامی است که در قبل از تاریخ بوده اند، و علم باستان شناسی آنقدر رشد نکرده که ما از اوضاع و احوال آنها مطلع باشیم، برای ما نیز روشن نیست، چه رسد به مخاطبان اولیه این آیات.

۵ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریباً اکثر عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است .

شرح مختصر

یهودیان، مشکل بزرگتر پیامبر(ص)

قبل از ظهور اسلام یهودیان با مشرکان همزیستی داشتند. وقتیکه اسلام ظهور کرد و آنها خبرش را شنیدند، با توجه به آنچه که از بقایای معارف الهی نزدشان بود فوراً آن را شناختند و آنرا خودی تلقی نمودند و امیدوار و علاقمند شدند اما زود فهمیدند که اسلام فقط به چند تا شعار عقیدتی محدود نیست بلکه با ریشه‌ها کار دارد و لذا چیزی نکشید که آنها نیز مانند مشرکان در

- جبهه‌ای دیگر دشمنی با اسلام را آغاز کردند.
- ایراداتی که در آیات ۹۱ تا ۹۴ از یهودیان ذکر شده عبارت است از:
- ۱- بسیار پائین آوردن جایگاه خداوند.
 - ۲- تکذیب اصل وحی.
 - ۳- کتمان حقایق مهمی از تورات که به نظر آنها به نفع مسلمانها بود.
 - ۴- مطالبی به ذهن آنها تزریق شده بود که آنها راجع به حقیقت آنها علمی نداشتند.
 - ۵- افترای دروغ به خداوند.
 - ۶- ادعای مورد وحی قرار گرفتن.
 - ۷- ادعای ارائه چیزی مانند قرآن.
 - ۸- تکبر نسبت به آیات قرآن.
 - ۹- اهمیت ندادن به نعمت های بزرگ خدا.
 - ۱۰- دلگرم بودن به شفیعیانی که شفاعتشان شامل حالشان شود.
- چنانکه دیده می‌شود شش مورد از ده مورد فوق به وحی مربوط می‌شود و چهار مورد دیگر به نوع نگرش به خداوند و موارد مربوط به او، و آنچه در مورد وحی دیده می‌شود عدم درک اهمیت و مقام بالای آن و سبک شمردن آن است. همچنین آنچه در مورد خداوند نیز دیده می‌شود همین چیزهاست.

تلمود

چه بسا مطلبی که در انتهای آیه ۹۱ آمده، اشاره به مجموعه بسیار پر حجم روایتی می‌باشد که از همه امور مختلفِ مفاهیم دینی در نزد یهودیان است که تلمود نام دارد و حاوی چنان مطالب خرافی و باطلی است که کسی باید چند صفحه از اینجا و آنجایش را تورق کند تا متوجه شود چه عرض میکنیم. و ذهن کاهنان و خاخام‌های یهودیان در ابتدای شروع به تحصیلشان با آنها پر می‌شود. مطالبی که به علت رعایت اختصار نمی‌توانیم به آن بپردازیم .

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر! این مشرکان و این یهودیان معاصر، قدر خداوند را آنطور که باید و شاید ندانسته اند که گفتند خداوند هیچ چیزی بر هیچ بشری نفرستاده است. بگو پس آن کتابی را که موسی با آن به پیامبری آمد چه کسی فرستاده که نوری و هدایتی برای مردم بود و شما علمای یهود آنرا بصورت کاغذهایی درآورده اید که قسمتی را آشکار کرده و بسیاری از آن را مخفی داشته اید و خودتان و پدرانتان چیزهائی آموخته اید که علمی به آن نداشتید؟ بگو آنرا خداوند نازل نموده، آنگاه آنها را واگذار که بازی کنان به فرو رفتن خویش در باطل ادامه دهند (۹۱) و این قرآن کتابی است پربرکت که نازلش کرده ایم که تصدیق کننده آن کتابهائی آسمانی است که قبل از آن بوده، تا مردم مادر شهرها، مانند مکه و اطرافشان را هشدار دهد. و آنان که به آخرت ایمان دارند نیز به آن ایمان دارند و نمازهایشان را هم محافظت میکنند (۹۲) ای پیامبر! چه کسی ظالم تر است از کسی که بر خداوند به دروغ افترا زند، یا اینکه بگوید بمن وحی میشود در حالیکه چیزی به او وحی نمیشود و نیز کسی که بگوید بزودی چیزی مانند آنچه خداوند نازل کرده نازل خواهم کرد؟ و کاش ظالمان را در گردابهای مرگ میدیدی که ملائکه دستهایشان را بر آنها گشوده اند که جانهای شان را برون آرند که امروز جزایتان به سبب آنچه که به ناحق درباره خداوند میگفتید و نسبت به آیاتش سرکشی میکردید عذابی خوارکننده خواهد بود (۹۳) و در قیامت به آنان خطاب خواهد شد که بطور انفرادی بسویمان آمده اید، همانطور که شما را در آفرینش اول آفریدیم، و آنچه را که به شما ارزانی داشته بودیم پشت سرتان رها کرده اید و کسانی را که شفیع خویش میدانستید همراهتان نمی بینیم. بین شما و آنها جدایی افتاده و چیزهای باطلی که گمان می کردید وجود دارند و برایتان فایده ای خواهند داشت از نزدتان گم شده اند (۹۴)

انعام ٧ آيات ٩٥ تا ١١٥

إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ ذَلِكُمُ اللَّهُ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ ﴿٩٥﴾ فَالِقُ الإِصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿٩٦﴾ وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النَّجْمَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ اللَّيْلِ وَالْبَحْرِ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٩٧﴾ وَهُوَ الَّذِي أَنشَأَكُم مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ ﴿٩٨﴾ وَهُوَ الَّذِي أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُّخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُّتَرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِن طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٍ مِّنْ أَعْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ انظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ إِنَّ فِي ذَلِكُمْ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٩٩﴾ وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ الْجِبِّ وَخَلَقَهُمْ وَخَرَقُوا لَهُ بَنِينَ وَبَنَاتٍ بِغَيْرِ عِلْمٍ سُبْحَانَكَ وَتَعَالَى عَمَّا يُصِفُونَ ﴿١٠٠﴾ بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَتَى يَكُونُ لَهُ وَلَدٌ وَلَمْ تَكُنْ لَهُ صَاحِبَةٌ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿١٠١﴾ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ ﴿١٠٢﴾ لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ ﴿١٠٣﴾ قَدْ جَاءَكُم بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ ﴿١٠٤﴾ وَكَذَلِكَ نَصْرَفُ الْآيَاتِ وَلِيَقُولُوا دَرَسْتَ وَلِنَبَيِّنَ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿١٠٥﴾ اتَّبِعْ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٠٦﴾ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكُوا وَمَا جَعَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ ﴿١٠٧﴾ وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيْنًا لِّكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٠٨﴾ وَأَقْسِمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَنِ جَاءَهُمْ نَبَأٌ لَّيْسَ لِيُؤْمِنُوا بِمَا قُلَ إِلَّا بِآيَاتِ عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُشْعِرُكُمْ أَنَّهَا إِذَا جَاءَتْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٠٩﴾ وَنُقَلِّبُ أَفْئِدَتَهُمْ وَأَبْصَارَهُمْ كَمَا لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَنَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿١١٠﴾ وَلَوْ أَنَّا نَزَّلْنَا إِلَهُيْهِمُ الْمَلَائِكَةَ وَكَلَّمَهُمُ الْمَوْتَى وَخَشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ قُبُلًا مَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ يُجْهَلُونَ ﴿١١١﴾

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرَفَ الْقَوْلِ غُرُورًا
وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ ﴿١١٢﴾ وَلِتَصْغَى إِلَيْهِ أَفْئِدَةُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ
بِالْآخِرَةِ وَلِيَرَضُوهُ وَلِيَقْتَرِفُوا مَا هُمْ مُقْتَرِفُونَ ﴿١١٣﴾ أَفَعَيَّرَ اللَّهُ ابْنَعِي حَكَمًا وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ
إِلَيْكُمْ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنْزَلٌ مِّن رَّبِّكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ
الْمُتَمَتِّينَ ﴿١١٤﴾ وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ
﴿١١٥﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه
کرده ایم که مطابق ذیل است:
درس: ای پیامبر! رسالت خویش را با جدیت پیگیری، از الطاف الهی بهره مند خواهی
شد.

برآیند درسی فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:
درب: ای پیامبر! مردم را با آیات و صفات خداوند آشنا کن، و با این مخالفت که
دچار لجبازی هستند با استواری چنین بگو، و اگر کفار به تو گرایش پیدا نمی کنند
باکی نیست، تو راه خویش برو، اما مبدا به عقاید آنان توهین کنیدی.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ ذَلِكَمُ اللَّهُ فَأَيُّ تَوَفُّكُونَ

﴿٩٥﴾ قَالَ الْإِصْبَاحَ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿٩٦﴾ وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ اللَّيْلِ وَالْبَحْرِ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٩٧﴾ وَهُوَ الَّذِي أَنشَأَكُم مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ ﴿٩٨﴾ وَهُوَ الَّذِي أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُّخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُّتَرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِن طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٍ مِّنْ أَعْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ انظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ إِنَّ فِي ذَلِكُمْ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٩٩﴾ وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ الْجِبِّ وَخَلَقَهُمْ وَخَرَقُوا لَهُ بَنِينَ وَبَنَاتٍ بِغَيْرِ عِلْمٍ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُصِفُونَ ﴿١٠٠﴾ بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَتَى يَكُونُ لَهُ وَلَدٌ وَلَمْ تَكُنْ لَهُ صَاحِبَةٌ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿١٠١﴾ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ ﴿١٠٢﴾ لَا تَدْرِيكُمُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ الْلطِيفُ الْخَبِيرُ ﴿١٠٣﴾ قَدْ جَاءَكُم بِصَآئِرٍ مِّن رَّبِّكُمْ فَمَن أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَن عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِخَفِيضٍ ﴿١٠٤﴾ وَكَذَلِكَ نَصْرِفُ الْآيَاتِ وَلِيَقُولُوا دَرَسَتْ وَلِنُبَيِّنَهُ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿١٠٥﴾

ریزدرب: ای پیامبر! آیات و نعمت های خداوند رابه مردم یاد آوری کن.

۲

اتَّبِعْ مَا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٠٦﴾ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكُوا وَمَا جَعَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيطًا وَمَا أَنتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ ﴿١٠٧﴾ وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيْنًا لِّكُلِّ أُمَةٍ عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَّرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٠٨﴾ وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَنِ جَاءَهُمْ آيَةٌ لِّيُؤْمِنُوا بِهَا قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُشْعِرُكُمْ أَنَّهَا إِذَا جَاءَتْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٠٩﴾ وَنُقَلِّبُ أَفْئِدَتَهُمْ وَأَبْصَارَهُمْ كَمَا لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَنَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿١١٠﴾ وَلَوْ أَنَّا نَزَّلْنَاهُ إِلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةَ وَكَلَّمَهُمُ الْمَوْتَىٰ وَحَشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ قَبْلًا مَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ يَجْهَلُونَ ﴿١١١﴾

ریزدرب: ای پیامبر! چندان اهمیتی به کفار مده و فعلا درگیرشان مشوید.

۳

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا
وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ قَدْزَهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ ﴿١١٢﴾ وَلَتَصْنَعِيَ إِلَهِهِ أَفِيدَةً الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ
بِالْآخِرَةِ وَلَيَرْضَوْهُ وَلَيَقْتَرِفُوا مَا هُمْ مُقْتَرِفُونَ ﴿١١٣﴾

ریزدرب: ای پیامبر! پیامبران پیشین نیز از این مشکلات رسالت داشته اند.

۴

أَفَعَيِّرَ اللَّهُ أَتَّبِعِي حَكْمًا وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ
أَنَّهُ مُنْزَلٌ مِّنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ ﴿١١٤﴾ وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا
مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿١١٥﴾

ریزدرب: ای پیامبر! پیامبران پیشین نیز از این مشکلات رسالت داشته اند.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقا با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقا می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳ - از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ می فرماید: ای پیامبر! توجه مردم را در درجه اول به آفرینش‌های الهی و در درجه دوم به علم مطلق او جلب کن و رفتارهای لجوجانه مخالفت آمیز سران کفار یکی از موانع اصلی کارت است که همیشه باید آن را در معادلات در نظر داشته باشی.

در پاراگراف ۲ می فرماید: ای پیامبر! برای همه تشریح کن که این کافران با این رفتارهای لجبازانه شان دارند چه ضرر عظیمی به خویش میزنند و خود را به چه مهلکه ای می اندازند و بر مشکلات رسالت صبری کن، یاری ما خواهد رسید.

در پاراگراف ۳ می فرماید: ای پیامبر! توجه این کفار را به خطری که خود را در معرض آن قرار داده اند جلب کن، مبدا اینطور باشد که غافل باشند و ناگهان به عذاب دستجمعی گرفتار شوند و فعلا باب گفتگو با این کفار را باز نگهدار و ضمنا موقعیت خودت را نیز برای آنان بازهم یادآوری کن (تا این ایام بگذرد) و ضمنا قدرشناسی ات را نسبت به پیروانت عیان کن.

در پاراگراف ۴ می فرماید: ای پیامبر! کماکان باب گفتگو را با این کفار باز نگهدار و بر مواضع اعتقادی خودت نیز کماکان پا فشاری کن.

در پاراگراف ۵ می فرماید: ای پیامبر! قبل از تو نیز پیامبرانی بوده اند و آنها نیز مشکلاتی داشته اند اما حوصله کردند و پایداری ورزیدند و لذا سزاواری کمک ما را یافتند و در همین دنیا نیز علاوه بر پیروزی و موفقیت به نعمتهای مهمی نیز رسیدند.

در این پاراگراف ۶ می فرماید: ای پیامبر! غیر از مشرکان که مشکل فعلی تو بنظر میرسد یکی دیگر از مشکلات یهودیان خواهند بود (که در وقتش با آنها نیز باید بطور پسندیده ای درگیر شوی) همان کسانی که برای کفرشان و افترا به خداوند و گناهان بزرگ نکوهش شده اند.

در این پاراگراف می فرماید: ای پیامبر! خداوند و آیات و صفات و افعالش را بطور شایسته ای به این مردم معرفی کن، و ای مسلمانان! از کارهای اشخاص جاهل، که دشنام دادن یک نمونه آن است، دوری کنید، و ای پیامبر! این کفار غیر منطقی و لجباز هستند و دائما معجزه میخوانند، مگر این قرآن معجزه نیست؟ لذا با استواری کار اصلی خودت را پیگیری باش.

۴ - سوالات

- ۱ - آیه ۱۱۰ را با توجه به ۱۱۱ توضیح دهید.
- ۲ - با توجه به آیه ۱۱۲، معنی لغوی «وحی» چیست؟
- ۳ - با توجه به دو آیه ۱۱۲ و ۱۱۳، چه نتایجی بر «آموزش های بین شیطانی» مترتب است؟
- ۴ - منظور از «تمت» و «کلمه» (آیه ۱۱۵) چیست؟

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیه های ۱۰۰ و ۱۰۱ فهمیده میشود شریکانی که در اعتقادات معاصران نزول این سوره بود برخی از جنس جن و برخی از نوع فرزندان بود که برای خداوند فرض کرده بودند و در این مورد متکی به چیزی که به آن علم میگفتند نبودند.

از آیه ۱۰۸ فهمیده میشود که مسلمانان نسبتاً زیاد شده بودند و چندان نگرانی نداشتند که نسبت به مقدسات کفار بی احترامی لفظی کنند که در این آیه از این عمل (طی دلیلی که برایش ذکر شده که یک دلیل اخلاقی زلال است) نهی میشوند.

از آیه های ۱۰۴ و ۱۰۷ فهمیده میشود که با تاکید و تکرار به پیامبر یاد آوری مینماید که تو نه نگهبان آنها هستی و نه کارگزارشان.

در آیه ۱۰۶ باز هم به آنحضرت تاکید میشود که از مشرکان روی برگرداند.

از آیه ۱۰۹ فهمیده میشود فعالان کفر ایمان آوری خود را به ظهور معجزه ای موکول کرده بودند و آیه های ۱۱۰ تا ۱۱۱ میگویند آنها اهل ایمان آوری نیستند و در آیه های ۱۱۲ و ۱۱۳ این موضوع را تعلیل میکند.

از ابتدای آیه ۱۱۴ معلوم میشود اهل کتاب (یهودیان-زیرا مسیحیان در مکه چندان تعدادی نبودند) خیلی از جریان پیشرفت تعالیم آنحضرت ناراحت بودند و پیشنهاد نوعی معامله داده بودند که نوعی حکمیت را هم در بر داشت، که رسول خدا (ص) بر حسب محتوای آیه مذکور از قبولش منع شده بود.

از آیه مذکور فهمیده میشود که حکمیت مذکور بر مبنای تورات در دستشان بود، و همان آیه بما میگوید آنها در همان حال که این پیشنهاد را میدادند میدانستند قرآن از جانب خدا و مطلقا حق است، برآیند این دو مطلب این است که آنها نگران بودند که مطالب قرآن برای یهودیان جالب تر و سبب ریزش نیرویشان شود.

۶ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه نیست)

در آیه ۱۰۰ به موجوداتی اشاره شده که معهود ما بشر قرن حاضر هم نیست، چه رسد به مشافهین ۱۴۰۰ سال قبل! همچنین است آیه ۱۱۱ تا ۱۱۳. مضمون آیه ۹۸ از نوع مطالب سنگینی است که نمیتوان ادعا کرد که حتی امروز هم بخوبی توسط بشر امروز درک میشود، چه رسد به بشر ۱۴۰۰ سال قبل. در آیه های ۱۱۲ و ۱۱۳ مطالبی است که مکانیزم های چگونگی انجام آنها هنوز نیز توسط بشر کشف و فهم نشده، چه رسد بشر مخاطب اولیه.

۷ - پیشگوئی های تحقق یافته

در آیه ۱۰۸ یک رفتار استراتژیک به مسلمانان می آموزد و چنین رفتاری متعلق به کسانی است که موضوع را بلند مدت می بینند و در این وعده تلویحی نهفته است که شما برقرار خواهید بود .

۸ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیات ۱۰۰ تا ۱۰۲ و ۱۰۴ تا ۱۰۷ ، بقیه آیات «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلید های تفسیری

واگذاری به مخاطب:

در ابتدای آیه ۱۱۴ چنین اتفاقی افتاده، و مطلبی که در واگذاری به مخاطب محذوف شده میتواند چنین باشد: «ای پیامبر! به اهل کتاب که تو را به حکمیت کتابشان دعوت میکنند بگو:»

معرفی خداوند

در ابتدا سعی می‌کنیم معرفی که از خداوند در خلال آیات این دو پاراگراف شده است را استخراج کنیم: اگر بخواهیم نکاتی را که در رابطه با معرفی خداوند است دسته‌بندی کنیم به دسته‌بندی زیر می‌رسیم:

۱- صفات شخصی خداوند: آفریدگار، پروردگار، برنامه‌ریز همه چیز، مواظب همه چیز، دست نیافتنی، چشم‌ها او را درک نمی‌کنند اما او همه چشم‌ها را درک می‌کند، لطیف، آگاه، چرخاننده آیات و بالاخره واحد.

۲- در رابطه با جهان: بوجود آورنده آسمانها و زمین، قرار دهنده آفتاب و ماه بعنوان وسیله شمارش، قرار دهنده ستارگان برای راه یافتن، قرار دهنده شب بعنوان وسیله آرامش، شکافنده صبحگاهان.

۳- در رابطه با انسان بطور کلی: آفریدگار همگان از یک «نفس»، بیرون آوردن زنده از مرده و بیرون آوردن مرده از زنده، و کسی که بازگشت به سوی اوست و حقیقت امور را آشکار می‌کند.

۴- در رابطه با یکی از احتیاجات انسان (خوراک): نازل کننده آب از آسمان، شکافنده دانه و هسته، بیرون آورنده روئیدنیها با ذکر جزئیات باغبانی و تنوع محصول.

واقعاً وقتی که خواننده این موارد را می‌خواند، چه احساسی پیدا می‌کند؟ این احساس در او بوجود می‌آید که خداوند، این جهان، این آسمانها و زمین، این کهکشان‌ها، این ستارگان، و اینهمه را برای «من» آفریده. برای اینکه حساب سال و ماه را نگه دارم و بتوانم برنامه‌ریزی کنم و زندگی را جلو ببرم. برای اینکه بتوانم

جهت‌یابی کنم و مسافرت کنم و باز هم زندگی را جلو ببرم، برای اینکه آرامش داشته باشم و انرژی از دست رفته را ترمیم کنم و روز بعد تلاش کنم و زندگی را جلو ببرم و نیز برای یک قلم از احتیاجاتم که رفع تشنگی و گرسنگی باشد چقدر تمهیدات و چقدر تنوع و چقدر زیبایی آفریده. خوب، خداوند که برای من اینهمه را آفریده و اینطور برنامه‌ریزی کرده، هموست که مرا هم آفریده و بازگشتم هم بسوی اوست و ارزیابی اعمال و رفتارم نیز با اوست.

این خداوندیست که ما در این آیات می‌یابیم و واحد هم هست یعنی اگر خواستیم خود را هماهنگ کنیم کافیسست با «یک شخص» و «یک جا» هماهنگ شویم و آن یک جا و آن یک شخص هم مرکز همه قدرتها، برنامه‌ریزی‌ها، لطف‌ها، آگاهی‌ها و همه چیزهائی است که ما آنها را خوب می‌دانیم. آیا ذکر اینها دعوت ما به بهترین چیز و اتخاذ بهترین موقعیت نیست؟

ترجمه تفسیری آزاد

ای مردم! خداوند شکافنده دانه و هسته است. زنده را از مرده بیرون می‌آورد و بیرون آورنده مرده از زنده است. این است خداوند پرودگارتان. پس به کجا سرگردان میشوید؟ (۹۵) همو شکافنده صبحگاهان است و شب را مایه آرامش و آفتاب و ماه را وسیله شمارش شما قرار داده است. این برنامه ریزی آن پیروز داناست (۹۶) و هموست که ستارگان را قرار داد تا به وسیله آنها در تاریکیهای خشکی و دریا هدایت یابید. البته ما آیات را برای اشخاصی دانا تشریح کرده ایم (۹۷) و هموست که شما را از یک جان آفرید. آنگاه محل آرامشی و محل ودیعه ای قرار داد. البته آیات را برای مردم صاحب فهم تشریح نموده ایم (۹۸) و هموست که از آسمان آبی نازل نموده و روئیدنی هائی از همه چیز بیرون آورده، واز آن سبزی و همچنین از آن دانه هایی روی هم چیده در آورده، و از نخل، از گل آن، خوشه های آویخته بیرون آورده، و با غلهایی از انگورها و زیتون و انار که

شیهه هستند اما عین یکدگر نیستند برآورده، به میوه هایشان هنگام ثمر دادن و رسیدن بنگرید، که در این برای مردمی که ایمان دارند نشانه هاست (۹۹)

اما اینان برای چنین خداوندی شریکانی از جن درست کرده اند در حالیکه خداوند آنها را آفریده، وبدون اینکه علمی داشته باشند برای او پسران و دخترانی فرض کرده اند، او البته از این چیزها منزّه، و از آنچه وصفش می کنند بالاتر است (۱۰۰)

خداوند به وجود آورنده آسمانها و زمین است، چگونه برایش فرزندی خواهد بود در حالیکه همسری ندارد و همه چیز را همو آفریده و نسبت به همه چیز داناست؟ (۱۰۱) ای مردم! چنین است خداوند، پروردگارتان، خدایی جز او نیست. آفریننده همه چیز است. پس او را عبادت کنید و همو بر همه چیز نگهبان است (۱۰۲) چشمها او را در نمی یابد و او چشمها را درمی یابد و همو لطیف آگاه است (۱۰۳)

ای پیامبر! بگو البته با نزول این قرآن بصیرت هایی از جانب پروردگارتان به سویتان آمده، پس هر کس بینا شد به نفع خودش است و کسی که کوری را انتخاب کند به ضرر خویش نموده و من نگهبان شما نیستم (۱۰۴) ای پیامبر! آن آیات را چنین گونه گون ارائه می دهیم، و بگذار تا بگویند درسش را خوانده ای، و البته اشخاص صاحب علم خواهند فهمید (۱۰۵) آنچه را که از جانب پروردگارت به سویت وحی می شود پیروی کن. خدایی جز او نیست و از مشرکان روی بگردان (۱۰۶) و البته اگر خداوند می خواست میتوانست مانع شرک آوری آنها شود و تو از شرک شان چندان نگران مباش زیرا که تو را نگهبان آنها قرار ندادیم و تو ناظر و مسئول آنها نیستی (۱۰۷)

ای پیروان پیامبر! به آن چیزهایی را که کافران به جز خداوند به دعا و از روی شرک می خوانند دشنام مگوئید زیرا که آنها نیز از روی دشمنی و بدون اینکه علمی داشته باشند خداوند را دشنام خواهند گفت، چنین است که اعمال هر مردمی برای خودشان زینت یافته، سپس بازگشتشان به سوی ما است، که آنگاه آنها را به حقیقت کارهایی که می کردند آگاه میکنیم (۱۰۸)

ای پیامبر! اینان قسم های محکم به خداوند خوردند که اگر معجزه ای بسویشان بیاید حتما به آن ایمان خواهند آورد. بگو جز این نیست که معجزه ها نزد خداوند است و چه میدانید اگر هم آن معجزات بسویشان بیاید باز هم ایمان نخواهند آورد (۱۰۹) و دلها و چشمهانشان میگردد و مانند همان بار اول میشوند که به آن ایمان نیاورده بودند و در این وضع آنها را در طغیانشان کوردل رها میکنیم (۱۱۰) و حتی اگر ملائکه را نیز بسویشان نازل کنیم و مردگان هم با آنها صحبت کنند و هر چیزی را بر آنها جمع کنیم اینطور نیست که ایمان بیاورند مگر اینکه خدا بخواهد ولیکن اکثرشان جاهلند (۱۱۱) و چنین است که برای هر پیامبری دشمنی از شیاطین قرار داده ایم، شیاطین انسانی یا جنی که بعضی از آنها به بعضی دیگر سخنان ظاهرا قشنگ برای فریب دادن یاد می دهند و اگر خداوند میخواست چنین نمیکردند پس آنها را با آنچه افترا می بندند واگذار (۱۱۲) تا اینکه دلهای آنانکه به آخرت ایمان نمی آورند به آن میل کند تا آن را بپسندند و به آنچه آنان دچار میشوند دچار شوند (۱۱۳)

ای پیامبر! بگو آیا جز خداوند را به حکمیت بجویم؟ در حالیکه هموست که آن کتاب را با تفصیل برایتان فرستاده؟ و اهل کتاب میدانند که آن از جانب پروردگارت به حق فرستاده شده است پس مبدا که از دودلان باشی (۱۱۴) و کلمه پروردگارت به صدق و عدل کامل شد. هیچ چیزی کلماتش را تغییر نخواهد

داد و همو شنوای داناست (۱۱۵)

انعام ۸ آیات ۱۱۶ تا ۱۳۵

وَإِنْ تَطْعَ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ ﴿١١٦﴾ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ مَنْ يَضِلُّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُنْتَدِينَ ﴿١١٧﴾ فَكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ ﴿١١٨﴾ وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَقَدْ فَصَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرِرْتُمْ إِلَيْهِ وَإِنَّ كَثِيرًا لَيُضِلُّونَ بِأَهْوَائِهِمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُنْتَدِينَ ﴿١١٩﴾ وَذَرُوا ظَاهِرَ الْإِثْمِ وَبَاطِنَهُ إِنَّ الَّذِينَ يَكْسِبُونَ الْإِثْمَ سَيُجْزَوْنَ بِمَا كَانُوا يَقْتَرِفُونَ ﴿١٢٠﴾ وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرْ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَى أَوْلِيَائِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ ﴿١٢١﴾ أَوْ مِنْ كَانَ مِثْلًا فَأَخْبَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذَلِكَ زَيْنٌ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٢٢﴾ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ أَكَابِرَ مُجْرِمِيهَا لِيَمْكُرُوا فِيهَا وَمَا يَمْكُرُونَ إِلَّا بِأَنْفُسِهِمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ﴿١٢٣﴾ وَإِذَا جَاءَهُمْ آيَةٌ قَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ حَتَّى نُؤْتَى مِثْلَ مَا أُوتِيَ رُسُلُ اللَّهِ اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ سَيُصِيبُ الَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا كَانُوا يَمْكُرُونَ ﴿١٢٤﴾ فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصَّعَّدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٢٥﴾ وَهَذَا صِرَاطٌ رَبِّكَ مُسْتَقِيمًا قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ ﴿١٢٦﴾ لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَهُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٢٧﴾ وَيَوْمَ يُحْشَرُهُمْ جَمِيعًا يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ قَدِ اسْتَكْبَرْتُمْ مِنَ الْإِنْسِ وَقَالَ أَوْلِيَاؤُهُمْ مِنَ الْإِنْسِ رَبَّنَا اسْتَمْتَعَ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ وَبَلَّغْنَا أَمَلَنَا الَّذِي أَجَلْتْ لَنَا قَالَ النَّارُ مَثْوَاكُمْ خَالِدِينَ فِيهَا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ﴿١٢٨﴾ وَكَذَلِكَ نُؤَيِّ بِغَضِ الطَّالِبِينَ بَعْضًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿١٢٩﴾ يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا شَهِدْنَا عَلَى أَنْفُسِنَا وَغَرَّبْنَاهُمْ دُونَهُمَا وَشَهِدُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ ﴿١٣٠﴾ ذَلِكَ أَنْ لَمْ يَكُنْ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا غَافِلُونَ ﴿١٣١﴾ وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِمَّا عَمِلُوا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ ﴿١٣٢﴾ وَرَبُّكَ الْغَنِيُّ

ذُو الرَّحْمَةِ إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَسْتَخْلِفْ مِنْ بَعْدِكُمْ مَا يَشَاءُ كَمَا أَنْشَأَكُمْ مِنْ ذُرِّيَّةٍ قَوْمٍ آخَرِينَ ﴿١٣٣﴾ إِنْ مَا تُوعَدُونَ لَاتِ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ ﴿١٣٤﴾ قُلْ يَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَى مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ﴿١٣٥﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
 طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:
درس: ای پیامبر! رسالت خویش را با جدیت پیگیری، از الطاف الهی بهره مند خواهی شد.

برآیند درسی فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:
درب: ای پیامبر! علیرغم این لجبازی کافران، این احکام را برای عموم بیان کن، زیرا که در رسالت تو چیزی است که سبب زنده شدن دلهاست، و توجه همگان را به آخرت و اهمیت آن جلب کن، تا صفوف کافران سست شود.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

وَإِنْ تُطِغْ أَكْثَرُ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ ﴿١١٦﴾ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ مَنْ يَضِلُّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ﴿١١٧﴾
ریزدرب: ای پیامبر! چون مخالفانت اکثریت دارند، لازم نیست لزوماً با آنان همراهی کنی.

۲

فَكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ ﴿١١٨﴾ وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَقَدْ فَصَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرِرْتُمْ إِلَيْهِ وَإِنَّ كَثِيرًا لَيُضِلُّونَ بِأَهْوَائِهِمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُعْتَدِينَ ﴿١١٩﴾ وَذَرُوا ظَاهِرَ الْإِثْمِ وَبَاطِنَهُ إِنَّ الَّذِينَ يَكْسِبُونَ الْإِثْمَ سَيُجْزَوْنَ بِمَا كَانُوا يَقْتَرِفُونَ ﴿١٢٠﴾ وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَى أَوْلِيَائِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ ﴿١٢١﴾

ریزدرب: ای پیامبر! به مردم بگو شما با یک حرکت کوچک میتوانید از شرک خارج شوید.

۳

أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَخْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٢٢﴾ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ أَكَابِرَ مُجْرِمِيهَا لِيَمْكُرُوا فِيهَا وَمَا يَمْكُرُونَ إِلَّا بِأَنْفُسِهِمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ﴿١٢٣﴾ وَإِذَا جَاءَهُمْ آيَةٌ قَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ حَتَّى نُؤْتَى مِثْلَ مَا أُوتِيَ رُسُلُ اللَّهِ اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ سَيُصِيبُ الَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا كَانُوا يَمْكُرُونَ ﴿١٢٤﴾ فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّما يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٢٥﴾ وَهَذَا صِرَاطٌ رَبِّكَ مُسْتَقِيمًا قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ ﴿١٢٦﴾ هُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَهُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٢٧﴾

ریزدرب: ای مردم! ایمان آوری مانند زنده بودن و کفر مانند مرده بودن است.

۴

وَيَوْمَ يُخْشَرُهُمْ جَمِيعًا يَا مَعْشَرَ الْجِنَّ قَدِ اسْتَكْبَرْتُمْ مِنَ الْإِنْسِ وَقَالَ أَوْلِيَائُهُمْ مِنَ الْإِنْسِ رَبَّنَا

اسْتَمْتَعَ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ وَبَلَّغْنَا أَجَلَنَا الَّذِي أَجَلْتَ لَنَا قَالَ النَّارُ مَثْوَاكُمْ خَالِدِينَ فِيهَا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ﴿١٢٨﴾ وَكَذَلِكَ نُؤَيِّنُ بَعْضَ الظَّالِمِينَ بَعْضًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿١٢٩﴾ يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا شَهِدْنَا عَلَى أَنْفُسِنَا وَغَرَّبْنَاهُمُ الدُّنْيَا وَشَهِدُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ ﴿١٣٠﴾ ذَلِكَ أَنْ لَّمْ يَكُنْ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا غَافِلُونَ ﴿١٣١﴾ وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِّمَّا عَمِلُوا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ ﴿١٣٢﴾ وَرَبُّكَ الْغَفِيُّ ذُو الرَّحْمَةِ إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَسْتَخْلِفْ مِنْ بَعْدِكُمْ مَا يَشَاءُ كَمَا أَنْشَأَكُمْ مِنْ ذُرِّيَّةٍ قَوْمٍ آخَرِينَ ﴿١٣٣﴾ إِنْ مَا تُوعَدُونَ لَاتٍ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ ﴿١٣٤﴾ قُلْ يَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَى مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ﴿١٣٥﴾

ریزدرب: ای مخالفان پیامبر! واقعا چنین عاقبتی را میخواهید؟

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبَّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ می فرماید: ای پیامبر! توجه مردم را در درجه اول به آفرینش های الهی و در درجه دوم به علم مطلق او جلب کن و رفتارهای لجوجانه مخالفت آمیز سران کفار یکی از موانع اصلی کارت است که همیشه باید آن را در معادلات در نظر داشته باشی.

در پاراگراف ۲ می فرماید: ای پیامبر! برای همه تشریح کن که این کافران با این رفتارهای لجبازانه شان دارند چه ضرر عظیمی به خویش میزنند و خود را به چه مهلکه ای می اندازند و بر مشکلات رسالت صبوری کن، یاری ما خواهد رسید.

در پاراگراف ۳ می فرماید: ای پیامبر! توجه این کفار را به خطری که خود را در معرض آن قرار داده اند جلب کن، مبدا اینطور باشد که غافل باشند و ناگهان به عذاب دستجمعی گرفتار شوند و فعلا باب گفتگو با این کفار را باز نگهدار و ضمنا موقعیت خودت را نیز برای آنان بازهم یادآوری کن (تا این ایام بگذرد) و ضمنا قدرشناسی ات را نسبت به پیروانت عیان کن.

در پاراگراف ۴ می فرماید: ای پیامبر! کماکان باب گفتگو را با این کفار باز نگهدار و بر مواضع اعتقادی خودت نیز کماکان با فشاری کن.

در پاراگراف ۵ می فرماید: ای پیامبر! قبل از تو نیز پیامبرانی بوده اند و آنها نیز مشکلاتی داشته اند اما حوصله کردند و پایداری ورزیدند و لذا سزاواری کمک ما را یافتند و در همین دنیا نیز علاوه بر پیروزی و موفقیت به نعمتهای مهمی نیز رسیدند.

در این پاراگراف ۶ می فرماید: ای پیامبر! غیر از مشرکان که مشکل فعلی تو بنظر میرسد یکی دیگر از مشکلات یهودیان خواهند بود (که در وقتش با آنها نیز باید بطور پسنیدیده ای درگیر شوی) همان کسانی که برای کفرشان و افترا به خداوند و گناهان بزرگ نکوهش شده اند.

در پاراگراف ۷ می فرماید: ای پیامبر! خداوند و آیات و صفات و افعالش را بطور شایسته ای به این مردم معرفی کن، و ای مسلمانان! از کارهای اشخاص جاهل، که دشنام دادن یک نمونه آن است، دوری کنید، و ای پیامبر! این کفار غیر منطقی و لجباز هستند و دائما معجزه میخواهند، مگر این قرآن معجزه نیست؟ لذا با استواری کار اصلی خودت را پیگیری باش.

در این پاراگراف می فرماید: ای مردم! از رسول خدا پیروی کنید و به زندگی پاکیزه (به خصوص در مورد غذایان) گرایش یابید، و کافران از گمراهی خویش خبر ندارند و در عین حال تصور میکنند خیلی هم کارشان درست است، و ای مردم! قیامت و آخرت نه تنها عاقبت حتمی تان است، بلکه زندگی تان در آن مرحله، باتوجه به نوع و کیفیت اعمال فعلی تان بسیار متنوع خواهد بود (حال خود دانید)

۴ - سوالات

- ۱ - حالت کلی پاراگراف چگونه است؟ (امیدبخش؟ هشدارشديد به کافران؟ یا...؟)
- ۲ - «میتا» (آیه ۱۲۲) در معنی لغوی بکار رفته یا اصطلاحی؟
- ۳ - ماهیت آیه ۱۲۳ چیست؟ (ذکر یک قانون الهی حاکم بر جوامع بشری؟ نکوهش سران کفار؟ یا...؟)
- ۴ - «شرح صدره» (آیه ۱۲۵) چه نوع از سخن است؟ (کنایه؟ استعاره؟ یا...؟)
- ۵ - «يَجْعَلُ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصَّعَّدُ فِي السَّمَاءِ» (همان آیه) چگونه؟
- ۶ - آیا میتوانید در جمله اخیر یک «معجزه علمی» نشان دهید؟

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیه ۱۱۶ فهمیده میشود آنحضرت از طرفی مواجه با افزایش پیروان خود بود و از طرف دیگر با تقویت این گرایش در بین فعالان کفر بود که میخواستند آنحضرت با آنان مماشات کند تا بتوانند «بطور آبرومندانه» با جریان روز بروز قوی تر شونده اسلام کنار بیایند.

این موضوع - از آنجا که از روی عتاب الهی در سوره های قبلی فهمیده میشود - از نظر آنحضرت یکی از راه های پیشرفت اسلام و کلیدی برای برون رفت از بین بست محسوس بین آنحضرت و سران فعالان کفر تلقی میشد که همواره مورد مخالفت وحی قرار گرفته است.

بکار رفتن عبارت «اکثر من فی الارض» در آیه مذکور، نشان میدهد این گرایش ابعادی بزرگتر از زمان نزول سوره قلم یافته است.

از آیات ۱۱۸ تا ۱۲۱ فهمیده میشود افراد موجود در اردوگاه اسلام همگی شان آدم هایی مهذب و مورد تایید دستگاه آسمانی نبوده اند، و رفتارهای قابل سرزنشی (از قبیل ادامه دادن به گناهیانی که قبلا به آنها می پرداخته اند، و مخصوصا نامقید بودن ذبح به نام خدا و استفاده از مذبحات به غیر نام خدا) هم داشته اند.

از آیات ۱۲۲ تا ۱۲۵ فهمیده میشود که سران مخالف رسول خدا (ص) خیلی خودشان را دست بالا میگرفته اند.

۶ - آیات برجسته این پاراگراف

آیه ۱۱۶ از این لحاظ که خیلی مورد سوء استفاده مخالفان دموکراسی قرار میگیرد از آیات برجسته قرآنی است.

بعضی‌ها که القابی مانند دکتر و استاد و ... را هم یدک می‌کشند «دموکراسی» را با استناد به آیه مذکور رد می‌کنند. خیلی خنده‌دار است.

حوزه دموکراسی، حوزه زندگی این جهانی است، یعنی آب و برق و نان و مدیریت منابع عمومی و حدود مشارکت اجتماعی و امثال آن.

در حالی که حوزه آیه ۱۱۶ وحی و حقانیت فکر و عقاید است.

این سخن همانقدر مضحک و آبروبر است که اگر کسی فی‌المثل بگوید یک کیلوگرم چند متر است و یک ولت چند اهم است.

آنچه که «اکثریت و اقلیت‌بردار» نیست حوزه حقانیت است و اما آنچه کاملاً اکثریت و اقلیت‌بردار است حوزه منافع مادی زندگی این دنیایی است و حوزه دموکراسی هم همین حوزه است.

۷ - پیشگویی‌های تحقق یافته

در آیه های ۱۱۶ و ۱۱۷ که آنحضرت را از امتیاز دادن به خصم منع میکند پیشگویی موفقیت آنحضرت نهفته است .

۸ - پیشگویی‌های تحقق یافته (علمی)

در آیه ۱۲۵ میفرماید: اگر خداوند بخواهد کسی را هدایت کند سینه اش را برای

(پذیرش) اسلام باز می کند و اگر بخواهد گمراه کند سینه اش را تنگ و سخت می کند گوئی که دارد به آسمان صعود می کند. خداوند به این روش عذاب را بر کسانی که ایمان نمی آورند بر می گمارد.

مطلبی که در آیه فوق در رابطه با «تنگی نفس در ارتفاعات» آمده، با توجه به تاریخ نزول قرآن و نوع مخاطب‌های آن روزی و اینکه کوهنوردی و صعود به ارتفاعات به هیچ روی با آن میزان علم آن مخاطب‌ها سنخیتی نداشته یکی از معجزات علمی قرآنی است.

زیرا در آن زمان بالن و هواپیما اختراع نشده بود و تا صد و پنجاه سال پیش نیز کسی به قله اورست صعود نکرده بود تا کسی بتواند با این صراحت نفس تنگی حاصل از صعود را که در نتیجه کاهش تراکم اکسیژن در طبقات بالاتر جوی است مطرح کند.

در آیه ۱۳۵ که میگوید «هر کاری که از دستتان بر می آید انجام دهید» پیشگوئی تحقق یافته ای هست که دیدیم آنها نتوانستند مانع استقرار گفتمان آنحضرت شوند.

۹ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

در آیه ۱۲۱ به موجوداتی اشاره شده که معهود ما بشر قرن حاضر هم نیست، چه رسد به مشافهین ۱۴۰۰ سال قبل!

آیه های ۱۲۷ تا ۱۳۲ «قیامتی» است، و هیچ بنی بشری تجربه اش را ندارد، و قبل از قیامت نخواهد داشت، لذا، چه در آن روزهای نزول وحی و چه الی یوم القیامه بالاتر از ذهنیات بشر خواهد بود. همچنین است آیه های ۱۲۴ و ۱۲۵.

مکانیزم اجرائی آیه ۱۲۳ برای ما ساکنان قرن ۲۱ نیز روشن نیست چه رسد مخاطب های اولیه! همچنین است آیه ۱۲۵.

۱۰- کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه های ۱۱۷ و ۱۲۲ و ۱۳۱ تا ۱۳۵، بقیه «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلید های تفسیری

فعل خداوند قانونمند است

آیه ۱۲۵ با توجه به تیتیر فوق مفهوم است، و همچنین آیه ۱۲۳. ای پیامبر! وحیی که تو حامل آن می باشی «زندگی ساز» و «روح بخش» و «نوررسان» است و اگر احیاناً کسی نخواست از آنچه توداری استفاده کند ضرری متوجه تو نخواهد شد.

یک مغالطه

عده ای آیه ۱۱۶ را شاهد می آورند که دموکراسی غلط است و اکثریت به گمراهی گرایش دارد، و پیامبر را نیز گمراه میکند چه رسد به مردم عادی را! این گفتمان یکی از غلط ترین گفتمان های تاریخ بشریت است، زیرا آیه مذکور راجع به وحی است و دموکراسی راجع به اقتصاد و راه و ساختمان و برق و اسفالت و نحوه حکومتداری و بالاخره تمام چیزهائی است که قرآن به آنها نپرداخته و در آنها ساکت است و آنها را به بشر واگذار نموده که از طریق «امرهم شوری بینهم» (که خودش از طریق «الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه» کار میکند) زندگی بشر را ساندھی کند.

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر! بدان که اگر اکثر کسانی را که در روی زمین هستند پیروی کنی از راه خدا گمراهت میکنند. زیرا آنها از چیزی جز گمان پیروی نمی کنند و جز تخمین نمیزنند (۱۱۶) البته پروردگارت بهتر می داند که چه کسی ازراهش گمراه شده و همو هدایت یافتگان را بهتری شناسد (۱۱۷)

ای مردم! از آنچه که ذکر نام خدا به هنگام ذبح آن شده، بخورید، اگر به آیاتش ایمان دارید (۱۱۸) و چه تان شده که از آنچه ذکر نام خدا بر آن شده نمیخورید در حالیکه آنچه خداوند حرام کرده به تفصیل برایتان گفته شده، البته به استثناء شرایط سخت اضطراری که چاره ای برای آدمی نمیگذارد که در آنصورت مصرف همان هم به حداقل مقدار ممکن بخشوده است، و البته بسیاری از مردم چنانند که بدون اینکه علمی داشته باشند، دیگران را با هوس هایشان گمراه میکنند که البته پروردگارت به تجاوزکاران آگاه تر است (۱۱۹) و همچنین گناهان را چه آشکار باشد و چه پنهان ول کنید. همانا کسانی که گناهان را مرتکب میشوند بزودی سزایشان را به خاطر آنچه انجام میدهند می بینند (۱۲۰) و نیز آنچه را که اسم خدا به هنگام ذبح بر آن یاد نشده نخورید، که نافرمانی است و البته شیاطین به دوستانشان آموزش میدهند که با شما مجادله کنند و اگر اطاعتشان کنید البته شما نیز مشرک خواهید بود (۱۲۱)

آیا کسی که مرده ای بود و زنده اش کردیم و برایش نوری قرار دادیم که به وسیله آن در میان مردم راه میسپارد، مانند کسی است که در تاریکیهای است که از آن برون رفت ندارد؟ برای کافران اعمالشان چنین آراسته شده است (۱۲۲) و به این ترتیب است که در هر شهری بزرگان گنهکارانشان در آن نیرنگ میکنند. اما کارشان جز بر ضد خودشان نیست و آگاهی ندارند (۱۲۳) و هنگامیکه آیه ای بسویشان بیاید میگویند هرگز به آن ایمان نمی آوریم تا اینکه به ما نیز آنچه به فرستادگان خدا

داده شده داده شود. خداوند بهتر میداند رسالتش را کجا قرار دهد. به زودی کسانی که مرتکب جرم شده اند به سبب نیرنگی که زده اند به خواری نزد خدا و عذابی شدید خواهند رسید (۱۲۴)

اگر خداوند بخواهد کسی را هدایت کند سینه اش را برای پذیرش اسلام باز می کند و اگر کسی لایق گمراهی باشد سینه اش تنگ و سخت می شود گوئی که دارد به آسمان صعود می کند. خداوند به این روش عذاب را بر کسانی که ایمان نمی آورند مسلط میکند (۱۲۵)

ای پیامبر! این جاده پروردگار توست که مستقیم است و البته آیات را برای مردمی که پند میگیرند با تفصیل بیان کرده ایم (۱۲۶) کسانی که پیرویت کنند نزد پروردگارشان خانه امن خواهند داشت و همو یارشان است به سبب آنچه انجام میدهند (۱۲۷) و روزی که همگیشان را به قیامت محشور کنیم خطاب شود ای جماعت جنیان! چه بسیار از آدمیان را بدام انداختید! و دوستان آدمیزادشان اعتراف میکنند که پروردگار! بعضی مان از بعضی دیگر برخوردار شدیم و به سرآمدی معین که برایمان مقرر کردی رسیدیم. گوید اینک جایگاهتان آتش است که در آن جاودان خواهید بود مگر آنچه خدا خواهد که پروردگارت پر حکمت داناست (۱۲۸) و بعضی از ظالمان را بر بعضی دیگر چنین سرپرستی میدهیم به سبب آنچه انجام میدهند (۱۲۹) ای جماعت های جنی و انسانی! آیا رسولانی از خودتان بسویتان نیامدند که آیاتم را بر شما بخوانند و به این روز هشدارتان دهند؟ گویند بلی و ما علیه خویش گواهی میدهیم، چنین است که زندگی دنیا فریبتان داد و کافر شدند تا اینکه در چنان روزی علیه خویشان گواهی خواهند داد که ما کافریم (۱۳۰) چنین است که پروردگارت اهل آن شهرها را از روی ظلم و در حالیکه غافل باشند هلاک نکرد (۱۳۱) و همگی شان در آنچه از کارهای ناپسندی که میکردند به درجاتی رسیده

بودند و پروردگارتان از آنچه انجام میدهند غافل نیست (۱۳۲) و پروردگارتان غنی صاحب رحمت است. اگر بخواهد شما را میبرد و پس از شما آنچه بخواهد جایگزین میکند. همانطور که شما را از فرزندان قوم قبلی ایجاد کرد (۱۳۳) آنچه به شما وعده شده حتما می آید و نمی توانید جلوگیری کنید (۱۳۴) ای پیامبر! بگو ای قوم! هر چه که قدرت دارید انجام دهید، من هم کار خویش میکنم. به زودی خواهید دانست چه کسی صاحب آن خانهء سعادت نهائی است. البته او ظالمان را رستگار نمی کند (۱۳۵)

انعام ٩ آيات ١٣٦ تا ١٤٧

وَجَعَلُوا لِلَّهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَالْأَنْعَامِ نَصِيبًا فَقَالُوا هَذَا لِلَّهِ بِزَعْمِهِمْ وَهَذَا لِشُرَكَائِنَا فَمَا كَانَ لِشُرَكَائِهِمْ فَلَا يَصِلُ إِلَى اللَّهِ وَمَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ يَصِلُ إِلَى شُرَكَائِهِمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿١٣٦﴾ وَكَذَلِكَ زَيَّنَ لِكَثِيرٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَتْلَ أَوْلَادِهِمْ شُرَكَائِهِمْ لِيُرْذَوْهُمْ وَلِيَلْبِسُوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ ﴿١٣٧﴾ وَقَالُوا هَذِهِ أَنْعَامٌ وَحَرْثٌ حِجْرٌ لَا يَطْعُمُهَا إِلَّا مَنْ نَشَاءَ بِزَعْمِهِمْ وَأَنْعَامٌ حُرِّمَتْ ظُهُورُهَا وَأَنْعَامٌ لَا يَذْكُرُونَ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا افْتِرَاءٌ عَلَيْهِ سَيِّئُ بِهِمْ بِمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿١٣٨﴾ وَقَالُوا مَا فِي بُطُونِ هَذِهِ الْأَنْعَامِ خَالِصَةٌ لِلَّذُكُورِ نَاكِحًا عَلَى أَزْوَاجِنَا وَإِنْ يَكُنْ مِثْقَلُهُمْ فِيهِ شُرَكَاءُ سَيِّئُ بِهِمْ وَصَفَهُمْ إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ﴿١٣٩﴾ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَحَرَّمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ ﴿١٤٠﴾ وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَانَ مُتَشَابِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ﴿١٤١﴾ وَمِنَ الْأَنْعَامِ حَمُولَةٌ وَفَرَسَاتٌ كُلُوا مِنْ رِزْقِكُمْ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿١٤٢﴾ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ مِنَ الصَّانِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْمَعْرِ اثْنَيْنِ قُلِ الذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ أَمِ الْأُنثَيَيْنِ أَمَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأُنثَيَيْنِ نَبُوءِي يَعْلَمُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٤٣﴾ وَمِنَ الْإِبِلِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْنِ قُلِ الذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ أَمِ الْأُنثَيَيْنِ أَمَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأُنثَيَيْنِ أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ وَصَّاكُمُ اللَّهُ بِهَذَا فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا لِيُضِلَّ النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿١٤٤﴾ قُلِ لَا أَجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مِثْقَلُ ذَرَّةٍ مَسْفُوحًا أَوْ هَمٌّ خَزِيرٍ فَإِنَّهُ رَجَسٌ أَوْ فِسْقًا أُهْلًا لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنْ اضْطَرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٤٥﴾ وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا كُلَّ ذِي ظُفْرٍ وَمِنَ الْبَقَرِ وَالْغَنَمِ حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ شُحُومَهُمَا إِلَّا مَا حَمَلَتْ ظُهُورُهُمَا أَوْ الْحَوَايَا أَوْ مَا اخْتَلَطَ بِعَظْمٍ ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِبَغْيِهِمْ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ ﴿١٤٦﴾ فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ رَبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ ﴿١٤٧﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:
درس: ای پیامبر! رسالت خویش را با جدیت پیگیر، از الطاف الهی بهره مند خواهی شد.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:
درب: ای پیامبر! با این مشکلات فکری و عملی که مخالفات دچارش هستید اینطور برخورد کن، و ای مردم! از احکامی که خداوند مقرر نموده، پیروی کنید و احکام باطل بی‌ماخذی را که به آن عادت کرده‌اید رها کنید.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

وَجَعَلُوا لِلَّهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَالْأَنْعَامِ نَصِيبًا فَقَالُوا هَذَا لِلَّهِ بِرِغْبِهِمْ وَهَذَا لَشُرْكَائِنَا فَمَا كَانَ لِشُرْكَائِهِمْ فَلَا يَصِلُ إِلَى اللَّهِ وَمَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ يَصِلُ إِلَى شُرْكَائِهِمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿١٣٦﴾
ریز درب: ای کافران! این احکام من در آری بی‌ماخذ صحیح را رها کنید

۲

وَكَذَلِكَ زَيَّنَ لِكَثِيرٍ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ قَتْلَ أَوْلَادِهِمْ شُرَكَائِهِمْ لِيُذْهِبُوا عَنْهُمْ وَلِيَلْبِسُوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا فَعَلُوا فَعَدَّوْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ ﴿١٣٧﴾

ریز درب: ای کافران! این احکام من در آری بی ماخذِ صحیح را رها کنید

۳

وَقَالُوا هَذِهِ أَنْعَامٌ وَحَرْثٌ حِجْرٌ لَا يَطْعَمُهَا إِلَّا مَنْ نَشَاءُ بِزَعْمِهِمْ وَأَنْعَامٌ حُرِّمَتْ طَهُورُهَا وَأَنْعَامٌ لَا يَذْكُرُونَ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا افْتِرَاءٌ عَلَيْهِ سَيَجْزِيهِمْ بِمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿١٣٨﴾ وَقَالُوا مَا فِي بُطُونِ هَذِهِ الْأَنْعَامِ خَالِصَةٌ لِّذُكُورِنَا وَحَرِّمَ عَلَى أَزْوَاجِنَا وَإِنْ يَكُن مِّمَّنَّاهُمْ فَبِهِمْ شُرَكَاءُ سَيَجْزِيهِمْ وَصْفُهُمْ إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ﴿١٣٩﴾

ریز درب: ای کافران! این احکام من در آری بی ماخذ شناخته شده را رها کنید

۴

قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَحَرَّمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ ﴿١٤٠﴾

ریز درب: ای کافران! این احکام من در آری بی ماخذ را رها کنید

۵

وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَّعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكُلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالرَّيْحَانُ مُمْتَشِجَاتٍ وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ﴿١٤١﴾

ریز درب: ای مردم! از احکام خداوندگارتان پیروی کنید

۶

وَمِنَ الْأَنْعَامِ حَمُولَةٌ وَفَرَسَاتٌ كُلُوا بِمَا رَزَقَكُمُ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿١٤٢﴾ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ مِنَ الضَّأْنِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْمَعْزِ اثْنَيْنِ قُلِ الذَّكْرَيْنِ حَرَّمَ أَمِ الْأُنثَيَيْنِ أَمَّا

اَشْتَمَلْتُ عَلَيْهِ اَرْحَامُ الْاَنْفِيَيْنِ نَبُؤُونِي بِعِلْمٍ اِنْ كُنْتُمْ صَادِقِيْنَ ﴿١٤٣﴾ وَمَنْ الْاِثْنَيْنِ وَمَنْ الْبَقْرِ اِثْنَيْنِ فُلَ الدَّكْرَيْنِ حَرَمٌ اَمْ الْاَنْفِيَيْنِ اَمَّا اَشْتَمَلْتُ عَلَيْهِ اَرْحَامُ الْاَنْفِيَيْنِ اَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءِ اِذْ وَصَّاكُمُ اللّٰهُ بِهٰذَا فَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرٰى عَلَى اللّٰهِ كَذِبًا لِّيُضِلَّ النَّاسَ يَغْيِرْ عِلْمُ اِنَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظّٰلِمِيْنَ ﴿١٤٤﴾

ریز درب: ای کافران! این احکام من در آری بی ماخذ را رها کنید

۷

قُلْ لَّا اُجِدُ فِيْ مَا اُوْحِيَ اِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ اِلَّا اَنْ يَكُوْنَ مِنْتَهُ اَوْ دَمًا مَّسْفُوْحًا اَوْ حَمًّا خَنِيزٍ فَانَّهُ رَجَسٌ اَوْ فِسْقًا اُهْلًا لِّغَيْرِ اللّٰهِ بِهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَاِنَّ رَبَّكَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿١٤٥﴾ وَعَلَى الَّذِيْنَ هَادُوْا حَرَمُنَا كُلَّ ذِي طُفْرٍ وَمِنَ الْبَقَرِ وَالْغَنَمِ حَرَمُنَا عَلَيْهِمْ شَحُوْمُهُمَا اِلَّا مَا حَمَلَتْ طَهُوْرُهُمَا اَوْ الْخَوَايَا اَوْ مَا اخْتَلَطَ بِعَظْمٍ ذٰلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِبَغْيِهِمْ وَاِنَّا لَصَادِقُوْنَ ﴿١٤٦﴾ فَاِنْ كَذَّبُوْكَ فَقُلْ رَّبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَّاسِعَةٍ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِيْنَ ﴿١٤٧﴾

ریز درب: ای مردم! از احکام خداوندگارتان پیروی کنید

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبَّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳ - از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ می فرماید: ای پیامبر! توجه مردم را در درجه اول به آفرینش‌های الهی و در درجه دوم به علم مطلق او جلب کن و رفتارهای لجوجانه مخالفت آمیز سران کفار یکی از موانع اصلی کارت است که همیشه باید آن را در معادلات در نظر داشته باشی.

در پاراگراف ۲ می فرماید: ای پیامبر! برای همه تشریح کن که این کافران با این رفتارهای لجبازانه شان دارند چه ضرر عظیمی به خویش میزنند و خود را به چه مهلکه ای می اندازند و بر مشکلات رسالت صبوری کن، یاری ما خواهد رسید.

در پاراگراف ۳ می فرماید: ای پیامبر! توجه این کفار را به خطری که خود را در معرض آن قرار داده اند جلب کن، مبدا اینطور باشد که غافل باشند و ناگهان به عذاب دستجمعی گرفتار شوند و فعلا باب گفتگو با این کفار را باز نگهدار و ضمنا موقعیت خودت را نیز برای آنان بازهم یادآوری کن (تا این ایام بگذرد) و ضمنا قدرشناسی ات را نسبت به پیروانت عیان کن.

در پاراگراف ۴ می فرماید: ای پیامبر! کماکان باب گفتگو را با این کفار باز نگهدار و بر مواضع اعتقادی خودت نیز کماکان پا فشاری کن.

در پاراگراف ۵ می فرماید: ای پیامبر! قبل از تو نیز پیامبرانی بوده اند و آنها نیز مشکلاتی داشته اند اما حوصله کردند و پایداری ورزیدند و لذا سزاواری کمک ما را یافتند و در همین دنیا نیز علاوه بر پیروزی و موفقیت به نعمتهای مهمی نیز رسیدند.

در این پاراگراف ۶ می فرماید: ای پیامبر! غیر از مشرکان که مشکل فعلی تو بنظر میرسد یکی دیگر از مشکلات یهودیان خواهند بود (که در وقتش با آنها نیز باید بطور پسندیده ای درگیر شوی) همان کسانی که برای کفرشان و افترا به خداوند و گناهان بزرگ نکوهش شده اند.

در پاراگراف ۷ می فرماید: ای پیامبر! خداوند و آیات و صفات و افعالش را بطور شایسته ای به این مردم معرفی کن، و ای مسلمانان! از کارهای اشخاص جاهل، که دشنام دادن یک نمونه آن است، دوری کنید، و ای پیامبر! این کفار غیر منطقی و لجباز هستند و دائما معجزه میخواهند، مگر این قرآن معجزه نیست؟ لذا با استواری کار اصلی خودت را پیگیری باش.

در پاراگراف ۸ می فرماید: ای مردم! از رسول خدا پیروی کنید و به زندگی پاکیزه (به خصوص در مورد غذایان) گرایش یابید، و کافران از گمراهی خویش خبر ندارند و در عین حال تصور میکنند خیلی هم کارشان درست است، و ای مردم! قیامت و آخرت نه تنها عاقبت

حتمی تان است، بلکه زندگی تان در آن مرحله، باتوجه به نوع و کیفیت اعمال فعلی تان بسیارمتنوع خواهد بود (حال خود دانید)

در این پاراگراف می فرماید: این مشرکان هیچ چیزشان درست نیست، آن از عقاید غلطشان، این از لجبازی شان، این هم از احکام «من در آری» شان! و آنها بهتر است بجای آن احکام نامعقول عجیب و غریب این رفتار های معقول و پسندیده را درپیش گیرند و یهودیان نیز در برخی از این حوزه ها با آنان شبیه اند.

۴ - سوالات

۱ - حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ (نکوهش نرم اعمال و رفتارهای مشرکان؟ یا...؟)

۲ - فاعل فعل «زین» (آیه ۱۳۷) کیست؟

۳ - اگر جوابتان برای سوال فوق «شرکاوهم» (همان آیه) باشد، بیان کنید فعل مذکور طی چه مکانیزمی صورت پذیرفته است.

۴ - منظور از «شرکاء» (همان آیه) چیست؟ (چیزها یا کسانی که آنان شرکاء خداوند تصور می نمودند؟ یا...؟)

۵ - اگر جواب اول را می پسندید، بگوئید این نوع سخن گفتن از چه نوعی است؟ (مطابق بازبان و فرهنگ مخاطب سخن گفتن؟ یا...؟)

۶ - «أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ وَصَّاكُمُ اللَّهُ بِهَذَا» (آیه ۱۴۴) چه نوعی از سخن گفتن است؟ (طنز؟ یا...؟)

۷ - منظور از «ازواج» (آیه ۱۴۳) چیست؟

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیات ۱۳۶ تا ۱۴۰ و ۱۴۳ تا ۱۴۷ چنین فهمیده میشود که رسم و رسوم و به اصلاح «احکام» مشرکان در آن روزها مقادیری مطالب «من در آری» و غیر منطقی و بعضا بسیار خشن و دلخراش و مخالف فطرت بود که در آیات مذکور به برخی از آنها

اشاره شده است.

از آیه های ۱۴۱ و ۱۴۲ فهمیده میشود برعکس تصور غالب و رایج، مرفهین آن روزها ثروتمند و متمکن بوده اند.

۶ - در این پاراگراف، کدام فقرات، فوق ذهنیات معاصران نزول است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

در آیه های ۱۴۲ به موجوداتی اشاره شده که معهود ما بشر قرن حاضر هم نیست، چه رسد به مشافهین ۱۴۰۰ سال قبل!

۷ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریباً تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر! اینان از آنچه که از کشت و زرع و حیوانات بدست می آورند برای خدا نصیبی قرار میدهند و به خیال خودشان می گویند این برای خدا باشد و این هم برای شریکانی که برای خدا قائل شده ایم. اما آنچه که مال شرکاء است به خدا نمیرسد ولی آنچه که مال خداست به شرکاء میرسد. چه بد حکم می کنند (۱۳۶) و چنین است که برای بسیاری از مشرکان، شرکائی که برای خدا قائل شده اند، قتل اولادشان را زینت داده اند تا هلاکشان کنند و دینشان را بر آنان مشتبه نمایند و اگر خدا می خواست مانع آنها از این کار میشد، پس تو نیز آنها را با افترائی که به خدا میزنند واگذار (۱۳۷) و به خیال خویش می گویند این چارپایان و کشت و زرع فُرُق است و هیچ کس از آن نمیخورد مگر اینکه ما خواهیم و همچنین است چارپایانی که پشت هایشان را برای سواری حرام میکنند و چارپایانی که اسم خدا را هنگام ذبح بر آنها نمیبرند. همه اینها افترائی است بر

خداوند، بزودی سزای آنها را برای افترایشان می‌دهیم (۱۳۸) و میگویند آنچه در شکم این چارپایان است خاص پسرانمان و مردانمان است و بر زنان حرام است اما اگر مرده به دنیا آمده باشد همه آنان در آن شریکند. بزودی خداوند سزای وصفشان را می‌دهد که او پر حکمت داناست (۱۳۹) البته آنان که اولادشان را از روی سفاقت و بدون علم میکشند، و آنچه که خداوند روزیشان کرده به علت افترا به خداوند حرام می‌کنند، زیان کرده و گمراه شده‌اند و هدایت یافته نمی‌باشند (۱۴۰)

هموست که باغهایی دارای داربست و بی داربست بوجود آورد و نخل‌ها و کشت‌ها را که خورش آنها متفاوت است، و زیتون و انار را چه مشابه و چه نامشابه باشند آفریده، از میوه‌اش هنگامیکه به بار آید بخورید و حقش را روز برداشت بدهید و اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست ندارد (۱۴۱) و از چارپایان چه باربر و بزرگ و چه کوچک باشند، از آنچه خداوند روزیتان کرده، بخورید و از گام‌های شیطان پیروی مکنید که او برایتان دشمنی آشکار است (۱۴۲)

اینان راجع به هشت گروه از نر و ماده احکامی وضع کرده‌اند. از گوسفند دوتا. و از بز دو تا. بگو آیا دو نر را حرام کرده یا دو ماده را یا آنچه را که در رحم دو ماده هست؟ بگو از روی علم خبرم دهید اگر راست می‌گویید (۱۴۳) و از شتر دو تا و از گاو دو تا. بگو آیا دو نر را حرام کرده یا دو ماده را، یا آنچه را که در رحم دو ماده هست؟ مگر شما آن هنگام که خداوند به این تقسیم‌بندی سفارش میکرد حاضر بودید؟ پس چه کسی ظالم تراست از کسی که به خداوند افترای دروغ‌بندد تا مردم را بدون علم گمراه کند؟ البته خداوند قوم ظالمان را هدایت نمی‌کند (۱۴۴)

ای پیامبر! بگو در آنچه به من وحی شده چیزی را که خورنده می‌خورد حرام نمی‌

یابیم مگر آنکه مرداری باشد، یا خون ریخته شده، یا گوشت خوک که پلید است، یا اینکه از روی نا فرمانی بنام غیر خدا ذبح شده باشد، تازه اگر کسی ناچار شود، نه اینکه تجاوز و افراط کند، و از همانها هم بخورد، البته پروردگارت آمرزگار مهربان خواهد بود (۱۴۵) و بر یهودیان حرام کردیم هر ناخنداری را، و از گاو و گوسفند نیز پیه را بر آنان حرام کردیم. جز آنچه بر پشتشان یا روده های آنها باشد، یا به استخوان پیوسته باشد و این تحریم برای آن سرکشی بود که میکردند و البته راستگوییم (۱۴۶) پس اگر تکذیب کردند بگو پروردگارتان صاحب مهربانی گسترده است اما عذاب او از قوم گناهکار دفع نخواهد شد (۱۴۷)

انعام ١٠ آيات ١٤٨ تا ١٦٥

سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكْنَا وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَمْنَا مِنْ شَيْءٍ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ حَتَّى ذَاقُوا بَأْسَنَا قُلْ هَلْ عِنْدَكُمْ مِنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَخْرُصُونَ ﴿١٤٨﴾ قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿١٤٩﴾ قُلْ هَلَمْ شَهِدَاكُمْ الَّذِينَ يَشْهَدُونَ أَنَّ اللَّهَ حَرَّمَ هَذَا فَإِنْ شَهِدُوا فَلَا تَشْهَدُ مَعَهُمْ وَلَا تَتَّبِعِ أَهْوَاءَ الَّذِينَ كَذَبُوا بآيَاتِنَا وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَهُمْ بِرَبِّهِمْ يَغْدِلُونَ ﴿١٥٠﴾ قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿١٥١﴾ وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّى يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْكَيْلِ وَالْمِيزَانِ بِالْقِسْطِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿١٥٢﴾ وَأَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿١٥٣﴾ ثُمَّ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ تَمَامًا عَلَى الَّذِي أَحْسَنَ وَتَفْصِيلًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَعَلَّهُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ ﴿١٥٤﴾ وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿١٥٥﴾ أَنْ تَقُولُوا لَوْ أَنَّا أُنْزِلَ عَلَيْنَا الْكِتَابُ عَلَى طَائِفَتَيْنِ مِنْ قَبْلِنَا وَإِنْ كُنَّا عَنْ دِرَاسَتِهِمْ لَغَافِلِينَ ﴿١٥٦﴾ أَوْ تَقُولُوا لَوْ أَنَّا أُنْزِلَ عَلَيْنَا الْكِتَابُ لَكُنَّا أَهْدَىٰ مِنْهُمْ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ فَمَنْ أَظْلَمُ مِنْ قَوْمٍ كَذَّبَ بآيَاتِ اللَّهِ وَصَدَفَ عَنْهَا سَنَجْزِي الَّذِينَ يَصْدِفُونَ عَنْ آيَاتِنَا سُوءَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يَصْدِفُونَ ﴿١٥٧﴾ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا قُلْ انتظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ ﴿١٥٨﴾ إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيْعًا لَسْتُ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿١٥٩﴾ مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يَجْزِي إِلَّا مِثْلُهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿١٦٠﴾ قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

دِينًا قِيمًا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٦١﴾ قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٦٢﴾ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ ﴿١٦٣﴾ قُلْ أَغْنَى اللَّهُ أَتْبَغِي رَبًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُم مَّرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿١٦٤﴾ وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٦٥﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:
درس: ای پیامبر! رسالت خویش را با جدیت پیگیری، از الطاف الهی بهره مند خواهی شد.

برآیند درسی فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:
درب: ای پیامبر! این احکام را اعلام کن و اینک که حجت بر قومت تمام شده، صف خویش را از اهل کتاب جدا کن و باز هم مواضع خویش را به وضوح اعلام کن.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكْنَا وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَمْنَا مِن شَيْءٍ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ حَتَّىٰ ذُاقُوا بَأْسَنَا قُلْ هَلْ عِنْدَكُمْ مِّنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ أَنتُمْ

إِلَّا تَخْرُصُونَ ﴿١٤٨﴾ قُلْ لِلَّهِ الْحُجَّةُ النَّبَالُغَةُ فَلَوْ شَاءَ هَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿١٤٩﴾ قُلْ هَلُمَّ شُهَدَاءَكُمْ الَّذِينَ يَشْهَدُونَ أَنَّ اللَّهَ حَرَّمَ هَذَا فَإِنْ شَهِدُوا فَلَا تَشْهَدُ مَعَهُمْ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَهُمْ بِرَحْمَتِنَا يَغْدِلُونَ ﴿١٥٠﴾

ریزدرب : ای پیامبر! این کفار بهانه گیری میکنند، تو فقط سخنان مستدل بگو.

۲

قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّيَ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ تَحْنُ تَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرُبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿١٥١﴾ وَلَا تَقْرُبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّى يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْكَيْلِ وَالْمِيزَانِ بِالْقِسْطِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿١٥٢﴾

ریزدرب : ای پیامبر! برای اتمام حجت احکام اصلی را برای آنان بازگو.

۳

وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿١٥٣﴾ ثُمَّ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ تَمَامًا عَلَى الَّذِي أَحْسَنَ وَتَفْصِيلًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَّعَلَّهُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ ﴿١٥٤﴾ وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿١٥٥﴾ أَنْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَنْزَلَ الْكِتَابَ عَلَى طَائِفَتَيْنِ مِنْ قَبْلِنَا وَإِنْ كُنَّا عَنْ دِرَاسَتِهِمْ لَغَافِلِينَ ﴿١٥٦﴾ أَوْ تَقُولُوا لَوْ أَنَّا أَنْزَلْ عَلَيْنَا الْكِتَابُ لَكُنَّا أَهْدَىٰ مِنْهُمْ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَصَدَفَ عَنْهَا سَنَجْزِي الَّذِينَ يَصْدِفُونَ عَنْ آيَاتِنَا سُوءَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يَصْدِفُونَ ﴿١٥٧﴾ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انتظروا إِنَّا مُنتظرون ﴿١٥٨﴾

ریزدرب: ای پیامبر! در مقابل بهانه گیری آنها از غضب الهی بترسانشان.

۴

إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا لَسْتُ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿١٥٩﴾ مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿١٦٠﴾

ریزدرب: ای پیامبر! توجه خویش را روی پیروانت متمرکز و آنها را برانگیز.

۵

قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيمًا مِثْلَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٦١﴾ قُلْ إِنْ صَلَّيْتُ وَنُسَكِي وَنَحْيَايَ وَمَا يَكُنِي اللَّهُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٦٢﴾ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ ﴿١٦٣﴾ قُلْ أَغَيَّرَ اللَّهُ أَبْعِي رَبًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿١٦٤﴾

ریزدرب: ای پیامبر! بازهم مواضع خویش را برای همگان بطور شفاف اعلام کن.

۶

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٦٥﴾

ریزدرب: ای مردم! فراموش نکنید که برای امتحان در این جهان هستید.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقا با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبَّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقا می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ می فرماید: ای پیامبر! توجه مردم را در درجه اول به آفرینش های الهی و در درجه دوم به علم مطلق او جلب کن و رفتارهای لجوجانه مخالفت آمیز سران کفار یکی از موانع اصلی کارت است که همیشه باید آن را در معادلات در نظر داشته باشی.

در پاراگراف ۲ می فرماید: ای پیامبر! برای همه تشریح کن که این کافران با این رفتارهای لجبازانه شان دارند چه ضرر عظیمی به خویش میزنند و خود رابه چه مهلکه ای می اندازند و بر مشکلات رسالت صبری کن، یاری ما خواهد رسید.

در پاراگراف ۳ می فرماید: ای پیامبر! توجه این کفار را به خطری که خود را در معرض آن قرار داده اند جلب کن، مبدا اینطور باشد که غافل باشند و ناگهان به عذاب دستجمعی گرفتار شوند و فعلا باب گفتگو با این کفار را باز نگهدار و ضمنا موقعیت خودت را نیز برای آنان بازهم یادآوری کن (تا این ایام بگذرد) و ضمنا قدرشناسی ات را نسبت به پیروانت عیان کن.

در پاراگراف ۴ می فرماید: ای پیامبر! کماکان باب گفتگو را با این کفار باز نگهدار و بر مواضع اعتقادی خودت نیز کماکان پا فشاری کن.

در پاراگراف ۵ می فرماید: ای پیامبر! قبل از تو نیز پیامبرانی بوده اند و آنها نیز مشکلاتی داشته اند اما حوصله کردند و پایداری ورزیدند و لذا سزاواری کمک ما را یافتند و در همین دنیا نیز علاوه بر پیروزی و موفقیت به نعمتهای مهمی نیز رسیدند.

در این پاراگراف ۶ می فرماید: ای پیامبر! غیر از مشرکان که مشکل فعلی تو بنظر میرسد یکی

دیگر از مشکلات یهودیان خواهند بود (که در وقتش با آنها نیز باید بطور پسنیده ای درگیر شوی) همان کسانی که برای کفرشان و افترا به خداوند و گناهان بزرگ نکوهش شده اند. در پاراگراف ۷ می فرماید: ای پیامبر! خداوند و آیات و صفات و افعالش را بطور شایسته ای به این مردم معرفی کن، و ای مسلمانان! از کارهای اشخاص جاهل، که دشنام دادن یک نمونه آن است، دوری کنید، و ای پیامبر! این کفار غیر منطقی و لجباز هستند و دائماً معجزه می خواهند، مگر این قرآن معجزه نیست؟ لذا با استواری کار اصلی خودت را پیگیری باش. در پاراگراف ۸ می فرماید: ای مردم! از رسول خدا پیروی کنید و به زندگی پاکیزه (به خصوص در مورد غذایان) گرایش یابید، و کافران از گمراهی خویش خبر ندارند و در عین حال تصور میکنند خیلی هم کارشان درست است، و ای مردم! قیامت و آخرت نه تنها عاقبت حتمی تان است، بلکه زندگی تان در آن مرحله، باتوجه به نوع و کیفیت اعمال فعلی تان بسیار متنوع خواهد بود (حال خود دانید)

در پاراگراف ۹ می فرماید: این مشرکان هیچ چیزشان درست نیست، آن از عقاید غلطشان، این از لجبازی شان، این هم از احکام «من در آری» شان! و آنها بهتر است بجای آن احکام نامعقول عجیب و غریب این رفتارهای معقول و پسنیده را درپیش گیرند و یهودیان نیز در برخی از این حوزه ها با یهودیان شبیه اند.

در این پاراگراف می فرماید: ای پیامبر! اینک در موقعیتی هستی که می توانی آینده مطلوب را نزدیک ببینی و لذا برای امادگی عمومی، اساسی ترین قوانین را برای عموم مردم اعلام کن، و دینی که همه باید حول آن گرد آیند، و هیچ گونه جدائی از آن مقبول نیست، مندرجات این قرآن است. و به عنوان الگوی پیروان، عقاید خویش و همچنین راه و روش زندگی خویش را به وضوح اعلام کن تا هر که خواهد پا جای پای تو بگذارد.

۴ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیه ۱۴۸ فهمیده میشود که فعالان کفر که اینک کاملاً از لحاظ منطقی و استدلالی کم آورده بودند این استدلال را دست آویز قرار داده بودند که اگر هم ما بقول شما گمراه هستیم تقصیری نداریم زیرا خدا اینطور خواسته است.

از آیات ۱۵۰ تا ۱۵۳ معلوم میشود اردوگاه اسلام به حدی از بزرگی رسیده بود که نیاز به نوعی «قانون اساسی» داشت و نگاهی به آن نشان میدهد کاملاً متین و معقول و منطقی و پذیرفتنی است.

از آیه های ۱۵۶ و ۱۵۷، با توجه به اینکه در ابتدای آیه ۱۵۴ به تورات اشاره نموده، معلوم میشود فعالان کفر قرآن را به اینکه کتابی لااقل در حد تورات و انجیل باشد، قبول نداشتند.

از آیه ۱۵۹ فهمیده میشود حتی در زمان معاصر نزول این آیات نیز برخی از مسلمانان عقایدی ابراز میکردند و گرایشاتی پیدا کرده بودند که زمینه بروز تفرقه در صفوف مسلمانان میشد.

۵- زاویه با تفاسیر رایج

۱ (آیه ۱۶۵) : (المیزان) : " وَ هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ ... " " خلائف " جمع " خلیفه " است. و معنای آیه این است که: او کسی است که بعضی از شما را جانشین بعضی دیگر نموده و نسلی از شما پس از نسلی در زمین به وجود می آورد. و یا معنایش این است که: شما را در زمین خلیفه خود قرار داده، و معنای " خلیفه " در تفسیر آیه " إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً " «۲» در جلد اول این کتاب گذشت، و معنای آیه مورد بحث از بیانی که گذشت روشن می شود. نکته ای که باقی مانده این است که خداوند این سوره را با ذکر رحمت و مغفرت خود ختم فرموده است.

چنانکه دیده میشود المیزان آیه مذکور را در مفهومی که در داستان آفرینش بکار رفته می بیند، در حالیکه در اینجا کلمه خلائف به معنی لغوی بکار رفته، درست به همان معنایی که قبلاً در آیه ۱۳۳ همین سوره بکار رفته بود (آنجا که میفرماید ان یشاء یذهبکم و یستخلف من بعدکم ما یشاء .).

۶- در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه ۱۶۰ «قیامتی» است، و هیچ بنی بشری تجربه اش را ندارد، و قبل از قیامت نخواهد داشت، لذا، چه در آن روزهای نزول وحی و چه الی یوم القیامه بالاتر از ذهنیات بشر خواهد بود. همچنین است آیه ۱۶۴.
در آیه های ۱۵۸ به موجوداتی اشاره شده که معهود ما بشر قرن حاضر هم نیست، چه رسد به مشافهین ۱۴۰۰ سال قبل!

۷- کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها، تقریباً اکثریت قریب به اتفاق عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلمه «ثم» در ابتدای آیه ۱۵۴ به چه اشاره دارد؟

شبهه همین دو آیه ۱۵۴ و ۱۵۵ را چند پاراگراف قبل (آیه های ۹۱ و ۹۲) داشتیم. بین این دو پاراگراف ۶۲ آیه فاصله است و این «ثم» اشاره به آنجا دارد (به عبارت دیگر کل پاراگراف های بین این دو «پرانتری» بوده و این سوره از این لحاظ شبهه سوره نوح است اما سوره نوح کم حجم است و شخص، تقریباً میشود گفت که فوراً، متوجه میشود، اما این سوره بلند است، و توجه آسان نیست.

ترجمه تفسیری آزاد

بزودی مشرکان خواهند گفت اگر خدا میخواست نه ما و نه پدرانمان شرک نمی ورزیدیم، و چیزی را هم حرام نمیکردیم. تکذیبگران پیشین آنها نیز چنین تکذیب کردند تا اینکه عذاب ما را چشیدند. بگو آیا هیچ علمی نزدتان هست که برایمان ارائه کنید؟ جز این نیست که جز گمان را پیروی نمی کنید و جز به تخمین سخن نمیگویید (۱۴۸) بگو دلیل رسا خاص خداست، پس اگر میخواست حتما همگی

تان را هدایت میکرد (۱۴۹) بگو آن گواهانتان را که شهادت میدهند که خداوند اینها را حرام کرده بیاورید. پس ای پیامبر! اگر کسانی شهادت دادند تو با آنها مباش و از هوای نفس کسانی که آیاتمان را تکذیب میکنند و نیز از کسانی که به آخرت ایمان ندارند و برای پروردگارشان همتا قرار میدهند پیروی مکن (۱۵۰)

بگو ببایید آنچه را که پروردگارتان بر شما حرام کرده برایتان تلاوت کنم: چیزی را با او شریک میگیرید و به والدین احسان کنید و فرزندانان را از تنگدستی مکشید که ما به شما و آنها روزی میدهیم و به کارهای زشت چه آشکار و چه پنهان نزدیک نشوید و هیچ کسی را که خداوند کشتن او را حرام کرده، مگر به حق، نکشید. این چیزی است که به آن توصیه کرده شاید تعقل پیشه کنید (۱۵۱) و به مال یتیم نزدیک نشوید مگر به وجهی که برای یتیم بهتر است. تا اینکه به رشد و قوت خویش برسد و پیمان و ترازو را بطور کامل به عدالت ادا کنید. البته هیچ کس جز به قدر وسعش تکلیف نمیشود. و اگر سخن میگوئید به عدالت گوئید و لو اینکه درباره خویشاوند باشد و به عهد خداوند وفا کنید. این است چیزهائی که به آن توصیه تان کرده. شاید پند گیرید (۱۵۲) و اینکه این جاده ام مستقیم است. پیرویش کنید و راه های دیگر را پیروی مکنید تا شما را از راه او متفرق نکنند. این است آنچه که شما را به آن توصیه کرده شاید تقوا پیشه کنید (۱۵۳)

و به موسی آن کتاب را که همه ضرویات در آن بطور تمام ذکر شده بود را دادیم و همه چیز لازم را در آن به تفصیل ذکر کردیم و برای کسانی که به ملاقات پروردگارشان ایمان داشتند مایه هدایت و رحمت بود (۱۵۴) و این قرآن نیز کتابی است پر برکت که فرستادیم. پس، از آن پیروی کنید و تقوا پیشه نمائید شاید رحمت شوید (۱۵۵) تا مبدا که بگوئید که کتاب فقط بر دو طائفه پیش از ما نازل

شده و ما از آموختن درسهای آن غافل بودیم (۱۵۶) یا اینکه بگوئید اگر کتاب بر ما نازل می شد حتما از آنها هدایت یافته تر می شدیم. براستی دلیلی از جانب پروردگارتان بسویتان آمده که هدایتی و رحمتی است. پس چه کسی ظالم تر است از کسی که آیات خداوند را تکذیب کند و از آن روی بگرداند. بزودی کسانی که از آیاتمان روی می گردانند برای رویگردانی شان عذاب بسیار بد خواهند داشت (۱۵۷) آیا انتظار دارند ملائکه بسویشان بیایند؟ یا اینکه پروردگارت؟ یا اینکه بعضی از آیات پروردگارت؟ روزی که بعضی از آیات پروردگارت بیاید ایمان کسی که قبلا ایمان نیاورده یا از ایمانش فایده ای نبرده سودی بحالش نخواهد داشت. بگو منتظر باشید که ما نیزمنتظریم (۱۵۸)

ای پیامبر! البته تو را با آنانکه دینشان را فرقه فرقه کرده وگروه گروه شدند کاری نیست، کار آنان فقط با خداست. سپس خبر آنچه را که انجام میدادند به آنها میدهد (۱۵۹) هر کس که کار نیکی کند ده برابر آن پاداش خواهد داشت و کسی که کار زشتی کند فقط سزای همان را خواهد دید و هیچ ظلمی به آنان نمی شود (۱۶۰) بگو البته پروردگارم بسوی جاده ای مستقیم هدایت کرده است. دینی استوار، دین ابراهیم معتدل، که از مشرکان نبود (۱۶۱) بگو البته نماز و عبادتم و زندگی و مرگم برای خداوند پروردگار جهانیان است (۱۶۲) که شریک ندارد و من مأمور به آنم و خودم اولین مسلمانم (۱۶۳) بگو آیا غیر از خداوند پروردگاری بجویم؟ در حالیکه او پروردگار همه چیز است؟ و هیچ کسی هیچ چیز بدی کسب نمی کند مگر اینکه علیه خود اوست؟ و هیچ باربری بار دیگری را برنمیدارد؟ آنگاه بازگشتگاهتان بسوی پروردگارتان است؟ و بگو همو خبر آنچه را که در آن اختلاف می کردید به شما میدهد (۱۶۴)

هموست که شما را جانشینان روی زمین قرار داد. و بعضی را به بعضی به درجاتی

برتری داد. تا شما را در آنچه به شما داده بیازماید. البته پروردگار تند کیفر است و
البته همو آمرزشگر مهربان است (۱۶۵)

سوره اعراف

﴿ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾

المص ﴿١﴾ كِتَابٌ أَنْزَلَ إِلَيْكَ فَلَا يَكُنْ فِي صَدْرِكَ حَرَجٌ مِنْهُ لِنَذِيرٍ بِهِ وَذَكَرَى لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٢﴾ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ ﴿٣﴾ وَكَمْ مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا فَجَاءَهَا بَأْسُنَا بَيَاتًا أَوْ هُمْ قَائِلُونَ ﴿٤﴾ فَمَا كَانَ دَعْوَاهُمْ إِذْ جَاءَهُمْ إِلَّا أَن قَالُوا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿٥﴾ فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ ﴿٦﴾ فَلَنَقْصُصَ عَلَيْهِمْ يَعْلَمُ وَمَا كُنَّا غَائِبِينَ ﴿٧﴾ وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ فَمَن ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٨﴾ وَمَن خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَظْلِمُونَ ﴿٩﴾ وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُم فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ ﴿١٠﴾ وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُن مِّن السَّاجِدِينَ ﴿١١﴾ قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ ﴿١٢﴾ قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَن تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ ﴿١٣﴾ قَالَ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿١٤﴾ قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ ﴿١٥﴾ قَالَ فَبِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿١٦﴾ ثُمَّ لَا تَجِدُ فِيهِمْ مِّن بَيْن أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ ﴿١٧﴾ قَالَ اخْرُجْ مِنْهَا مَذْذُومًا مَّدْحُورًا لَّمَن تَبِعَكَ مِنْهُمْ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿١٨﴾ وَيَا آدَمُ اسْكُنْ أَنتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿١٩﴾ فَوَسَّوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِن سَوْآتِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَن تَكُونَا مَلَكَتَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ ﴿٢٠﴾ وَقَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لِمِنَ النَّاصِحِينَ ﴿٢١﴾ فَدَلَّاهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِن وَرَقِ الْجَنَّةِ وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَهْكُمَا عَنْ تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَأَقُل لَّكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿٢٢﴾ قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ

الْحَاسِرِينَ ﴿٢٣﴾ قَالَ اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ ﴿٢٤﴾ قَالَ فِيهَا تَحْيَوْنَ وَفِيهَا تَمُوتُونَ وَمِنْهَا تُخْرَجُونَ ﴿٢٥﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره)، برای کل ۱۱۴ سوره قرآن، در کتاب «خودآموز تفسیر قرآن» (از همین قلم) وجود دارد، و خود کتاب مذکور را میتوانید در سایت (<https://tafsir.ganjei.com>) بیابید، و البته مبانی این موضوع نیز در ۱۶۰ صفحه اول کتاب «علوم قرآنی» (موجود در همان سایت) شرح داده شده است. و در مورد این سوره، عصاره محتوای همان است که ذیلا دیده میشود.

درس: بی توجهی به خداوند و سرکشی در مقابل پیامبران مایه هلاکت دو جهان است.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: بی توجهی به تعالیم انبیاء مایه هلاکت دو جهان است و عامل مهم بی توجهی به تعالیم انبیاء قبول القائنات شیطانی است.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

المص ﴿١﴾ كِتَابٌ أَنْزَلَ إِلَيْكَ فَلَا يَكُنْ فِي صَدْرِكَ حِزْبٌ مِّنْهُ لَئِنْ دَرَيْتَ بِهِ وَدَّعَرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٢﴾

ریزدرب: ای پیامبر! این قرآن هم برای هشدار دادن به همگان و هم پند دادن به مومنان بسویت فرستاده شده است.

۲

اتَّبِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ ﴿٣﴾ وَكَمْ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا فَجَاءَهَا بَأْسُنَا بَيَاتًا أَوْ هُمْ قَائِلُونَ ﴿٤﴾ فَمَا كَانَ دَعْوَاهُمْ إِذْ جَاءَهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿٥﴾ فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ ﴿٦﴾ فَلَنَقْصُصَ عَلَيْهِمْ بَعْلَهُمْ وَمَا كُنَّا غَائِبِينَ ﴿٧﴾ وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٨﴾ وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَظْلُمُونَ ﴿٩﴾

ریزدرب: ای مردم! مبدا به عاقبت حتمی تان بی توجهی کنید و بیچاره شوید.

۳

وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ ﴿١٠﴾ وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ ﴿١١﴾ قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ ﴿١٢﴾ قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ ﴿١٣﴾ قَالَ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿١٤﴾ قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ ﴿١٥﴾ قَالَ فِيمَا أُغْوِيْتَنِي لِأَفْعِدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿١٦﴾ ثُمَّ لَا تَجِدُ فِيهِمْ مِمَّنْ يَرْبِئُ أَيْدِيَهُمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ ﴿١٧﴾ قَالَ اخْرُجْ مِنْهَا مَذْذُومًا مَدْخُورًا لَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿١٨﴾ وَيَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿١٩﴾ فَوَسَّوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوْآتِهِمَا

وَقَالَ مَا تَهَاكُمَا رُبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ ﴿٢٠﴾
وَقَامَتُهُمَا بَيْنَ يَدَيْ لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ ﴿٢١﴾ فَدَلَّاهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سُوءَاتُهُمَا
وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنهَكُمَا عَنْ تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَأَقُلَّ لَكُمَا إِنَّ
الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿٢٢﴾ قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ
الْخَاسِرِينَ ﴿٢٣﴾ قَالَ اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَى حِينٍ
﴿٢٤﴾ قَالَ فِيهَا تَحْيَوْنَ وَفِيهَا تَمُوتُونَ وَمِنْهَا تُخْرَجُونَ ﴿٢٥﴾

ریزدرب: ای مردم! مقام تان بلند است، مگذارید شیطان سرنگون تان کند.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبَّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳ - سوالات

- ۱- حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ (هشدار به مردم؟ یا...؟)
- ۲ - چرا خداوند در اینجا از ضمیر «ما» (اهلکنا باسنا باسنا نسلن نسلن نقصن کنا آیاتنا) استفاده فرموده؟
- ۳ - با توجه به آیه ۲، ماموریت اصلی قرآن چیست؟
- ۴ - با توجه به آیه ۶، از رسولان چه سوالی خواهد شد؟

۵ - با توجه به آیه ۷، چه چیزهایی برای آنها تعریف خواهد شد؟

۶ - از دو آیه ۸ و ۹ چه سابقه ای در سوره های قبل دارید؟

۴ - زاویه با تفاسیر رایج

(آیه ۲) : (المیزان) : " المص کتابٌ أنزلَ إِلَیکَ فلا یکنُ فی صدْرکَ حرجٌ مِنْهُ لِتُنذِرَ بِهِ وَ ذِکْرُی لِلْمُؤْمِنِینَ " اینکه "کتاب" را در این آیه به طور نکره ذکر کرده و آن را با جمله "بر تو نازل شده" توصیف کرده، و اسمی از نازل کننده آن نبرده به خاطر تعظیم کتاب است. تفریعی هم که در جمله "فلا یکنُ" هست خالی از دلالت بر این معنا نیست، گویا فرموده: این کتاب، کتاب مبارکی است که آیات پروردگارت را که بر تو نازل کرده برایت بیان می کند، بنا بر این اگر مامور به تبلیغ آن و دعوت مردم به سوی آن شده ای دلتنگ مباش، بلی اگر قرآن غیر این کتاب بود و از ناحیه غیر پروردگارت می بود روا بود که از جهت زحمات و محنت هایی که در تبلیغ آن است دلتنگ باشی.

خطای المیزان در اینجا این است که متوجه پرانتزی بودن جمله «فلا یکن فی صدرک حرج» نشده، و جمله مذکور را، «هم سیاق» با قبل و بعدش تصور کرده و لذا آن معنی عجیب را ارائه نموده، در حالیکه اگر چشم خویش را بر آن جمله بیندیم معنی آیه فوراً واضح میشود، و پس از این وضوح، معنی صحیح جمله پرانتزی نیز فوراً واضح میشود.

۵ - آیات برجسته این پاراگراف

آیات ۱۰ تا ۲۵ از آنجا که بسیار موجب استفاده هنرمندان (اعم از خوشنویسان یا تصویرگران) و نیز نویسندگان و فیلسوفان و متکلمین واقع شده در زمره آیات برجسته قرآنی است.

۶ - آیات مشکل

آیات ۱۰ تا ۲۵ (داستان آفرینش) از آنجا از موارد اختلاف شدید مفسران است، جزء آیات مشکل قرآنی است.

۷ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه ۱ از حروف مقطعه است و معانی حروف مقطعه تاکنون به نحوی معقول و مقبول حتی برای بشر امروز نیز معلوم نشده، چه رسد به عرب ۱۴۰۰ سال قبل. آیه ۴ از این لحاظ که حفاری های انجام شده در مورد بقایای انسان هایی که در کتب مقدس از آنها نام رفته و بیش از آن مقدار که در آن منابع ذکر شده تقریباً هیچ چیز دیگری از آنان نمیدانیم، نیز، فوق ذهنیات بشر امروزی است، چه رسد به مخاطبان اولیه.

همچنین است آیه های ۸ و ۹ که هیچکس جزئیات و حد و مرز آنها را نمیداند چه رسد به مخاطبان اولیه.

همچنین است آیات ۱۰ تا ۲۵ که راجع به داستان آفرینش بوده و کاملاً خارج از ذهنیات بشر است و فقط هنرمندان و شاعران و خیالپردازان به آن نزدیک شده اند، و در چنین وضعیتی چگونه ممکن است جزء معهودات عرب ۱۴۰۰ سال قبل بوده باشد.

۸ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

۱ - بی توجهی به تعلیم انبیاء مایه هلاکت دو جهان است

۲ - عامل مهم بی توجهی به تعلیم انبیاء قبول القائنات شیطانی است.

۹ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

در این پاراگراف آیاتی وجود دارد که برخی از فقرات آنها در سوره های قبلی (قبل و بعد نسبت به این سوره و بر اساس جدول ترتیب نزول ما) آمده، اما با تفاوت در لغت و الفاظ، لذا اگر بگوئیم قبلاً نیامده، ناصحیح است، و اگر بگوئیم آمده، باز هم ناصحیح است، لذا در باره این نوع پاراگراف ها (که از این پس بازهم خواهیم دید)

میتوان چنین گفت که از لحاظ محتوا، اکثر مطالب این پاراگراف مسبوق به سابقه است، اما، قسمتی از هر کدام از مطالبش جدید میباشد.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

چند دریافت مستقیم کوتاه

آیه ۲: «مبادا در سینهات تنگی از آن باشد» اشاره به تکذیبها و تمسخرها و سختیهای بار رسالت آنحضرت است.

آیه ۴: حاکی از اطمینان و راحتی خیال کفار است که خود را در معرض فرود عذاب نمی‌دیدند.

آیه ۵: یعنی پیامبران نیز راجع به اینکه رسالت خویش را با چه کیفیتی انجام داده‌اند مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.

باز هم داستان دلکش آفرینش و برگزیدگی

در این پاراگراف، داستان شیرین آدم و همسرش و برگزیدگی او مطرح است.

قبلاً اشاره‌هایی در این خصوص در سوره‌های اسراء، طه، و حجر، دیدیم.

بخصوص آنچه در سوره طه دیدیم بسیار شبیه همین مطالب است و جالب است بدانیم که «درس» هر دو سوره هم شبیه یکدیگر است.

داستان در دو سطح مطرح شده یکی در سطح اتفاقی که در آسمانها افتاده و ملائکه مأمور به سجده به آدم شدند و این در فاز «نرم‌افزاری» است و حالت آیه اول سوره دهر در حال انجام است.

بقیه در سطح اتفاقی است که «در آن باغ» افتاده و آدم و همسرش خطائی کرده و از آن بیرون شده و به «زمین» تبعید شدند.

در این خصوص اشاره‌هایی در سوره‌های قبل داشتیم و در سوره بقره نیز خواهیم

داشت.

«شما» خطاب به کیست؟

در آیه ۱۰ کلمه «شما» به چه کسانی اشاره دارد؟ واضح است در درجه اول مخاطب‌های آن روزهای نازل شدن قرآن و در درجه بعد به همه انسانها چه قبل از ما و چه بعد از ما اشاره دارد، زیرا مقید به قیدی نیست. اما «شما»ی مورد بحث در آیه ۱۱ چطور؟ واضح است که به قرینه «شما»ی مورد بحث در آیه ۱۰، آنهم باید به کل انسانها مربوط باشد.

البته نکته ملحوظ در این آیه این است که این مرحله، همان فاز اول، یعنی «فاز نرم‌افزاری» باشد.

یعنی «استعداد شما» را در «برنامه» آفریدیم. (باز هم توجه کنید به آیه اول سوره دهر) یعنی نرم‌افزار آدم، یعنی استعداد آدم، و پروژه آدم، به ملائکه عرضه شده و از آنها خواسته شده باشد به این فکر، به این پروژه، به این استعداد، و بطور کلی به این نرم‌افزار، سجده کنند (یعنی تعظیم کنند، یعنی همکاری کنند، یعنی در خدمت قرار گیرند) و آنها هم این کار را کرده باشند غیر از ابلیس، و ابلیس هم از آسمانها اخراج شده باشد.

بعداً آن فکر تحقق یافته و آن پروژه کلید خورده و آن «کن» (توجه کنید به انتهای سوره یس و شرح مختصری که عرض کردیم) «یکون» شده و بشرنیز مانند ماهی‌ها و دوزیستان و پستانداران، در روی زمین ظاهر شده، و یکی از میان آنها که لیاقت-های بیشتری داشته، برگزیده شده و ما از نسل او شده و این داستان، روایت این دو مرحله مختلف (نرم‌افزاری و سخت‌افزاری) باشد.

اگر اینطور به موضوع نگاه کنیم تناقض‌ها رفع، و همه مطالب مربوط به موضوع پیدایش آدمیزاد حل می‌شود.

البته در اینجا چند کلمه هم باید معنی شود:

سجده: چنانکه از عبادات ما و نیز رسم و رسوم ملل مختلف بر می آید سجده نهائی-
ترین مراتب نشان دادن احترام و خدمتگزاری است.

ملائکة: چنانکه تاکنون در مواضع مختلف دیده ایم، ملائکه نماد نیروهای کارگزاری در کل جهان آفرینش است. مثلاً باد و باران و گرما و جاذبه عمومی و غیره و غیره، که عامل های جهان آفرینش هستند، ما در قرآن، آنها را بنام ملائکه می شناسیم.

سجده ملائکه بر آدم: سجده ملائکه بر آدم نیز با توجه به دو تعریف فوق به این معنی است که خداوند در آن مرحله نرم افزاری، تمام عوامل و عناصر جهان را از لحاظ نرم افزاری و از لحاظ استعدادی و از لحاظ امکان، در حیطه تصرف و بهره-
برداری آدمی قرار داد.

مثلاً می بینیم آدمی از نیروی باد استفاده می کند و کشتی بادبانی را می راند و از طرف دیگر اگر آنها نخواهد جلویش را می بندد (دیوار می کشد، پنجره و درب می-
بندد) و اگر آن موجود نباشد بوجودش می آورد (مثلاً بوسیله بادبزن و پنکه و کولر و غیره) و حتی از نیروی آن برق می گیرد (توربین های بادی) و علاوه بر اینها از متراکم کردن و پاشاندن آن قدرت ایجاد می کند (پمپ ها، تلمبه ها، موتور ها، هاورکرافت ها، جت ها و غیره).

این فقط یک نمونه از فقط یک عنصر و یک عامل است و هنوز تسلط بشر بر فقط همان یک عنصر هم تکمیل و کامل نشده و خدا می داند آدمی در آینده از فقط همین یک عنصر چه استفاده های عجیبی خواهد نمود.

بقیه مثالها هم همین طور است.

بشر در طول زمان از عناصر و عوامل این جهان بطور دائم التزایدی استفاده بیشتر و بهتری خواهد کرد و سجده ملائکه بر آدم به این معنی است که کل عناصر و عوامل جهان مورد استفاده و بهره برداری این مخلوق (یعنی ماها و فرزندان ماها) قرار گیرند.

ارزیابی مقدار عقل و درجه استحکام استدلال ابلیسی

استدلال ابلیس در آیه ۱۲ استدلال ضعیفی است و نشان از ضعف قدرت منطق او دارد زیرا:

- ۱- از کجا معلوم که آتش از خاک بهتر باشد.
 - ۲- بفرض صحت از کجا معلوم چیزی که ماده اولیه‌اش آتش است از چیزی که ماده اولیه‌اش خاک است بهتر باشد.
 - ۳- بفرض صحت هر دو فرض، نافرمانی خداوند چه توجیهی دارد؟
 - ۴- واقعاً خیلی وقاحت می‌خواهد که کسی خداوند را به اغوای خویش متهم کند. نه تنها خود را از کار زشتی که خودش کرده بیگناه بداند بلکه حتی دیگری را مسئول آن معرفی کرده و تازه آن دیگری هم خداوند باشد! واقعاً برای همه اینها چقدر وقاحت لازم است!
- بطور کلی اشخاص گناهکار و کافر نیز همین روش را دارند یعنی اینکه وقتی مرتکب کار زشتی می‌شوند چنین عنوان می‌کنند که گویا در ارتکاب آن هیچ نقش و مسئولیتی نداشته‌اند بلکه صد در صد نقش و مسئولیت به دیگران مربوط بوده است. اما عمل ابلیس سخنش را باطل می‌کند (و همچنین است راجع به پیروانش) زیرا در آیه ۱۴ مهلت می‌خواهد و در آیه‌های ۱۶ و ۱۷ اعلام می‌کند که برنامه‌ریزی دارد و معلوم می‌شود نه تنها آلت فعل ساده و بلا اراده‌ای نبوده، بلکه تمام امکانات لازم را برای رسیدن به مقاصد ناپسندش در نظر گرفته و تصمیم به استفاده از آنها دارد. بعلاوه اینکه امکانات او نیز مخلوق خداوند است.

«آن باغ» مطرح در آیه ۱۹ کجاست؟

ایراد و اشکال آدم در چه بود؟

این مرحله، شروع «فاز سخت‌افزاری» است، و چنانکه قبلاً در سوره طه دیدیم «باغ» مورد اشاره در سوره طه که در اینجا هم قاعدتاً باید همان باشد در مقابل «زمین» آمده و فرق باغ و زمین چیست جز اینکه باغ زمینی است که درختهای زیادی در آن باشد و چنانکه در سوره طه دیده شد، آن باغ غذا و سایه و آب و گرمای مناسب داشت و از چنین توصیفی هرگز بهشتی در آسمانها به ذهن نمی‌آید بلکه یک قطعه جنگلی در مناطق نیمه حاره به ذهن می‌آید.

قصد قرآن هرگز طرح معما و یا به اشتباه انداختن مخاطب نیست بلکه آنچه مخاطبان اولیه آن روزها از آن می‌فهمیدند ملاک است و مخاطبان آن روزها چطور ممکن است از توصیفی که در سوره طه آمده «بهشتی در آسمانها» را بفهمند؟ هر چه باشد، در آن درخت مطرح در آیه ۲۲ چیزی بود که خوردن از آن سبب تغییرات فیزیولوژیک عمیقی در آن دو می‌شد.

«گفت» یعنی «مقرر کرد» و چه مقرر کردنی روشن‌تر از «الزامات طبیعی و محیطی»؟

آدم و همسرش از لحاظ استعداد ذهنی در موقعیت بالاتری از آن زندگی که داشتند بودند.

آن زندگی جنگلی در حد حیوانات بود و آدم تصویری از قدرت، و ذهنیتی از مفهوم «جاودانگی» داشت که در حالت «ترم‌افزاری» در او قرار داده شده بود و نمی‌توانست راضی به آن زندگی جنگلی ساده بی‌تناسب با مقام انسانیت باشد و اگر اینطور نبود، وسوسه شیطان در او اثر نمی‌کرد.

حتماً شیطان درباره انسان اطلاعاتی جمع‌آوری کرده و او را شناخته و تمایل قوی او را به پادشاهی (= قدرت) و جاودانگی (= دوام نعمت‌ها) دریافته بود و این کاملاً ممکن است زیرا ابلیس نرم‌افزار او را دیده بود، گرچه بر آن سجده نکرده بود.

سرزنش آدم برای چیست؟ آیا آدم از این لحاظ که تمایل به قدرت و دوام نعمتها داشت مذموم است؟

واضح است که نه.

آیا آدم از این لحاظ که گوش به حرف شیطان که برایش به خدا قسم خورده بوده، داد، مذموم است؟

نه.

زیرا نمی‌توانست تصور کند که ممکن است کسی به دروغ قسم هم بخورد.

پس سرزنش آدم مربوط به چیست؟

سرزنش آدم راجع به اشتباه محاسبه است.

او از طرفی در ذهن خویش این نهی را داشت که «به این درخت نزدیک هم نشوید» و از طرف دیگر کسی قسم به خدا خورد که من خیر شما را می‌خواهم و در این درخت این دو خاصیت مهم هست.

آنها که بشدت تمایل به قدرت و جاودانگی داشتند مردد شدند که کدام سخن را باید جدی‌تر بگیرند. و بالاخره در قضاوت دچار اشتباه شدند و از آنچه دلشان می‌خواست پیروی کردند.

«شبه حجت» (قول کسی که برایشان قسم خورد که من خیر خواه شما هستم) را بر «حجت» (قول صریح منسوب به خدا که نزدیک این درخت هم نشوید) ترجیح دادند. و نقطه ضعف آدم هم همین بود. یعنی ضعف در قدرت قضاوت.

آیا «هبوط» آدم «سقوط» او بود؟

با توجه به آیه‌های ۲۴ و ۲۵ آیا بیرون آمدن از آن باغ و وارد زندگی زمینی شدن سقوط بود؟

این سؤال دو جواب دارد:

۱- برای آدم سقوط بود زیرا از یک زندگی ساده بی‌رنج به یک زندگی سخت پررنج داخل شد.

۲- اما از لحاظ بشریت، این نه تنها سقوط نبود بلکه آغاز «عصر انسانی» و شروع

قدم زدن در جاده‌ای بود که به اینجا منتهی شده و هنوز هم در ابتدای راه راست و به جایی خواهد رسید که ما حتی تصورش را هم نمی‌توانیم بکنیم چنانکه انسان عصر حجر تصور زندگی امروزی را نمی‌توانست بکند.

ترجمه تفسیری آزاد

بسم الله الرحمن الرحيم

المص (۱)

ای پیامبر! این قرآن کتابی است که به سویت نازل شده، پس مبدا دلتنگی از آن داشته باشی که نگران باشی نتوانی حق عظمتش را ادا کنی و نیز نگران باشی که چرا مخالفان اهمیت به آن نمیدهند بلکه تو فقط ماموری که بوسیله آن هشدار دهی و نیز اینکه آن پندی برای مومنان باشد (۲)

ای مردم! از آنچه از جانب پروردگارتان بسویتان نازل شده پیروی کنید و غیر از او از اولیائی دیگر پیروی نکنید، چه کم پند می‌پذیرید (۳) و چه بسیار شهر هائی که هلاکشان کردیم و عذابمان شبانه یا در حال خواب نیمروز آنها را بگرفت (۴) و سخنشان آن هنگام که عذابمان آنها را در گرفته بود چیزی جز این نبود که می‌گفتند ما ظالم بودیم (۵) و ما، هم از پیامبران بازجوئی خواهیم کرد و هم از مردمی که رسولان بسوی آنها فرستاده شدند (۶) و البته برای آنها جزئیات کارهایشان را بازگو خواهیم نمود که ما هرگز غائب نبوده ایم (۷) و سنجش آنروز حقیقت دارد. پس هر کس که موازینش سنگین باشد رستگار خواهد بود (۸) و هر کس که موازینش سبک باشد از کسانی است که جانهای خویش را بعلت ظلمی که به آیات ما میکردند به زیان انداختند (۹)

ای مردم! و البته شما را در زمین تسلط دادیم و برایتان وسایل معشیت قرار دادیم، چه کم شکر می‌گزارید (۱۰) و البته شما را آفریدیم سپس صورتگری کردیم سپس به ملائکه

گفتیم به آدم سجده کنید پس سجده کردند مگر ابلیس که از ساجدان نبود (۱۱) خداوند گفت چه چیزی جلوگیری شد که سجده کنی وقتی که فرمانت دادم؟ گفت من از او بهترم. مرا از آتش و او را از خاک آفریده ای (۱۲) گفت از آن فرود آی. تو را نمیرسد که در آن تکبر کنی. بیرون رو که از سرافکندگانی (۱۳) گفت مرا تا روزی که برانگیخته می شوند مهلت ده (۱۴) گفت تو از مهلت یافتگانی (۱۵) گفت بسبب آنکه اغوایم کردی من نیز در آن صراط مستقیم بر سر راهشان می نشینم (۱۶) آنگاه از پیش و پس و راست و چپ آنها بر آنان در می آیم و اکثرشان را از شاكران نخواهی یافت (۱۷) گفت نکوهش شده رانده شده از آن بیرون رو که جهنم را از کسانی که پیرویت کنند پر خواهیم کرد (۱۸) و تو ای آدم با همسرت در آن باغ سکونت کنید و از هر چه می خواهید بخورید اما به این درخت نزدیک نشوید که از ظالمان خواهید بود (۱۹) پس شیطان آن ها را وسوسه کرد تا آنچه از عورت شان که از آنها پنهان بود برایشان آشکار کند و گفت پروردگارتان شما را از این درخت نهی نکرد مگر از این جهت که مبادا دو پادشاه شده یا اینکه جاودان شوید (۲۰) و برایشان قسم خورد که خیر خواهتان هستم (۲۱) آنگاه به فریبی سقوطشان داد. و چون از آن درخت چشیدند زشتی هایشان برایشان آشکار شد و شروع کردند از برگهای آن باغ به آنها چسباندن و پروردگارشان ندایشان داد که مگر شما را از آن درخت نهی نکرده بودم و نگفته بودم شیطان برایتان دشمنی آشکار است؟ (۲۲) گفتند پروردگارا برخویش ظلم کردیم و اگر ما را نیامرزی و بر ما نبخشی از زیانکاران خواهیم بود (۲۳) گفت فرود آئید. بعضی از شما دشمن بعضی دیگر خواهد بود، و در زمین تا مدتی معین استقرار و برخورداریی خواهید داشت (۲۴) و خداوند همچنین فرمود که در آن زندگی خواهید کرد و در آن درخواهید گذشت و از آن در روز قیامت خارج خواهید شد (۲۵)

اعراف ۲ آیات ۳۶ تا ۳۶

يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْءَاتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ ذَٰلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ ﴿٢٦﴾ يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْءَاتِهِمَا إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٢٧﴾ وَإِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرَنَا بِهَا قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَعْلَمُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٢٨﴾ قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ ﴿٢٩﴾ فَرِيقًا هَدَىٰ وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلَالَةُ إِنَّهُمْ اتَّخَذُوا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهم مُّهْتَدُونَ ﴿٣٠﴾ يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ﴿٣١﴾ قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَٰلِكَ نَفْصِلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٣٢﴾ قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٣٣﴾ وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ ﴿٣٤﴾ يَا بَنِي آدَمَ إِذَا يَأْتِيَكُمُ الرُّسُلُ مِنْكُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْزَلَ الْقُرْآنَ فِي هَذِهِ السُّورَةِ وَالَّذِينَ خَلَقُوا وَلَكُمْ فِيهَا حَالِدُونَ ﴿٣٥﴾ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٣٦﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
 طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: بی توجهی به خداوند و سرکشی در مقابل پیامبران مایه هلاکت دو جهان است.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: ای مردم! ریشه های بی توجهی به تعالیم انبیاء را در درون خویش شناسایی نموده و به تقوا بگرائید.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْآتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَى ذَٰلِكَ خَيْرٌ ذَٰلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ ﴿٢٦﴾ يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٢٧﴾ وَإِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرَنَا بِهَا قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ اتَّقُوا اللَّهَ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٢٨﴾ قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ ﴿٢٩﴾ فَرِيقًا هَدَىٰ وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلَالَةُ إِنَّهُمْ اتَّخَذُوا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِ اللَّهِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُّهْتَدُونَ ﴿٣٠﴾ يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ﴿٣١﴾ قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَٰلِكَ نَفْصِلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٣٢﴾ قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٣٣﴾ وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَأْذِنُونَ ﴿٣٤﴾ يَا بَنِي آدَمَ إِذَا مَا يَأْتِيَنَّكُمْ رُسُلٌ مِنكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمُ آيَاتِي فَامْنِئْهُنَّ وَأَصْلِحْ فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٣٥﴾ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٣٦﴾

ریزدرب: ای مردم! ریشه های بی توجهی به تعالیم انبیاء را در درون خویش شناسایی نموده و به تقوا بگرائید.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ که ابتدای سوره است می فرماید: ای مردم! از رسولی که بسویتان آمده پیروی کنید وگرنه دچار خسران خواهید شد و مبادا جذب القائنات شیطانی شوید، که درآنصورت به تعالیم این رسول بی توجه شده و در دو جهان دچار خسران خواهید شد.

در این پاراگراف: اولین خطاب ها و هشدارها و تشریع قانون کلی به انسان های اولیه را ذکر میفرماید.

۴- حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

در این پاراگراف (آیات ۲۶ تا ۳۶) تکذیب و نیز خود بزرگ بینی مخالفان فعال را در اثر القائنات شیطانی - که بنا بر آیه ۲۷ در همه جا هستند - قلمداد میکند.

همچنین استناد به اینکه «پدران ما چنین میکردند» و نیز اینکه «اگر خدا نمیخواست ما چنین نمیکردیم» - آیه ۲۸ - را نیز از القائنات شیطانی میداند، و چنانکه میدانیم دو شبه استدلال اخیر بارها در قرآن از زبان مخالفان فعال در توجیه رفتار و گفتارشان ذکر شده است.

۵ - پیشگوئی های تحقق یافته

در آیات ۲۶ تا ۳۶ که با تاکید و تکرار، کلمه «بنی آدم» را بکار برده دارد میگوید مخاطبان منتظر به این اهالی مکه نخواهد ماند بلکه تمام انسانها را متوجه خویش خواهد نمود.

۶ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

چگونگی «انزالنا» در آیه ۲۶ هنوز هم برای ما مشخص و معین و متعین نیست، چه رسد به مخاطبان اولیه. همچنین است موضوعات مطرح در آیه ۲۷. نیز مکانیزم کار آیه ۳۴.

۷ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

ای مردم! ریشه های بی توجهی به تعلیم انبیاء را در درون خویش شناسایی نموده و به تقوا بگرائید.

۸ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

در این پاراگراف آیاتی وجود دارد که برخی از فقرات آنها در سوره های قبلی (قبل و بعد نسبت به این سوره و بر اساس جدول ترتیب نزول ما) آمده، اما با تفاوت در لغت و الفاظ، لذا اگر بگوئیم قبلاً نیامده، ناصحیح است، و اگر بگوئیم آمده، باز هم ناصحیح است، لذا در باره این نوع پاراگراف ها (که از این پس بازهم خواهیم دید) میتوان چنین گفت که از لحاظ محتوا، اکثر مطالب این پاراگراف مسبوق به سابقه است، اما، قسمتی از هر کدام از مطالبش جدید میباشد.

شرح مختصر

اولین قانون اساسی اولیه

اگر بیاد داشته باشیم مضمون آیه آخر پاراگراف قبلی این بوده که شما در زمین زندگی خواهید کرد و در آن خواهید مرد و از آن دوباره زنده خواهید شد. در این پاراگراف، «مقررات عمومی» و بعبارت دیگر «قوانین اساسی» زندگی در روی این زمین را اندکی برای مخاطب باز می‌کند و بطور اجمال می‌گوید که: تقوی داشته باشید (آیه ۲۶)،

گول شیطان‌ها را که مواظبتان هستند نخورید (آیه ۲۷)،
مسئولیت اعمالتان را بپذیرید (آیه ۲۸)،

به عبادات توجه داشته باشید (آیه‌های ۳۱ و ۳۲)،

زندگی کنید و در آن میانه‌رو باشید (آیه‌های ۳۱ و ۳۲)،

دنبال کارهای زشت، چه آشکار و چه پنهان نباشید (آیه ۳۳)،

عاقبت همه مرگ است و سپس جهان دیگر است و برای آن جهان کار کنید (آیات ۳۴ تا ۳۶)

«لباس» و «لباس تقوا»

در آیه ۲۶ فرموده برایتان لباسی نازل کردیم در حالیکه می‌بینیم این لباسی را که پوشیده‌ایم از فلان خیاطی یا از فلان مغازه خریده‌ایم، یا از فلان کس هدیه گرفته‌ایم، و چیزی که اصلاً دیده نمی‌شود این است که این لباس از آسمان به زمین نازل شده باشد.

اگر در چگونگی تهیه لباس اندکی دقیق شویم خواهیم دید سه عامل در آن دخالت اصلی دارد:

۱- مواد اولیه،

۲- نیروی انسانی،

۳- راهکار و روش تولید.

آیا هر سه این عوامل چنانکه در آیات بند قبل دیدیم منشاء آسمانی دارد یا نه؟
جواب «بله» است (زیرا باران که منشاء مواد اولیه است، و استعداد نیروی انسانی، و راهکار و روش تولید، منشاء آسمانی دارد)
بنابراین نباید چنین تصور کنیم که هر چیزی که «زمینی» است، نمی‌تواند «نازل شده» باشد.

نیز نباید تصور کنیم که هر چه که «نازل شده» هست، نمی‌تواند «زمینی» باشد.
خلاصه اینکه «برایتان لباس نازل کردیم» یعنی اینکه حالا که شما مانند حیوانات بدن پر از کرک و پشم و مو و پوست ضخیم ندارید، برای حفاظت بدن شما فکری کرده‌ایم که هم بهتر است، و هم همان کاری را می‌کند که پوست برای حیوانات می‌کند و هم علاوه بر آن سبب زیبایی‌تان هم می‌شود.

در آیه ۲۶ ذهن مخاطب را آماده کرده به اینکه این لباسی را که بر تن می‌کنید و شما را از سرما و گرما و خشونت محیط حفظ می‌کند، به این سادگی‌ها نیست و ریشه آسمانی دارد تا ذهن برای مطالب آیه ۲۷ آماده شود که این تازه لباس جسم شماسست و شما برای روح خویش نیز نیاز به لباس دارید که همان تقوا باشد و همانطور که لباس جسم، بدن شما را از چیزهایی حفظ می‌کند، تقوا نیز روح شما را از چیزهایی حفظ می‌کند که عبارت باشد مثلاً از: فریب‌های شیطان و دعوت آنها به گناهان و اعمال زشت و غیره.

چنانکه تقریباً همگان می‌دانند، امروزه آتش نشان‌ها نوعی لباس خاص می‌پوشند و بی‌مهابا به داخل آتش می‌روند و مأموریت خویش را انجام داده و سالم بر می‌گردند و نیز فضانورها که در فضا از سفینه خود بیرون می‌آیند و در خارج از سفینه در فضای لایتناهی به جستجو و حرکت می‌پردازند نوعی لباس به تن دارند که بدون آن مرگشان فوری و حتمی خواهد بود.

این دو نوع لباس، چیزهائی نیست که هر کس بتواند داشته باشد زیرا برای تهیه آنها، علوم و فنون و تکنولوژی پیشرفته و صلاحیت استفاده نمودن مورد نیاز است. اینک تقوا را «لباس» نامیده از جهت مشابهتی است که در این موضوع هست. چه بسا جهان بعد از وقوع قیامت نیز مانند فضای بیرون از زمین، طوریست که بدون لباسهائی خاص امکان ادامه زندگی در آن میسر نباشد و تقوا تأمین کننده آن نوع لباس است. (همانطور که علم و فن و سرمایه، تأمین کننده لباس آتش‌نشانی و غواصی و فضانوردی است)

آیا شیطان آدم و همسرش را از آن باغ بیرون کرد؟

در رابطه با آیه ۲۶، چنانکه می‌دانیم شیطان فقط آدم و همسرش را «وسوسه» کرد، نه اینکه دست و پای آنها را گرفته و با قدرتی که از قدرت خود آنها بالاتر باشد، آنها را از آنجا بیرون کرده باشد که اگر چنین بود، دیگر چه جای عتاب و خطاب و سرزنش نسبت به آدم وجود داشت؟ تمام کاری که شیطان کرد این بود که «وسوسه» ای کرد و آدم وسوسه او را پذیرفت، و در اثر پذیرش وسوسه او کاری کرد که نتیجه آن، بیرون شدن از آن باغ بود. اما چون همه اینها مربوط است و آخرین حلقه این فعل و انفعالات در اثر وقوع اولین آنها واقع شده، می‌توان آنطور هم گفت. لذا در آنجا که می‌فرماید «لباسشان را از آنها می‌کند تا زشتی‌هایشان را به آنها بنماید»، آن را نیز باید به همین طریق بفهمیم. بطور قطع شیطان نیامد موهای بدن آدم و همسرش را یکی یکی بکند بلکه در اثر قبول وسوسه شیطان، آنها کاری کردند که نتیجه‌اش ریخته شدن موی بدن آنها بود. ممکن است سؤال شود چرا خداوند اینگونه سخن می‌گوید. یکی از جوابها می‌تواند این باشد که در این نوع سخن گفتن این اثر هست که آدمی

خطر را جدی بگیرد و جداً از آن دوری بگزیند.

اشخاص بی‌ایمان اخلاق ابلیسی دارند

با توجه به آیه ۲۸ چنانکه در بند قبل دیدیم ابلیس نافرمانی و کج‌فهمی و گناه و تمرد خویش را به خداوند نسبت داده بود و در این آیه نیز می‌فرماید اشخاص بی‌ایمان هم صاحب همان اخلاق می‌شوند یعنی مسئولیت اعمال زشت خویش را به دیگران ارجاع داده و خود را کاملاً مجبور و بی‌اراده و در نتیجه بی‌گناه قلمداد می‌کنند.

آنچه در انتهای آیه آمده نوعی تعیین ملاک است برای تشخیص خدائی یا شیطانی بودن چیزی.

اگر شائبه‌ای از زشتی در کاری بود، آن کار، خدائی نیست.

پیام اعتدال

آیه ۳۱ مردم را به اعتدال توصیه می‌کند و آن افراط و تفریط‌ها را مردود می‌شمارد. البته اینقدر می‌دانیم که مسیحیت و رهبانگیری مسیحی که مذهب ترک دنیا است در آن خطه نفوذی داشت و نیز یهودیان که همواره بشدت اهل جمع کردن مال از هر راه بودند نیز مورد توجه و معامله و مراجعه فکری اعراب معاصر نزول این آیات بودند.

دین‌های بت‌پرستی خودشان هم که ملغمه‌ای از همه نوع خرافات بود. در چنین فضا و موقعیتی پیغام آسمانی اعتدال در زندگی که در خلال این آیات بر آنها خوانده می‌شد، روح جدیدی در کالبد خسته و مرده آنها می‌دمید که جداً امروز برای ما قابل درک است که این نوع پیام‌ها چقدر خاصیت سازندگی و انسان‌سازی داشت و پی‌جامه‌ای را می‌ریخت که تاریخ گوشه‌ای از عظمت آن را حفظ نموده و بما رسانده است.

ترجمه تفسیری آزاد

ای فرزندان آدم! برایتان لباسی نازل کردیم که زشتی های شما را بپوشاند و نیز مایه زیبایی تان شود و لباس تقوی بهتر است. این از آیات خداست شاید پند گیرید (۲۶) ای فرزندان آدم! مبادا شیطان شما را بفریبد چنانکه والدین شما را از آن باغ بیرون کرد. لباسشان را از آنها می کند تا زشتی هایشان را به آنان بنماید. او و قبیله اش از جائیکه نمی بینید شما را زیر نظر دارند. ما شیاطین را اولیاء کسانی قرار دادیم که ایمان نمی آورند (۲۷) همان کسانی که هنگامیکه گناه بزرگ و عمل زشتی مرتکب شدند میگویند پدرانمان نیز چنین میکردند و خداوند مجبورمان کرد. بگو خداوند به کارهای زشت فرمان نمیدهد. آیا علیه خداوند چیزی میگوئید که علمش را ندارید؟ (۲۸)

ای پیامبر! بگو پروردگارم به عدالت فرمانم داده و اینکه روهای خویش را به هر مسجدی متوجه کنید و او را در حالی که دین خویش را برای او خالص کرده اید بخوانید. البته او همانطور که آفرینش شما را آغاز نمود شما را پس از مرگ در قیامت به حیات برمیگرداند (۲۹) در حالیکه در این دنیا گروهی هدایت شدند و ضلالت هم بر گروهی فرود آمد. البته آنها کسانی هستند که شیطان ها را بجای خداوند اولیاء خویش گرفته بودند و تصور هم می کردند که هدایت شده هستند (۳۰) و بگو ای فرزندان آدم! زینت خویش را نزد هر مسجدی برگزید. و بخورید و بیاشامید اما اسراف نکنید که او اهل اسراف را دوست نمیدارد (۳۱) ای پیامبر! بگو چه کسی زینت خداوندی و روزی های پاکیزه را که برای بندگانش بیرون آورده، تحریم کرده؟ بگو این مواهب در روز قیامت فقط برای کسانی است که در این زندگی دنیا ایمان آورده اند. ای پیامبر! بدان که این چنین آیات را برای صاحبان علم بیان می کنیم (۳۲) بگو جز این نیست که پروردگارم کارهای زشت را، چه پنهان باشد و چه آشکار، و گناه، و تجاوز ناحق، و اینکه برای خداوند چیزی را که دلیلی برای آن نازل نکرده شریک بگیرد، حرام کرده و نیز حرام کرده که درباره خداوند چیزی بگوئید که علم ندارید (۳۳)

هر امتی سرآمدی دارند که اگر سرآمدشان بیاید، نه ساعتی تاخیر می کند و نه جلو می افتد
(۳۴)

ای فرزندان آدم! هر گاه فرستادگانی از جنس خودتان بسویتان آمد که آیات مرا برایتان
میگویند، هر کس که تقوی گزید و اصلاح کرد نه ترسی داشته باشد و نه اندوهگین باشد
(۳۵) و آنانکه آیاتمان را تکذیب کنند و نسبت به آن گردنفرازی نمایند، اهل آتشند که در
آن جاودان خواهند بود (۳۶)

اعراف ٣ آيات ٣٧ تا ٥٣

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ أُولَئِكَ يَنَالُهُمْ نَصِيبُهُم مِّنَ الْكِتَابِ حَتَّى إِذَا جَاءَهُمْ رَسُولُنَا يُتَوَفَّوهُمْ قَالُوا أَأَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ قَالُوا قَالُوا صَلُّوا عَلَنَا وَشَهِدُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ ﴿٣٧﴾ قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِكُم مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ فِي النَّارِ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعَنَتْ أُخْتَهَا حَتَّى إِذَا ادَّارَكُوا فِيهَا جَمِيعًا قَالَتْ أُخْرَاهُمْ لَأُولَاهُمْ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَصْلُونا قَاتِهِمْ عَذَابًا ضِعْفًا مِّنَ النَّارِ قَالَ لِكُلِّ ضِعْفٌ وَلَكِن لَّا تَعْلَمُونَ ﴿٣٨﴾ وَقَالَتْ أُولَاهُمْ لَأُخْرَاهُمْ فَمَا كَانَ لَكُمْ عَلَيْنَا مِن فَضْلٍ فذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ ﴿٣٩﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يُلَاحِظَ فِي سَمِّ الْحَيَاطِ وَكَذَلِكَ نُجَزِّي الْمُجْرِمِينَ ﴿٤٠﴾ هُمْ مِّنْ جَهَنَّمَ مَهَادٍ وَمِنْ قَوْفِهِمْ غَوَاشٍ وَكَذَلِكَ نُجَزِّي الظَّالِمِينَ ﴿٤١﴾ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٤٢﴾ وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِّنْ غِلٍّ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنَّ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رَسُولٌ رَبِّنَا بِالْحَقِّ وَنُودُوا أَنْ تِلْكَمُ الْجَنَّةُ أَوْرَثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٤٣﴾ وَنَادَىٰ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ أَنْ قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا قَالُوا نَعَمْ فَأَذِنَ مَوْلَانَهُمْ أَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى الظَّالِمِينَ ﴿٤٤﴾ الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ كَافِرُونَ ﴿٤٥﴾ وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ وَنَادَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوهَا وَهُمْ يَطْمَعُونَ ﴿٤٦﴾ وَإِذَا صُرِفَتْ أَبْصَارُهُمْ تِلْقَاءَ أَصْحَابِ النَّارِ قَالُوا رَبَّنَا لِمَ تَجْعَلُنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٤٧﴾ وَنَادَىٰ أَصْحَابُ الْأَعْرَافِ رِجَالًا يَعْرِفُونَهُمْ بِسِيمَاهُمْ قَالُوا مَا أَغْنَىٰ عَنْكُمْ جَمْعُكُمْ وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ ﴿٤٨﴾ أَهَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمْتُمْ لَا يَنَالُهُمُ اللَّهُ بِرَحْمَةٍ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ ﴿٤٩﴾ وَنَادَىٰ أَصْحَابُ النَّارِ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ أَفِضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَهُمَا عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٥٠﴾ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ هُؤُلَاءِ وَلَعِبًا وَغَرَّتُهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ نَنسَاهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ

هَذَا وَمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ ﴿٥١﴾ وَلَقَدْ جِئْنَاهُمْ بِكِتَابٍ فَصَّلْنَاهُ عَلَىٰ عِلْمٍ هُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٥٢﴾ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلَهُ يَقُولُ الَّذِينَ نَسُوهُ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ فَهَلْ لَنَا مِنْ شُفْعَاءَ فَيَشْفَعُوا لَنَا أَوْ نُرَدُّ فَنَعْمَلْ غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ قَدْ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَصَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْقَرُونَ ﴿٥٣﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: بی توجهی به خداوند و سر کشی در مقابل پیامبران مایه هلاکت دو جهان است.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:
درب: مکذبان آخرت هلاکت یافته و مؤمنان نجات یافته خواهند بود.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ أُولَٰئِكَ يَنَالُهُمْ نَصِيبُهُمْ مِنَ الْكِتَابِ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُمْ رُسُلُنَا يَتَوَفَّوهُمْ قَالُوا أَإِنَّ مَا كُنْتُمْ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا وَشَهِدُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ ﴿٣٧﴾ قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ فِي النَّارِ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعَنَتْ أُخْتَهَا حَتَّىٰ إِذَا ادَّارَكُوا فِيهَا جَمِيعًا قَالَتْ أُخْرَاهُمْ لِأُولَاهُمْ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَضَلُّونَا فَآتِهِمْ عَذَابًا ضِعْفًا مِنَ النَّارِ قَالَ لِكُلِّ ضِعْفٌ وَلَكِنْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٣٨﴾ وَقَالَتْ أُولَاهُمْ

لَأُخْرَاهُمْ فَمَا كَانَ لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ فذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ ﴿٣٩﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ ﴿٤٠﴾ هُمْ مِنْ جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَمِنْ فَوْقِهِمْ غَوَاشٍ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ ﴿٤١﴾

ريزدرب: افترا بر خداوند و تكذيب آياتش به اين عاقبت ميرساند.

٢

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٤٢﴾ وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأُنْهَارُ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رَسُولُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ وَنُودُوا أَنْ تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٤٣﴾ وَنَادَى أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ أَنْ قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا قَالُوا نَعَمْ فَأَذْنُ مُؤَدَّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ ﴿٤٤﴾ الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ كَافِرُونَ ﴿٤٥﴾

ريزدرب: ايمان به خدا و رسول به اين عاقبت ميرساند.

٣

وَيَنْبَغِيهِمَا حِجَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ وَنَادَا أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَنْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوهَا وَهُمْ يَطْمَعُونَ ﴿٤٦﴾ وَإِذَا صُرِفَتْ أَبْصَارُهُمْ تِلْقَاءَ أَصْحَابِ النَّارِ قَالُوا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٤٧﴾ وَنَادَى أَصْحَابُ الْأَعْرَافِ رِجَالًا يَعْرِفُونَهُمْ بِسِيمَاهُمْ قَالُوا مَا أَغْنَىٰ عَنْكُمْ جَمْعُكُمْ وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ ﴿٤٨﴾ أَهَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمْتُمْ لَا يَنَالُهُمُ اللَّهُ بِرَحْمَةٍ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ ﴿٤٩﴾ وَنَادَى أَصْحَابُ النَّارِ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ أَفِيضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَهُمَا عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٥٠﴾ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ هَوَاً وَلَعِبًا وَغَرَّهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ نَنسَاهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا وَمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ ﴿٥١﴾

ریزدرب : صحنه عاقبتِ دو گروه از دید کسانی که به صحنه اشراف دارند.

۴

وَلَقَدْ جِئْنَاهُمْ بِكِتَابٍ فَصَّلْنَاهُ عَلَىٰ عِلْمٍ هُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٥٢﴾ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلَهُ يَقُولُ الَّذِينَ نَسَوْهُ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ فَهَلْ لَّنَا مِنْ شُغْعَاءٍ فَيُشْفَعُوا لَنَا أَوْ نُرْدُّ فَنَعْمَلْ غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ قَدْ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٥٣﴾

ریزدرب : جمع بندیِ مقام الوهیت از صحنه قیامت و فرجام خاسران.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبَّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندیِ ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ که ابتدای سوره است می فرماید: ای مردم! از رسولی که بسویتان آمده پیروی کنید وگرنه دچار خسران خواهید شد و مبدا جذب القائنات شیطانی شوید، که درآنصورت به تعالیم این رسول بی توجه شده و در دو جهان دچار خسران خواهید شد.

در پاراگراف ۲ اولین خطابها و هشدارها و تشریع قانون کلی به انسانهای اولیه را ذکر میفرماید.

در این پاراگراف می فرماید: ای مردم! عاقبت حتمی شما فرارسیدن قیامت است، و

ضمن ارائه ای از قسمتی از وقایع آن روز، میفرماید عاقبت تان دوحالت ممکن متضاد دارد. اینک این شما هستید که راه های منتهی به هر حالت را انتخاب میکنید.

۴ - آیات مشکل

آیات این بخش از این لحاظ که مفسران در تفسیر آیاتش به راه های بسیار مختلف رفته و سخنان متخالف و متضاد گفته اند جزء آیات مشکل قرار میگیرد.

۵ - زاویه با تفاسیر رایج

(آیه ۳۷) : (المیزان) : " أُولَئِكَ يَنَالُهُمْ نَصِيبُهُمْ مِنَ الْكِتَابِ حَتَّى إِذَا جَاءَهُمْ رُسُلُنَا ... " منظور از " کتاب " قضایی است که خداوند گذرانیده، و مقدراتی است که در مورد عمر، معیشت، بی‌نیازی، صحت، مال و اولاد انسان و سایر بهره‌های حیاتی او حتمی نموده،

پاراگراف (آیات ۳۷ تا ۴۳) شامل ۷ آیه است که ۶ آیه اش مربوط به اوضاع دو گروه متضاد در آخرت است و تفاوت های موقعیت آنها را شرح میدهد و همه این ۶ آیه هم در توضیح و تفسیر آیه مورد نظر آمده، لذا، کلمه کتاب را باید به معنی «قانون دادرسی آخرتی» (به همان معنی که در سوره مطففین آمده) بگیریم.

۶ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیات ۳۷ تا ۵۳ «قیامتی» است، و هیچ بنی بشری تجربه اش را ندارد، و قبل از قیامت نخواهد داشت، لذا، چه در آن روزهای نزول وحی و چه الی یوم القیامه بالاتر از ذهنیات بشر خواهد بود.

۷ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

مکذبان آخرت، هلاکت یافته و مؤمنان، نجات یافته خواهند بود.

۸ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریباً تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است .

شرح مختصر

کلید های تفسیری

بحث متنی

آیه های ۴۰ و ۴۱ بدون اینکه فرع بر آیه ای باشند پرانتزی هستند (دلیل و چشم بر آن بستن و قبل و بعد را وصل کردن و غیره را چون بارها گفته ایم در اینجا نیازی به تکرار آن نمی بینیم)، همچنین است موضوع آیه های ۵۲ و ۵۳.

چند دریافت کوتاه مستقیم

آیه ۳۷: فرض ما در این تفسیر این است که خواننده گرامی مطالب را «از اول» خوانده، و طبعاً اگر از اول خوانده باشد می داند که در جایی عرض کرده ایم که بله «افترای راست» هم ممکن است.

مثلاً اینکه کسی بگوید «جبرئیل بمن وحی کرده که خدا یکی است»، این یک نمونه افترای راست است، زیرا «خدا یکی است» راست است اما اینکه چون جبرئیل به او نگفته، افترا است.

این یک نمونه «افترای راست» است.

اما اگر بگوید «جبرئیل به او گفته خدا چند تاست» این افترای دروغ است.

این را بطور مشروح تر قبلاً عرض کرده بودیم.

آیه های ۳۸ و ۳۹: «دو چندان بودن عذاب» برای متقدمان مفهوم است زیرا آنها، هم خودشان براه انحراف رفتند و هم جاده ای درست کردند که کمک می کرد متأخران هم براه انحراف بروند. لذا هم باید «عذاب خودشان» را داشته باشند و هم «قسمتی

از عذاب» تمام آنهایی که در جاده آنها قدم گذاشتند.

اما «دو چندان بودن عذاب» برای متأخران چه توجیهی دارد؟

چنین بنظر می‌آید که «دو چندان» بودن عذاب متأخران به این سبب باشد که علاوه بر اینکه در راه باطل و کفر و گناه قدم گذاشتند، چرا در این مقطع که تأثیر و نفوذ ایجاد کنندگان آن راه باطل در اثر مردن و از بین رفتن ضعیف شده بود، در کار خویش تعقل نکرده و همچنان در همان راه ادامه مسیر دادند؟

«درب‌های آسمان برایشان باز نمی‌شود»: بطور استعاره یعنی اینکه مورد لطف و رحمت قرار نمی‌گیرند.

آیه ۴۰: نوعی تعلیق به محال است مانند اینکه بگوئیم «اگر پشت گوشت را دیدی، فلان موضوع هم انجام خواهد شد» که تعلیق به محال است.

البته کلمه «جمل» که در متن قرآنی آمده، هم بمعنی «شتر» است و هم بمعنی «طناب ضخیم»

البته رد شدن یا نشدن طناب ضخیم با سوزن تناسب بیشتری دارد تا شتر. اما چون رد شدن شتر از «سوراخ سوزن» ضرب‌المثل شده و به ذهن نزدیکتر است در ترجمه آن را آورده‌ایم و البته هر دو از لحاظ تعلیق به محال بودن یکی است.

آیه ۴۳: البته برای مؤمنان و معتقدان این کاملاً طبیعی است که بگویند ما این بهشت را بدست نیاورده ایم بلکه بما لطف شده است، زیرا وجودشان و توفیقات و پیامبران و هدایت‌ها از آن خداوند است و لذا «هدایت شدن آنان» نیز میوه‌ای است از میوه‌های این درخت، و طبیعی است که تصاحب بهشت را به خویش نسبت ندهند و آنرا به خدا نسبت بدهند.

آیه ۴۳: موضوع «ارث» از لحاظ اینکه بسیار در قرآن تکرار شده قابل توجه است. اتفاقی که در فرایند ارث بردن می‌افتد این است که آدمی چیزی را بدست می‌آورد که برای آن زحمتی نکشیده است. بهشت نیز چنین است.

در مقابل این عبادات کم زحمت ما، بهشت جایزه عظیمی است و مانند ارث بردن است.

به زبان مخاطب

در آیه ۵۱، به زبان مخاطب فرموده و «امروز فراموششان می‌کنیم...» یعنی «امروز رفتاری با شما می‌کنیم که شبیه رفتاری است که با کسانی می‌شود که فراموش شده باشند»

اهالی «اعراف»

آیات ۴۶ تا ۴۹ مربوط به «اعراف» است که اسم سوره هم از همان گرفته شده است. براساس احادیث، اهل اعراف دو دسته هستند:

۱- کسانی که نه جهنمی هستند و نه بهشتی،

۲- پیامبران و ائمه و بخصوص ائمه ما.

اما فرضیه اول با آیه ۴۸ و قسمت اول آیه ۴۹ نمی‌سازد و لذا مردود است.

اما اگر کسی بگوید قسمت آخر آیه ۴۶ و تمام آیه ۴۷ را چه می‌کنید، جواب این است که قسمت آخر آیه ۴۶ حرف دل خود بهشتی‌ها است و ربطی به اصحاب اعراف ندارد و مدلول آیه ۴۷ هم حدیث نفس اصحاب اعراف است زیرا در دنیا آنها آنقدر نگران قیامت بودند که هرگز احتمال جهنمی شدن را از خود دور نمی‌دانستند، و این حالت، باصطلاح «ملکه» آنها شده، بطوری که در آنجا هم که روز سروری آنهاست از آنها جدا نمی‌شود.

خلاصه اینکه اصحاب اعراف پیامبران و ائمه و به خصوص پیامبر ما(ص) و ائمه ما(ع) می‌باشند.

حالا که این را فهمیدیم، قرینه‌هایی هم می‌یابیم برای تقویت این فهم خویش، مثلاً:

۱- خود کلمه «اعراف» که از ریشه «معرفت» است اصلاً به فرضیه اول (=افراد نه بهشتی نه جهنمی) نمی‌خورد.

۲- جمله «يعرفون كلا بسيماهم». یعنی «معروف» هستند، و مردم می‌شناسندشان،

- و این نیز چیزی است که به فرضیه اول نمی خورد.
- ۳- جمله «سلام علیکم» در آیه ۴۶ نشان می دهد آنها در «موضع بالا»ئی هستند که این نیز به فرضیه اول نمی خورد.
- ۴- آنها به وضع کسانی که بهشت خواهند رفت و یا به جهنم خواهند رفت «اشراف» دارند و این نیز به فرضیه اول نمی خورد.
- ۵- «تکوهش»ی که آنها به افراد مدلول آیه ۴۸ می کنند نیز به فرضیه اول نمی خورد.
- ۶- «جواز ورود»ی که در آیه ۴۹ به بهشتی ها می دهند نیز به فرضیه اول نمی خورد. نتیجه اینکه «اصحاب اعراف» پیامبران(ع) و به خصوص پیامبر ما(ص) و جانشینان پیامبران(ع) و به خصوص ائمه ما(ع) می باشد.

«سیما» یعنی چه؟

در لغت، «سیما» یعنی «علامت» (توجه کنید به آیه «سیماهم فی وجوههم من اثرالسجود....»)

اما در اثر کثرت استعمال کلمه «سیما» به «چهره» اطلاق شده است. و از آیات ۴۶ تا ۴۸ فهمیده می شود آن اشخاص «اعرافی» همان چهره ای را دارند که در دنیا داشتند.

توضیح مطلب این است که اعراف حالت «نه این جهان و نه آن جهان» است و لذا داشتن «چهره این جهانی» معقول است.

مانند جنین که وقتی که از رحم خارج می شود هنوز چهره داخل رحم را دارد، و مدتی طول می کشد که کم کم در اثر غذاهای خارج از رحم، رشد و نمو، و پذیرفتن محیط، و غیره، چهره اش «این جهانی» شود.

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر! از اینان بپرس چه کسی ستمکارتر است از کسی که افترای دروغ به خداوند ببندد یا آیتش را تکذیب کند؟ نصیب آنها از آنچه که در آن کتاب قانون دادرسی آخرتی مقرر شده به آنان میرسد و ملائکه فرستاده ما بسویشان می آیند، میگویند بجز بسوی خداوند به کجا دعا میکردید؟ میگویند گمشان کرده ایم و علیه خویش شهادت میدهند که کافر بوده اند (۳۷) به آنها گفته میشود در گروه هائی از جن و انس که قبل از شما بوده اند داخل آن آتش شوید. هر گاه که گروهی داخل میشوند دیگری را لعنت می کنند تا اینکه همگیشان جمع میشوند. متاخران نسبت به متقدمان میگویند خداوند اینها همراهان کردند، پس، از آن آتش عذابی دو چندان به آنان ده. و جواب می شنوند که برای همگی دو چندان است ولیکن شما نمیدانید (۳۸) متقدمان میگویند شماها هیچ برتری بر ما ندارید، پس عذاب را بچشید برای آنچه که خودتان کسب کرده اید (۳۹) کسانی که آیاتمان را تکذیب کرده و نسبت به آن سرافرازی کرده اند درهای آسمان برایشان باز نمیشود و وارد بهشت نمیشوند، چنانکه شتر از سوراخ سوزن رد نمیشود و سزای مجرمان این است (۴۰) از جهنم بستری خواهند داشت و در بالایشان هم از همان جهنم پوششی. و سزای ظالمان را چنین میدهیم (۴۱)

اما در مورد مومنان صالح عمل، به هیچکس جز به اندازه توانش تکلیف نمی کنیم. آنها یاران بهشتند که در آن جاودان خواهند بود (۴۲) و هر کینه ای را که در دلهاشان هست میزدائیم. از کف بهشت های آنها نهرها جاری است و میگویند سپاس خدای را که ما را به این هدایت کرد و ما اینطور نبودیم که اگر خداوند هدایتمان نکرده بود خودمان به این موقعیت هدایت شویم. البته فرستادگان پروردگاران به حق آمدند و به آنان ندا میشود که شما این بهشت را بسبب عملی که میکردید مالک شده اید (۴۳) اهل بهشت اهل جهنم را صدا میزنند که ما آنچه را که پروردگاران وعده مان میداد حق یافتیم آیا شما هم وعده پروردگارتان را حق

یافتید؟ میگویند بله و بین آنها جاززننده ای جار میزند که لعنت خدا بر ظالمان خواهد بود (۴۴) همانها که از راه خدا جلوگیری میکردند و آنرا کج میخواستند و به آخرت هم کافر بودند (۴۵) و بین آنان حجابی خواهد بود.

و مردانی در بلندی ها خواهند بود که همگی آنها را از سیمایشان می شناسند و به اهل بهشت میگویند سلام بر شما. آنها هنوز داخل آن نشده و طمع آن را دارند (۴۶) و وقتی که چشمشان میگردد و به اهل آتش می افتد میگویند پروردگارا ما را با قوم ظالمان قرار نده (۴۷) و اهل بلندی ها به کسانی که آنها را از سیمایشان می شناسند میگویند جمعیت شما و سرکشی تان بدردتان نخورد (۴۸) آیا این بهشتیان همان کسانی نیستند که قسم میخوردید مشمول رحمت خداوند نخواهند شد؟ و بسوی آنها روی گردانده و میگویند داخل آن بهشت شوید که نه ترسی خواهید داشت و نه اندوهگین خواهید بود (۴۹)

اهل جهنم اهل بهشت را صدا میزنند که برایمان مقداری آب یا از آنچه خداوند روزیتان کرده بریزید، میگویند خداوند هردوی آنها را بر کافران حرام نموده است (۵۰) در این موقعیت خداوند میفرماید همانهایی که دینشان را به بازی و هوس گرفتند و زندگی دنیا مغرورشان کرد، پس امروز هم فراموششان می کنیم چنانکه آنها نیز امروزشان را فراموش کرده بودند و آیاتمان را انکار میکردند (۵۱) و البته کتابی که براساس علم، مشروح و مفصلش کرده بودیم، برایشان فرستادیم که برای مومنان هدایت و رحمتی بود. و آنها انکارش کردند (۵۲)

آیا منتظر معنی حقیقی آن بودند؟ روزی که معنی حقیقی آن بیاید کسانی که قبلا فراموش کرده بودند خواهند گفت فرستادگان پروردگارمان به حق آمده بودند، آیا شفیعیانی خواهیم داشت که شفاعتمان کنند؟ یا اینکه برگردیم تا اعمالی کنیم غیر از آنچه میکردیم؟ جانهایشان را به ضرر انداختند و آنچه که افترا می بستند نیز از نزدشان محو گردید (۵۳)

اعراف ۴ آیات ۵۴ تا ۵۸

إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهُ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿٥٤﴾ اذْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ﴿٥٥﴾ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٥٦﴾ وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّىٰ إِذَا أَقْلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا إِقْبَالًا سَفْتَاهُ لِيَنذِرَ لِمَن يَشَاءُ فَنَزَّلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذَلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿٥٧﴾ وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبَثَ لَا يُخْرِجُ إِلَّا نَكِدًا كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ ﴿٥٨﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:
درس: بی توجهی به خداوند و سرکشی در مقابل پیامبران مایه هلاکت دو جهان است.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:
درب: ذکر گوشه‌هایی از الطاف و نعمت‌های الهی برای اینکه مردم با توجه به آنها در مقابل آن ذات مقدس خاضع شده و رسولش را پیروی کنند.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان

۱

إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿٥٤﴾

ریزدرب: ای مردم! اینها فقط گوشه هایی از آیات و نعمت های الهی است

۲

ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ﴿٥٥﴾ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٥٦﴾

ریزدرب: ای مردم! در مقابل آیات و نعمت های الهی رفتار شایسته کنید.

۳

وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّى إِذَا أَقَلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُقْنَاهُ لِبَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذَلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَى لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿٥٧﴾

ریزدرب: ای مردم! اینها گوشه هایی دیگر از آیات و نعمت های الهی است (فکر کنید و سپس رفتار صحیح پیشه نمایید)

۴

وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبَثَ لَا يُخْرِجُ إِلَّا نَكِدًا كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ ﴿٥٨﴾

ریزدرب: ای مردم! رفتارتان در مقابل آیات و نعمت های الهی تابع کیفیت وجودی خودتان است (سعی کنید آن را ارتقاء دهید)

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبَّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ که ابتدای سوره است می فرماید: ای مردم! از رسولی که بسویتان آمده پیروی کنید وگرنه دچار خسران خواهید شد و مبدا جذب القائات شیطانی شوید، که درآنصورت به تعالیم این رسول بی توجه شده و در دو جهان دچار خسران خواهید شد.
در پاراگراف ۲ اولین خطاب ها و هشدارها و تشریع قانون کلی به انسان های اولیه را ذکر میفرماید.

در پاراگراف ۳ می فرماید: ای مردم! عاقبت حتمی شما فرارسیدن قیامت و ضمن ارائه ای از قسمتی از وقایع آن روز میفرماید عاقبت تان دوحالت ممکن متضاد دارد. اینک این شما هستید که راه های منتهی به هر حالت را انتخاب میکنید.
در این پاراگراف گوشه ای از الطاف و نعمت های الهی را یادآوری می فرماید.

۴- سوالات

- ۲- منظور از «حیث» (آیه ۵۴) چیست؟
- ۳- چرا خداوند در اینجا از ضمیر «ما» (انزلنا...) استفاده فرموده؟
- ۴- چرا خداوند در اینجا از ضمیر «من» (هو...) استفاده فرموده؟
- ۵- چرا خداوند از میان آنهمه صفات قابل ذکر برای معرفی خویش، این صفات را

ترجیح داده؟

۶ - منظور از «اَقْلَتْ» (آیه ۵۷) چیست؟

۷ - چرا بجای «لبلد» (آیه ۵۷) نفرموده «الی بلد»؟

۸ - مطالب آیه ۵۸ چه ربطی به کل این پاراگراف دارد؟

۵ - کلید های تفسیری

پرانترها : دو آیه ۵۵ و ۵۶ بدون اینکه فرع بر آیه‌ای باشند پرانتری هستند، لذا آیات اصلی این پاراگراف آیه‌های ۵۴ و ۵۷ است.

۶ - زاویه با تفاسیر رایج

۱ (آیه ۵۴) : بد معنی کردن کلمه «امر» در آیه مذکور

المیزان در گفتاری طولانی کلمه مذکور را به موضوع «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» ربط داده و بحثی طولانی در نحوه خلق و رابطه آن با امر مذکور کرده و خیلی مطالب مطرح نموده و همه اش هم زائد و نامربوط.

پاراگرافی که این آیه در آن است (آیات ۵۴ تا ۵۸)، اگر بخوانید، در باره به رخ کشیدن نعمت های الهی است، بنا بر این باید معنی خلق و امر را در این چارچوب دید که معنی آن همان چیزی است که ما جمع آن را «امور» مینامیم.

۷ - در این پاراگراف، کدام فقرات، فوق ذهنیات معاصران نزول است؟

(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

انتهای آیه ۵۷ «قیامتی» است، و هیچ بنی بشری تجربه اش را ندارد، و قبل از قیامت نخواهد داشت، لذا، چه در آن روزهای نزول وحی و چه الی یوم القیامه بالاتر از ذهنیات بشر خواهد بود.

مکانیزم اجرائی آیه ۵۴ برای ما ساکنان قرن ۲۱ نیز روشن نیست چه رسد مخاطب های اولیه! همچنین است آیه ۵۸.
در آیه ۵۴ به موجوداتی (مثلا عرش الهی) اشاره شده که معهود ما بشر قرن حاضر هم نیست، چه رسد به مشافهین ۱۴۰۰ سال قبل!

۸ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

بی توجهی به خداوند و الطاف و نعمتهای او سبب هلاکت است.

۹ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها، تقریبا اکثر قریب به اتفاق عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

دعاء، و ادب دعاء

اگر در «المعجم» ماده (د ع و) جستجو شود ملاحظه خواهد شد که مشتقات کلمه «دعاء» خیلی زیاد است، مثلا:

دعا دعاکم دعانا دعاه دعوا دعوت دعوتکم دعوتموه دعوتهم دعوههم ادعوا ادعواکم تدع تدعهم تدعوا تدعون تدعوننا تدعوننی تدعونه تدعوههم ندع ندعوا ندعوه يدع يدعنا يدعوا يدعواکم يدعون يدعوننا يدعوننی يدعونه يدعوه ادع ادعنا ادعوا ادعونی ادعوه ادعوههم دعوا دعی دعیتم تدعی تدعون يدعون الداع داعیا دعاء دعاءکم دعاء دعاءک دعاءهم دعاء دعوه دعوتک دعوتکما دعواهم ادعیاکم ادعیاهم

اگر متن آیات مربوط به هر مورد را بخوانید متوجه خواهید شد که این کلمه در دو معنی بیشتر بکار رفته است:

۱ - به معنی «صدازدن»

۲ - به معنی «رفع گرفتاری ها و برآوردن خواسته ها»

و در این پاراگراف (با توجه به قرینه دوکلمه «تضرع» و «طمع») به معنی اخیر آمده است.

وقتی که شخصی از خداوند چیزی را در معنی دوم می خواهد (مطابق مندرجات همین پاراگراف)، ضمن اینکه امید برآورده شدن حاجت خویش را دارد باید این احتمال را هم بدهد که حاجتش ممکن است (به هزاران علت) برآورده نشود و نباید با خداوند طلبکاری کند و باید حالت خضوع و تضرع هم داشته باشد.

ترجمه تفسیری آزاد

البته پروردگارتان خداوند است که آسمانها و زمین را در شش مرحله آفرید. و آنگاه به عرش مستولی شد. شب را با روز می پوشاند که شتابان در طلب آن است. و خورشید و ماه و ستارگان به امر او رام هستند. آفرینش و تدبیر از آن اوست. پر برکت است پروردگار جهانیان (۵۴) پروردگارتان را به حالت تضرع و بطور پنهانی بخوانید که او تجاوزگران را دوست ندارد (۵۵) و در زمین پس از اصلاحش خرابکاری نکنید و او را با بیم و امید بخوانید که البته رحمت خداوند به نیکوکاران نزدیک است (۵۶) و هموست که بادهای پیشاپیش رحمتش میفرستد تا اینکه ابری سنگین بردارد و آنرا بسوی سرزمینی مرده می راند و با آن بارانی فرو می فرستد و از آن از هر گونه میوه ای بیرون می آورد. مردگان را نیز چنین بیرون می آوریم. شاید پند گیرید (۵۷) سرزمین مناسب، روئیدنی هایش را به فرمان پروردگارش بیرون می آورد و از آن سرزمینی که نامناسب باشد چیزی جز اندکی ناچیز بیرون نمی آید. آیات را برای مردم شکرگزار چنین گونه گون ارائه میکنیم (۵۸)

اعراف ٥ آيات ٥٩ تا ٩٣

لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ
يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿٥٩﴾ قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٦٠﴾ قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي
ضَلَالَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٦١﴾ أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأُنصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ
مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٦٢﴾ أَوْعَجِبْتُمْ أَجَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ مِنْكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَلِتَتَّقُوا وَلَعَلَّكُمْ
تُزَكَّوْنَ ﴿٦٣﴾ فَكَذَّبُوهُ فَأَخْبَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ فِي الْفُلِكِ وَأَعْرِفْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا
قَوْمًا عَمِينَ ﴿٦٤﴾ وَإِلَىٰ عَادِ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا
تَتَّقُونَ ﴿٦٥﴾ قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنَظُنُّكَ مِنَ الْكَاذِبِينَ
﴿٦٦﴾ قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٦٧﴾ أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ
رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ ﴿٦٨﴾ أَوْعَجِبْتُمْ أَجَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ مِنْكُمْ لِيُنذِرَكُمْ
وَأَذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ وَزَادَكُمْ فِي الْخَلْقِ بَسْطَةً فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ
تُفْلِحُونَ ﴿٦٩﴾ قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَعْبُدَ اللَّهَ وَحْدَهُ وَنَذَرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ
مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٧٠﴾ قَالَ قَدْ وَقَعَ عَلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ رِجْسٌ وَغَصَبٌ مِّنْجَادِلُونِي فِي أَسْمَاءِ
مِّمِّيئُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مَا نَزَّلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ ﴿٧١﴾
فَأَخْبَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَقَطَعْنَا دَابِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَمَا كَانُوا مُؤْمِنِينَ ﴿٧٢﴾ وَإِلَىٰ ثَمُودَ
أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ
لَكُمْ آيَةٌ فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابُ أَلِيمٍ ﴿٧٣﴾ وَادْكُرُوا إِذْ
جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ وَبَوَّأَكُمْ فِي الْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ شُهُوبِهَا قُصُورًا وَتَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا
فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿٧٤﴾ قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ
لِلَّذِينَ اسْتَضَعُّوا لِمَنْ آمَنَ مِنْهُمْ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ صَالِحًا مُّرْسَلٌ مِنْ رَبِّهِ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلَ بِهِ مُؤْمِنُونَ
﴿٧٥﴾ قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا بِالَّذِي آمَنْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ ﴿٧٦﴾ فَعَقَرُوا النَّاقَةَ وَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ
رَبِّهِمْ وَقَالُوا يَا صَالِحُ انْتَبَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٧٧﴾ فَأَخَذَهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي
دَارِهِمْ جَاثِمِينَ ﴿٧٨﴾ فَتَوَلَّىٰ عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رَسُولًا مِنْ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَلَكِنْ لَا

تُحْيُونَ النَّاصِحِينَ ﴿٧٩﴾ وَلَوْطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ ﴿٨٠﴾ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ ﴿٨١﴾ وَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوهُمْ مِنْ قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أَنَاسٌ يَنْتَهَرُونَ ﴿٨٢﴾ فَأَخْرَجْنَاهُ وَاهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ ﴿٨٣﴾ وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ ﴿٨٤﴾ وَإِلَى مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخُسُوا النَّاسَ أَمْشَاءَهُمْ وَلَا تُمْسِكُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٨٥﴾ وَلَا تَقْعُدُوا بِكُلِّ صِرَاطٍ تُوعِدُونَ وَتَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِهِ وَتَبْغُوهَا عِوَجًا وَادْكُرُوا إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا فَكُتِرْكُمْ وَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ ﴿٨٦﴾ وَإِنْ كَانَ طَائِفَةٌ مِنْكُمْ آمَنُوا بِالَّذِي أُرْسِلْتُ بِهِ وَطَائِفَةٌ لَمْ يُؤْمِنُوا فَاصْبِرُوا حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ ﴿٨٧﴾ قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَنُخْرِجَنَّكَ يَا شُعَيْبُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِنْ قَرْيَتِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا قَالَ أَوَلَوْ كُنَّا كَارِهِينَ ﴿٨٨﴾ قَدْ افْتَرَيْنَا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا إِنْ عُدْنَا فِي مِلَّتِكُمْ بَعْدَ إِذْ جَاءَنَا اللَّهُ مِنْهَا وَمَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَعُودَ فِيهَا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّنَا وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ ﴿٨٩﴾ وَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَئِنْ اتَّبَعْتُمْ شُعَيْبًا إِنَّكُمْ إِذَا لَخَاسِرُونَ ﴿٩٠﴾ فَأَخَذَهُمُ الرِّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ ﴿٩١﴾ الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعَيْبًا كَأَنْ لَمْ يَغْنَوْا فِيهَا الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعَيْبًا كَانُوا هُمْ الْخَاسِرِينَ ﴿٩٢﴾ فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رَسُولَاتِ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ فَكَيْفَ آسَى عَلَى قَوْمٍ كَافِرِينَ ﴿٩٣﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
 طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:
درس: بی توجهی به خداوند و سر کشی در مقابل پیامبران مایه هلاکت دو جهان

است.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب : همان (درس)

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

چنانکه تاکنون دیده اید، در هر پاراگراف تفسیری، عصاره محتوای پاراگراف را از یک «راه دوم» نیز استخراج می‌کردیم، که معمولاً دیده میشد مطابقت معنا داری با استخراج از راه اول داشت.

اما، در پاراگراف هائی که کاملاً «داستانی» است، ضرورتی در این کار احساس نمیشود، زیرا فهم پاراگراف های داستانی بسیار آسانتر است، و چون ما اهل صفحه زیاد کردن نیستیم، و با توجه به کیفیت خوانندگان مان رعایت اختصار را ترجیح میدهیم، در این نوع پاراگراف ها از آن صرفنظر میکنیم.

۳ - از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ که ابتدای سوره است می فرماید : ای مردم ! از رسولی که بسویتان آمده پیروی کنید وگرنه دچار خسران خواهید شد و مبدا جذب القائات شیطانی شوید ، که درآنصورت به تعالیم این رسول بی توجه شده و در دو جهان دچار خسران خواهید شد.

در پاراگراف ۲ اولین خطابها و هشدارها و تشریع قانون کلی به انسانهای اولیه را ذکر میفرماید .

در پاراگراف ۳ می فرماید : ای مردم ! عاقبت حتمی شما فرارسیدن قیامت و ضمن ارائه ای از قسمتی از وقایع آن روز میفرماید عاقبت تان دوحالت ممکن متضاد دارد . اینک این شما هستید که راه های منتهی به هر حالت را انتخاب میکنید.

در پاراگراف ۴ گوشه‌ای از الطاف و نعمت‌های الهی را یادآوری می فرماید.

در این پاراگراف می فرماید : ای مردم ! به اقوام منقرض شده قبلی بنگرید! این تازه وضع دنیوی شان بود، وضع آخرتی شان راهم که میدانید! برای خویش چه می

پسندید؟

۴ - پیشگوئی های تحقق یافته

در آیات ۵۹ تا ۶۴ با ذکر داستان قوم نوح که آنحضرت و پیروانش نجات و فعالان مخالفانش اضمحلال یافتند ، تلویحا وعده موفقیت آنحضرت را میدهد.

در آیات ۶۵ تا ۷۲ با ذکر داستان قوم عاد که پیامبرشان و پیروانش نجات و فعالان مخالفانش اضمحلال یافتند ، تلویحا وعده موفقیت آنحضرت را میدهد.

در آیات ۷۳ تا ۷۹ با ذکر داستان قوم ثمود که پیامبرشان و پیروانش نجات و فعالان مخالفانش اضمحلال یافتند ، تلویحا وعده موفقیت آنحضرت را میدهد.

در آیات ۸۰ تا ۸۴ با ذکر داستان قوم لوط که پیامبرشان و پیروانش نجات و فعالان مخالفانش اضمحلال یافتند ، تلویحا وعده موفقیت آنحضرت را میدهد.

در آیات ۸۵ تا ۹۳ با ذکر داستان قوم شعیب که آنحضرت و پیروانش نجات و فعالان مخالفانش اضمحلال یافتند ، تلویحا وعده موفقیت آنحضرت را میدهد.

۵ - در این پاراگراف، کدام فقرات، فوق ذهنیات معاصران نزول است؟

(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه های ۵۹ تا ۹۳ از این لحاظ که مربوط به اقوامی است که در قبل از تاریخ بوده اند، و علم باستان شناسی آنقدر رشد نکرده که ما از اوضاع و احوال آنها مطلع باشیم، برای ما نیز روشن نیست، چه رسد به مخاطبان اولیه این آیات.

۶ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

بی توجهی به خداوند و سر کشی در مقابل پیامبران مایه هلاکت دو جهان است.

۷ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها، تقریباً تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است .

ترجمه تفسیری آزاد

همانا نوح را بسوی قومش فرستادیم و گفت ای مردم خداوند را عبادت کنید که خدائی جز او ندارید که من بر شما از عذاب روزی بزرگ میترسم (۵۹) عده ای از بزرگان قومش گفتند البته تو را در گمراهی آشکار می بینیم (۶۰) گفت ای قوم گمراهی ندارم ولیکن فرستاده ای از سوی پروردگار جهانیانم (۶۱) رسالت های پروردگارم را به شما میرسانم و برای شما خیر خواهی میکنم و درباره خداوند چیزهائی میدانم که شما نمیدانید (۶۲) آیا تعجب کرده اید که پندی از جانب پروردگارتان بر مردی از خودتان آمده تا شما را هشدار دهد تا تقوا پیشه کنید و شاید مورد رحمت واقع شوید؟ (۶۳) پس تکذیبش کردند، ما هم او و نیز همراهانش را در آن کشتی نجاتشان دادیم و مکذبانى را که آیاتمان را تکذیب کرده بودند غرق نمودیم که آنها مردمی نابینا بودند (۶۴)

و بسوی قوم عاد برادرشان هود را فرستادیم، گفت ای قوم خداوند را عبادت کنید که خدائی جز او ندارید، آیا تقوا پیشه نمی کنید؟ (۶۵) عده ای از بزرگان کافران قوم او گفتند ما تو را در سبکسری می بینیم و البته تو را از دروغگویان می شماریم (۶۶) گفت ای مردم سبکسری در من نیست ولیکن فرستاده ای از جانب پروردگار جهانیانم (۶۷) که رسالت های پروردگارم را به شما میرسانم و برایتان خیر خواهی امینم (۶۸) آیا تعجب می کنید که پندی از جانب پروردگارتان بر مردی از میان خودتان آمده تا هشدارتان دهد؟ و بباد آرید که خداوند شما را پس از قوم نوح

جانشینانی قرار داد و در آفرینستان فزونی به شما داد. پس نعمتهای خدا را شکر کنید شاید رستگار شوید (۶۹) گفتند آیا بسوی ما آمده ای که خداوند یکتا را عبادت کنیم و آنچه را که پدرانمان می پرستیدند رها کنیم؟ پس آنچه را که بما وعده میدهی بیاور اگر راست میگوئی (۷۰) گفت بطور حتم از جانب پروردگارتان بر شما پلیدی و غضبی فرود آمده است. آیا با من درباره نامهائی که خودتان و پدرانتان نامگذاری نموده اید و خداوند هیچ دلیلی راجع به آنها نازل ننموده جدال می کنید؟ پس منتظر باشید که من نیز از منتظرانم (۷۱) او و همراهانش را به رحمت خویش نجات دادیم و دنباله کسانی که آیاتمان را تکذیب نموده و مومن نبودند قطع نمودیم (۷۲)

و بسوی ثمود برادرشان صالح را فرستادیم که گفت ای مردم خداوند را عبادت کنید که غیر از او خدائی ندارد. از پروردگارتان دلیل روشنی بسویتان آمده است. این شتر خداست که برایتان نشانه ای است. پس بگذارید در زمین خدا بچرد و بدیی به او نرسانید که عذابی دردناک شما را در خواهد گرفت (۷۳) و بیاد آورید که خداوند پس از قوم عاد شما را جانشینانی قرار داد و در زمین جایتان داد که از تپه های آن قصرهائی برمیکرفتید و کوه ها را برای خانه سازی می تراشیدید. پس نعمت های خدا را بیاد آرید و در زمین فساد نیانگیزید (۷۴) بزرگانی از قومش که گردنفرازی میکردند به بعضی از مومنان که ضعیف نگهداشته شده بودند گفتند آیا شما حتم دارید که صالح از جانب پروردگارش پیغمبر است؟ گفتند ما به آنچه که محتوای رسالت اوست ایمان داریم (۷۵) گردنفرزان گفتند ما به آنچه که شما به آن ایمان آورده اید کافریم (۷۶) پس آن شتر را پی کردند و از فرمان پروردگارشان سرپیچیدند و گفتند ای صالح آنچه که وعده اش را میدهی بیاور اگر از پیامبرانی

(۷۷) پس آن لرزه آنها را بگرفت و در خانه ها شان بی جان شدند (۷۸) و او از آنها روی گرداند و گفت ای مردم رسالت پروردگارم را رساندم و برایتان خیر خواهی کردم ولیکن شما دوستدار خیرخواهان نبودید (۷۹)

و لوط آن هنگام که به قومش گفت آیا به کار زشتی که قبلا هیچکس مرتکب نشده می پردازید؟ (۸۰) برای شهوت بجای زنان به مردان رو می کنید؟ بلکه مردمی اسرافکارید (۸۱) جواب قوم او جز این نبود که آنها را از شهرتان بیرون کنید زیرا که آنها در پی پاکیزگی میباشند (۸۲) پس او و اهلش را نجات دادیم. غیر از زنش را که از بازماندگان بود (۸۳) و بارانی خاص و مهلك بر آنها بارانديم. بنگر عاقبت مجرمان چه بود (۸۴)

و بسوی مدین نیز برادرشان شعیب را فرستادیم. گفت ای مردم خداوند را عبادت کنید که خدائی جز او ندارد. البته نشانه روشنی بسویتان آمده. پس پیمانه و ترازو را تمام دهید و کالای مردم را کم ندهید و در زمین پس از اصلاحش فساد نکنید. این برایتان بهتر است اگر ایمان دارید (۸۵) و بر سر هر راهی ننشینید که مردم را بترسانید تا کسی را که به خدا ایمان آورده از راه خدا باز دارید و آن را کج بخواهید. و بیادآرید که کم بودید و خدا زیادتان کرد و ببینید عاقبت مفسدان چگونه بود (۸۶) و اگر عده ای از شما به آنچه که به آن فرستاده شده ام ایمان آوردند و عده ای هم ایمان نیاوردند صبر کنید تا خداوند بین ما حکم کند که همو بهترین داور است (۸۷) بزرگانی از گردنفرزان قوم او گفتند ای شعیب هم تو را و هم کسانی را که به تو ایمان آورده اند از شهرمان بیرون می کنیم، مگر اینکه دوباره به دین ما برگردید. گفت حتی اگر دلمان نخواهد؟ (۸۸) در آنصورت پس از اینکه خداوند ما را از دین

شما نجات داد اگر داخل آن شویم به خداوند افترای دروغ بسته ایم و سزاوارمان نیست که داخل آن شویم مگر اینکه خداوند پروردگارمان بخواهد. علم پروردگارمان همه چیز را فرا گرفته. به خدا توکل می کنیم. پروردگارا بین ما و بین قوم ما به حق مشکل را بگشای که تو بهترین گشاینده ای (۸۹) و بزرگانی از گردنفرزان کافر قومش گفتند اگر شعیب را پیروی کنید حتما از زیانکاران خواهید بود (۹۰) پس آن لرزه آنها را بگرفت. و در خانه هاشان به حالت بیجان به زانو درآمدند (۹۱) آنان که شعیب را تکذیب کردند گوئی هرگز در آنجا نبودند. آنان که شعیب را تکذیب کردند خودشان زیانکار شدند (۹۲) پس، از آنان روی گرداند و گفت ای مردم رسالت های پروردگارم را به شما رساندم و برایتان خیرخواهی کردم. اینک چگونه بر احوال مردمی کفر پیشه اندوهگین باشم؟ (۹۳)

سوره اعراف پاراگراف ۶ آیات ۹۴ تا ۱۰۲

وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالصَّرَاءِ لَعَلَّهُمْ يَضُرَّعُونَ ﴿٩٤﴾ ثُمَّ بَدَّلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ حَتَّى عَفَوْا وَقَالُوا قَدْ مَسَّ آبَاءَنَا الصَّرَاءُ وَالسَّرَاءُ فَأَخَذْنَاهُم بِغَتَّةٍ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٩٥﴾ وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٩٦﴾ أَفَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَن يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا بَيَاتًا وَهُمْ نَائِمُونَ ﴿٩٧﴾ أَوْ أَمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَن يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا ضُحًى وَهُمْ يُلْعَبُونَ ﴿٩٨﴾ أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ ﴿٩٩﴾ أَوَلَمْ يَهْدِ لِلَّذِينَ يَرِثُونَ الْأَرْضَ مِن بَعْدِ أَهْلِهَا أَن لَّوْ نَشَاءُ أَصْبَنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَنَطْبَعُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ ﴿١٠٠﴾ تِلْكَ الْقُرَىٰ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنبِيَآئِهَا وَلَقَدْ جَاءَهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا مِنْ قَبْلُ كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِ الْكَافِرِينَ ﴿١٠١﴾ وَمَا وَجَدْنَا لِأَكْثَرِهِمْ مِنْ عَهْدٍ وَإِن وَجَدْنَا أَكْثَرَهُمْ لَفَاسِقِينَ ﴿١٠٢﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف

درس: بی توجهی به خداوند و سر کشی در مقابل پیامبران مایه هلاکت در دو جهان است.

درب: فلسفه تاریخ تایید کننده «درس» فوق

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف از را دوم

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبِأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ لَعَلَّهُمْ يَضُرَّعُونَ ﴿٩٤﴾ ثُمَّ بَدَّلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ حَتَّىٰ عَفَوْا وَقَالُوا قَدْ مَسَّ آبَاءَنَا الضَّرَّاءُ وَالسَّرَّاءُ فَأَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٩٥﴾

ریزدرب: در ماقبل تاریخ، آزمون الهی اینطور ساده بود.

۲

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٩٦﴾ أَفَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَن يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا بَيِّنًا وَهُمْ نَائِمُونَ ﴿٩٧﴾ أَوَ آمَنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَن يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا ضُحًى وَهُمْ يُلْعَبُونَ ﴿٩٨﴾ أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ ﴿٩٩﴾ أَوَلَمْ يَهْدِ لِلَّذِينَ يَرِثُونَ الْأَرْضَ مِن بَعْدِ أَهْلِهَا أَن لَّوْ نَشَاءُ أَصَبْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَنَطْبَعُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿١٠٠﴾

ریزدرب: در ماقبل تاریخ ایمان و تقوا سبب رفاه و ثروت، می بود.

۳

تِلْكَ الْقُرَىٰ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنبَاءِهَا وَلَقَدْ جَاءَهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا مِن قَبْلُ كَذَٰلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِ الْكَافِرِينَ ﴿١٠١﴾ وَمَا وَجَدْنَا لِأَكْثَرِهِمْ مِّنْ عَهْدٍ وَإِن وَجَدْنَا أَكْثَرَهُمْ لَفَاسِقِينَ ﴿١٠٢﴾

ریزدرب: ای پیامبر! خطای فکری این فعالان کفر این است که فکر میکنند گویا ممکن نیست همان رفتارهای نسبت به اقوام سابق را با اینها نیز کنیم!

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لُبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳ - معنی کلماتی که جزء «آن ۲۰۰ کلمه مانوس» نیستند

(در ۵۰ سال گذشته کتاب های زیادی به بازار کتاب آمد با این محتوا که اگر این ۲۰۰ کلمه را بدانید ۸۰٪

قرآن برایتان مفهوم است، در اینجا کلماتی مورد نظر است که داخل آن مجموعه نیست)

باساء: (با توجه به خود متن و درس و درب) روزگار سخت

ضراء: همان معنی فوق

سراء: روزگار هموار، معنی عکسِ باساء و ضراء

عَفَوًا: (در آیه ۹۵) با توجه به مجموع آنچه در این تفسیر می بینید، به معنی «با نظر

اغماض به گذشته نگاهی کردند» میباشد.

۴ - از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ که ابتدای سوره است می فرماید: ای مردم! از رسولی که بسویتان آمده پیروی کنید و گرنه دچار خسران خواهید شد و مبادا جذب القائنات شیطانی شوید، که درآنصورت به تعالیم این رسول بی توجه شده و در دو جهان دچار خسران خواهید شد.

در پاراگراف ۲ اولین خطابها و هشدارها و تشریع قانون کلی به انسانهای اولیه را ذکر میفرماید.

در پاراگراف ۳ می فرماید: ای مردم! عاقبت حتمی شما فرارسیدن قیامت و ضمن ارائه ای از قسمتی از وقایع آن روز میفرماید عاقبت تان دوحالت ممکن متضاد دارد. اینک این شما هستید که راه های منتهی به هر حالت را انتخاب میکنید.

در پاراگراف ۴ گوشه‌ای از الطاف و نعمت‌های الهی را یادآوری می‌فرماید.
در پاراگراف ۵ می‌فرماید: ای مردم! به اقوام منقرض شده قبلی بنگرید! این تازه وضع دنیوی‌شان بود، وضع آخرتی‌شان را هم که میدانید! برای خویش چه می‌پسندید؟
در این پاراگراف یک قانون مهم درباره هلاکت تمدن‌های سابق را بیان می‌فرماید.

۵ - سوالات

- ۱ - در آیه ۹۴ قریه و باساء و ضراء یعنی چه؟
- ۲ - در آیه ۱۰۲ «إِنْ» به چه معنی است؟
- ۳ - ضراء و سراء در آیه ۹۵ چگونه؟
- ۴ - در آیه ۹۶ یک «قانون» الهی ذکر شده، آیا قانون مذکور امروز نیز کار میکند؟ اگر به نظر شما بله، در اثبات نظرتان یک دلیل قرآنی ذکر میکنید؟
- ۵ - قانون فوق، چنانکه از ظاهر آیه پیداست، در باره جوامع است، آنهم جوامع ماقبل تاریخ، آیا قانون فوق در همان جوامع راجع به افراد هم کار میکند؟ اگر جواب تان بله باشد دلیل قرآنی ارائه میکنید؟
- ۶ - در آیه ۱۰۱، «قبل» نسبت به چه؟
- ۷ - منظور از «عهد» در آیه ۱۰۲ چیست؟
- ۸ - منظور از سیئه و حسنه در آیه ۹۵ چیست؟
- ۹ - منظور از «مکر» خدا در آیه ۹۹ چیست؟
- ۱۰ - در همان آیه «یامن» چه معنی دارد؟
- ۱۱ - «ال» در کلمه «القری» (آیه‌های ۹۷ و ۹۸) الف لام عهد است یا جنس؟ (جواب با ذکر دلیل)

۶ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیه ۱۰۲ فهمیده میشود فعالان کفر در اقوام پیشین امکان نداشت که به پیامبران

خویش ایمان بیاورند زیرا «نان بت پرستی» را میخورند و از آیه ۹۶ (با توجه به مدلول آیه ۱۰۲) فهمیده میشود که خطاب به معاصران نزول قرآن میفرماید فکر نکنید اگر بت پرستی را رها کنید بدبخت میشوید، بلکه بهتر است نان بت پرستی را رها کنید و زندگی و معیشت پسندیده را در - حتی در همین جهان - نزد خدا و تعالیمش بیابید. و با این بیان قرآنی غوامضی از تاریخ ایام رسالت آنحضرت گشوده میشود.

۷- زاویه با تفاسیر رایج

(آیه های ۹۴ و ۹۵) : (المیزان) : آری، خدای سبحان هر پیغمبری را که به سوی امتی از آن امت‌ها می‌فرستاد به دنبال او آن امت را با ابتلای به ناملایمات و محنت‌ها آزمایش می‌کرد، تا به سویس راه یافته و به درگاهش تضرع کنند، و وقتی معلوم می‌شد که این مردم به این وسیله که خود یکی از سنت‌های نامبرده بالاست متنبه نمی‌شوند سنت دیگری را به جای آن سنت بنام "سنت مکر" جاری می‌ساخت، و آن این بود که دل‌های آنان را بوسیله قساوت و اعراض از حق و علاقمند شدن به شهوات مادی و شیفتگی در برابر زیباییهای دنیوی مهر می‌نهاد.

بعد از اجرای این سنت، سنت سوم خود یعنی "استدراج" را جاری می‌نمود، و آن این بود که انواع گرفتاریها و ناراحتی‌های آنان را بر طرف ساخته زندگیشان را از هر جهت مرفه می‌نمود، و بدین وسیله روز به روز بلکه ساعت به ساعت به عذاب خود نزدیکترشان می‌کرد، تا وقتی که همه‌شان را به طور ناگهانی و بدون اینکه احتمالش را هم بدهند به دیار نیستی می‌فرستاد،

متأسفانه موضوع فوق بکلی خطا و باطل است و نمونه اش هم خود تاریخ نبوت پیامبر عزیزمان (ص) که قرآن خالی است از موضوعی نظیر آنچه در دو آیه مذکور گفته، و علاوه بر آن مورخان نیز کوچکترین اشاره ای به وقایعی که مورد نظر قانون های سه گانه ادعائی المیزان است ندارند، زیرا چنین چیزهایی نبوده، و در مورد حضرت عیسی (ع) هم در انجیل ها چنین چیزی دیده نمیشود، و این نوع بیان (ما ارسلنا من نبی الا که حصر و بی استثنایی را میرساند) از باب کثرت موارد است نه کلیت آن (تا المیزان چنان قانونی منتزع کند) و خلاصه اینکه موضوع به طرز بیانی

قرآن (که در اینجا به روش مبالغه بیان نموده) مربوط میشود (که نزد مانیز عادی و شایع است - مثلا میگوئیم قریونت برم یا میگوئیم قدم روی چشم ما گذاشتی یا میگوئیم به انجام رسیده که همه از نوع مبالغه است و کسی واقعا منظور ندارد که قربانی دیگری شود یا اینکه کسی دیگری را دعوت کند که قدم بر چشم او بگذارد و ...)

۸ - آیات برجسته این پاراگراف

آیه ۹۶ از این لحاظ که میتواند دستور العملی برای امروز هم باشد برجستگی قابل توجهی دارد، گرچه ممکن است کسانی منکر کاربری مدلول آیه مذکور در امروز باشند، که البته این موضوع بحثی می برد که محل آن در اینجا نیست.

۹ - کدام مطالب این پاراگراف «بی ربط» به نظر میرسد؟

آیات ۹۶ تا ۱۰۰ چنین حالتی دارند، اما اگر به وضعیت «پرانتزی» بودن آنها توجه کنیم خواهیم دانست که واقعا به صدر و ذیل خویش ربط وثیقی دارند.

۱۰ - در این پاراگراف، کدام فقرات، فوق ذهنیات معاصران نزول است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه های ۹۴ و ۹۵ که به یک قانون الهی در مورد تمدن های ماقبل تاریخ اشاره دارد، از لحاظ فوق، نه تنها بالاتر از فهم معاصران نزول بوده است، بلکه، چون مفسران سلف (تا حالا) از این زاویه دید به آن نپرداخته اند، بالاتر از فهم آنها نیز بوده است، چه رسد به معاصران نزول سوره.

۱۱ - محور های ثابت قرآنی

آیات ۹۷ تا ۱۰۰ حامل معنائی است که همان معنا فارغ از الفاظ و کلماتی که بر آنها بارشده، و مصادیقی که برایش ذکر شده، در کل قرآن بارها تکرار شده است، و لذا یکی از محور های ثابت کلام وحی میباشد.

۱۲ - در این پاراگراف کدام آیه الهامبخش ایجاد چه علمی شده؟

هم جرج سارتن و هم ویل دورانت مدعن و معترف اند که علم «فلسفه تاریخ» در تمدن های کهن (یونان، رُم، و ایران باستان) نبوده، و در دوره تمدن اسلامی توسط ابن خلدون ابداع شده،

در قرآن در چندین جا آیاتی وجود دارد که در هریک به وجهی از وجوه فلسفه تاریخ پرداخته،

اگر نگوئیم این آیات و سایر آیات فلسفه تاریخی الهامبخش ابن خلدون بوده اند، شما برای ابن خلدون چه مآخذی را برای الهامات او و پیدا کردن نگاه فلسفه تاریخی او پیشنهاد میکنید؟

۱۳ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

ذکر فلسفه تاریخ که تایید کننده این مطلب است: بی توجهی به خداوند و سرکشی در مقابل پیامبران مایه هلاکت دو جهان است.

۱۴ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریباً تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

اصلی-فرعی:

اگر انتهای آیه ۹۵ را مستقیماً به ابتدای آیه ۱۰۲ وصل نماییم می بینیم روال سخن صاف و یکدست و بی دست انداز میشود. از اینجا معلوم می شود آیات ۹۶ تا ۱۰۰

بدون اینکه فرع بر آیه‌ای باشند پُرانتزی هستند.

دریافت های مستقیم و کوتاه

از آیه ۹۸ فهمیده میشود در قدیم، به عکس امروزه، تفریحات مردم در روزها و در اوقات نزدیک به ظهرها انجام میشده است.
از انتهای آیه ۱۰۲ فهمیده میشود قاطبه اهالی اقوام پیشین مستوجب عذابِ هلاکت نبوده اند و اقلیتی از آنها جزء صالحان بوده اند و چنانکه از قصه های قرآنی فهمیده میشود، جزء نجات یافتگان بوده اند.

فعل خداوند قانونمند است

آیات ۹۴ تا ۹۸ و ۱۰۰ و ۱۰۱ محل توجه به تیترا فوق است.

فلسفه تاریخ

در این پاراگراف، «فلسفه تاریخ» گفته می‌شود.
چنانکه در پاراگراف های قبل، یعنی قسمت های مربوط به قوم نوح و عاد و ثمود و لوط و صالح، دیدیم، ترجیع بند «دعوت به توحید، تکذیب و استکبار، نزول عذابِ هلاکت»، تکرار می‌گردد.
با توجه به دو آیه ۹۴ و ۹۵ معلوم می‌شود نوعاً مردم قدیم در همه شهرها، با پیامبران‌شان مخالفت می‌کردند و گرنه لحن عام بدون استثناء آیه ۹۴ موجه نبود.
با توجه به آیه ۹۵ معلوم می‌شود همه اقوام قبلی از لحاظ محکوم بودن به چنین مکانیزمی با یکدیگر مشابهت داشتند.
اما این هم هست که این مطلب به همان سادگی که از ظاهر آیه‌های ۹۴ و ۹۵ فهمیده می‌شود نیست زیرا:

۱- در قرآن کریم این نکته نیز هست که حضرت نوح (ع) نهصد و پنجاه سال پیامبری کرد. بنابراین مکانیزمی که در آیه‌های ۹۴ و ۹۵ مطرح شده لزوماً لازم نیست خلق الساعه و سریع‌الاتفاق باشد. لاقلاً اینکه آن حالت (یعنی تکذیب و

مخالفت و عناد، در ابتدای پیامبری او نبوده)

۲- در این سوره پس از این پاراگراف، داستان حضرت موسی(ع) می‌آید. چرا خداوند داستانهای نوح و عاد و ثمود و لوط و صالح(ع) را نقل نمود و سپس «فلسفه تاریخ» فرمود و پس از آن به داستان موسی(ع) اشاره نمود؟ چه بسا به این خاطر باشد که داستان موسی در «دوره تاریخی» اتفاق افتاده اما داستان آن پیامبران مربوط به «ما قبل تاریخ» است، و «فلسفه تاریخ دوره تاریخی» با «فلسفه تاریخ دوره ماقبل تاریخ» فرق دارد!

حقیقت این است که باید چنین فرضیه‌ای را بپذیریم، زیرا مکانیزم مطرح شده در آیه‌های ۹۴ و ۹۵ درباره تاریخ اسلام هم صادق نیست. و حتی اگر دامنه این فکر را کمی بازتر بکنیم درباره مسیحیت نیز نشانی از آن نمی‌بینیم و حتی راجع به کل انبیاء بنی اسرائیل هم این مطلب را نمی‌بینیم، غیر از زمان خود حضرت موسی(ع) که آنهم راجع به خود فرعون و سپاهیان‌ش مصداق پیدا کرده است نه راجع به کل مردم مصر.

۳- اینکه پاراگراف بعد اینطور شروع می‌شود که «سپس بعد از آنها موسی را برانگیختیم ...» نیز موید این فرضیه است زیرا گویا این «فلسفه تاریخ» مطرح در این پاراگراف، حلقه وسط زنجیر نبوت است که حضرت موسی(ع) را که مربوط به «دوره تاریخی» است، از دوره انبیاء پیشین جدا می‌کند.

۴- چیزی که ما در پاراگراف‌های قبل دیدیم، (یعنی مربوط به قوم نوح و عاد و ثمود و لوط و مدین) مربوط به «آخر دوره» آنها بود. آیا وضعیت قوم نوح در طی نهصد و پنجاه سال عین آخر آن دوره بود؟ آیا قوم لوط از همان اول پیدایش شهر و تمدن خویش منحرف جنسی بودند یا اینکه این جریان مربوط به اواخر دوره آنها بود؟ و همچنین درباره اقوام دیگر جای همین سؤال هست. بنابراین، چاره‌ای نداریم که این دو نکته را بپذیریم که مکانیزم مطرح شده در آیه- های ۹۴ و ۹۵ :

۱- مربوط به دوره ماقبل تاریخ است؛ ۲- مربوط به اواخر عمر هر «قریه» (= تمدن) است.

یعنی اینکه بطور خلاصه هر «قریه» (= تمدن) سه مرحله دارد:

۱- مرحله اول که شروع آن تمدن است و پیامبر مربوط به این مرحله، نقش آموزش و هدایت دارد. ۲- مرحله دوم که آغاز انحراف است. ۳- مرحله سوم که آخر عمر آن تمدن است و آیات ۹۴ و ۹۵ ناظر بر این مرحله است.

«تکذیب قبلی» در آیه ۱۰۱ یعنی چه؟

عبارت دیگر این «قبلاً» مربوط به چه زمانی است؟

یعنی «قبل از چه اتفاقی» آنها تکذیب کرده بودند؟ توجه به این نکته نیز عرایض فوق را تأیید می‌کند.

توضیحاً عرض می‌کنیم که اگر فرضیه مذکور را بپذیریم که این آیات «فلسفه تاریخ» ناظر به اقوام «ماقبل تاریخ» و همچنین ناظر به اواخر عمر تمدن آنان است، آنها با نوع زندگی خویش بطور عملی در جهت خلاف تعالیم انبیاء راه می‌سپردند یعنی به آن «تکذیب عملی» عادت کرده بودند و لذا نمی‌توانستند ضمن تکذیب عملی جا افتاده، تصدیق زبانی هم بکنند.

بنابراین، «قبل» مورد بحث عبارت است از «قبل از ظهور پیامبران مربوط به آخرین دوره تمدن آنها».

«عهد» مطرح شده در آیه ۱۰۲ چه بوده؟

آنها کدام «عهد»ی را بسته بودند که دیگر به آن پابند نبودند؟

توجه به این نکته نیز همان فرضیه فوق‌الذکر را تأیید می‌کند.

برای توضیح باید به این نکته بدیهی توجه کنیم که هیچ اجتماع بشری شکل نمی‌گیرد مگر اینکه براساس یکنوع «توافق عمومی» بوده باشد.

شبیه به چیزی که امروز به آن «قانون اساسی» می‌گوئیم.

البته این «قانون اساسی اولیه» در زمانهای ماقبل تاریخ، می‌توانست یک چیز غیر مکتوب باشد اما نمی‌توانست وجود نداشته باشد زیرا معقول نیست.

و معمولاً قوانین اساسی در ابتدا براساس عدالت و مساوات در حقوق و مسئولیت ها و برابری حقوق قانونی شکل می‌گرفته، و اگر غیر از این باشد چرا مردم باید با هم «جمع» شوند؟ معنی ندارد چند نفر با یکدیگر تشکیل جمعیتی بدهند اما از همان اول با هم توافق کنند که بعضی از آنها نسبت به بعضی دیگر «حقوق و مزایای انسانی و اجتماعی بیشتر»، و «مسئولیت کمتر» داشته باشد.

اما کم کم بعضی‌ها بدنبال کسب امتیازات بیشتر، قانون اساسی اولیه را در جهت منافع خود دستکاری می‌کردند و این دستکاری با مرور زمان بیشتر و بیشتر می‌شد تا می‌رسید به آنجا که دیگر آن جامعه قابل دوام نبود. در این حال، پیامبران مرحله آخر عمر تمدن آنها، هشدار می‌دادند اما همان صاحبان امتیازات بیشتر برای حفظ امتیازات خویش تمام اهرمهای قدرت را در جهت مقابله با آن پیامبران تجهیز می‌کردند.

لذا اینکه می‌فرماید آنها نمی‌توانستند چیزی را که قبلاً (بطور عملی) تکذیب کرده بودند تصدیق کنند راجع به این دوره است و نیز آیه ۱۰۲ که می‌فرماید آنها را پایبند به «عهد» نیافتیم نیز همان «عهد»ی است که مایه اصلی اتحاد و اتفاق و هسته شکل‌گیری تمدن آنها بود.

ترجمه آزاد تفسیری

ای پیامبر! در اواخر عمر هیچ تمدنی از تمدنهای ماقبل تاریخ، هیچ پیغمبری نفرستادیم مگر اینکه اهالی آنها را پس از گوش ندادن به پیامبرشان به سختی و ناراحتی دچار نمودیم تا توبه و تضرع کنند که البته متنبه نشده و توبه و اظهار پشیمانی نمی‌کردند (۹۴) لذا بجای چیزهائی که به نظرشان ناراحتی بود، برایشان چیزهایی را که خوش می‌داشتند، پیش می‌آوردیم تا اینکه خوشحالی می‌کردند و

میگفتند این که چیز مهمی نبود و به پدرانمان نیز همواری و سختی رسیده بود. اما در این حال غفلت ناگهان آنها را برمیگرفتیم در حالیکه متوجه نبودند (۹۵) و البته اگر اهالی آن تمدن ها ایمان می آوردند و تقوا پیشه میکردند حتما درهای نعمت های بسیار زیادی را از آسمان و زمین برویشان میگشودیم ولیکن تکذیب میکردند و آنها را بسبب آنچه که انجام میدادند برمیگرفتیم (۹۶) آیا اهالی آن تمدن ها ایمن بودند که سختی ما در هنگام خواب شبانه بر آنها در آید؟ (۹۷) آیا اهالی آن تمدن ها ایمن بودند که سختی ما در هنگام ظهر که مشغول تفریح بودند بر آنها در آید؟ (۹۸) آیا از مکر خدا ایمن بودند؟ البته کسی خود را از مکر خدا ایمن بداند از خسارت پیشگان خواهد بود (۹۹) ای پیامبر! آیا این معاصرانت که پس از آنها وارث آن سرزمین ها شدند به این نکته راه نیافتند که اگر بخواهیم به سبب گناهانشان آنها را نیز فرو میگیریم و بر دلهاشان مهر میزنیم که دیگر سخن حق را نتوانند شنید؟ (۱۰۰) ای پیامبر! این سرگذشت تمدن هائی مانند قوم نوح و عاد و ثمود و لوط و مدین است که برایت گفته ایم و البته پیامبرانشان با دلایل روشن بسویشان آمده بودند، اما آنها اینطور نبودند که به چیزی که قبلا عملا تکذیبش کرده بودند بطور زبانی ایمان بیاورند و خداوند بر دلهای کافران چنین مهر میزند (۱۰۱) و ما در اکثر آنها هیچ پابندی به آن پیمانی که سبب ایجاد تمدنشان بود ندیدیم و اکثرشان را هم از فاسقان یافتیم (۱۰۲)

اعراف ٧ آيات ١٠٣ تا ١٣٧

ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ مُوسَى بِآيَاتِنَا إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَظَلَمُوا بِهَا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ ﴿١٠٣﴾ وَقَالَ مُوسَى يَا فِرْعَوْنُ إِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٠٤﴾ حَقِيقٌ عَلَى أَنْ لَا أَقُولَ عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقُّ قَدْ جِئْتُكُمْ بِبَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَرْسِلْ مَعِيَ بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿١٠٥﴾ قَالَ إِنْ كُنْتَ جِئْتَ بِآيَةٍ فَإِنَّكَ إِن كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿١٠٦﴾ فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُبِينٌ ﴿١٠٧﴾ وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاطِرِينَ ﴿١٠٨﴾ قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ ﴿١٠٩﴾ يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ فَمَازَا تَأْمُرُونَ ﴿١١٠﴾ قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَأَرْسِلْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ ﴿١١١﴾ يَأْتُوكَ بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ ﴿١١٢﴾ وَجَاءَ السَّحَرَةُ فِرْعَوْنَ قَالُوا إِنَّ لَنَا لَأَجْرًا إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ ﴿١١٣﴾ قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ ﴿١١٤﴾ قَالُوا يَا مُوسَى إِمَّا أَنْ تُلْقِيَ وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ نَحْنُ الْمُلْقِينَ ﴿١١٥﴾ قَالَ أَلْقُوا فَلَمَّا أَلْقَوْا سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ وَاسْتَرْهَبُوهُمْ وَجَاءُوا بِسِحْرٍ عَظِيمٍ ﴿١١٦﴾ وَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ ﴿١١٧﴾ فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١١٨﴾ فَغُلِبُوا هُنَالِكَ وَانْقَلَبُوا صَاحِرِينَ ﴿١١٩﴾ وَأَلْقَى السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ ﴿١٢٠﴾ قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٢١﴾ رَبِّ مُوسَى وَهَارُونَ ﴿١٢٢﴾ قَالَ فِرْعَوْنُ آمَنْتُمْ بِهِ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّ هَذَا لَمَكْرٌ مَكْرُمُهُ فِي الْمَدِينَةِ لِتُخْرِجُوا مِنْهَا أَهْلَهَا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿١٢٣﴾ لَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ ثُمَّ لَأُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمِيعَ ﴿١٢٤﴾ قَالُوا إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ ﴿١٢٥﴾ وَمَا نَقِمْ مِنْهَا إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِآيَاتِ رَبِّنَا لَمَّا جَاءَنَا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَوَقَّنا مُسْلِمِينَ ﴿١٢٦﴾ وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَتَنْتَرُونَ مُوسَى وَقَوْمَهُ لِيُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَيَذَرَكَ وَأَهْلَكَ قَالَ سَنَقَتِّلَ أَبْنَاءَهُمْ وَنَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ وَإِنَّا فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ ﴿١٢٧﴾ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ﴿١٢٨﴾ قَالُوا أَوْذَيْنَا مِنْ قَبْلُ أَنْ تَأْتِيَنَا وَمِنْ بَعْدِ مَا جِئْتَنَا قَالَ عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يُهْلِكَ عَدُوَّكُمْ وَيَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ ﴿١٢٩﴾ وَلَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّبْيِ وَنَقَصْنا مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَذْكُرُونَ ﴿١٣٠﴾ فَإِذَا جَاءَهُمُ الْحَسَنَةُ

قَالُوا لَنَا هَذِهِ وَإِنْ تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ يَطَّيَّرُوا بِمُوسَى وَمَنْ مَعَهُ أَلَا إِنَّمَا طَائِرُهُمْ عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٣١﴾ وَقَالُوا مَهْمَا تَأْتِنَا بِهِ مِنْ آيَةٍ لَتَسْحَرَنَا بِهَا فَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ ﴿١٣٢﴾ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَالْجَرَادَ وَالْقُمَّلَ وَالضَّفَادِعَ وَالْدَّمَ آيَاتٍ مُفَصَّلَاتٍ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُجْرِمِينَ ﴿١٣٣﴾ وَلَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ الرِّجْزُ قَالُوا يَا مُوسَى ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ لَئِنْ كَشَفْتَ عَنَّا الرِّجْزَ لَنُؤْمِنَنَّ لَكَ وَلَنُرْسِلَنَّ مَعَكَ بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿١٣٤﴾ فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الرِّجْزَ إِلَى أَجَلٍ هُمْ بِالْعُودَةِ إِذَا هُمْ يَنْكُتُونَ ﴿١٣٥﴾ فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ ﴿١٣٦﴾ وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا فَمَتَّ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَى عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَدَمَرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا يَعْرُشُونَ ﴿١٣٧﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:
درس: بی توجهی به خداوند و سر کشی در مقابل پیامبران مایه هلاکت دو جهان است.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:
درب: فرعونیان نیز مانند اقوام هلاک شده قبلی رفتار کردند و هلاک شدند.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

چنانکه تاکنون دیده اید، در هر پاراگراف تفسیری، عصاره محتوای پاراگراف را از یک «راه دوم» نیز استخراج میکردیم، که معمولاً دیده میشد مطابقت معنا داری با استخراج از راه اول داشت.

اما، در پاراگراف هائی که کاملاً «داستانی» است، ضرورتی در این کار احساس نمیشود، زیرا فهم پاراگراف های داستانی بسیار آسانتر است، و چون ما اهل صفحه زیاد کردن نیستیم، و با توجه به کیفیت خوانندگان مان رعایت اختصار را ترجیح میدهیم، در این نوع پاراگراف ها از آن صرفنظر میکنیم.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ که ابتدای سوره است می فرماید: ای مردم! از رسولی که بسویتان آمده پیروی کنید وگرنه دچار خسران خواهید شد و مبدا جذب القائنات شیطانی شوید، که درآنصورت به تعالیم این رسول بی توجه شده و در دو جهان دچار خسران خواهید شد.

در پاراگراف ۲ اولین خطابها و هشدارها و تشریع قانون کلی به انسانهای اولیه را ذکر میفرماید.

در پاراگراف ۳ می فرماید: ای مردم! عاقبت حتمی شما فرارسیدن قیامت و ضمن ارائه ای از قسمتی از وقایع آن روز میفرماید عاقبت تان دوحالت ممکن متضاد دارد. اینک این شما هستید که راه های منتهی به هر حالت را انتخاب میکنید.

در پاراگراف ۴ گوشه‌ای از الطاف و نعمت‌های الهی را یادآوری می فرماید.

در پاراگراف ۵ می فرماید: ای مردم! به اقوام منقرض شده قبلی بنگرید! این تازه وضع دنیوی شان بود، وضع آخرتی شان را هم که میدانید! برای خویش چه می پسندید؟

در پاراگراف ۷ یک قانون مهم درباره هلاکت تمدن های سابق را بیان می فرماید.

در این پاراگراف می فرماید: ای مسلمانان! نه این کفار از فرعون و نیروهایش قوی تر اند و نه این پیامبر کمتر مورد تاییدات الهی است، پس، دل خوش دارید شاید پیروزی تان نزدیک باشد.

۴- پیشگویی های تحقق یافته

در آیات ۱۰۳ تا ۱۳۷ با ذکر داستان موسی و فرعون که آنحضرت و پیروانش نجات و فرعون و فرعونیان اضمحلال یافتند، تلویحا وعده موفقیت آنحضرت را میدهد.

۵ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه های ۱۰۷ و ۱۰۸ از آنجا که مکانیزمش هنوز برای ما انسانهای قرن بیست و یکمی روشن نشده، فوق ذهنیات ما است چه رسد به عرب ۱۴۰۰ سال قبل. همچنین است موضوع آیه های ۱۱۶ تا ۱۱۸. و آیه های ۱۳۰ تا ۱۳۷.

۶ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

فرعونیان نیز مانند اقوام هلاک شده قبلی رفتار کردند و هلاک شدند.

۷ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها، تقریباً تمام عناصر این پاراگراف مسبوق به سابقه در سوره های قبلی است، غیر از آیات ۱۳۰ تا ۱۳۵ که «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

به زبان مخاطب

در آیه ۱۳۱ حسنه و سیئه به زبان مخاطب است، یعنی به ترتیب: «چیزی که حسنه می پنداشتند» و «چیزی که سیئه می پنداشتند»

حوصله عجیب الهی

آیات ۱۳۴-۱۳۰: خشکسالی و کمبود میوه جات ذکر شده، و نیز مطالب بعد تا آیه ۱۳۴ نشان می دهد که بین «قضیه جادوگران» تا «برخورد نهائی» سالهای زیادی طول کشیده است.

آیه ۱۳۲: در سوره‌های اسراء و نمل دیدیم که معجزاتی که حضرت موسی، برای وادار نمودن قوم فرعون به ایمان، می‌آورده تُه مورد بوده است. معجزاتی هم که تاکنون در این سوره از حضرت موسی سراغ داریم اینهاست:

۱- عصا،

۲- دستِ سفید شونده،

۳- خشکسالی،

۴- کمبود محصولات،

۵- طوفان،

۶- ملخ،

۷- شپشک،

۸- قورباغه،

۹- خون.

آیه ۱۳۷: اینکه فرموده «آنچه را که فرعون و قومش ساخته و پرداخته بودند و آنچه که بالا برده بودند ویران نمودیم» یعنی چه؟ ظاهراً چنین بنظر می‌رسد که منظور از «فرعون»، آن فرعونی باشد که همزمان با موسی(ع) بوده. (یعنی رامسس دوم یا «رَعْ مَسیس» دوم) و اگر این تلقی درست باشد می‌باید ساخته‌های او ویران شده باشد نه ساخته‌های کل فراعنه. و البته «ساخته»، اعم است از فیزیکی و اجتماعی.

ترجمه تفسیری آزاد

آنگاه پس از آنها موسی را با آیاتمان بسوی فرعون و بزرگانش برانگیختیم، و آنها به آن آیات ظلم کردند. پس بنگر عاقبت مفسدان چه شد (۱۰۳)

و موسی گفت ای فرعون من فرستاده ای از جانب پروردگار جهانیان هستم (۱۰۴)
بر من فرض است که راجع به خداوند جز حق نگویم و البته با دلیل روشنی از جانب

پروردگارتان بسویتان آمده ام پس بنی اسرائیل را با من بفرست (۱۰۵) گفت اگر نشانه ای داری بیاور اگر راست میگوئی (۱۰۶) و او عصایش را انداخت و فوراً به اژدهائی آشکار تبدیل شد (۱۰۷) و دستش را بیرون آورد، پس فوراً برای ناظران سفید گردید (۱۰۸) بزرگانی از قوم فرعون گفتند او یک جادوگردانشمند است (۱۰۹) که میخواهد شما را با جادویش از سرزمینتان بیرون کند پس چه میفرمائید؟ (۱۱۰) آنها خطاب به فرعون گفتند او و برادرش را بازداشت کن و ماموران جمع آوری را به شهرها بفرست (۱۱۱) که همه جادوگران متخصص را برایت بیاورند (۱۱۲) و جادوگران بسوی فرعون آمدند، گفتند البته برایمان پاداشی خواهد بود اگر غالب شدیم؟ (۱۱۳) گفت بله و البته شما صاحب مقام نزدیک به من خواهید بود (۱۱۴)

گفتند ای موسی تو آنچه در بساطت داری می اندازی یا ما اول بیاندازیم؟ (۱۱۵) گفت بیاندازید. پس هنگامی که انداختند چشمان مردم را سحر کردند و آنها را ترساندند و جادوی عظیمی براه انداختند (۱۱۶) و بموسی وحی کردیم که عصایت را بیانداز که فوراً آنچه را که آنها ساخته بودند بلعید (۱۱۷) پس حق جا افتاد و آنچه انجام میدادند باطل گشت (۱۱۸) و در آنجا مغلوب شدند و خوار و خفیف گردیدند (۱۱۹)

و جادوگران به سجده افتادند (۱۲۰) گفتند به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم (۱۲۱) پروردگار موسی و هارون (۱۲۲) فرعون گفت به او ایمان آوردید قبل از اینکه اجازه تان دهم؟ این حتماً توطئه تان در این شهر است که اهالی آنرا از آن بیرون کنید، پس بزودی خواهید فهمید (۱۲۳) دستها و پاهایتان را برعکس یکدیگر قطع

خواهم کرد آنگاه همگی تان را بدار خواهم کشید (۱۲۴) گفتند بسوی پروردگارمان رو خواهیم نمود (۱۲۵) و تو نیز فقط به این خاطر از ما انتقام میکشی که به آیات پروردگارمان، وقتی که بسویمان آمده، ایمان آورده ایم. پروردگارا به ما پایداری عنایت فرما و ما را مسلم دریافت کن (۱۲۶)

پس از این واقعه، بزرگانی از قوم فرعون گفتند آیا میگداری موسی و قومش در زمین فساد کنند و تو و خدایانت را وانهند؟ گفت بزودی پسرانشان را می کشم و زنانشان را زنده میگذارم و البته ما بر آنها چیره ایم (۱۲۷)

موسی به قومش گفت از خداوند یاری بخواهید و صبر کنید. زمین مال خداست. به هر کس از بندگان که خواهد میدهد و عاقبت از آن اهل تقواست (۱۲۸) گفتند ای موسی قبل از اینکه بیائی اذیت میشدیم و پس از آن نیز اذیت میشویم، گفت چه بسا که پروردگارتان دشمنتان را نابود، و شما را در آن سرزمین جایگزین نموده و نظاره کند که چگونه رفتار می کنید (۱۲۹)

و البته فرعونیان را به خشکسالی و کمبود میوه جات بگرفتیم شاید پند گیرند (۱۳۰) پس هنگامی که چیز خوشایندی بسویشان می آمد میگفتند این مربوط به ماست و اگر چیز ناخوشایندی به آنان میرسید به موسی و همراهان او فال بد میزدند. هلا! جز این نیست که فال بدشان نزد خداوند بود ولیکن اکثرشان نمیدانند (۱۳۱) و گفتند هر قدر هم که معجزه برایمان بیاوری که با آن سحرمان کنی به تو ایمان نخواهیم آورد (۱۳۲) پس بسویشان طوفان و ملخ و شپشک و قورباغه و خون را بعنوان نشانه هائی جدا جدا فرستادیم اما باز هم گردنفرازی کردند و قومی

گناهکار شدند (۱۳۳) و هنگامی که آن عذاب بر آنها فرود آمد گفتند پروردگارت را به آن عهدهی که نزد توست بخوان که اگر این عذاب را از ما کنار بزند حتما به تو ایمان می آوریم و بنی اسرائیل را همراهت می فرستیم (۱۳۴) پس هنگامی که آن عذاب را تا سرآمدی که به آن رسیدند برطرف کردیم فوراً عهد شکنی کردند (۱۳۵) از آنها انتقام گرفتیم و در آن دریا غرقشان کردیم زیرا که آیاتمان را تکذیب کردند و از آنها غافل گردیدند (۱۳۶)

و به آن قومی که ضعیف نگهداشته شده بودند مشرق و مغرب های آن زمین را که در آن برکت نهاده بودیم به ارث دادیم و کلمه نیکوی پروردگارت نسبت به بنی اسرائیل بسبب صبری که کردند کامل شد و آنچه را که فرعون و قومش میساختند زیر و رو کردیم (۱۳۷)

اعراف ٨ آيات ١٣٨ تا ١٦٢

وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَآئِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَى أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ ﴿١٣٨﴾ إِنَّ هَؤُلَاءِ مَتَرٌ مِمَّا هُمْ فِيهِ وَيَاطِلُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٣٩﴾ قَالَ أَغَيْرَ اللَّهِ أَبْغِيكُمْ إِلَهًا وَهُوَ فَضَّلَكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿١٤٠﴾ وَإِذْ أَخْبَيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُقْتُلُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ ﴿١٤١﴾ وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فِتْمٍ مِيقَاتٍ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ ﴿١٤٢﴾ وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي الْجِبِلَّ فَإِنِ اسْتَفَرُّ مَكَانَهُ فَسَوِّفَ تَرَانِي فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَى صَعِقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٤٣﴾ قَالَ يَا مُوسَى إِنِّي اصْطَفَيْتُكَ عَلَى النَّاسِ بِرِسَالَتِي وَبِكَأَمْرِي فَخُذْ مَا آتَيْتُكَ وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ ﴿١٤٤﴾ وَكَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَابِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْعِظَةً وَتَفْصِيلًا لِكُلِّ شَيْءٍ فَخُذْهَا بِقُوَّةٍ وَأْمُرْ قَوْمَكَ يَأْخُذُوا بِأَحْسَنِهَا سَأُرِيكُمْ دَارَ الْفَاسِقِينَ ﴿١٤٥﴾ سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِنْ يَرَوْا كَلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْغَيِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَبُوا بآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ ﴿١٤٦﴾ وَالَّذِينَ كَذَبُوا بآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٤٧﴾ وَاتَّخَذَ قَوْمُ مُوسَى مِنْ بَعْدِهِ مِنْ خَلْقِهِمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُوَارٌ أَلَمْ يَرَوْا أَنَّهُ لَا يَكْلُمُهُمْ وَلَا يَهْدِيهِمْ سَبِيلًا اتَّخَذُوهُ وَكَانُوا ظَالِمِينَ ﴿١٤٨﴾ وَلَمَّا سَقَطَ فِي أَيْدِيهِمْ وَرَأَوْا أَنَّهُمْ قَدْ ضَلُّوا قَالُوا لَئِنْ لَمْ يَرْحَمْنَا رَبُّنَا وَيَغْفِرْ لَنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿١٤٩﴾ وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ بِئْسَمَا خَلَفْتُمُونِي مِنْ بَعْدِي أَعَجِلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ وَأَلْقَى الْأَلْوَابَ وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ قَالَ ابْنَ أُمِّ إِبْنِ الْقَوْمِ اسْتَصْعَفُونِي وَكَادُوا يَقْتُلُونِي فَلَا تُشْمِتُ بِيَ الْأَعْدَاءَ وَلَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿١٥٠﴾ قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِأَخِي وَأَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ﴿١٥١﴾ إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ سَيَنَاهُمْ غَضَبٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَذِلَّةٌ فِي

الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُفْتَرِينَ ﴿١٥٢﴾ وَالَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِهَا وَآمَنُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَعَلُّهُمْ رَحِيمٌ ﴿١٥٣﴾ وَلَمَّا سَكَتَ عَنْ مُوسَى الْغَضَبَ أَخَذَ الْأَلْوَابَ وَفِي نُسُخَتِهَا هُدًى وَرَحْمَةٌ لِلَّذِينَ هُمْ لِرَبِّهِمْ يَرْهَبُونَ ﴿١٥٤﴾ وَاخْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِمِيقَاتِنَا فَلَمَّا أَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ قَالَ رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُمْ مِنْ قَبْلِ وَإِثَارِي أَهْلَكُنَا بِمَا فَعَلَ السَّفَهَاءُ مِنَّا إِنَّ هِيَ إِلَّا فِتْنَتُكَ تُضِلُّ بِهَا مَنْ تَشَاءُ وَتَهْدِي مَنْ تَشَاءُ أَنْتَ وَلِيُّنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ ﴿١٥٥﴾ وَكُتِبَ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَفِي الْآخِرَةِ إِنَّا هُنَا إِلَيْكَ قَالِ عَذَابِي أَصِيبُ بِهِ مَنْ أَشَاءُ وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٥٦﴾ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَهُوَ الْحَقُّ عَلَيْهِمُ الْحَيَاتِ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿١٥٧﴾ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَآمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١٥٨﴾ وَمِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ ﴿١٥٩﴾ وَقَطَعْنَا لَهُمْ آسَافًا أَمَّا وَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى إِذِ اسْتَسْقَاهُ قَوْمُهُ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرَبَهُمْ وَطَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوَى كُلُّوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿١٦٠﴾ وَإِذْ قِيلَ لَهُمْ اسْكُنُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ وَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ وَقُولُوا حِطَّةً وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا نَغْفِرْ لَكُمْ خَطِيئَاتِكُمْ سَتَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٦١﴾ فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَظْلِمُونَ ﴿١٦٢﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:

طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: بی توجهی به خداوند و سرکشی در مقابل پیامبران مایه هلاکت دو جهان است.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: بنی اسرائیل پس از آزادی شان توسط حضرت موسی نسبت به تعالیم پیامبرشان نافرمانی های عظیم نمودند.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَى أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ ﴿١٣٨﴾ إِنَّ هَؤُلَاءِ مُمْتَرٍ مَّا هُمْ فِيهِ وَبَاطِلٌ مَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٣٩﴾ قَالَ أَغَيْرَ اللَّهِ أَبْغِيكُمْ إِلَهًا وَهُوَ فَضَّلَكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿١٤٠﴾ وَإِذْ أَخْبَيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُقْتُلُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ ﴿١٤١﴾

ریز درب: بنی اسرائیل به محض آزادی از یوغ فرعون به سرکشی پرداختند.

۲

وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فِتْنٍ مِيقَاتٍ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ ﴿١٤٢﴾ وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرْ إِلَيْكَ قَالَ لَنْ تَرَانِي وَلَكِنْ انْظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَى صَعِقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ ثُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ

الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٤٣﴾ قَالَ يَا مُوسَى إِنِّي اصْطَفَيْتُكَ عَلَى النَّاسِ بِرِسَالَتِي وَبِكَلَامِي فَخُذْ مَا آتَيْتُكَ وَكُن مِّنَ الشَّاكِرِينَ ﴿١٤٤﴾ وَكَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَابِ مِن كُلِّ شَيْءٍ مَّوْعِظَةً وَتَفْصِيلًا لِّكُلِّ شَيْءٍ فَخُذْهَا بِقُوَّةٍ وَأْمُرْ قَوْمَكَ يَأْخُذُوا بِأَحْسَنِهَا سَأُرِيكُمْ دَارَ الْفَاسِقِينَ ﴿١٤٥﴾ سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِن يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِن يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِن يَرَوْا سَبِيلَ الْغَيِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ ﴿١٤٦﴾ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ حَبِطَتْ أُعْمَالُهُمْ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٤٧﴾

ریزدرب: موسی (ع) پس از ماموریت اولیه آموزش تکمیلی دریافت نمود.

۳

وَاتَّخَذَ قَوْمُ مُوسَى مِن بَعْدِهِ مِنْ خَلِيلِهِمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُورٌ أَلَمْ يَرَوْا أَنَّهُ لَا يُكَلِّمُهُمْ وَلَا يَهْدِيهِمْ سَبِيلًا اتَّخَذُوهُ وَكَانُوا ظَالِمِينَ ﴿١٤٨﴾ وَلَمَّا سَقَطَ فِي أَيْدِيهِمْ وَرَأَوْا أَنَّهُمْ قَدْ ضَلُّوا قَالُوا لَئِن لَّمْ يَرْحَمْنَا رَبُّنَا وَيَغْفِرْ لَنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿١٤٩﴾ وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ بِئْسَمَا خَلَفْتُمُونِي مِن بَعْدِي أَعَجِلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ وَأَلْقَى الْأَلْوَابَ وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ قَالَ ابْنُ أُمِّ إِبْرَاهِيمَ اتَّبِعْنِي فَإِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّوْنِي وَكَادُوا يَقْتُلُونِي فَلَأ تُثَمِّتَ بِي الْأَعْدَاءُ وَلَا تَجْعَلَنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿١٥٠﴾ قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِأَخِي وَأَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ﴿١٥١﴾ إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ سَيَنَالُهُمْ غَضَبٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَذَلَّةٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُفْتَرِينَ ﴿١٥٢﴾ وَالَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ ثُمَّ تَابُوا مِن بَعْدِهَا وَآمَنُوا إِنَّ رَبَّكَ مِن بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٥٣﴾

ریزدرب: بنی اسرائیل پس از آزادی شان توسط حضرت موسی و در اندک زمان غیبت او نسبت به تعالیم پیامبرشان نافرمانی های عظیم نمودند.

۴

وَلَمَّا سَكَتَ عَن مُّوسَى الْغَضَبُ أَخَذَ الْأَلْوَابَ وَفِي نُسْحَتِهَا هُدًى وَرَحْمَةٌ لِلَّذِينَ هُم لِرَبِّهِمْ يَرْهَبُونَ

﴿١٥٤﴾ وَاخْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِّمِيقَاتِنَا فَلَمَّا أَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ قَالَ رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُم مِّن قَبْلُ وَإِيَّايَ أَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاءُ مِنَّا إِنَّ هِيَ إِلَّا فِتْنَتُكَ تُضِلُّ بِهَا مَن تَشَاءُ وَتَهْدِي مَن تَشَاءُ أَنْتَ وَلِيُّنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ ﴿١٥٥﴾ وَكُتِبَ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَفِي الْآخِرَةِ إِنَّا هُنَا إِلَيْكَ قَالٌ عَذَابِي أَصِيبُ بِهِ مَن أَشَاءُ وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٥٦﴾ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿١٥٧﴾ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١٥٨﴾

ریزدرب: بنی اسرائیل نیز پس از توجه به خطایشان آموزش تکمیلی دریافت کردند.

۵

وَمِن قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ ﴿١٥٩﴾
ریزدرب: عده ای از بنی اسرائیل پس از آموزش تکمیلی قوم خوبی شدند.

۶

وَقَفَّعْنَا لَهُمُ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ أَسْبَاطًا أُمَمًا وَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى إِذِ اسْتَسْقَاهُ قَوْمُهُ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّشْرِكُهُمْ وَظَلَلْنَا عَلَيْهِمُ الْعَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّٰنَ وَالسَّلْوَى كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿١٦٠﴾ وَإِذْ قِيلَ لَهُمُ اسْكُنُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ وَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ وَقُولُوا حِطَّةٌ وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا نَغْفِرْ لَكُمْ خَطِيئَاتِكُمْ سَنَرِيدَ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٦١﴾ فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ قَوْلًا غَيْرَ

الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَارْسلْنَا عَلَيْهِمْ رَجُلًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَظْلِمُونَ ﴿١٦٢﴾

ریزدرب: اکثریت بنی اسرائیل حتی پس از دریافت آموزش تکمیلی نیز، علیرغم آیات و نعمتهای متنوع الهی، قومی نافرمان و شایسته عذاب شدند.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبَّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ که ابتدای سوره است می فرماید: ای مردم! از رسولی که بسویتان آمده پیروی کنید وگرنه دچار خسران خواهید شد و مبادا جذب القائنات شیطانی شوید، که درآنصورت به تعالیم این رسول بی توجه شده و در دو جهان دچار خسران خواهید شد.

در پاراگراف ۲ اولین خطابها و هشدارها و تشریع قانون کلی به انسانهای اولیه را ذکر میفرماید.

در پاراگراف ۳ می فرماید: ای مردم! عاقبت حتمی شما فرارسیدن قیامت و ضمن ارائه ای از قسمتی از وقایع آن روز میفرماید عاقبت تان دوحالت ممکن متضاد دارد. اینک این شما هستید که راه های منتهی به هر حالت را انتخاب میکنید.

در پاراگراف ۴ گوشه ای از الطاف و نعمت های الهی را یادآوری می فرماید.

در پاراگراف ۵ می فرماید: ای مردم! به اقوام منقرض شده قبلی بنگرید! این تازه وضع دنیوی شان بود، وضع آخرتی شان را هم که میدانید! برای خویش چه می پسندید؟

در پاراگراف ۶ یک قانون مهم درباره هلاکت تمدن ها را بیان می فرماید .
 در پاراگراف ۷ می فرماید : ای مسلمانان ! نه این کفار از فرعون و نیروهایش قوی ترند و نه این پیامبر کمتر مورد تاییدات الهی است ، پس ، دل خوش دارید شاید پیروزی نزدیک باشد .
 در این پاراگراف می فرماید: ای مسلمانان! مبدا شما هم پس از پیروزی همین عقبگرد ها را بکنید!

۴ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیات این پاراگراف (آیات ۱۳۸ تا ۱۶۲) کاملاً حس میشود که با آن مقدمه طولانی (ذکر اقوام پیشین و هلاکت مکذبان تا موسی و فرعون) و سپس به پرداختن به بنی اسرائیل پس از نجات که خیلی بد رفتار کردند، تلویحاً دارد این خبر را به مسلمانان میدهد که نجات شما هم نزدیک است و مبدا که شما هم مانند یهودیان همان رفتارها را کنید.

۵ - پیشگویی های تحقق یافته

در آیات ۱۳۸ تا ۱۶۲ که به داستان بنی اسرائیل پس از نجاتشان می پردازد و بدرفتاریهایشان را نکوهش میکند تلویحاً دارد به مسلمانان وعده نجات میدهد و به آنان هشدار میدهد مبدا شما هم پس از نجات مانند آنان کنید.

۶ - آیات برجسته این پاراگراف

آیه ۱۳۹ (و جاوزنا ببنی اسرائیا البحر . .) چون خیلی مشهور است و زیاد در ذمّ یهودیان بکار میرود به این لحاظ جزء آیات برجسته قرار میگیرد.
 آیه ۱۴۲ (و واعدنا موسی . .) از اینکه در نمازهای مستحبی خاصی تلاوت میشود این موقعیت را دارد.
 آیه ۱۴۳ به علت وجود جمله «لن ترانی» در آن، در ادبیات عرفانی و اشعار نفوذ فوق

العاده ای یافته و موقعیت مزبور را یافته است.

۷ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

موضوع آیه های ۱۴۳ و ۱۴۵ حتی امروز نیز فوق ذهنیات است، چه رسد به ۱۴۰۰ پیش. همچنین است موقعیت آیه های ۱۴۸ و ۱۴۹ و آیه های ۱۵۵ و ۱۶۰.

۸ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها، تقریباً تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

چند دریافت کوتاه مستقیم

آیه ۱۳۸: «دریای مطروح در این آیه علیرغم تصریحی که تورات فعلی دارد که «دریای سرخ» است بشرحی که در سوره طه عرض کردیم نمی تواند آن باشد بلکه منظور همان رود نیل است.

آیه ۱۴۰: واقعاً بنی اسرائیل بر جهانیان برتری داشتند؟ البته که نه! زیرا از لحاظ اجتماعی، تازه از بردگی خلاص شده بودند. از لحاظ مالی، هیچ چیز نداشتند و حتی زمینی نداشتند که در آن خانه‌ای بنا کنند و مزرعه‌ای احداث کنند. قوم آواره بی-هویت فراری بودند که سطح فکرشان هم آن بود که ای پیغمبر خدا برای ما بت بیاور. پس برتری آنها در چه بود؟ واقعاً برتری آنها در خودشان نبود. بلکه مربوط به حضرت موسی(ع) و تعالیمی که بعداً از او خواهند یافت، بود.

آیه ۱۴۱: در سوره‌های قبلی عرض کردیم که منظور این است که «نسل معترض» بر این رابطه ظالمانه اربابی قبطیان و بردگی بنی اسرائیل را حذف می کردند.

آیه ۱۴۳: خداوند نامحدود و بشر محدود است و نامحدود در محدود نمی‌گنجد و این نکته معمولی که ما آدمهای معمولی می‌دانیم، چطور ممکن است حضرت موسی(ع) با چنان ظرفیت و شخصیتی نداند و تقاضای رویت خداوند را کند؟ لذا موضوع را باید اینطور توضیح نمود که او چنانکه در ابتدای رسالتش هم تجربه داشت، لذت شنیدن صدائی را درک کرده بود که از سوی خدا برای او فرستاده می‌شد و اینک او یک علامت بصری هم تقاضا کرده بود.

توضیح بیشتری که میتوان در این رابطه داد این است که حضرت موسی (ع) از شنیدن صدا از آن «درخت» تا وارد شدن به مصر و آن بلاهای عظیم و نجات دادن بنی اسرائیل و آوردن آنها تا پای آن کوه یک «مامور الهی» بود که به کمک معجزات متنوع توانسته بود موفق شود و ماموریت خویش را به انجام برساند، اینک او چه بسا خیلی پر افتخار و خیلی پرباد به میقات آمده بود که «خدایا دیدی چه کاری کردم کارستان؟» و ظاهراً چنین مقدمه ای می باید مشوق او بوده باشد که بگوید «ارنی انظر الیک» و البته جوابش را هم گرفت که «لن ترانی» و پس از تجلی و غش و بهوش آمدن ظاهراً باید به حالتی از درک واقعیت ها رسیده باشد که به خویش گفته باشد «های ای موسی! اگر آنهمه معجزات الهی کمکت نمیکرد که نمیتوانستی موفق شوی» و پس از این خودآگاهی حالتی جدید از فروتنی یافته باشد که او را شایسته برگزیدگی برای پیامبری مجدد همان قومی که فقط به ضرب و زور معجزات نجات یافته بودند را راهبری کند.

آیه ۱۴۸: عبارت «پس از او» بمعنی آن غیبتی است که موسی از میان قوم خویش داشت که به آن کوه رفته بود و ...

آیه ۱۴۸: به شرحی که در همین پاراگراف عرض کردیم توجه فرمائید که بالاخره آن مردم ذهنیت بت پرستی داشتند و آن ذهنیت قرن‌ها در آنان ریشه داشت و طبعاً غیبت موسی به ظهور و عینیت یافتن آن کمک کرد و بت را ساختند.

آیه‌های ۱۵۸-۱۵۷: فرع بر آیه ۱۵۶ است.

صفتی که برای پیامبر اکرم(ص) در این آیه‌ها آورده و بمعنی «درس ناخوانده» است، برای همگان یک صفت منفی بمعنی «نافرهیخته» است اما برای پیامبران صفت لازم و واجب و مثبت است زیرا اگر پیامبران معلمی دیده باشند چه بسا این شائبه پیش آید که مطالبی را که می‌گویند از القائنات آن معلم است. قبلاً هم در سوره یس دیدیم که شاعری را از پیامبر اکرم(ص) نفی کرده و آن را یک نعمت قلمداد کرده بود.

آیه ۱۵۷: تنها آیه‌ای در قرآن است که «آزادی» را برای بشر چنین مفصل تعریف نموده است.

آیات ۱۶۲-۱۶۰: نعمتهای عجیبی را برای بنی‌اسرائیل بر می‌شمارد و آنها حتی بسیار بالاتر از نعمتهائیست که آدم و همرش در دوره‌ای که «در آن باغ» بودند داشتند یعنی بهترین آب (آب معجزه‌ای) و بهترین غذا (غذای آسمانی) و بهترین سقف (ابر هدایت شده) و بهترین راهنما.

امیدبخشی و هشدار توأم با یگدیگر

در این پاراگراف طولانی به داستان موسی(ع) و بنی‌اسرائیل پس از خروج از مصر می‌پردازد و باید دانست که نزول سوره اعراف در زمان نزدیک به وقوع هجرت صورت پذیرفته و بنا بر تخمین، دو سال مانده به هجرت نازل شده و محتوای آن نیز بطور عبرت‌انگیزی با این نکته تناسب دارد.

زیرا از طرفی با توجه به ذکر پیامبران گذشته مانند نوح(ع) و هود(ع) و صالح(ع) و لوط(ع) و غیره، و نابودی تکذیبگران آنها و نجات مؤمنان، مسلمانان آنروزها را دلداری می‌دهد که شما و پیامبرتان نیز نجات خواهید یافت، و مکذبان مغلوب و منکوب خواهند شد،

اما با ذکر داستانهای پس از نجات بنی‌اسرائیل از دست فرعون و انحرافات که به آنها دچار شدند تلویحاً به مسلمانان هشدار می‌دهد که مبادا شما با رسولتان چنین کنید

و خودتان چنان شوید و چنانکه خواهیم دید از این پس هر چه از داستانهای مربوط به بنی اسرائیل نازل می‌شود (غیر از یکی دو استثناء) دیگر به آن قسمت ناراحتی و عذاب و اسارت آنها در دست فرعونیان نمی‌پردازد بلکه به بعد از آزادی آنها نظر دارد و این نیست مگر توجه دادن و هشدار مسلمانان به خطر انحراف از مسیر حق و قبول رهبری شیطان و سقوط از ایده‌آل‌های مکتب و خروج از رهبری رسول اکرم(ص). لذا این پاراگراف را باید با این دید «عبرت»ی و «هشدار»ی بخوانیم. البته مطالب این پاراگراف نیز نسبتاً روشن است و چندان نیازی به شرح و بسط ندارد بخصوص که مطالب کاملاً شبیه آنرا قبلاً (در سوره طه) دیده‌ایم. اما با وجود این بهتر است توقف و تمرکزی روی بعضی کلمات و عبارات بنمائیم.

بازگشت به بت‌پرستی؟ آن هم این قدر زود؟

در رابطه با آیات ۱۴۰-۱۳۸ مطلب بسیار قابل تعمق است. تصورش را بفرمائید، بنی اسرائیل تا همین چند روز پیش اسیر دست سفاکانی بودند که شاخصه آنها بت‌پرستی بود و حضرت موسی(ع) بنام خدای واحد و با آن همه معجزات آنها را آزاد کرد، و با وجود این، اولین آثار بت‌پرستی را که دیدند، همه آن چیزها را فراموش، و نه تنها هوس بت‌پرستی کردند، بلکه از پیامبر غیور خداوند می-خواهند او وسایل بت‌پرستی آنها را فراهم کند! همه اینها بسیار عجیب و غیرقابل باور است اما اگر کمی درباره‌اش بررسی کنیم خواهیم دید آنقدرها هم عجیب نیست. در روایات توراتی آمده که بنی اسرائیل ۴۰۰ سال بنده فراغه بوده‌اند. البته اگر تخمین هم بزنیم، این رقم معقول است. در این مدت طولانی، کم‌کم ارزشهای ارباب‌ها به برده‌ها منتقل و آنها روش درست را همان می‌پندارند که اربابان در پیش می‌گیرند و فکر صحیح از نظر آنها همان خواهد بود که اربابان آنطور فکر می‌کنند.

طبعاً بت پرستی نیز برای آنها تنها شکل مناسک دینی می‌شود و اگر هم خاطره ضعیفی از توحید خالص آباء و اجدادی داشته باشند، اینهمه ذلت و خواری دیگر چیزی از آن برایشان باقی نمی‌گذارد و طبیعی است که این مدت کوتاهی که از نجاتشان می‌گذرد به هیچ وجه کافی نیست که چیزی را که در طول چندین قرن در ذهنشان رسوخ کرده بزدايد.

ترجمه تفسیری آزاد

و بنی اسرائیل را از آن دریا گذرانديم. پس به قومی رسیدند که به پرستش بت‌هایشان مشغول بودند، گفتند ای موسی برای ما نیز خدائی قرار بده. گفت شما قومی نادانید (۱۳۸) آنچه اینها مشغولند نابود شدنی است و آنچه انجام میدهند باطل است (۱۳۹) آیا برای شما غیر از خداوند خدائی بخوام در حالیکه همو بود که شما را برجهانیان برتری داد؟ (۱۴۰) و آن هنگام را فراموش کرده اید که از فرعونیان که عذابی تلخ بر شما روا میداشتند که پسران‌تان را می‌کشتند و زنان‌تان را زنده می‌گذاشتند نجات‌تان داد؟ که در این آزمایشی بزرگ از جانب پروردگارتان بود (۱۴۱) و با موسی قرار سی شب گذاشتیم و ده شب نیز به آن افزودیم و قرار او با پروردگارش به چهل شب کامل شد و موسی قبل از اینکه به میقات برود به برادرش هارون گفت در قومم جانشینم باش و اصلاح کن و راه مفسدان را پیروی مکن (۱۴۲) و هنگامیکه موسی به وعده گاه آمد و و پروردگارش با او سخن گفت، گفت پروردگارا خویش را بمن بنما تا بسویت نظر کنم، گفت هرگز مرا نخواهی دید ولیکن به آن کوه نگاه کن، پس اگر برجای خویش ایستاد بزودی مرا خواهی دید. و چون پروردگارش به آن کوه تجلی کرد آنرا خورد کرد و موسی به بیهوشی افتاد، پس چون برخاست گفت تو منزهی، بسویت توبه کردم و من اولین مومن خواهم بود (۱۴۳) گفت ای موسی! تو را به رسالتم و با کلامم بر مردم برگزیدم. پس آنچه را به تو دادم

بگیر و از سپاس گزاران باش (۱۴۴) و درباره همه چیز، در هر زمینه، پندی، و برای هر چیز تفصیلی در آن الواح برایش نوشتیم و گفتیم آنها با قوت بگیر و قومت را فرمان ده که از بهترین های آن بگیرند. بزودی منزلگاه گناهکاران را به شما نشان خواهیم داد (۱۴۵) بزودی کسانی را که در زمین گردنفرای ناحق می کنند از آیاتم منصرف می کنم و هر نشانه ای را هم که ببینند به آن ایمان نمی آورند و اگر راه رشد را ببینند آن را انتخاب نمی کنند و اگر راه گمراهی را ببینند آنرا انتخاب می کنند. این به آن علت است که آیاتمان را تکذیب کردند و از آن غفلت نمودند (۱۴۶) و کسانی که آیاتمان و رسیدن به آخرت را تکذیب کنند اعمالشان نابود میشود. آیا این جز سزای عملشان است که انجام میدهند؟ (۱۴۷) و قوم موسی در غیاب او از زیورهایشان گوساله ای برگرفتند که بدنی بود که صدائی داشت. آیا ندیدند نه با آنان گفتگو می کند و نه به راهی هدایتشان میکند؟ آنها به الوهیت برگرفتند و ظالم شدند (۱۴۸) و وقتی که روی دستشان ماند و دیدند گمراه شده اند گفتند اگر پروردگاران ما را رحم نکنند و ما را نبخشند حتما از زیانکاران خواهیم بود (۱۴۹) و هنگامیکه موسی بسوی قومش برگشت غضبناک و متاسف بود. گفت درغیابم چه بدجانشینی برایم کردید. آیا راجع به امر پروردگارتان عجله کردید؟ و آن الواح را انداخت و سربرادرش را گرفت و بسوی خویش می کشید. گفت ای پسر مادرم این مردم مرا ضعیف نمودند و نزدیک بود بکشند پس دشمنان را به سرزنش من وادار مکن و مرا جزء قوم ظالمان بحساب نیاور (۱۵۰) گفت پروردگارا مرا و برادرم را ببخش و ما را در رحمت خویش داخل کن و تو مهربان ترین هستی (۱۵۱) بزودی کسانی که آن گوساله را به پرستش برگرفتند غضبی از پروردگارشان و خواری در زندگی خواهند داشت و افترا زندگان را چنین سزا میدهم (۱۵۲) ولی کسانی که

اعمال زشت نمودند، و پس از آن توبه کردند و ایمان آوردند، البته پروردگارت پس از آن آمرزنده مهربان خواهد بود (۱۵۳) و هنگامیکه خشم موسی آرام شد آن الواح را برگرفت و در نسخه های آن برای کسانی که از پروردگار بیم داشتند هدایت و رحمتی بود (۱۵۴) موسی از میان قوم خویش هفتاد نفر را جهت وعده گاه ما انتخاب کرد. پس هنگامیکه آن لرزه آنها را بگرفت گفت پروردگارا اگر میخواستی میتوانستی آنها و مرا قبلا هلاک کنی. آیا ما را بسبب رفتار سفیهانی هلاک میکنی؟ نه، بلکه این آزمایش توست. هرکس راخواهی با آن گمراه میکنی، و هر کس را خواهی هدایت میکنی. تو سرپرست مائی. پس ما را بیامرز و با ما مهربان باش و تو بهترین آموزشگرانی (۱۵۵) و در این جهان برایمان نیکی مقرر کن و همچنین در آخرت، که ما بسوی تو هدایت یافته ایم. گفت عذابم به هر کس که خواهم میرسد اما رحمتم همه چیز را فرا گرفته است. و بزودی آنرا برای کسانی مقرر میدارم که تقوا پیشه کنند و زکوٰه دهند و به آیاتمان ایمان داشته باشند (۱۵۶) همانها که از پیغمبر فرستاده درس نخوانده ای که بعدا خواهد آمد، که وصفش را در توراتی که نزدشان هست، و نیز در انجیل، می یابند، پیروی می کنند. همانکه آنها را به چیزهای خوب و پسندیده فرمان میدهد و از چیزهای ناپسند باز میدارد و چیزهای خوشایند را برایشان حلال و چیزهای ناخوشایند را بر آنها حرام مینماید و نیز آنها را از تکالیف سنگین و قیودی که بر آنها تحمیل شده معاف میکند. پس کسانی که به او ایمان آورده و گرامیش داشته و یاریش نموده و نوری را که با او فرستاده شده است پیروی کنند، البته رستگار خواهند بود (۱۵۷) ای پیامبر! بگو ای مردم! من فرستاده خداوند بسوی همگی شما هستم. همان خداوندی که فرماندهی آسمانها و زمین از اوست. خدائی جز او نیست. زنده میکند و میمیراند. پس به خداوند و فرستاده اش

که پیغمبری درس نیاموخته است که به خداوند و کلماتش ایمان دارد، ایمان بیاورید شاید هدایت شوید (۱۵۸) و از قوم موسی عده ای بودند که به حق هدایت شده و بسوی آن متمایل میشدند (۱۵۹) و آنها را بصورت دوازده گروه تقسیم کردیم و به موسی وحی کردیم که هر وقت خواست به قومش آب برساند با عصایش به آن سنگ بزند. پس دوازده چشمه از آن میشکافت. بطوریکه هر کسی آبشخور خویش را می شناخت و ابر را سایه بانشان کردیم و منّ و سلوی را برآنها نازل کردیم، و گفتیم از چیزهای خوشایندی که روزی تان کرده ایم بخورید، و وقتیکه رفتار های زشت نمودند بما ظلم نکردند بلکه به خودشان ظلم میکردند (۱۶۰) آن هنگام که به آنان گفته شد در این شهر سکونت گزینید و از هر جای آن خواستید بخورید و در دعاهايتان بگوئید خداوندا گناهان ما را فرو ریز و از آن دربِ معبد به سجده داخل شوید که خطاهایتان را ببخشیم و اگر چنین میکردند بزودی نیکوکاران را فزونی می بخشیدیم (۱۶۱) اما ظالمانشان آن قول را به قولی دیگر تبدیل کردند آنگاه عذابی از آسمان برای ظلمی که میکردند برآنها فرو فرستادیم (۱۶۲)

اعراف ٩ آيات ١٦٣ تا ١٨٦

وَأَسْأَلُهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرْعًا وَيَوْمَ لَا يَسْبِتُونَ لَا تَأْتِيهِمْ كَذَلِكَ نَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴿١٦٣﴾ وَإِذْ قَالَتْ أُمَةٌ مِّنْهُمْ لِمَ تَعْطُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا قَالُوا مَعْذِرَةً إِلَىٰ رَبِّكُم وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿١٦٤﴾ فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَجْجْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴿١٦٥﴾ فَلَمَّا عَتَوْا عَنْ مَا نُهُوا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ ﴿١٦٦﴾ وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لَيَبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَن يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ إِنَّ رَبَّكَ لَسَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٦٧﴾ وَقَطَّعْنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أُمَّا مِّنْهُمْ الصَّاحِبُونَ وَمِنْهُمْ دُونَ ذَلِكَ وَبَلَوْنَاهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿١٦٨﴾ فَخَلَفَ مِنْ بَعدِهِمْ خَلْفٌ وَرِثُوا الْكِتَابَ يَأْخُذُونَ عَرَضَ هَذَا الْأَدْنَىٰ وَيَقُولُونَ سَيُغْفَرُ لَنَا وَإِن يَأْتِهِمْ عَرَضٌ مِّثْلُ الَّذِي أَخَذْنَاهُ لَيَخُونَنَّهُمْ مِّثْلَ الْكِتَابِ أَن لَّا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقُّ وَدَرَسُوا مَا فِيهِ وَاللَّذَّاءُ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿١٦٩﴾ وَالَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نَضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ ﴿١٧٠﴾ وَإِذْ تَنْقَضَى الْجَبَلُ فَوْقَهُمْ كَأَنَّهُ ظُلَّةٌ وَظَنُوا أَنَّهُ وَاقِعٌ بِهِمْ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿١٧١﴾ وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِن بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَن تَقُولُوا أَن تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ ﴿١٧٢﴾ أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِن قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِّن بَعدِهِمْ أَفَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ ﴿١٧٣﴾ وَكَذَلِكَ نَقُصُّ الْأَيَّاتِ وَلَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿١٧٤﴾ وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ ﴿١٧٥﴾ وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِن تَحْمِلَ عَلَيْهِ يَلْهَثْ أَوْ تَرَكَه يَلْهَثْ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ﴿١٧٦﴾ سَاءَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا وَأَنفُسُهُمْ كَانُوا يَظْلِمُونَ ﴿١٧٧﴾ مَن يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِي وَمَن يُضِلِلْ

فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿١٧٨﴾ وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالإِنسِ هُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ
بِمَا وَكَّلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِمَا وَكَّلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِمَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ
الْغَافِلُونَ ﴿١٧٩﴾ وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا وَذُرُوا الدِّينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ سَيُجْزَوْنَ مَا
كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٨٠﴾ وَمَنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ ﴿١٨١﴾ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا
بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٨٢﴾ وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ ﴿١٨٣﴾ أَوَلَمْ
يَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِهِمْ مِّنْ جَنَّةٍ إِن هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿١٨٤﴾ أَوَلَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ وَأَنْ عَسَىٰ أَنْ يَكُونَ قَدِ اقْتَرَبَ أَجَلُهُمْ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ
يُؤْمِنُونَ ﴿١٨٥﴾ مَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَلَا هَادِيَ لَهُ وَيَنْذِرْهُمْ فِي طَغْيَاهُمْ يَعْمَهُونَ ﴿١٨٦﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه
کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: بی توجهی به خداوند و سرکشی در مقابل پیامبران مایه هلاکت دو جهان
است.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: پس از حضرت موسی نیز دائماً اقوامی از بنی اسرائیل رعایت احکام دین
خویش را نکردند و پس آزادی اکثراً بد رفتار بودند و مورد امتحانات و ابتلائات قرار
گرفتند و یکی از علل مهم بی توجهی به تعالیم انبیاء رفتارهای نامعقول و ترجیح
چیزهای کم ارزش است که دائماً از سوی بنی اسرائیل و حتی علما بزرگ آنها انجام
می شده است.

همه انسانها بر حسب فطرت خویش در برنامه آفرینشی خویش به خداوند و تعالیم
انبیاء بله گفته اند اما در امتحان این جهان بسیاری از آدمیان به تعالیم انبیاء بی

توجهی نشان داده اند و توجه به اسماء صفات و افعال خداوند و پیامبر مانع از گمراهی مانند بنی اسرائیل می شود.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

وَأَسْأَلُهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِثَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرْعًا وَيَوْمَ لَا تَأْتِيهِمْ كَذَلِكَ نَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴿١٦٣﴾ وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِنْهُمْ لِمَ تَعْبُدُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا قَالُوا مَعْدَرَةٌ إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿١٦٤﴾ فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴿١٦٥﴾ فَلَمَّا عَتَوْا عَنْ مَا نُهُوا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ ﴿١٦٦﴾ وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لَيَبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَن يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ إِنَّ رَبَّكَ لَسَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٦٧﴾

ریز درپ: عده ای از بنی اسرائیل در موضوع حکم شنبه به راه کلاه شرعی رفتند و هلاک شدند.

۲

وَقَطَّعْنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أُمَّا مِنْهُمْ الصَّاحُّونَ وَمِنْهُمْ ذُوْنَ ذَلِكَ وَبَلَّوْنَاهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿١٦٨﴾ فَخَلَفَ مِنْ بَعدِهِمْ خَلْفٌ وَرِثُوا الْكِتَابَ يَأْخُذُونَ عَرَضَ هَذَا الْأَدْنَىٰ وَيَقُولُونَ سَيُغْفَرُ لَنَا وَإِنْ يَأْتِهِمْ عَرَضٌ مِّثْلُ الَّذِي أَخَذُوهُ أَلَمْ يُؤْخَذْ عَلَيْهِمْ مِيثَاقُ الْكِتَابِ أَن لَا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ وَدَرَسُوا مَا فِيهِ وَالِدَارُ الْأَخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿١٦٩﴾ وَالَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نَضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ ﴿١٧٠﴾ وَإِذْ نَتَقْنَا الْجَبَلَ

فَوَقَّهْمُ كَأَنَّهُ ظُلَّةٌ وَظَنُوا أَنَّهُ وَاقِعٌ بِهِمْ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿١٧١﴾

ریزدرب: عده ای از بنی اسرائیل راه صلاح در پیش گرفتند ولی اکثرشان به راه خلاف رفتند.

۳

وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِن بَنِي آدَمَ مِثْلَهُمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى شَهِدْنَا أَن تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ ﴿١٧٢﴾ أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِن قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِّن بَعْدِهِمْ أَفَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ ﴿١٧٣﴾ وَكَذَلِكَ نَقُصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿١٧٤﴾

ریزدرب: بشر در شرایط ایزوله با اعتقادات اصلی موافق است، ولی وقتیکه در شرایط این جهانی قرار گرفت عده ای رفتار مغایر در پیش میگیرند.

۴

وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَوَعَدْنَا الْمُؤْمِنِينَ الْوَعْدَ الْحَقِّ ﴿١٧٥﴾ وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِن تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثْ أَوْ تَتَرَّكَ يَلْهَثَ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ﴿١٧٦﴾ سَاءَ مَثَلًا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا وَأَنْفُسُهُمْ كَانُوا بِظُلْمٍ ﴿١٧٧﴾ مَن يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَن يُضِلِلْ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿١٧٨﴾

ریزدرب: بد عملی بنی اسرائیلی، برخی از علماء شان را هم فرا گرفت.

۵

وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ ﴿١٧٩﴾ وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ

الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٨٠﴾ وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ ﴿١٨١﴾ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُم مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٨٢﴾ وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ ﴿١٨٣﴾ أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِهِم مِّنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿١٨٤﴾ أَوَلَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ وَأَنْ عَسَى أَنْ يَكُونَ قَدِ اقْتَرَبَ أَجَلُهُمْ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ ﴿١٨٥﴾ مَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَلَا هَادِيَ لَهُ وَيَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿١٨٦﴾

ریزدرب: ای مرد! لاجرم عده ای برای رفتار غلط معذب خواهند بود، و عده ای نیز نجات خواهند یافت، شما کدام عاقبت را برای خویش می پسندید؟

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ که ابتدای سوره است می فرماید: ای مردم! از رسولی که بسویتان آمده پیروی کنید وگرنه دچار خسران خواهید شد و مبادا القائنات شیطانی شوید، که درآنصورت به تعالیم این رسول بی توجه شده و در دو جهان دچار خسران خواهید شد.
در پاراگراف ۲ اولین خطابها و هشدارها و تشریع قانون کلی به انسانهای اولیه را ذکر

میفرماید.

در پاراگراف ۳ می فرماید: ای مردم! عاقبت حتمی شما فرارسیدن قیامت و ضمن ارائه ای از قسمتی از وقایع آن روز میفرماید عاقبت تان دوحالت ممکن متضاد دارد. اینک این شما هستید که راه های منتهی به هر حالت را انتخاب میکنید.

در پاراگراف ۴ گوشه‌ای از الطاف و نعمت‌های الهی را یادآوری می فرماید.

در پاراگراف ۵ می فرماید: ای مردم! به اقوام منقرض شده قبلی بنگرید! این تازه وضع دنیوی شان بود، وضع آخرتی شان را هم که میدانید! برای خویش چه می پسندید؟

در پاراگراف ۶ یک قانون مهم درباره هلاکت تمدن ها را بیان می فرماید.

در پاراگراف ۷ می فرماید: ای مسلمانان! نه این کفار از فرعون و نیروهایش قوی ترند و نه این پیامبر کمتر مورد تاییدات الهی است، پس، دل خوش دارید شاید پیروزی نزدیک باشد.

در پاراگراف ۸ می فرماید: ای مسلمانان! مبدا شما هم پس از پیروزی همین عقبگرد ها را بکنید!

در این پاراگراف می فرماید: ای مسلمانان! با خداوند رو راست باشید و از همین اول و قبل از پیروزی و آزادی هشیار باشید که باید از «اخلاق یهودی» بپرهیزید و اینکه بنی‌اسرائیل در زمین پراکنده شدند و هم بد وهم خوب در بین آنها بود-والبته بدها غلبه داشتند- و از سوی خداوند مورد امتحانات، و حتی تهدیدهای جدی هم قرار می‌گرفتند تا شاید دین خویش را به محکمی حفظ کنند و اینکه انسان، ذاتاً و فطرتاً معترف به ربوبیت خداوند است و کسانی را که نسبت به آیات الهی که به آن دسترسی دارند قدر ناشناسند، جزا می بینند، و اینکه در اساسی‌ترین امور بیاندیشید و با استعانت از نام‌های نیکوی الهی و از کسانی که تمایل به حق دارند و به آن راهبری می‌کنند کمک بگیرید.

۴ - سوالات

۱- حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ (هشدار به کافران؟ هشدار به مسلمانان؟ یا...؟)

۲- از مطالب این پاراگراف چه «حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها» میتوان زد؟

۳- اگر میخواستیم از تیتراژ «خواست خداوند قانونمند است» استفاده کنیم، می باید زیر کدام کلمات را خط بکشیم؟

۴- چرا خداوند در اینجا از ضمیر «ما» (قطعنا بلونا نضیع نتقنا آتینا) استفاده فرموده؟

۵- چرا در آیه ۱۷۰، بجای «مصلحون» نفرموده «صالحون»؟

۵- حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیات ۱۶۳ تا ۱۶۷ تلویحا به مسلمانان میگوید که پس از رهائی از شرایط موجود مانند بنی اسرائیل دنبال کلاه شرعی نروید.

از آیه ۱۶۵ معلوم می شود که اگر قرار است عذاب دسته جمعی به قومی فرود آید، اهل نهی از منکر را شامل نخواهد شد و لذا در این آیه به این موضوع هم ترغیب میکند.

از آیات ۱۷۵ تا ۱۷۹ فهمیده میشود که تلویحا دارد به علماء مسلمانان پیام میدهد که پس از جا افتادن در وضع مطلوب دین فروشی نکنید.

۶- زاویه با تفاسیر رایج

المیزان سعی زیادی کرده که «مکانیزم» اعتراف گیری مذکور در آیه ذرّ را بیان کند و طبعا و البته موفق هم نشده، زیرا نه المیزان بلکه کل عالم قرن بیست و یکمی هم به آن عوالم دسترسی ندارند، و المیزان هم از روش خویش که تفسیر آیات به کمک آیات دیگر باشد خارج شده (زیرا آیه دیگری در کل قرآن نیست که به این موضوع پرداخته باشد) و خیلی هم سعی کرده با کمک فلسفه متبوع خویش به حل موضوع نزدیک شود که نتوانسته، و تنها چیزی که بدست آورده این بوده که یک سخن خیلی طولانی حوصله بر بگوید که اگر کسی بخواهد به آن بپردازد معلوم خواهد شد که پر از ایراد های جدی است.

ما میگوئیم به مکانیزم مطلب کاری نداریم زیرا آن موضوع مربوط به عالم نرم افزاری داستان آفرینش است، بلکه ما به این کار داریم که اینک که چنین اتفاقی افتاده و همگی چنین اعترافی را کرده اند، چگونه میتوان چگونگی ظهور این اعتراف در قیامت را به ذهن نزدیک کرد و توضیحش داد؟

۷ - پیشگویی های تحقق یافته

در آیات ۱۳۸ تا ۱۶۲ که به داستان بنی اسرائیل پس از نجاتشان می پردازد و بدرفتاریهایشان را نکوهش میکند تلویحا دارد به مسلمانان وعده نجات میدهد و به آنان هشدار میدهد مبدا شمام پس از نجات مانند آنان کنید.

در آیات ۱۶۳ تا ۱۷۱ با نکوهش عده ای از بنی اسرائیل که از ترفند «کلاه شرعی» استفاده کرده بودند تلویحا دارد به مسلمانان وعده نجات میدهد و ضمنا آنها را از ارتکاب «کلاه شرعی» برحذر میدارد.

در آیات ۱۷۵ تا ۱۷۹ با نکوهش رفتار آن عالم بنی اسرائیلی تلویحا دارد به مسلمانان وعده نجات میدهد و ضمنا علماء مسلمان را از ارتکاب «دین فروشی» برحذر میدارد.

۸ - آیات برجسته این پاراگراف

آیه های ۱۶۳ و ۱۶۴ (وَاللّٰهُمَّ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَهُ الْبَحْرُ . .) به علت کثرت استفاده وعظ بر منابر از آیات برجسته است.

آیه ۱۷۲ (. . الست بریکم . .) از لحاظ کثرت استشهاد اهل عرفان و اهل کلام و اهل منبر به آن، جزء آیات بسیار برجسته قرآنی است، که علاوه بر آن مورد اقبال زیاد هنرمندان اعم از خوشنویسان و هنرمندان تجسمی نیز میباشد.

آیه های ۱۷۵ و ۱۷۶ (و اتل علیهم نباء الذی آتیناه آیاتنا فانسلخ منها . .) نیز از این

لحاظ که بسیار مورد توجه وعاظ و مدرسان اخلاق قرار میگیرد از آیات برجسته قرآنی است.

۹ - آیات مشکل

آیه ۱۷۲ از این لحاظ که مفسران در تفسیر آن سخنان متخالف و متناقض و گاه عجیب و غریب گفته اند جزء آیات مشکل قرآنی است.

۱۰ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه های ۱۶۵ تا ۱۶۷ از آنجا که مکانیزم وقوع آنها برای ما بشر قرن بیست و یکم روشن نیست، فوق ذهنیات ما هست چه رسد به عرب ۱۴۰۰ سال قبل.

همچنین است موقعیت آیه های ۱۷۱ و ۱۷۲ و ۱۷۵ و ۱۷۶ و ۱۷۹ و ۱۸۲ و ۱۸۳.

۱۲ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها، تقریباً تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلید های تفسیری

بحث متنی

آیه ۱۷۸ بدون اینکه فرع بر آیه ای باشد پرانتزی است.

آیه ۱۸۶ بدون اینکه فرع بر آیه ای باشد پرانتزی است.

(اگر آن را در نظر نگیرید و انتهای آیه ۱۸۵ را به ابتدای آیه ۱۸۷ وصل کنید می -

بینید روال سخن صاف و یکدست است)

خواست خداوند قانونمند است

آیه ۱۷۸ با توجه به تیتیر فوق مفهوم است.

کلاه شرعی

این موضوع می‌باید مربوط به همان یهودیانی باشد که حوضچه‌هائی می‌ساختند و روز شنبه که ماهی‌ها می‌آمدند، برای خروج آنها مانع می‌گذاشتند و روز بعد آنها را براحتی می‌گرفتند و باین ترتیب با کلاه شرعی کار خودشان را می‌کردند. به این معنی که اولاً بخیال خودشان حرمت روز شنبه را که می‌باید به عبادت بگذرانند و به امور اقتصادی نپردازند رعایت کرده باشند، و ثانیاً، واقعاً ماهی زیادی گرفته باشند زیرا صیدی که بعداً می‌کردند مال مانعی بود که روز شنبه گذاشته بودند.

آنها نمونه کامل کسانی هستند که صورت ظاهر را درست می‌کنند اما هدف را از بین می‌برند که همیشه و در همه جا هستند و اختصاص به یهود هم ندارد و ما مسلمانان نیز از این موارد به وفور داریم.

واقعاً اگر ما بجای آنها بودیم از آنهمه ماهی که فقط در روز شنبه می‌آمدند و در روزهای دیگر امکان صیدشان به آن آسانی و وفور نبود، می‌گذشتیم؟

امروز رباخواری با آنهمه حرمتی که دارد که در حکم جنگ با خدا و رسول است، با چنان انواعی از کلاه شرعی چنان رواجی دارد که حیرت‌انگیز است.

همچنین است وضع گناه‌های فوق‌العاده بزرگ دیگری که غیر از ربا به روشنی و صراحت تحت عناوین متنوع دیگری انجام می‌شود که ذکر آنها به این تفسیر تحلیلی مربوط نمیشود.

عالم ذرّ

آیه ۱۷۲ به صراحت می‌گوید خداوند در یک برهه از زمان از تک‌تک افراد بشر اعتراف گرفت که آیا او پروردگارمان هست یا نه و ما اعتراف کرده‌ایم که بله شما پروردگارمان هستید.

مفسران ارجمند درباره این آیه خیلی بحثهای متفرق و متنافری فرموده‌اند اما آنچه که ما در پاراگراف دوم همین سوره عرض کرده‌ایم [که موضوع سجده ملائک بر آدم، سجده آنها به «آدم نرم‌افزاری» بوده و نه بر «آدم سخت‌افزاری»] موضوع این آیه را توضیح می‌دهد.

بعبارت دیگر، «آدم عالم نرم‌افزاری»، «استعداد آدمیت» است و همه افراد بنی آدم نیز در استعداد او هست که بتدریج از حالت استعداد (بالقوه) به واقعیت (بالفعل) تبدیل می‌شود.

اعتراف مذکور در عالم نرم‌افزاری کاملاً مفهوم است.

یعنی عقل ما که اصل وجود ماست همراه با سایر موجودات اعتراف به ربوبیت خداوند متعال دارد.

اما دل ما وقتی که به چیزی که بنظرش خیر یا شر می‌رسد (برای جلب آن خیر یا دفع آن شر) ممکن است پا روی آن عقل بگذارد.

اما اگر خیر و شری مزاحم عقل نباشد (مانند همان حالت ایزوله عالم نرم‌افزاری) اعتراف عقل هر کس با اعتراف تمام ذرات عالم وجود یکسان و هماهنگ است.

موضوع مهم دیگر این است که ما مسلمان هستیم و این اعتقاد را داریم که هرچه در قرآن است بدون کم و کاست قول خود وجود مقدس خداوند است و (از جمله این آیات را) باور میکنیم چون در قرآن است و گرنه این نگارنده به یاد نمی آید که خداوند از من چنین اعترافی گرفته باشد، و قیاس به نفس میکنم که هیچکس دیگری نیز چنین خاطره ای ندارد، با وجود این، این نوع اعتراف گرفتن چه فایده ای برای «دادگاه»ی شدن کسانی در روز قیامت دارد؟

ما میگوئیم حتما چنین فایده ای دارد زیرا در قرآن ذکر شده است که چنین فایده ای دارد، و پس از اینکه موضوع را به عنوان یک اعتقاد تلقی کردیم آنگاه به این فکر میکنیم که « چگونه» فایده خواهد داشت، و وقتی که به اینجا رسیدیم کارمان آسان خواهد شد، زیرا میتوانیم به خویش چنین جواب دهیم که آن جریان اعتراف گیری

مطابق یکنوع ضبط ویدئویی یا سه بعدی در جایی موجود است که برای هر شخص قابل نمایش خواهد بود.

واکنش‌های سگی

در مثالی که در آیه ۱۷۶ آورده نکته‌ای است که خوب است به آن توجه کنیم: سگ چه وقتی که به او حمله کنیم و چه وقتی که به او پشت کنیم، پارس می‌کند، علت آن این است که پارس کردن برای او یک عمل غریزی است که از عقل و منطق سرچشمه نمی‌گیرد.

در مثالِ موردِ بحث، آن شخص که آیات خدا را کنار گذاشت بخوبی با این بیان سازگار است.

آیات خدا، از نوع علم و عقل و صفات پسندیده و تقوا، صاحب خویش را به این امر می‌کند که در شرایط مختلف واکنش‌هایی نشان دهد که با عقل و علم و تقوا و صفات پسندیده متناسب است، اما کسی که خود را از آنها رها کرد، در حقیقت حالتی را انتخاب کرده که واکنش‌های خویش را براساس هوای نفس (و عبارت دیگر غرایز) قرار داده و شباهت او با سگ نیز در همین است.

اسماء الهی

موضوعی که در آیه ۱۸۰ مطرح شده اگر نگوئیم کلیدی‌ترین نکته اعتقادی است، لاقلاً باید بگوئیم یکی از کلیدی‌ترین نکات اعتقادی می‌باشد.

تاکنون باندازه کافی در قرآن سرگذشت اقوامی را دیده‌ایم که از راه توحید منحرف شده و به شرک و بت‌پرستی رو کرده‌اند.

و تاکنون اینقدر از آیات قرآنی فهمیده‌ایم که شرک عبارت است از «مستقل تصور کردن نیروهای کارگزاری جهان اعم از ملائکه یا پیامبران، یا ارواح طیبه، و رو کردن به آنها و عبادت آنها بمنظور نزدیکی جستن به آنها بخاطر جلب منفعت یا دفع

مضرت»

مثالی در وجود خودمان مطلب را روشن تر می کند. بچه نوزاد شیرخوار معمولاً چند احتیاج ساده دارد که بخاطر آن ها گریه می کند که عبارتند از گرسنگی، تر بودن جا، دل درد، و امثال آن.

بنابراین وقتی که بچه شب با جیغ و گریه مادرش را بیدار می کند چه بگوید «مادر» و چه بگوید «ای سیر کننده من» فرقی ندارد.

کشاورزان قدیم هم که باران بموقع می خواستند، و این خیلی برایشان مهم بود بطور طبیعی بطرف این نکته تمایل پیدا می کردند که با «فرشته باران» ارتباطی برقرار کنند و عبادتی کنند و نظرش را بسوی خویش جلب کنند و باران بموقع مفید از او دریافت کنند و از باران بی موقع مضر در امان باشند.

در این آیه می بینیم که مثلاً «فرستنده باران مفید» یکی از اسماء خداوندی است و بهتر است کشاورزان نیازمند باران بموقع، خداوند را با توجه به آن نامش بخوانند. بطور خلاصه فرق شرک و توحید همین است که در مثال فوق ملاحظه فرمودید و «اسماء»ئی که در آیه ۱۸۰ مطرح شده، و نیز انحرافی که از آن اسماء صورت می - گیرد به این معنی است که آدمی اسماء الهی را منتزع کند، و برای آن مفهوم انتزاعی جایگاه مستقلی تصور نماید، و رفتاری عبادتی نسبت به آن (که دراصل واهی است) ارائه کند.

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر! از یهودیان درباره آن شهر کنار دریا سؤال کن که چگونه به حرمت حکم روز شنبه تجاوز کردند، همان موضوع که ماهی ها هنگام برگزاری مراسم عبادات در روزهای شنبه دسته دسته بسویشان می آمدند ولی آنها از صیدشان ممنوع بودند و روز های غیر از شنبه نمی آمدند، و آنها در حکم ممنوعیت صید در روز شنبه نافرمانی کردند و به سبب نافرمانیشان گرفتارشان گردیدیم (۱۶۳) و در همان موضوع

چنین بود که در همان هنگام عده ای آنها را از آن تخلف نهی مینمودند و عده ای دیگر میگفتند چرا قومی را که خداوند هلاک خواهد کرد یا به عذاب شدیدی برخواهد گرفت موعظه می کنید؟ و نهی کنندگان میگفتند بخاطر معذرتی از پروردگار و اینکه شاید نهی فایده داشته باشد و تقوا پیشه کنند (۱۶۴) پس هنگامی که آن پند را به فراموشی سپردند آنهایی را که از بدی نهی میکردند نجات دادیم و ظالمان را برای نافرمانی شان به عذابی بسیار زشت بگرفتیم (۱۶۵) پس وقتی که از آن نهیی که شده بودند سرپیچیدند مقرر نمودیم بوزینگانی مطرود شوند (۱۶۶) و پروردگارت اعلام کرد که تا روز قیامت کسانی را بر آنها مسلط خواهد کرد که عذاب زشت بر آنها روا دارد. زیرا که پروردگارت زود کیفر است و در عین حال بسیار آمرزنده مهربان هم هست (۱۶۷)

و یهودیان را در زمین بصورت گروه هائی تقسیم کردیم. عده ای صالح و عده ای غیر از آنها و آنها را به چیزهای خوب و چیزهای بد آموذیم شاید بازگردند (۱۶۸) و پس از آن نسل، دیگرانی را جایگزین شان نمودیم که آن کتاب را به ارث بردند و متاع ناچیز این جهانی را میگرفتند و میگفتند بزودی آمرزیده میشویم و اگر باز هم متاع ناچیزی مانند آن به آنان دست میداد آنها هم میگرفتند. آیا از آنها پیمان محکم گرفته نشده بود که درباره خداوند جز به حق نگویند؟ در حالیکه مطالب آن کتاب را هم فرا گرفته بودند. و سرای آخرت برای آنانکه تقوا پیشه می کنند بهتر است آیا نمی اندیشند؟ (۱۶۹) و کسانی که به آن کتاب چنگ میزنند و نماز بیامیدارند، البته ما پاداش اصلاحگران را ضایع نمی گذاریم (۱۷۰) و آن هنگام که آن کوه را مانند سایبانی بر آنها قرار دادیم و گمان میکردند که برسرشان فرود خواهد آمد. ندا دادیم

آنچه را به شما دادیم با قوت بگیرید و آنچه را در آن کتاب است یاد کنید شاید تقوا پیشه شوید (۱۷۱)

ای پیامبر! آن هنگام را در نظر بیاور که خداوند از فرزندان آدم از پشت هایشان فرزندان را برگرفت و از آنها شهادت خواست که آیا من پروردگارتان نیستم؟ گفتند بلی. شهادت می‌دهیم که چنین است. تا اینکه روز قیامت نگوئید ما از این غافل بوده ایم (۱۷۲) یا نگوئید پدرانمان قبلاً شرک ورزیده بودند و ما فرزندان آنهائیم. آیا ما را بخاطر عمل آن باطل اندیشان هلاک میکنی؟ (۱۷۳) و آیات را چنین تشریح میکنیم شاید مردم به راه صحیح بازگردند (۱۷۴)

ای پیامبر! خبر آنکسی را برآنان بخوان که علم آیاتمان را به او داده بودیم. پس خود را از آن جدا کرد و شیطان او را به پیروی خویش در آورد و از گمراهان شد (۱۷۵) و اگر میخواستیم با همان علم او را بالا میبردیم ولیکن او خودش رو به سوی زمین کرد و از هوای نفس پیروی نمود، و مثال او مانند سگ است که اگر بسویش حمله کنی پارس میکند و اگر هم به او پشت کنی باز هم پارس میکند. مثال کسانی که آیاتمان را تکذیب می کنند نیز همین است. پس آن قصه ها را برایشان بگو شاید تفکر کنند (۱۷۶) چه بد است مثال مردمی که آیاتمان را تکذیب می کنند و به خویش ظلم روا میدارند (۱۷۷) کسی را که خداوند هدایتش کند همو هدایت شده است و کسی را که او گمراه کند همو از زیانکاران است (۱۷۸)

و البته بسیاری از جن و انس را برای جهنم آفریدیم. آنها کسانی هستند که دلپهایی دارند اما با آن فهم نمی کنند و چشم هائی دارند اما با آنها نمی بینند و گوشهائی

دارند اما با آن نمی شنوند. مانند چارپایانند بلکه از آن هم بدترند و آنها همان غافلاند (۱۷۹)

و خداوند دارای نامهایی نیکوست. او را به آنها بخوانید و آنهایی را که از نامهای او منحرف شده اند واگذارید. آنها بزودی سزای آنچه را که میکرده اند خواهند دید (۱۸۰)

و از بین کسانی که آفریده ایم، گروهی هستند که به راه حق هدایت می کنند و به همان هم تمایل دارند (۱۸۱) و کسانی هم که آیاتمان را تکذیب می کنند بزودی آنها را پس از اینکه تدریجا به نعمتها متنعم می کنیم، ناگهان میگیریم (۱۸۲) و مهلتشان می‌دهیم که نقشه ما محکم است (۱۸۳) آیا به این نمی اندیشند که این پیامبر که مصاحبشان است هیچگونه جنونی ندارد و او جز هشدار دهنده ای آشکار نیست؟ (۱۸۴) آیا در ملکوت آسمانها و زمین نمی نگرند و نیز آنچه که خداوند آفریده و نیز اینکه چه بسا سرآمدشان نزدیک شده باشد؟ پس غیر از اینها به چه چیزی باور خواهند داشت؟ (۱۸۵) کسی را که خداوند گمراه کند هیچ هدایت کننده ای نخواهد داشت و آنها را در سرکشی شان در حالیکه کور دل میباشند رها می کند (۱۸۶)

اعراف ١٠ آية های ١٨٧ تا ٢٠٦

يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْعَتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً يَسْأَلُونَكَ كَأَنَّكَ خَافِيٌ عَنْهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ
أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٨٧﴾ قُلْ لَا أَتْلُوكَ لِتَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنْتُ
أَعْلَمُ الْغَيْبِ لَاسْتَكْنَزْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسْنِيَ السُّوءُ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿١٨٨﴾
حَمَلَتْ حَمَلًا خَفِيًّا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَّعَوَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَيْنَا صَالِحًا لَنُكَونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ ﴿١٨٩﴾
فَلَمَّا آتَاهُمَا صَالِحًا جَعَلَا لَهُ شُرَكَاءَ فِيمَا آتَاهُمَا فَتَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿١٩٠﴾
أُيُشْرِكُونَ مَا لَا يَخْلُقُ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ ﴿١٩١﴾ وَلَا يَسْتَطِيعُونَ لَهُمْ نَصْرًا وَلَا أَنفُسُهُمْ يَنْصُرُونَ ﴿١٩٢﴾
وَإِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَى لَا يَقْبَلُوهُمْ سِوَاءَ عَلَيْكُمْ أَدْعُوهُمْ أَمْ أَنْتُمْ صَامِتُونَ ﴿١٩٣﴾
إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَلُكُمْ فَادْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ
صَادِقِينَ ﴿١٩٤﴾ أَهْمُ أَرْجُلٍ يَمْشُونَ بِهَا أَمْ هُمْ أَيْدٍ يَبْتَطِشُونَ بِهَا أَمْ هُمْ أَعْيُنٌ يُبْصِرُونَ بِهَا أَمْ هُمْ
آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا قُلْ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ كِيدُوا فَلَا تُنْظَرُونَ ﴿١٩٥﴾ إِنَّ وَلِيَّ اللَّهِ الَّذِي نَزَلَ
الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ ﴿١٩٦﴾ وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَكُمْ وَلَا
أَنفُسُهُمْ يَنْصُرُونَ ﴿١٩٧﴾ وَإِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَى لَا يَسْمَعُوا وَتَرَاهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ وَهُمْ لَا
يُبْصِرُونَ ﴿١٩٨﴾ خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ ﴿١٩٩﴾ وَإِنَّمَا يَنْزِعُكَ مِنَ
الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٠٠﴾ إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ
الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ ﴿٢٠١﴾ وَإِخْوَانُهُمْ يَمُدُّوهُمْ فِي الْعَاقِبَةِ ثُمَّ لَا يُنْقِرُونَ ﴿٢٠٢﴾
وَإِذَا لَمْ تَأْتِهِمْ بَآيَةٌ قَالُوا لَوْلَا اجْتَبَيْتَهَا قُلْ إِنَّمَا أَتَّبِعُ مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ مِنْ رَبِّي هَذَا بَصَائِرُ مِنْ
رَبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٢٠٣﴾ وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ
تُذَكَّرُونَ ﴿٢٠٤﴾ وَادْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرَّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ
وَلَا تَكُن مِّنَ الْغَافِلِينَ ﴿٢٠٥﴾ إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيُسَبِّحُونَهُ وَلَهُ

پیش تفهیر

١ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: بی توجهی به خداوند و سر کشی در مقابل پیامبران مایه هلاکت دو جهان است.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: ای مردم به آینده حتمی خود بیندیشید و به راه راست برگردید و با توجه به نقش خداوند در آفرینش، و خیررسانی به آدمی، و بی‌خاصیتی غیر خدا، مانع از گمراهی خویش شوید، و ای پیامبر! با توجه به همه این مطالب چنین کن و چنین بگو.

٢ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

١

يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجِيبُهَا لَوْفِيهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً يَسْأَلُونَكَ كَأَنَّكَ خَفِيٌّ عَنْهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٨٧﴾ قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبِ لَاسْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿١٨٨﴾

ریزدرب: ای پیامبر! اینک که در باره قیامت کنجکاوی نشان میدهند باندازه واقعیت جوابگو باش.

۲

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيًّا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَا اللَّهَ رَبَّهَا لِنِ آتَيْنَا صَلَاحًا لِنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ ﴿١٨٩﴾ فَلَمَّا آتَاهُمَا صَاحِبًا جَعَلَ لَهُ شُرَكَاءَ فِيمَا آتَاهُمَا فَتَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿١٩٠﴾ أَيْشُرِكُونَ مَا لَا يَخْلُقُ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلِقُونَ ﴿١٩١﴾ وَلَا يَسْتَطِيعُونَ هُمْ نَصْرًا وَلَا أَنْفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ ﴿١٩٢﴾ وَإِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَى لَا يَتَّبِعُوكُمْ سَوَاءَ عَلَيْكُمْ أَدَعَوْتُوهُمْ أَمْ أَنْتُمْ صَامِتُونَ ﴿١٩٣﴾ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَلُكُمْ فَادْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٩٤﴾ أَهُمْ أَرْجُلٌ يَمْشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أُنْدٌ يَمْشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَعْيُنٌ يُبْصِرُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا قُلْ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ كِيدُونِ فَلَا تُنْظِرُونَ ﴿١٩٥﴾ إِنَّ وَلِيِّ اللَّهِ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ ﴿١٩٦﴾ وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَكُمْ وَلَا أَنْفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ ﴿١٩٧﴾ وَإِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَى لَا يَسْمَعُوا وَتَرَاهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ وَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ ﴿١٩٨﴾

ریزدرب: ای مردم! خدای شما همان است که بارها مستقیماً اعترافش کرده
اید نه این چیزهای بی خاصیتی که در اذهان خویش ساخته اید.

۳

خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ ﴿١٩٩﴾ وَإِنَّمَا يَنْزَعُكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٠٠﴾ إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ ﴿٢٠١﴾ وَإِخْوَانُهُمْ يَمُدُّوهُمْ فِي الْغَيِّ ثُمَّ لَا يُقْصِرُونَ ﴿٢٠٢﴾ وَإِذَا لَمْ تَأْتِهِمْ بَآيَةٌ قَالُوا لَوْلَا اجْتَبَيْتَهَا قُلْ إِنَّمَا أَتَّبِعُ مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ مِنْ رَبِّي هَذَا بَصَآئِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٢٠٣﴾

ریزدرب: ای پیامبر! با مشکلات رسالت برخوردی بزرگوارانه کن.

۴

وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٢٠٤﴾

ریزدرب: ای مردم! قرآن را محترم بدارید و به مطالبش گوش فرادارید.

۵

وَاذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ ﴿٢٠٥﴾ إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيُسَبِّحُونَهُ وَلَهُ يَسْجُدُونَ ﴿٢٠٦﴾

ریزدرب: ای پیامبر! برای آسان تر شدن بار رسالت بازهم به یاد خدا و عبادتش پرداز.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لُبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ که ابتدای سوره است می فرماید: ای مردم! از رسولی که بسویتان آمده پیروی کنید

وگرنه دچار خسران خواهید شد و مبدا جذب القائنات شیطانی شوید، که درآنصورت به تعالیم این رسول بی توجه شده و در دو جهان دچار خسران خواهید شد.

در پاراگراف ۲ اولین خطابها و هشدارها و تشریع قانون کلی به انسانهای اولیه را ذکر میفرماید.

در پاراگراف ۳ می فرماید: ای مردم! عاقبت حتمی شما فرارسیدن قیامت و ضمن ارائه ای از قسمتی از وقایع آن روز میفرماید عاقبت تان دوحالت ممکن متضاد دارد. اینک این شما هستید که راه های منتهی به هر حالت را انتخاب میکنید.

در پاراگراف ۴ گوشه ای از الطاف و نعمت های الهی را یادآوری می فرماید.

در پاراگراف ۵ می فرماید: ای مردم! به اقوام منقرض شده قبلی بنگرید! این تازه وضع دنیوی شان بود، وضع آخرتی شان را هم که میدانید! برای خویش چه می پسندید؟

در پاراگراف ۶ یک قانون مهم درباره هلاکت تمدن ها را بیان می فرماید.

در پاراگراف ۷ می فرماید: ای مسلمانان! نه این کفار از فرعون و نیروهایش قوی ترند و نه این پیامبر کمتر مورد تاییدات الهی است، پس، دل خوش دارید شاید پیروزی نزدیک باشد.

در پاراگراف ۸ می فرماید: ای مسلمانان! مبدا شما هم پس از پیروزی همین عقبگرد ها را بکنید!

در پاراگراف ۹ می فرماید: ای مسلمانان! با خداوند رو راست باشید و از همین اول و قبل از پیروزی و آزادی هشیار باشید که باید از «اخلاق یهودی» بهره یزید و اینکه بنی اسرائیل در زمین پراکنده شدند و هم بد وهم خوب در بین آنها بود-والبته بدها غلبه داشتند- و از سوی خداوند مورد امتحانات، و حتی تهدیدهای جدی هم قرار می گرفتند تا شاید دین خویش را به محکمی حفظ کنند و اینکه انسان، ذاتاً و فطرتاً معترف به ربوبیت خداوند است و کسانی را که نسبت به آیات الهی که به آن دسترسی دارند قدر ناشناسند، جزا می بینند، و اینکه در اساسی ترین امور بیاندیشید و با استعانت از نامهای نیکوی الهی و از کسانی که تمایل به حق دارند و به آن راهبری می کنند کمک بگیرید.

در این پاراگراف می فرماید: ای پیامبر(ص) درباره قیامت و امور وابسته به آن چنین بگوی، و اینکه انسان باید به جایی رو کند که علم و قدرت داشته باشد و بتواند نیازهای او را برآورد، و اینکه ای پیامبر! با پیروان زیاد سختگیر نباش زیرا «اصل

کار»شان (که همان ایمانشان باشد) درست است، و همان هم آنها را دوباره به مسیر صحیح بر میگرداند، ضمنا به کافران هم چندان اهمیتی نده، و خودت هم دائما برای خدا متواضع باش.

۴ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیه ۱۸۷ معلوم میشود آنحضرت در معرض پرسش هایی در باره زمان وقوع قیامت بوده ، و البته میتوان درک کرد که این پرسش ها میتواندست از سوی هر دو طرف پیروان آنحضرت و کفار بوده باشد، پیروان به منظور ازدیاد علم و کفار به منظور طعنه و تمسخر، که در آیه بعدی به او توصیه میشود که بگوید من اساسا در معرض این نوع علم نیستم و کارم هشدار و مژده دهی است.

از آیات ۱۸۹ تا ۱۹۸ اینطور فهمیده میشود که خداوند دارد معاذیری در دهان کافران معمولی (نه فعالان کفر) قرار میدهد که آنها را به ریشه های عقاید باطلشان آگاه کند و غیر مستقیم به راه حق هدایت کند و در این راه به آنها میگوید در خلوت تان (وقتی که در مشکلی گیر میکنید) تمام عناصر اعتقادات باطلتان از یادتان میرود و به عنوان موثر در رفع مشکل فقط به خداوند رو میکنید اما چون در فرهنگ شرک بزرگ شده اید پس از اینکه اوضاعتان عادی شد دوباره به حالتی که به آن عادت کرده اید بر میگردید و ادامه با ذکر دلایلی آنها را به ترک عقاید عادی شان تشویق میکند.

آیات ۱۹۹ تا ۲۰۱ را وقتی می فهمیم که پاراگراف قبل را فهمیده باشیم، با توجه به پاراگراف قبل به آنحضرت توصیه میکند که هنوز وقتش نشده و لذا از آنها روی بگردان و اگر این موضوع را (یعنی رویگرداندن از آنها را) فراموش کردی پس از اینکه دو باره متذکر شدی این کار را (یعنی روی گرداندن را) کن.

از آیه ۲۰۶ فهمیده میشود گاهی آنحضرت با خویش این فکر را میکرد که من حالا فلان کمک موثر را نیاز دارم و در آیه مذکور به او خاطر نشان میشود کمکی که تو

نیاز داری عبادت است (تا مثلاً صبر و تحملت زیاد شود)

۵ - آیات برجسته این پاراگراف

آیه ۲۰۴ (اذا قرى القرآن فاستمعوا...) چنان پر تکرار مورد اقبال هنرمندان واقع شده که تابلوهای خوشنویسی و تجسمی آن در همه جا دیده میشود و چنان عیان است که حاجتی به بیانش نیست.

۶ - زاویه با تفاسیر رایج

خطای فاحش در اثر عدم توجه به ترتیب نزول

در آیه ۱۸۹ بعضی از عالیقدرترین و مشهورترین مفسران محترم، «نفس واحده» را به «آدم» تطبیق کرده‌اند که کاملاً ناصحیح است زیرا چگونه ممکن است «آدم» (که برگزیده خداوند است) مطابق آیه ۱۹۰ شرک بورزد؟

آنها این اشتباه فاحش را مرتکب نشدند مگر به این علت که از تفسیر قرآن کریم به ترتیب نزول خودداری نموده و مطابق ترتیب رایج کار کرده‌اند و در ترتیب رایج پس از سوره حمد به سوره بقره برمی‌خورند و در همان اوایل سوره بقره داستان آفرینش مطرح می‌شود و این سوره اعراف هم چند سوره پس از سوره بقره است و آنها هنوز تحت تأثیر آن داستان هستند و در این آیه (آیه ۱۸۹) یک چنین خطای بسیار بزرگی می‌کنند و اگر به ترتیب نزول کار کرده بودند، «نفس واحده» را به همان معنایی می‌گرفتند که در سوره شمس آمده است (و به ترتیب نزول ما، از سوره شمس تا سوره اعراف دائماً تکرار گردیده است)

جمله «جعل منها زوجها» مطابق بیانی که (در داستان آفرینش که در همین سوره مطرح شده) عرض کرده‌ایم، به این معنی است که از همان فرمول و نرم‌افزار «نفس واحده» (مطرح در سوره شمس)، جفت آن «نفس واحده» را نیز قرار داد.

یعنی یک «نفس واحده» داریم و یک «جفت نفس واحده» هم داریم که در اصول

(فکر، فهم، رفتارهای انسانی و غیره) از همان نرم‌افزار است، اما در فروع (شکل، اندام‌های جنسی، و غیره) تفاوت‌هایی با آن دارد.

موضوعی (که اگر قرآن را به ترتیب نزول ببینیم) اینقدر واضح است، وقتی که قرآن به ترتیب رایج تفسیر شود مفسران — بلکه مفسران بسیار عالی قدر — را آنقدر دچار خطا کرده است. البته این موضوع منحصر به همین مورد نیست و نظایر زیاد دارد.

(آیه ۱۸۹): (المیزان): و معنای آن این است که: "هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ" ای گروه بنی آدم خدای تعالی آن کسی است که شما را آفرید "مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ" از تن واحدی که پدرتان بود "وَجَعَلَ مِنْهَا" و از آن یعنی از نوع آن "زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا" همسرش را آفرید تا آن مرد به داشتن آن همسر آرامش دل یابد "فَلَمَّا تَغَشَّاهَا" پس وقتی با او در آمیخت — تغشی به معنای جماع است — "حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيًّا" بار سبکی که عبارت بود از نطفه برداشت "فمرت به" و هم چنان این بار را داشت و با آن آمد و شد و نشست و برخاست می‌کرد تا آنکه نطفه در رحمش رشد نموده به حد جنین رسید و سنگین شد، و همسر آدم احساس سنگینی آن را می‌کرد"

چنانکه به وضوح دیده می‌شود «نفس واحده» را به حضرت آدم تطبیق نموده که خطاست زیرا در آیه بعد به آنها نسبت شرک داده شده، و البته المیزان در بحثی این قسمت را (یعنی شرک را) از حضرت آدم با توجیهاتی رد نموده که چندان مقبول نیست در حالیکه اگر به ترتیب نزول توجه میکرد موضوع «نفس واحده» را به همان معنی میگرفت که در سوره شمس آمده (ونفس و ما سوّیها)

۷ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه ۱۸۷ از آن نوع است که ده ها بار میخوانی و نه میتوانی دل بکنی و نه میتوانی بگوئی جذب و هضمش کرده ای!
آیه مذکور بی تردید فوق ذهنیات امروزیان است، چه رسد به عرب ۱۴۰۰ سال پیش. همچنین است مفاد آیه ۲۰۶.

۸ - پیشگوئی های تحقق یافته

آیات ۱۹۹ تا ۲۰۶ که آنحضرت را به ندید گرفتن رفتارهای فعالان مخالف، و صبر، و در پیش گرفتن رفتارهای عبادی خاص، توصیه میکند این وعده مستتر است که این اوضاع و احوال تو و پیروانت در جهت مطلوب تان تغییر خواهد کرد.

۹ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

- ۱ - ای مردم به آینده حتمی خود بیندیشید و به راه راست برگردید .
- ۲ - ای مردم با توجه به نقش مطلق خداوند در آفرینش، و خیررسانی به آدمی، و بی‌خاصیتی غیر خدا، مانع از گمراهی خویش شوید.
- ۳ - ای پیامبر! با توجه به همه این مطالب چنین رفتار کن و چنین بگو (مطابق آیات آخر سوره اعراف)

۱۰ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه های ۱۸۷ و ۱۹۲ تا ۱۹۴ و ۱۹۷ و ۲۰۶، بقیه «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلید های تفسیری

بحث متنی

دو آیه اواخر پاراگراف فرع بر آیه ۱۹۶ است.
دو آیه: ۲۰۱ و ۲۰۲ بدون اینکه فرع بر آیه باشند پرانتزی هستند.
همچنین است آیه ۲۰۴.

ارتکاب گناه توسط مؤمن «موردی» و «موقتی» است

آیه‌های ۲۰۱ و ۲۰۲ کنایه است از ارتکاب گناه. توضیح اینکه اهل تقوا، معمولاً دنبال گناهان نیستند اما این بمعنی آن نیست که هرگز گناه نمی‌کنند. آنها گاهی هم به گناهانی دچار می‌شوند اما فوراً پشیمان شده و استغفار می‌کنند، اما سایرین نه تنها از ارتکاب گناه ناراحت نشده، بلکه ادامه هم می‌دهند. عبارت «عبور کننده‌ای شیطانی» که در آیه ۲۰۱ آمده عبارتی است کنایه ای از دچار شدن آنان و ناخواسته بودن ارتکاب گناهانشان. تصور کنید کسی دارد راه خودش را می‌رود و به این و آن کاری ندارد اما یکی دیگر هست که او را زیر نظر دارد و خود را به او نزدیک می‌کند و تنه محکمی به او می‌زند. شخص اول البته اندکی دچار دگرگونی می‌شود اما خود را جمع و جور می‌کند و دوباره به راه خویش ادامه می‌دهد. در این مثال، رفتار نفر دوم که تنه زده و مزاحم شده همان است که تحت عنوان «عبور کننده‌ای شیطانی» مورد اشاره قرار گرفته است.

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر! از تو درباره قیامت می‌پرسند که کی فرا میرسد. بگو جز این نیست که علم آن نزد پروردگارم است. وقتش که برسد هیچکس غیر از او آشکارش نمی‌کند. بار وقوع قیامت در آسمانها و زمین سنگین است. جز بطور ناگهانی بسراغتان نمی‌آید. چنان از تو می‌پرسند که گوئی تواز آن آگاهی. بگو جز این نیست که علم آن نزد خداوند است ولیکن اکثر مردم نمیدانند (۱۸۷) بگو من برای خود مالک نفع و ضرری نیستم مگر آنچه خداوند خواسته باشد و اگر علم غیب می‌داشتم ازخواستنی‌ها زیاد برم‌ی‌گرفتم و بدیی بمن نمی‌رسید. من جز هشدار دهنده و مژده دهنده‌ای برای مومنان نیستم (۱۸۸)

ای پیامبر! بگو خداوند هموست که شما را از یک جان آفریده و جفت او را نیز از همان قرار داد تا بدو آرامش یابد. پس چون با او در آمیخت و او بار سیکی برداشت و مدتی گذشت، چون سنگین شد، خداوند را که پروردگارشان باشد دعا می کنند که اگر فرزند سالمی بما دهی حتما از شاكران خواهیم شد (۱۸۹) اما وقتی که فرزند سالمی به آنها داد در مورد آنچه به آنان داده برایش شریکانی قرار میدهند. اما خداوند از آنچه با او شریک قرار میدهند بالاتر است (۱۹۰) آیا شریکانی قرار میدهند که چیزی نمی آفرینند و خودشان مخلوقند؟ (۱۹۱) و نمیتوانند به آنان و نه حتی به خودشان کمکی کنند؟ (۱۹۲) ای مومنان! اگر این مشركان را بسوی هدایتی که خودتان از آن بهره برده اید بخوانید پیرویتان نمی کنند، برایشان فرقی نمی کند چه آنان را بخوانید چه ساکت باشید (۱۹۳) ای مشركان! آنهائی را که غیر از خداوند به دعا می خوانید بندگان هستند امثال خودتان. پس بخوانیدشان و باید اجابتان کنند اگر راست میگوئید (۱۹۴) آیا پائی دارند که با آن راه روند؟ یا دستی که با آن به محکمی بگیرند؟ یا چشمهائی که با آن ببینند؟ یا گوشهائی که با آن بشنوند؟ ای پیامبر! به مشركان بگو آن باصطلاح شریكان را بخوانید و آنگاه حيله ای برایم کنید و هیچ مهلتی هم بمن ندهید (۱۹۵)

ای پیامبر! بگو البته سرپرست من خداوند است که آن کتاب را بر من فرستاد و همو سرپرست صالحان است (۱۹۶) و آنهائی که غیر از او میخوانید نمیتوانند کمکی به شما و نه حتی به خودشان کنند (۱۹۷) ای پیامبر! اگر این مشركان را برای هدایت بخوانی نمی شنوند و می بینی که بسویت مینگرند اما حقیقت را نمی بینند (۱۹۸) ای پیامبر! حال که چنین است، عفو پیشه کن و به نیکی فرمان ده و از جاهلان روگردان باش (۱۹۹) و اگر از جانب شیطان به وسوسه ای دچار شدی که به وسواس

افتادی، به خداوند پناه بر که شنوای دانااست (۲۰۰) تقوا داران وقتی که عبور کننده ای شیطانی برخوردی با آنها کند متوجه خداوند میشوند و فوراً به بصیرت می آیند (۲۰۱) و برادران شیطان صفتِ آن دیگران، آنها را در همان گمراهی شان کمکشان می کنند و کوتاه نمی آیند (۲۰۲) و چون آیه ای بسویشان نیاوری میگویند چرا فراهم نکرده ای؟ بگو جز این نیست که من فقط وحیی را که از پروردگارم بسویم میشود پیروی میکنم. این مایه بصیرت هائی از جانب پروردگارتان و هدایتی و مهربانیی برای مردمی است که ایمان پیشه اند (۲۰۳)

ای مومنان! هنگامی که قرآن خوانده میشود به آن گوش دهید و سکوت کنید شاید مورد مهر واقع شوید (۲۰۴) ای پیامبر! پروردگارت را صبح ها و شب ها در دل خویش به حالت تضرع و نگرانی یاد کن و صدايت را بلند مکن و از غافلان نیز مباش (۲۰۵) آنان که نزد پروردگارت هستند از عبادتش سرپیچی و گردنفرای نمی کنند و او را به پاکی می ستایند و برایش سجده می کنند (۲۰۶)

سوره كهف

﴿ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا ﴿١﴾ قِيمًا لِيُنذِرَ بَأْسًا شَدِيدًا مِمَّنْ لَدُنْهُ وَيُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا حَسَنًا ﴿٢﴾ مَا كَثُرَتْ فِيهِ آيَاتٌ ﴿٣﴾ وَيُنذِرَ الَّذِينَ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا ﴿٤﴾ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ وَلَا لِآبَائِهِمْ كَبُرَتْ كَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ إِنْ يَقُولُونَ إِلَّا كَذِبًا ﴿٥﴾ فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ عَلَى آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا ﴿٦﴾ إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ﴿٧﴾ وَإِنَّا لَجَاعِلُونَ مَا عَلَيْهَا صَعِيدًا جُرُزًا ﴿٨﴾

پیش تفسیر

۱- استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره)، برای کل ۱۱۴ سوره قرآن، در کتاب «خودآموز تفسیر قرآن» (از همین قلم) وجود دارد، و خود کتاب مذکور را میتوانید در سایت (<https://tafsir.ganjei.com>) بیابید، و البته مبانی این موضوع نیز در ۱۶۰ صفحه اول کتاب «علوم قرآنی» (موجود در همان سایت) شرح داده شده است. و در مورد این سوره، عصاره محتوا، همان است که ذیلا دیده میشود.

درس: ای مردم! از نمونه های قابل تحسین گذشته الگو بگیرید و مسیر زندگی خویش را تصحیح کنید.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: آدمی با توجه به زندگی جاوید نیاز به الگوی رفتاری صحیح دارد،

و ای پیامبر! در رابطه با رسالت معتدل باش و آنقدر به خودت فشار نیاور.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا ﴿١﴾

ریزدرب: قرآن کتابی آسمانی و کاملاً بی عیب است

۲

فَقِيمًا يُنذِرُ بِأَسَا شَدِيدًا مِنَ لَذْنِهِ وَ يُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا حَسَنًا ﴿٢﴾ مَا كُنْتُمْ فِيهِ أَبَدًا ﴿٣﴾ وَيُنذِرَ الَّذِينَ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا ﴿٤﴾ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ وَلَا لِإِنْتِهَمٍ كَبُرَتْ كَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ إِنْ يَقُولُونَ إِلَّا كَذِبًا ﴿٥﴾

ریزدرب: قرآن محکم و استوار، و از جانب خداوند، و ماموریتش بشارت مردم خوب، و هشدار بدعقیدگان است

۳

فَلَعَلَّكَ بَاجِعِ نَفْسِكَ عَلَى آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا ﴿٦﴾

ریزدرب: ای پیامبر! راجع به بدعقیدگان تاسف بیش از اندازه مخور

۴

إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِنَبْلُوهُمْ أَتَانَهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ﴿٧﴾ وَإِنَّا لَجَاعِلُونَ مَا عَلَيْهَا صَعِيدًا جُرُزًا ﴿٨﴾

ریزدرب: ای مردم! این مواهب دنیائی را فقط وسیله امتحان تلقی کنید

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبَّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیه های ۴ و ۵ فهمیده میشود در آن روز ها داشتن اولاد خدا یک موضوع چالش برانگیز بوده، زیرا مشرکان که به وضوح چنین عقیده ای داشتند، و عقیده مسیحیان نیز توسط آنان با جنجال و هیاهو بزرگنمایی میشد. از آیه ۶ فهمیده میشود آنحضرت از رویکرد بی توجهی و بی اعتنائی به آیات الهی خیلی زیاد متاسف بودند.

۴ - زاویه با تفاسیر رایج

(المیزان): این سوره با انذار و تبشیر دعوت می کند به اعتقاد حق و عمل صالح

درس (که از راه محاسبه استخراج شده): ای مردم! از نمونه های قابل تحسین گذشته الگو بگیرید و مسیر زندگی خویش را اصلاح کنید.

۵ - پیشگوئی های تحقق یافته

در آیه ۱ که فرموده هیچ اعوجاجی در قرآن نیست، یک پیشگوئی است که بیش از

۱۴ قرن است درستی آن معلوم شده است.

در آیه ۶ که آنحضرت را از درگیر شدن بیش از حد با موضوع رسالتش منع میکند این پیشگوئی نهفته است که تو فقط پیام را برسان و تاثیرش را به ما واگذار و در بطن این توصیه، وعده موفقیت آنحضرت نهفته است.

۶ - در این پاراگراف، کدام فقرات، فوق ذهنیات معاصران نزول است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه های ۲ تا ۴ «قیامتی» است، و هیچ بنی بشری تجربه اش را ندارد، و قبل از قیامت نخواهد داشت، لذا، چه در آن روزهای نزول وحی و چه الی یوم القیامه بالاتر از ذهنیات بشر خواهد بود.

۷ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

در این پاراگراف آیاتی وجود دارد که برخی از فقرات آنها در سوره های قبلی (قبل و بعد نسبت به این سوره و بر اساس جدول ترتیب نزول ما) آمده، اما با تفاوت در لغت و الفاظ، لذا اگر بگوئیم قبلاً نیامده، ناصحیح است، و اگر بگوئیم آمده، باز هم ناصحیح است، لذا در باره این نوع پاراگراف ها (که از این پس بازهم خواهیم دید) میتوان چنین گفت که از لحاظ محتوا، اکثر مطالب این پاراگراف مسبوق به سابقه است، اما، قسمتی از هر کدام از مطالبش جدید میباشد.

شرح مختصر

قرآن بی عیب

لم يجعل له عوجا

از نیمه دوم قرن بیستم تاکنون، براحتی دیده میشود سه جریان در جهان راه افتاده و برای پیشبرد آنها منابع عظیم مالی و انسانی صرف میشود، رهبری این سه جریان در دست کثیف ترین و منفورترین کسانی است که بطور پنهانی بسیار فعال میباشند و امور مورد نظر خویش را از همه طرق ممکن و بدست کسان عادی که بطور نامحسوس تحت مدیریت و سیطره نامریی آنها هستند پیش می برند.

این سه جریان عبارتند از:

۱ - «عزیز کردن» یهودیان

۲ - «عادی جلوه دادن» همجنسگرایی

۳ - ایجاد یک خدشه (حتی بسیار کوچک) در اعتبار قرآن

برای دو مورد اول که البته تخصص این قلم نیست، میتوان گفت چنان عیان و چنان پر حجم عمل میشود که هر آدم عادی هم صحت دو گزاره ۱ و ۲ را تشخیص میدهد و اینجا محل پرداختن به آن نیست.

راجع به مورد سوم، بحمدالله، این قلم چندان بی اطلاع نیست و میتواند شواهدی ارایه نماید که شمه ای از آن در ذیل می آید:

۱ - انیمیشن های «من زیوس هستم» که بیش از ۳۰۰ مورد را شامل میشود کلیپ هایی انیمیشنی است که از لحاظ بافت و ساخت انیمیشنی تقریباً بی نقص و بسیار جذاب است و از کلیپ های ۳-۴ دقیقه ای تا بسیار بزرگتر را شامل میشود. کسی که یکی از آنها را می بیند چه تصویری دارد که بیش از ۳۰۰ تا از آنها چه سرمایه هنگفتی را میطلبد!

چنین سرمایه هنگفتی جز از طریق موسسات ضد قرآن (وابسته به همان جاهایی که فوقاً ذکر شد) قابل وصول و حصول هست؟

۲ - اخیراً (من پارسال دیدم) یک فیلم بلند یک و نیم ساعته با ظاهری بسیار جذاب و بی نقص بنام «شهر مقدس» Sacred City ساخته و در زبان های زیادی دوبله شده و در درگاه های فیلمها قرار داده شده، که این پرسش را بر می انگیزد که

یک فیلم با رعایت همه نکات جذابیتهای فیلمهای سینمایی که به بیش از ۳۰ زبان دوبله میشود چقدر سرمایه میخواهد؟ و آیا چنین سرمایه ای را چه جایگاه و پایگاهی میتواند تامین کند؟ سرمایه ای که هیچ بازگشتی (سود حاصل از فروش) ندارد!

۳- تولیداتی از قبیل فیلم و انیمیشن که دارای بار جذابیتهای بالایی هست، صرفنظر از اینکه هیچ بازده مادی برای اسپانسرهای آنها ندارد، تنها راهی نیست که آنها از آن طریق سعی میکنند خدشه ای (حتی بسیار کوچک) به اعتبار قرآن وارد کنند. اخیراً (از نیمه دوم قرن بیستم) راه جدیدی هم (مانند اتوبانهای شش باندی) مورد استفاده محافل پیشگفته قرار گرفته است، و آنهم راه «تولیدات پایان نامه های» ارشد و دکترا است.

موضوع به این ترتیب است که شاخه های دانشگاهی محافل مذکور اشخاص مستعد و جاه طلب را در حوزه های دانشگاهی نشان کرده و سبب صعود آنها میشوند و پس از اینکه آنها در جایگاه مورد نظر قرار گرفتند «بودجه های سعی در خدشه وارد کردن به جایگاه قرآن» را در اختیارشان قرار میدهند، و آنها دانشجویان مناسب نظرشان را که در پایه های ارشد و دکترا قرار دارند تشویق به کار روی عناوینی که در جهت فوق الذکر است نموده و کمکشان میکنند و همه گونه امکانات از قبیل فرصت های مطالعاتی و امکان ملاقات با اشخاص موردنظر و غیره را که نیاز به بودجه های قابل توجه دارد در اختیارشان قرار میدهند.

اینطور است که ناگهان می بینیم که در این ایام «خرده گیران بر قرآن» تولید انبوه میشوند و کتاب های و مقالات و سخنرانی های آنها تقریباً در همه جا دیده میشود.

۴- چیزهایی که فوقاً برشمردیم تنها راه هایی نیست که آنها رفته اند بسیار راه هایی رفته و از ادامه منصرف شده، و بسیار راه هایی رفته و دارند ادامه میدهند که این قلم متوجه نشده و دیگرانی متوجه شده اند یا خواهند شد.

در هر حال «سعی دایمی برای پیدا کردن یک -به قول امروزیها - باگ در اعتبار قرآن» چیزی است که آنها ول کن اش نیستند، نتایجش را هم که می بینیم: سروش میگوید قرآن مانند پراکنده گویی شخص خواب زده است! شبستری میگوید قرآن قول خدا نیست! (..) میگوید قرآن حاوی خلاف واقعیت های موجود در جهان است!

ممکن است کسی بگوید اینها که میگوئی «توری طوته» است، در جواب میگوییم: آیا ابلیس و ذریه اش مرده اند؟ یا بازنشسته شده اند؟ و مگر غیر از این است که الی یوم یبعثون فعال خواهند بود؟

ترجمه تفسیری آزاد

بسم الله الرحمن الرحيم

ستایش خاص خداوندی است که این کتاب را بر بنده اش نازل کرد و در آن کژی قرار نداد (۱)

کتابی که استوار است. و این ماموریت را هم دارد که از عذاب شدیدی از جانب خداوند هشدار دهد، و نیز مومنانی را که عمل شایسته می کنند مژده دهد که پاداشی نیکو خواهند داشت (۲)

که در آن جاودان خواهند بود (۳) و نیز کسانی را که میگویند خداوند فرزندی گرفته هشدار دهد (۴)

علمی به آن ندارند. پدرانسان نیز همینطور. این کلمه ای که از دهانشان بیرون می آید گنده است و چیزی جز دروغ نیست (۵)

ای پیامبر! شاید میخواهی خودت را از شدت تأسف در پی آنها هلاک کنی که چرا به این کلام ایمان نمی آورند (۶) ما آنچه را که بر روی زمین هست زینتی قرار دادیم

تا آزمایششان کنیم که کدامشان خوش عمل ترند (۷) و البته آنچه را که بر زمین
هست به وقتش بصورت خاک خشک بایر در خواهیم آورد (۸)

كهف ٢ آيات ٢٦٩

أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا ﴿٩﴾ إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا ﴿١٠﴾ فَضَرَبْنَا عَلَى آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا ﴿١١﴾ ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَى لِمَا لَبِثُوا أَمَدًا ﴿١٢﴾ نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُمْ بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى ﴿١٣﴾ وَرَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَنْ نَدْعُو مِنْ دُونِهِ إِلَهًا لَقَدْ قُلْنَا إِذَا شَطَطًا ﴿١٤﴾ هَؤُلَاءِ قَوْمُنَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً لَوْلَا يَأْتُونَ عَلَيْهِمْ بِسُلْطَانٍ بَيِّنٍ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا ﴿١٥﴾ وَإِذْ اغْتَرَفْنَاهُمُ وَمَا يُغْبِذُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأَوَّاوَا إِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرُ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيُهَيِّئْ لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ مَرْفَقًا ﴿١٦﴾ وَتَرَى الشَّمْسَ إِذَا طَلَعَتْ تَزَاوَرُ عَنْ كَهْفِهِمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَإِذَا غَرَبَتْ تَقْرِضُهُمْ ذَاتَ الشِّمَالِ وَهُمْ فِي فَجْوَةٍ مِنْهُ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِي وَمَنْ يُضِلِلْ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ وَلِيًّا مُرْشِدًا ﴿١٧﴾ وَتَحْسَبُهُمْ آيِقَاطًا وَهُمْ رُقُودٌ وَنُقَلِّبُهُمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَذَاتَ الشِّمَالِ وَكَلْبُهُمْ بَاسِطٌ ذِرَاعَيْهِ بِالْوَصِيدِ لَوِ اطَّلَعْتَ عَلَيْهِمْ لَوَلَّيْتَ مِنْهُمْ فِرَارًا وَلَمَلَمْتَ مِنْهُمْ رُغْبًا ﴿١٨﴾ وَكَذَلِكَ بَعَثْنَاهُمْ لِيَتَسَاءَلُوا بَيْنَهُمْ قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ كَمْ لَبِثْتُمْ قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالُوا رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثْتُمْ فَابْعَثُوا أَحَدَكُمْ بِوَرِقِكُمْ هَذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلْيَنْظُرْ أَيُّهَا أَزْكَى طَعَامًا فَلْيَأْتِكُمْ بِرِزْقٍ مِنْهُ وَلْيَتَلَطَّفْ وَلَا يُشْعِرَنَّ بِكُمْ أَحَدًا ﴿١٩﴾ إِنَّهُمْ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ أَوْ يُعَذِّبُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ وَلَنْ تُفْلِحُوا إِذَا أَبَدًا ﴿٢٠﴾ وَكَذَلِكَ عَشَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا إِذْ يَتَنَزَّعُونَ مِنْهُمْ أَمْرُهُمْ قَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِمْ بُيُوتًا رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمُ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَى أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا ﴿٢١﴾ سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةٌ رَابِعُهُمْ كَالْبُنْدِ وَيَقُولُونَ خَمْسَةٌ سَادِسُهُمْ كَالْبُنْدِ رَجْمًا بِالْغَيْبِ وَيَقُولُونَ سَبْعَةٌ وَثَامِنُهُمْ كَالْبُنْدِ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ بِعَدَّتِهِمْ مَّا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ إِلَّا مِرَاءً ظَاهِرًا وَلَا تَسْتَفْتِ فِيهِمْ مِنْهُمْ أَحَدًا ﴿٢٢﴾ وَلَا تَقُولَنَّ لِشَيْءٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَلِكَ غَدًا ﴿٢٣﴾ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَادْكُرْ رَبَّكَ إِذَا نَسِيتَ وَقُلْ عَسَى أَنْ يَهْدِيَنِّي رَبِّي لِأَقْرَبَ مِنْ هَذَا رَشَدًا ﴿٢٤﴾ وَلَبِثُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَازْدَادُوا

تَسْمَعًا ﴿٢٥﴾ قُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثُوا لَهُ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَبْصِرْ بِهِ وَأَسْمِعْ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا ﴿٢٦﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: ای مردم! از نمونه های قابل تحسین گذشته الگو بگیرید و مسیر زندگی خویش را تصحیح کنید.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: یکی از الگوهای قابل تحسین گذشته اصحاب کهف بودند که راه حق را رفتند، گرچه ظاهراً به نظر می آمد به ضررشان است.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

چنانکه تاکنون دیده اید، در هر پاراگراف تفسیری، عصاره محتوای پاراگراف را از یک «راه دوم» نیز استخراج میکردیم، که معمولاً دیده میشد مطابقت معنا داری با استخراج از راه اول داشت.

اما، در پاراگراف هائی که کاملاً «داستانی» است، ضرورتی در این کار احساس نمیشود، زیرا فهم پاراگراف های داستانی بسیار آسانتر است، و چون ما اهل صفحه زیاد کردن نیستیم، و با توجه به کیفیت خوانندگان مان رعایت اختصار را ترجیح میدهیم، در این نوع پاراگراف ها از آن صرفنظر میکنیم.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ که ابتدای سوره است می فرماید: حمد مخصوص خداست که این قرآن را نازل کرد و ای پیامبر! برای انجام رسالت اینقدر بخودت فشار نیاور .
در این پاراگراف می فرماید: ای مسلمانان! آینده از آن عقیده شماست. لذا اینک که می بینید نمی توانید اوضاع و احوال را مطابق خواسته تان کنید کافی است تسلیم نشوید و عقیده صحیح تان را حفظ کنید. عقیده صحیح شما در آینده فراگیر خواهد شد.

۴- پیشگوئی های تحقق یافته

در آیات ۹ تا ۲۶ با ذکر داستان اصحاب کهف تلویحا به آنحضرت و پیروانش میگوید که خداوند کار خویش را پیش می برد ولو اینکه شما نتوانید کار خاصی کنید و در این مطلب وعده پیروزی جبهه آنحضرت و پیروانش نهفته است.
در آیه ۲۸ که حاوی توصیه صبر و توجه بیشتر به اعضاء جبهه خودی است این پیام نهفته است که این ایام به پایان خواهد رسید و تو و پیروانت موفق خواهید شد.

۵- پیشگوئی های تحقق یافته (علمی)

۱- در رابطه با آیه ۱۸ چگونه یکنفر می تواند چنانکه در آیه ۲۵ ذکر شده، سیصد سال بخوابد؟
در آیه فرموده، «آنها را به چپ و راست می گرداندیم» به این ترتیب از فساد و عفونت بدن آنها که مدتی طولانی را در یک حالت بسر ببرند جلوگیری می شد.
ذکر این موضوع با توجه به زمان نزول این آیات یک پیشگوئی علمی تحقق یافته بوده و دارای بار اعجازی است.

۲- با توجه به آیه ۲۵ چنانکه امروزه می دانیم سیصد سال شمسی و سیصد و نه سال قمری با هم مساویند و این موضوع نیز با توجه به زمان نزول این سوره که در کل جهان هنوز یک تقویم درست و دقیق طراحی نشده بود (چه رسد به اعراب بی تمدن

بی سواد آن روزها) یک معجزه علمی است.

۳- با توجه به آیه ۱۷ در شرحی که از وضعیت آفتاب در رابطه با غار آنها می دهد معلوم می شود این غار، غاری است که روزی کشف خواهد شد و کاشفان از روی این علامتها تشخیص خواهند داد که غار مورد نظر کاشفان بدرستی همان غار مورد بحث هست یا نه.

و چنانکه می دانیم این غار با همین مشخصات در پنجاه سال اخیر کشف شده، و این آیه به یکی از معجزات قرآنی تبدیل گشته است.

۶ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه ۱۷ از این لحاظ که غاری با مشخصات این پاراگراف تا ۱۳۰۰ سال پس از نزول این سوره هنوز کشف نشده بود، فوق ذهنیات مخاطبان اولیه می باشد.

آیه ۲۵ از این لحاظ که با ذکر جمله «و ازدادوا تسعا» فرق بین سالهای شمسی و قمری را بیان میکند (که ۳۰۰ سال شمسی ۳۰۹ سال قمری میشود) فوق ذهنیات مخاطب اولیه بود، که تا پیدایش عمرخیام و در زمان جلال الدین ملکشاہ سلجوقی با ظهور «تقویم جلالی» توسط عمرخیام این جمله «و ازدادوا تسعا» مفهوم، و داخل ذهنیات ریاضیدانان شد، و قبلا مفهوم نبود.

۷ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها، تقریبا تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است .

شرح مختصر

کلید های تفسیری

بحث متنی

آیات ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ کلا پرانتز است، دلیلش هم اینکه اگر چشم بر آنها بسته و قبل و بعدشان را وصل کنیم خواهیم دید روال سخن صاف و بی سخته خواهد بود.

دست خدا «کجاست»؟

در رابطه با آیه ۹، باید توجه داشته باشیم که، ما آدمیان عادت کرده ایم دست خداوند را در کارهای نادر و خارق العاده ببینیم مثلاً در خسوف و کسوف بیاد خداوند می‌افتیم اما در گردش معمولی شب و روز و ماه و خورشید، بیاد خداوند نمی‌افتیم. اگر نیک بیاندیشیم این چیزهائی که به آنها عادت کرده‌ایم، آیه و نشانه بیشتری دارد تا آن چیزهای نادر و عجیب.

در اینجا «رحمت» به چه معناست؟

در رابطه با آیه ۱۰، اگر توجه فرموده باشید تاکنون در بسیار جاها که کلمه «رحمت» را دیدیم، بمعنی وحی و هدایت خاص الهی و هدایت مربوط به ایمان و خلاصه، «لطف خداوندی که مربوط به ایمانیات باشد» بوده و در این آیه نیز چون آنها راجع به ایمانشان نگران بودند، این تعبیر بکار رفته است.

داستانهای قرآن صرفاً قصه نیست

در رابطه با آیه ۱۳، از عبارت «بر حق» یا «به حق» معلوم می‌شود داستان‌هائی مربوط به اصحاب کهف در آن روزها بصورت افسانه و مخلوطی از حق و باطل بین مردم وجود داشت که در این سوره، آن افسانه‌ها پالایش و بازگویی و تصحیح شده است.

بگومگوی دو «آنها»

در رابطه با آیه ۲۱، «آنها»ی اول، کسانی هستند که متوجه وضع آنها شدند، و

«آنها»ی دوم، همان اصحاب غار هستند. «تا بدانند وعده خدا حق است» یعنی اهل آن شهری که به وضع اصحاب غار مطلع شدند بدانند که قیامت بر پا خواهد شد. اینکه فرموده «بین خویش راجع به آنان مجادله می کردند» یعنی اهالی آن شهری که به وجود آنها پی بردند راجع به اصحاب کهف بین خودشان مجادله می کردند. «بنای (یادبودی) بر آنها بنا کنید» نشانه از این است که اصحاب کهف پس از اینکه مردم به وضع آنها اشراف و اطلاع یافتند و آنها هم فهمیدند که زمانه عوض شده و حالا دیگر ایمان به خدا و روز جزا پذیرفته شده است، وفات یافتند.

وارد بگومگوی آنها مشو

در رابطه با آیه ۲۲، طی شرحی به آنحضرت توصیه می‌کنم مفصلی وارد بگومگوی ناضرور مردم نشود، زیرا تعداد اصحاب کهف مهم نیست، به پیام اصلی توجه کنید. پیام اصلی این است که کسی که به هیچ روی نمی‌تواند ایمانش را در جامعه‌ای حفظ کند، باید از آن جامعه کناره بگیرد و در آنصورت مورد لطف و رحمت خداوند خواهد بود.

پیام اصلی این پاراگراف

در این قسمت با ذکر و شرح داستان اصحاب کهف تلویحاً به مسلمانان می‌فرماید که زمان بنفع ایمان و مؤمنان عمل می‌کند و مؤمن اگر نتواند اوضاع و احوال اجتماعی زمان خویش را عوض کند، برایش بهتر است لااقل ایمان خودش را حفظ کند و در آخرت زیانکار نباشد و البته زمانه بنفع ایمان او عوض خواهد شد چه او باشد و چه نباشد.

در آن زمان، این آیات به مسلمانان کمک می‌کرد بر ناملایمات صبر کنند و منتظر تغییر اوضاع و احوال بنفع جامعه کوچک تحت فشار اما مطمئن و امیدوار خویش باشند و خودشان نیز در این تغییر نقشی ایفا کنند.

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر! آیا فکر میکنی اصحاب آن غار و آن نوشته از نشانه های عجیب ما هستند؟ (۹) آن هنگام که آن جوانان به آن غار پناه آوردند و گفتند پروردگارا از جانب خویش رحمتی بما عطا کن و برایمان در کارمان هدایتی فراهم فرما (۱۰) پس در آن غار چند سالی آنها را به خواب بردیم (۱۱) آنگاه آنها را برانگیختیم تا معلوم کنیم کدام یک از آن دو گروه مدتی را که در خواب درنگ کرده بودند بهتر می شمارند (۱۲) ما قصه آنها را به حق بر تو میخوانیم. آنها جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان آورده بودند و ما نیز هدایتشان را زیاد کردیم (۱۳) و دلهاشان را قوی نمودیم، هنگامیکه قیام کردند و گفتند پروردگار ما پروردگار آسمانها و زمین است و ما هرگز غیر از او را نخواهیم خواند زیرا که در آنصورت سخنی بیجا گفته ایم (۱۴) اینها قوم ما هستند که غیر از او خدایانی بر گرفته اند پس چرا در موردشان دلیلی روشن ارائه نمی کنند؟ و چه کسی ظالمتر است از کسی که بر خداوند اقترای دروغ بندد؟ (۱۵) به آنان الهام شد اینک که از آنها و آنچه غیر از خداوند می پرستند دوری می کنید، در آن غار پناه گیرید که پروردگارتان از رحمتش بر شما بگسترد و در کارتان برایتان گشایشی فراهم سازد (۱۶) ای پیامبر! اگر در آنجا بودی میدیدی که آفتاب هنگام طلوع از غارشان بطرف راست متمایل میشد و هنگام غروب بطرف چپ میگردید و آنان در فراخنای آن بودند. این از نشانه های خداوند است. هر که را خداوند هدایتش کند همو هدایت شده است و کسی را که گمراه کند هرگز برای او سرپرست رشد دهنده ای نخواهی یافت (۱۷) ای پیامبر! اگر در آنجا بودی آنها را بیدار می پنداشتی در حالیکه خوابیده بودند و ما آنها را به راست و چپ میگرداندیم و سگشان دو دست خود را بر آستانه غار گشوده بود. اگر بر آنان در می آمدی بحالت فرار روی میگرداندی و از آنها پر از ترس میشدی (۱۸) و چنین بود که پس از مدتی آنها را برانگیختیم تا از یکدیگر پرسش کنند. یکی از آنها گفت چقدر در اینجا درنگ

کرده ایم؟ گفتند یک روز یا قسمتی از آن. برخی گفتند پروردگارتان مدت درنگ شما را بهتر میدانند. اینک یکی را با این پول به شهر بفرستید تا ببیند کدام خوراک بهتر است و روزی از آن بیاورد و باید ملتفت باشد که کسی متوجه شما نشود (۱۹) که اگر بر وضع شما مطلع شوند سنگسارتان می کنند یا شما را به دین خویش برمیگردانند و در آنصورت هرگز رستگار نخواهید شد (۲۰) و چنین بود که مردم قرون آینده را بر وضعشان مطلع کردیم تا بدانند وعده خدا حق است و اینکه درباره قیامت شکی نیست. آن هنگامی که بین خویش راجع به آنها مجادله میکردند و میگفتند بنای یاد بودی بر آنها بنا کنید. پروردگارشان به حال آنها داناتر است. آنهائی که درباره کار آنها بر دیگران غالب شده بودند گفتند بر غار آنها مسجدی خواهیم ساخت (۲۱)

ای پیامبر! مردم در باره آنها خواهند گفت سه تا بودند که چهارمی شان سگشان بود و بعضی میگویند پنج تا بودند که ششمی شان سگشان بود. تیری در تاریکی می اندازند و میگویند هفت تا بودند و هشتمی شان سگشان بود. بگو پروردگارم به تعداد آنها داناتر است. جز عده کمی، کسی حقیقت را نمیداند. پس با آنها مجادله مکن، مگر بگو مگوئی سرسری، و درباره آنها از هیچ کدام از آنها نظر خواهی مکن (۲۲)

و هرگز مگو فردا فلان کار را خواهیم کرد (۲۳) مگر آنکه بگوئی اگر خدا بخواهد، و اگر فراموش کردی پروردگارت را یاد کن و بگو چه بسا پروردگارم به نزدیکتر از این راهنمائیم کند (۲۴)

درغارشان سیصد سال ماندند که تقویم نگاران برای تبدیل قمری به شمسی نُه سال بر آن افزودند (۲۵) بگو خداوند بهتر میداند چه مدت ماندند. غیب آسمانها و زمین در اختیار اوست. و چه بینا و شنواست او.

غیر از او سرپرستی ندارند و در فرمانروائیش کسی را شریک نمی کند (۲۶)

كهف ٣ آيات ٢٧ تا ٤٩

وَأَنْتَ مَا أَوْحَى إِلَيْكَ مِنْ كِتَابِ رَبِّكَ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَلَنْ تَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا ﴿٢٧﴾ وَاصْبِرْ
نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدَ زِينَةَ
الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تَصْغُ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا ﴿٢٨﴾ وَقُلِ الْحَقُّ
مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهُمْ سُرَادِقُهَا وَإِنْ
يَسْتَعِينُوا يُعَاثُوا بِهَا كَأَلْمُهْلٍ يَشْوِي الْوُجُوهُ بَنَسِ الشَّرَابِ وَسَاءَتْ مُرْتَفَقًا ﴿٢٩﴾ إِنَّ الَّذِينَ
آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا ﴿٣٠﴾ أُولَئِكَ لَهُمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ
تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِنْ سُنْدُسٍ
وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَّكِئِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ نَعَمَ الثَّوَابُ وَحَسُنَتْ مُرْتَفَقًا ﴿٣١﴾ وَاصْرَبْ لَهُمْ مَثَلًا
رُحُلَيْنِ جَعَلْنَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ أَعْنَابٍ وَخَفَفْنَاهُمَا بِنَخْلٍ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمَا زُرْعًا ﴿٣٢﴾ كِلْتَا
الْجَنَّتَيْنِ آتَتْ أُكُلَهَا وَلَمْ تَظْلِمْ مِنْهُ شَيْئًا وَفَجَّرْنَا خِلَالَهُمَا نَهْرًا ﴿٣٣﴾ وَكَانَ لَهُ ثَمَرٌ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ
وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَنَا أَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفَرًا ﴿٣٤﴾ وَدَخَلَ جَنَّتَهُ وَهُوَ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ قَالَ مَا أَظُنُّ أَنْ
تَبِيدَ هَذِهِ أَبَدًا ﴿٣٥﴾ وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِنْ رُدِدْتُ إِلَى رَبِّي لَأَجِدَنَّ خَيْرًا مِنْهَا مُنْقَلَبًا
﴿٣٦﴾ قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَكَفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّكَ رَجُلًا
﴿٣٧﴾ لَكِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِرَبِّي أَحَدًا ﴿٣٨﴾ وَلَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ
لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ إِنْ تَرَى أَنَا أَقَلَّ مِنْكَ مَالًا وَوَلَدًا ﴿٣٩﴾ فَعَسَى رَبِّي أَنْ يُؤْتِيَنِي خَيْرًا مِنْ جَنَّتِكَ
وَيُرْسِلَ عَلَيْهَا حُسْبَانًا مِنَ السَّمَاءِ فَتُصْبِحُ صَعِيدًا زَلَقًا ﴿٤٠﴾ أَوْ يُصْبِحُ مَاوُهَا غَوْرًا فَلَنْ
تَسْتَطِيعَ لَهُ طَلَبًا ﴿٤١﴾ وَأَحْصِ بِقَمَرِهِ فَأَصْبَحَ يُقَلِّبُ كَفِّهِ عَلَى مَا أَنْفَقَ فِيهَا وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى
عُرْوِهَا وَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُشْرِكْ بِرَبِّي أَحَدًا ﴿٤٢﴾ وَلَمْ تَكُنْ لَهُ فِتْنَةٌ يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا
كَانَ مُنْتَصِرًا ﴿٤٣﴾ هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا وَخَيْرٌ عُقْبًا ﴿٤٤﴾ وَاصْرَبْ لَهُمْ مَثَلًا
الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَا أَزْلَمْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيَّاخُ وَكَانَ
اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُقْتَدِرًا ﴿٤٥﴾

عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرًا أَمَلًا ﴿٤٦﴾ وَيَوْمَ نُسَيِّرُ الْجِبَالَ وَتَرَى الْأَرْضَ بَارِزَةً وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نَغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا ﴿٤٧﴾ وَعَرَضُوا عَلَى رَبِّكَ صَفًّا لَقَدْ جِئْتُمُونَا كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ بَلْ زَعَمْتُمْ أَلَّنْ جُعَلَ لَكُمْ مَوْعِدًا ﴿٤٨﴾ وَوُضِعَ الْكِتَابُ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَالِ هَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاصِرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا ﴿٤٩﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
 طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:
درس: ای مردم! از نمونه های قابل تحسین گذشته الگو بگیرید و مسیر زندگی خویش را تصحیح کنید.
 برآیند درسی فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:
درب: ای پیامبر! با پیروانت صبور باش و وضع هر دو گروه مؤمن و کافر را با توجه دادن به قیامت و دومثال حکمت آمیز برایشان تشریح کن.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

وَأَنْتَ لِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ مِنَ كِتَابِ رَبِّكَ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَلَنْ تَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا ﴿٢٧﴾ وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا ﴿٢٨﴾ وَقُلِ الْحَقُّ

مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهَا جَمِيعُ سُرَادِقِهَا وَإِنْ يَسْتَعِثُوا يَئِثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرَابُ وَسَاءَتْ مُرْتَفَقًا ﴿٢٩﴾

ریزدرب: ای پیامبر! با پیروانت صبور باش و به کافران اهمیت بیش از حد مده.

۲

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا ﴿٣٠﴾ أُولَئِكَ هُمْ جَنَاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِنْ سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَّكِئِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ نِعَمَ الثَّوَابِ وَحَسُنَتْ مُرْتَفَقًا ﴿٣١﴾

ریزدرب: ای مومنان! به عاقبت خوبی که در پیش دارید شاد باشید.

۳

وَاصْرَبْ لَهُمْ مَثَلًا رِجُلَيْنِ جَعَلْنَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ أَعْنَابٍ وَحَفَفْنَاهُمَا بِنَخْلٍ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمَا زَرْعًا ﴿٣٢﴾ كِلْتَا الْجَنَّتَيْنِ آتَتْ أُكُلَهَا وَلَمْ تَظْلِمْ مِنْهُ شَيْئًا وَفَجَّرْنَا خِلَالَهُمَا نَهْرًا ﴿٣٣﴾ وَكَانَ لَهُ ثَمَرٌ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَنَا أَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفَرًا ﴿٣٤﴾ وَدَخَلَ جَنَّتَهُ وَهُوَ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ قَالَ مَا أَظُنُّ أَنْ تَبِيدَ هَذِهِ أَبَدًا ﴿٣٥﴾ وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِنْ رُدِدْتُ إِلَىٰ رَبِّي لَأَجِدَنَّ خَيْرًا مِنْهَا مُنْقَلَبًا ﴿٣٦﴾ قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَكَفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّاكَ رَجُلًا ﴿٣٧﴾ لَكِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِرَبِّي أَحَدًا ﴿٣٨﴾ وَلَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ إِنْ تَرَىٰ أَنَا أَقَلَّ مِنْكَ مَالًا وَوَلَدًا ﴿٣٩﴾ فَعَسَىٰ رَبِّي أَنْ يُؤْتِيَنَّ خَيْرًا مِنْ جَنَّاتِكَ وَيُرْسِلَ عَلَيْهَا حُسْبَانًا مِنَ السَّمَاءِ فَتُصْبِحُ صَبِيبًا زَلْفًا ﴿٤٠﴾ أَوْ يُصْبِحُ مَاوًا غُورًا فَلَنْ تَسْتَطِيعَ لَهُ طَلَبًا ﴿٤١﴾ وَأُحِيطَ بِثَمَرِهِ فَأَصْبَحَ يُقَلِّبُ كَفَّيْهِ عَلَىٰ مَا أَنْفَقَ فِيهَا وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرْوَتِهَا وَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُشْرِكْ بِرَبِّي أَحَدًا ﴿٤٢﴾ وَلَمْ تَكُنْ لَهُ فِتْنَةٌ يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مُنتَصِرًا ﴿٤٣﴾ هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا وَخَيْرٌ عُقْبًا ﴿٤٤﴾

ریزدرب: ای پیامبر! کافر ممکن است در این دنیا برخوردار باشد اما در آخرت بهره ای ندارد.

۴

وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَا أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيَّاحُ وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا ﴿٤٥﴾ الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا ﴿٤٦﴾

ریزدرب: ای مومنان! به این دنیا دل مبنید.

۵

وَيَوْمَ نُسَيِّرُ الْجِبَالَ وَتَرَى الْأَرْضَ بَارِزَةً وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا ﴿٤٧﴾ وَعَرَضُوا عَلَى رَبِّكَ صَفًّا لَقَدْ جِئْتُمُونَا كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ بَلْ زَعَمْتُمْ أَلَّنْ نَجْعَلَ لَكُمْ مَوْعِدًا ﴿٤٨﴾ وَوُضِعَ الْكِتَابُ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَالِ هَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظْلُمُ رَبُّكَ أَحَدًا ﴿٤٩﴾

ریزدرب: ای مردم! این عاقبت همگان است، آیا نگرانش هستید؟

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقا با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقا می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ که ابتدای سوره است می فرماید: حمد مخصوص خداست که این قرآن را نازل کرد و ای پیامبر! برای انجام رسالت اینقدر بخودت فشار نیاور.

در پاراگراف ۲ می فرماید: ای مسلمانان! آینده از آن عقیده شماست. لذا اینک که می بینید نمی توانید اوضاع و احوال را مطابق خواسته تان کنید کافی است تسلیم نشوید و عقیده صحیح تان را حفظ کنید. عقیده صحیح شما در آینده فراگیر خواهد شد.

در این پاراگراف می فرماید: ای پیامبر! هر دو گروه کافر و مومن در این جهان میباید امکان لازم را برای امتحان دادن داشته باشند لذا کافی است وحی را به همگان ابلاغ کنی و با پیروانت صبور باشی و به کافران نیز اهمیتی مده. و اینکه ای پیروان پیامبر! دل خوش دارید که بزودی دوره ناراحتی شما به پایان خواهد رسید، و باز هم دل خوش دارید که اوضاع آخرتی مطلوب از آن شماست، و مخالفانتان از آن بی بهره خواهند بود.

۴- سوالات

۱- داستان فوق این مطلب را به ذهن خواننده القاء میکند که اشخاص مومن خوش عمل در این جهان موفق، و اشخاص مقابل آنها ناموفق خواهند بود. بادر نظر گرفتن اینکه در موارد بسیار زیادی خلاف این مشاهده میگردد، شما این داستان را چگونه توجیه می کنید؟ (این داستان کلیت ندارد ولی موضوع آن نادر هم نیست؟ یا...؟)

۵- حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیه ۲۸ فهمیده میشود برخی از پیروان آنحضرت رفتارهای نامطلوبی داشتند که سبب طعن مخالفان و در نتیجه آزار آنحضرت میشد و این موضوع شبیه همان مطالبی است که در سوره عبس و سوره های دیگر که یاد پیروان حضرت نوح (ع) در

آنها شده است، دیده‌ایم. خلاصه اینکه می‌فرماید به طعنه مخالفان اهمیتی نده و از اینکه طعنه آنها در دلت راه یابد مقاومت کن و با پیروان خویش، بیش از پیش نزدیک باش.

و نیز آنحضرت چنین می‌اندیشید که اگر ثروتی میداشت موضوع رسالتش را بهتر میتوانست پیش ببرد، و نیز چنین می‌اندیشید که کاش میشد یک جوری میتوانست با «بزرگان» مخالف خویش بطوری مماشاتی میکرد، که در آیه مذکور خداوند همه این تصورات را رد میفرماید.

۱ - «واضرب لهم» در آیه های ۳۲ و ۴۵ از جنس تقریرات است و مانند «قل» های قرآنی است، که به آنحضرت می‌آموزد که اینک که اوضاع اینطورها است، به عنوان پاناک چنین بگو، (نه اینکه موضوع داستان آن دو نفر باغدار یک حکم کلی باشد - زیرا «خط قرآنی» (چنانکه در سوره لیل و سوره فجر و سوره اسراء و چند جای دیگر مکررا دیدیم و گفتیم) این است که ایمان و کفر در این جهان چندان اثری در کسب ثروت یا از دست دادن آن ندارد.

۲ - اینکه «واضرب لهم» آیه ۴۵ یک مثال صحیحی می‌باشد و کلیت هم دارد نباید ما را به این تصور بیاندازد که «واضرب لهم» آیه ۳۲ نیز کلیت دارد، گرچه از آیه ۴۲ فهمیده میشود در یک زمانی و در یک جائی چنین اتفاقی افتاده، اما واقعیات تاریخی، و فعلی، و مهمتر از آنها «خط سخن قرآنی»، کلیت موضوع داستان دو نفر باغدار مذکور را نفی میکند.

از آیه های ۳۵ و ۳۶ فهمیده میشود مخالفان فعال آنحضرت این تصور را داشتند که ثروت و مکنت شان باقی خواهد بود و همچنین اینطور فکر میکردند که در نظر خداوند عزت دارند و مورد لطف او هستند که سبب شده خداوند به آنها ثروت و مکنت عطا کنند و همین فکر در ادامه اش آنها را به اینجا میرساند که در صورتی که قیامتی هم وجود داشته باشد وضع آنها از پیروان آنحضرت بهتر خواهد بود.

۶ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه ۲۹ از این لحاظ که «قیامتی» است، کسی نمیتواند تصویری از آن داشته باشد، زیرا کسی درکش نکرده، فوق ذهنیات ماهر هست، چه رسد به مخاطبان اولیه. همچنین است آیه ۳۱. نیز آیات ۴۷ تا ۴۹.

۷ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

تقریباً تمام عناصر این پاراگراف مسبوق به سابقه یا سوابقی در سوره های قبل (البته «قبل» به ترتیب نزول) می باشند.

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر! آنچه را که بسویت از کتاب پروردگارت وحی شده پیروی کن که چیزی کلماتش را تغییر نمیدهد و هرگز جز او پناهی نخواهی یافت (۲۷) و خود را با کسانی که پروردگارشان را صبح ها و شبها میخوانند و رضایتش را میجویند شکبیا کن و مبادا چشمانت از آنها بلغزد و زینت زندگی دنیا را بخواهی و اطاعت کسی را مکن که قلبش را از یادمان غافل کردیم و خواسته دلش را پیروی میکند و کارش به تباهی گرایش یافته است (۲۸) و به همگان بگو حق از جانب پروردگارتان است. هر کس خواهد ایمان بیاورد و هر کس خواهد کفر پیشه کند. که البته ما برای ظالمان آتشی تهیه کرده ایم که سراپرده های آن آنها را فرا میگیرد و هر وقت که اظهار تشنگی کنند چنین به فریادشان خواهند رسید که آبی مانند مس گداخته به آنها میدهند که صورتهایشان را بریان می کند. چه نوشابه بد و چه آسایشگاه بدی است (۲۹) البته کسانی که ایمان آورده و عمل

شایسته کنند بدانند که پاداش کسی را که کار نیکو کرد ضایع نخواهیم نمود (۳۰) بهشتهائی جاودان خواهند داشت که در کف آن نهرها جاری است. در آن دستبندهایی از طلا به بر و لباسهایی سبز از حریر و دیبا به تن کنند و بر تخت ها تکیه زنند. چه پاداش خوبی و چه آسایشگاه نیکویی است (۳۱)

برایشان مثل آن دو نفر را بزن که برای یکی شان دو باغستان انگور مهیا کردیم و دور تا دور هر دو را با نخل پوشانیدیم و بین آنها کشتزاری قرار دادیم (۳۲) هر دو این باغها میوه هایشان را میدادند و هیچ نقصان نمی یافت و بین آندو نهری بشکافتیم (۳۳) و بار و بری بهم رسانده بودند. آنگاه که با رفیقش گفتگو میکرد به او میگفت من از تو ثروتمندترم و نیرومندترم (۳۴) و داخل باغش شد در حالیکه بر خویش ظالم بود و میگفت گمان نکنم که این هرگز از بین برود (۳۵) و گمان نکنم قیامت هم بها شود و تازه اگر هم مرا بسوی پروردگارم برگردانند حتماً جایگاهی از اینهم بهتر خواهم یافت (۳۶) رفیقش که با او گفتگو میکرد گفت آیا به کسی که تو را از خاک و سپس از نطفه ای آفرید و سپس ترا بصورت مردی ساخته و پرداخته درآورد کافر شدی؟ (۳۷) اما بنظر من، او خداوند پروردگار من است و من هرگز با پروردگارم شریک قرار نمیدهم (۳۸) و چرا هنگامیکه داخل باغت شدی نگفتی «هر چه خدا بخواهد، هیچ نیروئی جز نیروی خدا نیست»؟ اگر هم می بینی که من از لحاظ مال و اولاد از تو کمترم (۳۹) چه بسا پروردگارم بهتر از باغت را بمن بدهد و از آسمان صاعقه ای به آن فرستد که زمینی بایر شود (۴۰) یا اینکه آب آن فرو رود و نتوانی آن را باز یابی (۴۱) و اتفاقاتی برایش افتاد، تا اینکه میوه اش بر باد رفت و او دستهایش را به حسرت مالی که خرج کرده بود به هم میمالید و زیر و رو میکرد و بعدا داربست های آن باغ نیز فرو ریخت و او

میگفت ای کاش برای پروردگارم شریک قرار نداده بودم (۴۲) و لشکری نداشت که در قبال خدا یاریش کنند و خودش نیز یاریگر خویش نبود (۴۳)

اینکه دنیاست، ولی در آخرت است که برای همگان معلوم خواهد شد که سروری خاص خداست که حق است. هم پاداش او بهتر و هم سرانجام دادن او نیکوتر است (۴۴)

ای پیامبر! از زندگی دنیا برایشان مثلی بزن که مانند آبی است که از آسمان فرو می فرستیم و روئیدنی های زمین با آن در می آمیزند، سپس خشک میشود، تا آنکه بادهای آنها را پراکنده کند، و خداوند بر همه چیز تواناست (۴۵)

مال و فرزندان زینت زندگی دنیاست و چیزهای ماندنی شایسته نزد پروردگارت از لحاظ پاداش و امیدواری بهتر است (۴۶)

روزی خواهد رسید که کوهها را به جنبش درآوریم و زمین را آشکار بینند و آنها را گرد آوریم و یکی را هم فرو گذار نکنیم (۴۷) و آنها به پروردگارت بصورت صف عرضه شوند، خطاب میشود همانگونه که بار اول شما را آفریده بودیم بسویمان آمدید بلکه می پنداشتید که هرگز برایتان موعدی قرار نداده ایم (۴۸) و کتاب قانون جزاء و اعمال هرکس گذاشته میشود و مجرمان را بینی که از آن نگرانند و گویند وای بر ما این چه کتابی است که هیچ کوچک و بزرگی را وانگذاشته مگر که آنها به حساب آورده و آنچه که انجام داده اند همه را حاضر می یابند و پروردگارت به هیچکس ظلمی نمی کند (۴۹)

کھف ۴ آیات ۵۰ تا ۵۹

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا ﴿٥٠﴾ مَا أَشْهَدُكُمْ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَا خَلْقَ أَنْفُسِهِمْ وَمَا كُنْتُ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَصَدًا ﴿٥١﴾ وَيَوْمَ يَقُولُ نَادُوا شُرَكَائِيَ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ مَوْبِقًا ﴿٥٢﴾ وَرَأَى الْمُجْرِمُونَ النَّارَ فَظَنُّوا أَنَّهُمْ مُوَافِعُوهَا وَلَمْ يَجِدُوا عَنْهَا مَصْرِفًا ﴿٥٣﴾ وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا ﴿٥٤﴾ وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَى وَيَسْتَغْفِرُوا رَبَّهُمْ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمْ سُنَّةٌ الْأَوَّلِينَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ قُبُلًا ﴿٥٥﴾ وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَنَذِيرِينَ وَيَجَادِلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَمَا أُنذِرُوا هُزُوًا ﴿٥٦﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بآيَاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ إِنَّا جَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَى فَلَنْ يَهْتَدُوا إِذًا أَبَدًا ﴿٥٧﴾ وَرَبُّكَ الْغَفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ لَوْ يُؤَاخِذُهُمْ بِمَا كَسَبُوا لَعَجَلَهُمُ الْعَذَابُ بَلْ لَهُمْ مَوْعِدٌ لَنْ يَجِدُوا مِنْ دُونِهِ مَوْئِلًا ﴿٥٨﴾ وَتِلْكَ الْقُرَى أَهْلُكُنَا هُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِمْ مَوْعِدًا ﴿٥٩﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:
درس: ای مردم! از نمونه های قابل تحسین گذشته الگو بگیرید و مسیر زندگی خویش را تصحیح کنید.
برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: ای مردم! از اخلاق ابلیسی دوری کنید و به راه حق روی کنید و نگران آینده حتمی خود باشید و از پیروی مجرمان گمراه صرفنظر کنید و به راه درست روی کنید.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا ﴿٥٠﴾ مَا أَشْهَدُكُمْ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَا خَلْقِ أَنْفُسِهِمْ وَمَا كُنْتُ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَصَدًا ﴿٥١﴾ وَيَوْمَ يَقُولُ نَادُوا شُرَكَائِيَ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ مَوْبِقًا ﴿٥٢﴾ وَرَأَى الْمُخْرَمُونَ النَّارَ فَظَنُّوا أَنَّهُمْ مُوَاقِعُوهَا وَلَمْ يَجِدُوا عَنْهَا مَصْرِفًا ﴿٥٣﴾

ریزدرب: ای مردم! مبادا گمراه کنندگان در مسیر زندگی دنیوی و اخروی تان تاثیر بگذارند.

۲

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا ﴿٥٤﴾

ریزدرب: ای کافران! خداوند برای هدایت دو جهان مردم همه چیز را گفته، اینقدر جدل-پیشه نباشید.

۳

وَمَا مَعَ النَّاسِ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَى وَيَسْتَغْفِرُوا رَبَّهُمْ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمْ سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ قُبُلًا ﴿٥٥﴾ وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَجَادِلِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ وَاتَّخِذُوا آيَاتِي وَمَا أُنْذِرُوا هُزُوًا ﴿٥٦﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بآيَاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ

عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ إِنَّا جَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَى فَلَنْ يَهْتَدُوا إِذًا أَبَدًا ﴿٥٧﴾

ریزدرب: ای کافران! مبدا مانند گذشتگان رفتار کنید و آنقدر ایمان آوری را به تاخیر بیاندازید تا اینکه عذاب بر شما فرود آید.

۴

وَرَبُّكَ الْغَفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ لَوْ يُؤَاخِذُهُمْ بِمَا كَسَبُوا لَعَجَلَهُمُ الْعَذَابَ بَلْ لَهُمْ مَوْعِدٌ لَنْ يَجِدُوا مِنْ دُونِهِ مَوْثِقًا ﴿٥٨﴾ وَتِلْكَ الْأَفْرَى أَهْلَكْنَاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِمْ مَوْعِدًا ﴿٥٩﴾

ریزدرب: ای پیامبر! خداوند حیفش می آید آنها را به سبب رفتارشان معذب کند و موعدی برایشان قرار داده، تا عده ای به راه بیایند و خداوند ببخشدشان.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبَّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ که ابتدای سوره است می فرماید: حمد مخصوص خداست که این قرآن را نازل کرد، و ای پیامبر! برای انجام رسالت اینقدر بخود فشار نیاور.

در پاراگراف ۲ می فرماید: ای مسلمانان! آینده از آن عقیده شماست. لذا اینک که می بینید نمی توانید اوضاع و احوال را مطابق خواسته تان کنید، کافی است تسلیم نشوید و عقیده صحیح تان را حفظ کنید. عقیده صحیح شما در آینده فراگیر خواهد شد.

در پاراگراف ۳ می فرماید: ای پیامبر! هر دو گروه کافر و مومن در این جهان میباید امکان لازم را برای امتحان دادن داشته باشند لذا کافی است وحی را به همگان ابلاغ کنی و با پیروانت صبور باشی و به کافران نیز اهمیتی مده، ای پیروان پیامبر! دل خوش دارید که بزودی دوره ناراحتی شما به پایان خواهد رسید و باز هم دل خوش دارید که اوضاع آخرتی مطلوب از آن شماست و مخالفان از آن بی بهره خواهند بود.

در این پاراگراف می فرماید: ای پیروان پیامبر! ازدوستی و تاثیر پذیری از دوستان شیطان بهره‌زید و خود را یکسره به جریان حق و هدایت الهی بسپارید، زیرا در قیامت است که معلوم خواهد شد اگر کسی چنین نکند چه ضرری به خویش زده، و البته خداوند از رحمت خویش به گناهکاران مهلت می‌دهد تا شاید تحت تأثیر مطالب قرآن قرار گیرند.

۴ - سوالات

- ۱- حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ (هشدار به کافران؟ یا...؟)
- ۲- چرا خداوند در اینجا از ضمیر «من» (يقول شركائى) استفاده فرموده؟
- ۳- چرا خداوند در اینجا از ضمیر «ما» (جعلنا) استفاده فرموده؟
- ۴- منظور از «موبق» (آیه ۵۲) چیست؟
- ۵ - حالت کلی آیه ۵۸ چگونه است؟
- ۶ - منظور از «انسان» (آیه ۵۴) چیست؟ (همه انسانها؟ اکثریت انسانها؟ یا...؟)

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

در آیه ۵۴ تلویحا به آنحضرت میفرماید که جنس انسان طوری است که براحتی زیر بار حرف حساب نمیرود و لذا خیلی انتظار نداشته باش موضوع رسالت به نرمی و سهولت پیش برود.

۶ - آیات برجسته این پاراگراف

آیه ۵۴ از لحاظ اقبال شدید هنرمندان، اعم از خوشنویس و کاشی ساز و غیره، که سبب شده اند پوستر ها و تابلو های کوچک و بزرگی از این آیه در بسیاری از امکنه قرار گیرند و نیز محراب های عبادت و زیارتگاه ها به آن تزیین شوند، در زمره آیات برجسته قرآنی قرار میگیرد.

۷ - در این پاراگراف، کدام فقرات، فوق ذهنیات معاصران نزول است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه های ۵۵ و ۵۶ از این لحاظ که مربوط به اقوامی است که در قبل از تاریخ بوده اند، و علم باستان شناسی آنقدر رشد نکرده که ما از اوضاع و احوال آنها مطلع باشیم، برای ما نیز روشن نیست، چه رسد به مخاطبان اولیه این آیات. همچنین است آیه های ۵۷ و ۵۹.

مکانیزم اجرائی آیه های ۵۰ و ۵۲ و ۵۳ برای ما ساکنان قرن ۲۱ نیز روشن نیست چه رسد مخاطب های اولیه!

۸ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

۱ - ای مردم! از اخلاق ابلیسی دوری کنید و به راه حق روی کنید و نگران آینده حتمی خود باشید.

۲ - ای مردم! از پیروی مجرمان گمراه صرفنظر کنید و به راه درست رو کنید.

۹ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

در این پاراگراف فقط دو آیه ۵۰ و ۵۱ «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

مَثَل

در باره آیه ۵۴ و موضوع مَثَل باید عرض کنیم که درصد بسیار زیادی از حجم قرآن در باره چیزهایی از قبیل قیامت و موضوعات مرتبط به آن (که خودش چندین سرفصل دارد)، و جن و ملائکه و عرش و لوح و قلم و کرسی و ملکوت و صفات الهی و غیره و غیره است که بشر نه کوچکترین تصویری درباره حقیقت آنها دارد و نه میتواند داشته باشد. زیرا معارف بشری از جنس «اسماء» است (علم آدم الاسماء کلها) نه از جنس حقایق.

یعنی ما به هیچ حقیقتی دسترسی نداریم، بلکه به «اسم» حقایق دسترسی داریم. این «اسم»ها شامل چیزهای زیادی میتواند باشد، مثلاً سمبل ها، فرمول ها، علمی که بر پایه این سمبل ها و فرمولها مبتنی باشد (مثلاً کل علوم ریاضی و تعاریفی که در علوم دیگر بدست داده میشود و . .)

آیه ۵۴ که میگوید (و لقد صرفنا فی هذا القرآن للناس من کل مثل) یعنی اینکه در قرآن مطالبی که گفته شده به زبانی است که انسان بتواند در باره آن تصویری برای خویش بسازد.

چون بشر دایماً در حال تکامل است، سمبل ها و فرمول ها و قوانینی که میسازد نیز دایماً در حال تکامل خواهد بود، و لذا «مَثَل» های برای او نیز دایماً در حال تکامل خواهد بود و به حقیقت نزدیک و نزدیکتر خواهد شد.

ترجمه تفسیری آزاد

و هنگامیکه به ملائکه گفتیم به آدم سجده کنید، پس سجده کردند مگر ابلیس که از جن بود. و از امر پروردگارش سر پیچید. آیا او و فرزندانش را بجای من دوست و سرپرست میگیرید؟ در حالیکه آنها دشمن هستند؟ برای ظالمان چه بد جایگزینی

است (۵۰) هنگام آفرینش آسمانها و زمین و آفرینش خودشان آنها را شاهد نگرفتم و اینطور نیستم که گمراهان را به کمک بگیرم (۵۱)

و در روز قیامت که خداوند میگوید آنهایی را که شرکایم تصور میکردید بخوانید. و میخوانندشان اما جوابی دریافت نمی کنند و بین آنها هلاکتگاهی قرار دادیم (۵۲) و مجرمان آتش را می بینند و گمان می کنند که در آن واقع خواهند شد و چیزی نمی یابند که از آن دورشان کند (۵۳)

و البته در این قرآن از هر مثلی، بطوری گوناگون برای مردم آورده ایم و انسان از هر چیزی پرخاشکتر است (۵۴)

و هنگامیکه هدایت بسوی مردم آمد چیزی مانع آنان نشد که ایمان آورند و از پروردگارشان آمرزش خواهند مگر اینکه به همان روش پیشینیان پرداختند که ایمان نیاورند یا اینکه عذاب به استقبالشان آمد (۵۵)

و رسولان را نمی فرستیم مگر اینکه مژده و هشدار دهند و کافران به باطل جدل می کنند تا حق را با آن از بین ببرند و نشانه هایم و مایه های هشدار را به مسخره میگیرند (۵۶) و چه کسی ظالمتر است از کسی که به نشانه های پروردگارش پند داده شود، اما از آن روی برگرداند و آنچه را که از پیش فرستاده فراموش کند؟ ما بر دلهایشان پوشش ها نهاده ایم که آنها را نفهمند و در گوشه هایشان سنگینی قرار داده ایم و اگر آنها را بسوی هدایت بخوانی، هرگز هدایت نخواهند یافت (۵۷) و پروردگارت آمرزشگرِ صاحب رحمت است. اگر آنها را بخاطر اعمالشان مواخذه کند

عذابشان جلو خواهد افتاد. بلکه موعدی دارند که از آن گریزگاهی نخواهند یافت
(۵۸)

این داستانها که قبلا برایت گفته ایم داستانهای شهرهائی بود که وقتی ظلم کردند
هلاکشان کردیم و برای هلاکتگاهشان موعدی قرار دادیم (۵۹)

كهف ٥ آيات ٨٢ تا ٦٠

وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِفَتَاهُ لَا أَبْرَحُ حَتَّى أَبْلُغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ أَوْ أَمْضِيَ حُقُبًا ﴿٦٠﴾ فَلَمَّا بَلَغَا مَجْمَعَ بَيْنَهُمَا نَسِيَا حُوتَهُمَا فَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ سَرَبًا ﴿٦١﴾ فَلَمَّا جَاوَزَا قَالَ لِفَتَاهُ آتِنَا غَدَاءَنَا لَقَدْ لَقِينَا مِنْ سَفَرِنَا هَذَا نَصَبًا ﴿٦٢﴾ قَالَ أَرَأَيْتَ إِذْ أَوَيْنَا إِلَى الصَّخْرَةِ فَإِنِّي نَسِيتُ الْحُوتَ وَمَا أَنْسَانِيهِ إِلَّا الشَّيْطَانُ أَنْ أَذْكُرَهُ وَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ عَجَبًا ﴿٦٣﴾ قَالَ ذَلِكَ مَا كُنَّا نَبْغِ فَارْتَدَّا عَلَى آثَارِهِمَا قَصَصًا ﴿٦٤﴾ فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا ﴿٦٥﴾ قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَيْتُكَ عَلَى أَنْ تُعَلِّمَنِ مِمَّا عَلِمْتَ رُشْدًا ﴿٦٦﴾ قَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا ﴿٦٧﴾ وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَى مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا ﴿٦٨﴾ قَالَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا وَلَا أَعْصِي لَكَ أَمْرًا ﴿٦٩﴾ قَالَ فَإِنِ اتَّبَعْتَنِي فَلَا تَسْأَلْنِي عَنْ شَيْءٍ حَتَّى أُحْدِثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا ﴿٧٠﴾ فَانْطَلَقَا حَتَّى إِذَا رَكِبَا فِي السَّفِينَةِ خَرَقَهَا قَالَ أَخَرَقْتَهَا لِتُغْرِقَ أَهْلَهَا لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا إِمْرًا ﴿٧١﴾ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا ﴿٧٢﴾ قَالَ لَا تُؤَاخِذْنِي بِمَا نَسِيتُ وَلَا تُرْهِقْنِي مِنْ أَمْرِي عُسْرًا ﴿٧٣﴾ فَانْطَلَقَا حَتَّى إِذَا لَقِيَا غُلَامًا فَقَتَلَهُ قَالَ أَقْتَلْتُمْ نَفْسًا زَكِيَّةً بِغَيْرِ نَفْسٍ لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا نُكْرًا ﴿٧٤﴾ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا ﴿٧٥﴾ قَالَ إِنْ سَأَلْتُكَ عَنْ شَيْءٍ بَعْدَهَا فَلَا تُصَاحِبْنِي قَدْ بَلَغْتَ مِنْ لَدُنِّي عُذْرًا ﴿٧٦﴾ فَانْطَلَقَا حَتَّى إِذَا أَتَيَا أَهْلَ قَرْيَةٍ اسْتَطْعَمَا أَهْلَهَا فَأَبَوْا أَنْ يُضَيِّقُوهَا فَوَاجَدَا فِيهَا جِدَارًا يُرِيدُ أَنْ يَنْقَضَ فَأَقَامَهُ قَالَ لَوْ شِئْتَ لَاتَّخَذْتَ عَلَيْهِ أَجْرًا ﴿٧٧﴾ قَالَ هَذَا فِرَاقُ بَيْنِي وَبَيْنِكَ سَأُنَبِّئُكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا ﴿٧٨﴾ أَمَّا السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسَاكِينَ يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ فَأَرَدْتُ أَنْ أَعِيبَهَا وَكَانَ وَرَاءَهُمْ مَلِكٌ يَأْخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ غَصْبًا ﴿٧٩﴾ وَأَمَّا الْغُلَامُ فَكَانَ أَبَوَاهُ مُؤْمِنَيْنِ فَخَشِينَا أَنْ يُرْهِقَهُمَا طُغْيَانًا وَكُفْرًا ﴿٨٠﴾ فَأَرَدْنَا أَنْ يُبْدِيَهُمَا رُحْمًا خَيْرًا مِنْهُ زَكَاةً وَأَقْرَبَ رُحْمًا ﴿٨١﴾ وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنْزَهُمَا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ وَمَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي ذَلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: ای مردم! از نمونه های قابل تحسین گذشته الگو بگیرید و مسیر زندگی خویش را تصحیح کنید.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: ای مردم! بسیاری از حوادث تلخ بر اساس حکمت است لذا صبر پیشه کنید.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

چنانکه تاکنون دیده اید، در هر پاراگراف تفسیری، عصاره محتوای پاراگراف را از یک «راه دوم» نیز استخراج میکردیم، که معمولاً دیده میشد مطابقت معنا داری با استخراج از راه اول داشت.

اما، در پاراگراف هائی که کاملاً «داستانی» است، ضرورتی در این کار احساس نمیشود، زیرا فهم پاراگراف های داستانی بسیار آسانتر است، و چون ما اهل صفحه زیاد کردن نیستیم، و با توجه به کیفیت خوانندگان مان رعایت اختصار را ترجیح میدهیم، در این نوع پاراگراف ها از آن صرفنظر میکنیم.

۳ - از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ که ابتدای سوره است می فرماید: حمد مخصوص خداست که این قرآن را نازل کرد، و ای پیامبر! برای انجام رسالت اینقدر بخود فشار نیاور.

در پاراگراف ۲ می فرماید: ای مسلمانان! آینده از آن عقیده شماست. لذا اینک که می بینید نمی توانید اوضاع واحوال را مطابق خواسته تان کنید، کافی است تسلیم نشوید و عقیده صحیح تان را حفظ کنید. عقیده صحیح شما در آینده فراگیر خواهد شد.

در پاراگراف ۳ می فرماید: ای پیامبر! هر دو گروه کافر و مومن در این جهان میباید امکان لازم را برای امتحان دادن داشته باشند لذا کافی است وحی را به همگان ابلاغ کنی و با پیروانت صبور باشی و به کافران نیز اهمیتی مده، ای پیروان پیامبر! دل خوش دارید که بزودی دوره ناراحتی شما به پایان خواهد رسید و باز هم دل خوش دارید که اوضاع آخرتی مطلوب از آن شماست و مخالفانتان از آن بی بهره خواهند بود.

در پاراگراف ۴ می فرماید: ای پیروان پیامبر! ازدوستی و تاثیر پذیری از دوستان شیطان بهره‌ییزید و خود را یکسره به جریان حق و هدایت الهی بسپارید، زیرا در قیامت است که معلوم خواهد شد اگر کسی چنین نکند چه ضرری به خویش زده، و البته خداوند از رحمت خویش به گناهکاران مهلت می‌دهد تا شاید تحت تأثیر مطالب قرآن قرار گیرند.

در این پاراگراف می فرماید: ای پیروان معاصر نزول رسول خدا (ص)! اینک که شما به شرف اسلام مشرف شده اید مبادا غرور شما را بردارد و تصور کنید که مثلا حالا چه شده! بلکه باید توجه داشته باشید که چه بسا کسانی هستند که نسبت شما با آنها مانند نسبت موسی(ع) با آن «عالم» است. علاوه بر این توجه داشته باشید که ممکن است اتفاقاتی بیفتد که شما خوش نداشته باشید اما در آن حکمتی نهفته باشد که بعدا متوجه شوید.

۴ - در این پاراگراف، کدام فقرات، فوق ذهنیات معاصران نزول است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه های ۶۰ تا ۸۲ از این لحاظ که مربوط به اقوامی است که در قبل از تاریخ بوده اند، و علم باستان شناسی آنقدر رشد نکرده که ما از اوضاع و احوال آنها مطلع باشیم، برای ما نیز روشن نیست، چه رسد به مخاطبان اولیه این آیات.

مکانیزم اجرائی آیه ۶۱ برای ما ساکنان قرن ۲۱ نیز روشن نیست چه رسد مخاطب های اولیه!

در آیه های ۶۳ به موجوداتی اشاره شده که معهود ما بشر قرن حاضر هم نیست، چه رسد به ۴۰۰ سال قبل!

۵ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

ای مردم! بسیاری از حوادث تلخ بر اساس حکمت است لذا صبر پیشه کنید.

۶ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

تمام این پاراگراف «برای اولین بار» است .

شرح مختصر

دریافتهای کوتاه مستقیم

آیه ۶۰: فهمیده می شود حضرت موسی مصمم بوده به محل تلاقی آن دو دریا برسد. از بقیه مطالب فهمیده می شود که آنحضرت می خواسته آن «عالم» را ملاقات کند بنابراین تصمیم او براساس وحیی بوده که دریافت کرده بود.

آیه ۶۱: با توجه به سرگردانی چهل ساله بنی اسرائیل در بیابان های آن سرزمین که در هر حال نزدیک بیت المقدس کنونی بوده، محل تلاقی آن دو دریا، باید مصب یک رود با دریای مدیترانه باشد، زیرا قرآن، در بعضی جاهای دیگر نیز «آب زیاد» را «دریا» نامیده است.

آیه ۶۱: «ماهی خویش» قاعداً باید ماهی خوراکی آنها باشد بنابراین می باید ماهی پخته یا کباب شده بوده باشد، یا لااقل ماهی بوده باشد که برای خوردن همراه داشتند و هنوز پخته یا کباب نشده بود و قرار بوده بعداً بشود.

اما اینکه آن ماهی طبق آیه ۶۳ راه خود را در دریا پیش گرفت، نوعی اتفاق خارق-

العاده و معجزه‌ای بوده که می‌تواند یک علامت خارق‌العاده برای هدایت آنها بوده باشد.

آیه ۶۴: فهمیده می‌شود که محل آن اتفاق برای ماهی، همان محلی بوده که محل قرار و مدار حضرت موسی(ع) با آن عالم بوده که برای رسیدن به آن، مسیر اضافه‌ای را که طی کرده بودند برگشتند.

آیات ضد تروریزم

در رابطه با آیات ۸۲ تا ۶۶ داستان واضح است و شرحی نمی‌طلبید اما این را هم باید بدانیم که کار صحیح همان کار شرع است که از همگان متابعت قوانین شرع خواسته شده است و طبق آن، سوراخ کردن کشتی و کشتن نفس محترمه و انجام کاری که سودی در آن نیست، حرام و ناپسند است و باید به آن اعتراض کرد و جلوی آنرا گرفت زیرا حضرت موسی(ع) که یکی از پیامبران بزرگ الهی بود، عملش حجت است.

اما کار آن «عالم» هم صحیح بود زیرا مستقیماً از خداوند و وحی دستور می‌گرفت و چنانکه خودش هم اعتراف کرده بود، آن کارها را «سرخود» و «بعنوان نظر شخصی خویش» نکرده بود.

لذا هیچکس را نمی‌رسد، ولو اینکه خیلی هم عالم باشد، کار خلاف شرع بکند و کار آن عالم نیز از جانب خویش نبود.

ضرر زدن به دیگران، و قتل نفس، و انجام کار بی‌فایده، بطور قطع و یقین، از جانب هر کس که باشد، مذموم و ممنوع و خلاف است و این آیات یک سند واضح و روشن «ضد تروریسم» است که نزدیک به ۱۴۰۰ سال قبل نازل شده است.

علاوه بر آن، این آیات پیام دیگری هم برای مخاطبان آن روزی قرآن دارد که بر ناملایمات صبر کنید.

مثلاً وقتی که می‌بینید ضرر مالی به شما رسید یا یکی از عزیزانتان مریض شد یا مرد،

یا مجبور شدید کاری که برایتان نفعی ندارد انجام دهید، و غیره، چنان افسرده و ناراحت نشوید، چه بسا که در ورای آن حکمتی نهفته باشد، که براساس آن، آن واقعه، در مجموع، به نفع شما باشد.

ترجمه تفسیری آزاد

و هنگامیکه موسی به جوان همراه خویش گفت آرام نخواهم گرفت تا به محل تلاقی آن دو دریا برسم یا اینکه مدتی طولانی در راه باشم (۶۰) پس وقتی که به محل تلاقی آن دو رسیدند ماهی خویش را فراموش کردند و آن ماهی راه خود را در دریا در پیش گرفت (۶۱) و چون از آنجا گذشتند به جوان همراه خویش گفت غذایمان را بیاور که در این سفر به رنجی دچار شدیم (۶۲) گفت دیدی وقتی بر آن صخره جای گرفتیم ماهی را فراموش کردم؟ و جز شیطان مرا به فراموشی نینداخت و آن بنحوی عجیب راهش را در دریا پیش گرفت (۶۳) گفت این همان چیزی است که بدنبالش بودیم پس جستجو کنان جای پای خویش را دنبال کرده و برگشتند (۶۴) و بنده ای از بندگانمان را یافتند که رحمتی از جانب خویش به او داده و از نزد خود علمی به او آموخته بودیم (۶۵) موسی به او گفت اجازه میدهی پیرویت کنم تا از علمی که به تو آموخته شده بمن بیاموزی و رشدی کنم؟ (۶۶) گفت هرگز نمیتوانی همراهی مرا تحمل کنی (۶۷) و چگونه به چیزی صبر خواهی کرد که به اخبار آن احاطه نداری؟ (۶۸) گفت انشاء الله مرا صبور خواهی یافت و تو را در هیچ موردی نافرمانی نخواهم کرد (۶۹) گفت پس اگر پیرویم میکنی از هیچ چیز سئوالی نکن تا خودم درباره آن به تو چیزی بگویم (۷۰) و رفتند. تا اینکه به کشتی سوار شدند که او آن عالم آن را سوراخ کرد. موسی گفت آیا آنرا سوراخ میکنی تا اهل آنرا غرق کنی؟ جداً که کار

ناشایستی کردی (۷۱) گفت نگفتم نمیتوانی همراهی مرا تحمل کنی؟ (۷۲) موسی گفت بازخواستم مکن. فراموش کرده بودم . و با من سخت گیری هم مکن (۷۳) و رفتند. تا اینکه به پسری رسیدند و او را کشت . گفت آیا یک شخص محترم را بدون اینکه قتلی کرده باشد کشتی؟ جداً که کار بسیار زشتی کردی (۷۴) گفت آیا نگفتم نمیتوانی همراهیم را تحمل کنی؟ (۷۵) گفت اگر بعد از این چیزی پرسیدم دیگر مصاحبت مرا تحمل مکن که از جانب من معذور خواهی بود (۷۶) و رفتند. تا اینکه به اهل شهری رسیدند و از آنها غذا خواستند و آنها از پذیرائی شان خودداری نمودند . اما در آن شهر دیواری یافتند که داشت می افتاد و او آنرا برپا داشت. موسی گفت اگر میخواستی میتوانستی برای آن کار دستمزدی بگیری (۷۷) آن عالم گفت این دیگر وقت جدائی من و توست . اینک معنی آن چیزهائی را که نتوانستی تحملشان کنی بتو خواهم گفت (۷۸) اما آن کشتی، برای فقیران در دریا کار میکرد و من خواستم معیوبش کنم زیرا پشت سرش پادشاهی در پی آن بود که کشتی ها را بطور غصبی میگرفت (۷۹) و اما آن پسر، پدر و مادرش مومن بودند و ترسیدیم به کفر و طغیان دچارشان کند (۸۰) و خواستیم که خداوند بهتر از او را جایگزین کند که پاکیزه تر و مهربان تر باشد (۸۱) اما آن دیوار مال دو پسر یتیم در آن شهر بود و زیر آن گنجی بود و پدرشان نیز صالح بود و پروردگارت خواست بعنوان رحمتی از جانب او به رشد خویش برسند و گنجشان را استخراج کنند و من این کارها را سرخود نکردم. این بود علت آن چیزهایی که نتوانستی تحملش کنی (۸۲)

کهف ۶ آیات ۸۳ تا ۱۰۲

وَسْأَلُونَكَ عَنِ الْقُرْنَيْنِ قُلْ سَأَتْلُو عَلَيْكُمْ مِنْهُ ذِكْرًا ﴿٨٣﴾ إِنَّا مَكَّنَّا لَهُ فِي الْأَرْضِ وَآتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا ﴿٨٤﴾ فَاتَّبَعَ سَبَبًا ﴿٨٥﴾ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَغْرُبُ فِي عَيْنٍ حَمِئَةٍ وَوَجَدَ عِنْدَهَا قَوْمًا قُلْنَا يَا ذَا الْقُرْنَيْنِ إِنَّمَا أَنْتَ مُعَذِّبٌ وَإِنَّمَا أَنْتَ تُخَذِّلُ فِيهِمْ حُسْنًا ﴿٨٦﴾ قَالَ أَمَّا مَنْ ظَلَمَ فَسَوْفَ نُعَذِّبُهُ ثُمَّ يُرَدُّ إِلَىٰ رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ عَذَابًا نَكِرًا ﴿٨٧﴾ وَأَمَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُ جَزَاءُ الْحُسْنَىٰ وَسَنَقُولُ لَهُ مِنْ أَمْرِنَا يُسْرًا ﴿٨٨﴾ ثُمَّ اتَّبَعَ سَبَبًا ﴿٨٩﴾ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَطْلِعَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَطْلُعُ عَلَىٰ قَوْمٍ لَمْ نَجْعَلْ لَهُمْ مِنْ دُونِهَا سَبِيلًا ﴿٩٠﴾ كَذَلِكَ وَقَدْ أَحَطْنَا بِمَا لَدَيْهِ خُبْرًا ﴿٩١﴾ ثُمَّ اتَّبَعَ سَبَبًا ﴿٩٢﴾ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَّيْنِ وَجَدَ مِنْ دُونِهِمَا قَوْمًا لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا ﴿٩٣﴾ قَالُوا يَا ذَا الْقُرْنَيْنِ إِنَّا يَا جُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَىٰ أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا ﴿٩٤﴾ قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا ﴿٩٥﴾ آتُونِي زُبَرَ الْحَدِيدِ حَتَّىٰ إِذَا سَاوَىٰ بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انْفُخُوا حَتَّىٰ إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ آتُونِي أُفْرِغَ عَلَيْهِ قِطْرًا ﴿٩٦﴾ فَمَا اسْطَاعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا ﴿٩٧﴾ قَالَ هَذَا رَحْمَةٌ مِنْ رَبِّي فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ وَكَانَ وَعْدُ رَبِّي حَقًّا ﴿٩٨﴾ وَتَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ وَنَفَخَ فِي الصُّورِ فَمَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا ﴿٩٩﴾ وَعَرَضْنَا جَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ لِلْكَافِرِينَ عَرْضًا ﴿١٠٠﴾ الَّذِينَ كَانَتْ أَعْيُنُهُمْ فِي غِطَاءٍ عَنْ ذِكْرِي وَكَانُوا لَا يَسْتَطِيعُونَ سَمْعًا ﴿١٠١﴾ أَفَحَسِبَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ يَتَّخِذُوا عِبَادِي مِنْ دُونِ أَوْلِيَاءِ إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ نُزُلًا ﴿١٠٢﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:

طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: ای مردم! از نمونه های قابل تحسین گذشته الگو بگیرید و مسیر زندگی خویش را تصحیح کنید.

برآیند درسی فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: یکی دیگر از الگوهای قابل تحسین گذشته ذی القرنین است که چگونه با اینکه قدرت و ثروت داشت اما راه حق را در پیش گرفت.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

چنانکه تاکنون دیده اید، در هر پاراگراف تفسیری، عصاره محتوای پاراگراف را از یک «راه دوم» نیز استخراج می‌کردیم، که معمولاً دیده میشد مطابقت معنا داری با استخراج از راه اول داشت.

اما، در پاراگراف هائی که کاملاً «داستانی» است، ضرورتی در این کار احساس نمیشود، زیرا فهم پاراگراف های داستانی بسیار آسانتر است، و چون ما اهل صفحه زیاد کردن نیستیم، و با توجه به کیفیت خوانندگان مان رعایت اختصار را ترجیح میدهیم، در این نوع پاراگراف ها از آن صرفنظر میکنیم.

۳ - از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ که ابتدای سوره است می فرماید: حمد مخصوص خداست که این قرآن را نازل کرد، و ای پیامبر! برای انجام رسالت اینقدر بخودت فشار نیاور.

در پاراگراف ۲ می فرماید: ای مسلمانان! آینده از آن عقیده شماست. لذا اینک که می بینید نمی توانید اوضاع و احوال را مطابق خواسته تان کنید، کافی است تسلیم نشوید و عقیده صحیح تان را حفظ کنید. عقیده صحیح شما در آینده فراگیر خواهد شد.

در پاراگراف ۳ می فرماید: ای پیامبر! هر دو گروه کافر و مومن در این جهان میباید امکان لازم را برای امتحان دادن داشته باشند لذا کافی است وحی را به همگان ابلاغ کنی و با پیروان

صبور باشی و به کافران نیز اهمیتی مده، ای پیروان پیامبر! دل خوش دارید که بزودی دوره ناراحتی شما به پایان خواهد رسید و باز هم دل خوش دارید که اوضاع آخرتی مطلوب از آن شماسست و مخالفانتان از آن بی بهره خواهند بود.

در پاراگراف ۴ می فرماید: ای پیروان پیامبر! ازدوستی و تاثیر پذیری از دوستان شیطان بپرهیزید و خود را یکسره به جریان حق و هدایت الهی بسپارید، زیرا در قیامت است که معلوم خواهد شد اگر کسی چنین نکند چه ضرری به خویش زده، و البته خداوند از رحمت خویش به گناهکاران مهلت می دهد تا شاید تحت تأثیر مطالب قرآن قرار گیرند.

در پاراگراف ۵ می فرماید: ای پیروان معاصر نزول رسول خدا (ص)! اینک که شما به شرف اسلام مشرف شده اید مبدا غرور شما را بردارد و تصور کنید که مثلاً حالا چه شده! بلکه باید توجه داشته باشید که چه بسا کسانی هستند که نسبت شما با آنها مانند نسبت موسی (ع) با آن «عالم» است. علاوه بر این توجه داشته باشید که ممکن است اتفاقاتی بیفتد که شما خوش نداشته باشید اما در آن حکمتی نهفته باشد که بعداً متوجه شوید.

در این پاراگراف می فرماید: ای پیروان (آن روز) رسول خدا (ص)! دل خوش دارید که هیچ بعید نیست که شماها هم در عین حالی که ایمان صحیح دارید روزی قدرتمند و ثروتمند بشوید و از مشکلاتی که دچارش هستید رها شده و به اقطار عالم نفوذ کنید.

۴ - پیشگوئی های تحقق یافته

در آیات ۸۳ تا ۱۰۲ داستان مرد مومنی را که حتی پیغمبر هم نبود، ذکر میکند که چگونه به اوج قدرت و ثروت رسید و آندو را در راه صحیح مورد استفاده قرار داد، و این داستان پیشگوئی تلویحی است که ای مسلمانان وضع شما هم از حالت موجود به حالت مطلوب تغییر خواهد کرد.

۵ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذہنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذہنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه های ۸۶ تا ۸۸ از زبان یک ناظر نقل شده که اهل مناطقی بوده که از نظر عرب ۱۴۰۰ سال قبل «محل غروب خورشید از نظر آن اهالی» تلقی میشده، و بسیار فاقد جزئیات و بسیار سوال زا و بسیار پر ابهام می باشد.

همچنین است مطلب آیه ۹۰. نیز آیه های ۹۳ تا ۹۹.

در هر حال هنوز معهود ما نیز نیست چه رسد به مشافهین ۱۴۰۰ سال قبل.

انتهای آیه ۸۷ «قیامتی» است، و هیچ بنی بشری تجربه اش را ندارد، و قبل از قیامت نخواهد داشت، لذا، چه در آن روزهای نزول وحی و چه الی یوم القیامه بالاتر از ذهنیات بشر خواهد بود. همچنین است آیات ۱۰۰ تا ۱۰۲.

کلا آیه های آیه های ۸۳ تا ۹۹ از این لحاظ که مربوط به اقوامی است که در قبل از تاریخ بوده اند، و علم باستان شناسی آنقدر رشد نکرده که ما از اوضاع و احوال آنها مطلع باشیم، برای ما نیز روشن نیست، چه رسد به مخاطبان اولیه این آیات.

۶- کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

تمام این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

چند دریافت مستقیم کوتاه

آیه ۸۴: «از هر چیز وسیله‌ای» به این معنی است که مثلاً از لحاظ علمی عالم بود و از لحاظ نظامی گری به فنون جنگها دانا بود و ابزارهای جنگی زمان خویش را داشت و از لحاظ مالی ثروتمند بود و از لحاظ نیروی انسانی اشخاصی کافی را در خدمت خویش داشت. و خلاصه اینکه چیزی نبود که آدمهای موفق زمان او داشته باشند و او نداشته باشد.

آیه های ۸۸-۸۷: معلوم می شود ذوالقرنین مردی کاملاً عادل بوده و قائل به «سوختن

خشک و تر با هم» نبوده و معتقد بوده که با هر کس باید براساس عکس‌العمل صحیح رفتارهای خودش رفتار شود و بر همین اساس هم میان آنان حکم می‌راند. آیات ۹۹-۱۰۲: که به مغلوب شدن کافران و جهنمی شدن آنان و ضعف ایدئولوژیک آنان اشاره دارد نیز در جهت همان هدفی است که ذکر داستان ذوالقرنین بود. یعنی در جهت دلشاد کردن مؤمنان آن روزها. بعبارت دیگر به آنها می‌فرماید شما که در آخرت امیدوار بهشت هستید، در همین دنیا نیز کاملاً ممکن است به قدرت و شوکت و ثروت و امکانات برسید و لذا دل خوش دارید و امیدوار باشید که چه بسا که این احوال ناخوش و سخت و نامساعد از شما رخت بربندد.

باشیدن بذر امید در دل مؤمنان تحت ظلم و فشار

در این پاراگراف مطالبی راجع به ذی‌القرنین بیان می‌فرماید. و چنانچه ملاحظه می‌شود، او شخصی است مؤمن و موحد و متقی که ضمناً بسیار قدرتمند و موفق هم هست و این موضوع بذر امیدی در دل مؤمنان آنروزی مخاطب این آیات بوجود می‌آورد که ممکن است آنان نیز مشکلات و فشارهای موجود را پشت سر بگذارند و به قدرت و توفیق برسند. بطور کلی سه داستانی که در این سوره آمده است هر یک یک گوشهٔ روان مخاطب‌های آن روزی این آیات را تیمار می‌کند:

در داستان اصحاب کهف، غیرمستقیم این نکته را دریافت می‌کنند که در هر حال عقیده آنان غالب و حاکم و جا افتاده خواهد شد حتی اگر خودشان هم نباشند، و در داستان آن مرد عالم، این نکته را در می‌یابند که در پس این مشکلات و ناراحتی-هائی که تحمل می‌کنند، حکمتی نهفته است که آشکار خواهد شد، و در داستان ذوالقرنین به پیروزی و موفقیت امیدوار می‌شوند.

«سد» ذوالقرنین

از آیه‌های ۹۴-۹۳ فهمیده می‌شود ذوالقرنین در مسیر «بطرف مشرق» خویش به

جائی رسید، که مردم آنجا، مورد هجوم «یاجوج و ماجوج» قرار می گرفتند. «دو سد» ذکر شده در آیه ۹۳ بنا به شرحی که در المیزان آمده می تواند دو رشته کوه باشد که در جائی مسطح بودند و اقوام وحشی (مثلاً همان یاجوج و ماجوج) از آن نقطه مسطح نفوذ کرده و اقوام متمدن مورد بحث آیه ۹۴ را مورد قتل و غارت قرار می دادند و آنها از او کمک خواستند و او با کمک آنها در آن نقطه مسطح نوعی دیوارکشی فلزی بشرح آیه ۹۶ نمود و این امر آن قوم وحشی را در پشت آن دیوارها زمین گیر کرد.

مرحوم استاد کامبوزیا، در مقاله بسیار قابل توجهی که حدود ۳۵ سال پیش (اینگ سال ۱۳۸۷ است) بصورت جزوه ای از سوی «شرکت سهامی انتشار» منتشر شده بود، نقطه مورد بحث را قسمتی از چین و یاجوج و ماجوج را نیز قومی از اقوام مغولی و ذوالقرنین را نیز یکی از پادشاهان چین معرفی کرد. در تفسیرالمیزان به نقل از «جواهرالکلام» ذوالقرنین را «کورس هخامنشی» معرفی نموده است و هر یک برای مدعای خویش دلایلی ذکر کرده اند که قابل توجه نیز می باشد.

اما هرچه باشد، از نظر ما و در اینجا، فقط این مقدار مهم است که چنین کسی بوده و چنین امکانات و قدرتهائی داشته و چنین توفیقاتی در جهت خدمت به خلق خدا داشته و شرح کارهای او، مسلمانان آن روزهای قبل از هجرت را امیدوار نموده که ممکن است روزی فشارهای موجود علیه آنان برطرف شده و آنها نیز به موفقیت و پیروزی و یک زندگی مطلوب برسند، و ایمان و قدرت و ثروت منافعی یکدیگر نیستند. و از این نظر مثل اصحاب کهف است که سئوالهایی از قبیل اینکه چند نفر بودند و اسامی آنها چه بوده و لباسهایشان چگونه بوده و غیره و غیره، ولو که امکان اطلاع بر آنها را هم بیابیم، چیزی به مقصود بیان داستان آنها نمی افزاید و اگر هم نتوانیم بیابیم، ضرری به مقصود نمی زند. در مورد ذوالقرنین نیز همینطور است.

همین مقدار که بدانیم که او مرد مؤمن و صالح و عادل بوده و خداوند با وجود ایمان و صلاح و عدالتش آنهمه امکانات به او داده، و او را توانا کرده که به شرق و غرب عالم مسافرت کند و در هر جا عمل خیر و مصلحانه و عدالت گسترانه‌ای انجام دهد و با مفسدین و متجاوزان و کافران برخورد قوی محکم مؤثر کند، مایه امیدواری مسلمانان آروزی مخاطب این آیات بود.

اما ضمناً این را هم باید دانست که کلمه «رحمت» در آیه ۹۸، با توجه به سابقه‌ای که از این کلمه در سوره‌های قبل داریم نوعی هدایت خاص الهی است (مثلاً مانند وحیی است که به پیامبران می‌شود) و لذا این شخص علیرغم ثروت و قدرتی که داشت مردی بود در حد پیامبران و هرچه باشد، این شخص باید کسی باشد مانند سلیمان که هم پیامبر و هم سلطان بود.

با توجه به آیه ۹۸ عمر سد مذکور نیز مطابق آیه، محدود بوده و ظاهراً امروز دیگر وجود ندارد زیرا با پیشرفت تکنولوژی، امروز دیگر هیچ نقطه مرتفعی نیست که بشر نتواند آنرا فتح کند و نقطه‌ای مرتفع‌تر از قله اورست وجود ندارد که آنهم هر ساله دارد مورد فتح جدیدی قرار می‌گیرد و صعود به قله آن امری عادی شده است.

و علاوه بر آن با این تکنولوژی نقشه‌برداری ماهواره‌ای، می‌دانیم که امروز هیچ نقطه‌ای نیست که پشت آن قومی وحشی زمینگیر شده باشند و ما از آنها مطلع نباشیم بلکه امروز همه اقوام بشری با یکدیگر رفت و آمد و داد و ستد دارند و تقریباً همه سواد و خط و دانشگاه و برق و تلفن و اتومبیل و تفنگ و تلویزیون و کامپیوتر دارند و کم و بیش مانند یکدیگر زندگی می‌کنند و از حال یکدیگر مطلعند و خلاصه اینکه متمدن می‌باشند.

بنابراین در زمانی که برایمان معلوم نیست، سد مذکور (مثلاً در اثر زلزله و یا سایر عوامل طبیعی) از بین رفته و آن نقطه دوباره مانده سابق شده است. اما آثار آن علی‌القاعده باید مانده باشد و این چیز است که باستان‌شناسان باید از روی این سر نخ‌های قرآنی، جستجو کرده و محل آن سد را تعیین کنند.

«محل طلوع» و «محل غروب» از زبان ذوالقرنین بیان شده

با توجه به آیه ۸۶ توجه فرمائید که در آیه، وضعیت «مغرب آفتاب» را «از زبان ذوالقرنین» بیان نموده و فرموده که او «مغرب آفتاب» را آنطوری یافته و عبارت دیگر مطابق زبان و ادبیات مخاطب آنروزی، و از چشم مشاهده کننده زمان ذوالقرنین بیان و تشریح نموده است.

به بیان دیگر، و به زبان امروز می‌توان گفت که ذوالقرنین به نقاط غربی کره زمین (مثلاً مراکش فعلی) رسیده بود و مثلاً به جایی رسیده بود که از آنجا جلوتر نمی‌توانست برود زیرا مثلاً زمین زیر پایشان حالتی نرم و شُل داشت (مثلاً باتلاقی بود) و مقداری آنطرف‌تر هم چیزی می‌دید که گویا چشمه‌ایست که از آن گِل بیرون می‌آید که این موضوع در نقاط آتش‌فشانی دیده می‌شود و نیز چنین می‌دید که خورشید در آنجا فرو می‌رود و تصور می‌کرد که خورشید دارد در چشمه‌ای گِل‌آلود فرو می‌رود.

و در همانجا که متوقف شده بود، و بنظر او «آخر زمین» می‌آمد، قومی ساکن بودند که معلوم می‌شود بد رفتار بودند و یا بعبارت دیگر، بد رفتاری در میان آنان غلبه داشت و مؤمنانِ آنها کم بودند زیرا مجوز عذاب آنها به ذوالقرنین داده شده بود.

از آیه ۹۰ فهمیده می‌شود ذوالقرنین به نقاط شرقی زمین مثلاً جمهوریهای تازه استقلال یافته شوروی سابق و از آنهم دورتر به خاور دور، رسیده بود و چنین یافت که هر چه هم که دورتر برود، باز هم مردمی را خواهد دید که در آنجاها ساکنند. بعبارت دیگر، ذوالقرنین چنین یافت که از طرف غرب به جایی رسیده که بنظر او «آخر دنیا» بوده، اما از طرف شرق، به این نتیجه رسیده بود که هرچه هم که پیش برود، باز هم چنین خواهد یافت که به «آخر دنیا» نخواهد رسید بلکه همواره نقاط مسکونی خواهد دید.

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر! از تو درباره ذی القرنین می پرسند بگو بزودی درباره او برایتان مطلبی میخوانم (۸۳) ای پیامبر! اینک بگو خداوند چنین میفرماید که ما به ذی القرنین در زمین توانمندی داده و از هر چیز سر رشته ای به او عطا کردیم (۸۴) پس او نیز یکی از سر رشته ها را پیگیری کرد (۸۵) تا اینکه به سرزمینی رسید که انگار آفتاب در آن غروب میکند و چنین به نظرش رسید که آفتاب در چشمه ای گل آلود فرو می‌رود و نزد آنجا قومی را یافت. گفتیم ای ذی القرنین اختیار با خودت، در میان این قوم فرمانروائی کن، یا عذابشان میکنی یا در میان آنان طریقه ای نیکو در پیش میگیری (۸۶) گفت اگر کسی ظلم کند بزودی عذابش می کنیم سپس بسوی پروردگارش باز می‌گردد و او به عذابی ناخوشایند معذبش میکند (۸۷) و هر که ایمان آورد و عمل صالح کند جزائی نیکو خواهد داشت و بزودی از امر خویش به او آسانی خواهیم نمود (۸۸) آنگاه باز هم سر رشته ای را پی گرفت (۸۹) تا اینکه به سرزمینی رسید که انگار آفتاب از آنجا طلوع میکند و چنین یافت که آن آفتاب بر قومی طلوع میکند که گوئی بین آنها و آفتاب حجابی قرار نداده ایم (۹۰) چنین است و ما از آن چیزهائی که نزد او بود خبر داشتیم (۹۱) آنگاه باز هم سر رشته ای را پی گرفت (۹۲) تا اینکه به بین آن دو دیواره رسید و آنطرف دو دیواره قومی یافت که وحشی بوده و سخن نمی فهمیدند (۹۳) مردم طرف مقابل به او گفتند ای ذی القرنین این قوم یا جوج و ماجوج در زمین فساد می کنند، آیا ممکن است خرجی بتو بدهیم تا بین ما و آنها سدی قرار دهی؟ (۹۴) گفت توانمندی که خداوند بمن داده بهتر است، اما شما با نیرو کمکم کنید تا بین شما و آنها حائلی قرار دهم (۹۵) برایم قطعات آهن بیاورید. تا اینکه بین آن دو دیواره را پُر کرد. گفت اکنون با آتش به آن

بدمید تا اینکه آنرا مانند آتشی قرار داد. سپس گفت اینک مس گذاخته برایم بیاورید تا بر آن بریزم (۹۶) در اثر این کارها بین دو دیواره پر شد و یاجوج و ماجوج نه میتوانستند از آن بالا روند و نه میتوانستند در آن نقب بزنند (۹۷) گفت این رحمتی است از جانب پروردگارم. اما هنگامی که وعده پروردگارم بیاید آن را هموار خواهد ساخت و وعده پروردگارم حق است (۹۸) ای پیامبر! در روز قیامت همه چیز تغییر میکند و میگذاریم همه عناصر روی زمینی بر هم موج زنند و در شیپور دمیده شود و آنگاه همه آنها را بطور شگفت انگیزی جمع میکنیم (۹۹) و آنروز جهنم را چنانچه باید و شاید به کافران عرضه خواهیم کرد (۱۰۰) به همان کسانی که چشم و گوش شان در مقابل ذکرم در پرده ای بود و نتوانستند سخن حق را بشنوند (۱۰۱) آیا کافران پنداشته اند که بندگانم را بجای من سرپرست گیرند؟ البته جهنم را برای چنین کافرانی بعنوان پیشکشی آماده کرده ایم (۱۰۲)

کَهِفَ ۷ آیات ۱۰۳ تا ۱۱۰

قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا ﴿١٠٣﴾ الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا ﴿١٠٤﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا تُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزْنًا ﴿١٠٥﴾ ذَلِكَ جَزَاءُهُمْ جَهَنَّمَ بِمَا كَفَرُوا وَتَلَاَوْا آيَاتِي وَرُسُلِي هَؤُلَاءِ ﴿١٠٦﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا ﴿١٠٧﴾ خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغَوْنَ عَنْهَا حَوْلًا ﴿١٠٨﴾ قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفَذَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَذَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا ﴿١٠٩﴾ قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَى إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا ﴿١١٠﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول ارائه کرده ایم که مطابق ذیل است:

درس: ای مردم! از نمونه های قابل تحسین گذشته الگو بگیرید و مسیر زندگی خویش را تصحیح کنید.

برآیند درسی فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: عاقبت هر یک از دو گروه که مسیر صحیح و مسیر ناصحیح را برگزیدند و تو ای پیامبر چنین بگو .

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا ﴿١٠٣﴾ الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا ﴿١٠٤﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا ﴿١٠٥﴾ ذَلِكَ جَزَاؤُهُمْ جَهَنَّمُ بِمَا كَفَرُوا وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَرُسُلِي هُزُؤًا ﴿١٠٦﴾

ریزدرب: کسانی که خود را بدبخت و رقت انگیز میکنند چنین اند

۲

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا ﴿١٠٧﴾ خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حَوْلًا ﴿١٠٨﴾

ریزدرب: اشخاصی که عاقبتشان خوش است چنین اند

۳

قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مَدَادًا لَكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفَذَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَذَ كَلِمَاتِ رَبِّي وَلَوْ جُنُتَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا ﴿١٠٩﴾

ریزدرب: ای مردم! چنین خدای عالم و قادری دارید

۴

قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَى إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا ﴿١١٠﴾

ریزدرب: ای پیامبر! راه خوش عاقبتی را به مردم بنما

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبَّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ که ابتدای سوره است می فرماید: حمد مخصوص خداست که این قرآن را نازل کرد، و ای پیامبر! برای انجام رسالت اینقدر بخودت فشار نیاور.

در پاراگراف ۲ می فرماید: ای مسلمانان! آینده از آن عقیده شماست. لذا اینک که می بینید نمی توانید اوضاع واحوال را مطابق خواسته تان کنید، کافی است تسلیم نشوید و عقیده صحیح تان را حفظ کنید. عقیده صحیح شما در آینده فراگیر خواهد شد.

در پاراگراف ۳ می فرماید: ای پیامبر! هر دو گروه کافر و مومن در این جهان میباید امکان لازم را برای امتحان دادن داشته باشند لذا کافی است وحی را به همگان ابلاغ کنی و با پیروانت مصور باشی و به کافران نیز اهمیتی مده، ای پیروان پیامبر! دل خوش دارید که بزودی دوره ناراحتی شما به پایان خواهد رسید و باز هم دل خوش دارید که اوضاع آخرتی مطلوب از آن شماست و مخالفان از آن بی بهره خواهند بود.

در پاراگراف ۴ می فرماید: ای پیروان پیامبر! ازدوستی و تاثیر پذیری از دوستان شیطان بپرهیزید و خود را یکسره به جریان حق و هدایت الهی بسپارید، زیرا در قیامت است که معلوم خواهد شد اگر کسی چنین نکند چه ضرری به خویش زده، و البته خداوند از رحمت خویش به گناهکاران مهلت می دهد تا شاید تحت تاثیر مطالب قرآن قرار گیرند.

در پاراگراف ۵ می فرماید: ای پیروان معاصر نزول رسول خدا (ص)! اینک که شما به شرف

اسلام مشرف شده اید مبدا غرور شما را بردارد و تصور کنید که مثلاً حالا چه شده بلکه باید توجه داشته باشید که چه بسا کسانی هستند که نسبت شما با آنها مانند نسبت موسی(ع) با آن «عالم» است. علاوه بر این توجه داشته باشید که ممکن است اتفاقاتی بیفتد که شما خوش نداشته باشید اما در آن حکمتی نهفته باشد که بعداً متوجه شوید.

در پاراگراف ۶ می فرماید: ای پیروانِ (آن روز) رسول خدا(ص)! دل خوش دارید که هیچ بعید نیست که شماها هم در عین حالی که ایمان صحیح دارید روزی قدرتمند و ثروتمند بشوید و از مشکلاتی که دچارش هستید رها شده و به اقطار عالم نفوذ کنید.

در این پاراگراف می فرماید: بدترین مردم کسانی هستند که کوشش آنها در زندگی دنیا به جایی نرسید و تصور هم می کنند که دارند کار خوب میکنند. و ای پیروان پیامبر(ص)! دل خوش دارید که خدای تان بزرگ و پیامبرتان بزرگ و سعادت دوجهان از آن شماسست در صورتیکه درگرایش تان ثابت قدم واستوار بمانید.

۴ - سوالات

- ۱- حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ (تشویق پیروان پیامبر ص-؟ یا...؟)
- ۲- منظور از «نا» در «جننا» (آیه ۱۰۹) چیست؟
- ۳- اگر خداوند جواب سوال فوق باشد (که هست) در آنصورت، پس از «ربی» دوم، موضوع کدام کلید فهم قرآن اتفاق افتاده؟
- ۴- در بسیاری از روایات داریم که وجود مقدس رسول اکرم (ص) سایه نداشت، یا اینکه آنحضرت همانطور که روبرویش را میدید پشت سرش را هم میدید، با توجه به آیه ۱۱۰، روایات مذکور و مشابه آنها را ارزیابی کنید.
- ۵- تا اینجا (سوره کهف، به ترتیب نزول) تعریف «عمل صالح» (آیه ۱۱۰) چیست؟
- ۶- آیا مطالعه این تفسیر را از ابتدا (سوره عصر) شروع کرده اید؟

۵ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه های ۱۰۵ تا ۱۰۸ «قیامتی» است، و هیچ بنی بشری تجربه اش را ندارد، و قبل از قیامت نخواهد داشت، لذا، چه در آن روزهای نزول وحی و چه الی یوم القیامه بالاتر از ذهنیات بشر خواهد بود. مکانیزم اجرائی آیه ۱۰۹ برای ما ساکنان قرن ۲۱ نیز روشن نیست چه رسد مخاطب های اولیه!

۶- کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه های ۱۰۶ تا ۱۰۸، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

چطور ممکن است؟

با توجه به آیه ۱۰۹ خواننده ممکن است هنگام خواندن این آیه تعجب کند و بگوید چگونه چنین چیزی ممکن است! اما اگر توجه کنیم که نعمتهای خداوند بی نهایت است و از برخورد دو یا چند نعمت، نعمت جدیدی آفریده می شود که تازه با برخورد آن با نعمتهای سابق، باز هم نعمتهای جدیدی ایجاد می شود، و این سیکل تا بی نهایت ادامه دارد (یعنی می شود «فاکتوریل بی نهایت») آنگاه موضوع را اندکی بهتر درک می کنیم.

من بشری مثل شما هستم!

در رابطه با آیه ۱۱۰ باید گفت اشاره به «بشر» بودن پیامبر(ص) اشاره به محدودیت ها است.

مثلاً اینکه پیامبر-ص- هم مانند ما نیاز به غذا و خواب دارد و خسته هم می شود، و عصبانی هم می گردد.

یا اگر آزار و اذیت شود دردش می آید و ناراحت می شود.

اما اشاره به مورد «وحی» واقع شدن، اشاره به این است که آنحضرت در عین بشر بودن ظرفیتی دارد که ما نداریم و آنهم این است که می‌توانسته «گیرنده» وحی باشد و ما نمی‌توانیم.
سخن در این باره زیاد است اما در ظرفیت این مختصر نیست.

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر! بگو آیا خبرتان بدهم چه کسانی از جهت عمل زیانکارترند؟ (۱۰۳)
همانهایی که سعیشان در زندگی دنیا بی نتیجه شد و فکر میکردند دارند کار خوب می‌کنند (۱۰۴) آنها کسانی هستند که به آیات پروردگارشان و ملاقاتش کفر ورزیدند، لذا اعمالشان نابود شده و روز قیامت برایشان وزنی بپا نمی‌کنیم (۱۰۵)
جزایشان جهنم است بواسطه کفری که ورزیدند و آیات و فرستادگانم را به مسخره گرفتند (۱۰۶) البته مومنان دارای عمل صالح پیشکشی شان بهشت های فردوس است (۱۰۷) که در آن جاودانند که تغییری را در آن نمی‌خواهند (۱۰۸) بگو اگر دریا برای نوشتن کلمات پروردگارم مرکب بود، قبل از اینکه نوشتن کلمات پروردگارم تمام شود دریا تمام میشد حتی اگر نظیر آن را نیز بکمک می‌آوردیم (۱۰۹) بگو جز این نیست که من بشری مانند شما هستم با این فرق که بمن وحی میشود که خدایتان خدائی یگانه است. پس کسی که امید دارد به لقاء او برسد باید عمل صالح کند و در عبادت او کسی را شریک نکند (۱۱۰)